PDF.tarikhema.org

انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
« ۳۳/۳ »

هنر ایران

با تجدید نظر

اثر : پروفسور اندره گدار
ترجمه : دکتر پیروز حبیبی

۱۳۷۷

tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
(۳۳/۳)

هنر ایران

با تجدید نظر

اثر : پروفسور آندره گدار
ترجمه : دکتر بهروز حبیبی

۱۳۷۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

((۳۳ / ۳))

عنوان کتاب	:	هنر ایران
تألیف	:	پروفسور آندره گدار
ترجمه	:	دکتر بهروز حبیبی
محل نشر	:	تهران
ناشر	:	مرکز چاپ وانتشارات دانشگاه شهید بهشتی
تاریخ نشر	:	۱۳۷۷
نوبت چاپ	:	سوم
شماره رده بندی دیویی	:	۷۰۹ / ۵۵ ۲۴۱۵ ک
شماره رده بندی ال سی	:	۴۵ ک / N ۷۲۸۰
شابک	:	۹۶۴_۴۵۷_۰۰۷_۳

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دربارهٔ نویسنده

tarikhema.org

نویسنده این کتاب در سال ۱۹۲۸ بنابدعوت دولت ایران بـرای تاسیس یك سرویس باستان شناسی و اقدام به بررسی وارزیابی صحیح وتنظیم فهرستی از ابنیه تاریخی ایران ودر ضمن ترمیم وتجدید ساختمان آنها بایران آمد. پس ازانجام قسمت اصلی این برنامهٔ مهم و گذراندن بیش ازسی سال عمردرنقش یك معمار وباستان شناس وکارشناس موزه، درسال ۱۹۶۰ به‌میهن خود فرانسه بازگشت.

آندره گدار، ازآغاز تحصیلات خود در دانشکده هنرهای زیبای پاریس، وقت خود را در معماری وباستان شناسی خاورمیانه و مخصوصا ایران صرف نمود. تحصیل وتحقیق در این دورشته برای او نیزهمچنانکه برای هرتسفلدکه درمعماری تحصیلات عمیقی کرده بود ومهندس ژ. دمرگان هنگام برداشت نقشه ابنیه نیمه ویران بسیارگرانبهابوده‌است.

آندره گدار، علاوه برتاسیس سازمانهای اداری، هیأت هائی تشکیل داد که‌درتعمیرابنیه تاریخی وکلیك باستانی ساختمانها تخصص داشتند وتوسط این هیأت ها بود که مسجد جامع مسجدشاه، مسجد شیخ لطف‌اله ومدرسه شاه سلطان حسین در اصفهان وابنیه با شکوه دیگری که درشرف انهدام بودند تعمیر شدند.

آندره گدار درضمن تعمیر ابنیه باستانی، اقدام بساختمانهای نوینی کرده است که موزه ایران‌باستان درتهران وطرح نقشه‌اساسی دانشگاه‌تهران ونظارت درساختمان‌آن ازآن‌جمله‌اند. تأسیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز ازکارهای او است. وی ریاست دانشکده مزبور را عهده دارگردید و درتربیت معماران ایرانی که تا پیش ازآن درخارج کشور تحصیل میکردند سهمی بزرك دارد.

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

گرچه آندره گدار بهنر اسلامی معروبین‌النهرین وابنیه دوره غزنوی موجود درافغانستان، علاقه نشان‌داده وبا اینکه با همکاری با نوگدارمطالعاتی درنقاشیهای بودائی «بامیان» کرده، باوجود این فعالیت باستان شناسی خود را درایران بعمل آورده است وی ازاولین کسانی‌است که نسبت به مفرغهای لرستان که بزودی علاقه‌موزه‌ها ومجموعه‌داران‌جهان‌را بخود جلب کردند توجه خاص نموده و درسال ۱۹۳۱ کتاب خود رابنام‌مفرغهای لرستان بچاپ رساند.

دربخش اول‌کتاب «هنرایران»درباره مفرغهای‌مزبوربدرازاسخن‌گفته شده زیرا مدارك باستان‌شناسی بسیارمهمی برای مطالعه زندگی وتمدن‌دوره‌پیش‌ازتاریخ‌مردم‌سلسله جبالزاگرس که ناحیه باختری فلات ایران را محدودکرده وآنراازکانون‌فرهنگی شگفت‌انگیزبین‌النهرین جدا میکند در دسترس میگذارد.

در چهار فصل بعدی این‌کتاب ، هنر هخامنشی ، سلوکی، پارت ، ساسانی و اسلامی بررسی شده‌است .دراین فصول بیشترهنرساختمان ، درمجسمه‌سازی و دردوره اسلامی ، بهمراهی‌کاشی‌کاریها مورد بحث قرارگرفته است و درحقیقت ادامه هنر در دوره سه‌هزار ساله تاریخ ایران درمعماری است‌که بیشتر نمایان است.

همانطورکه‌درمطالعات‌تخصصی که‌مولف‌این‌کتاب درسالهای۱۹۳۶-۱۹۴۹درگزارش‌های سالانه اداره باستان شناسی زیرعنوان «آثارایران» انتشار داده، در«هنرایران» نیز بامقدمه خود او دیدحساس و دقیقی که از خصوصیات روش آندره‌گدار است بچشم میخورد .

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مقدمهٔ نویسنده

tarikhema.org

در این مطالعهٔ تمدن ایرانی یابهتربگویم، در مطالعه هنری که مبین حساس آنست، من مخصوصاً به بیان پیدایش وتحول معماری ایران که جز در خود ایران بخوبی شناخته نشده وجز درخود این کشورنمیتوان بخوبی آنرا مورد مطالعه قرار داد ؛ به پیکرتراشی که تادوره اسلامی باآن همعنان بوده ، به هنرکاشی کاری که همـان نقش را پس از اسلام داشته و بالاخره به هنرزرگری و سکه شناسی که گنجینهٔ آموزنده ایست پرداخته ام ، از صنعت کوزه گری و بافندگی وقالی‌بافی و نقاشی که اروپا و امریکا مجموعه های عالی از آنها در اختیار داشته و موضوع نشریات مهمی گردیده‌اند نسبة باختصار کوشیده و همواره تلاش کرده‌ام تااز لابلای اسلوب‌ها و نفوذهای بیگانه سررشته ممتد هنرایرانی‌را بازیابم .

شبد قیافه جدید معماری باستانی ایران در دوره اسلامی است که به بهترین وجهی اسلام را از نظرهنری و هم ازلحاظ وسائل‌تأثیرنفوذش روی‌تمدن کهن‌ایرانی‌بمامیشناسانند . باوجود این تاسال ۱۹۲۶ ، تاریخ جلوس اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بتخت سلطنت ، هنر ایران درنظر جهانیان ، جزدرمورد هنرهای صغیره که شاهکارهای‌آن درویترین موزه‌های بزرگ عمومی و خصوصی جهان در معرض نمایش گذارده شده بودند ناشناس مانده بود . از معماری ایران ، بسبب عدم علاقه مردم بحفظ بقایای آثار تمدن باستانی خود همچنین بعلت تعصبی که ورود خارجیان غیر مسلمان را باماکن مذهبی منع میکرد ، حتی درخود ایران هم اطلاع درستی دردست نبود . بعلت کمی مسافرت بوسیله کاروان و درجاده های

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

طبیعی در زمانیکه خیلی از آن دور نشده ایم ، چند بنائی‌که مسافران خارجی تشریح کرده اند همواره همانهائی‌هستندکه در مجاورت دوخط‌جاده سراسری ایران از تبریز به بوشهر (از راه سلطانیه ، قزوین قم ، اصفهان ، و شیراز) و از قصرشیرین به مشهد (از راه‌کرمانشاه ـ همدان ـ قزوین ـ تهران ـ دامغان و نیشابور) واقع شده اند وباید افزودکه شرح و نقوشی هم که مسافران مزبور درآثار خود منتشرکرده اند باهم مطابقت ندارد .

دردوران‌پادشاهی‌اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، یعنی از سال ۱۹۲۶ تا۱۹۴۱برخلاف گذشته ورود وکارکردن در تمام ابنیه مقدسه ایران حتی درآستانه های مشهد و قم نیز امکان پذیرگشت . بعلاوه احداث جاده‌های متعدد جدید ،کشف ابنیه ایراکه تا آنوقت ناشناس‌بودند ممکن ساخت .

از سال ۱۹۴۲ ببعد ،کار بازشناسی و مطالعه در محل‌آثار باز دچار اشکال شد و رهبران مذهبی دوباره ورود خارجیان غیر مسلمان را بابنیه مذهبی ممنوع‌کردند . ولی در مدت پانزده‌سالیکه امکان اینکار فراهم بود فرصت‌کافی‌برای بررسی و رسم و عکس ـ برداری و اندازه‌گیری صدها بنای باستانی بدست آمد و تعداد آنها چه ازنظر فنی وچه از نظر تزئینی برای بررسی دقیق و مفصل معماری ایرانی کفایت میکردم گرچه ما هنوز از مرحله مطالعات تاریخی و فرضیات پیشتر نرفته ایم ؛ باوجود این اکنون موفق بحل بسیاری از مسائل اساسی‌گشته ایم . اکنون این امکان بدست آمده‌است که از پشت پیچیدگیهای نفوذهای قابل‌تشخیص، درابنیه‌ایکه صدبار تغییرشکل یافته یا بد تعمیرشده اند تاریخ آنها و رفته رفته تاریخ کامل هنر ایرانی را از دورترین ازمنه تا دوره‌های نزدیکتر بازسازی‌کنیم .

بااین‌همه بنظرم رسید اگر ابتدا در نشان دادن شخصیتها و شرح وضع زمان و مکان و چگونگی حوادثی‌که ذکر شده ولو باختصارخودداری میکردم ، این‌کتاب‌برای خواننده چنانکه باید قابل درك نمیبود ، بنابراین در مقدمهٔ هریك از فصول پنجگانه این کتاب علاوه برمقدمه‌ای از تاریخ تمدن ایران بعنوان فتح باب نقشه مربوط بدوره مورد بحث نیز ترسیم‌گردیده تااین‌مشکل‌را از میان بردارد .

علاوه‌براین دربرخی ازبخشهای متن یادداشتهائی برای توضیح مسائل مذهبی نظیر مزدائی اولیه ، آئین زرتشت ، مزدائی ساسانی ، مذهب مانوی ، مزدکی . تشیع و تسنن نوشته شده یاتوضیحاتی‌مربوط به کشفیات جدید نظیر حسنلو داده شده‌که درجنوب‌باختری دریاچه رضائیه یا درقریه عمان و دیلمان وپیرکوه درقلل زاگرس‌که راه‌عمده آنها همان راه املش است و مقدار بیشماری از اشیاء وآثار باستانی‌که‌گاه تاریخشان بیش از هزار سال از هم فاصله دارد ازآن نام‌گرفته‌اند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از طرف دیگر برای سهولت درك فوری قسمتهائیکه بیشتر جنبه فنی دارند طرح‌ها و نقشه‌های بسیاری راجع به متن‌های مربوطه ترسیم کرده‌ام که برای بخش اول که ازدوره پیش از تاریخ بحث میکند باز یافته‌های باستانشناسی بعلت نقص‌بایگانی تنها مدارك‌موجود ازآن دوره را تشکیل میدهند و در سه فصل اخیر که موجب تشخیص عوامل معماری اسلامی از اشکانی و ساسانی میشوند بسیار مفیدند ، درعکس‌های سیاه و رنگین خارج از متن در عوض،خصوصیات پلاستیك هنر ایرانی نموده شده اند مدارکی که درآنها جمع آمده اند گواه خصوصیات و اصالت هردوره بوده و درعین حال شاهد بقای روح ایرانی آنها در سیرقرون میباشند .

درآخراین جلد نقشه عمومی کشور و جدولهای تاریخی سلسله‌های مهمی که‌درایران حکومت کرده اند و یادداشتهائی ازکتابهایی که درطی‌فصول به آنها اشاره شده و فهرست کتب مزبور و نیز فهرست مطالب کتاب و جدولهائی ازاشکال‌آورده شده‌اند .

درخاتمه لازم میدانم ازکلیه کسانیکه مؤلف را درگردآوری تصاویر این کتاب یاری کرده اند بخصوص از رؤسای موزه تهران ، موزه لور ، دفترنشانهای کتابخانه ملی ، موزه هنرهای تزئینی و موزه بغداد و همچنین ازآقای ا . ف . شمیت از مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو ودارندگان مجموعه‌هائی که مایل به ذکر نامشان نبوده اند صمیمانه سپاسگزاری کنم .

آ . گ

پاریس فوریه ۱۹۶۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش اول

ایران اولیه

۱ فلات ایران وسلسله جبال زاگرس

tarikhema.org

ایران چنانکه میدانید فلات وسیعی‌است که باسلسله کوه های عظیمی احاطه شده‌است. داخل این فلات راکه دیوارهای‌آن تقریباً بطورکلی جلوریزش باران را گرفته وآنرا از فعالیت های حیاتی باز داشته ، زمین‌های سنگلاخ و بیابانی‌وخالی‌ازآبادانی تشکیل میدهد استانهای مرزی نسبتاً مرطوب و تب‌خیز وچندین ماه از سال دارای حرارتی شدید و غیر قابل تحمل‌اند . مراکز روستاها بعلت فقدان ارتباط و راههای سهل‌العبور بشکل‌دهکده ـ های‌کوچك یابازار دادوستد محصولات‌کشاورزی است و بعضی ازآنها نیز بادیوارهای‌دفاعی قدیمی بشکل قلعه درآمده‌اند . شهرهای مهم‌که اغلب در دامنه کوه های مرزی و درسطح فلات واقع شده اند ، واحه‌هائی‌هستند، که در مجاورت سیلابهای بهاری ، یانهرهائیکه از ذوب‌تدریجی برف های‌زمستانی مایه‌گرفته ودرمجاری‌عمیق جاری هستند ، قرارگرفته‌اند بعلاوه این‌شهرها کم و بی‌اهمیت هستند و اگر در میان آنها استثنائاً اصفهان ، شهرصنعتی بزرگ ومرکز صنایع بافندگی‌ایران شده ، بعلت وجود زاینده رود است. این رودخانه‌هم در تابستان تقریباً خشك میشود و با کوشش هـای فراوان موفق باتصال قسمی از یکی از شاخه های رودکارون (کوهرنگ) ـ که سرچشمه‌اش درنزدیکی زاینده رود است‌بآن‌شده‌و مقداری برآب آن افزوده شده است . تهران، پایتخت‌ایران‌که اکنون‌کوشش‌های فراوان برای افزایش آب آن میشود ، تاچند سال پیش‌فقط بوسیلهٔ نزدیك چهل مجرای زیرزمینی که‌آنراقنات میگویند مشروب میشد . آب این قنوات از چشمه های زیر زمینی البرز که

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در بیست کیلومتری شهر واقع است بدست میاید . یزد ، شهرصنعتی دیگر نیز باهمین روش ابتدائی مشروب میشود . کرمان ، گلپایگان ، ساوه ، دامغان ، سمنان و غیره بیش از آنها در مضیقه اند .

بنابراین کمی آب درفلات ایران سبب شده است که تنها دردامنه رشته کوه‌های بزرگ نوارهای باریکی از سبزه وکشتزار بوجود آیدکه غالباً مانند لکه‌های سبزی، در حاشیه صحرای بی‌آب و علف بنظر برسد اما در مناطق کوهستانهای مرزی ، مخصوصاً در رشته کوههای پهناور زاگرس و البرز که ایران را ازسوی باختر وشمال محدود میکنند دره‌های وسیع و زیبائی وجود دارند که از بخشش طبیعت کاملا برخوردارند و در این قسمت از کشور است که قسمت مهم وبیش از آنچه گمان میرود تاریخ باستانی ایران بوجود آمده است .

سلسله زاگرس بطول تقریبی هزار و بعرض دویست کیلومتر از چین خوردگیهای منظم و موازی و ارتفاع مساوی تشکیل شده که میان آنها فرورفتگی‌هائی بطول پنجاه تاصد کیلومتر و پهنای یك چهارم آن کشیده شده که خط رابطه‌ای جزکوره راه های گیج کننده و گردنه هائی بارتفاع ۳۰۰۰ متر بین آنها وجود ندارد و تنها کوه نشینان ورزیده میتوانند ازآنها عبورکنند ، نواحی مزبور دارای تنوع شرایط و اختلاف‌هوای بسیار، از حرارت خفه کننده دره‌های پست تاسرمای سخت قله‌هائیکه‌همیشه ازبرف‌پوشیده اند می‌باشد. باین‌جهت و بعلت ارتفاع از سطح دنیا ، محیط بس مساعدی برای کشت درختان وگیاهان کوناگون وجود دارد و ازبرکت رطوبت این دیوارهای کوهستانی که در معرض بارانهای مدیترانه‌ای و حرارت متناسب باعرض جغرافیائی آن منطقه زاگرس راکه در طی قسمت اول این کتاب غالباً ازآن نام برده خواهد شه برای پرورش دام در تمام فصول سال بسیار مستعد ساخته است .

استفاده از این استعدادها روش زندگی مخصوصی به مردم این سرزمین تحمیل کرده‌است. ازآغاز بهارحرارت هوا، گله‌هاوچوپانان آنهاراکه زمستان را دردره‌های عمیق گذرانیده اند به تغییرمسکن و عزیمت بسوی نواحی مرتفع کوهستان مجبور میکند. آنها تا هنگامیکه ریزش برف های اواخر پائیروادارشان کندکه دوباره بطرف دره سرازیر شوند در ارتفاعات مسکن میکنند ، زندگی سیار یاعشیره‌ای برای آنها یك روش کلی است که با بیابان گردی مطلق و نامحدودکه هرقبیله پیوسته باگله‌های خود به جستجوی مرتع بهر ناحیه‌ای تغییرمسکن دهد فرق دارد و زندگی ای است سیار از پائین به بالا و بالعکس بعلاوه در این نقل‌مکان فقط قسمی از افراد قبیله همراه گله‌ها میروند . پیران، کودکان، بیماران و همچنین ارباب حرف وکشاورزان در محل باقی وساکن میمانند ، اینها عموماً در ارتفاعی ازکوهستان، ۱۵۰۰ متر ، در منطقه جنگل‌ها وکشتزارهای اصلی و دراطراف

tarikhema.org

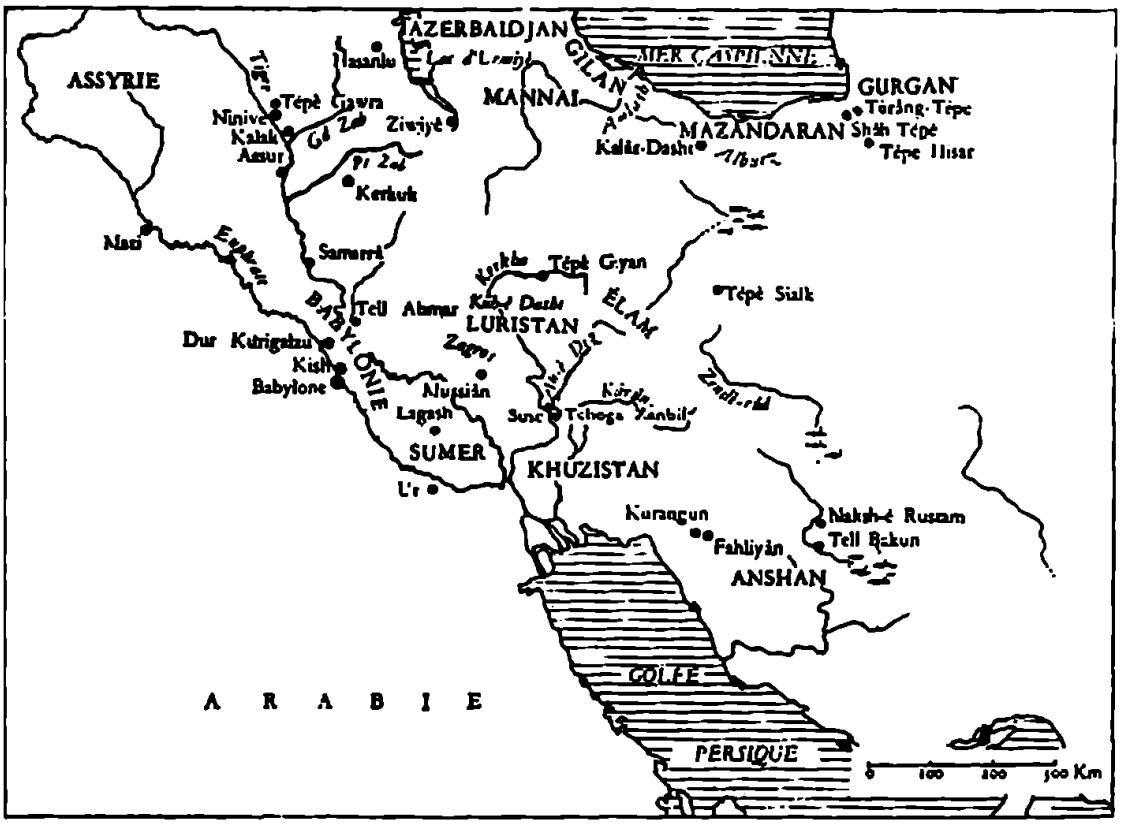
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نقاط وسیعی که برای توقف واستراحت چوپانان وگله‌هایشان هنگام صعود بطرف ارتفاعات وبازگشت بمحل زمستانی اختصاص یافته متمرکز میشوند ، درین دهکده‌ها و مراکز تنظیم رفت و آمد عشیره و درنتیجهٔ انجام مبادلات وتشکیل اجتماع است که بدون شك در اواخر دومین هزارهٔ پیش از میلاد عده زیادی از اشیاء مفرغی مهم و معروف لرستان بوجود آمده است .

tarikhema.org

نقشه ۱. ایران اولیه



PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۲ ایران اولیه

tarikhema.org

منطقه زاگروس بنظر میرسدکه از زمانی خیلی قدیم توسط مردمی‌کـه هنوز اصل و مبدأشان نامعلوم است و آنهارا Asianiques مینامند اشغال‌شده است . و این‌کلمه معمولا معرف مردمی است‌که پیش از آغاز تاریخ در این‌قسمت ازآسیا سکونت داشته اند. جمعیتی که بیشترمورد بحث این‌کتاب است‌بنام «کاسیت »۱ شناخته‌شده‌اندکه ایلامیها«کوسی۲» آشوریها «کاش‌شو» ۳ و مورخین یونانی «کوسائی‌ائی» ٤ مینامند و خود ما نیز مدتها آنهارا «کوسه‌ئن» ٥ میخواندیم .

احتمال میرودکـه در ازمنه پیش از تـاریخ این‌کاسیت ها مانند سایرگروههـای Asianiques در دهکده‌ها و نزدیك چشمه سارها زیسته و اگرهم زندگی خود را بوسیله صیدوشکار تأمین میکرده اند بعدها کم‌کم وبمرورزمان بکشاورزی و دام داری‌گرائیده‌اند چند نوع از حیوانات مانند گاوگوسفند و طیور خانگی را رام‌کرده ومورد استفاده قرار داده‌اند و چنانکه از ظروف گلی مکشوفه درمحل استقرار اولیه‌شان برمیاید، آنها بصنعت

* * *

۱ـ Kassites ۲ـ Kussi ۳ـ Kashshu ٤ـ Kossaïoï
٥ـ Kosséens

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بافندگی هم آشنائی داشته‌اند درشکار بیشتر از فلاخن وگرز یا نیزه استفاده میکرده‌اند تاتیرو کمان‌ودرکشاورزی‌خیش‌هائی‌ازسنگ‌تراشیده وکاردهائی از سنگ‌چخماق داشته‌اند،زیرا تاآن‌زمان‌هنوزفلزی شناخته نشده بود.ظروف‌ساده‌ای‌بادست ساخته‌و در هوای آزاد و درآتش بته‌های خار آنها را می پختند اینها دست‌کم اطلاعاتی است که ازحفریات باستان‌شناسی‌که دریک‌ربع قرن در ایران انجام گرفته‌بدست‌آمده‌است [1] .

بمرور زمان‌که سکنه بیشتر بکشاورزی خوگرفته و نیاز بیشتری بآن پیداکردند ، ایجاد دهکده‌هائی با خانه‌های گلی توسعه یافت. این مردم شکارچی‌که‌کم وبیش متمکن و ده نشین شدند کوره هائی ساخته وآجر را اختراع‌کردند و این‌کار بطورمحسوسی منظره خانه‌های آنها را بهبود بخشید. ذوق وسلیقه‌ها تلطیف شد واین پیشرفت هنری مخصوصاً درهنر کوزه گری وساختن ظروف منالین تجلی‌کرد وشکل‌ظروف زیباترشد. کارهای‌ظریفه که درآغاز منحصراً درسبد بافی نشان داده میشد ، طولی نکشیدکه با نقش پرندگان و بزهای‌کوهی‌که بشکل‌طبیعی طراحی میشد. درآرایش ونقاشی ظروف هم بکار رفت. سپس صنعت فلز کاری پدید آمد ولی نزد روستائیان بکندی پیشرفت نمود،آلات نوك تیزمسی، کم‌کم جانشین استخوانهای تراشیده شدند. اما بکاربردن ابزارهای ساخته شده از سنگ‌چخماق‌وسنگ‌های‌آتش فشانی، گرزهاوتبرهای سنگی همچنان معمول وعمومیت‌داشت. در مقابر یکه موردکاوش وحفاری قرار گرفته اشیاءکوچك زینتی که‌ازمس‌ساخته‌شده،صدفها ومرواریدهای خلیج فارس ، فیروزه‌که درشرق بدست میاید یافت‌شده‌که همه، حاکی ازنوعی مبادله است‌که درآنزمان رواج وتوسعه داشته است.

این‌کارهای ساده، چندین قرن انقلاب مادی ملت‌کشاورزی راخلاصه میکندکه‌آهسته ازصنعت سنگ بسوی صنعت فلز پیش میرود وبه تنهائی وبدون شرکت وکمك خارجی‌ترقی میکند ، در دوره بعدی‌که بازهم متعلق به هزارهٔ‌چهارم‌است سیر ترقیات این تمدن ابتدائی سریع تر و مهم‌تر میشود . باوجود این هنوزهم میتوان آنرا نتیجه یك انقلاب محلی و عادی‌دانست . در این‌دوره‌کوزه گری وسفال سازی فنی‌تر و متنوع‌تر شده است (شکل ۱ تا ۳) ودرتزیینات‌آن انواع بیشتری از حیوانات‌دیده‌می‌شوندکه‌یکدیگر رادنبال کرده وباهم میجنگند(شکل٤و٥) ، و هندسهٔ ماهرانه‌ای در درکارگاه‌های‌اصیل و بدیع شوش‌وتل‌باکون ، تپه سیك و غیره شکل حیوانات را بوسیله لکه‌ها و خطوط مبهم و

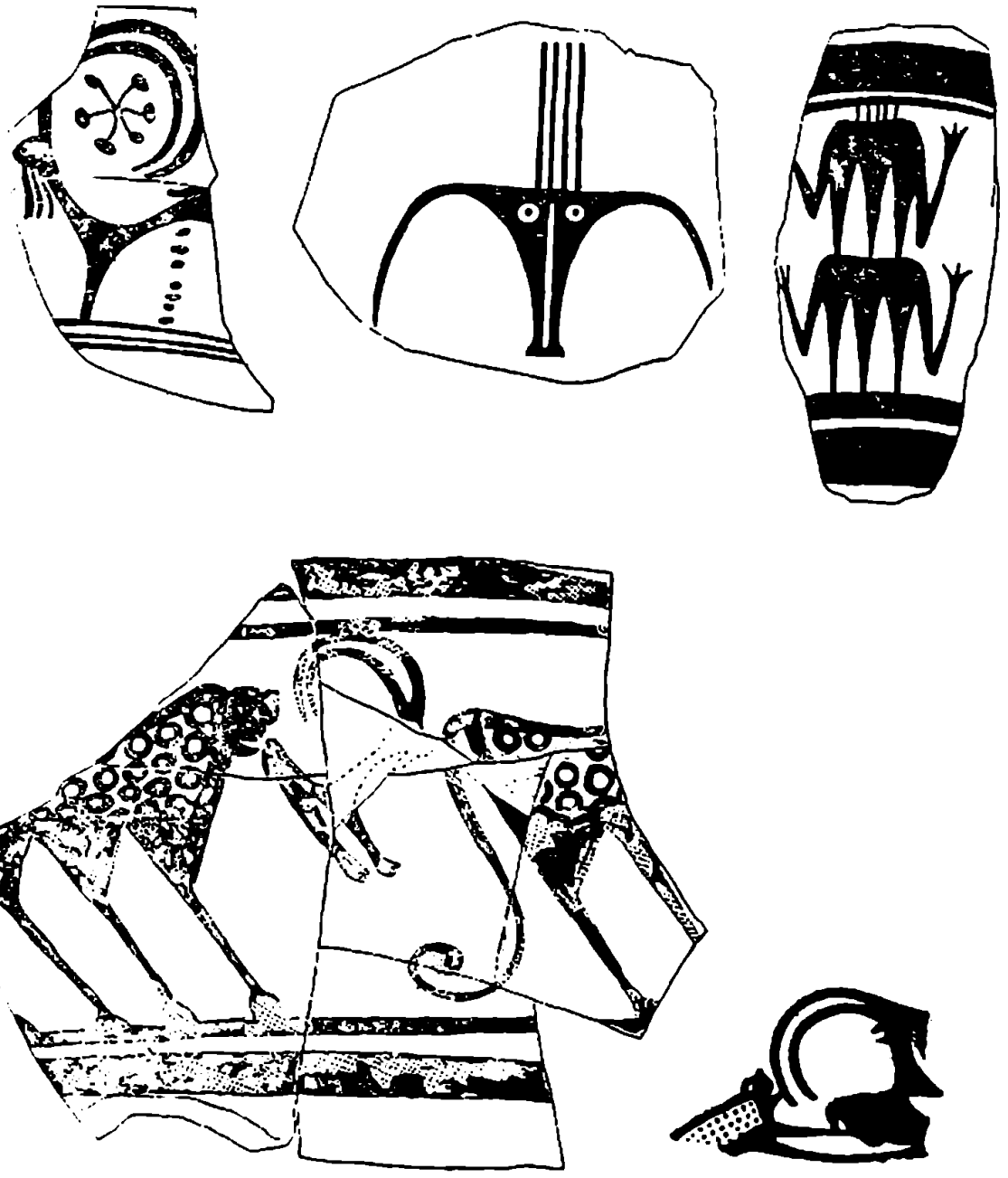
* * *

۱ــ مناطق اصلی‌که در ایران‌حفاری‌شده ، شوش‌در خوزستان ، تپه سیلك‌نزدیك‌کاشان تپه‌حصار ، نزدیك دامغان ، تپه گیان ، نزدیك‌نهاوند تل‌باکون نزدیك‌تخت‌جمشید ، تورنگ‌تپه درگرگان ، حسنلو در آذربایجان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



١ | ٢ | ٣
٤ | د

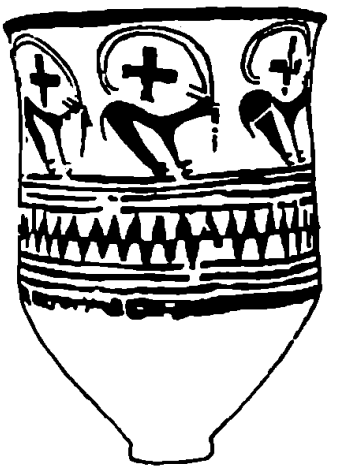
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org











٦	٩
٧	١٠
٨	

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیچیده‌ای نمایش میدهند و بیان میکنند که مناسبت آن با دنیای عجیب خرافات بیشتر است تا به هنر تزئین . (شکل ٦ تا ١٠ و عکس ٦)

انسان عهد قدیم درماند: و همیشه دستخوش وحشت واضطراب ، صحنه های ناگوار زندگی سخت ومحنت بار خود را به نیروهای مقتدر اهریمنی نسبت میداد ، چنانکه مردم قرون وسطی نیز بدبختی‌های خودرا بشیطان نسبت داده او را عامل آن میدانستند . او از چشم زخم و افسون‌ها ونیروی‌شوم آن‌که انسان را از پای درمیاورد میهراسید و برای حفظ خود از شر آنها به طسم‌های گوناگون متوسل میشد . این دعا و طلسم‌ها چه در ادوار گذشته و چه‌اکنون همیشه همراه‌انسان‌می‌بوده تااورا ازحمایت خود برخوردار سازد از اینجا افسون علاقه انسان‌اولیه را بنمـایش مثلا خورشید و حیوانـات منسوب بآن ، مانند عقاب ، شیر ، گاو وغیره در تزئین ظروف سفالین میتوان دریافت .

بدون تردید احتیاج بخداهای‌حمایت‌کننده رانیزحس کرده بود . زیرا از زمانهای خیلی پیش طوفان ، رودخانه ، حیوانـات وحشی انسان وخانه وگله ومحصولات‌کشاورزی را تهدید میکردندوبرای جلب حمایت آن عوامل آنهارا مورد پرستش قرارداده‌بود. مثلا درخت نشانهٔ جنگل و مورد احترام وپرستش قرارگرفت . اکنون نیز در ایران در بیشتر امکنه‌ها که چنارکهنسالی وجود داشته باشد آنرا متبرك و مقدس دانسته با احترام ازآن مراقبت می‌کنند ، درخت معمولا درنقاط طبیعتاًمرطوب یاجاهائیکه بادست‌آبیاری میشوند نمو می‌کند باوجود این‌گاهی در وسط بیابان مسافری تك‌درختی‌را مشاهده میکند،وجود این درخت در چنین جای خشك و لم‌یزرعی حمل براعجاز شده و مورد تقدیس عابرین قرار میگیرد این‌مسافر بامشاهد ، درخت نذری میکند ورشته‌کهنه‌ای بشاخه‌آن می‌بندد و با خیال آسوده بـراه خود میرود . این‌کـار او ندانسته یادگـاری از قربانیهـای دوران باستان است .

این عادی است‌که طلسم های اولیه رفته رفته داخل‌کارهای هنری شده و بآن تبدیل میشوند ، همچنین است در مور احشام (شکل١١ و عکس١) کـه مدتها نمایش زننده و بدریختی از شکل زنی بوده‌که در حفاری بسیاری از مناطق باستان‌شناسی دیده میشود . تقریباً در تمام مذاهب یادگار الهه مادر راکه بشکل ساده مجسم شده حفظ‌کـرده اند . مردم درآن مبدأ و جود را تقدیس‌کرده‌آنرا نشانه باروری و فراوانی‌میشناختند امابمرور زمان پرستش الهه مزبور در مقابل خدایان نرینه‌متروك‌گردید ، باوجود این همیشه مقام همسری و مادری را دربرابر آنها برای خودحفظ‌کرده است .

شاخ های گاو وگوزن، بال‌پرنده ، پوزه شیر یا مثلا پنجه پرندهٔ باطلاقی، تمام یا قسمتی از اشیائیست‌که مجموعه تزئینات سفال‌سازی هزارهٔ چهارم را تشکیل میدهد، نیروی پایداری و دوام این هنر سبب درخشندگی و اشاعه آن در تمـام فلات و حتی ماوراء آن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گردید .

صنایع فلزی در طی‌این دوره توسعه سریع تری داشته است وبدون شك نوع زندگی که در اثر تکثیر گله های دام به قسمتی از جمعیت تحمیل شد عامل مساعد و مؤثر این پیشرفت بوده این‌صنعت چنان بسرعت توسعه یافت‌که شاید اکنون بتوان در سلسله جبال مرزی فلات ایران محل اصلی استخراج و ذوب فلز را شناخت . این کشف مهم نتیجه یك سلسله تصادفات مساعد وفعالیت هائی بودکه توسط قبائل ساکن‌آن نواحی و صاحبان‌معادن بعمل آمد . آنها طریق استخراج و بکاربردن آنرا فراگرفته بودند وهیزم و سوختی را هم‌که‌کوره‌های سفال‌سازی خود را باآن گرم میکردند دردسترس داشتند . بابکاربردن فلزی‌که از معادن خود بدست‌آوردند ، اسلحه و ادوات سنگین‌سابق رفته رفته منسوخ شدند دشنه و خنجر و قلم حجاری و نیزه های مسی فراوان شدند . کرالین و فیروزه مانند سابق در زینت‌آلات مورد استفاده بود و سنگ لاجورد و همچنین سنجاقهای‌بلند مسی باسرهای‌کروی شکل وگردن‌بندهای صدفی و بلورهای معدنی و یشم بآن افزوده شد. مهر تکمه ای و بعداً استوانه‌ای (شکل ۱۲ الف و ب و ۱۳) پیدا شده و بسرعت موارد کار بردشان توسعه یافت .

اشیاء زینتی‌اخیر را باسنگ های‌کمیاب محلی وصدفهای دریائی و فیروزه وهمچنین باسنگ‌لاجورد که از نواحی دوردست و مبادله بامحصولات‌کشاورزی‌خود بدست میاوردند میساختند . « طی این دوره هنوز هیچ دلیل و مدرکی‌که نشانه بروز انقلاب و تغییر اساسی براثر عوامل خارجی [۱] باشد در دست نیست » اما در اواخر هزاره چهارم در تعقیب حوادثی که هنوز برما پوشیده است ، که شاید هجوم ایلامیها بوده باشد این سرزمین زیر تأثیر نفوذ تمدن همسایگان جنوب باختری خود قرارگرفت . از زمانی خیلی قدیم ودرتمام مدت هزاره سوم گیل‌گمش، قهرمانیکه بمقام خدائی رسیده وحماسه‌ها و افسانه مربوط‌باومکرر نقل‌شده روی مهره‌های استوانی‌پدیدار گشت (شکل ۱٤وعکس۵)

در شوش ، تپه سیلك و تپه گیان‌الواحی از گل‌رس بدست آمده‌که متعلق به اواخر هزارهٔ‌چهارم‌یا آغاز هزارهٔ‌سوم‌است(شکل۱۵) درالواح مزبورعلائمی‌که‌نمایندهٔ اصوات‌وافکار است دیده میشود ، بدون تردید از این تاریخ ببعد در ایران وپیش‌ازآن در سومرمنشیانی بوده اندکه اشتغال اصلی‌شان‌نگاهداری حساب اموال مذهبی‌بوده است . این‌علائم‌که‌آنهارا ایلامی عتیق مینامند بنظر نمیرسدکه سیر تکاملی‌کرده باشند درصورتیکه مال سومری‌ها طبعاً دستخوش تحولی از پیکتوگرافی Pictographie به‌ایجاد الفبای هجائی گردیده است این خط طی هزاره سوم ترقیات سریعی‌کرد و باآن شروع بنوشتن قوانین ، عبادات ادعیه و مناجات ها و غیره‌کردند .

احتیاج به بیان احساسات مجاز و مورد پذیرش قبائل مختلف ، بآنها اجازه داده که در تمام فلات پخش و مستقر گردند . اما درباره مذهب . هنوز خیلی مشکل است‌که از

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نقطه‌نظر هنری بتوان فرضیات معلومه را روشن نمود . (عکس٤)

در ایران چنین بنظر میرسدکه همرواعتقاد و ایمان قدیمی نسبت بخدایان باروری، فراوانی ، پرستش‌خدای مار هم ازنظرنشانهٔ باروری بطور مخصوصی از هزاره چهارم [۲] تاهزاره اول پیش از میلاد جاری بوده و بطوریکه مهرهای تکمه‌ای (شکل۱۲ الف ب) وظروف سفالین‌کبود و ذغالی[۳] (عکس ۲) و همچنین حجاری های برجسته مهم روی صخره‌هاکه اثر آن هم‌اکنون در نقش‌رستم۱ [٤] وکوران‌گون۲ [٥] (شکل١٦) دیده میشودهمچنان پابرجا بوده است.

در اواخر هزاره سوم و طی هزاره دوم صنعت مفرغ سازی بیش از پیش بامهارت و استادی توام بوده است . سفال‌سازی تااندازه ای ظریف شده و گاهی بانقوش کنده‌کاری آرایش‌یافته مانند بزکوهی‌مکشوفه‌کلاردشت ۳ (شکل۱۷)که بیشتر درآن بصافی‌ولطافت شکلی توجه شده و همچنین‌کاسهٔ مکشوفه در املش .

برعکس در تزئینات نقاشی روی سفالها نسبت بزمان‌گذشته اصالت وابتکارکمتری دیده میشود باوجود این یك نوع‌سفال‌کبود ذغالی‌بشکل غیر متعارفی [٦]در تورنگ تپه ، در همانجائیکه مجسمه های کوچکی ازگل پخته بدست آمده و حاکی ازمهارت درنمایش نقوش بر جسته انسانی است (شکل۱۸) این مجسمه های‌کوچك‌که در سرآنها فرورفتگی مدوری برای نصب‌گیسو وحدقه های فرورفته‌ای است‌که باید باماده سفید رنگی آرایش‌یابد در سایر نقاط فلات ناشناس‌هستندودرهیچیك‌ازنقاط دیگرجهان‌یافت نشده‌اند مگرتاآنجائیکه من میدانم‌درجزایر دریای‌اژه‌از این رومیتوان‌حدس‌زدکه اینها کار مردمی‌است‌که‌دراواسط هزاره دوم از سمت خاور حرکت‌کرده و باپیمودن طول سواحل خزر اما بدون عبور از البرز ، بسوی باختر رهسپار شده و سفر خودرا درجزایر دریای اژه پایان داده‌اند .

* * *

۱ــ درچندکیلومتری شمال تخت جمشید

۲ــ در روی صخره‌ای مشرف برودخانه واقع درشمال بوشهر

۳ــ دخمه قدیمی مازندران در دامنه شمالی البرز در شمال باختری تهران

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکس های از ۱ تا ۹

۱ ـظرف سفالی : البرز ـ ۲۴۰۰ تا ۲۲۰۰ پیش از میلاد . بلندی ۲۱/۵ سانتیمتر. مجموعه خصوصی . دارای تزئینات مفتولی ونکته جالب در آن منافذی بر دو پستان تنگ ظرف است که از آن آب می‌جهیده است .

۲ ـظرف کوچك سفالی : البرز ـ ۲۴۰۰ـ ۲۲۰۰ پیش از میلاد .درازا ۱۳/۲ سانتیمتر، مجموعه خصوصی.

۳ ـعطردان : شوش ۳۰۰۰ ـ ۲۸۰۰ قبل‌از میلاددرازا ۷سانتیمتراز سنگ‌رخام موزه‌لوور پاریس .

۴ ـمجسمه از سنگ گچی .شوش ۳۰۰۰ ـ ۲۸۰۰ پیش از میلاد بلندی ۱۱/۵ سانتیمتر. موزه‌لوور ـ پاریس.

۵ ـگسترش یك مهر استوانی از دوره اکد ـ بگمان از بین‌النهرین ۲۴۰۰ ـ ۲۲۰۰ پیش از میلاد . بلندی۴۳ و قطر۲۸ سانتیمتر موزهٔ ریبرگ ـزوریخ .
منظره جدال گیلگمش‌با گاوان وحشی‌مرداب و در فاصله تکرار این نقش‌منظرهٔ جدال‌شیر ـ وگاونر مشاهده میشود که‌این گا و برخلاف گاوان‌مرداب فاقد شاخهای‌بلند است.مجموعه جدال حیوانات و گیلگمش‌و درندگان‌شاخص دورهٔ اکد می‌باشد .

۶ ـجام سفالی. قبرستان شوش . ۳۲۰۰پیش از میلاد . قطر ۱۹ سانتیمتر . موزه لـوور پاریس داخل ظرف از خمیری‌نرمتر و خامه رنگی پوشیده و اشکالـی بر آن‌نقاشی شده .

۷ ـمشربه ؛ قبرستان سیلك ۱۰۰۰ ـ۸۰۰ پیش از میلاد. بلندی۱۵ .درازا ۳۱ سانتیمتر. مجموعهٔ‌کوافر . موزه‌لوور ـپاریس.
در دو طرف بدنهٔ‌ظرف نیمرخ قوچی برنگ قهوه‌ای برمتن‌کرم صورتی منقوش است،سایر نقوش هندسی‌است.ظروفی‌که لبهٔ درازی‌دارند معمولا از قبور کشف می‌شوند متعلق به آئین‌های عزام می‌باشند

۸ـظرف سه‌پایه . ناحیهٔ لرستان ۱۱۰۰ ـ ۹۰۰پیش‌ازمیلاد. بلندی۱۲ سانتیمترمجموعه کوافر . موزهٔ لوور ـ پاریس . این ظرف از خمیری‌زبر ساخته‌شده و دو دستهٔ آن آویختن آنرا ممکـن میساخته است نقوش آن هندسی و برنگ بنفش تیره است .

۹ـپوشش‌دیوار از گل پخته ؛ شوش۱۱۶۵ ـ ۱۱۵۱ پیش از میلاد . بلندی ۱۳۵ سانتیمتر موزه لوور ـپاریس . این سه بدنه ازتزئینات معبدیست که بفرمان کوتیر نهونته و پسرش شی‌لـك ـ این شوشی‌نك شاه انشان وررشوش‌ـ ساخته‌شده .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

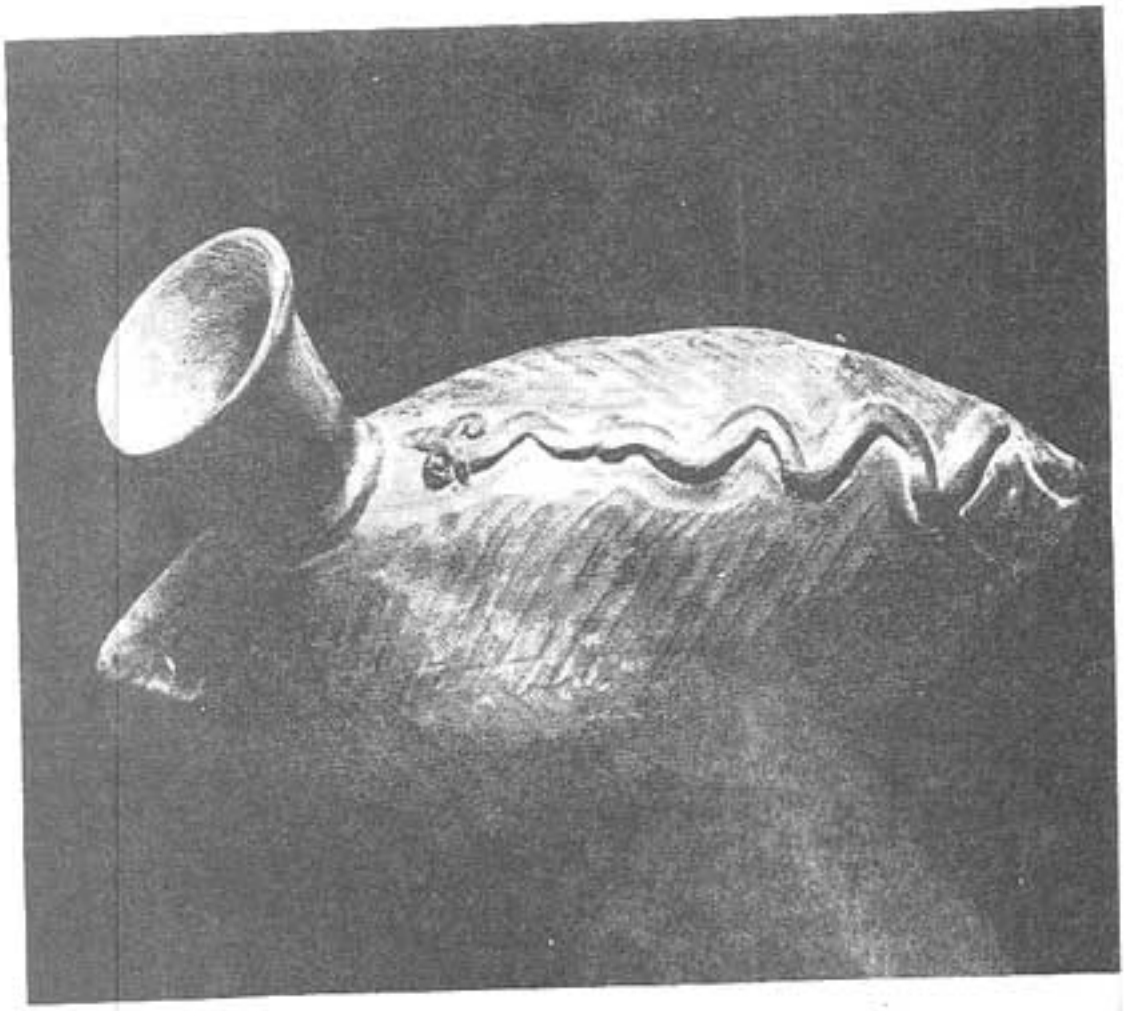
PDF.tarikhema.org

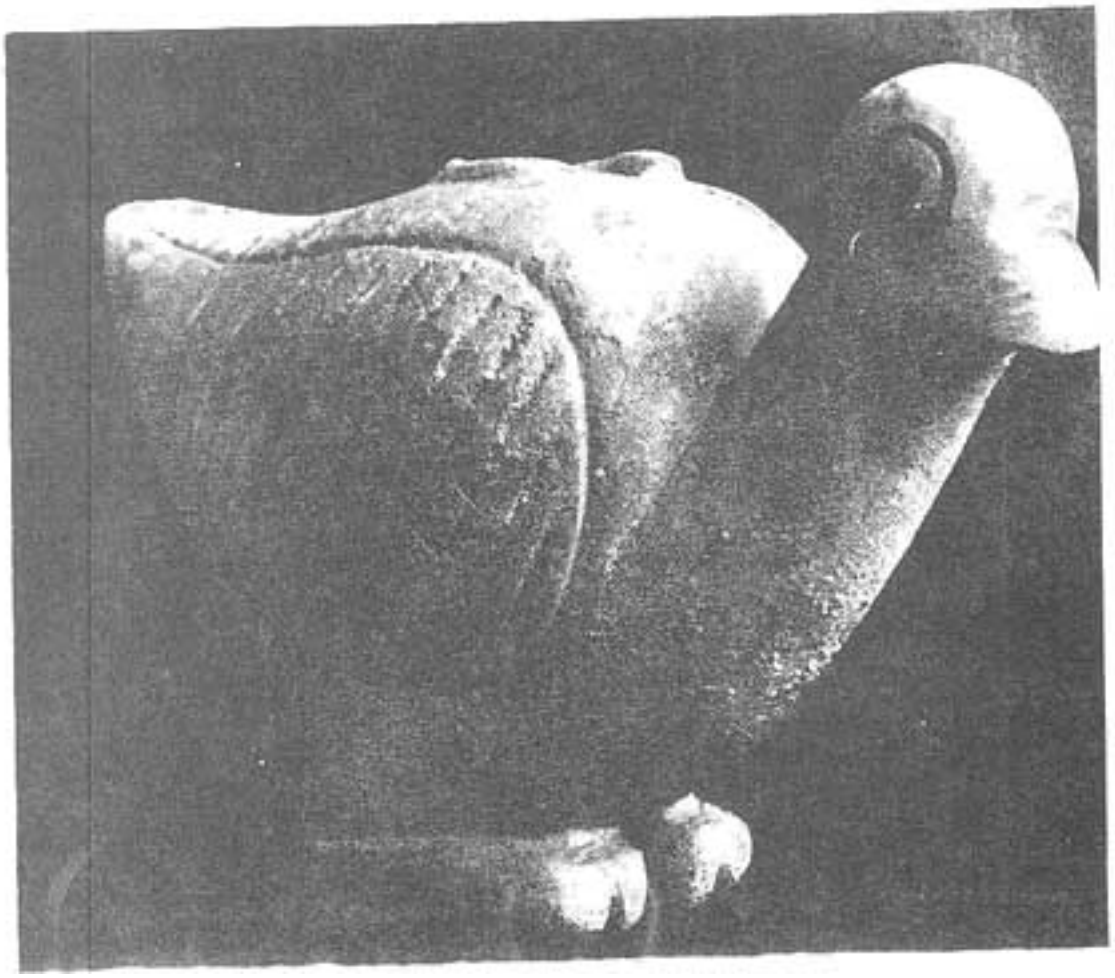


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

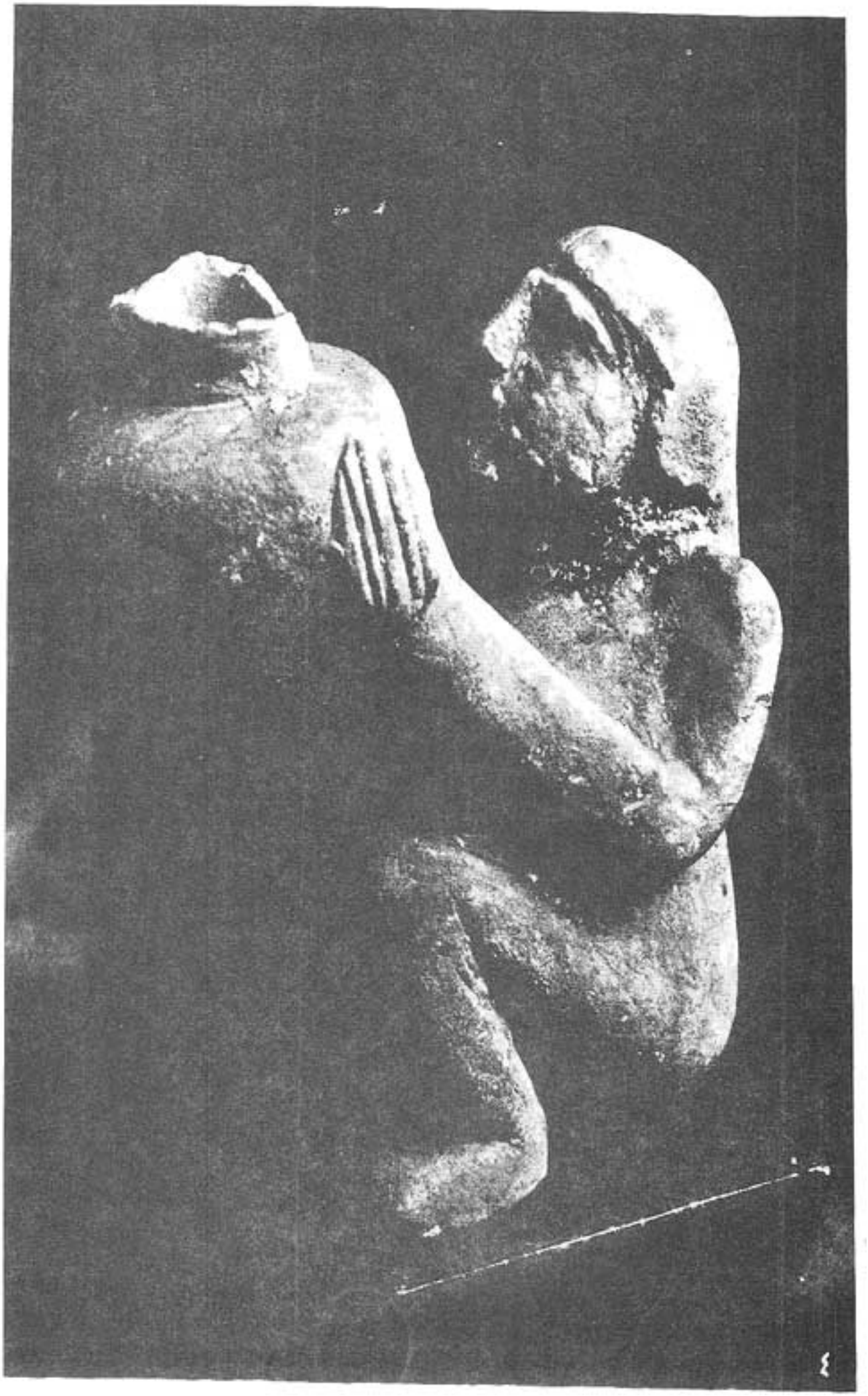




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

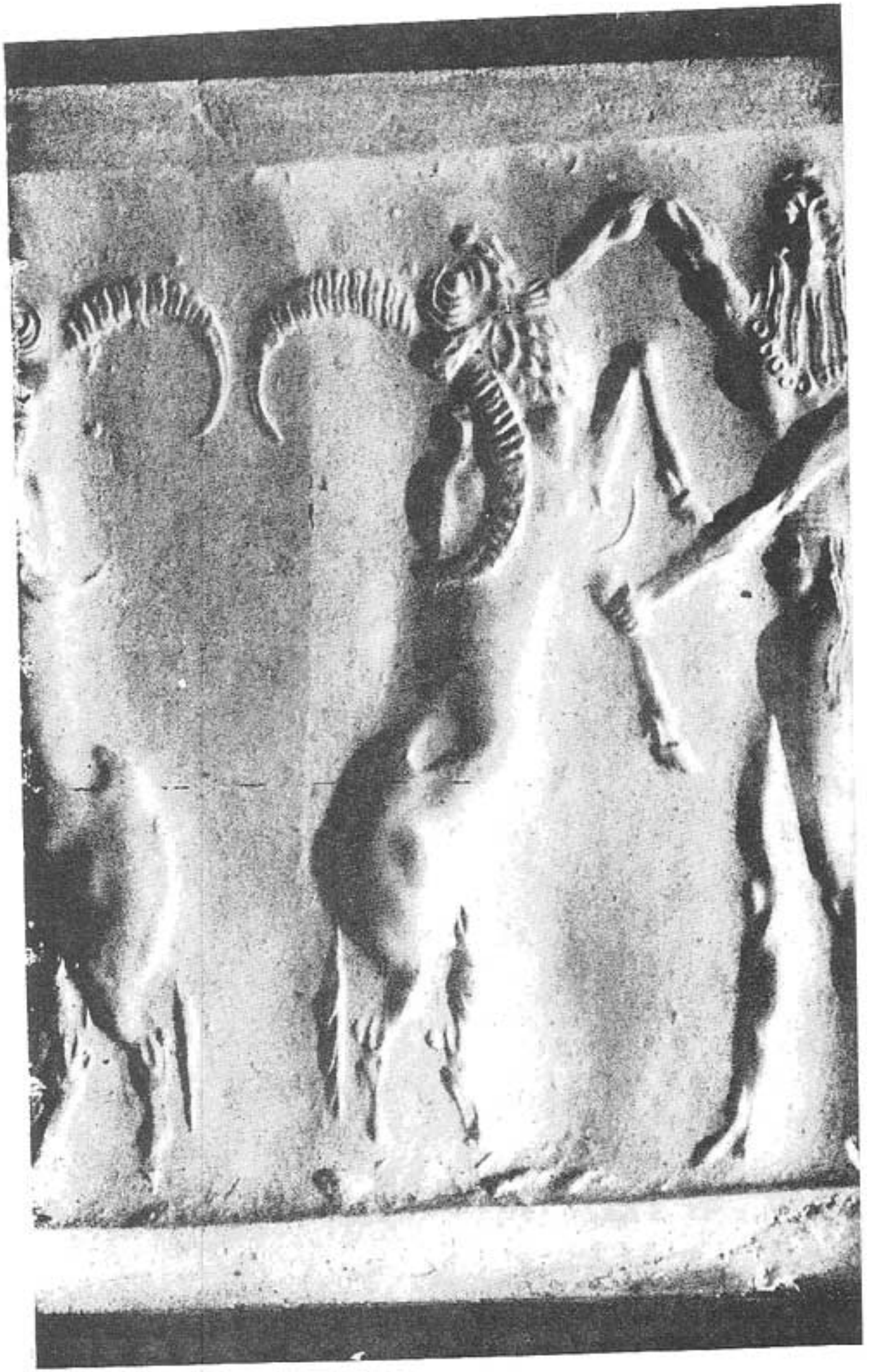
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

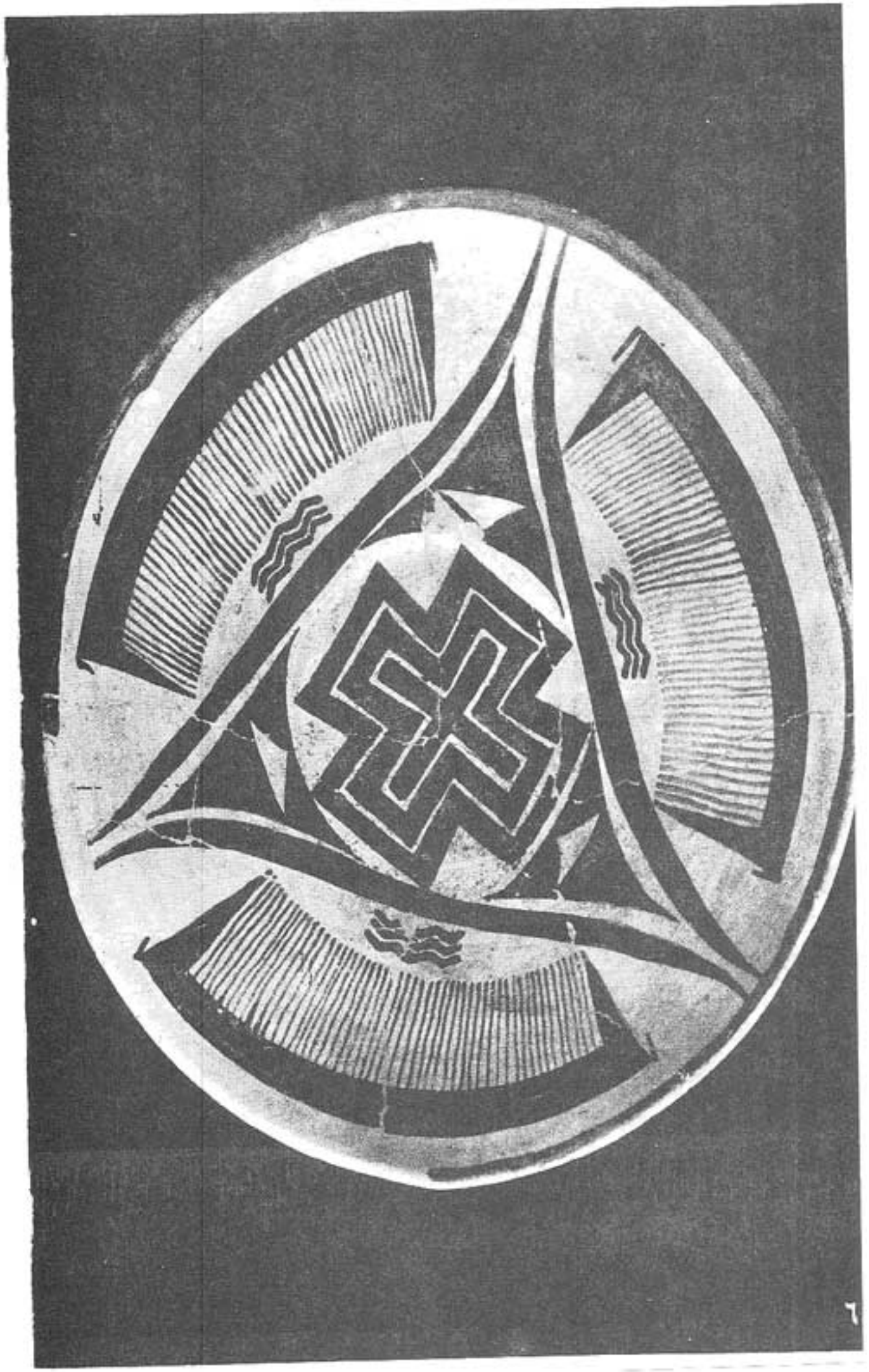
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

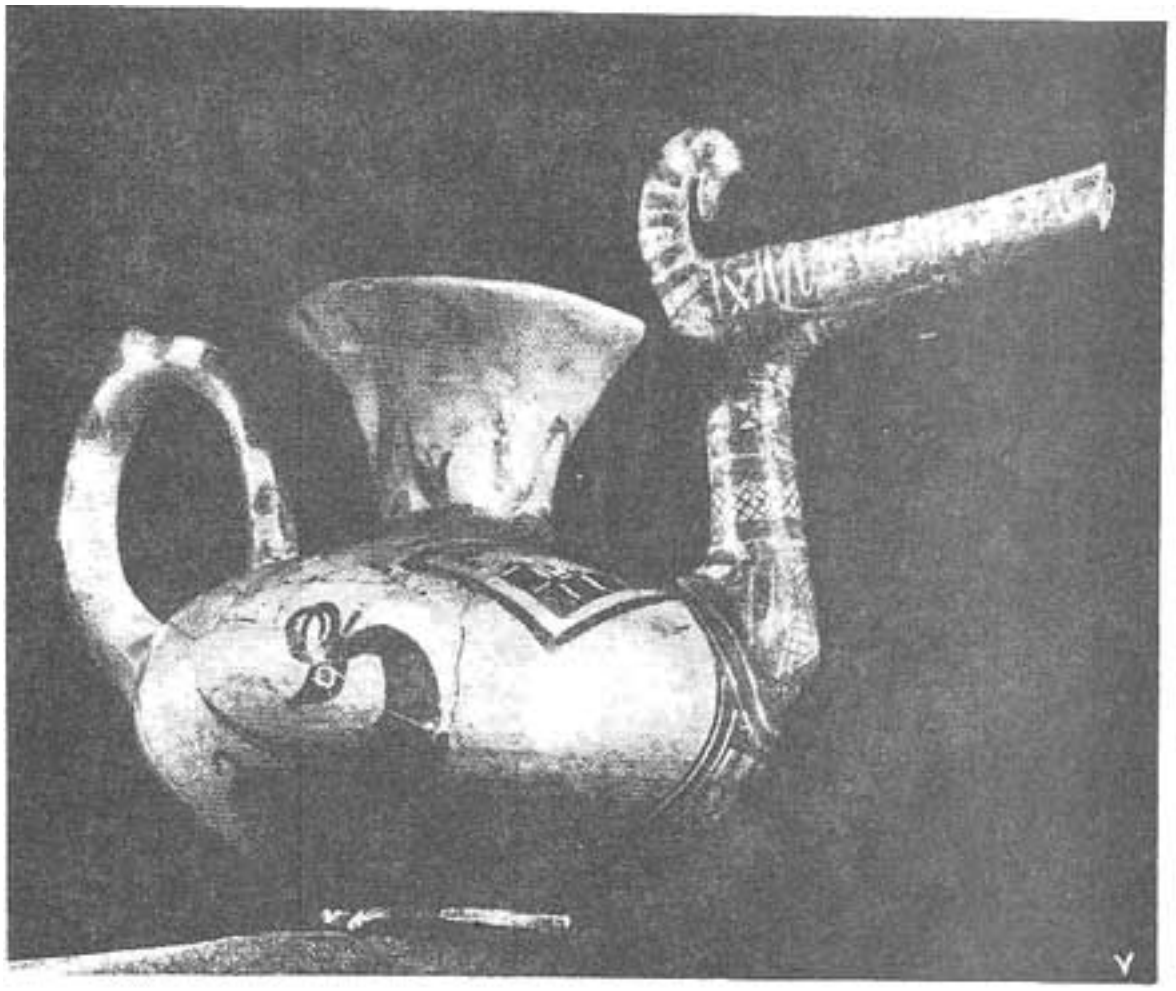
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

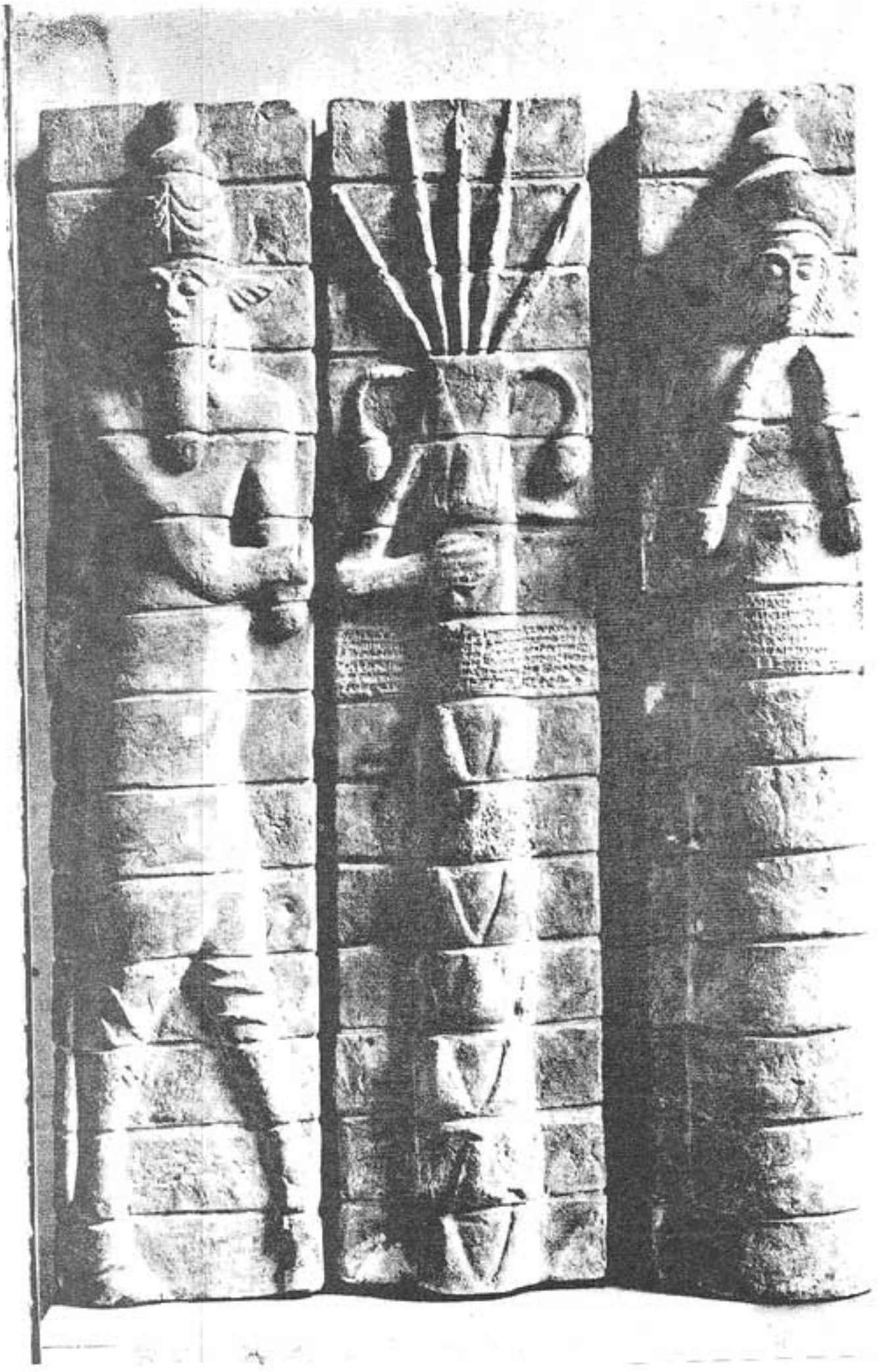




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اشیاء مفرغی لرستان

درزمان سامسو ـ ایلونا ۱ [۷] کاسیت‌هاکه چنانکه اشاره شد در ایران پخش شده بودنـد مرزهـای خـاوری‌کشور بابل را تهدیدکردند ولی شکست خورده بـه کوهستانهای خود رانده شدند. مقارن سال ۱۵۳۰ پیش از میلاد ازموقع مساعدی‌استفاده کرده دوباره بطـرف جلگـه سرازیر شده و آن‌کشور را تسخیر وکمی پس از آن ، در ۱۵۰۰ پیش از میلاد سلسله سلطنت کاسیت بابل را تأسیس‌کردند ، سلسله مزبور چند قرن پابرجا ماند تا در سال ۱۱۶۸ قبل از میلاد توسط پادشاه ایلام ، شوتروك ناهونته ۲ برای همیشه بطرف زاگرس رانده شدند و بعد از آن دیگر نقش مهمی در سیاست نداشتند باوجود این ، ماآنهارا ازنظر دور نمیداریم : درمتون آشوری ذکـری از «کاش‌شو» هائی میشودکه بانیروی پادشاهان آشور برخوردکرده اند و در تعقیب‌آن مورخین یونانی‌اغلب باین « قبایل وحشی‌وجنگجو » اشاره میکنند .

اسکندر مقدونی‌باآنهاجنگهاکرده و میدانیم‌که در۳۱۷ پیش ازمیلاد آنتیگونوس ۳ هنگامیکه سلوکوس شوش را محاصره‌کرد ، خواست بدون پرداخت خراج معمول‌ازکشور کوش بگذرد دستجات لشگرش از دست « این کوهستانیهای وحشی » بستوه آمدنـد .

* * *

۱ ـ پسرهامورابی پادشاه بابل (۱۶۸۵ - ۱۷۲۸ق۰م)

۲ - Shutruk Nahhunté بـال ۱۲۰۰

۳ - Antigone معروف بو'حدالعین افسر اسکندر مقدونی والی Lycie وPamqhylie و Grande Phrygie در سال ۳۲۳ فرمانده لشگرآسیا در۳۲۱ ، در ۳۰۶ اعلام‌پادشاهی کردودر ۳۰۱قبل ازمیلاد کشته شد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دراواسط هزارهٔ دوم هنگام فتح بابل بصورت ملت پرجمعیتی ازکشاورز و دامدار بیابانگرد وجنگجوئی درآمدکه‌بگفتهٔ استرابن«گاه توانسته بود برای مقابله باسپاه شوش وبابل تا ۱۳۰۰۰ کماندار دراختیار ایلامی‌ها بگذارد.»

آنان بامردم آریائی نژادی‌کـه درگذشته باین فلات آمده بودند آمیخته شدند و این آمیزش بدانگونه بودکه بهیچ وجه یگانگی اصلی مردم بومی را دگرگون نکرد.

بیشتر آنان اغلب فصول سال‌را دردشتهای مرتفع دشت‌خاوه دشت‌الشتر وماهیدشت درشمال زاگرس به‌بیابانگردی وپرورش اسب میگذراندند وازهمین دشتهای لرستان وقبور گرد آمده درنزدیکی چشمه‌های آنهاست‌که اشیاء بیشمار مفرغی، زرین و سیمین وحتی آهنی ازسال ۱۹۲۸ میلادی ببعدکاوش ویافته شده‌اند

این اشیاء عبارتند از سلاح‌های حمله‌ای ودفاعی :خنجر، شمشیر، گرز،سپر، تبر ونوك پیکان(شکل۱۹). قطعات‌سازوبرگ‌اسبان: لگام‌های معمولی دهنه‌های‌تعلیم ولگام‌های تشریفاتی (عکس ۲٤) آویزها، زنگوله‌ها وزنگها؛ اجزاء ارابه‌ها، فلزکوبی یراقها، جواهرات مردان وزنان : گردن‌بند، آویز، انگشتر، گوشواره، سنجاق‌گیسو، گل کمر، بازوبند (شکل ۲۰ عکس ۳۲)، قزنقفلی، دگمه،آینه، ادوات آرایش : ظروف گوناگون : ظروف آبخوری درمراسم عزا (شکل۲۱) فنجانها وسیتول‌ها (شکل۲۲) که بصحنه‌هائی مزین است که خود ازتصاویر آشوری اثر برداشته‌اند.

مهرگردومهرهای غلطان استوانی (شکل۲۳)،تصاویر خدای بزرگ والهه بزرگ وبیش ازهمه‌تصاویرقهرمان بین‌النهرین گیلگمش (شکل۲٤ و۲۵و۲٦) و انکیدو(شکل۲۷).

گیلگمش، مرد نیرمند، شاه وشکارچی افسانه‌ای،قهرمان و نگهدارندهٔ گله‌ها و مغلوب‌کننده دیوان سپس نگهدارندهٔ زندگان ومردگان، زمان زیادی مورد ستایش مردم مراتع و..تفع کشور بود.

تصویر اورا برگردن زنان، برفرمان ارابه‌ها، ودسته دشنه‌ها، نزد زندگان ودرون گورها می‌یابیم؛ پس‌اوخدای آنان نبودکه‌ستایشش کنند وتملقش‌بگویند ودرنتیجه نتوانند ازآن‌گل‌کمر واشیاء دیگر بسازند. بلکه طلسمی بود در برابر بیماری‌ها و چشم‌زخمها که ارزش نگهدارندگی‌اش‌بتدریج ازتصویر خودوی‌به‌حیوانات درنده‌ای‌که‌بنا برسوم باوی آمیزش داشته‌اند تفویض گردید (شکل ۲۸)، همانرا میتوان دربارهٔ الههٔ برهنه‌ای گفت‌که ازنفوذ بین‌النهرین [۸] برکنار نمانده است وهمچنین دربارهٔخدایان دیگر[۹] (شکل۲۹ و۳۰ عکس ۲٦ و۲۷) آنها نیز برپایه‌ای بطری شکل قراردارند و رفته رفته تغییر شکل نیز داده‌اند.

بکمك این مدارك گوناگون [۱۰] زندگی این شبانان درمدت معینی ازسال،پیشه، گرفتاریها وبالاخره هنر آنها ومصالحی‌که بکار برده‌اند باز شناخته میشوند امااززندگی باقی سال‌که درشهرمیزیسته‌اند تاسال ۱۹۳۸ میلادی خبری بدست نیامده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



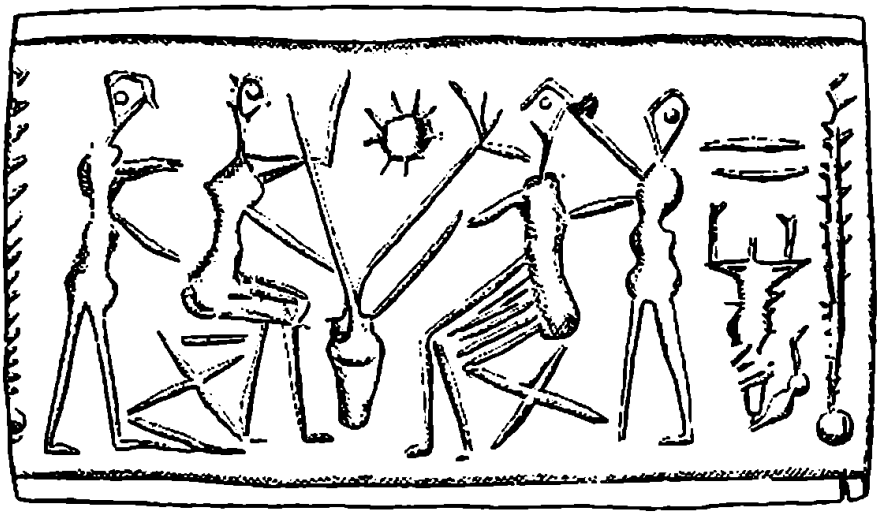




ب١٢ | الف١٢ | ١١

١٣

١٤



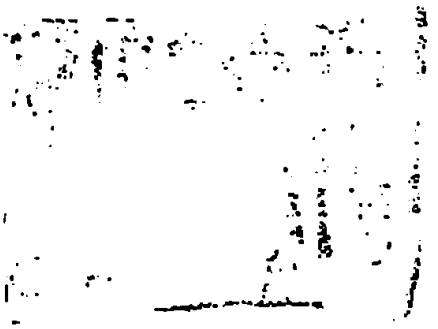


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org









tarikhema.org

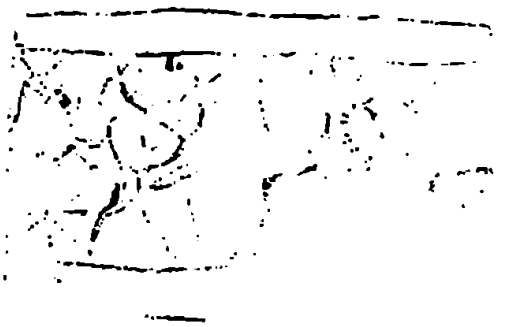
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org











tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

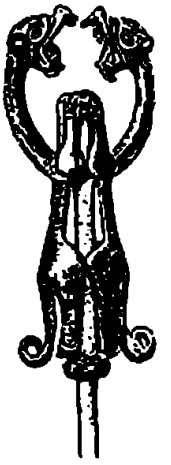
PDF.tarikhema.org











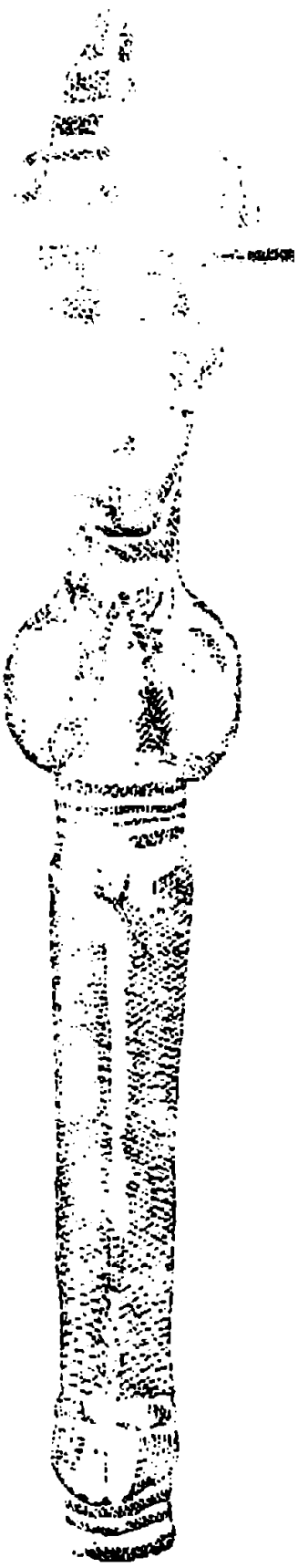
٢٤ ٢٥
٢٦
٢٧ ٢٨

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





٢٩ | ٣٠

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکس‌های از ۱۰ تا ۲۰

۱۰ ـ قسمت چپ لگام مفرغی اسب. لرستان ۱۲۰۰ـ۱۰۰۰ پیش از میلاد بلندی ۱۸/۷ سانتیمتر مجموعه کوافر. موزه لوور ـ پاریس.

۱۱ـ بخشی از تیغهٔ دشنه مفرغی. کوههای زاگرس ۱۰۰۰ـ۹۰۰ پیش از میلاد. درازی ۳۴/۴. پهنا ۳/۶ سانتیمتر. مجموعه کوافر، موزه لوور ـ پاریس.

۱۲ـ دستهٔ مفرغی سنگ تیغ تیز کن. کوههای زاگرس ۱۰۰۰ـ۹۰۰ پیش ازمیلاد. بلندی ۱۱ سانتیمتر مجموعه کوافر، موزه لوور ـ پاریس. سنگهای تیغ تیز کن دردوران سلاحهای مفرغی مورد نیاز فراوان بوده وبه انواع گوناگون و گاه بسیار زیبا ساخته شده است و گوئی از زینت آلات مردان بوده است.

۱۳ـ تبر مفرغی. در مقبره‌ای در حدود کرمانشاه بدست آمده است. ابتدای هزارهٔ اول پیش ازمیلاد درازا ۱۴ سانتیمتر. موزه ایران باستان ـ تهران.

یکی از پنج انگشتی‌های آن بصورت عقابی برگشته و برتیغهٔ آن تزئینی برجسته دیده میشود که نمایش مردیست کلاه بسر که ماهی ای در بغل گرفته است. ماهی نشانهٔ خدای بین‌النهرین Ea و Dagon خدای کانانی‌هاست.

۱۴ـ تبر، نوع بسیار عتیق از کاوشهای چغازنبیل، شهر ایلامی نزدیک شوش، توسط پرفسور گیرشمن بدست آمده.

۱۲۵۰ پیش ازمیلاد. درازا ۱۲ سانتیمتر موزهٔ لوور ـ پاریس.

سرتبر ازمفرغ و به گرازی (ازطلا یامخلوطی از طلا ونقره) تزئین شده. تیغهٔ آن که [illegible] اونتاش هوبان‌پادشاه ایلام برآن کنده شده از دهان شیری خارج شده است.

۱۵ـ تبرزین مفرغی. ناحیهٔ هرسین درجنوب کرمانشاه. اواخر هزارهٔ دوم پیش ازمیلاد. پهنا ۱۷، بلندی ۱۰/۵ سانتیمتر. مجموعه خصوصی.

اتصال تیغهٔ تبرزین با دستهٔ آن را چهره تمام رخ مردی ریشو ممکن ساخته. برروی دستهٔ آن مجسمهٔ ساده شده جانوریست که در خطهٔ لرستان بسیار یافته شده است.

۱۶ـ سمتی ازلگام تشریفاتی اسب. لرستان. ۱۲۰۰ـ۱۰۰۰ پیش ازمیلاد. بلندی ۱۵/۵ سانتیمتر مجموعه خصوصی.

این سمت لگام «نگهبان گله‌ها» را که تاجی بسردارد نشان میدهد. وی دودیو بالدارراکه پرندگان شکاری وهریك گوزنی بزیرپا دارند بدست گرفته است.

۱۷ـ ته سنجاق نذری. از مفرغ. لرستان. ۸۰۰ پیش‌ازمیلاد. قطر ۸، بلندی ۷/۸ سانتیمتر. مجموعه خصوصی.

۱۸ـ تزئین لگام، ازمفرغ. لرستان ۱۰۰۰ـ۹۰۰ پیش‌ازمیلاد. قطر ۷، بلندی ۷/۸ سانتیمتر، مجموعه خصوص.

برچرخ شش پره‌ای سرقهرمان معروف باتاج شاخدار قرارگرفته ودر دوطرف وی دوحیوان برقسمت خارج چرخ سوارند.

۱۹ـ بت مفرغی. لرستان ۱۰۰۰ـ۸۰۰ پیش از میلاد. بلندی ۱۵/۵ سانتیمتر مجموعه خصوصی. در اینجا قهرمان دودیو را با دست گرفته وبردوسرانسانی ودوسرخروس که برما معلوم نیست نشانهٔ چیست سوار است.

۲۰ـ پولك آویزه مفرغی. بگمان ازلرستان. اواخرهزارهٔ دوم پیش ازمیلاد. بلندی ۱۲/۸ پهنا ۱۲/۸ پهنا ۱۱/۸ سانتیمتر موزهٔ سنکانتنر بروکسل.

چنین تصاویرانسانی بظاهرمتعلق به‌هنرلرستان نیستند. و یقیناً دارای معانی هستند که برما معلوم نمی‌باشند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

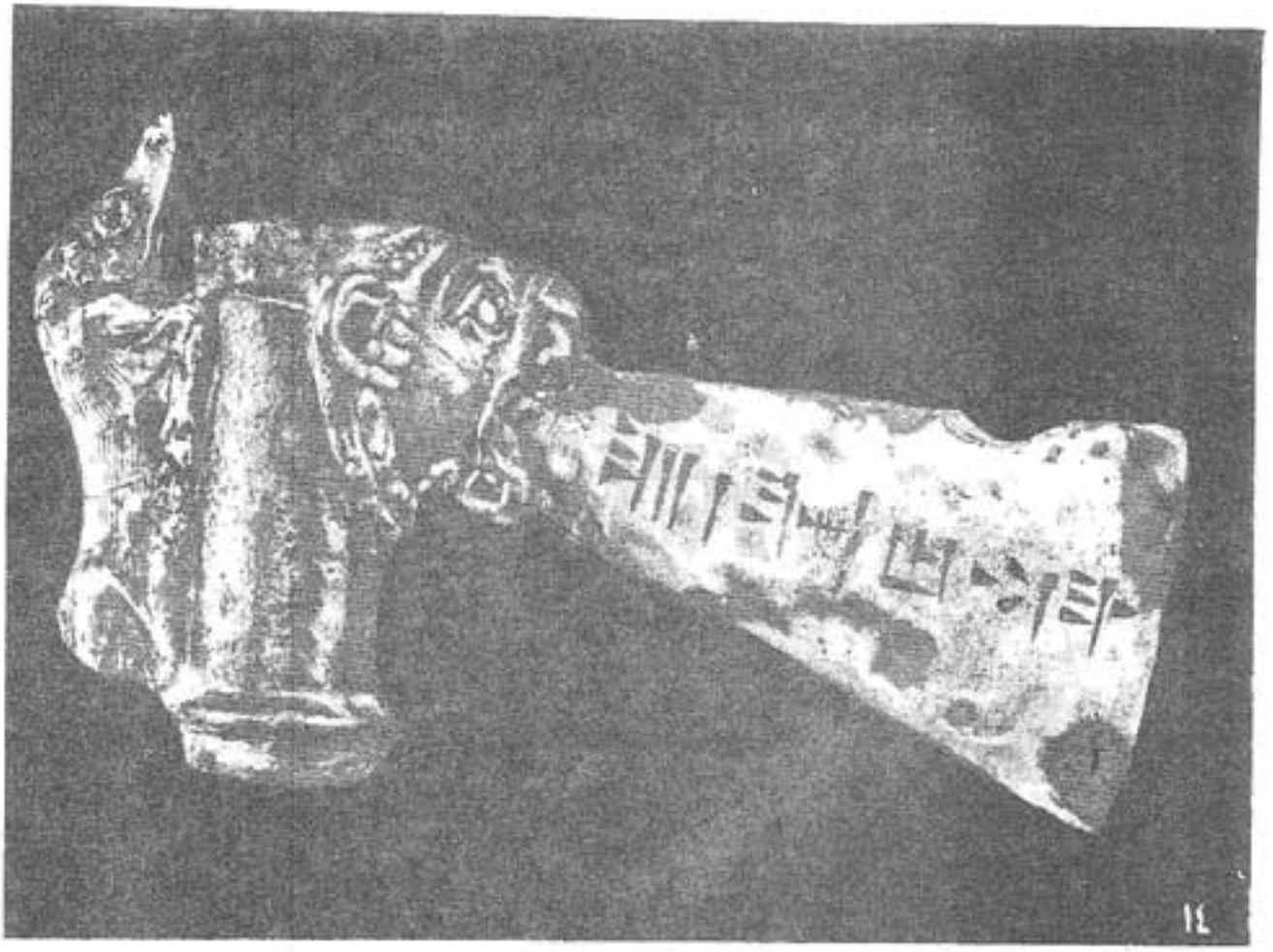
PDF.tarikhema.org



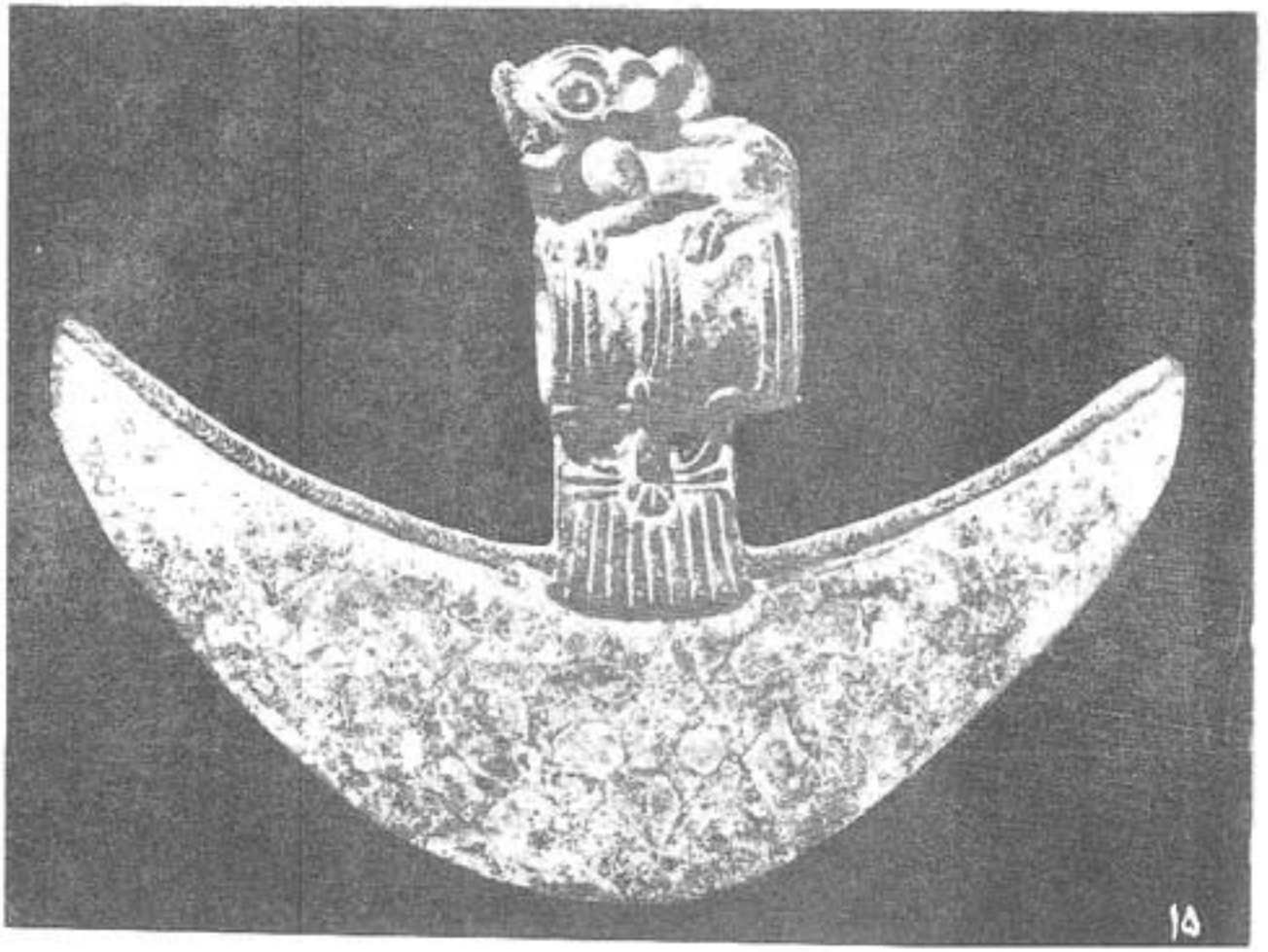
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



١٤

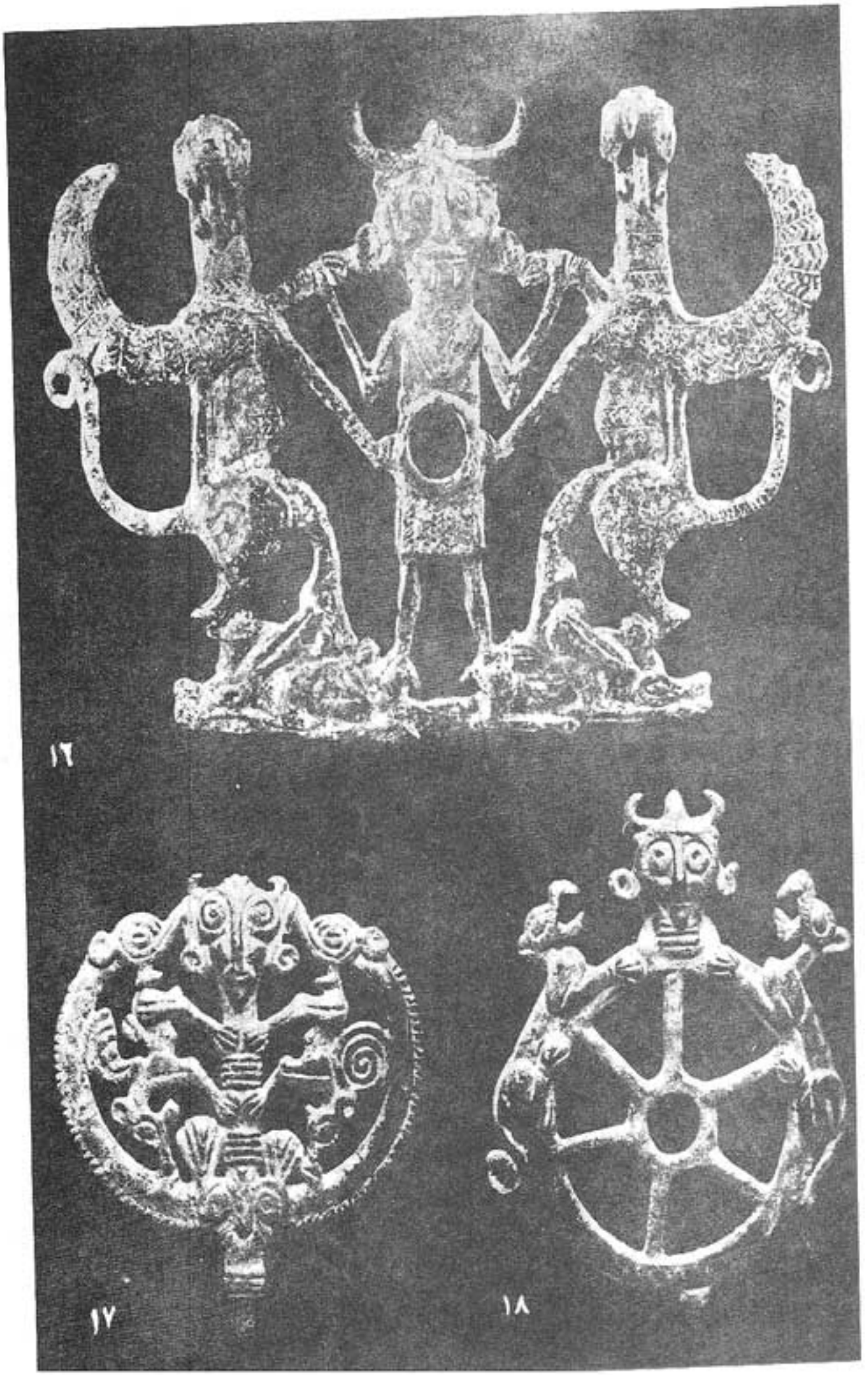


١٥

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



١٦

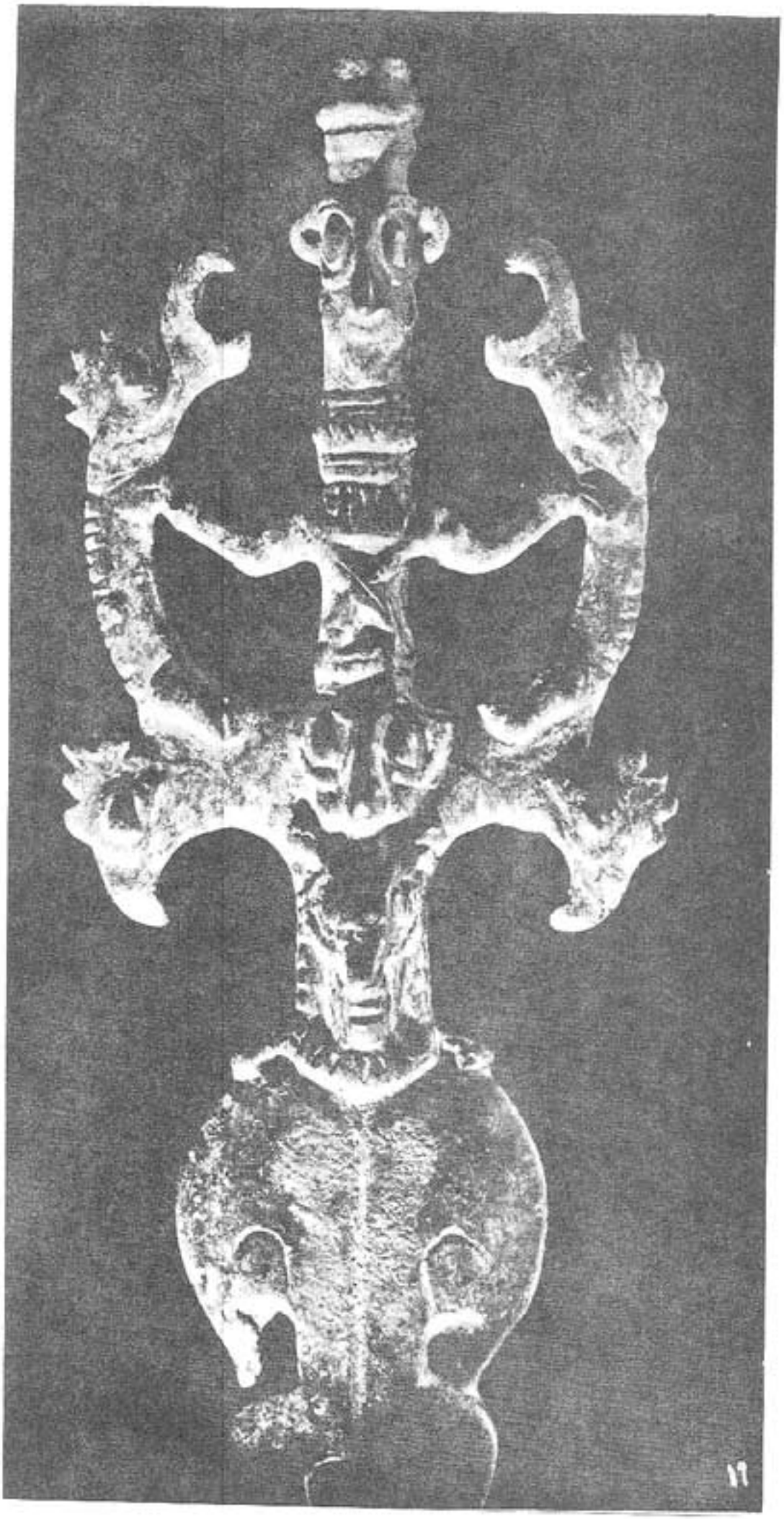
١٧

١٨

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ماگمان می‌بردیم که گرمسیرهای لران امروز باید همانا مناطقی باشندکه اجداد کاسیتشان از آنها بهمین منظور استفاده می‌جسته‌اند . اما اگر نتیجه‌کاوشهای هیأت‌باستان شناسی دانشگاه شیکاگو نمیبود دربارهٔ آن هیچ‌نمیدانستیم . هیأت‌مزبور درکوهدشت واقع‌در لرستان مرکزی محل اسکان کشاورزان معبدی و اشیائی ازهمان فلزات و باهمان‌کار ولی باروحیه‌ای‌کاملا متفاوت یافته است [۱۱]

فقدان‌آلات جنگی ـ مگرنمونه‌های دوتا شش سانتیمتری‌تبر ـ ودهنه اسب مارابراین فکر رهبری می‌کند که آنان اسب‌را نمی‌شناختنه‌اندوفقدان لوازم‌کار مورد احتیاج‌زندگان که ایشان‌را به‌واگذاشتن آن به معبد مجاز گرداند ودر عوض اشیائی یافته شده‌که بمنظور نذر ساخته شده‌اند از قبیل سنجاقهای مفرغی و مسی‌که درشکافهای دیوار فرو می‌برده‌اند و دگمه‌ای بانقوش مذهبی برسردارند، و جواهراتی‌که مردو زن بهمراه داشته‌اند تا درموارد پیش‌بینی‌نشده به‌معبدهدیه‌کنند. باوجوداین پرورش‌دهندگان اسب‌که دردشتهای مرتفع‌شمالی وکشاورزان ناحیهٔ مرکزی‌لرستان تفاوتشان تنها دراین بودکه یکی‌شبان ودیگری‌کشاورز بوده است وموضوع دوتمدن ودو هنر متفاوت برخلاف آنچه گفته شده است مطرح نیست بلکه‌گوئی میراث دوبرادر است‌که‌یکی‌ماجراجو وسوارکار وسلاح‌دوست وبی‌قرار ودیگری دهقان وخانه‌نشین که‌زندگی درهٔ خویش وخانه نشینی دهقانان‌را پذیرفته است .

اشیاء مفرقی زیادی‌که‌بدست آمده بیشتر نظیر نمونه‌های اولند واز لحاظ تزئین وفن ساختنشان باآنها تفاوتی ندارند . اشیاء بازیافته درشمال و مرکز لرستان بیك‌گونه بوده پایهٔفکری یکسانی‌رامیرسانند , تنها درشمال اشیاء مربوط به‌اسب واسلحه ودرمرکزمربوط به مذهب ، بطوریکه میتوان چنین خلاصه‌کرد :

تمدن یکسانی که نزد هریك ازدوگروه ازخصوصیات وگرفتاریهایشان اثر برداشته است : اسب وسلاح نزد بیابانگردان و مذهب نزد خانه‌نشینان و کشاورزان . ولی حقیقت باین‌سادگی وسرراستی نیست زیرا نه‌شبانان بی‌مذهب بودند ونه‌کشاورزان بی‌سلاح وکاملا فاقداسب‌ومن‌برتر ودرست‌ترمیدانم که‌یادآوری‌کنم که‌اگراشیائی‌راکه‌درمعابدمی‌یابیم‌درقبور یافت‌نمیشوندبسبب‌اختلاقی‌است که‌میان‌معبد وقبربرقرار است.ومردان‌را باسلاح‌ودهنه‌اسبشان و زنان را بهمراه زینتهایشان بخاك می‌سپردند وروشن است‌که بگمان،این وسائل در زندگی بعدی بکار مردگان میآمده است ویا احتمالا سبب این بوده که استفاده از این اشیاء مردگان برای بازماندگان از نظرمذهبی ممنوع بوده است ولی برای‌ما پذیرفتنی نیست‌که زندگان‌آلات با ارزش‌کارروزانه یادفاعیشان‌را باین آسانی رهاکنند واین‌گوئی دربرخی موقعتها ولحظات خاص مذهبی پیش‌میآمده‌که دستبندی مفرغی،آویزهٔ گردنبندی سنجاقی یاسنگ تیغ تیرکنی را به خزانه معبد میبخشند اما نه دهنه اسب یا دشنه . و این موضوعیست‌که پیروباز یافته‌های سال ۱۹۳۸ روشن میشود . آنان اشیائی چون‌سنجاقهای

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تکمه‌ای کم وبیش مسزین وسبك وزن و درنتیجه و بسبب ناچیزی دستمزد صنعتگران، ارزان قیمت را بمنظور اهداء به‌معبدخریداری میکرده‌اند . یك‌چندنمونه ازاین اشیاء مذهبی را که اخیراً یافته شده‌اند مورد بررسی قرار میدهیم وآنرا ازلحظه‌ای انتخاب می‌کنیم که‌از پایهٔ مشترك وشناخته شده منشعب می‌شود . درچنین موقعی نگهدارندهٔ مردم و گله هاشان دردشت نیز مانندکوهستان مورد ستایش قرارمیگیرد وآثاری ازاو در معابد و گورها بدست میآید .

شهرت‌وی‌با وجوداین درنواحی‌مرتفع کشوررو بزوال‌است وتنها درنقوش تزئینی‌ظاهر میشود . دراینجا دربارهٔ تحولاتی که در حق وی صورت گرفته و درطی دستکاریهای‌متناوب تحت تاثیر هنرآسور ازمرحلهٔ شاه شکارچی به مقام شکارچی تنها تنزل می‌کند . مثلهائی می‌آورم. دررسوم هنربین‌النهرین‌ابتدا بصورت قهرمان ظاهرمیشود. وی‌برهنه وکمربندی تنگ بسته (شکل ۲۶ عکس ۵) موهایش بزیبائی درسه طبقه حلقه‌شده گردصورتش راگرفته (شکل ۳۱) با درندگان‌می‌جنگد وگله‌ها و مردان را نگهداری میکند .به همان‌گونه در لرستان نیز بهنگام‌اوج شهرت ورواج‌درتزئینات‌دهنه‌اسب[۱۲] سنجاق [۱۳] والواح‌تزئینی [۱۴] (شکل۲۵) اغلب‌تاجی شاخدار برسردارد که‌ازدوستش «انکیدو»[۱] (شکل۲۷) است گاه‌دامن بتن‌نمایانده شده است (شکل۳۱). براشیاءخرداغلب‌تنهاست [۱۵] یاتنهاسرش‌بهمراه‌حیوانات نقش شده است [۱۶] . درزمان حیاتش ابتدا شبان سپس صاحب‌گله بود پس ازمرك در قبور بصورت‌مجسمه‌ای برپایه‌ی‌بطری‌شکل(شکل۳۲) دیده شده‌اما‌معمولادرنقوشی‌که بهمراه درندگان ازوی بجامانده بشدریج خلاصه شده واز اهمیت‌افتاده ابتدا نیم‌تنه [۱۷] و سپس تنهاسروی[۱۸] وبعدها هم‌اگر اثری ازوی‌مانده[۱۹] نقش‌برسنجاق[۲۰] یانی‌شبانان[۲۱] وفاقد جنبه‌مذهبی است وسپس‌بکلی منسوخ گردیده .ازآن پس‌درلرستان‌جانورنگاری‌متداول گشت‌و ازگیلگمش‌جزدرنقوش صحنه‌های شکار یادی نشده‌است .

این موضوع تزئینی جدیدکه بیگمان ازهنرآسور به‌لرستان رسیده درمیان اسبداران ثروتمند زاگرس شمالی موردپسند زیاد قرارگرفت و میتوان گفت‌که نمایش حقیقت‌گرای جانوران و صحنه‌های شکار برای مردم دشتهای همسایهٔ آشور ، کـه دارای برجسته‌ترین

* * *

۱ ـ Enkidu دوست گیلگمش شبانی بود نیرومند و خشن وی همواره با سر پوشی شاخدار و بالاتنه انسانی وپائین‌تنه‌گاونر نمایانده شده‌است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مجسمه‌های جانوران در تمام اعصار می‌بود، پسندیده‌ترین موضوع هنری گردید. در هنر آشور همانقدر که نقوش انسانی خشن و یکنواخت و قراردادی است همان پایه نقش جانوران حقیقی وزنده است. آیا حیوانی بدرندگی آن سگ معروف [۲۲]، بسبکی و لطف آن آهوان پراکنده [۲۳] یا بوحشتناکی آن شیری که از قفس خارج میشود [۲٤] یا به غم انگیزی حال ماده‌شیری که بدن خردشده‌اش را بدنبال می‌کشد [۲۵] بوده‌است؟ حجاری آشور تازمانیکه ـ و برخلاف آنچه بیشتر پیش آمده است ـ نخواسته رساننده شکوه و جلال باشد، ساده، صریح و حتی دارای احساسات می‌باشد و این بدرستی همان دقایقی است که در هنر لرستان ـ هرچه تماس دامداران زاگرس با مشتریان آشوری‌شان زیادتر میشود ـ گسترش بیشتر می‌یابند ولی ایجاد پایبندی نمی‌کنند و شاید سبب، اختلاف سلیقه باشد، بهرحال متوجه چیزهائی میشویم که در هنر آشور نبوده‌است و آن روش تشدید حالت خاص هر جانوریست. برای نمونه: درازی زیاد از اندازهٔ گردن و برجستگی چشمان غزالها (شکل ۳۳) یا بعبارت دیگر گونه‌ای کاریکاتور جانوران (نه برای بدگوئی از آن) که گویای ظرافت طبع و توجهیست که هنر آشور فاقد آن بوده‌است و احتمالا از هنرمندان لرستان نیز نبوده و بگمان از آریائی نژادانی بوده‌است که رفته‌رفته با مردم بومی مخلوط و طبقه برجستهٔ آنانرا تشکیل دادند.

گفته شد که در دشتهای مرتفع لرستان شمالی از اهمیت سرشار قهرمان رفته‌رفته کاسته شد تا بکلی فراموش گشت. ولی در لرستان مرکزی وجهه خودرا از دست نداده بصورت خادم خدای فراوانی مورد ستایش ساکنان دشتهای مرکزی بود. وی در حقیقت همین مقام را در سومر نیز داشته است و شاهد آن مهر استوانه‌ای است که بر آن در کنار خداوالهه بزرگ دوگیلگمش ظرف آب مقدس را بدست دارند [۲٦]. اما این نمونه‌ها، کمیاب و نزد دامداران لرستان بازشناخته نشده است .

در دهکده‌های مردم دهنشین، که مردم بکمك دیوارهای سنگی از گزند درندگان برکنار بودند وی همانگونه، تقریباً یا بکلی برهنه درحال دویدن بهردست ماری دارد (شکل ۳٤) .

مار از نقوش باستانی ایرانست وچون حاشیه‌ای برای تزئین دور ظروف قدیمی بدون اینکه لازم باشد خاصیت دیگری جز نقش تزئینی مناسب برای آن جستجو کرد بکار رفته‌است. بعدها نشانه نیکی یا بدی، فراوانی، بنمایش آب و یا اهریمنی بنمایش خصوصیات جانوری گردید. آنرا درطول تاریخ هنر لرستان حتی در آخرین دوره‌های آن می‌یابیم سنگهای منقوش بسیاری میشناسیم که در آنها ظروف آبیست که بجای دو باریکه آب معروفی که بهر سمت می‌جهند دومار نقش شده است [۲۷] .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جای دیگر گیلگمش درحال دویدن دو انار که شاید درلرستان نشانهٔ فراوانی باشد بدست دارد (شکل۳۵). وی خادم‌فعال وسریع وفداکار درراه‌منافع کشاورزان ، حامل‌مار وانار وبیگمان نشانه‌های دیگر آئین کشاورزان، که احتمالا، ازآنها بی‌خبریم وحتی‌بصورت بارورکننده دردو سنجاق ظاهرشده است. دریکی ازآنها وی برهنه، شاخداروریشو، برهای دریکدست وغازی دردست دیگردارد وهمواره بسرعت دوانست.(شکل۳۶) دردیگری‌درحال دویدن گلی را بارور می‌کند. با اینهمه وی خدای حاصلخیزی‌نیست ودرلرستان مانندشت بین‌النهرین،ویرااصل خلاق همه‌چیز که فاقدجنس مشخصی‌بود، یکی میدانستند ودرسومر بعنوان خدای بزرك خدای قلل‌جبال ، طوفان، خدای بارانهای نیکو نمایانده شده در هر منطقه‌ای نام‌خاصی بخودگرفته ،نمایش‌حیوانیش گاونر وبزکوهی وهمسرش الهه بزرك‌یاالهه زمین است‌که درسومر، ایلام وایران، برهنه ودرکشورهای‌دیگرمانند بین‌النهرین‌وآسیای صغیربالباسهای بلند [۲۸] می‌شناختند.

درسومر گاه خدای بزرك درنقش خدای نباتات باشاخه‌ای در دست نمایانده شده که گوئی ازبدن وی روئیده وبزی‌که نمایش‌خصیصهٔ حیوانی اوست[۲۹]برگهای آن شاخه‌را می‌خورد. وبدین‌گونه درنقش برجستهٔ‌آسوری‌که ازسومر گرفته‌شده است بگفتهٔ‌کنتنو،چنین ظاهرمیشود:(شکل۳۷)«روبروایستاده‌تاجی‌برسر،دامنی گشادتازمین‌بتن‌وریشی بلندداردوتا تاکمر برهنه‌مینماید بهردست‌شاخه‌ای داردکه بمه‌گل‌کاج‌شکل‌ختم میشوندو دو چنان‌شاخه دیگرازپائین‌کمرگاه وی خارج وبه‌بیرون گسترده میشوند. دردو جانب اودوبزکوهی بر شاخه‌های پائین تکیه‌کرده‌گل‌های شاخهٔ بالا را می‌چرند [۳۰].» شرح فوق‌تقریباًهمانست که‌میتوان دربارهٔ لوحه‌ای ازلرستان(شکل۳۸) بیان داشت. شباهت میان دوشخصیت‌مرکزی نقش رانمیتوان اتفاقی دانست ومارابرآن میداردکه اوراهمان خدای حاصلخیزی بدانیم . امادوحانوری‌که درطرفین لوحهٔ لرستان دیده میشوند برخلاف بزهای‌کوهی لوحه آشوری که‌نمایش‌حیوانی‌خدابودندنمایندهٔ دودیومی‌باشندکه بازسازی‌نگهبانان درخت‌مقدس‌می‌باشند. درآشور نگهبانان درخت مقدس بشکل نیم‌انسان ونیم‌حیوان [۳۱] نقش میشدند،وازآن پی می‌بریم باینکه بی‌گمان‌آنچه این اشکال‌وخدای وسط بدست‌دارند همانا ساقهٔ درخت مقدس است. گذشته ازآن بزهای‌کوهی را برسنجاقی درحال‌چریدن درخت (شکل۲۹)وبرسنجاقی دیگر دودیو مزبور رابه‌نگهبانی آن می‌بینیم (شکل۴۰).

لوحه مزبور گویا از نیمهٔ دوم هزارهٔ دوم پیش از میلاد است ، زیرا اسلوب‌کار در این لوحه و همچنین درحجاری آشوری که بآن نزدیك است این حدس راتائید میکند . وگیوان بافته شده وبرگشتهٔ دیوها نیزاین تشخیص تاریخ را تضعیف نمیکند زیرا شبیه ونظیرآن درساختمان دیگری متعلق بآن زمان یافت میشود . مانند قطعه ستون

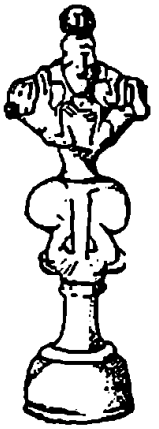
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org







٣١	٣٤
٣٢	٣٥
٣٣	٣٦







tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سنگی اون تاش هوبان [1] در مورد نوود.[۳۲] بعلاوه چهاربـال خداکه بوضوح در روی یك استوانه دیده میشود وآنرا هرتسفلد متعلق به۱۲۵۰ پیش ازمیلاد میداند[۳۳]

اما برای اینکه ازقدمت‌تاریخی‌لوحهٔ مورد بحث تشویش خاطری‌نداشته باشیم برهان محکم دیگری دردست است .

برهان مزبور مقایسه سنجاقی است‌که آنهم از لرستان مرکزی است (شکل۴۱) باقطعه ستون اون‌تاش هوبان (شکل۴۲) . این وضع نقوش‌درسنجاق وقطعه ستون‌باندازه‌ای شبیه یکدیگرندکه نسبت نزدیك‌آنها بایکدیگرجای تردید باقی نمیگذارد . واگردرتعیین قدیمی ترین‌آندو تردیدی وجود داشته باشدبیشترمیتوان سنجاق رابزمان لوح یادبودی [2] که درموزه لوور [۳۴] یـابحجاری برجسته موزه برلن نزدیك دانست‌که گوده‌آ[3] رانشان میدهدکه دوخداراورا راهنمائی‌میکنند، واین‌محققاً خیلی قدیمی ترازآنست اما دارای‌همان جنبهٔ تزئینی وهمان خصوصیات هنری است . سنجاق‌لرستان دوفرشته رانشان میدهدکه‌کاملا شبیه نقش لوح مزبور است . یعنی دارای همان بینی، همان ریش ، همان‌گیسوان انبوه و برگشته وهمان سرپوش عجیب‌که درآن‌گوش‌گاو وحتی قسمت عقب حیوان مشخص‌ترنشان داده شده است .

آنها نیزشاخه‌های درخت مقدس را دردست دارند . درقطعه ستون نام اونتاش هوبان وپسرش ناپیرآسو درآن‌حك شده وبنابرتاریخ «پوبل‌ـکاونیاکه»[4] درظرف نیمه دوم هزارهٔ دوم پیش ازتاریخ مامیزیسته‌اند . بنابراین ثابت میشودکه سنجاق‌مورد بحث متعلق بهمان زمان است .

حالا اگرمااین سنجاق را (شکل۴۱) بالوحهٔ (شکل۳۸) مقایسه‌کنیم قدمت‌تاریخی لوحه نیزکه معرف همان هنر، منتها درلوحهٔ کهن‌تر ، وهمان معتقدات وهمان عوامل‌تزئینی است به ثبوت میرسد . خدای باروری روی سنجاق دیده نمیشود واین بعلت برآمدگی‌است که دارد اما درهردوی‌آنها دوفرشته دیده میشودکه دو شاخهٔ نازك درخت پیش پای‌آنهااز زمین روئیده وهردوهم ریشوهستند وبینی ای بشکل نوك عقاب دارند ودارای‌گیسوان بافته وکوتاهی هستند وقسمت پائین تنه شان‌بشکل حیوان است .

* * *

(۱) ـ اون تـاش هوبان Untash ـ Huban یااون تاش گال Untash gal پادشاه ایلام .

(۲) ـ بسال۱۲۵۰ لوح ـ یادبود Vautour که یکی‌ازساختمانهای مهم دوره‌سومری وبادگارپیروزی یکی ازحکام شهرلاگش Lagash برهمسایه خود اوما Umma است .

(۳)ـگودهآ Gudea پادشاه لاگاش (۲۰۴۲ـ۲۰۶۰) است که چندین مجسمه ازاودر درموزه لوور‌بنمایش‌گذارده شده است .

(٤) Cavaignac Poebel

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بنابراین دلائل غیرقابل انکاری که در دست داریم که نقش برجسته آشور و قطعه ستون اون تاش هوبان و لوحه و سنجاق مذکور را متعلق بهمان تاریخ یعنی نیمه دوم هزارهٔ دوم بدانیم. این سنجاق ولوحه تنهااشیاء مفرغی لرستان مرکزی نیستند که در آن خصوصیات هنری حجاری و حکاکی ایلامی در زمان اون تاش هوبان نشان میدهد. سنجاقی که درشکل۴۳ دیده میشودیکی ازآنهااست. این سنجاق خدای باروری رانشان میدهد که ازوجود خود ـ که اخدای نباتات است ـ بزهای کوهی راخوراك میدهد. شاخهها چنین بنظرمیرسد که ازسینهٔاوروئیده اندوانتهای برك دارآنهارا دردست گرفته وبزها آنهارامیخورند. نظیر همین نقش درحجاری برجسته آشورنیزدیده میشود. درآنجاخداجامه بلند وریشه داری پوشیده، بالهای قسمت پائین لوحه، واژدهای مقدس که روی شانه های اودیده میشودنشان «نن گیزیدا» هستند.

نن گیزیدا، درمعبد خدایان سومری، «خدای جنگل زندگی» [۳۶] است. گوده آ Gudea برای اومعبدی وفرزندش اورنن گیرسو[1] مجسمه ای بنام او کرد. این خداچندجادر حجاری برجسته موزه برلن که بآن اشاره شده دیده میشود که «گوده آ» رادو خدا رهبری میکنند یکی ازاین خدایان که دست چپ وی راگرفته وروی شانه اش دوسراژدها دیده میشود نن گیزیدا[۳۷] است. وی درصحنه دیگری نظیرآن که بازمهر استوانه ای شکل گوده آ[۳۸] راتزئین کرده دیده میشود (شکل٤٤) دراین نقش شاه توسط خدائیکه همان نن گیزیدا است ودوسراژدها روی شانه ها دارد راهنمائی میشود.

این درست همان «خداوند جنگل زندگی» و «خدای درخت» است که روی سنجاق شکل۴۳ نقش شده، شاخهائیکه روی سینه او سبزشده وبزهای کوهی میخورند، آنرا همردیف حجاری برجسته ای که درآن خدای آشوری درنقش خدای باروری نشان داده شده قرارداده که باز تاریخ آن نیمه دوم هزارهٔ دوم پیش از میلادست.

درسنجاق دیگری نیز (شکل٤٥) نظیراین ترکیب بچشم میخورد. آنجامردی بحال ایستاده دیده میشودکه روی شکمش شکل کله گنده وعبوسی نقش شده. اینهم نقشی است ازخدای باروری اما نن گیزیدانیست بلکه نن ـ گیرسو است «خدای بارانهای نافع» که حامی ونگهبان لاگاش است. وبشکلی که روی یك استوانهٔ دورهٔ اور ملاحظه میشود وجه تشخیص او سر شیری[2] است که روی هریك ازشانه ها دارد وچون او خدای باران است دلیلی ندارد که مانند نن گیز ـ زیدا «خدای درخت» بزهای کوهی را باشاخه هائیکه ازتنش روئیده خوراك بدهد. عدم

* * *

۱ ـ اورنن گیرسو ur-Nin-Girsu پسر گوده آ است ونبایداورا باخدای نن گیرسو Nin-Girsu اشتباه کرد. اورنن گیرسو بمعنی خدمتگزار خدای نن گیرسو Nin-Girsu است

۲ ـ آلت حیوان در حجاری نمونه ای تزئینی است (عکس ۳٦)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکس های از ۲۱ تا ۲۸

۲۱–بخشی از لوحهٔ مفرغی ـ لرستان ، اواخر هزارهٔ دوم پیش از میلاد . بلندی ۱۲/۸ پهنا ۱۱/۸ سانتیمتر ، موزه ریتبرگ ـ زوریخ باعکس ۲۳ مقایسه شود .

۲۲–ته سنجاق مفرغی . لرستان ، اواخر هزارهٔ دوم پیش از میلاد . درازا ۲۸/۳ قطر ۱۵/۲ سانتیمتر ـ مجموعه کوافر . موزهٔ لوور ـ پاریس .

۲۳–بخشی از ته سنجاق مفرغی ـ لرستان ۱۲۰۰ ـ ۱۰۰۰ پیش از میلاد . درازا ۲۱ قطر ۹/۸ سانتیمتر ـ مجموعه کوافر موزهٔ لوور پاریس . در مرکز لوحه با برجستگی زیاد سری نقش شده (شبیه عکس ۲۲) در دوسوی آن دو پیر که از کاهنانند (مانند عکس ۲۱) نخلی در دست دارند . ماری که کاهن سمت چپ دمش را بدست گرفته ، و نخل ، در بین‌النهرین از نشانه‌های آئین باروری میباشند. مفهوم نشانهٔ پائین صورت مرکزی ـ که شبیه tao-tie چینی ولی از نظر زمان بر آن مقدم است ـ بر ما نامعلومست . عکسهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ ظاهراً بفرهنگ واحدی تعلق دارند .

۲۴– لگام تشریفاتی از مفرغ ـ لرستان ـ ۱۲۰۰ پیش از میلاد. بلندی ۱۳/۸ درزا ۱۶/۷ سانتیمتر . مجموعه کوافر ، موزهٔ لوور پاریس:

سر و گردن دو اسب بر خلاف بدنشان که نقشه برجسته است، تمام برجسته ساخته شده حقیقت گرائی خاص مفرغسازان اواخر هزارهٔ دوم در آن بخوبی مشهود است درصورتیکه هنر قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد بصورت دستورهای تزئینی چیره ولی دور از طبیعت در آمده بود (مراجعه شود به عکس ۱۷) .

۲۵–پیکره مفرغی ـ مبداء ناشناس . سال ۹۰۰ پیش از میلاد بلندی ۹/۶ درازا ۳ سانتیمتر مجموعه کوافر موزهٔ لوور ـ پاریس . گویا دستهٔ سنگ تیغ تیزکنی است ؛ نمایش سرشاخدار انسانی و بدن جانور دارد شیوهٔ چهره سازی آن شبیه پیکره عکس ۲۶ است .

۲۶–پیکره الهه ازمفرغ سفید رنگ . لرستان ۱۰۰۰ پیش ازمیلاد. بلندی ۱۵/۲ سانتیمتر مجموعه خصوصی . اینجا الهه حاصلخیزی ، سرپوش مخروطی بسر دارد که زمانی سرسنجاق آهنی بوده و پیکره را به پایه‌اش متصل میکرده است . در لرستان برخلاف چنین پیکرهٔ الههٔ حاصلخیزی بیشتر با بت‌های مرکب روبرو میشویم

۲۷–بت مفرغی – لرستان . ۱۰۰۰ پیش از میلاد . بلندی ۱۵/۷ سانتیمتر مجموعه خصوصی .

۲۸–پیکره مفرغی ـ ناحیه پشتکوه لرستان ، ۹۰۰ ـ ۷۰۰ پیش از میلاد بلندی آن دروضع فعلی ۳۸ سانتیمتر . موزهٔ ایران باستان ـ تهران. این پیکره که ابعادی غیر عادی دارد نمایندهٔ خدای نگهبان شهری است که برما ناشناس مانده است . گمان میرود که بسبب وقوع جنگی ازمکان اصلی خویش خارج و سپس بازگردانده شده است. نوشته‌هائی که بخط میخی بابلی جدید متعلق به ۵۰۰ ـ ۶۰۰ پیش از میلاد بردامن او دیده میشود تاریخ پیکره را چند قرن پیش از آن تعیین می‌کند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



٢٢

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

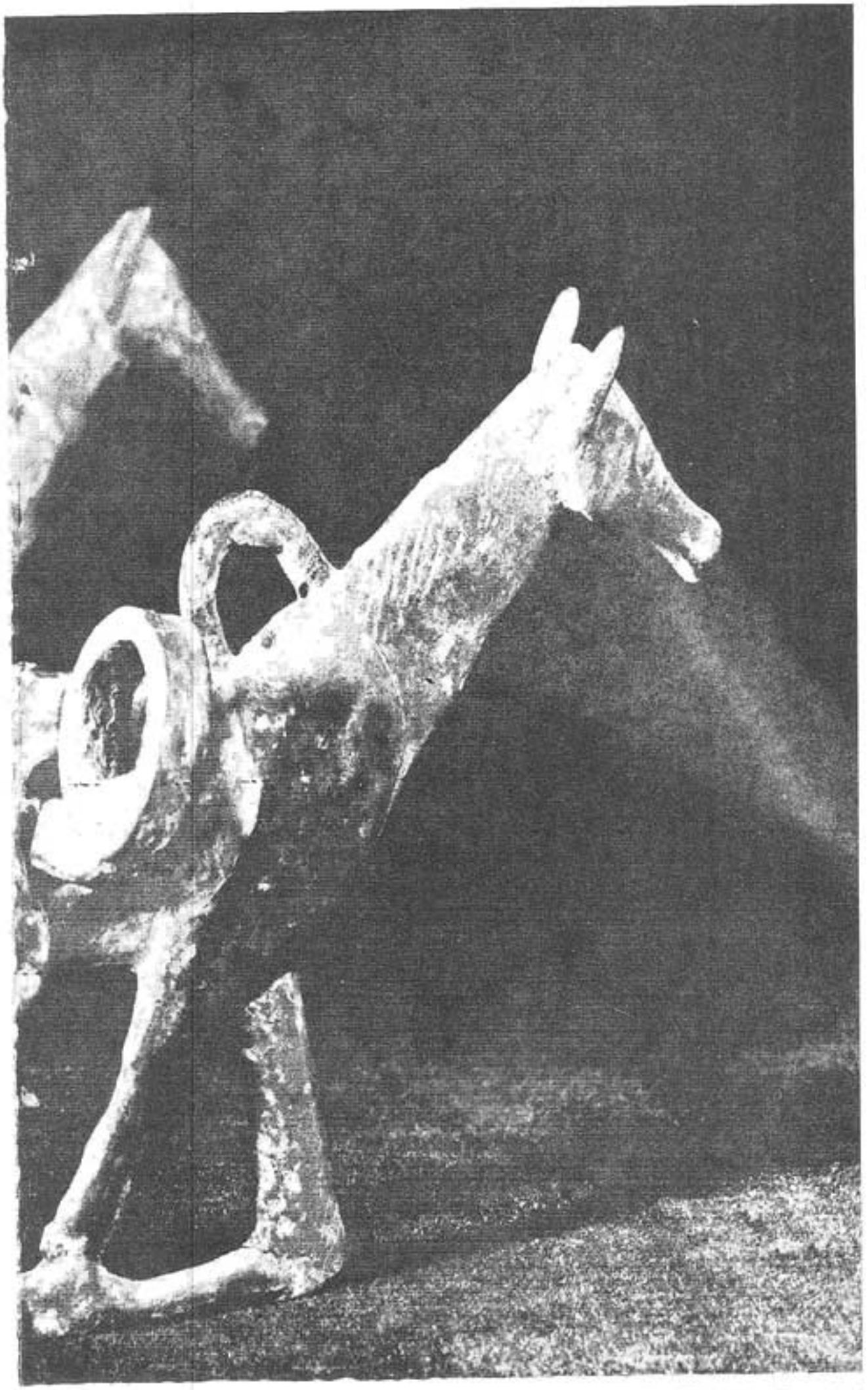


٢٣

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

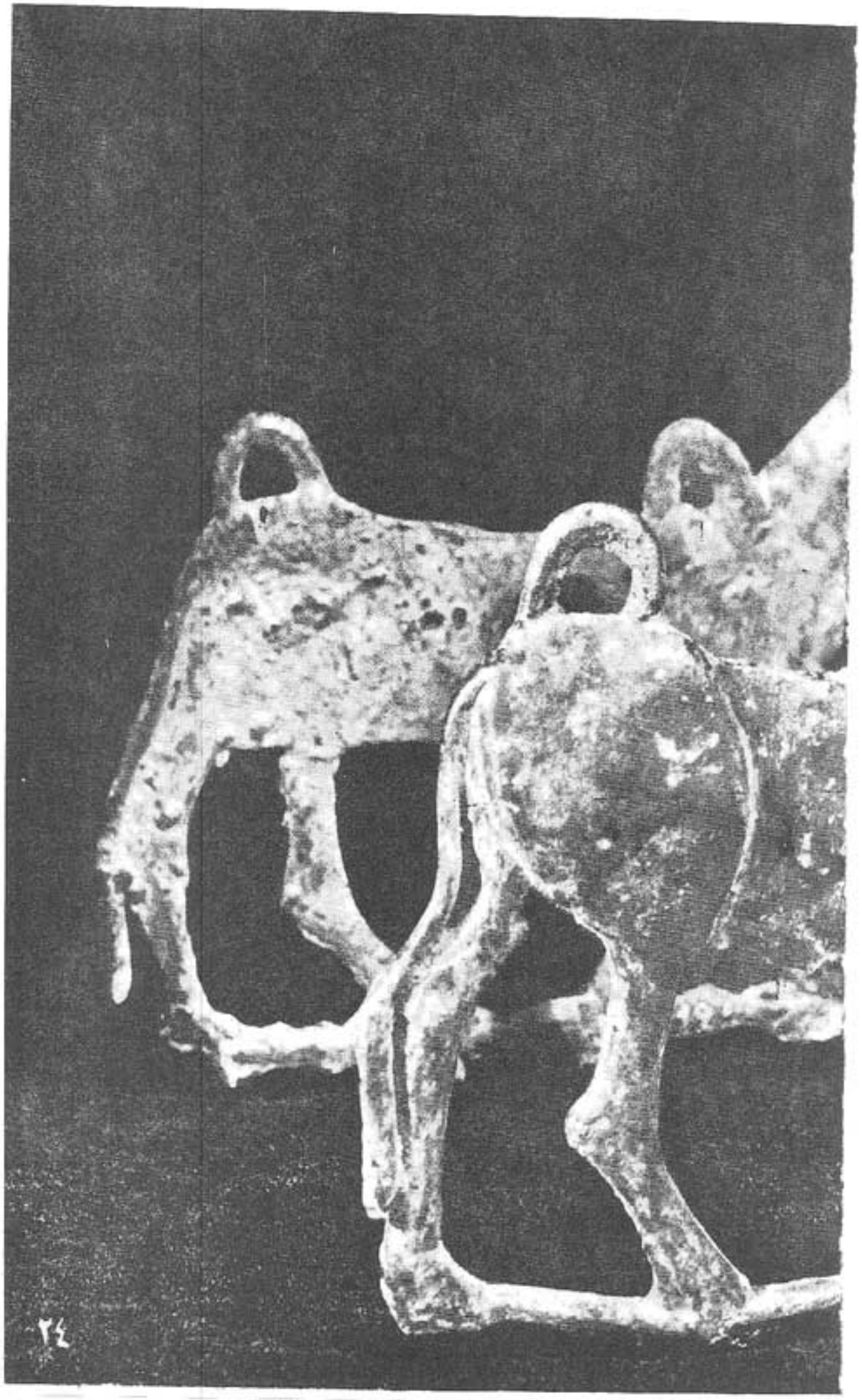
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

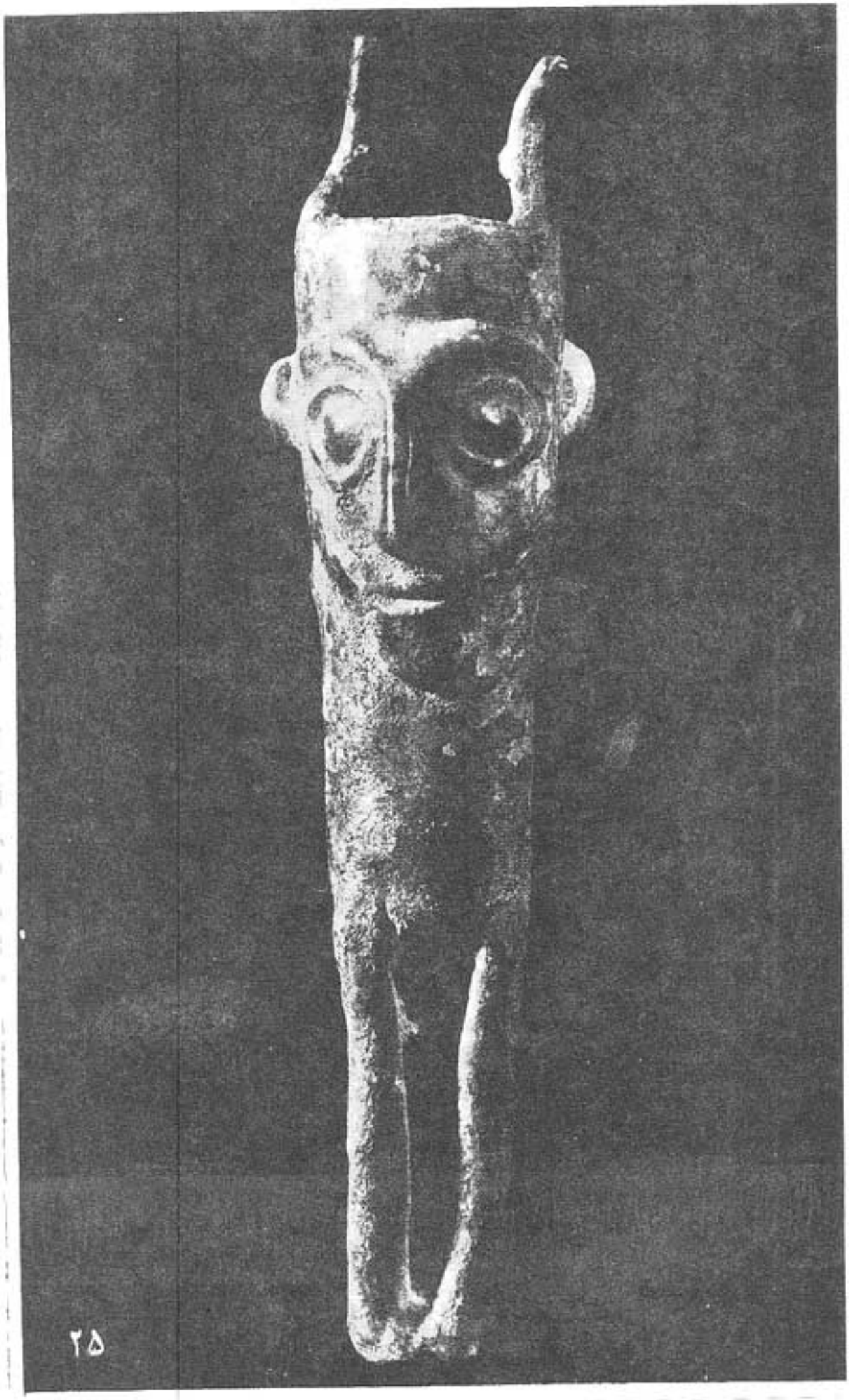
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



٢٥

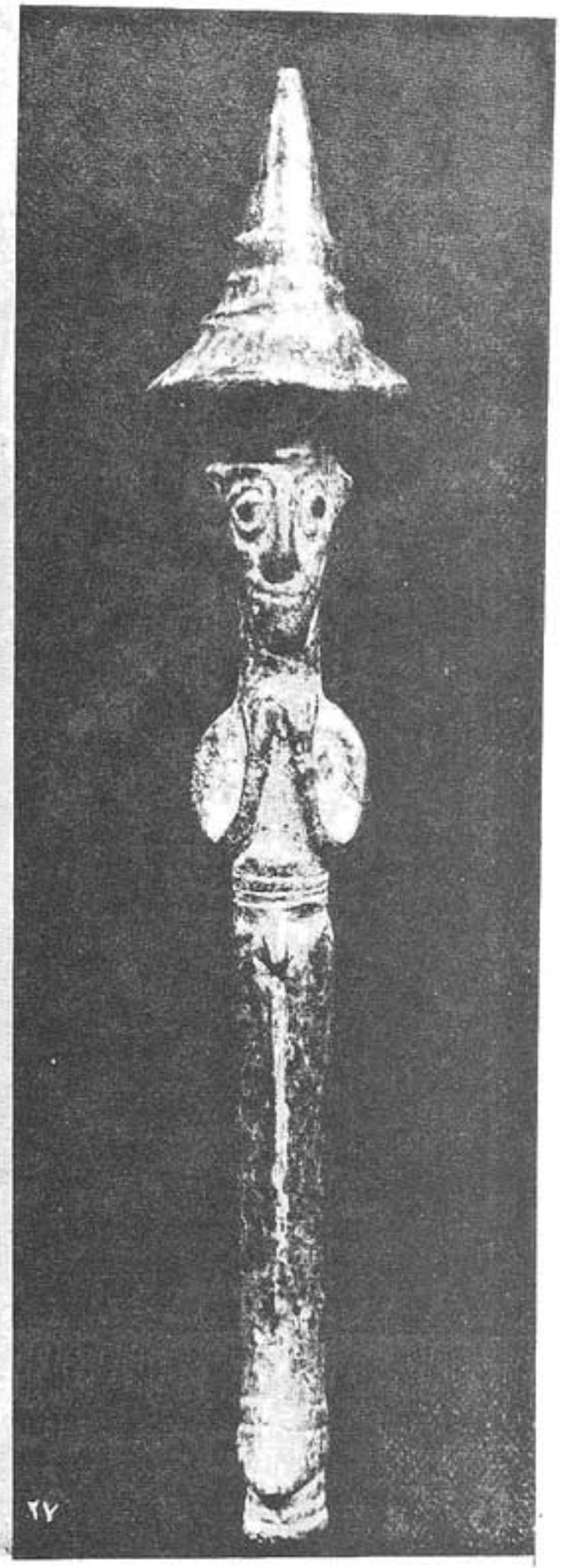
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



٢٦



٢٧

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مهارتی که در نقش این سنجاق بکار رفته نشان میدهد که باید معاصر اشیاء سابق الذکر باشد.

شکل ٤٠ دو حیوان بالدار را روبری یکدیگر نشان میدهد که درختی را درمیان گرفته اند درخت مزبور نخل است وچون در کوهدشت که محل بدست آمدن آن است نخل یافت نمیشود وازطرفی نخل درخت مقدس سومریها است، چنین استنباط میشود که نقش مزبور هم مانند نقوش سابق الذکر مستقیما ازپیکر نگاری سومری اقتباس شده باشد وساخت آن همزمان آنها بوده باشد. بالهای حیوانات نامبرده وسرستونهای واقع درقسمت بالای درخت که اسلوب یونانی دارد نیز بااین نظر مغایرتی ندارد. چه، نقش حیوانات بالدار [٣٩] در مشروبه گوده آ هم دیده میشود و مارپیچهای سبك یونانی هم مبتنی برروش ساده کردن کار است که درحجاری وحکاکی عموماً درطرفین تنه نخل در محلی که شاخه ها شروع میشوند دیده میشود. این سبك ها که اغلب باشکال کروی دیده میشوند [٤٠] گاهی دردوره کاسیت ها بشکل مارپیچی درآمده اند. نمونه آنها رامیتوان درمطالعاتی که هرتسفلد بعمل آورده است [٤١][1] مشاهده نمود. بنابراین هیچ مانعی ندارد که این سنجاق هم که صحنهٔ آن متعلق به دورترین عهد عتیق است وتکنیك وبزرگی آن نظیر سنجاق هائیست که با آنها بدست آمده وهیچیك ازجزئیات نقش آن. پس از اواسط هزارهٔ دوم نیست متعلق به نیمه دوم همین هزاره باشد. بدون شك درخت مقدس که گاهی بحدالوهیت مورد احترام و ستایش بوده وحیواناتی ازآن نگهبانی کرده یا آنرا میچریدند یك عامل تزئینی مورد علاقه بوده وغالبا درهنر آسیای قدیم ازآغاز پیدایش آن تاعصر جدید بچشم میخورد. ومانند خدای حاصلخیزی در بسیاری ازاشیاء مکشوفه لرستان دیده میشود واغلب حیوانات یادیوها آنرا احاطه کرده اند وبندرت دیده شده است که روی بعضی ازسنجاقها به تنهائی تمام سطح نقش رااشغال کرده باشد (شکل ٤٦). روی یك لوحه بسیار زیبا که درکوهدشت بدست آمده ومتاسفانه بیش ازنیمی ازآن باقی نمانده (شکل ٤٧) درخت مزبور رادو گاو بالدار احاطه کرده اند که اگر درآنچه ازآن باقیمانده دقت شود ملاحظه میشود که گردن گاو باریك تر از گردن یك اسب و قسمت عقب تنه بیشتر به تازی میماند تا به گاو واین خودقابل دقت است. نظیر نقش این گاو رامن جز درلرستان درجای دیگر ندیده ام وگمان میکنم که این اثر متعلق بیك دوره هنری بس وسیع وخالص سومری که قدیم تر ازدوره گوده آ وهمزمان بادوره اونتاش هوبان باشد، باتوجه باینکه درخت همان نخل مقدس سومراست. درنقش این لوحه، یکی ازدوگوی افسانه ای، دربالای تنه درخت، درمحل شروع برگهای نخل دیده میشود. زیرپای گاو دومار درهم پیچیده که هم به مار منقوش در ظرف شراب گوده آ [٤٢] شباهت دارد وهم ازنظر سوژه تزئین به گیسوان بافته شده درحجاری

* * *

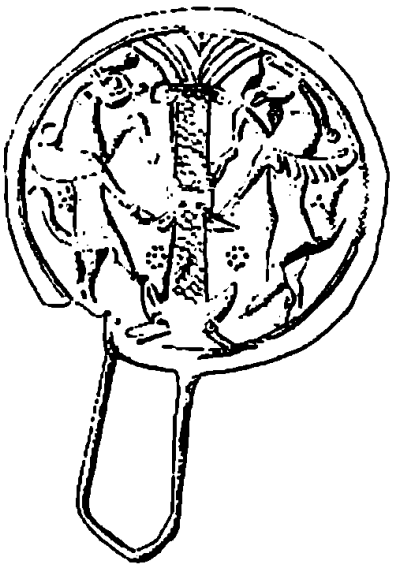
١ــ E.Herzfeld :Archaeologische Mitteilungen Aus Iran

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org













٣٧ | ٤٠
٣٨ | ٤١
٣٩ | ٤٢

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

برجسته از گل‌سرخ قیرگون موزه لوور که تاریخ آن تقریبا ۲۹۰۰ سال پیش از میلاد است [۴۲]. این‌مارها بمنزله حاشیه صحنه هستند. مانند ستون[1] تزئینی «اون‌تاش‌هوبان» [۴۴] یا سنگ‌دیگری که در کتاب کنتنو آمده ویا باخره سنگ «مردوخ‌ذکیرشوم»، که بین گردن گاو و درخت پرنده‌شکاری دیده‌میشود که حیوانی را بچنگال گرفته [۴۵] [۴۶].

این‌نخل ومارو گاوها که منسوب به‌خدای بزرگ باروری هستند، توجه مارا به ایلام واون‌تاش هوبان جلب میکندکه قطعاً الهام‌دهنده مفرغ‌سازان لرستان مرکزی درتمام‌مدت نیمه دوم هزارهٔ دوم پیش ازمیلاد بوده است. اماهمانطورکه «الهه‌عریان» (شکل‌های۲۶ و ۲۷ و۲۹ و۳۰) در هیچ‌یک‌ازنقاط‌جلگه وسیع‌لرستان شمالی بدون مصاحبت حریف نرینه خود دیده‌نشده است، خدای‌بزرگ باروری‌هم بدون الهه باروری‌نزدخانه‌نشینان نرفته‌است. بنابگفتهٔ‌ژ. کنتنو، یگانگی خدا والهه برای برانگیختن یگانگی انسانها و ازدیاد وتکثیر گله‌ها وحتی یگانگی عواملی‌که اتحادشان‌موجب ریزش بارانی میشود ضرور است.[۴۷]

تذکراً یادآورمیشودکه اگرچه الهه بزرگ پرورش دهندگان‌اسب [۴۸]رامیشناسیم، اما نمیدانیم مال خانه‌نشینان بچه‌شکلی نموده میشود جزاینکه فرض‌کنیم مسلماً همان‌کسی است‌که درکوهدشت بدست‌آمده ودرشکل۴۸ دیده میشود. از معتقدات مذهبی خانه‌نشینان لرستان مرکزی، تا اندازه‌ای خدای بزرگ باروری و پیامبر اوگیلگمش قهرمان و حامی گله‌ها وهمچنین الهه بزرگشان رامیشناسیم. تصوری هم ازخدای خورشید نزدآنهادادیم. چنانکه دروسط عده‌زیادی ازقرص سنجاقها سرانسان برجسته‌ای‌که ازاشعه محاط‌شده‌بنظر میرسد (شکل۴۹) ونیزخدای ماه داشته‌اندکه ریشی ازسنگ لاجورد داشته ولی درهیچ‌یک‌از اشیاء مکشوفه درکوهدشت، مدرکی‌که مؤید این‌معنی باشد دیده‌نشده مگرنقش‌هلالی‌درمهر های استوانه‌ای‌که تنهاوجه نسبت‌ماه‌است (شکل۵۰).

سرهای بزرگ زنانه عم‌که بآن اشاره خواهدشد نمیتوانند نشانه ماه شناخته شوند. باوجود این درمیان یکدستهٔ صدتائی ازاشیاء مفرغی‌که بموزه‌تهران‌رسیده وچنانکه‌میگویند ازغارت معبد سرخ‌دم[2] توسط الوار بدست‌آمده، یک‌دانه‌کرالین بشکل‌زیتون یافت‌شده‌که روی‌آن این‌عبارت حک‌شده: «کوری‌گالزو درمعبدسین» (شکل۵۱) چون دوره پادشاه کاسیت، کوری‌گالزو[4] دفرض‌اینکه‌دراینجامورد بحث باشد، کاملا بازمان ساختمان بیشتر

* * *

۱ــ سنگهای تراشیده ومنقوش یا نشانهٔ مرزی‌که برای‌تحدید حدوداملاک و قرار دادن آنها زیر حمایت خدایان‌بکار میرفته‌مانند Hermes-Borne یونانیها.

۲ــ مبداء الهام‌مفرغ‌سازان‌لرستان، ایلام‌دوره‌اون‌تاش‌هوبان Untash-Huban بوده‌است.

۳ــ معبد سرخ‌دم توسط دکتر E.Schmidt در کوهدشت که درمای از لرستان مرکزی است کشف وکاوش شده است.

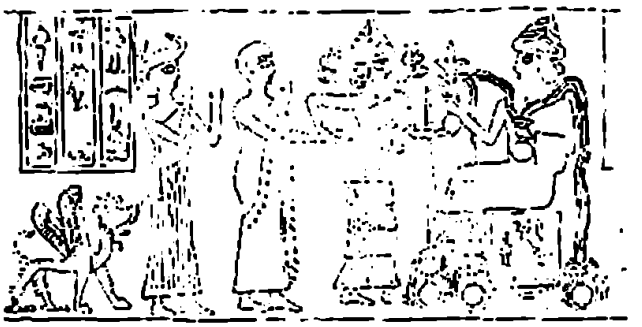
۴ــ پادشاه کاسیت، کوری‌گالزو Kurigalzu اول درسال ۱۴۲۵ پیش ازمیلاد درب‌بل پادشاهی‌میکرده‌او درشمال بابل Dur Kurigalzu را بنانهادکه اهمیتی‌بدست‌آورد.

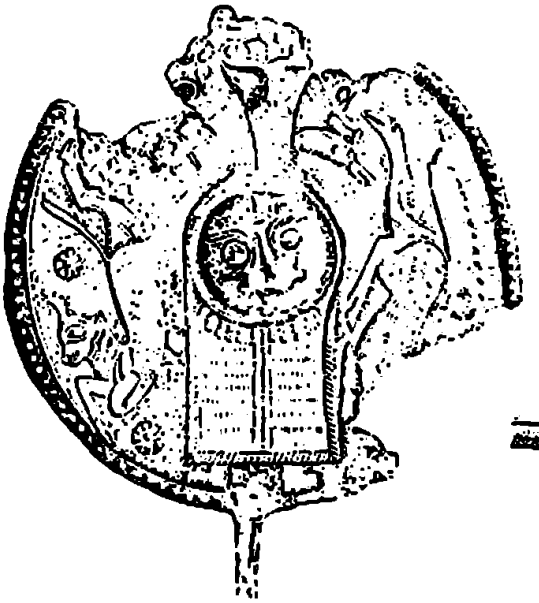
tarikhema.org

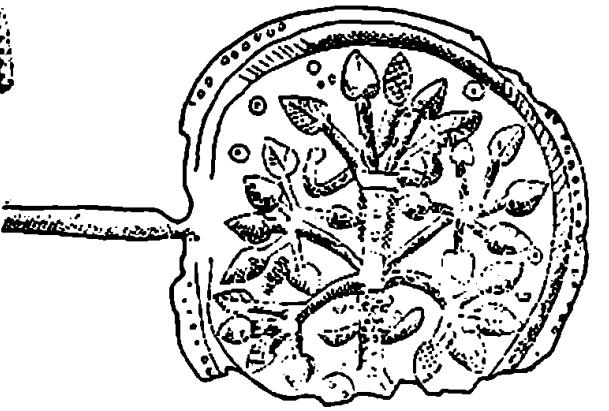
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org













٤٤	٤٣
٤٦	٤٥
٤٨	٤٧

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اشیائیکه چه ذکرشده وچه بعداً موردبحث قرار گیرد تطبیق میکند، بنابراین اگر محقق شود که شئی مزبور ازکوهدشت بدست آمده ، عبارت نوشته . روی آن اهمیت بسیاری خواهد داشت. چه دست کم به‌ثبوت خواهدپیوست که دراین‌منطقه یعنی درسرخ‌دم یاجای‌دیگر لااقل یك‌معبدی بنام خدای «سین» وجود داشته است .

از موجوداتی بنام دیو یافرشته وبا شکل نیمی انسان و نیمی حیوان که نگهبانان درخت مقدس هستند، تاکنون نمونه‌هائی دیده‌ایم (شکل٤١). اینك‌بسراغ‌بعضی‌دیگرازآنها میرویم. یکی‌ازآنها درخت مقدس سومررا که یك‌نخل‌است بایکدست روی شانه راستش وبا دست‌دیگر یك بزکوهی را بطور سرازیر گرفته است (شکل٥٢). اوریشو است و بینی‌ای خرطوم‌وار دارد. تاج گنبد مانند شاخداری‌که متعلق به خدای‌آشور است بسر دارد. بنابر یك عادت و عقیده‌ای‌که شرح جزئیات‌آن درکاسهٔ سنگی قیرگون‌که تاریخ آن نیمه سومین هزارهٔ [٤٩] پیش‌ازمیلاد است (شکل٥٣) داده شد، این‌شاخها بطور نیمرخ نمایانده شد و حال‌آنکه میبایستی از روبرو دیده میشد. گوشهایش مانند گوش دیوهای اشکال٤١و٥٢است ازطرفی سنجاقی‌که شکل٤١ نشان‌میدهد تاریخش نیمه‌دوم هزارهٔ دوم است ومیدانیم که‌رسم گرداندن‌یك‌درخت‌کوچك(شکل٥٢) که‌درنقوش‌حکاکی‌شده‌کرکوك[١][٥٠]دیده‌میشود جاری ومعمول‌بوده‌است وآن متعلق به‌نیمهٔ هزارهٔ دوم است. بعلاوه‌اشکال‌ستاره مانندهشت پری‌که مابین‌شخص‌وکنارهٔ‌لوح‌دیده‌میشودتوسط هرتسفلد مطالعه شده . اوآنها راکاملا از مشخصات دومین‌هزاره‌دانسته است. بنابراین باز تکرارمیشودکه ماهنوزبدنبال هنرسومری دراواخر هزارهٔ دوم هستیم .

همین نقش نیم انسان ونیم‌حیوان بابینی خرطومی وتاج گنبدی‌شکل‌وشاخدار سنجاقی را که شکل٥٤ نشان میدهد تزئین کرده‌است. آنجا او درحال نگهبانی‌درخت دیده‌نمیشود بلکه دروضع پهلوانی نشان داده شده‌که حیوانات سبع‌را رام ومطیع خود میسازد . واین هیئت درچندجای دیگر سنجاق عالی[٢] شکل٥٥ نشان داده شده است.

دربالا وپائین لوحه چهارنقش ازاین‌شخصیت‌که نیم‌انسان ونیم حیوان است، دو به‌دو شاخه‌های درخت مقدس‌را که مانند شکل٤١ بسر پرنده‌ای ختم شده‌اند دردست دارند. در طرف راست‌وچپ چهارنفر دیگرکه تاکمر شبیه اولیها هستند. دو به‌دو نیزه‌خدای مردوخ[٣] را دردست دارند. اماآنها دامن‌بتن وپای انسان دارند وشاید کاهن باشند.

دربین‌کارکنان معبد درشکل‌های ٥٦و٥٧ بخوبی‌آنهائیکه حامل برگ نخل هستند

* * *

١ ــ کرکوك درنزدیکی موصل درکشور عراق است .

٢ ــ غیراز بعضی‌از قسمت‌های طرف چپ وراست این سنجاق زیبا ، تمام بقیه اصیل و واقعی است.

٣ ــ این‌نیزه نشانه مخصوص خدای مردوخ Mardukh است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بعنوان کاهن، ودرشکل۵۸ راهبه ورقاص مقدس شناخته میشوند. دونفری که درشکل۵۶دیده میشوند هریك شاخه‌نخلی دردست دارند و شخص‌طرف‌چپ‌بادست‌دیگر ماری‌را ازدم بدست گرفته‌است. اما کار نفرسمت‌راست معلوم‌نیست. زیرا سنجاقی که ازمعبد سرخ‌دم بدست‌آمده درطرف‌مزبور آسیب‌دیده‌و بدرستی‌چیزی‌از آن‌قسمت‌مفهوم نمیشود. امـااحتمال میرود که او هم وضع نفرطرف چپرا داشته‌بوده‌است. هردوی‌آنها ملبس‌به‌جامه‌گشاد وچین‌دار هستند، شبیه جامه‌شهبانوی ایلام«نپیرآسو» که درموزه لوور دیده میشود اماکوتاه‌تراز آن هستند . زیرا بلندی‌جامه شبهانو قسمتی برای‌ایجاد تعادل هیکل ۱۷۵۰ کیلوگرمی آن است که جامه‌اش را تاسطح زمین پائین‌آورده است[۵۱] . مردانیکه شاخه‌نخل دردست‌دارند مانند بعضی‌از فرشته‌ها دارای بینی‌خرطومی‌هستند وتاج گنبدی‌شکلی که بطورفلس‌نما تزئین‌شده‌بسردارند.

این‌صحنه هیچ‌گونه رابطه وشباهتی باصحنه‌هائیکه در آن قهرمان حامی،ماری بهر دست دارد ودرحال دویدن دیده‌میشود ندارد (شکل۳٤) وشخصیت‌های روی سنجاق درحال دو نیستند ووضع‌بی‌احترامانه‌ایکه مارهارا ازدم بدست‌گرفته‌اند نشان‌میدهدکه مارها کشته شده یا مرده‌اند. پس بچه‌دلیل این‌دومرد بوضع‌تشریفاتی هریك‌شاخه‌نخلی‌راکه بدست‌دارد بدیگری عرضه میدارد؟ گمان میرودکـه این شاخه‌های‌نخل معرف جنبه دسته‌ترکه‌بارسن[۲] آئین زرتشتی یعنی ازلوازم‌تشریفات‌مذهبی‌محل بوده‌باشد وصحنه‌منقوش‌هم عبارت‌ازاجرای مراسم مذهبی بوده‌باشدکه بمناسبت نابودکردن مارکه نشانهٔ شراست صورت‌گرفته.

یکنفردیگر که اوهم شاخه‌نخل بدست‌دارد [شکل۵۷] مردی‌است ریشو واونیز بینی خرطومی دارد وسربرهنه است و موهایش‌را بانواری بسته‌است. اوهم شاخه‌نخلی‌را راست مانند شمع دردست دارد. اگرتصور شود، واین‌تصور بنظرمنطقی میرسد، کـه شخصیت‌های صاحب چنین بینی‌های مخصوص متعلق بیك‌دوره ازتاریخ باشد، باید فرشته‌های‌سابق‌الذکر و همچنین شخصیت‌های حامل شاخه‌های نخل‌همه را معاصر یکدیگر بدانیم ، ما میدانیم‌که اشیائیکه‌نقش‌چندتن‌ازآنهارانشان میدهد بطور تحقیق پیش‌از اواخر هزارهٔدوم پیش‌از میلاد ساخته شده‌اند . این‌تاریخ‌درمورد شخصیت‌های حامل‌شاخه نخل‌به‌ثبوت رسیده . بدلیل‌اینکه اشخاص منقوش درشکل۵۶جامه‌هائی‌مطابق رسم زمان اون تاش‌هوبان بتن‌دارند وبطوریکه در جای دیگر گفته شد این پادشاه در ۱۲۵۰ پیش از میلاد میزیسته است .

شکل ۵۹ صحنه ایرا نشان‌میدهدکه‌کمی باشکل پیش تفاوت دارد . درمرکز لوحه سربرجسته‌ای‌که ظاهراً سرزن‌است قراردارد ، درطرف‌راست وچپش دوپیرمرددیده میشوند که باونگاه میکنند و هریك‌شاخه نخلی‌بدست‌دارند ، درقسمت‌بالای آن دوحیوان‌خیالی‌شبیه به‌شیر بالدارباهم‌روبرو هستند . درپائین‌دوحیوان‌شاخدارسرها رابرگردانده‌اند، از آنجائیکه

* * *

۲ ـ دسته‌ترکه‌موسوم‌به‌بارسنBarsonراکاهنان‌درروزهای‌رسمی‌وتشریفاتی‌بدست‌میگرفتند.

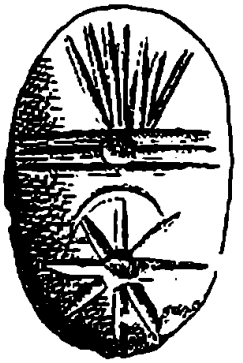
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org













٥٢	٤٩
٥٣	٥٠
٥٤	٥١

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org











٥٥ ٥٧
٥٦ ٥٩
٥٨

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ممکن است تصور شود شیرها وحیوانات شاخدار لوحه، منسوب بخدای خورشید باشد، میتوان صحنه لوحه را چنین تشریح کرد: درمرکز، خدای خورشید ودرطرفین کاهنانی هستند که با احترام شاخه‌های نخل را باو تقدیم میکنند، وشاید بهمین نحو هم بتوان صحنه عکس ۲۱ را تعبیر نمود. درمرکز لوحه این سنجاق زیبا هم که متاسفانه خیلی آسیب دیده وآنهم ظاهرا متعلق به اواخر هزارهٔ دوم میباشد شخصیت زنانه‌ای شبیه بشکل ۵۹، باین احتمال که جامه گشاد نیز آسو را بتن دارد. درصورتیکه درسنجاق دیگر فقط سر این زن دیده میشود. اما بهرصورت سروسر پوش هردو یکسان است، در طرفین سنجاق عکس ۲۱ کاهنان مانند شکل ۵۶ وعکس ۲۳ و ۵۹ پیرمردانی هستند که بینی خرطومی وریش‌های نوک تیز دارند ودرهمه جا موضوع یك صحنه مذهبی یا ستایش از خدای خورشید است. باوجود ابهام نقش چنین بنظر میرسد که درسنجاقهای دیگر این شخصیت زنانه است که شاخه‌های نخل را از کاهنان میگیرد.

امادرباره شکل ۵۸، چنانچه گفته شد نماینگر کاهنه خدمتگزار الهه نانا [1] است که مشغول انجام یك رقص مذهبی است مثلا «رقص برای ریزش باران»، کاهنه مزبور ملبس به جامه بلندی از پارچه نازك پر چین است و کلاهی پشمی نظیر کلاه شکل ۷۱ بسر دارد واو نیز شاخه نخلی بهردست دارد، دو حیوان درنده وچند گل دراطراف او دیده میشود. واین پر کردن اطراف نقش، بدون تردید برای رفع وحشتی است که شرقیها از خلاء دارند، این سنجاق که متعلق به مجموعه «گرف» میباشد احتمالا از نظر قدمت بپای سنجاقهای سابق الذکر نمیرسد وتاریخ آن ضمن بحثی که درمورد ردیف سرهای بزرك زنانه میکنیم تعیین خواهد گردید.

مؤمنین با وفای معابد نیز برما ناشناس نیستند، چه، در کاوش های لرستان درمجاورت سنجاقهائیکه نقش آنها صحنه‌های مذهبی را نشان میدهد عده زیادی مجسمه‌های کوچك هم بطول فقط چند سانتیمتر بدست آمده که میتوان آنها را بنظایر شان که درشوش وبین النهرین یافت شده تشبیه نمود ولی در مورد آنها هرگز بحث زیادی نشده است وعموماً اینها را نماینده «پرستندگان» میدانند.

آقای کنتنو درجائیکه از گنجینه اشیاء نذری و موقوفه معبد شوشینك [2] صحبت میکنند میگوید «دراین گنجینه مجسمه‌های کوچکی از تیپ های گوناگونی برای ما محفوظ است بعضی تیپ کلاسیك مردم سومر را نشان میدهند. قسمت بالای تنه عبادت کننده برهنه است ودامن

* * *

۱ ــ نانا یا آناهیتا «ناهید» را خدای چشمه‌سارها وبنابراین خدای باروری میدانستند

۲ ــ کشف معروفی که درشوش ودرمحل معبد شوشینك Shuhinak بعمل آمده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پشمی ریشه داری قسمت پائین آنرا پوشانده » بعدیکی‌از این مجسمه ها راکه ارتفاع‌آن ۶۳ میلیمتراست »(شکل ۶۰) تشریح کرده میگوید «این مجسمه به دنبالـه‌ای بقدر نیم سانتیمترخنم شده‌که برای نصب‌آن روی پایه مفرغی بکار میرفته،آن مرد ریشوئی رانشان میدهـد کـه ایستاده و پاهایش را جفت کرده و مسلماً مومنی است کـه برابر خدا ایستاده است»

در لرستان هم ما نظیر همین «مجسمه کوچك را می بینیم‌که مانند آنهائیکه ازشوش بدست‌آمده‌اند از تیپ های مختلفی هستند: از مرد تمام برهنه‌ای‌که ازعریانی‌خودناراحت است « شکل ۶۱ » تـا آن دیـگری کـه چشمانش پوشیده از قشری سفید است . « شکل ۶۲ » یـا آنـدیگری‌که از ترس دستهایش را رویهم گذاشته «شکل۶۳» وآن جوان ظریف که‌جامه‌حاشیه‌داری‌پوشیده ودستش‌را روی‌خنجرش گذارده«شکل۶۴»همگی‌باوضع‌ترسم انگیزی‌دربرابرخدااایستاده‌اندقامت‌اولی۶۳میلیمتر،دومی۷ و سومی۸۵سانتیمتروچهارمی ۴۸میلیمتراست. ظاهراًهمه‌اینهامتعلق‌به‌نیمه‌دوم‌هزاره‌دوم‌پیش‌ازمیلاد داندجوان‌ترین‌آنهایعنی آنکه خنجر بکمر بسته و جامه بلندی نظیر شخصیت های شکل ۵۶ بتن دارد محققاً معاصر آنها است . حالا در اینجا سرهای بزرگ زنانه راکه پیش‌از این بآن اشاره شد بـررسی کرده‌تکرار میکنیم که‌گمان نمیرود که بنوان آنها را بچشم نمایندگان سیارات نگاه‌کرد بنظر من آنها نیزمانند مجسمه های سابق‌الذکر فقط مومنین معبد هستند .

علاوه براینکه این سرهای زنانه نمیتواند نه نشانه‌الهه خورشید باشند ونه خدای ماه آنها با کلاه های طناز وگوشواره وگردن بندکه خود را آراسته‌اند خصوصیتی‌غیر مذهبی‌پیدا کرده‌اند بعلاوه اصل و نصبشان هم شناخته شده که وجهه مذهبی زیادی نداشته اند .

میدانیم‌که لرستان ازنیمه هزاره دوم پیش‌از میلاد ، دست‌کم سنجاقهائی میساخته‌که مرکز لوحهٔ آن باتپه‌های خیلی برجسته تزئین شده‌که‌گاهی روی آنها صاف بوده، مانند شکل‌های ۴۱و۸۹ و زمانی نقش‌پوزه حیوانی، مانندشکلها ۴۳و۴۵ ،یا کله انسانی مـانند شکلهای۴۹و۵۵و۵۶و۶۶و۶۷و۹۳ برآنها نقش میشده‌است.این‌نوع برآمدگی درسطح مدوری که‌مخصوصا برای‌تزئین آمادگی‌داشت ولی درابتدای‌امر،کم یا بدازآن استفاده‌شد،

* * *

۱ ــ برآمدگی مرکزی شبیه‌به برآمدگی ها،یکه دروسط سپر هادیده میشود

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

غالباً از مرکز لوحه جدا میشد ودرجای صحنه‌ها با شخصیت‌هایش چندن ترکیب میشد که گوئی قبه مرکزی اصلا وجود نداشته‌است. باین‌ترتیب یك‌نوع‌تناسب نسبت‌به‌محوراصلی لوحه، نه‌نسبت بمرکزآن بوجود میامد. نتیجه این‌میشدکه مثلا درمورد شکل‌های۴۲ و۴۵، موجبات بی‌ترتیبی وعدم هم‌آهنگی فراهم گردد.

بدون‌تردید درچنین هنگامی بوده‌است که ازسمت‌شمال یعنی‌ازآسور سنجاقهائی‌رسیده که‌آنها نیز درمرکز خود قبه‌های برجسته‌ای داشتندو کـه‌سطح‌مدور آنهابانقوش جانوران تزئین شده بود و هنرمندان‌کشور همسایه درساختن‌آنها ذوق وسلیقه خاصی داشتند [۵۳]. ظاهراً مردم‌کوهدشت باحسن‌نظر وحتی باچنان شور وشوقی‌این‌آرایش تازه‌را پذیرفتندکه هنرخودرا فدای‌آن‌کردند. اما چنانکه بعداً خواهیم‌دید آنها ازاین‌اقتباس طرفی نبستند. باوجود این دریافتندکه یك‌سر انسان یاحیوان قابل‌آنست‌که به‌تنهائی‌موضوع‌تزئینی‌جالبی برای‌تمام سطح لوحه یك‌سنجاق بشود. پوزه یك‌حیوان سبع‌راکه هنرمندان لرستان با آن مدتها اشیاء‌گوناگونی از قبیل ظروف‌گردن دراز، النگو [۵۶] ودسته خنجر [۵۷] و غیره را تزئین‌کرده بودند وبخوبی میشناختند،دراین‌تقلید رواج و اهمیت فوق‌العاده‌کسب کرد(شکل۶۵). امااثراین‌موضوع که‌بطورعجیبی به تائوتیه [۵۸] چینیهاشباهت‌دارد حقیقتاً جالب‌است. باوجود این بامصالح‌کهنه بین‌النهرینها دوام نیافت ومنسوخ‌گردید.

سرانسان برای طراحان لرستان، درآغازکار مشکلات بسیاری داشته‌است. بدون‌شك بدین علت‌که‌آنها کمتر از پوزه حیوان باآن انس وآشنائی‌داشته‌اند. نقاب‌نیم‌دائره‌ای‌شکل اولیه‌کم‌کم‌خصوصیت بیشتری‌پیداکرد(شکل۶۶)اماچون ذوق درآن مداخله‌نکرده‌بود ترقی‌و پیشرفتی نیافت. زنان لرستان عادت‌کردندکه میان سنجاقهائیکه بازار بآنها عرضه میکردآنهائیرا که‌بنظرشان‌جدیدتر و زیباتر بودند انتخاب‌نمایند وسرهای‌خودشان‌راهم‌بشکل آنها آراسته وباکلاه به‌مد روز درآوردند. شاید این‌عجیب‌بنظربرسد، امااگرمجسمه‌های کوچکی ازگل پخته ساخته و منقوش شده ودر دخمه‌های «تنگره» و «میرنه» کشف شده بنظرآوریم که‌اعضاء خانواده ودوستان مردگان،درآنهاخودرادرلباس‌زمان نشان داده‌اند، عجیب‌تر خواهدبود.

سنجاقهای مزین بسرزن که شکل۶۷ وعکس۲۲ نشـان میدهند، واحتمالا دوتـا از قدیمی‌ترین‌آنها هستند بخوبی بدنبال سنجاق قبلی جا خواهدگرفت ولی ازهرجهت برآن برتری دارند. هرسه‌کله‌هم‌شکل هستند یعنی‌قسمت‌بالا پهن وزنخ‌باریك وهردو درمرکزلوحه قراردارند واطرافشان هیچگونه‌تزئینی‌ندارد امانسبت‌ها ونظم‌وترتیب مجموع درشکل۶۷ و عکس۲۲ بهتراز دیگری‌است، خود سربهترقالب‌گیری شده‌است وچون بزرگتر است بهتر مرکز لوحه‌را اشغال‌کرده وعامل واسطه‌ای میان‌صورت‌وزمینه مرکب‌ازنوعی‌نقش تخم‌مرغی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

منظره تزئینی رعایت بخشی به مجموعه لوحه‌داده است .

حالا بچند نمونه ازسرهائیکه ازقبلی هاآزادانه ترآرایش شده اند میپردازیم. بعضی ازآنها که بادقت بیشترآراسته‌شده اندگیسوان رافرق داده وازوسط سربد وقسمت تقسیم کرده بطرفین برگردانده (شکل ٦٨ و٦٩) ، یاقسمت جلوپیشانی را مانند یونانیهای قدیم‌زده اند(شکل٧٠)، بعضی دیگرنوعی‌عرقچین پشمی‌نمای‌نوك تیزروی‌سر گذارده‌اند(شکل٧١)، یکی هم سرخود را با نوعی‌کلاه دوردوزی شده پوشانده (شکل ٧٢)ودیگری کلاهی‌مزین بنوعی پوك بسر دارد (شکل ٧٣) ، چهره هاکه اختلاف زیادی باهم دارند ـ باریك وترکه ای ، چاق‌وزمخت ، پف‌کرده ـ وبیشتربه پرتره شباهت دارند .

همه این سرها زنانه هستندجزاین یکی (شکل ٧٤) که مردانه استوچنین بنظرمیاید که طرحی ناتمام است .

امامن درمجموعه‌کوافر Coiffard سنجاقی دیدم که‌روی‌آن‌عیناً همین‌سررا باهمین وضع نشان میداد .

روی این سنجاقها غالباً صورت مؤمنین معبد جانشین صورت خدایان شده‌که مانند مجسمه های‌کوچك مفرغی‌که ذکرشدبحال پرستش‌خدا ایستاده‌اند . باوجود این‌سنجاقهای دیگرهم بدست‌آمده‌که نقش‌آن بیشتروبهتربا تصوری‌که ما ازنذرداریم مطابقت دارند .یعنی اشیائیکه بنظرجلب رحمت وبرآمدن حاجت وآرزوئی تقدیم خدایان میشوند . ما اشیائی‌از این‌قبیل میشناسیم‌که شبیه پا ودست [٥٩] میباشند (شکل ٧٥و٧٦) که‌زنان لرستان‌به‌گردن بندها میاویختند ، اما درموردآنها اطمینان‌کامل باین معنی نداریم . درصورتیکه شکل های ٧٧و٧٨ معرف سنجاقهائی هستندکه محققاً برسم نذر یا سپاسگزاری‌از زایمان‌خجسته ای تقدیم معبد شده اند .

پیش ازاین‌گفته ایم‌که درنظرخانه نشینان لرستان مرکزی قهرمان حامی‌گله‌ها بعد ازآنکه فرستاده خدای باروری شد ، جنبه غلبه بردیوها را ازدست داده وازاین لحاظ تقریباً ناپدیدگردید ، اینجا دوصورت ، شکل ٧٩ و٨٠ بزبان‌بی‌زبانی‌داستان بیرون‌رفتن او از آن صحنه را بیان میکنند .اما صحنه های‌دیگری هستندکه درآن‌قهرمان مقام‌حمایت گله ها ودوستی حیوانات اهلی را برغلبه بدیوان برتری داده و ازآن دست کشیده است (شکل ٨١) .درسنجاق دیگری ، دلقك مانندی‌که‌هیچ‌وجه تشابهی‌با گیلگمش پهلوان ندارد بنظرمیاید‌که درکمال‌آزادی وبی‌پروائی با دوحیوان سمج‌تربیت یافته به‌نمایش میپردازد (شکل ٨٢). بدون تردید میتوان یادگارهائی ازاین قهرمان درصحنه شکاری‌که نزدخانه نشینان ودرمراتع یافت میشود بدست‌آورد اما اینها درکوهدشت‌کمیاب ترازپیش‌اسب‌داران است . اینجا شکارچی‌که بسیاربد تصویرشده دیده میشودکه باتیروکمان بطرف حیواناتی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

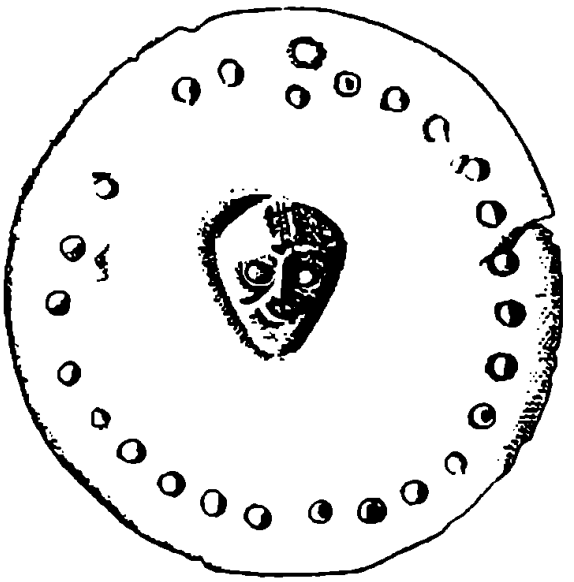
PDF.tarikhema.org





٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤
٦٥	٦٦			
٦٧				

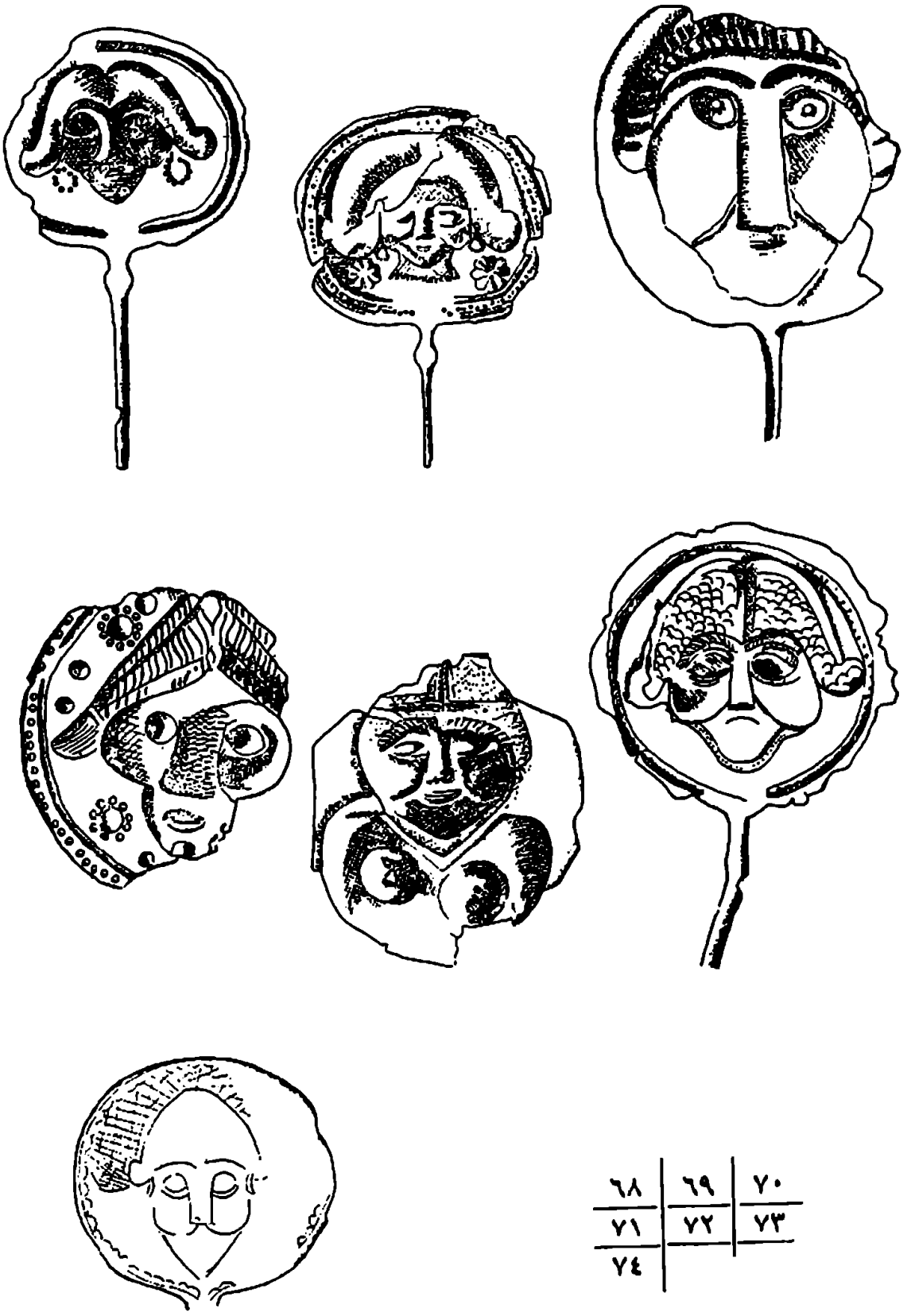




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

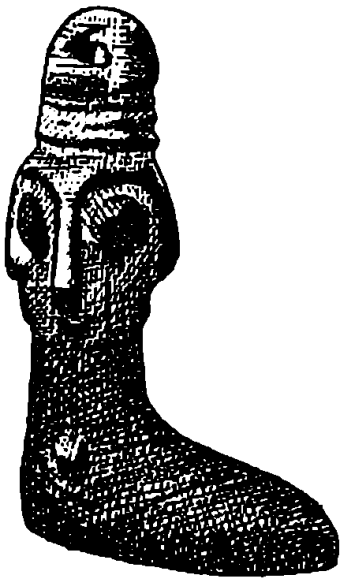


٦٨	٦٩	٧٠
٧١	٧٢	٧٣
٧٤		

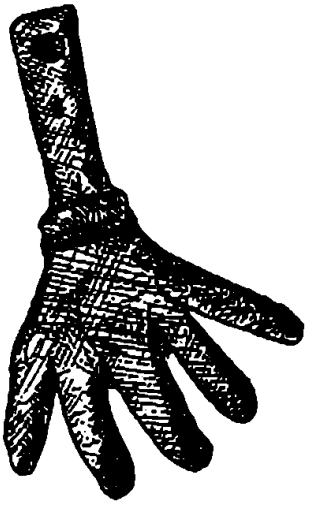
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org









٧٥ | ٧٧
٧٦ | ٧٨

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تیر اندازی میکند . این حیوانات هم آنقدربد طرح‌شده اندکه بـدرستی نمیتوان آنهارا باز شناخت (شکل ۸۳) وشاید اینها هم شکارهای‌او باشد : غزالی که بوسیله قطعاتی ازآهن‌ورق که هوشمندانه بامیخ‌پرچ بهم‌پیوسته‌شده‌وشبیه‌بازیچه‌ایست(شکل۸٤). بز کوهی‌پائین‌شکل۸۳، کبك درشتی که هنوزدرخاك راه‌بخودمیپیچد(شکل۸۵)، نوعی مرغ زمینی (شکل۸٦)وبدون شك‌حیوانات‌کوچك دیگری ازاین قبیل دیده میشوند ، موضوع شکارکوچك است ، زیرا ما حالا دیگردردوره ای‌نیستیم‌که بهردستشیر یرا خفه‌کرده یاگاونرخشمگین‌را ازشاخهایش گرفته وبیك حرکت به‌پشت میخابانند .

تمام صوری‌که شرح داده شد متعلق به قومی است خانـه نشین ، متدین وهوشمند و دوستار اسبزیبا (شکل ۸۷) و سگ‌های‌کوچك (شکل ۸۸) نه جنگجو وشکارچی . هـریك ازآنها چیزی بما آموختند وهمه‌آنها دررنگ آمیزی تابلوئی‌که ما در صدد پرداختن آن ازقسمتی ازلرستان قدیم هستیم اثری‌گذاشته‌اند . اما صوردیگری هم‌هستندکه از همین‌منبع کشفیات بدست‌آمده وباید ازآنها هم صحبت‌کنیم ولی ارزش معنوی‌آنها راندارند اما بوضع بهتری ساخته شده‌اند . ظاهراً اینها دربرابر اولیهاکه غالباً فاقد ارزش هنری‌زمخت ، اما همیشه مشخص چگونگی حالات انسانی وطرزفکرزمان خود هستند، معرف چیزهائی‌میباشند که از خارج ۱ وارد شده‌اند . همه زیبا وخوش ساخت ، اما معمولـی ومبتذل و فاقـد اهمیت می‌باشند .

یکی ازآنها ، (شکل ۸۹) شامل یکدسته نقوشی است‌که همیشه‌همان تاخت وتازهای غیرحقیقی حیوانات‌وهمان‌کارهنرمندان چیره دست‌راکه برای‌ده هزارمین بارهمان‌دیوهای بالداررا‌عرضه‌میدارندنشان میدهد . بااین همه اشیاء این‌مجموعه بزرك‌برای ما تااندازه‌ای دارای اهمیت هستند . این سنجاقها ئی‌راکه از مس تقریباً خالص ساخته شده‌اند و بعضی ازنقاط‌آنها درشکل۸۹دست نخورده مانده است بخوبی‌میشناسیم.اینها همزمان گل‌میخهای آسوری ، یعنی نیمه اول هـزاره اول پیش از میلاد هستند ودرباره آنها شصت سال است بحثهای فراوانی شده است. درآن زمان درتمام آسیای غربی « سبکی سست وبی بندوبار اما صنعتی وظریف رونق ورواجی داشته است .» اما درباره محل تولید وصدور صورمزبور نباید آنها را از قبقبه مصر ، یابین‌النهرین دانست . چنانکه در مورد گلمیخها هم چنین تشخیص‌داده‌اند. اینها از همان منبع حاشیه دوزی‌ملیله البسه شاهانه نمرود[٦۰]می‌باشند. یعنی تمام آنها ازآشور هستند ، چه درخود آشور ساخته شده بـاشند چه درلرستان بوسیله هنرمندان آشوری یاتربیت شدگان زیردست‌آنها بهرصورت هیچ مغایرتی با فرض‌اول‌وجود ندارد . چه ، میدانیم‌که‌آشوریها بالرستان تجارت‌گرمی داشته‌اند .

* * *

۱ ـ اینجا منظور تنها واردات است نه صادرات .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اینك بنا بفرض ورود اشیاء آشوری به لرستان، کشف یکی از آنها را در کوهدشت شاهد مثال قرار میدهیم ، شئی مورد بحث جامی است ازمس زرد بقطر ۱۴٫۵ سانتیمتر که بخوبی محفوظ مانده است . ته آن ، مانند مرکز لوحهٔ غالب سنجاقهای کوهدشت ، با برآمدگیهائی بشکل تکمه تزئین شده ، این برجستگی ازشعاعهای متحد المرکز وبعد ازسه دایرهٔ باریك بشکل قیطان محاط شده است بین دایرهٔ سوم ولبه جام سطح مدوری است به پهنای ۳ سانتیمتر که چهار حیوان همدیگررا دنبال میکنند وچهار درخت درفواصل حیوانها سطح جام راتزئین نموده است (شکل ۹۰ و ۹۱) درخت ، نخل آشوری است که روی دومار پیچ واژگون قرار دارد . حیوان که بسیار ماهرانه نقاشی شده ، چارپای بالداری است که سر انسان دارد و این نوع کار درحکاکی‌های آشوری معروف است ودر نقش آن درست پیروی ازهمان سبك صنعتی و ظریف آشوری [۶۳] شده است که بآن اشاره شد و مانند بسیاری از نقوش آن عهد یکی از بالها درپشت سرودیگری درجلو نقش شده [۶۴] . آشکارا پیداست که تمام جزئیات نقش از حیوانات مرموز، نخل‌ها ، روش نقاشی وحکاکی، تاماده، جام که مس زرد زیبائی است ازمختصات آشوری است . محققاً این یك نمونه مشخص ازاشیاء آشوری است که درطی قرون نهم وهشتم پیش ازمیلاد به لرستان واردشده است .

گمان میکنم سنجاقهائیکه شکل ۸۹ شایدبهترین نمونه شاخص آنها باشد تقریباً همزمان با تاریخ ساختمان کاخ آشورنازیرپال دوم ۲ در قلعه ۳ باشد . یعنی نیمه اول قرن نهم پیش ازمیلاد . بعد سنجاقهائی پیدا شدند که تقلید دقیقی ازآنها بود وسپس انواع دیگری که در میان آنها نیز حیوانات بالدار درحال جست وخیز دیده میشود ولی رنگ ایرانی درآن بخوبی بچشم میخورد . مثلا آدمك بزرك بینی شکل ۹۴ ، رقاصه زیبای متعلق به مجموعهٔ نازك (شکل ۵۸) وکله‌های زنانه (شکل ۶۷ تا ۷۳) در این ردیف هستند و بالاخره بدنبال اینها یك دسته از اشیائی میایدکه متعلق بآخردوره آشوری است .

چنانکه گفته شد سنجاقها و لوحه هائیکه جنبه مذهبی دارند وهمچنین مجسمه های کوچك مؤمنین معبد، درنیمه هزاره دوم پیش ازمیلاد جا گرفتند . بنابراین اشیائیهم که در کوهدشت بدست آمده اند بدودوره مشخص هنری تقسیم میشوند :

قسمت اول ازنیمه دوم هزاره دوم تا آغاز قرن نهم پیش ازمیلاد وقسمت دیگر از آغاز قرن نهم تا دوره هخامنشیان یعنی قرن ششم پیش از میلاد . دسته اول زیر تأثیر هنر درخشان

* * *

۱ ـ جام مورد بحث دریك قبر پهلوی گردنه مغرغی یك نیزه تبردار بدست آمده.

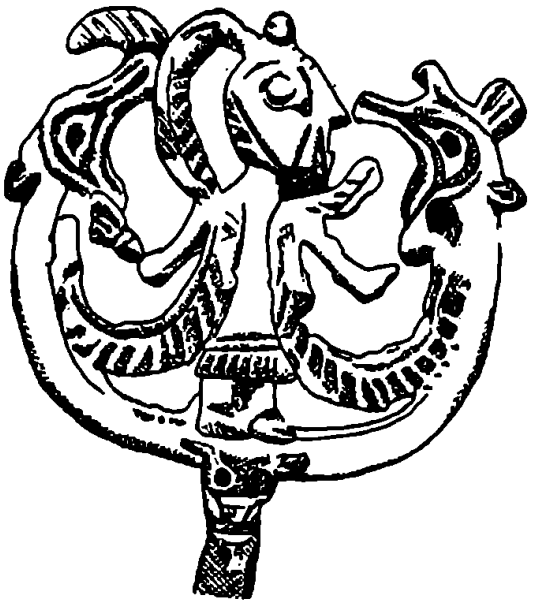
۲ ـ آسورنازیرپال دوم پادشاه آسور از ۸۶۰ تا ـ ۸۸۴ پیش ازمیلاد سلطنت کرده.

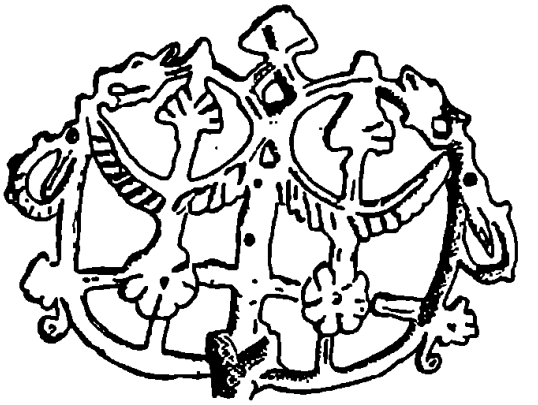
۳ ـ قلعه نمرود درکنار یکی ازشاخه های رودخانه ذهاب علیا واقع است.

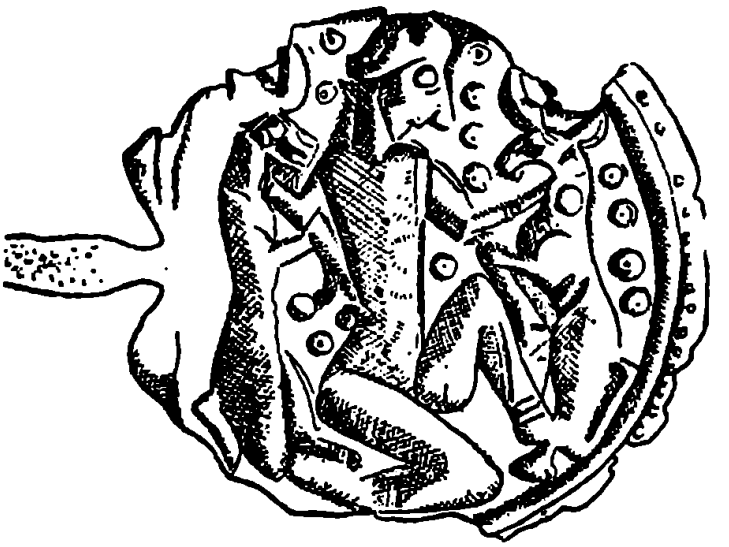
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org









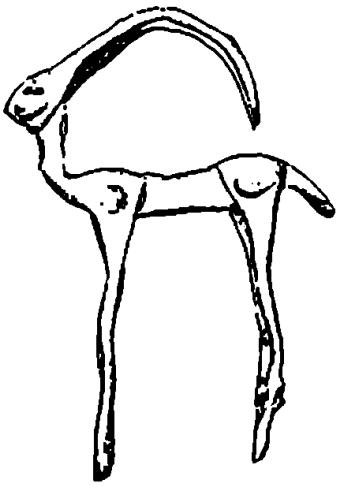
٧٩ | ٨٠
٨١
٨٢

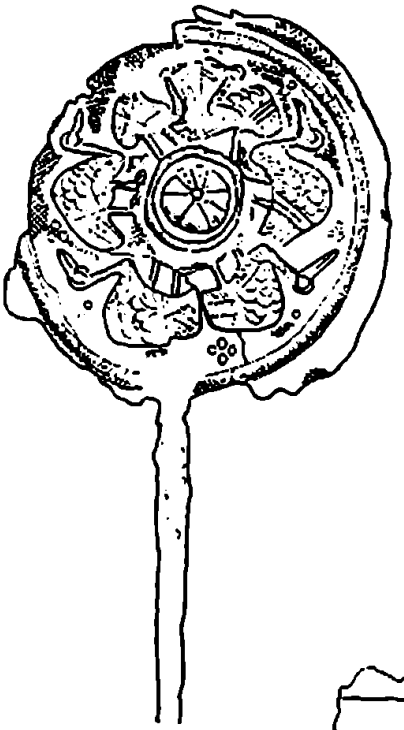
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



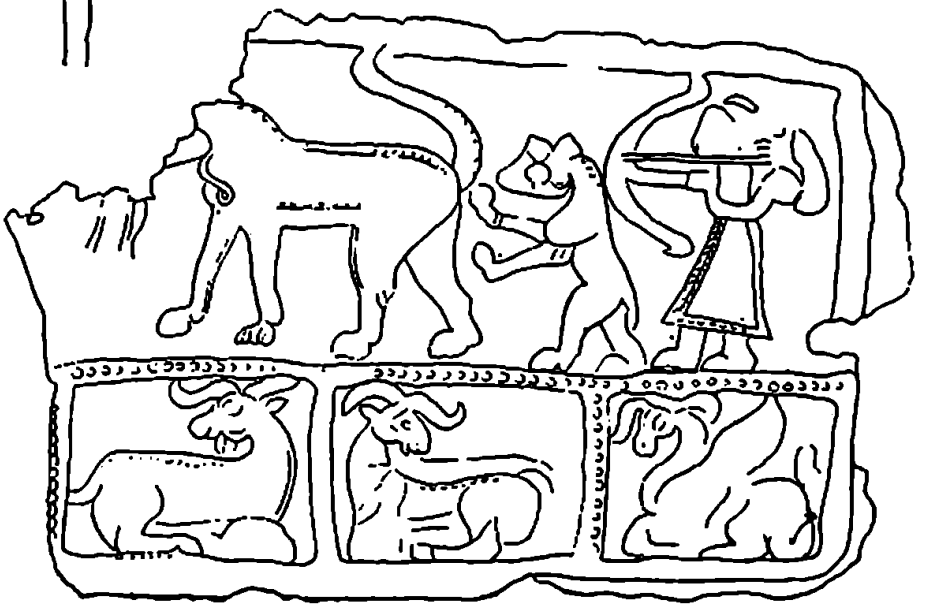








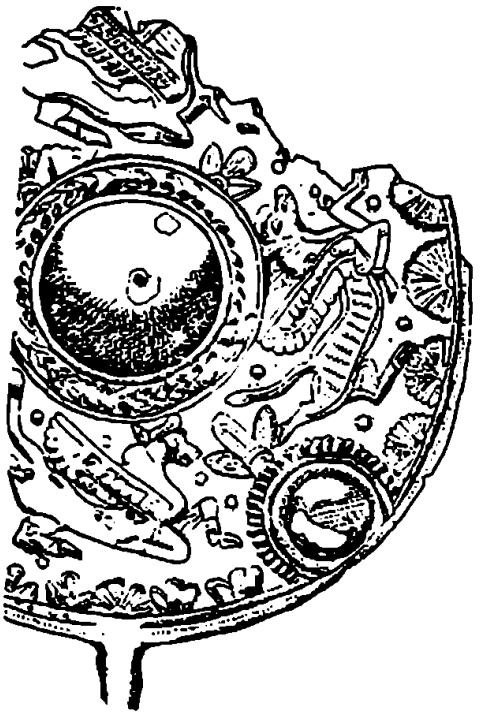
٨٥	٨٤
٨٦ ٨٨	٨٧
٨٣	



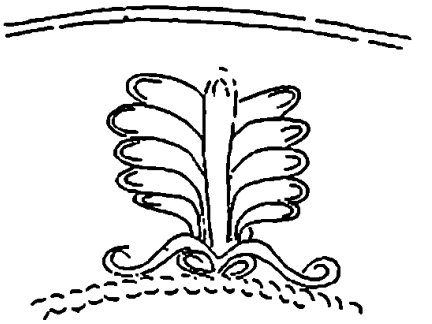
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

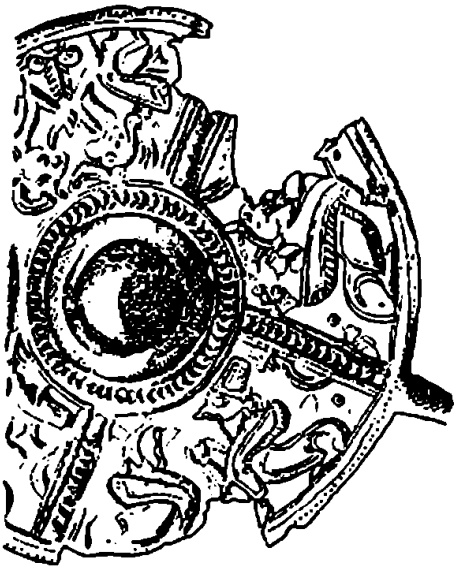
PDF.tarikhema.org







٨٩	٩٠
	٩١
٩٢	٩٣





tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایلامی دوره اون تاش هوبان ودومیها زیر تأثیرهنر آشوری زمـان آشور نازیر پـال دوم قـرار گرفتند .

درطی معرفی مختصر اشیاء مفرغی لرستان، مناسب دیدم ازلحاظ آسان کردن کار خواننده، اشیاء نامبرده راازحیث نوع طبقه بندی کنم تا بدین وسیله هنررا با افکار ومعتقدات ملتی که نزد اومرورزمان ونفوذ تمدنهای همسایه همواره این افکار ومعتقدات رادستخوش تحول ودگرگونـی ساخته است همراه کرده وآمیزش داده باشم . هنرزاگرسی هاهم مانندهرهنردیگری دردوران وجود خود مراحل ابتدائی یعنی ناپختگی وبعدکمال وبالاخره انحطاط را پیموده است. و بطوریکه دیدیم درطی نیمه دوم هزاره دوم باوج کمال خود رسید. غالباً ازپیدایش ناگهانی وسیر تکامل عجیب آن تعجب میکنند بدون توجه بقدمت آن کمدتها موضوع اعتراض و انکار بوده است . من میخواهم دراین چندتوضیح تکمیلی داده وعوامل چنین ترقی سریعی رابسرعت بیان کرده ودرضمن باهمان سرعت فترت ظاهری آنراتوجیه کنم

تاریخ مفرغهای لرستان بطورخلاصه وبدون توجه واشاره به سلطه کاسیت ها بر بابل[1] بیان شد چنـانکه گوئی این امرعجیب هیچگونه نشانی درهنرزاگروسی درآخرهزاره دوم پیش ازمیلاد نگذاشته است وظاهراً هم گویا چنین بوده است . درحقیقت تاکنون هیچ چیز مفرغی ازلرستان درجلگه بین النهرین بدست نیامده ، ودرکاوش هائیهم کـه درمحوطـه شهر دورکوریگالزو[2] انجام گرفته حتی یك قطعه هم بدست نیامده وچندتائی ازآنهم که درویترین های موزه بغداد بچشم میخورد ، توسط مأمورین گمرکی درمرز گرفته وضبط شده یااینکه ازبازارخریداری شده است. واین حقیقتی است که من بااجازه رئیس سرویس عتیقه جات عراق ومراجعه بدفتر واردات موزه بدست آوردم .

پس چگونه میتوان فقدان مطلق اشیاء مفرغی لرستان یعنی اشیاء دارای مشخصات خاص هنرلرستان رادرجلگه بین النهرین، ووجود عده خیلی زیادآنرادرکوه های زاگرس توجیه نمود؟ ظاهراً باین پرسش فقط یك پاسخ میتوان داد وآن اینکه غیرازسلاح هائیکه ازآن صحبت خواهم کرد وشاید لگامهای متعارفی اسب وچندقسم اسباب خیلی ساده، مانندحلقه وغیره سایر اشیاء مفرغی ازقبیل سنجاقها، جامها وفنجان های مفرغی دردوران اشغال بابل توسط کاسیت ها هنوز بوجود نیامده بوده اندوهنگامی بوجود آمدند که اشغالگران بکوهستانهای خود بازگشتند.

* * *

۱ــ بابل ازطرف شمال به آشور، ازسمت جنوب به سومر وازجهت خاور به ایلام متصل است .

۲ ــ شهر Dur Kurigalzu توسط پادشاه کاسیت کوری گالزوی اول که آنجا را پایتخت خود قرارداده ساخته شده .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

من گمان میکنم بیشتر اشیائیکه « شافر »[1] بنام «لرستان قدیم» جمع آوری کرده سلاح های خیلی قدیمی هستند که گرچه در لرستان کشف شده اند امامحل ساختشان ایلام یا بین النهرین بوده و بعداً بوسیله عواملی مانند خارجیها یا تجار واردزاگرس شده ویا از روی آنها ساخته شده اند .

با تکای این فرض من میتوانم تقریباً تمام انواع سلاح های لرستان رانام ببرم .

مثلااین تبری است که ازآن ناحیه بدست آمده ومتعلق بموزه تهران است.(شکل۹٤) روی دستهٔ آن نوشته ایست بخط بابلی بنام « بلی سر شاه توانا، شاه همه » وممکن است تاریخ آن همزمان دورهٔ اگده[2] باشد. این تبرشبیه تبر دیگری است که ازتل احمر[3] بدست آمده وشافر تاریخ آنرا ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش ازمیلاد تعیین کرده است [٦٥] .

سه عدد تبری که در قبرستان زیرزمینی تپه علی آباد موسیان[4] بدست آمده وبعددر یادداشت های نمایندگی باستانشناسی فرانسه [٦٦] درایران ازآن تقلید شده ، ویك تبر دیگر ازهمین نوع که متعلق به موزه بغداد است [٦٧] وتاریخ آن هزاره سوم پیش ازمیلاد میباشد، ودیگری بازازهمین نوع که متعلق به من است (شکل۹٥) . ظاهراً همه دارای یك مبداء هستند . «اندره پروـوولی» چندنمونه ازآنرا دراور[٦٨] ودرماری کشف کرده اند .

اینهم تبر دیگری که محققاً ازلرستان بدست آمده (شکل۹٦). وشبیه تبر نارام سن[5] بهمان صورتی است که درکتیبه موجود در موزه لوور دیده میشود وتاریخ آنرا اواسط هزاره سوم پیش ازمیلاد تعیین کرده اند[٦۹] ونظیر دیگر آن در تپه گورا[6] یافت شود. شافر آنرا در «رگه شناسی» [۷۰] خودنشان داده وتاریخ آنرا بین ۱۷۰۰ و ۱۹۰۰ر ۲۰۰۰ و ۲۲۰۰ تخمین زده است . دوتبر دیگرهم من باین مجموعه میافزایم : یکی ازآن دوبازازتپه گورا است که شافر تاریخ آنرا همان دوره تعیین کرده [۷۱] ودیگری ازکشفیات لرستان است (شکل۹۷) .

حالا تبرهائیراکه ازنوع معروف ترین تبرهای شوش هستند بررسی میکنیم: یکی از آنها که متعلق به موزه تهران است درشوش توسط «مکنم» کشف شده وتاریخ آنراهم خود او به

* * *

۱ ـ C . Schaeffer

۲ ـ سلسله پادشاهی موسوم به اگده متارن ۲٤۰۰ پیش از میلاد ساارگن شروع شده و درسال ۲۰٦۰ با نارام سن Naram Sin که جای خود را بسلسله Uruk میدهدبپایان میرسد.

۳ ـ تل احمر که همان تل بارسیپ قدیم است که در ساحل فرات واقع و در بیست کیلومتری کرکمیش قرارداد .

٤ ـ موسیان در ٥۰ کیلومتری شوش واقع است .

٥ ـ نارام سن. پادشاه اگده .

٦ ـ تپه گورا Gawra درشرق نینوا پایتخت قدیم آشور.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تقریب ۲۲۰۰ پیش‌ازمیلاد تعیین کرده . یکی دیگر که آنهم درشوش ودر گنجینه نذورات معبد شوشینك[۷۲] کشف شده . تبری راکه (شکل۹۸) نشان میدهد متعلق به لرستان است. شکل آن شبیه قبلی‌ها است ومفرغ آن همچنان خاکستری رنگ و زبرو ناهمواراست . گمان میکنم کافی باشد که یك تبر ازهمین نوع [۷۳] (شکل۹۹) که آنهم متعلق به لرستان است اما کارش خیلی لطیف تر وازمفرغ روشن تراست نشان دهم تاتقریباً محقق شود که تبرهای سابق الذکر دارای اصل ایلامی هستند وتنها این آخری است که میتواند درسرزمین خشکی که شاید زاگروس باشد ساخته شده باشد .

بحث خودرا باارائهٔ تیشه‌ای که متعلق به موزه بغداداست ادامه میدهیم، تاریخ آنرا هزاره سوم پیش‌ازمیلاد تعیین کرده‌اند[۷٤] (شکل۱۰۰) ونظیر آن (شکل۱۰۱) درلرستان بدست آمده ودرموزه تهران نگاهداری میشود. یك نمونهٔ دیگر، اما بدون دندانه (شکل۱۰۲) که آنهم درلرستان بدست آمده ودرموزه لوور[۷۵] است شبیه نمونهٔ تل‌احمر میباشد که شافر تاریخ آنرا ۱۹۰۰ تا ۲۲۰۰ پیش‌ازمیلاد تعیین کرده‌است[۷٦] مبداء این چهار تیشه محققاً ازجلگه بین‌النهرین‌است وگمان میرود دونمونه دیگر نیز که درموزه تهران‌است ازهمانجا باشد. یکی ازآنهارا «مکنم» درشوش کشف کرده (شکل۱۰۳) وتاریخ آنرا ۲۲۰۰ پیش‌از میلاد دانسته و دیگری ازلرستان بدست‌آمده است .

خنجری که بیش‌ازهمه درلرستان بکارمیرفته مفرغی واغلب یکپارچه استودردو ـ طرف دسته آن دوپره تعبیه شده که روی زینتی‌ازچوب یا استخوان برمیگردد [۷۷] (شکل۱۰٤) این خنجردرراس شمرا[۱] بدست‌آمده وشافر تاریخ آنرا ۱۳٦۵ تا ۱٤۵۰ پیش ازمیلاد[۷۸] تعیین کرده نظیر آن درتپه گیان بدست‌آمده که تاریخش ۱۲۰۰ تا ۱۵۵۰ است وجای دیگر خنجر دیگری که کمیاب [۷۹] تروآنهم تماماً ازمفرغ است ، دارای دسته گردی است و انتهای دسته مانند تبه میخ پهن است . (شکل ۱۰۵) این خنجر شبیه خنجری است که در وری[۲] [۸۰] بدست آمده و شافر تاریخ آنراز ۱۲۰۰ تا ۱۲۵۰ پیش از میلاد تعیین کرده است .

یکی‌دیگر که خیلی نایاب‌است ، (شکل۱۰٦) وتاریخ آن ۱۵۰۰ تا ۱۳۵۰ [۸۱] است. ودیگر دوخنجر است که یکی‌ازاوز[۸۲] بدست آمده (شکل ۱۰۷) ودیگری ازلرستان[۸۳] است (شکل۱۰۸).

* * *

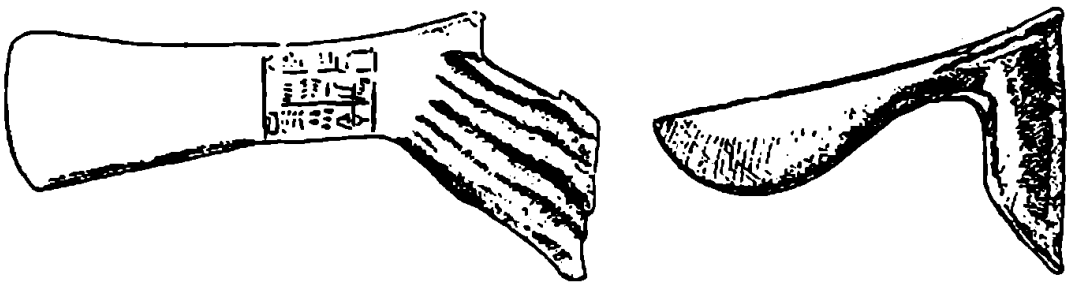
۱ ـ رأس شمرا ، اوگاریت قدیم است ودرساحل‌سوریه درعرض نقطه شمالی جزیره قبرس واقع است

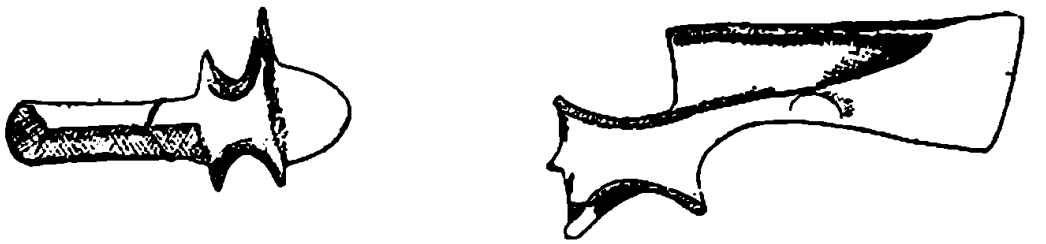
۲ـ Veri در طالش روس‌واقع شده است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

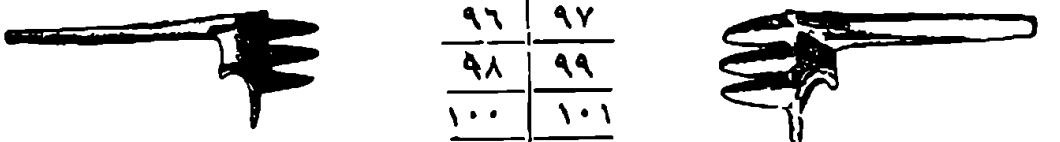
PDF.tarikhema.org







٩٤	٩٥
٩٦	٩٧
٩٨	٩٩
١٠٠	١٠١
١٠٣	١٠٢

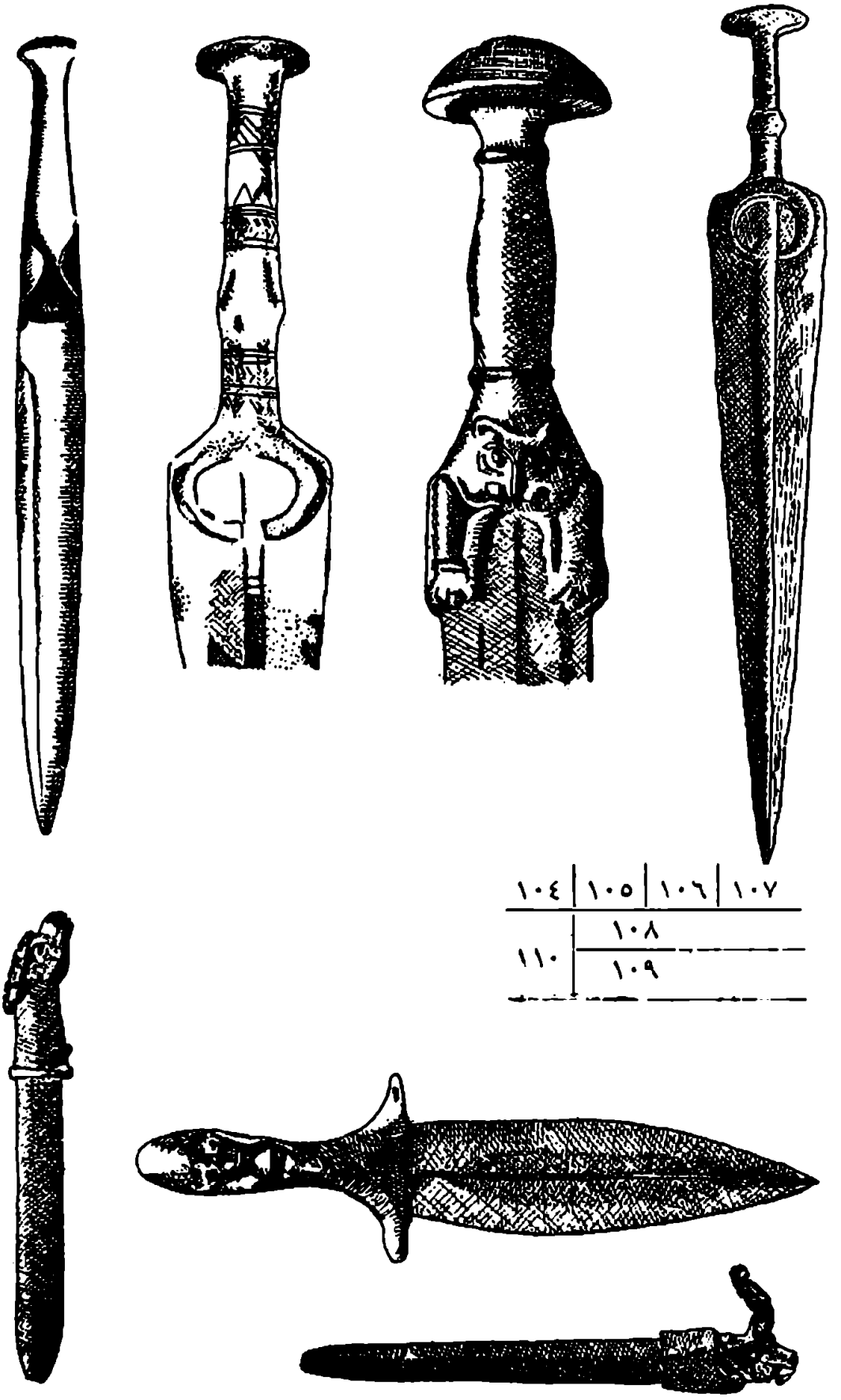




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



١٠٤ | ١٠٥ | ١٠٦ | ١٠٧

١١٠ | ١٠٨

١٠٩

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سنگ تیز کن که از لوازم ضروری خنجر مفرغی است باید اززمان پیدایش خود خنجر وجودداشته باشد (شکل ۳۳) وبدون شك بهمین دلیل است که شافر تاریخ آنهائیرا که من در مفرغهای لرستان [۸٤] منتشر کرده ام ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش ازمیلاد تعیین کرده است. دستهٔ مفرغی یکی از آنها باسر «کودورو» که در کوهستان ناشناس است (شکل ۱۰۹) وقطعاً درجلگه ساخته شده است منقوش می‌باشد. دسته سنگ دیگری هم که تقریبا درهمان ردیف است (شکل ۱۱۰) بایدازهمان مبداء بوده باشد.

بنابر آنچه گذشت تبرها، تیشه ها وخنجرهائیکه ازسلاح های کشورهای همسایه اقتباس شده، سنگ های تیز کن وبدون تردیدابزارها واشیاء زینتی خیلی ساده، ممکن است پیش اززمان اشغال بابل توسط کاسیت هاویا درجریان آن در دره های لرستان ساخته شده باشد. اما در باره اشیائیکه بنظرما ازنظر نفاست فلز ومهارت وتبحردر ساخت وتزئین محققاً ازمفرغهای لرستان هستند، چنانکه پیش ازاینهم اشاره شد اینها حقیقتاً مؤخر بر بازگشت اشغالگران بابل بکوهستانهای خود یعنی زاگرس اند. دلیل قاطعی درتائید این فرض وجود داردکه بآن اشاره کردم وآن اینست که هیچ شئی مفرغی از ایـن قبیل در بین‌النهرین یافت نشده درصورتیکه کشور نامبرده مدت سه قرن از ۱۵۰۰ تا ۱۱۶۸ پیش ازمیلاد زیر سلطه وفرمانروائی کاسیت ها بوده است. دلیل دیگری هم وجوددارد که اگر قوی تراز اولی نباشد ضعیف ترازآنهم نیست.

بامشاهده نمونه های زیادی ثابت شدکه مفرغکاران لرستان ابتدا بدون تصرف وتغییر محسوسی سلاح هائیراکه مال همسایگانشان بود عیناً ساختند. اما مقارن سال ۱۲۰۰ پیش ازمیلاددرآسیای غربی پیش آمدی رخ دادکه میتواند عامل اصلی یا یکی از عوامل تغییرات بزرگی باشدکه مادرهنرزاگرس مشاهده میکنیم.

درکشورقدیم سومر فلزکاری حرفه آزادی نبوده ومرد فلزکارشدیداً وابسته باقتصاد و حکومت معبد بودواین ازخصوصیات تمدن آن دوره دراین قسمت ازدنیا بود. او مطیع حکام مذهبی وحرفه اش زیر بازرسی یك کاهن فلزکار بود. باوجود این اوبرده مقامات مربور نبود. درمدت سلطنت همورابی وجانشینانش اقتصاد قدیم سومری رو به انحطاط بود. اصناف وصاحبان حرف وابسته به معبد فقیرشدند وگرچه تا اندازه‌ای وجههٔ مذهبی خودرا حفظ کرده بودند باوجوداین دچاربحران سختی بودند واین بحران دردوره کاسیت ها شدید ترشد تا آنجاکه آنها خودرا ازقید تابعیت معبدرها ساخته وبصورت صنعتگران آزاد در آمدند. چه، علیرغم رسوم کهن این وضع برای توسعه وانبساط هنرجدیدی مساعد نبود.

مقارن ۱۲۰۰ پیش ازمیلاد براثرهجوم مهاجرین بالکان، امپراطوری هیت‌ها فروریخت

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وساختن اشیاء آهنی که مدت چندین قرن در انحصار آن دولت بود از میان رفت و فلزکاران بکشورهای همسایه متفرق شدند [۸۵] . شاید بتوان پیدایش بسیاری از کارها را در هنر ایران این دوره که اثر دست صنعتگران ماهر یا شاگردان آنها در آن شناخته میشود با بروز این حادثه ربط داد : از آن جمله شیرهای منقوش در کاسهٔ طلای کلار دشت در گیلان
ویا بطور کلی سرها ، آرایش موها ، البسه ، وضع وهیئت اشخاص وراننده ارابه ایکه درشکل ۱۱۱ دیده میشود .

درحقیقت فراوانی اشیاء مفرغی لرستان بنظرمن معلول دارائی بازرگانان اسب کاسیت که مقاطعه کاران ارتش آشوری بودند میباشد وممکن است فلزکاران ماهرهم درتوسعه وترقی سریع وقابل ملاحظه صنعت مفرغ کاری زاگرس سهمی داشته باشند ،

اینجا موردی پیش آمد که درمسئلهٔ اصل وریشه هنرزاگرس دقیق ترشویم. شکل ۱۱۲ و عکس ۱۴ تبری را نشان میدهند که نوشته‌ای بر آن حك شده بنام پادشاه اون تاش هوبان ودرچغازنبیل درچهل کیلومتری شوش بدست آمده است . این سلاحی است از نوع خیلی قدیمی که درپشت آن حیوانی ازطلادیده میشود واین حیوان درمیان اشیاء مفرغی نقش برجستهٔ ایلامی دیده میشود ودرعین حال ما آنرا هنرلرستان میشناسیم .کاسیت‌ها اصول تزئینی آنرا اختیار کرده ودرپیشرفت وترقی آن راه افراط پیموده وتاحد شاهکار آنر توسعه داده اند . میتوان یك سلسله تبرهای لرستان را بنظر آورد که مانند آن ،مرکب ازسلاحی ازنوع قدیمی است که باچارپایان کوچك تزئین یافته که ایستاده [۸۶] (شکل ۱۱۳) یا خوابیده[۸۷] (شکل ۱۱۴) نمایش داده شده‌اند. درحقیقت این تبرایلامی متعلق بزمان اون تاش هوبان است اگر کاملا با نام صاحبش مشخص نشده ، ومحل کشف آن معلوم نبود، میتوانست مانند یکی از اولین مفرغهای لرستان ،درردیف مفرغهائی قرار گیرد که قیافه تزئینی هنرزاگرس را تثبیت کردند .

زیر اثر هنر ایلامی زمان اون تاش هوبان ، سلاح های زمان گذشته با آرایش بس مجلل تر از پیش تزئین شدند . مانند تیشهٔ (شکل ۱۱۵) که دراین مجموعه [۸۸] دیده میشود تبرهای دیگری که بشکل عصاهای هنگام گردش یا تشریفات درآمدند تغییرشکل دادند و لبه برنده شان تقریبا بوضع افقی قرار گرفت وبااین تغییرشکل ها وبطرق[۸۹] گوناگون برزیبائی آن افزودند (شکل ۱۱۶). کلنگ های قدیمی کیش ۱ وتل احمر بشکل مار پیچ درآمدند (شکل ۱۰۳) . سنك‌های تیز کن بشکل ظرایف عجیبی[۹۰] درآمدند که درآنها تزئینات نقش اساسی یافتند(عکس ۱۲)شمشیرهای آهنی که هرتسفلداز کاپادوکیه آورد واحتمالا

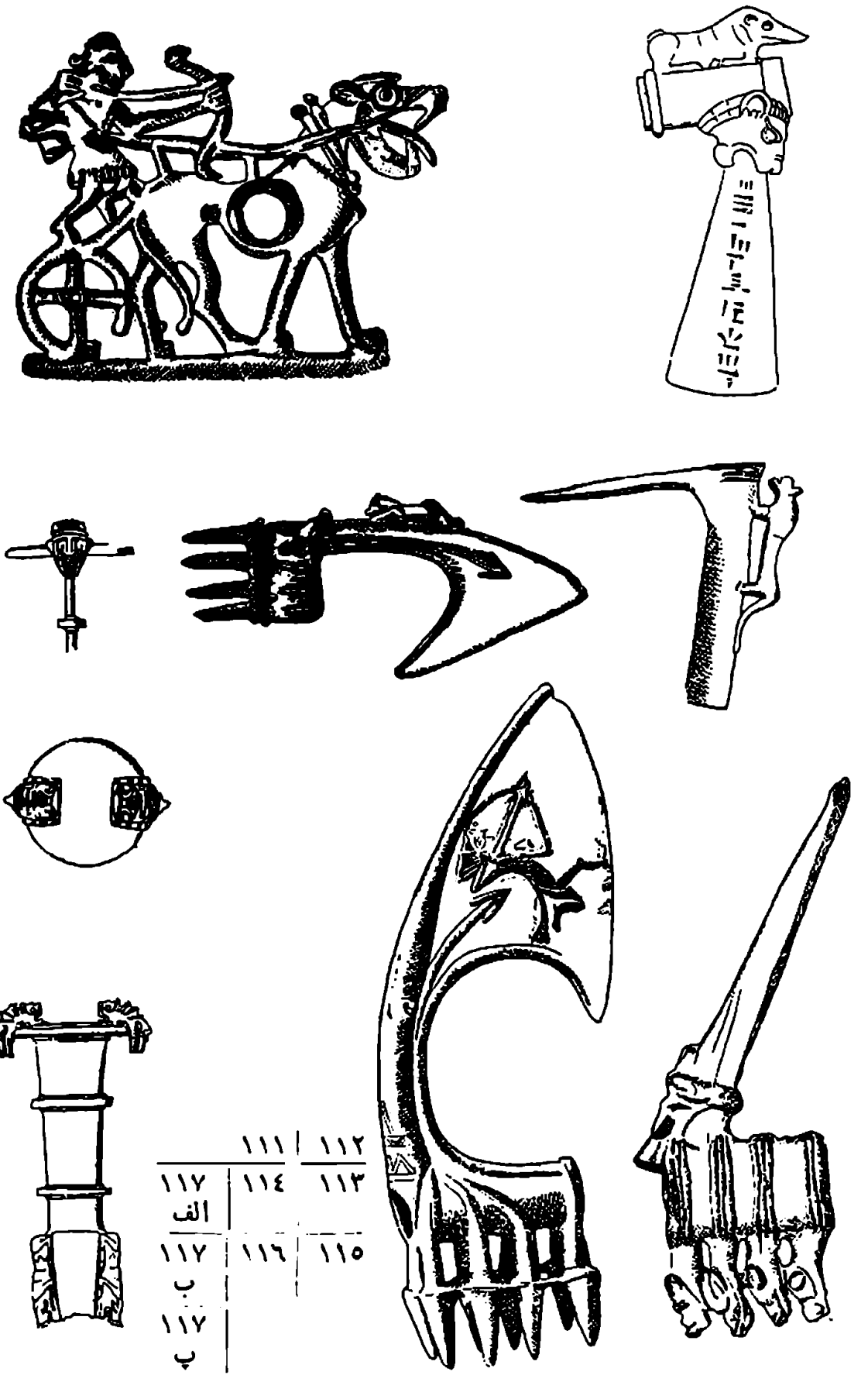
* * *

۱ــ یکی ازقدیم‌ترین شهرهای سومر آکاددرحوالی بابل واگده دربین النهرین.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

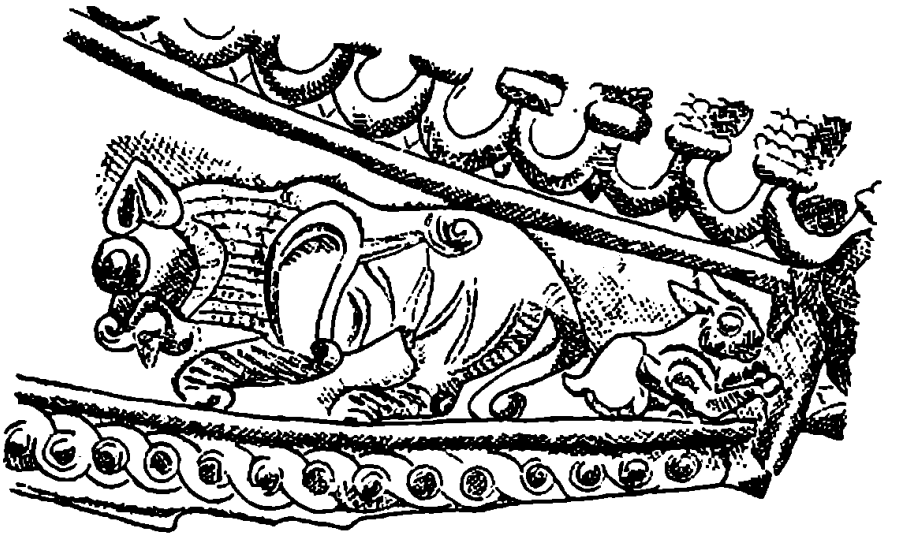


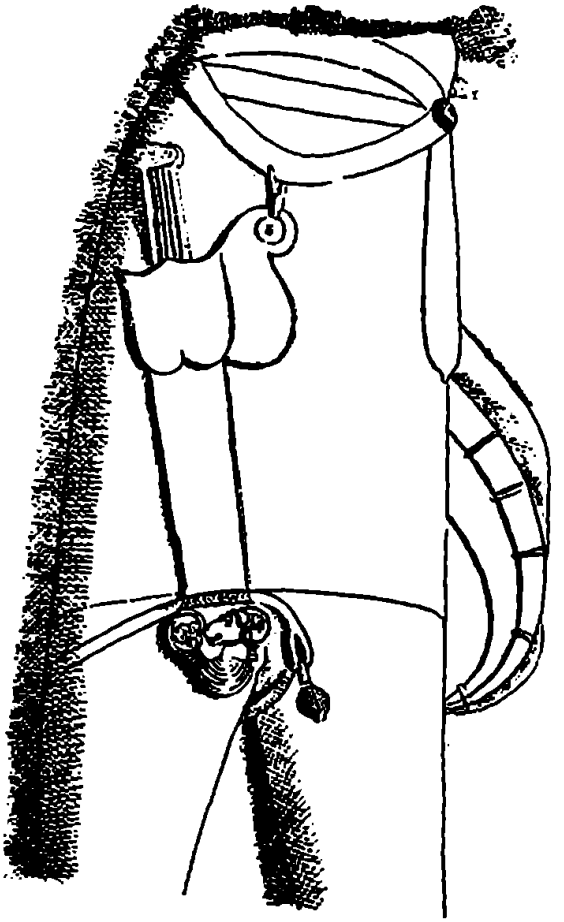
١١٢	١١١	
١١٣	١١٤	١١٧ الف
١١٥	١١٦	١١٧ ب
		١١٧ ج

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org







١١٨
١١٩
١٢٠

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درسالهای ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ درزاگرس ساخته شده اند بطور یکنواختی با سرانسان یا حیوانات خوابیدهٔ سلاح ارتشی [۹۱] آرایش یافتند (شکل ۱۱۷). دهنه‌های اسب که ابتدا خیلی ساده [۹۲و۹۳] بودند (شکل ۱۹) بطور مخصوص و نفیسی تزئین شدند و بشکل هدیه‌ای برای سپاهیان درگذشته و بالش آنها در قبر درآمدو صورت یك اثر هنری که کاری از آن ساخته نبود بخود گرفت (عکس ۲٤) .

مجموع اشیاء ساخت لرستان که درطی این تحقیق بررسی شدند فوق العاده بسیط است: مفرغ ، نقره ، طلا ، وبعداز آن آهن چکش کاری شده یا تراشیده [۹٤] که ابتدا حتی از طلا گرانبهاتر بود ، مصالحی بودند که صنعتگران کاسیت برای ایجاد یك هنر اصیل در زاگرس بکاربردند . در این مصنوعات اثری از نفوذ هیتها وهمچنین از هنر کرکوك نزد صحرانشینان جلگه‌های علیای لرستان شمالی و نفوذ عمیق ایلامی پیش خانه‌نشینان لرستان مرکزی دیده میشود . در شمال ودرناحیه منائی ۱ هنرزاگرس که تحول عادی آن دراثر مجاورت وتماس با جامعه آشوری تفاوتی باهنر مخصوص لرستان پیدا کرده بود. (شکل ۱۱۸) توسط هیت‌های صحرانشین هنگامیکه کشور مادرا اشغال کردند پذیرفته شدوبنابر «رستف تزف» بنام هنر سیت قدیم نامیده شد . این هنر منائی که به هنرسیت تغییر نام داد ، یعنی هنر قسمت شمال زاگرس ، بعداز انتقال به‌جنوب روسیه بسرعت بوسیله «سارمات»ها تغییر قیافه داد و آنها ذوق خشن خود را درآن واردکردند درصورتیکه درایران وکشور منائی که همان ماد باشد و توسط «اورارتو» ۲ با آشوررابطه داشت ، هنر مزبورکه از زمان

* * *

۱ ــ منائی Mannai که در تورات کشور «مان» ، نامیده شده ، از ساحل جنوبی دریاچه رضائیه تا نزدیکی تبریزوازسمت جنوب تا نزدیکی کرمانشاه را دربرمیگرفت.

۲ ــ گنجینه زیویه Ziwiye که در قلعه‌ای از استحکامات دفاعی Izirtu پایتخت منائی کشف شده شامل اشیائی ازطلا ، عاج ونقره است که درازمنه قدیم درخمره‌ای از مفرغ درقلعه نامبرده دفن شده . اشیاء مزبورکه بعضی ازطلا (شکل ۱۱۸ و ۱۲۷ و۱۲۸ والف‌وب‌وعکس ۲۹و۳۳)وبرخی‌ازنقره(شکل ۱۲۹ و۱۳۰وعکس۳۰)هستندمبدائشان‌همان کشورمنائی‌است.اما مقدار زیادی ازعوامل تزئینی اقتباس شده از همسایه خود آشور درمیان آنها وجود دارد . (شکل ۱۳۱ و۱۳۲)که کم وبیش‌بخوبی‌تقلیدشده وبعضی‌دیگر موخربرآنها وازهنردیگر و از زاگرس هستند . اشیاء عاجی (شکل ۱۳۳ و۱۳٤) ازآشوربه منائی وارد شده‌اند . ممکن‌است زمان پنهان‌کردن‌گنجینه مزبور مقارن دوره مادها بوده باشد و خمره مفرغی اشیائیهم از همان زمان دربرداشته باشدکه اثر نفوذهای‌گوناگونی از قرون هشتم‌وهفتم وحتی‌ششم پیش از میلاد را درخود داشه باشد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سقوط نینوا با هنر آشوری رابطه داشته حجاران ماهر و کاردان تخت جمشید را بوجود آورد .
اینك انتهای دسته یك خنجری را که از گنجینه زیویه بدست آمده شاهد مثال میآوریم .
آن چیز کوچکی از طلا است که با نقش حیوان مخصوص هنر زاگرس تزئین شده و بسیار قابل تحسین است (شکل ۱۱۹) این شئی از زینت غلاف خنجر کمانداران ارتش ماد تخت جمشید تقلید شده (شکل ۱۲۰) اما درباره هنر لرستان ، یا آنچه در آن باقیمانده بود ـ زیرا کاسیتها درسال ۶۹۱ پیش ازمیلاد کاملا مقهور سنا خریب[1] آسوری شده بودند ـ باید گفت بطورخیلی ساده باهنر هخامنشیان درهم آمیخت .

* * *

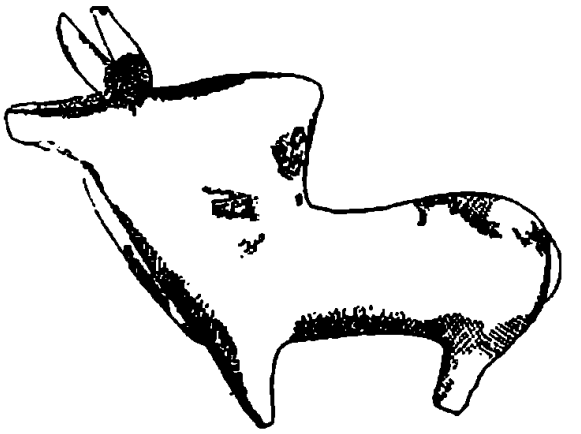
۱ ـ سناخریب Sennacherib پادشاه آشور که از ۷۰۵ تا ۶۸۱ پیش از میلاد پادشاهی کرده است .

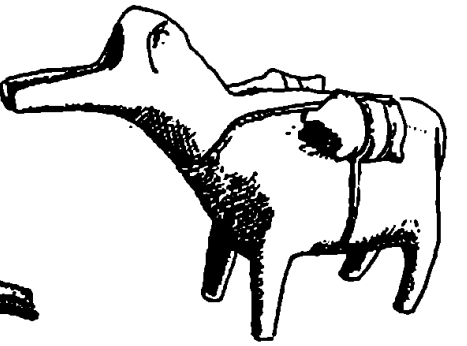
tarikhema.org

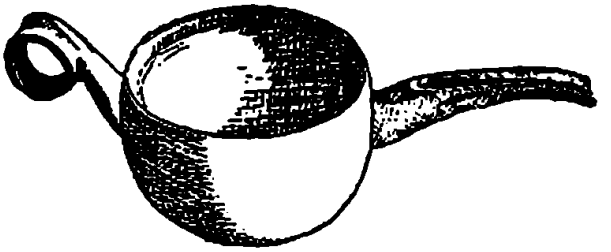
PDF.tarikhema.org

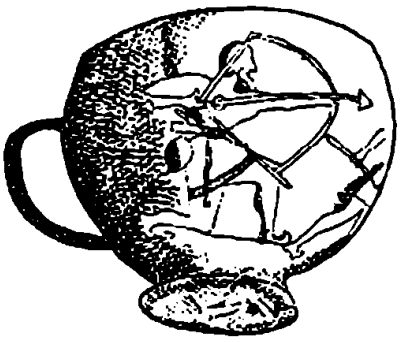
PDF.tarikhema.org

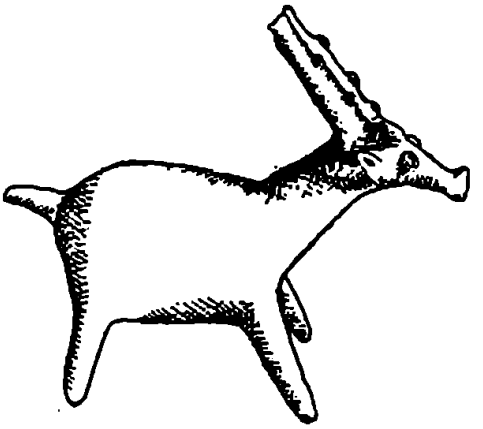














١٢١	١٢٤
١٢٢	١٢٣
١٢٥	الف ١٢٦
	ب ١٢٦

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یادداشت‌های بخش یکم

۱ ناحیهٔ املش

درفاصله صدکیلومتری کلاردشت ، آنجائیکه برحسب تصادف کاسهٔ طلائی مشهور کشف شد ،قبرستانهای نواحی املش ، پیرکوه ودیلم وغیره توسط کاوشگران غیر مجازی مورد کاوش قرارگرفت که هیچگونه اطلاعی در مورد آنچه کشف کرده‌اند بدست ندادند . بیشتر اشیاء مزبور قطعاتی ازسفال سرخ رنك هستند که باگلی نرم ساخته شده ودارای اشکال خالص هستند (شکل ۱۲۱ تا ۱۲۵) . درقبرستانهای دیلم‌سفال‌منقوش‌وجود ندارد یا اگر داشته باشدبدست نیآورده‌اند .اماعده زیادی اشیاء طلا ونقره (۱۲۶الف‌وب) در آنجا کشف شده که تزئیناتشان گاهی با هنر یونان قدیم ، یاهنر اتروسك ۱ خویشی پیدا میکند . احتمالا ممکن است اشیاءمزبور متعلق به آغازهزاره اول‌پیش ازمیلادیعنی‌همدورهٔ ظروفی که درکلاردشت وحسنلوپیدا شده‌اندباشد .

گویا سفال کربن داروبنابراین خاکستری رنك نزدمردمان ساکن نقاطیکه ذکر شدبکار نمیرفته است درصورتیکه یگانه نوع سفالی است که درنواحی گرگان‌وتورنك‌دره وشاه تپه یا خوروین ، درکوهپایه های البرز یعنی دامنه‌های داخل فلات‌ایران وجود داشته‌است.

درطی تابستان ۱۹۶۱ باستان شناسان ایرانی براهنمائی دکتر نگهبان‌قبرستان دست نخورده مارلیك را در ۲۰ کیلومتری رودبارکاوش کرده ودرمقابر باشکوهی ظروفی ازطلا وسفال سرخ بدست آوردندکه میتوان‌آنها راباقوامی‌نسبت دادکه درآغازهزاره‌اول پیش‌از میلاد با آریائیها درهم‌آمیخته بودند .

* * *

۱ ــ اتروری Etrurie نام قدیم توسکان وقسمتی‌ا زایتالیای مرکزی است‌که شهرفلورانس درآن واقع است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۲ دره‌های لرستان مرکزی

میخواهیم در اینجا دلائل اینکه چرا تربیت و پرورش اسب فقط اختصاص به قسمتی از خاك لرستان داشته بیان کرده وحدود جغرافیائی آنرا تعیین کنیم .

لرستان درازمنه قدیم ، چنانکه اکنون نیز هست ، محل سکونت اقوامی بوده است که درقسمتی ازکوهستانها بطور ثابت مستقر بوده وگله‌های خود رامانندامروزچرامیدادند یا بنقاطی میفرستادندکه آب‌وعلف داشت . یعنی درتابستان درنقاط مرتفع‌وزمستان‌درجلگه ، وتمام مسئله درهمین عبارت ساده خلاصه میشود .

درکوه‌های راگرس مانند سایر نواحی کوهستانی ایران جلگه‌هائی کم و بیش وسیع وجود داردکه‌آب وهوائی متعدل دارد وطبعاً آبیاری هم میشود وقابل کشت وزرع ، ودرتمام مدت سال مسکون است . این جلگه‌ها درارتفاعی بین ۱۰۰۰ تا ۱۶۰۰ متر واقع شده‌اندو کوهدشت [۱] درلرستان مرکزی‌که در ۱۳۰۰ متر ارتفاع قرار دارد یکی‌ازآنهااست [۹۵]. «سراورل‌شتین» که‌درسال ۱۹۳۵ ازآنجادیدن کرده ، آنرا مانند طشتکی‌دانسته ، که‌کوه‌های پرآبی‌آنرا احاطه کرده‌اند ، اراضی مزبور پرآب وفوق‌العاده حاصل‌خیز هستند . نامبرده بوسیله گمانه زنی‌سریعی‌که انجام داد مقدارزیادی‌ظروف‌سفالی‌کلکولیتیك[۹۶] کشف کرده است . بنابراظهار او ازقدیم‌ترین ادوار عهدعتیق تا ازمنه نزدیك جمعیت انبوهی دراین دره‌سکونت‌داشته‌اند. «بعنوان بهترین مقر رؤسای‌لرکه. .... پیشکوه‌ویامناطق‌شمالی‌لرستان رازیر تسلط‌داشتند مورداستفاده‌قرارمیگرفته .»[۹۷] ازطرف‌دیگر «شمیت» که‌درسال۱۹۳۸در آنجاکاوش کرده علاوه برمعبد «سرخ‌دم» که‌تاریخ‌آنرا قرن نهم پیش ازمیلاد تعیین‌کرده ، قبرهائی هم کشف نموده‌که متعلق به هزاره سوم‌پیش ازمیلاد [۹۸] است. «دمورگن» دردره

* * *

۱ــ بخط مستقیم درفاصله پنجاه کیلومتری باختر خرم‌آباد واقع‌شده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دیگری ، دره‌رومیشکان، تپه‌هائیرانشان‌داده‌که سفالهای نقش داری از دوره کلکولی‌تیك [۹۹] درآن یافت میشود و«سراورل شتین» نامبرده هم درطی سفرخود در ۱۹۳۵ در دوانتهای دره مزبور نشانه‌هائی از مسکون‌بودن آن در دوره‌های پیش از تاریخ بدست آورده است[۱۰۰] .

دودره کوهدشت ورومیشکان وهمچنین دره‌های ترهان‌درارتفاع (۱۱۰۰) متر، کوش ماهور(۱۶۰۰ متر) ، هولایلان (۱۰۴۰ متر) وسیعترین دره‌های منطقه خوش آب‌وهوای لرستان هستند . اما دره‌های دیگری هم هستندکه ازآنها کوچکترند ودارای همین مزایا میباشند مانند قازه و راونسا (درکنارشاخه شمالی رود دزکه در ۱۵۰۰ و۱۶۰۰ متر ارتفاع واقع شده اند) که‌درباره‌شان گفتگومیکنیم .

درسال ۱۸۹۱ «دمورگن» سلسله‌کوه‌های لرستان راازراه سائیمرتا بروجرد ازراه درهٔ رومیشکان وماجیان رود ، خرم آباد ، هو رود پیموده. ازراه درهٔ آب سازبازگشت و میخواست درباز گشت دنبال رودزرا از بحرین[۱] تا دزفول نیز بپیماید . بطوریکه خود مشارالیه میگوید«نه‌تنهاموانع طبیعی‌غیرقابل دفع، بلکه‌اهالی‌هم مزاحم وراه‌راسدمیکردند.» اورود دزراکه مکرر از عدم توفیق درتفحص‌آن تاسف‌خورده‌فقط درچند نقطه ازبالای‌کوه ها دیده است . او ازسیل‌گیرهائی گفتگو میکند که « بیش از هزار متر عمق دارد» واز «پرتگاههائی‌که بزحمت ته‌آن باآب های جهنده اش‌دیده میشود .» . رودخانه هائی با جریانی چنان سریع‌که «هیچکس جرأت نمیکند باشنا ازآن‌بگذرد» . «زمینی » که راه های‌آنراجز کوهستانیهای‌ورزیده نمیتوانند پیاده بپیمایند» وهیچ‌بیانی‌ازعهده‌شرح‌زیبائیهای حیرت‌انگیزش برنمیاید .

ازاین راه‌بحرین (که حالادورود نامیده میشود) به‌دزفول است‌که، راه آهن ،بکمك تونل‌ها وپل‌ها، طول شاخه‌شمالی رود دزرا پیموده، ازاین قسمت‌ازخاك‌ایران بطرف‌جلگه های خوزستان سرازیرمیشود .بنابراین حالا باکمال آسانی میتوان‌ازاین ناحیه ازلرستان که بخوبی میتوانداطلاعاتی درباره شرایط زندگی دراین‌کوهستان درهم وبرهم‌بدهد دیدن نمود . دراثرمهربانی بی‌نهایت آقای «گرف» ،که آن‌وقت سفیربلژیك درایران بود ،من توانستم درخانه‌ای سکونت‌کنم‌که پیش ازآن مهندس یك‌قطعه از همین راه‌آهن‌که آن‌وقت دردست ساختمان بود درآن سکونت داشت و متعلق به‌سفارت بلژیك بود . ایستگاه محل مزبور،سفیددشت، درشمال‌رودخانه‌ودرجائی‌ساخته‌شده‌که بستررودانده‌کی پهن شده‌ورودخانه بین دوتونل درارتفاع تقریبی هزار متر جاری است .کسانی‌که بحکم ضرورت درآنجا

* * *

۱ ــ درجلگه‌بروجردودرمدخل گردنه‌های کوه،جائیکه‌رودخانه‌های دورودبطرف‌جلگه‌خوزستان سرازیرمیشوند واقع شده‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسهای از ۲۹ تا ۳۵

۲۹ـ سرطلائی طوطی . از گنجینه زیویه ، (کردستان، کشورقدیم منائی) قرن پنجم پیش از میلاد . بلندی ۸ سانتیمتر . موزه ایران باستان ـ تهران .
ابتدا گمان میرفت که گنجینهٔ زیویه در قرن هشتم پیش از میلاد مدفون شده باشد . اما «برنته»خمیرا که گنجینه مزبوردرآن یافته‌شده ازقرون هفتم تا پنجم پیش‌ازمیلاد دانسته‌است.

۳۰ـ زینت‌نقره‌ای ازگنجینهٔ زیویه. زیویه، قرن هفتم پیش‌ازمیلاد، بلندی ۸ر۳۱سانتیمتر موزه ایران باستان ـ تهران .
بطوریکه‌ازسوراخهای دورآن برمیآیدبرسطح دیگری نصب میشده. کارآن درعین‌حال شبیه هنرآسوری واتروسکی می‌باشد. (مراجعه‌شود به قرن‌طلائی که‌ازقبره«رگولینی‌ـ گلس‌سی» که در «چروه‌تری» بدست‌آمده)

۳۱ـ دستبند، ازطلای‌نقره‌دار. لرستان، ابتدای هزارهٔ اول پیش از میلاد. بلندی ۱۰ و پهنا ۹/۲ سانتیمتر. موزه لوور ـ پاریس .

۳۲ـ بخشی از یك لوحهٔ طلا ـ لرستان، هر ۱۰۰۰ پیش از میلاد. در ازا ۳۳ پهنا ۵/۵ سانتیمتر مجموعه خصوصی
نمایش مراسم تقدیم قربانی به‌کاهن بزرگ . (قیافه‌ها و البسه را با عکسهای ۲۱ و ۲۳ میتوان سنجید)

۳۳ـ بخشی از یك سینه آویز طلا . گنجینه زیویه ـ کردستان ۸۰۰ـ ۶۰۰ پیش ازمیلاد پهنا ۳۳ سانتیمتر . موزه ایران باستان ـ تهران .
دوری که دردوبخش لوحه‌دیده میشوندبمنظور حفظ صاحبصینه‌آویز ازگزندآفات‌بوده‌ارزش سمبولیك دارند .

۳۴ـ جام، ازطلای‌نقره‌دار. مغرب ایران ـ ابتدای هزارهٔ‌اول پیش از میلاد . بلندی ۱۱، قطر ۱۱سانتیمتر. موزه لوور ـ پاریس .
پائین‌تنه جانور بالداردوسر، فلسی وبهم‌تابیده است(این دراواخر دوره‌کاسیت‌ها دیده میشود. بهردست، پای گوزنی‌را گرفته‌وآنهارا واژگون نگاه داشته ـ این نقش عیناً ودرکمال‌ظرافت چهاربار بربدنهٔ جام‌آمده است .

۳۵ـ محراب آتش مقدس. نقش رستم . دورهٔ پیش ازهخامنشیان (؟) . بلندی یکی ۱۷۶ و دیگری ۱۵۶ سانتیمتر.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

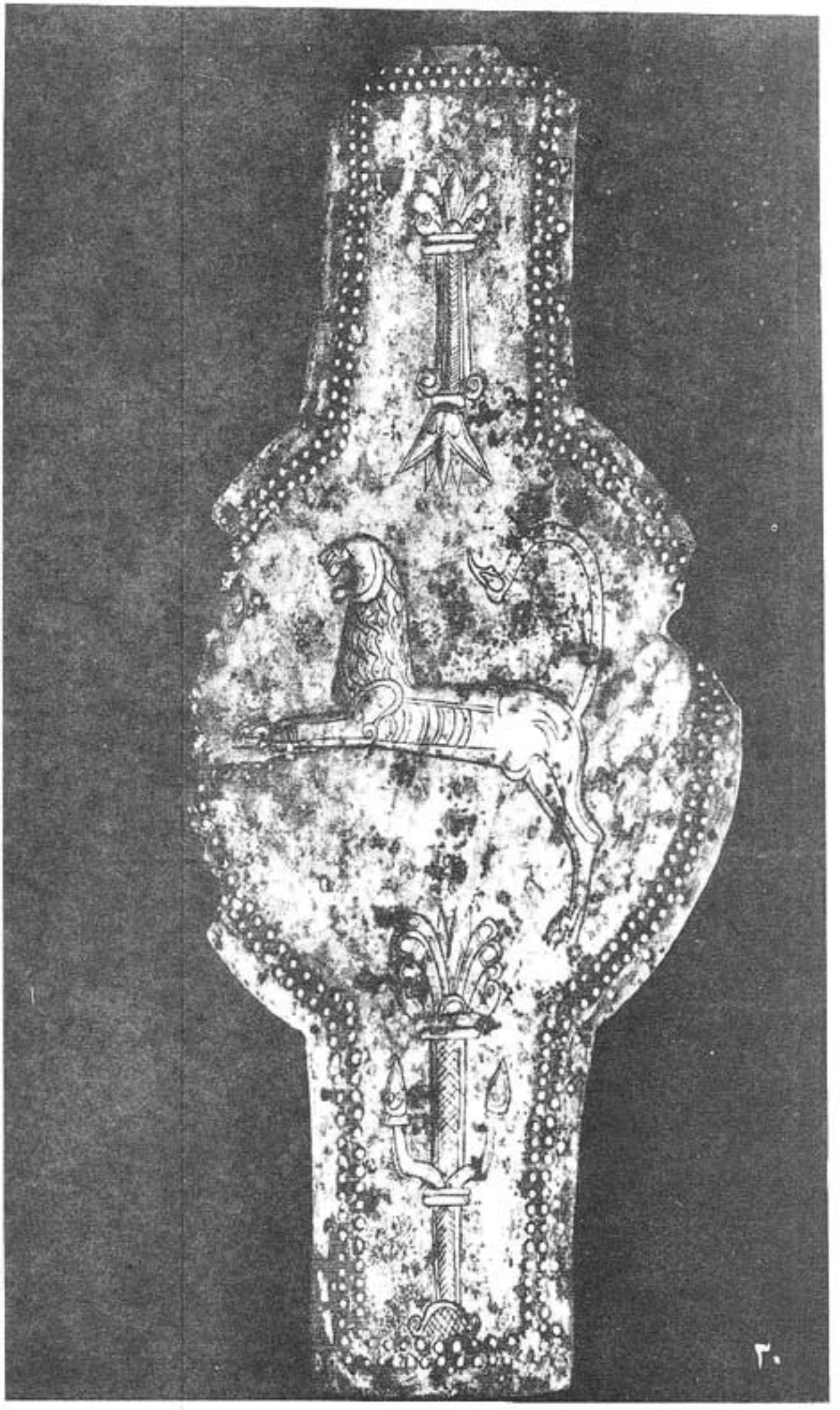
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

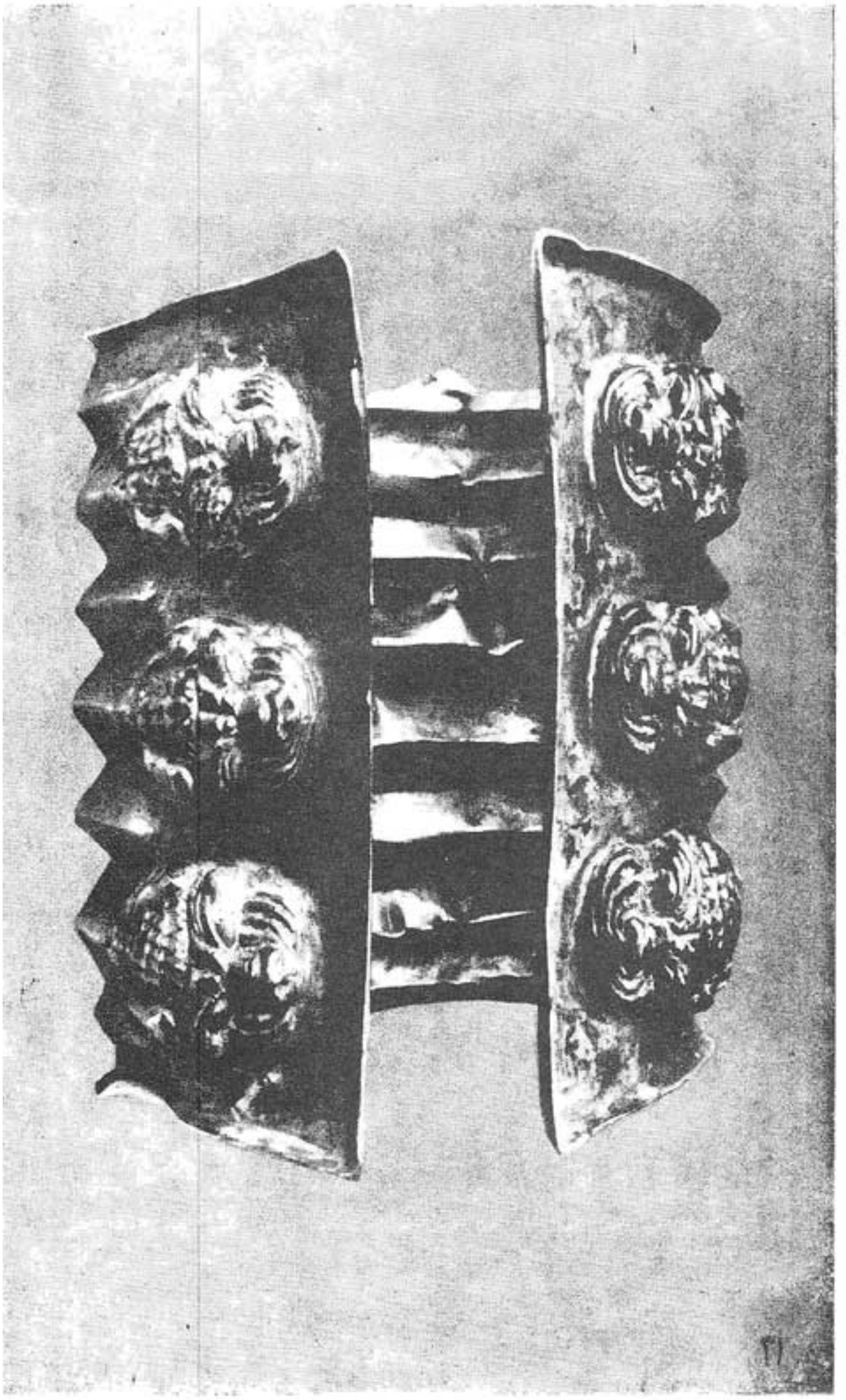


٣٠

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زندگی میکنند عبارتند از: رئیس ایستگاه وکارمندانش باچند نفرژاندارم وعده‌ای بازرگان وباقیمانده بازاری که هنگام عملیات ساختمانی خط اهمیتی داشته است . درمحل مزبور قبرهای قدیمی یافته‌اند که قسمت بیشترش ازمیان رفته وناپدید شده و آنچه‌که باقیمانده مقابرمعروف لرستان هستند ومصالح عادی سفال سازی ومفرغ درآنها وجود داشته است . بطوریکه گفته شد اکنون عده‌ای درآنجا زندگی میکنند ودرقدیم هم زندگی کرده‌اند ، آنهائیکه‌اکنون درآنجا سکونت دارندکارکنان راه‌آهن‌اند . قبرستان کهن هم شاهدزندگی آنهائیست‌که سابقاآنجا زیسته‌اند . اما این درهٔ خفه‌که بین دوبدنهٔ لخت‌کوه‌فرورفته واز تابش‌آفتاب‌بریان‌شده وحرارت‌آن‌درتابستان ودرسایه‌به۵۵درجه‌میرسدبرای‌زندگی‌انسان‌در تمام فصول مساعدنیست. بنابراین قبرهای قدیمی‌که درساحل رودخانه پیداشده محققاًمتعلق باشخاصی‌است‌که در زمستان‌آنجا بوده ومرده‌اند. خانه‌ایکه من درآن منزل داشتم بااینکه ۳۰۰متربالاتر ودرمحل فضاداری بود باوجود، این‌زیاد گودبود ومیبایستی ۳۰۰متردیگر بالا رفت وبعد کمی پائین آمد تادر ارتفاع ۱۵۵۰ متری به‌جلگه‌کوچك ودهکده‌ای بنام قازه رسیدکه قابل زندگی دائمی است.

پس‌ازکناره برآمدهٔ این فلات تاایستگاه‌سفیددشت بطورعمود ۶۰۰ مترتفاوت ارتفاع وجود دارد.

برای عبور ومرور، راه‌هائیکه‌بزحمت میتوان‌نام‌جاده‌برآن گذاشت‌ساخته‌شده. ازخانه مهندس تا قازه وکمی بالاتر جنگل است امانه جنگل انبوهی مانند جنگلهای شمال .با وجود این‌بیشه‌ایست، یابطوریکه «دمورگن» دربارهٔ‌مناظر نظیرآنجامیگفت«مراتعی‌که خود بخود جنگل شده‌اند». جو وجوسیاه در آنجابطور خودرو ووحشی میروید.

بیشتر درختان آنجا بلوط وبلوط سبزاست امادرختان دیگرهم ازقبیل انجیر، انار مو وحتی شوحط،افرا، اقاقیا ورازك دیده میشود. خرس، آهو وبزهای‌کوهی بعد ازفصل گرما بانجا میایند. درتمام فصول گرازها دسته دسته درآنجا زندگی میکنند خرگوش و کبك وبندرچین وحیوانات دیگر نیزبه تعدادزیاد دیده میشوند. اماساکنین آنجا درخارج ازجنگل‌که درتابستان زیادگرم است سکونت دارند ودرجلگه‌های باز،مانندقازه‌ودرنواحی بالاتر در غارهای طبیعی‌که برای آسایشگاه خودآماده کرده‌اند زندگی میکنند.

جلگه قازه که در ارتفاع ۱۵۵۰متری واقع است وهواگیرهم هست ودارای آب فراوان ، شکار، هیزم و میوه‌های جنگلی‌میباشد، در تمام مدت سال مسکون است وظاهراً همیشه چنین بوده است . مردم آنجا خانه‌های خودرا در اطراف زمینهای زراعتی بناکرده وکلبه‌هائی ازشاخ وبرك درختان برای سکونت درتابستان دارند. مردم قدیم‌آنجا درکنار دره، قلعه‌ای ساخته‌بودندتا ازآنجا دامنه مشجرواعماق جنگل‌را زیر مراقبت داشته باشند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اما اکنون ازآن جزسنگهای بزرگ که شکل وحدود اولیه قلعه رانشان میدهد چیزی برجا نمانده است. علاوه براین در دره کـوچك راونا که بوسیله تپه‌ای ازقلعه جدا شده، آثار آبادانی قدیم دشت خاوه را بازدید کردم: چشمه آب، ودرکنـارآن بقایای برج وباروی قلعه و در اطـراف آن زمینهای زراعتی و درپای تپه‌ایکه در آن نزدیکی بودقبرها قرار داشتند. این قبرهاهم مانند قبرهای قلعه وسفید دشت عبارت بودند ازچهار دیوار سنگی و تخته سنگهائی‌که بام آنهاراتشکیل میدهند. قبرهای‌راوناتاآنوقت مورد کاوش قرارنگرفته بودند. آنهائیراکه من بازدیدکردم سالهای زیادی بودکه براثر باران بازشده بودند اما کـسی نتوانست ازآنچه در آنها بوده خبری بمن بدهد.

امروزهم مانند ادوار قدیم ، گله‌های‌محل بمحض آغاز فصل گرما بهمراهی قسمتی‌از اهالی آهسته آهسته‌بطرف مـراتع تابستانی حـرکت کـرده ودرمهرماه هنگامیکه برف کوه‌هاراسفید میکند بجای خود برمیگردند. دراین هنگام محصولات‌کشاورزی جمع‌آوری شده واولین بارانها شروع بباریدن میکنند و زمینها دوباره سبزمیشوند چوپانان بارمه‌های خود ماه آبان را در جلگه‌های اطراف قلعه یادر جنگل مجاور گذرانده ، بعد در آذرماه وقتی سرما و یخبندان آغـاز میشود دسته جمعی بسوی مراتع زمستانی روانه‌شده ، جلگه پائین سایمره راکه در ارتفاع ۶۰۰ تا ۸۰۰ متر واقع است ودرتابستان صحرای سوزان و غیرقابل سکونتی است ولی درزمستان هوائی بسیار ملایم ومطبوع دارد اشغال میکنند . آنجابندرت برف‌میبارد وبارانهای‌فراوان، همواره‌چراگاههای پر برکت‌آنراآبیاری‌میکند باین ترتیب و بااین رفت وآمدها وتوقفهای‌کم وبیش طولانی درمناطق جنگلی‌که بتفاوت وبانظم وقاعده خاصی انجام میگیرد، نفرات انسانی وحیوانات کوچك مانندگوسفند وبز بآسانی ازتندترین شیبها سرازیر میشوند. امابرای‌گاوهااینطورنیست وغالباًآنهارابوسیله طناب نگاه میدارند تا ازخطرسقوط حفظشان کنند. درعبور از رودخانه‌ها باید آنهارا تك تك بجریان آب سپرده وضمناًدونفر ازهرطرف واز روی صخره‌ها آنها را راهنمائی وسعی کنند تاهرچه زودتر آنهـارا ازآب بگذرانند. زیرا صخره‌ها در رودخانه بهم نزدیکند و انجام این کاررا آسان میکنند.

باشرحی‌که از وضع محل داده شد آشکار میشودکه چنین ناحیه‌ای نمیتواندبرای پرورش‌اسب جای‌مساعد ومناسبی باشد واین نتیجه‌ای بودکه میخواستم اراین مقدمه بگیرم که‌محققاًدر این منطقه‌ازلـرستان نبوده است که اسکندر بـرای بازدید ۵۰۰۰۰ مادیان کوشانیان[۱] آمده‌بوده است .چه،این‌دره‌های‌سراشیب و بدون راه بهیچوجه برای‌پرورش‌اسب مناسب نیست و برعکس نواحی وسیع ماهـیدشت ، دشت خاوه، دشت الیشتر وگرمسیرات آنست‌که اسب میپروراند وبدون شك‌بهمین دلیل است‌که درکوهدشت اشیاء مربوط بآب‌که بنراوانی درمقابرشمال دیده میشود یافت نشده است.

* * *

۱ — Cosseens

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۳ آهن ومفرغ

شاید اکنون بتوان دراین نقطه ازبررسی، چند سطری به تحقیق‌درباره تعیین‌تاریخ برحسب دوره تولید اشیاء مفرغی لرستان افزود . آغازاین تاریخ بطوریکه ملاحظه شد در اطراف سال ۱۲۰۰ پیش ازمیلاد قرار میگیرد ، آهن‌که از نیمه اول هزاره سوم در بین النهرین ،آسیای صغیر وشاید هم درمصر ، بادست ساخته میشد با تبدیل شدن بفولاد رو به تکامل رفت . اینکار بظاهر درکوه‌های ارمنستان انجام گرفت . گرچه از آن پس دیگر مصرف آن منحصرا اختصاص بساختن تزئینات وسلاحهای تجملی نداشت ، باوجوداین‌هنوز کمیاب وبنابراین گرانبها بود.

تیکلات فالازار اول۱ در کتیبه‌ای که یکی از شکارهای وی را شرح میدهد ، حکایت ازکمان و نیزه آهنی خود میکند . مقارن سال ۱۰۰۰ پیش ازمیلاد صنعت آهن پیشرفت فراوان‌کرده وموفق بساختن سلاح‌ها ولوازم‌کشاورزی شدند، امادرساختمان اشیاء مزبورهنوزشکل وقالب مخصوص اشیاء مفرغی حفظ شده بود . گاهی تیغه تبرها و خنجرها ازآهن ولی‌قسمت‌تزئینی آنها ازمفرغ ساخته میشد .

با پادشاهی توکولتی نی‌نورتای دوم ۲، مابدرستی وارد عصرآهن میشویم‌این‌پادشاه نوشته‌است‌که‌بابت مالیات ازاهالی خابور۳ آهن دریافت میکرده‌ویك رشته راه‌کوهستانی را بوسیله‌کلنك وتبرآهنی بریده است . احتمالا مقارن بهمین زمان بوده است‌که لرستان هم اقدام بساختن تبرها ونیزه‌های تبردار با تیغه‌های آهنی وسنجاقهای لباس و تزئین با لوحه ها پهن وساقه آهنی‌که میشناسیم‌کرده‌است . این اشیاء نمیتوانندچندان‌مقدم بر قرن نهم پیش ازمیلادباشند.

* * *

۱ ـ تیکلات فالازار Tiglath phalasar پادشاه آشور از ۱۱۱۶ تا ۱۰۷۸ پیش‌ازمیلاد.
۲ ـ توکولتی‌نی‌نورتا Tukulti_Ninurta پادشاه آشور۸۸۸تا۸۸٤ پیش ازمیلاد.
۳ـ Khabur

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۴ زیویه و حسنلو

دژهای کشور «مانا»

اقوام آریائی یاآمیخته باآنهاکه درطی هزاره دوم پیش ازمیلاد درکوه‌های زاگرس مستقرشدند ، خودرا متحدآشوریهاوملل سامی نمیدانستند ، بلکه برعکس ازاین‌همسایگان ستمگروخونخوارنفرت‌داشتندوانهدام‌وزوال‌قدرت‌ارتش آنهاآرزووهدف اصلی‌کوشش‌هایشان بود . تا سالهای اخیروباوجودکاوشهائیکه بیش ازیك قرن است بنابدستور «لایارد» و توسط «رسام» درناحیه وان انجام‌گرفته واشیاء سودمندی ، منجمله عاجهای موزه بریتانیا بدست آمده ، اطلاعات ما در باره اقوام ساکن این سرزمین ناچیز و محدود بنوشته‌کتیبه های آشوری وتزئینات معماری آنها مانند درهای مفرغی «بالاوات» بود . و از آن چنین برمیامدکه این اقوام با آشوریها جنگیده‌وازآنهاشکست‌خورده‌وبدست‌آنها غارت وتبعیدشده بودند . دژ زیویه برحسب تصادف وبدنبال پیدایش گنجینه‌ایکه پیش‌ازحمله‌دشمن‌پنهان شده بود کشف گردید . شاید این حمله همان هجوم سکاها بوده باشدکه بتحریك و فشارسیمریها برآن ناحیه استیلا یافتند . «اورارتو» و ناحیه دریاچه وان را هنگامیکه سکاهاکشورمنائی وماد را تسخیر کردند بتصرف خود را درآوردند (اواخرقرن‌ششم وآغاز قرن هفتم‌پیش‌ازمیلاد).

گنجینه زیویه ظاهرا مجموعه‌ای از اشیاء بی‌سروبن و نامتناسبی است(شکل‌های ۱۱۸ ، ۱۲۷ تا ۱۳۴ و عکس های ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۳)که توسط شاهزاده یاحاکم‌آن ناحیه جمع‌آوری شده .

دژدیگری درحسنلوواقع درجنوب باختری دریاچه رضائیه و در دویست‌کیلومتری زیویه‌توسط هیئت انگلیسی وامریکائی که‌از سال ۱۹۵۰ درآن ناحیه کار میکنند کشف شده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

است. «جان دای‌زن» رهبر این‌کاوش درسال ۱۹۵۸، گمان داردکه حسنلو یکی ازدژهـای مقدم کشور منائی بوده‌است. درآن دژبودکه یك ظرف طلای بسیارعالی وحیرت انگیز و مزین به‌صحنه‌های افسانه‌ای وسرشار ازلطایفه هنری گوناگون کشف گردید. وچنان‌مینماید که بعلت سقوط کسیکه حامل آن بوده‌آسیب‌دیده‌است(شکل۱۳۵ الف و ب). باستان شناسان امریکائی چنین فرض میکنندکه حسنلویکی‌ازچند دژمستحکم آن ناحیه بوده‌است.

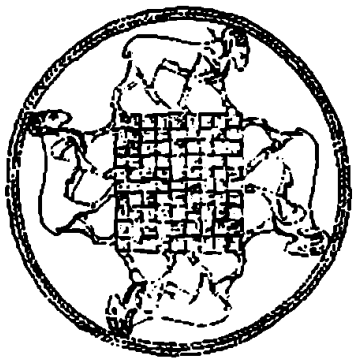
درطول تابستان سال ۱۹۶۰ کشف بقـایای کشتار دسته جمعی عـده زیادی دختران برسم قربانی، کشفیات سال۱۹۵۸را تائید وثابت نمودکه ناحیه مزبوریك مرکزمهم‌تاریخی بوده است. ازدیانت ومذهبی که‌سبب اشتراك معتقدات‌این اقوام بوده بدرستی‌چیزی‌نمیدانیم. افسانه‌هائیکه نقوش ظرف‌طلای‌حسنلو ازآن حکایت میکند غیر قابل فهمند: پهلوانیکه با دیوسه سری در جنگ است و دیو مزبورکه بالا تنه زنی را ازشکم خود بیرون میدهد، (شکل۱۳۶)زنی‌که بنظرمیاید برقوچی سواراست وحجاب ازخود برمیگیرد (شکل۱۳۷) عقابی درحال پروازانسانی را باخود میبرد(شکل۱۳۸)،وغیره، فقط‌فرضیاتی‌بوجودمیاورد که فورا موردگفتگووومشاجره واقع میشود. هنری‌که ظرف طلای نامبرده شاهدآنست با آنچه در کشفیات قبل در زیویه بدست‌آمده بهنر ولایات آشوری خیلی نزدیکتر است تا به‌هنرزاگرس وسکاها.

tarikhema.org

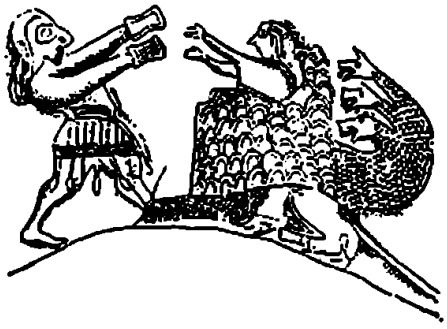
PDF.tarikhema.org

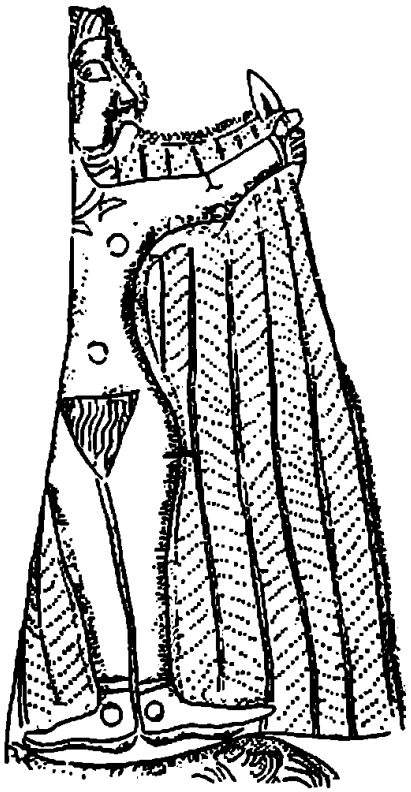
PDF.tarikhema.org











الف ١٣٥

١٣٨	ب١٣٥
١٣٧	١٣٦

tarikhema.org

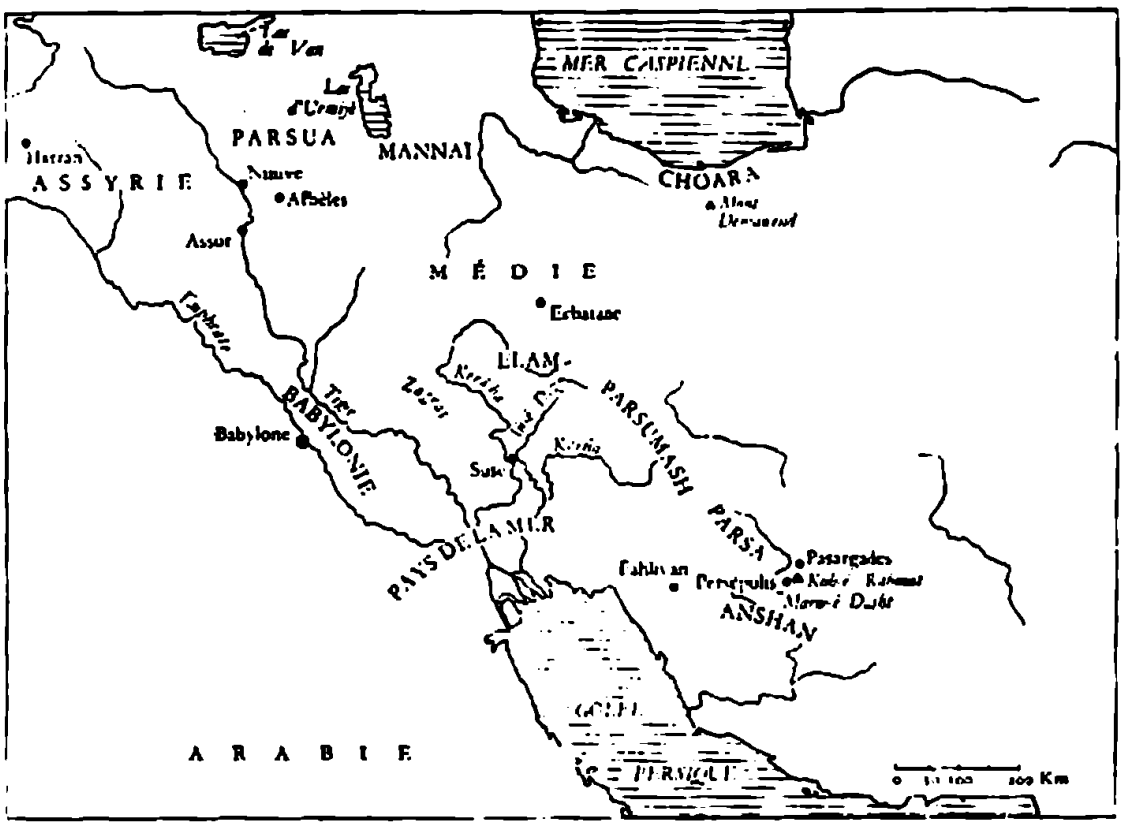
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش دوم

ایران هخامنشی

۱ از کورش دوم تا داریوش سوم



مقارن آغاز هزارهٔ دوم پیش ازمیلاد دستجات بزرگی ازصحرانشینان آریائی نژاد از جلگه‌های ترکستان داخل فلات ایران شدند بعضی ازآنها بطرف هندرفتند ودسته دیگر ایران باختری را اشغال کرده و برحسب برخورد کم و بیش بموانع طبیعی، یامقاومت اقوام محلی، برای مدتی در کوهستانهای کناره باختری فلات مستقر شدند یاراه خودرا ادامه داده ودر خمیدگی بزرگ رودفرات وفلات آناتولی پیش رفتند.

این تازه واردین پیش آهنگ توده‌های قبائلی ازهمین نژاد بودند که درطی نیمهٔ دوم همین هزاره وارد ایران شدندودر میان آنها اقوامی بودند که بنام مادها وپارس ها نامیده میشوند. پارس‌ها که چون درایران ماندنی شوند بایدآنهارا ایرانی بخوانیم ۱ ، طولی نکشید

* * *

۱ــ ایران که درقدیم آریانا نامیده میشد صفتی است بمعنی آریائی.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که‌قدرت خودرا دردره های جبال زاگرس که درآن مأوا گزیدند پابر جا نموده دژهای بومیان‌را تسخیر کردند و کیش‌وآئین‌وخدایان خود : سوریا ،خدای‌آفتاب، ماروت،خدای طاعون ، بوریا، خدای طوفان وغیره‌را ده برای‌اهالی بومی بیگانه بودند بر آنها تحمیل کردندوبکاربردن اسبرا درکارهای زندگی و بارکشی وسواری‌درجنگ هابآنها آموختند. وطولی‌نکشید که‌کشوریکه درآن استقراریافتند [1] مانع‌وسد اصلی در برابرتوسعه و پیشرفت قدرت‌آشوری‌ها گردید وجنگ‌های‌پیگیری میان این دوملت بوقوع‌پیوست‌که شرح‌جزئیات آن‌مستلزم آنست‌که پیش‌از وقت وقایع را ازلاف و گزافهاوارقام‌دورازحقیقت و غیر قابل قبولی [2] که غالباً درتواریخ‌دیده میشود پاك‌ومبراساخت ، دراینجاتنها بآنچه‌مستقیماً مربوط باستقرار آریائی‌هادرفلات ایران‌است اشاره‌میشودوآن ازکتاب « تاریخ ایران قدیم نوشته «ژ. کامرون» که بفرانسه منتشرشده اقتباس میشود .

اولین‌این‌جنگها درزمان‌پادشاهی‌سااما نازار سوم‌پادشاه‌آشوررویداد . تاآن زمان هنوزنامی‌ازماد و پارس در تواریخ آشوری‌ها نبود یك‌قرن‌بعد سالنامه های، تیگلات پیلازار سوم [3] در میان دشمنان شرقی پادشاه ، رؤسای‌قبائلی ازنژادهای‌مختلف‌رانام‌میبرد ودرضمن اشاره‌به‌برتری‌روز افزون ایرانیهامینماید.این‌ایرانیها مادهابودندکه‌بر نواحی‌جنوب‌خاوری دریاچه ارومیه تسلط داشتند ، پارس‌هاکه شماره کمتری داشتند ابتدادرجنوب‌باختری‌همین دریاچه‌درسرزمینی که‌بنام پارسوا خوانده میشد مستقرشده بودند . امامدتهابوداز آنجاکوچ

* * *

۱ ـ در باختر دریاچه ارومیه کشوری بود که آنوقت‌کشور پارسوا یـا پـارسواه‌نامیده‌میشد اولین منزلگاه پارسی‌ها بطرف پارسوماش‌وپارسـابود درجنوب‌باختری دریاچه‌که تقریباً محل کردستان امروزی‌ایران‌است‌کشور منائی و قدری پیشتر بسوی خاورتادماوند ،کشورمادائی یا کشور Ellipi که آسوریها وقتی‌آنجارا تسخیرکردند بنام زامایامازامنا نامیدند و ازمرزایلام تاجاده کنونی‌بغداد ـ کرمانشاه و همدان‌گسترده میشود وشمال آنرا کشور لولوبیها Lullubi حفاظت میکردو کلمه‌نمری Namri معرف‌نواحی‌جنوب‌شرقی‌آنکشور بود.

۲ ـ برای نمونه‌گفتهٔ خود سارگن نقل میشود ، « فقط باارابه شخصی خودم وسوارانیکه‌در رکابم حرکت میکردند . . . مانند زوبین سرکشی خود راروی اوافکندم‌واورادر هم‌شکستم وکشتارعظیمی از لشکرش‌کردم اجساد لشکریانش را مانند جوسبزشده پهن‌کردم‌وازآنهادره‌و سیل‌گیرهای‌کوه‌ها راپرکردم .ازخون‌لشکریانش‌درورطه‌ها وغرقاب‌هارودخانه‌جاری کردم .. » نقل‌از F.Thureau Dangin. ششمین‌سفرجنگی‌سارگن .

۳ـ تیگلات پیلازار سوم Tiglath Pilasar یـا Tiglath Pileser ۷۴۵ـ۷۲۷ پیش‌ازمیلاد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کرده بدون شك برای احتراز ازکشیده شدن در جنگ هـا و زدو خورد های بین‌مادها وآشوریها بطرف ایلام‌رفته بودند. آنهادرشمال خاوری‌شوش و در نزدیکی سر زمین ایلامی آنزان [۱] یاآنشان [۲] جای گرفته و بیادگار سرزمین اولیه خود آنجا را بنام پارسوماش [۳] نامیدند. مقارن‌سال ۷۰۰ پیش‌ازمیلاد، رئیس‌آنها هخامنش یااکمنس [۴] و سردودمان‌پادشاهان این‌خاندان بود .

در آغاز قرن هفتم پیش‌ازمیلاد،اشنالگران‌دیگری‌بنام سیمریها [۵] درایران پیداشدند عده‌ای‌ازآنها رهسپارباختر‌شده‌وداخل‌فلات‌آناتولی شدندودستجات دیگری ، پیش یا مقارن سکاها بطرف‌دره‌های‌زاگرس‌که‌تاآنوقت قسمت نیازمندیهای‌ارتش آشور را از حیث اسب و سایرحیوانات‌بارکش تامین کرده‌بود سرازیرشدند. آسار هادن [۶] پادشاه آشور در سالهای آخرپادشاهی‌خود تصمیم‌گرفت کشورمنائی را که بوسیله سیمریها اشغال شده بود تسخیر نماید. امااومیدانست‌که‌دراینکار دربرابر اتحاد مادهاومنائی‌ها قرار خواهدگرفت وشکست خواهدخورد. دراین هنگام، بعلت‌هجوم‌سیمریهاوجود اسب‌بیش‌از پیش برای آشوریها مورد لزوم‌بود. پس‌مصمم‌شدند بوسیله‌تاخت

وتازازنواحی دیگراین نیازمندی را مرتفع‌نمایند. این‌بودکه بسوی مادحمله‌کردند وابتدا به‌همدان تاختند، اماآنها مجبوربودند دامنه‌تجسسات خودرا وسعت‌دهند و بـالاخره مصمم شدند نـاحیه چخر [۷] راکه‌برای‌آنها جنبه افسانه‌ای داشت ومحدودبدریاچه‌نمك‌وکوه‌دماوند بود بتصرف درآوردند . مسئله اینکه‌در۶۷۳ پیش‌ازمیلادآشوریها بتوانند اندیشهٔ‌لشگرکشی بچنین‌نواحی دوردستی رابخود راه‌دهند ، فوراً تصوروجود دولت‌نیرومندی چون مادرا در آنتاریخ چنانکه هرودت وصف میکند محکوم‌مینماید .

خلاصه مطلب هرودت اینست : [۱۰۳] «سابقاً وقتی مادها بطورمتفرق میزیستند در میان‌آنها سرکرده‌ای نیك‌نهاد بـنام‌دیوسر [۸] فرزند فراارت [۹] حـاکم ده خـود شد وچـون حسن‌شهرت ودادگری اودرمحیط وسیعی‌شناخته شد ، درتمام‌آن‌سرزمین مردم مترصدخدمت اوشدند . امااومشاهده‌کردکه این‌وضع تکلیف پرخرجی‌بعهده اوگذاشته بنابرین ازادامه حفظ‌این‌مقام‌خودداری‌کرد. آنوقت‌مادهاانجمن‌کردندوباتفاق‌اورا بپادشاهی‌خودبرگزیدند. همـین‌که براریـکه فـرمانروائـی نشسـت اتباع خود رافرمان دادتاشهـراکباتان را با هفت بـارو بسازند . روش کشـور داری و سـیاست اومبین او صـاف خاصـه پادشـاهان بزرگ بود . »

* * *

۱ ـ Anzan ۲ ـ Anshan ۳ ـ Parsumash ۴ ـ Achéménès

۵ ـ Cimmòriens ۶ ـ Asarhaddon ۶۸۰تا۶۶۹ پیش‌ازمیلاد.

۷ ـ چخر Choara

۸ ـ Deioces ۷۲۸ ـ ۶۷۵ پیش ازمیلاد بنابرنوشتهٔ هرودت.

۹ ـ Phraorte

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسهای ۳۶ تا ۵۸

۳۶ـ سرشیر، ازخمیر سنگ لاجورد ، تخت جمشید.قرون‌پنجم وششم‌پیش ازمیلاد.
بلندی ۱۴/۵ سانتیمتر. موزه ایران باستان تهران .

۳۷ـ قبر کورش دوم درپازارگاد . قرن ششم پیش ازمیلاد. بلندی کلی: ۱۰/۷۰متر بلندی پایه : ۵/۱۵متر. برش سنگها وشکل کلی آرامگاه بعقیده‌ر. د. برنت‌شبیه بناهای او- رارتومی‌باشد .

۳۸ـ سنگ منقوش‌بانسان‌بالدار درپازارگاد. قرن ششم پیش‌ازمیلاد. بلندی ۲٫۷۵متر. نقش برجسته نمایش فرشته نگهبان چهاربالیست که لباس ایلامی بلندبتن وتاجی‌که روحیهٔ مصری دارد برسردارد. نوشته‌ای بخط میخی پارسی ایلامی وبابلی که‌اکنون ازمیان رفته‌است ویرا سیروس شاه هخامنشی معرفی میکرده که یقیناً نمایش وی نیست.

۳۹ـ پائین ستون‌کاخی درپازارگاد. قرن‌ششم پیش ازمیلاد قطرستون نزدیك ۶۰سانتیمتر .

۴۰ـ نقش برجسته‌کاخی درپازارگاد . قرن ششم پیش ازمیلاد. درازابنزدیك ۱/۵متر .
این نقش‌که جزپاره‌هائی ازآن نمانده است کاهن آئین«اه‌آ»فرزند مردوك خدای بزرك بین‌النهرین رانشان میدهد که مطابق رسوم هزاره‌اول پیش ازمیلاد این‌آئین، لباسش برش و تزئیناتی بشکل ماهی داشته‌است. بهرحال نقش مزبور با آئین مزدا منایرت فاحشی دارد .

۴۱ـ منظره هوائی تخت جمشید. (ازکتاب پرواز برفرازشهرهای قدیمی ایران. تألیف ا. شمیت) این‌عکس هوائی موقعیت دفاعی‌تخت جمشیدرانشان‌میدهد و گواهست براینکه چرا داریوش، آنرا بردشت بی‌دفاع‌پازارگاد برای پایتخت ترجیح داد .

۴۲ـ تاچارا. در تخت جمشید. دوران‌داریوش اول(اواخرقرن ششم پیش ازمیلاد)کاخ‌سکونت موقت داریوش‌که نامش برکلیه قاب پنجره‌ها نقش شده است.

۴۳ـ بخشی‌ازپایهٔ راست یکی‌ازشش‌درمعمولی تالار صدستون ـ تخت جمشید، دوران‌داریوش اول. دو دربزرك دیگرازحیاط محلهٔ‌لشگریان به‌تالارمذکور بازمیشوند. (شکل ۱۴۴G) بر پایه‌این دو دربزرك پنج رج هریك مرکب از ده سرباز ازلشگرهای گوناگون تخت شاه‌را بردوش‌میبرند، اما برپایه‌های‌درهای‌معمولی‌تالار تخت‌شاه‌بردوش چهارده‌نفرقرارگرفته‌که‌به‌سه رج‌تقسیم شده‌اند و نماینده نژادهای مختلف امپراطوری میباشند.

۴۴ـ نیمرخ داریوش اول . نقش برجسته از خزانه تخت جمشید. آخرقرن ششم پیش از میلاد. موزه ایران باستان ـ تهران (دستهای وی درشکل۵۸ دیده میشوند)

۴۵ـ سپهسالارداریوش(شیلیارك؟). نقش‌برجسته ازخزانهٔ تخت جمشید. آخرقرن ششم پیش از میلاد. موزهٔ ایران باستان ـ تهران- لباس مادی برتن دارد و بحال احترام دست بلب برده.

۴۶ـ دشنهٔ داریوش- نقش برجسته ازخزانهٔ تخت جمشید. آخرقرن ششم پیش‌از میلاد . درازای دشنه ۴۸سانتیمتر. موزه ایران‌باستان تهران. این دشنه مطابق معمول بکمرافسری که‌منصدی‌حمل‌اسلحه شاه است نقش شده.
ظرافت‌نقوش‌ودقت اجرا و شباهت آن به‌نقوش لرستان قابل توجهست .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۴۷ـ جنگ شیر و گاونر ـ نقش برجسته بر پلکان شمالی آپادانا ـ تخت جمشید دوران خشایارشای اول ـ ابتدای قرن پنجم پیش از میلاد. موضوع نقش ازبین‌النهرین است تکرار زیاد آن در تخت جمشید حاکی از اهمیت گاونر در آئین آریائیهاست.

۴۸ـ خراجگزاران ـ نقش برجسته بر پلکان شرقی آپادانا ـ تخت جمشید. دوران خشایار شای اول ابتدای قرن پنجم پیش از میلاد. از نوع سرپوش آنان میتوان گفت ازمردم لیدی که پادشاه آن کرزوس و پایتخت او سارد بود می‌باشند.

۴۹ـ افسران پارسی که بخدمت شاه هخامنشی میروند. پلکان اصلی آپادانا ـ تخت جمشید. دوران خشایارشاهی اول.

۵۰ـ خراجگزاران ـ (متعلق بهمان بخش عکس ٤٨) دراینجا کمال حجاری هنرمندان تخت جمشید کار آنها را به جواهرسازی وفلزکاری نزدیک کرده است.

(با دستبند طلائی که درعکس ۵۷ کتاب تاریخ امپراطوری ایران تألیف «ا.ت المستد» آمده مقایسه شود).

۵۱ـ خادم کاخ ـ نقش برجسته ازخزانه تخت جمشید ـ دوران داریوش اول (اواخر قرن ششم پیش ازمیلاد) موزه ایران باستان ـ تهران. این نقش ازمجموعه نقوشی است که درعکسهای ٤٤/٤٥/٤٦ و ۵۸ نمایانده شده‌اند. واختلاط آن با دیگران شاید بمناسبت این باشد که او پرده‌دار پادشاهست.

۵۲ـ برندگان تخت شاهی. بخشی از پایهٔ یکی ازدرهای تالار صد ستون ـ قرن چهارم پیش از میلاد ـ یک هیت و یک سغدیانی که نمایندگان ساتراپی‌های شمال شرقی امپراطوری می‌باشند.

۵۳ـ پلکان بزرگ صفهٔ تخت جمشید. زمان داریوش اول (اواخر قرن ششم پیش ازمیلاد) این پلکان دارای دوشیب روبرو یهم وبقدری کوتاه ووسیع بوده که باسب ازآن میتوانستند گذشت.

۵۴ ـ نگهبان پارسی و مادی. برپلکان اصلی آپادانا ـ تخت جمشید. دوران خشایارشای اول (ابتدای قرن پنجم پیش‌ازمیلاد). نگهبان پارسی کلاه کنگره‌دار بسر دارد.

۵۵ـ افسران پارسی ومادی بهنگام بارنوروز. برپلکان شرقی آپادانا ـ تخت جمشید. زمان خشایارشای اول (اوایل قرن پنجم پیش از میلاد).

۵۶ ـ کعبه زرشت. نقش رستم نزدیک تخت جمشید. دوران داریوش اول (ابتدای قرن پنجم پیش از میلاد). بلندی ۱۱/۶۰ پهنا ۷/۳۰ متر). احتمالا درابتدا آرامگاه موقت شاهان بوده سپس دردورانهای بعد محل نگاهداری درفشهای شاهی گردید.

۵۷ ـ آرامگاه داریوش اول. نقش رستم (اوایل قرن پنجم پیش از میلاد). بلندی ۲۲/۵۰ متر. اولین بنائیست که باینگونه درصخره کنده شده باشد. برآن نوشته ایست به سه نوع خط میخی: پارسی قدیم، ایلامی وبابلی. در پائین قبر بر بدن صخره نقوش برجسته ساسانی متعلق به سال ۲۸۰ پس ازمیلاد، هیچ رابطه‌ای با آن ندارند ـ سه قبرشبیه باین درنقش رستم وجود داردکه ازآن خشایارشای اول، اردشیر اول و خشایارشای دوم دوم شناخته شده‌اند.

۵۸ـ دستهای خشایارشای اول. بخشی از نقوش برجستهٔ خزانه تخت جمشید. زمان داریوش اول موزه ایران باستان ـ تهران.

بخشی از نقش برجسته‌ایست که در عکسهای ٤٤/٤٥/٤٦/۵۱ جزء بجزء بررسی شداین دستهای خشایارشای اول فرزند داریوشست که پشت تخت پدر بپا ایستاده و بگفتهٔ «هرتسفلد» تخت پدررا بدست لمس می‌کند ومتعلق بزمانیست که با پدر در حکومت بر امپراطوری شریک گشته است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

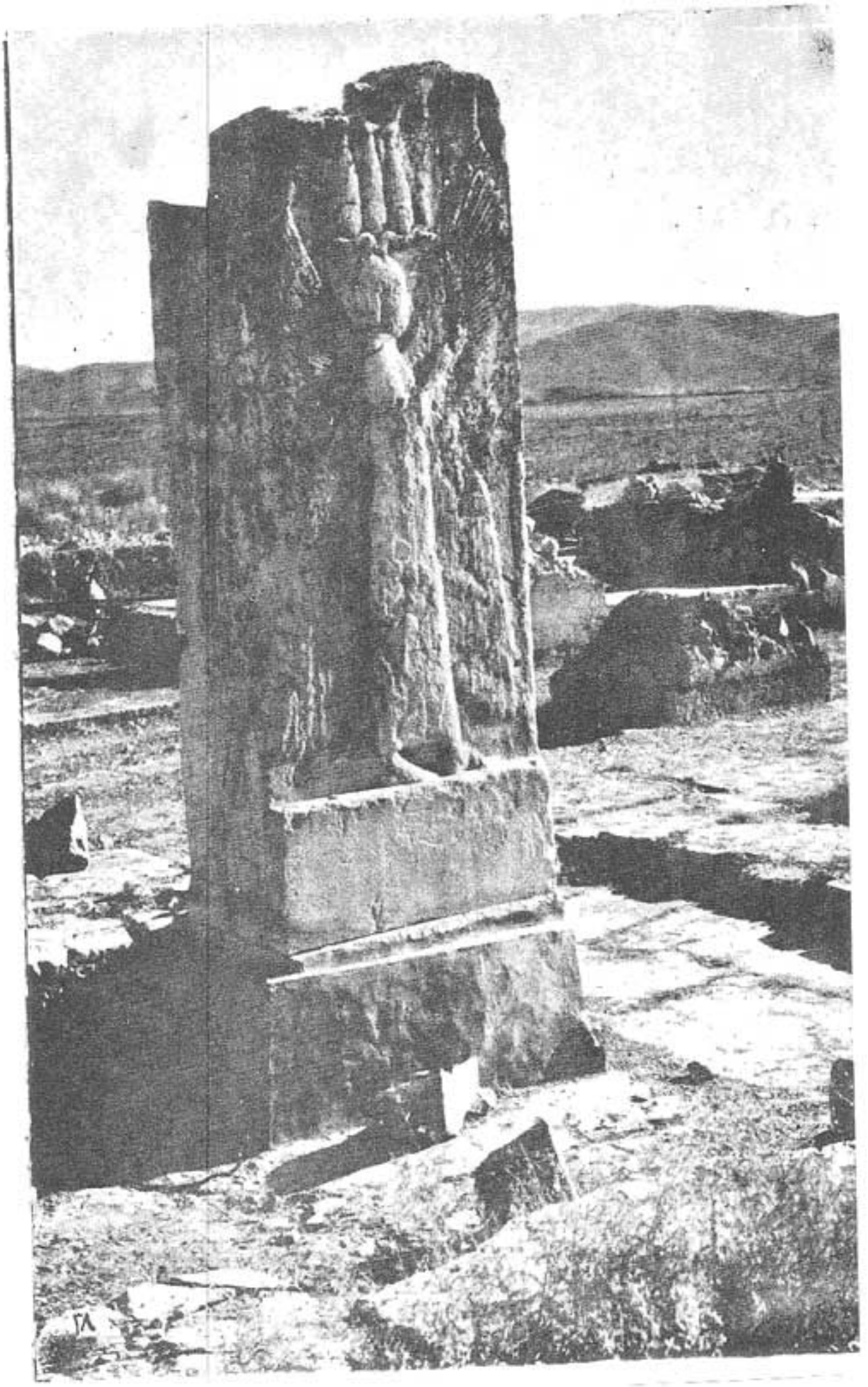
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

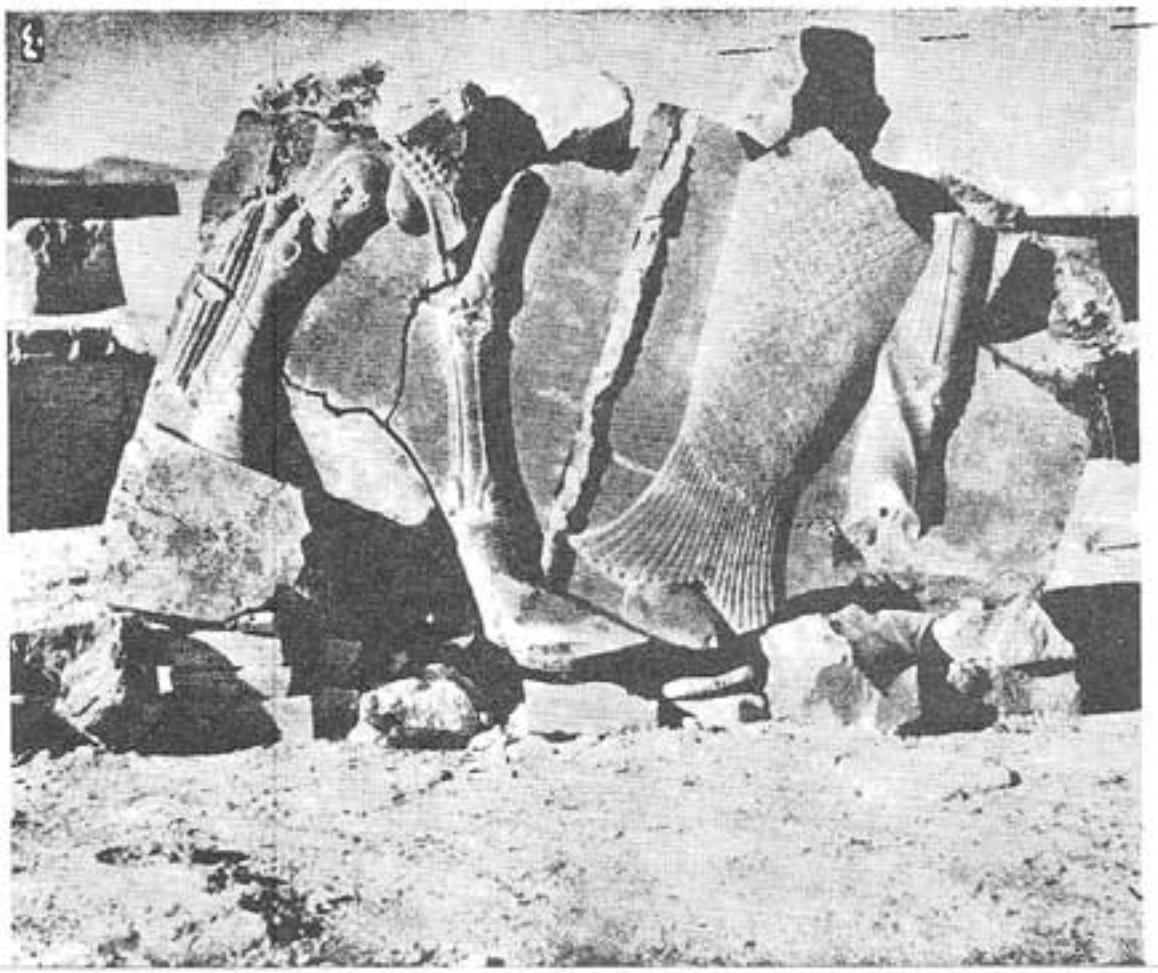


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

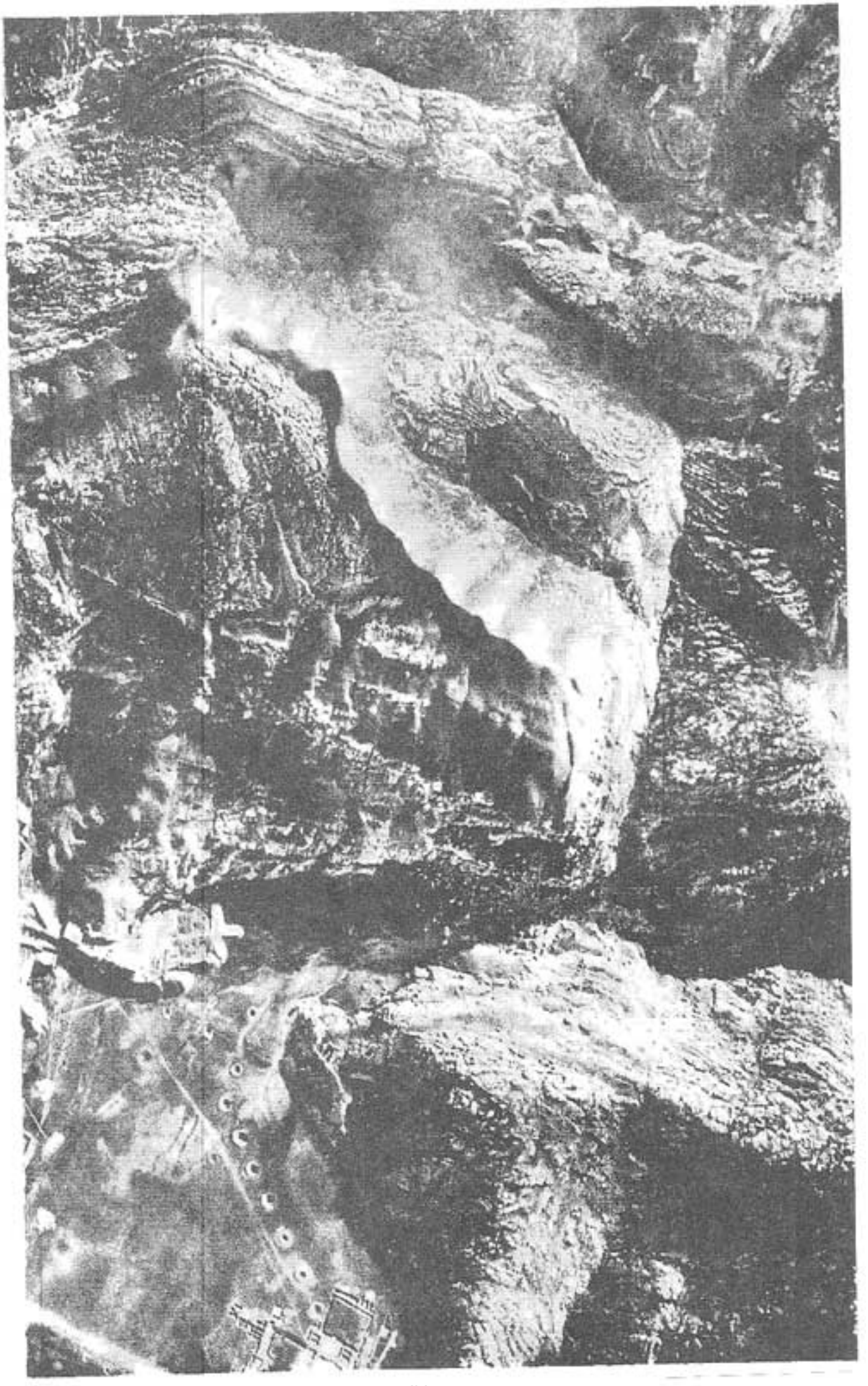




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

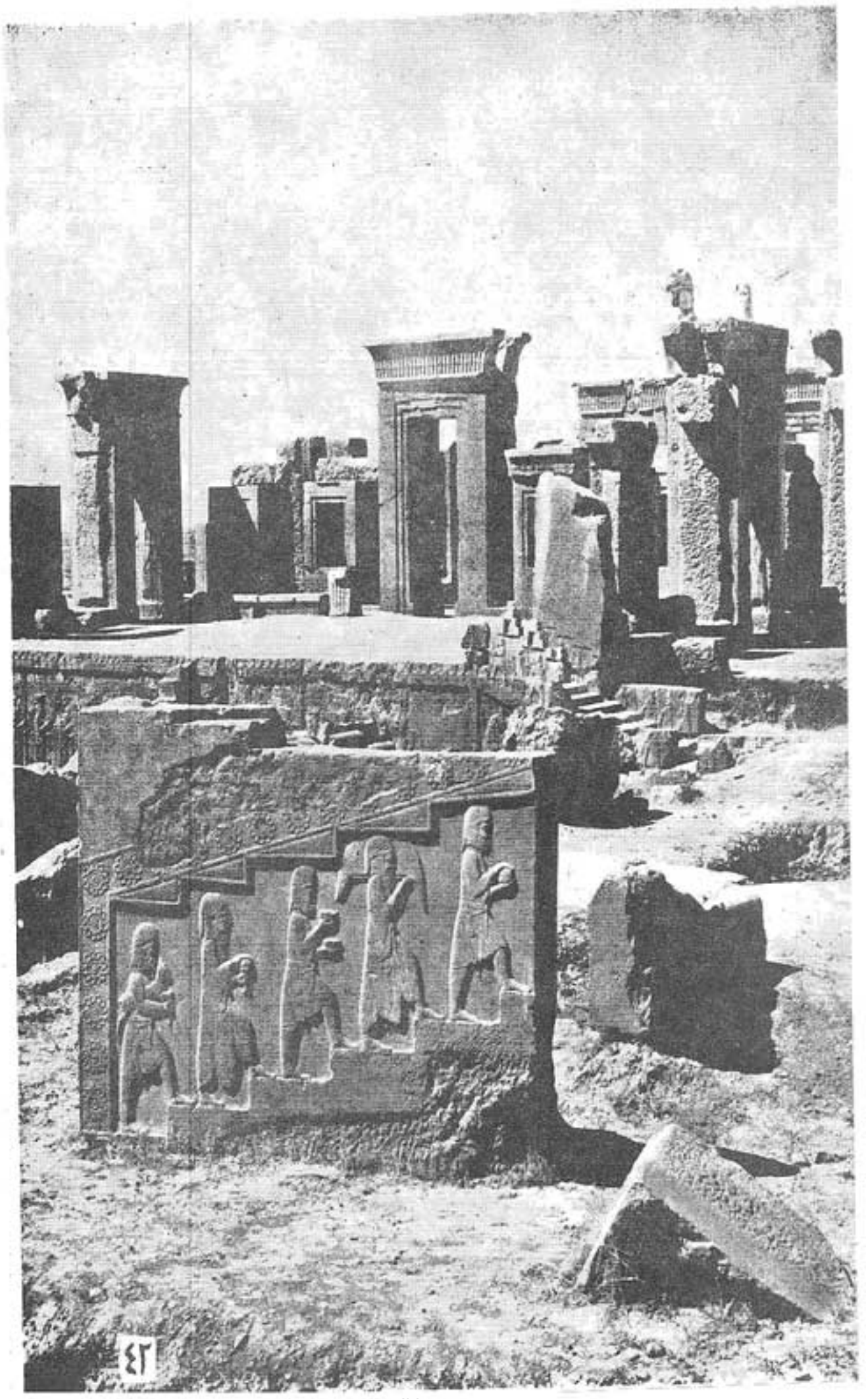
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

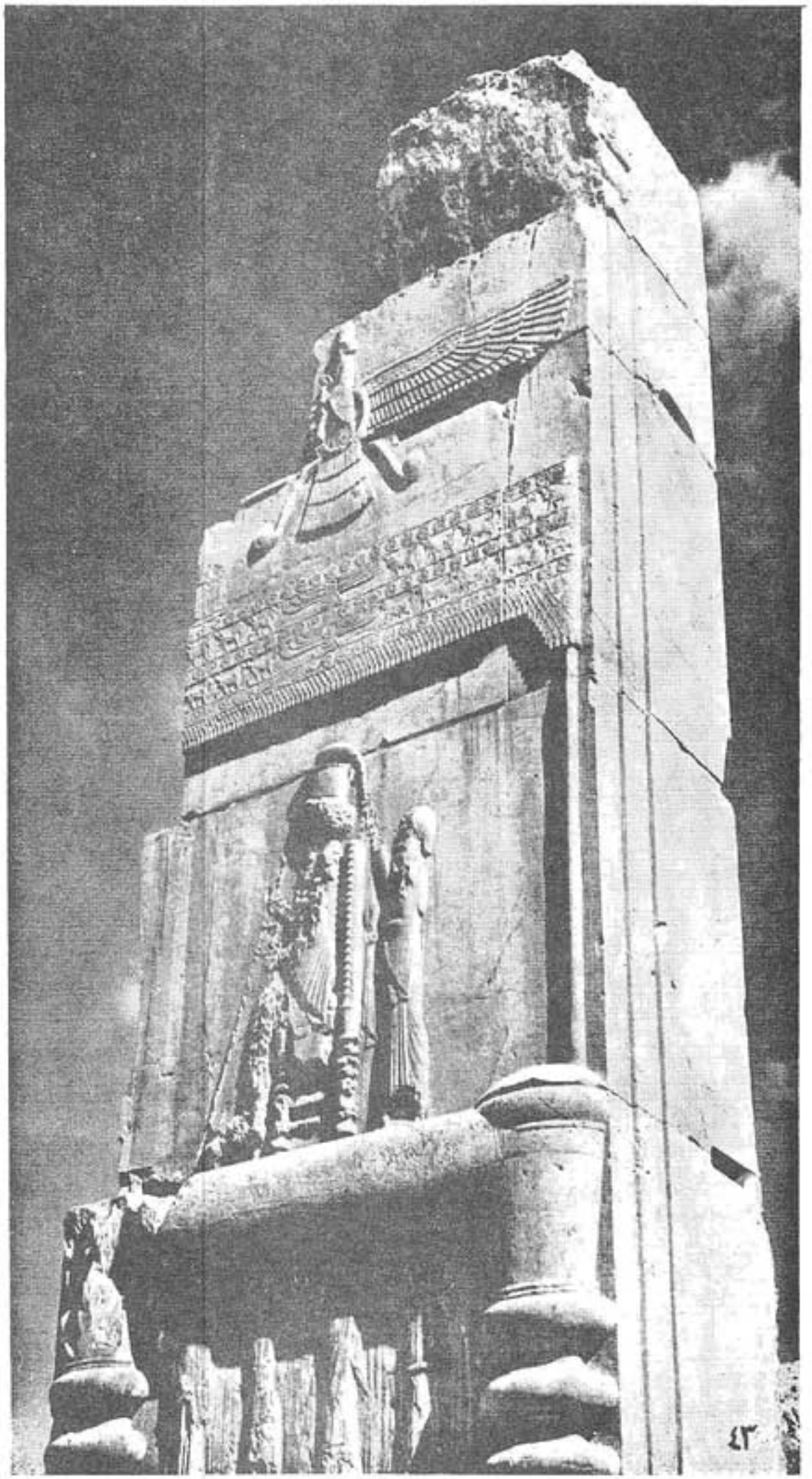
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

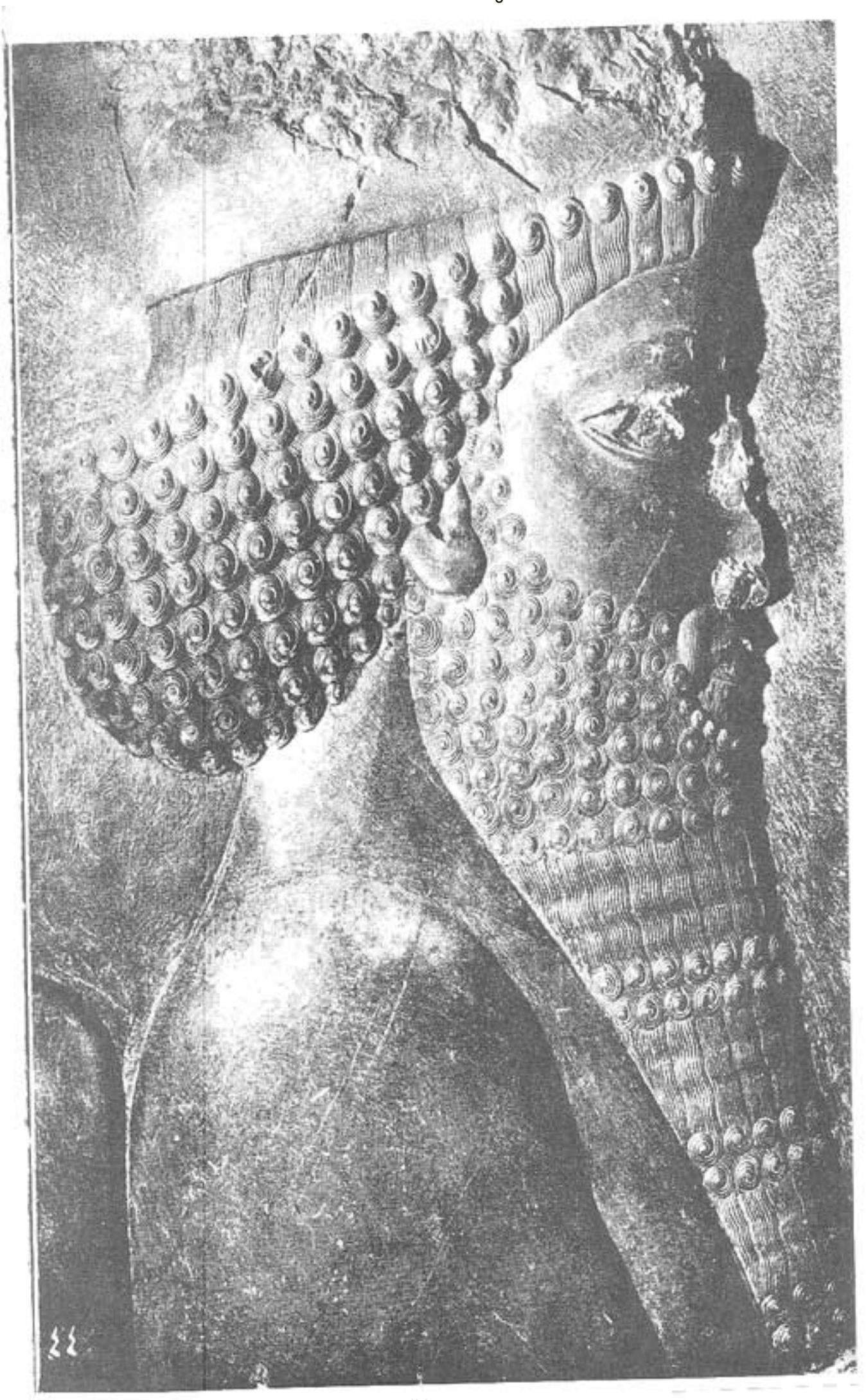
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

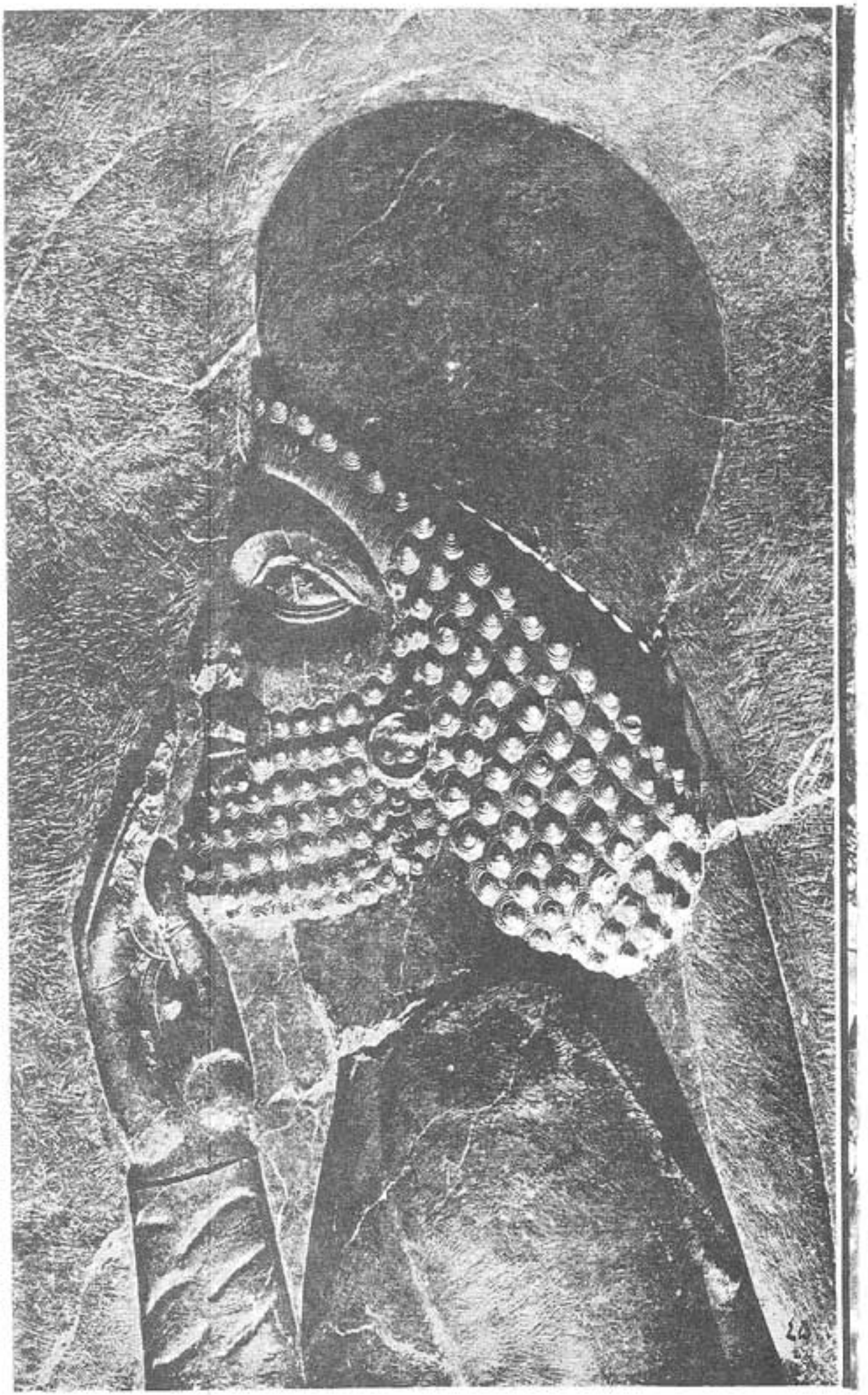
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

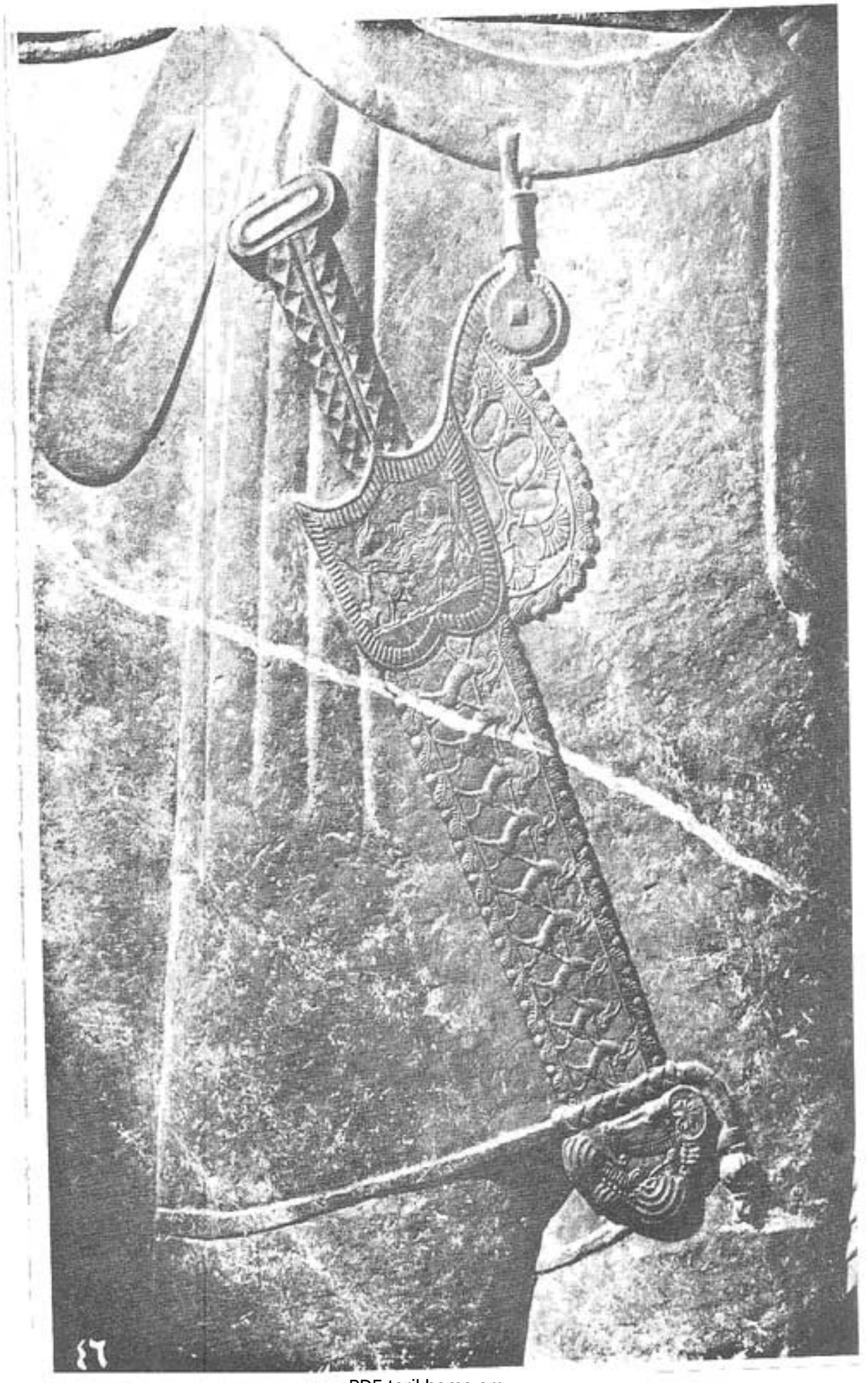
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

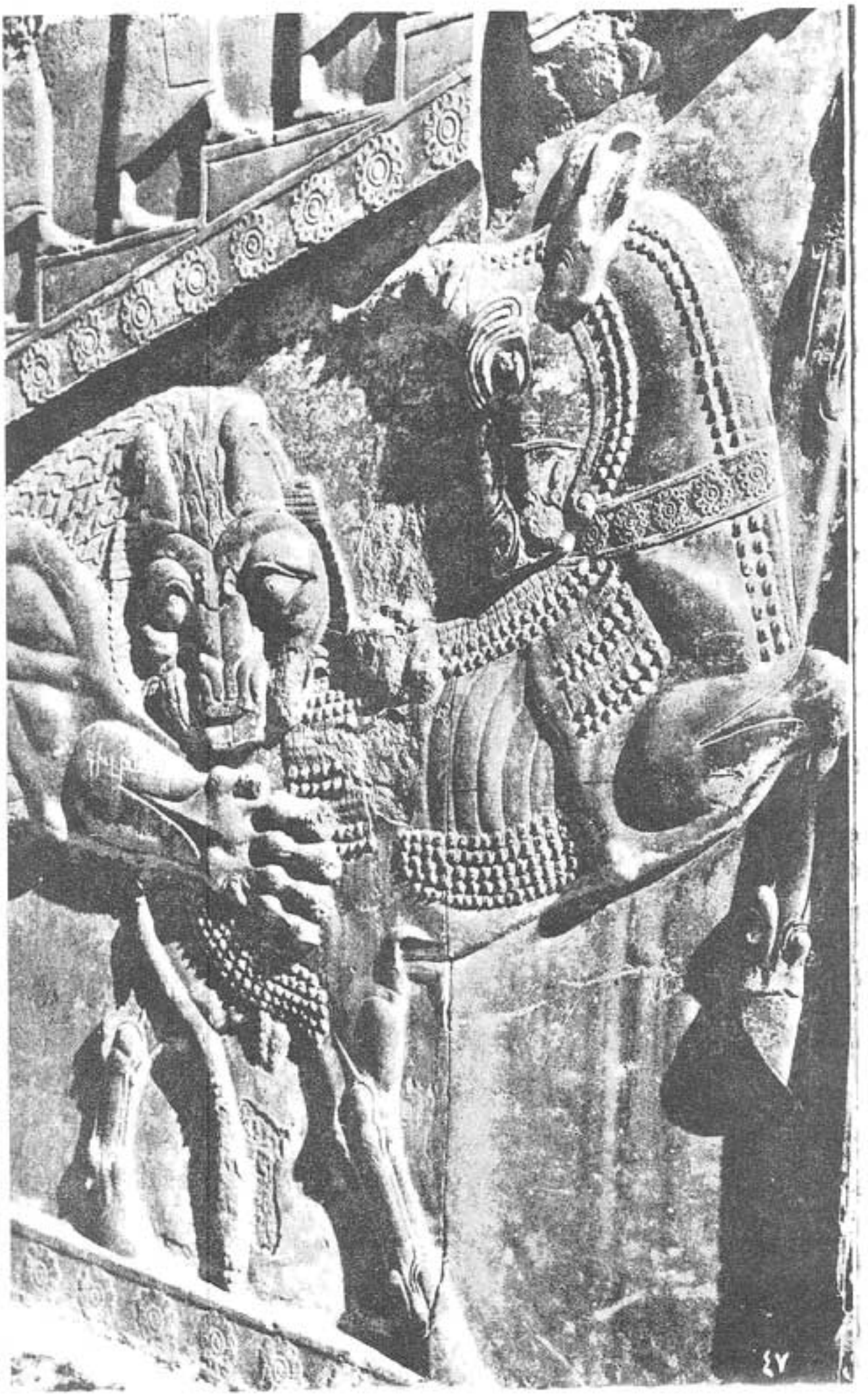
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

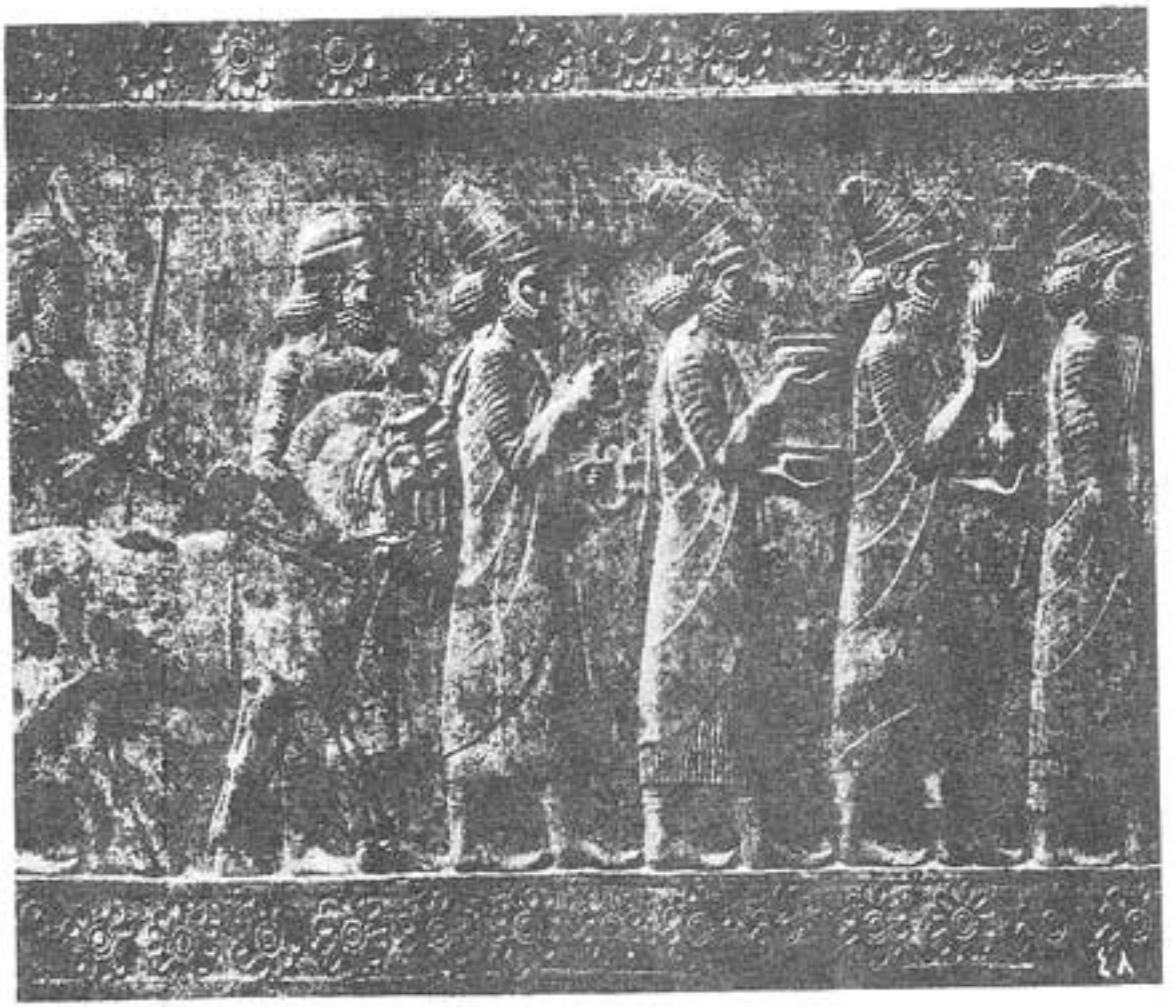
PDF.tarikhema.org

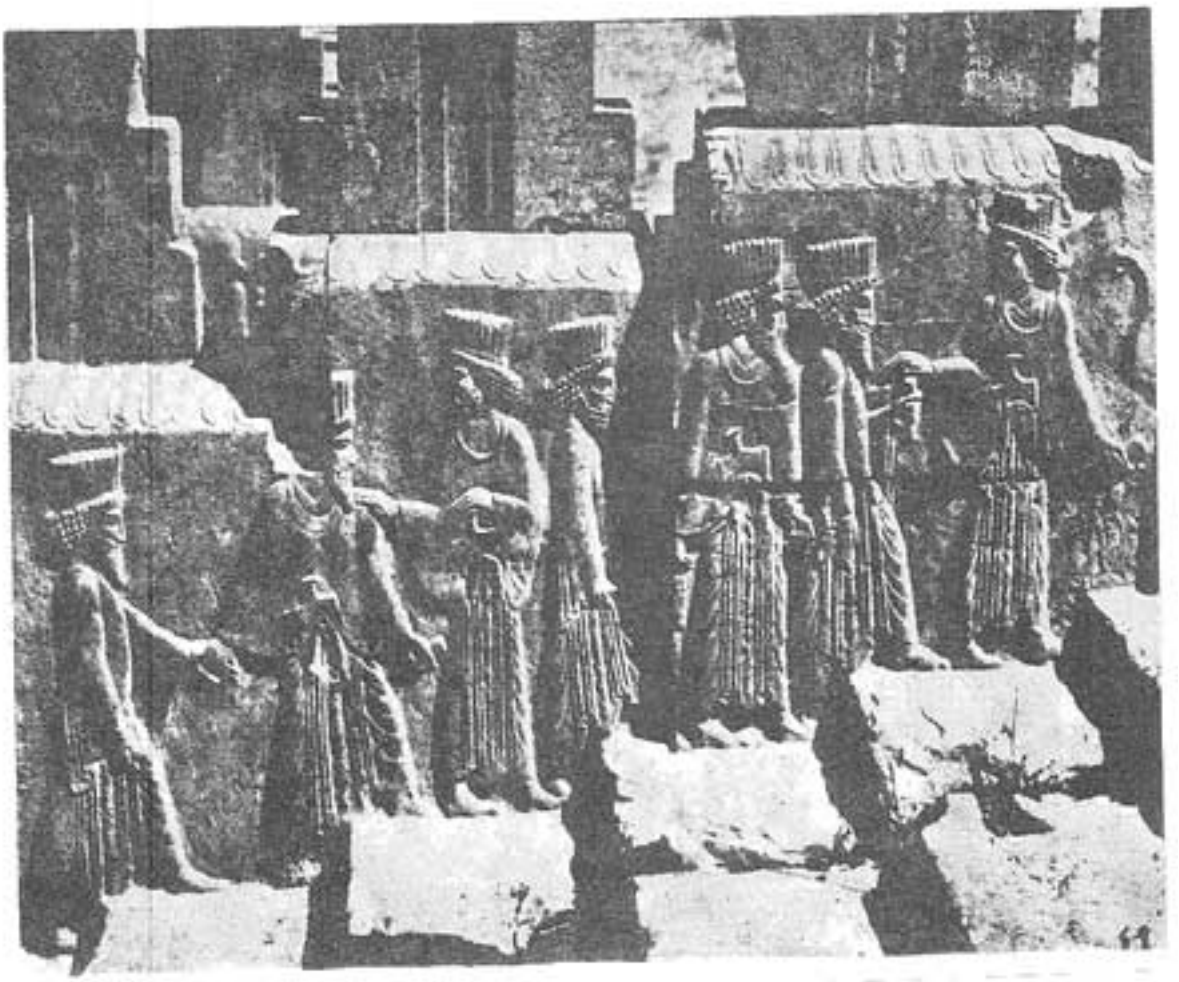


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

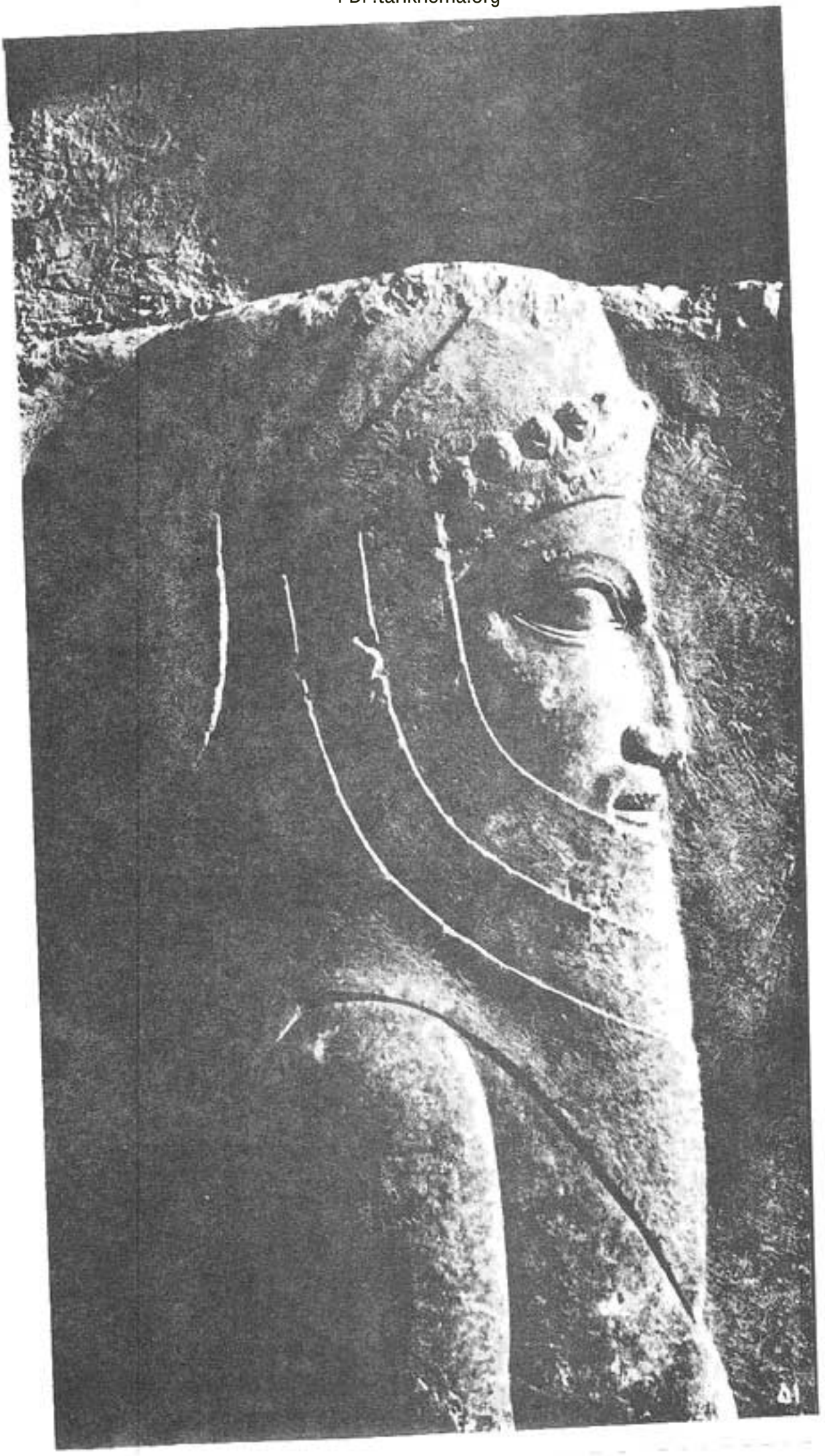
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

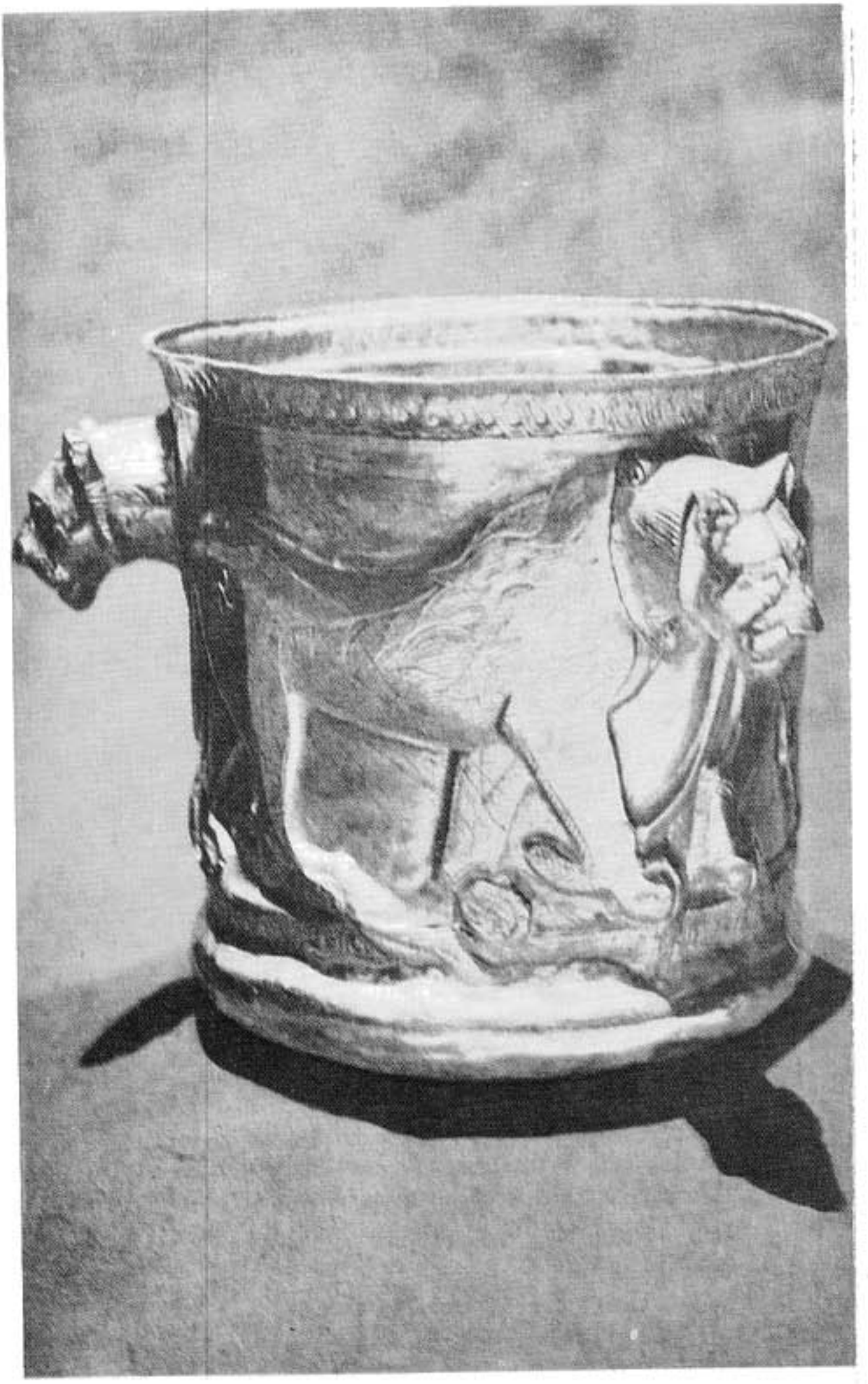
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

عکس رنگی اول ـ جام طلا. با نقش سه شیر در پی یکدیگر. از قبور کلاردشت گیلان . قرن دهم پیش از میلاد. قطر ۱۱، بلندی ۱۲/۵ سانتیمتر وزن ۲۳۸ گرم. موزهٔ ایران باستان ـ تهران. بدن این سه شیر نیم برجسته ولی سرآنها تمام برجسته واز قطعات جدایی تشکیل شده ونفوذ اورا دتوئی یا هیئی رامیرساند این جام بهمراه خنجری از همان جنس وچندسفال درارتفاع ۱۰۰۰ـ۱۲۰۰ متری بدست آمده. ژاکدمرگان این ناحیه را از خوش آب و هواترین نقاط جهان دانسته وشاید بهمین سبب مسکن مردمی توانگر بوده است.

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

عکس رنگی دوم ـ بخشی از نقش برجستهٔ تخت جمشید . ازقرن پنجم پیش ازمیلاد .مقیاس ۲/۳ . این نقش که برپلکان کاخ مرکزی تخت جمشید آمده ، نمایش سریك کماندار پارسی و نمونه عالی حجاری هخامنشی دردوران خشایارشای اول فرزند وجانشین داریوش اول‌ست. لبهای این سربازنیز مانند حلق شیرهای سرستونهای قدیمی‌تر آپادانا و مانند لباسهای رنگ‌آمیزی شدهٔ حجاری‌های تریپیلون بارنك قرمزپوشیده بوده است .

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دیوسر در کشورداری روشی سخت‌ودرعین حال‌عادلانه داشت. بطوریکه شش‌طایفه‌مادی باکمال‌رغبت فرمانروائی اوراگردن نهادند . پادشاهی دیوسر پنجاه‌وسه‌سال‌طول کشیدو پس ازاوپسرش‌فراارت[1]، ۲۲سال‌پادشاهی کرد واواولین‌پادشاه‌مادی‌بود که‌پارس‌هارادست‌نشانده مادساخت ، سپس‌دریك‌حمله‌بی‌موقعیکه علیه‌آشوریها کرد کشته‌شد. فرزند فراارت سیاگزار[2] تازه بتخت پادشاهی نشسته‌بود (۶۵۳ پیش ازمیلاد) سکاها کشورش راویران‌کردند و ۲۸ سال آنجارا میدان تاخت وتازخودقراردادند وهرجارسیدند کشتندوغارت‌کردند . بالاخره سیاگزاربرآنها چیره‌شده قدرت رادرایران‌بدست گرفت‌ودولت‌آسوررا برانداخت‌ومدت‌چهل سال‌ازپادشاهی‌بهره‌مندبودوسپس جای خودرابفرزندش‌آستیاژ[3]سپرد. آستیاژنیز پس ازسی و پنجسال پادشاهی درسال ۵۵۰پیش ازمیلاد بدست‌کورش پارسی سرنگون گردید .»

دیوسر که‌ذکرش گذشت شاید همان‌«دی اوکو»منائی باشدکه درسال۷۱۵ بعلت‌توطئه ایکه‌برعلیه پادشاه منائی‌که خودش اورابپادشاهی رسانده بودکرد، بدستورسارگن تبعیدشد. بنابراین، کشوری که‌هرودت برای‌اومیشناسدوتاریخ‌آن دیوسررادرسالهای ۷۲۸تا۶۷۵پیش ازمیلاد جامیدهد، وجودنداشته است. وممکن است دی اوکوپسری داشته که‌باین نام‌معروف بوده وبعدها بامؤسس‌دودمان ماداشتباه شده باشدبهرحال‌تاریخ ماددرحقیقت‌باسلطنت‌فراارت آغازمیشود وتاریخ‌آن از۶۷۵ تا ۶۵۳ پیش ازمیلاد مورد اتفاق نظراست .

وقتی ما برای اولین بارفراارت را بنام هند و اروپائی‌خشاتریتا مشاهد ه‌میکنیم بایدبدانیم‌که صاحب‌این‌نام‌پادشاه مادنبوده ، بلکه حاکم شهرکارکاشی درزاگرس مرکزی بوده است .

آن‌قسمت ازتاریخ هرودت‌که مربوط به‌احداث اکباتان پایتخت ماداست درآن‌زمان هنوزتحقق‌نیافته‌بوده‌است. خشاتریتار ـ فرا ارت درآنوقت‌درهبرائتلافی‌بین‌مادو سیمریها ومنائیها بوده‌که درصددانهدام قدرت‌آشوریها درزاگرس بوده‌اند . چون در آن موقع‌آشور بانیپال [4] داخل کشور ماد شده وچندین شهرآنراویران‌کرده بود .ممکن است فراارت‌که بپادشاهی‌ماد رسیده بود، پادشاه‌آسوراورا بنظرناچیزگرفته‌مصمم شده باشد به اوحمله کند اما مقاصد او از حدود امکانات و آمادگی لشگریش زیادتر بود . این فرض غیرقابل قبولی نیست ومرگ فراارت هم‌که بنابرنوشتهٔ هرودت سال ۶۵۳ پیش‌ازمیلادبود ممکن است درموقع حمله‌بیك شهرمرزی‌آشوربوده باشد .

هنگام جریان این‌حوادث پادشاه پارس، تهایس پس، [5] دورازمعرکه تاخت‌وتازسکاها درماد ودرحالیکه‌برآنشان فرمانروائی‌داشت، سرزمین دیگری‌راهم بتصرف درآورد که‌به‌د

* * *

۱ ـ ۶۷۵ ـ ۶۵۳ پیش‌ازمیلاد.
۲ ـ ۶۲۵ ـ ۵۸۵ « «
۳ ـ ۵۸۵ ـ ۵۵۰ « «
۴ ـ پادشاه‌آسوراز۶۶۸ تا ۶۳۱ پیش‌ازمیلاد.
۵ ـ Téispès از۶۷۵تا۶۴۰ پیش ازمیلاد، که‌همان چشش‌پش‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ها دوتن ازجانشینانش سبب اشتهار آن گردیدند : کورش دوم بزرگ که پازارگاد را بنا کرد ، وداریوش اول که پایتخت خود را به تخت جمشید برد . بنابراین اوپادشاه دوسرزمین مشخص گردید که یکی پارسوماش با نظام آنشان ودیگری پارسا ، یا کشور پارس که تازه بتصرف درآورده وهمه را میان دوپسرش تقسیم کرد :

آریارامنا [1] فرزند کوچکتر با لقب «پادشاه بزرگ ، شاهشاهان ، پادشاه کشور پارسا» وفرزند بزرگتر کورش یا سیروس اول [2] با لقب «پادشاه بزرگ» که لقبی کوچکتر از لقب برادر بود فرمانروای پارسوماش شد.

در آغاز ، کار آریارامنا رو به پیشرفت بود در صورتیکه برادرش مجبور شده بود فرزند بزرگ خودرا به نینوا نزد آسوربانیپال فرستاده باو اطمینان دهد که نسبت به ایلام که بزیر فرمان آشور درآمده بود نظری ندارد .

مقارن سال ۶۲۵ پیش از میلاد ، زمانیکه کورش اول فرزند تیس پس درپارسوماش سلطنت میکرد ، سیاگزارپسر فرااارت قلم وآرامش رادوباره درماد ، که بدست سیت ها غارت شده بود برقرار ساخت . ازچگونگی این کار اطلاعی دردست نیست. هرودت میگوید «پس از آنکه رؤسای سیت ها راجمع کرد ، آنها رامست وبیهوش ساخته همه را کشت» . اما «کامرون» عقیده دارد که «بازگشت او بقدرت محققاً مستلزم اقدامات بزرگتری بوده است .» درهرصورت تجربه باو یاد داده بود که شرط پیروزی ، داشتن لشگر منظم ومتشکل است . بنابراین لشگریان خودرا سازمان داد ، برپارسی ها حمله برد وبرآنها پیروزی یافت. پادشاه کشور ماد که دراین حمله آشور را مخالف خود ندید ، موفق شد استان قدیمی پارسوا را که درنزدیکی دریاچه ارومیه وکشور ماد بود زیر فرمان خود درآورد ومنائی های همسایه هم اورا بپادشاهی خود شناختند .

درآن میان نبوپولاسار [3] که ازقدیم کشورهای سومر [4] را اداره میکرد خودرا ازیوغ آشوریها آزاد ومستقل ساخت وکمی بعد ازآنکه تمام بابل را تسخیر نمود تصمیم گرفت به آشور حمله کند ودرتابستان سال ۶۱۵ پیش ازمیلاد بشهر آشور حمله کرد اما توفیقی بدست نیاورد زیرا لشگریان مصری که بکمک آسوریها آمده بودند اورا وادار بعقب نشینی کردند . درطی تابستان بعد ، سیاگزار به رقابت وهمچشمی نینوا رامحاصره کرد اما موفق بگشودن آن نشد ولی توانست شهر آشور را متصرف شود ، بعد نیروهای خودرا با قوای «نبوپولاسار» یکی کرده دوباره شهر مزبور

* * *

۱ ـ Ariaramna از ۶۴۰ تا ۶۱۵ پیش ازمیلاد.

۲ ـ سیروس اول. از ۶۴۰ تا ۶۰۰ پیش ازمیلاد.

۳ ـ از ۶۲۵ تا ۶۰۶ « «

۴ ـ Mer اراضی متعلق بکشور قدیم سومر Sumer دربین النهرین سفلی .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

را محاصره واین‌بارآنرا درسال ۶۱۲ گشود وچنان‌ویرانش ساخت که جای‌آنهم ازنظرها محو گردید . (تاروزیکه‌کاوشهای باستانشناسی در سال۱۸۴۲ آنرا کشف کردند) .

آنوقت میان مادهاوبابلی‌ها که نیروهایشان‌باهم‌متعادل بود پیمانی برقرارشد . درنوامبر سال ۶۱۰ پیش‌ازمیلاد نبوپولاسار شهرهران [1] راپس‌ازسالها جنك ودست‌بدست گشتن‌باکمك سیاگزار ویران ساخت وآنرا درتصرف سیاگزارباقی گذاشت . بابلی هاکه خود را وارث آشوریها میدانستند ممالك‌آنهارا اشغال‌کردند . مادهاهم که‌تسلط خودرا برقسمت بزرگی ازایران پا برجاکرده بودند برای بسط و توسعه فتوحات خود بطرف آسیای‌صغیر متوجه شدند .

دراین‌هنگام کامبیزاول [2] فرزند وجانشین کورش‌اول ظاهراً درپارسوماش سلطنت آرام‌و ساکتی‌داشته‌است، گرچه‌اوخودرامستقل‌میدانست‌امادرحقیقت‌دست‌نشانده‌مادها بودوآنها حکومت پارس رابعدازعمش‌آریارامنا باوو گذارکرده‌بودند. 'زززناشوئی‌اوباماندانادختر آستیاژپادشاه ماد، کورش دوم [3] یاسیروس بزرگ بدنیاآمد .

کورش که درآغازکارمقیدبود زیرفرمان آستیاژباشد ، حال‌آنکه درباطن‌خودرامدعی ووارث تاج‌وتخت مادمیدانست ، ازتمام اقوام‌ایرانی پیمان وفاداری خواست وازطرف‌دیگر پیشنهاد اتحادیراکه‌نبونائید [4] پادشاه بابل‌باوداده بود پذیرفت. پادشاه‌بابل‌خیال‌میکرد‌بوسیله این‌پیمان خطری راکه تسلط مادها برهران برای‌آن‌کشوربوجودآورده دفع‌کند،این خطر دائمی ، ارتباط اورا باسوریه تهدید میکرد . نبونائید هم مانند کورش شروع‌بجمع‌آوری لشگریانی ازغزه درمرز مصر وکشورهای‌کنارخلیج فارس نمود .

مقارن سال ۵۵۳ پیش ازمیلاد، آستیاژکه شاید از این موضوع بوئی برده بود، سیروس رانزد خودخواند . خود داری کورش ازرفتن پیش اوکه‌به نافرمانی وطغیان علنی برعایه فرمانروای خود تلقی میشد، برای نبونائید بمنزله اعلام عزیمت‌بطرف سوریه‌بود. پس بلافاصله به دران‌که‌کلید سوریه بودحمله ورگردید وآنجارا ازپادگان مادآزادکرد. اماآستیاژبدون‌آنکه این تعرض اورا ازقصد خود منحرف‌کندلشگربسوی ایران‌یاغی‌کشید. بنابرنوشته هرودت ، دوجنگ اتفاق افتاد . درطی جنگ اول که فرمانداری آنرا سردار سپاهش هارپاگوس بعهده داشت ، قسمت عمده لشگریان ماد بافرمانده خود بطرف اردوی

* * *

۱ ــ Harran درچهارصدکیلومتری باختر‌نینوا .

۲ ــ از۶۰۰تا۵۵۹ پیش ازمیلاد .

۳ ــ از۵۵۹تا۵۲۹ پیش ازمیلاد .

۴ ــ Nabonaid از۵۵۵تا۵۳۹ پیش‌ازمیلاد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پارس رفت، درجنگ دوم که‌خود آستیاژ پیشاپیش لشگردرحرکت بود دستگیرشد.

تاریخ بابل دراین باره باآنچه هرودت میگوید مطابقت دارد . بنابرنوشتهٔ هرودت «آستیاژ لشگریان خود را جمع کرده به مقابله با کورش پرداخت. اما کورش فوراً به اکباتان پایتخت ماد تاخته شهروخزائن آنرا بتصرف درآورد.» باین طریق امپراطوری مادسقوط کرد وزیرفرمان پارس قرارگرفت .

حال اگراجازه دهید بجای ادامه شرح وقایعی که رئوس آن، دست‌کم اززمان پادشاهی کورش بزرگ برهمه معلوم است، دراینجا چند سطری ازدرس افتتاحیه کلاس دجیمز دارمستتر» درکلژ دوفرانس درسال ۱۸۸۵ نقل کنم: «اولین سلسله، دودمان هخامنشیان است که درسال ۵۵۹ پیش ازمیلاد توسط کورش «دوم (بزرگ) تأسیس وبعدازدویست وسی سال یعنی درسال ۳۳۱، باداریوش سوم[1] سقوط کرد. این،دوره‌ایست که ایران بزرگترین وسعت دوره تاریخ خودرا داشته‌است. دردوران سلطنت سیروس، باتسخیر ماد، بابل ولیدی، پازارگاد، وارث اکباتان وبابل وسارد گردید. دردوره کامبیز[2] دوم، ایران جانشین فراعنه دردره نیل گردید. درزمان داریوش اول[3] این کشور ازطرف خاورتا رودسند، ازجانب باختر ازدریای مدیترانه گذشته به یونان واروپا میرسد. سپس به‌دماغه کشتی‌های جنگی آتنی‌ها برخورد کرده، خورد شده، بحدود آسیائی خود بازمیگردد. پس‌ازآن بدست‌مدیر کاردان و نابغه‌ای چون داریوش فرزند هیس‌تاسپ، سازمانی بخود گرفته بشکل وسیع‌ترین امپراطوری‌ای درآمد که تاآنزمان نظیرش درآسیا دیده نشده، بودومدت دوقرن دوام کرد. این مدت با درنظرگرفتن تنوع عوامل نژادی ومذهبی وزبان که‌بایدمورد رعایت استانداران، که‌باستانهای گسترده، ازسواحل سند تاجزیره قبرس و ممفیس و ارمنستان، گسیل میشدندقرار گیرد، مدت عظیمی است .

ازتمدن این دورهٔ ایران، جزآنچه‌ازمشهودات خارجیان یاباقیمانده آثارملی بدست‌آمده، اطلاع دیگری دردست‌نیست. داستانها وروایات مورخین وشعرای یونانی وتأییدآن بوسیله کتیبه‌های تاریخی که بدستور پادشاهان هخامنشی[4] برتخته سنگ‌ها حک‌شده (شکل۱۳۹) چنین میفهمانند، که‌استبداد بافروشکوهی حاکم برمقدرات مردم بودکه برپایه‌پرستش شاه‌متمرکز واورا چون خدای روی زمین میدانستند، واین عقیده مشترک تمام آریائی‌های قدیم بوده‌است.

* * *

۱ـ داریوش سوم از ۳۳۶ تا ۳۳۰ پیش ازمیلاد .

۲ـ از ۵۲۹ تا ۵۲۱ پیش ازمیلاد .

۳ـ از ۵۲۱ تا ۴۸۵ پیش ازمیلاد .

۴ـ گنج‌نامه. نزدیک‌همدان. مرکب ازدو کتیبه بزرگ‌است که‌بخط میخی وبسه‌زبان بنام‌داریوش اول ویزدگرد اول روی صخره حک شده‌است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عقیده‌ایکه دریونان جای خودرا بافکار واحترام بآزادی شخصی داده ولی درایران قانون کشور، قانون مرگ وزندگی بوده است: قانون‌زندگی،زیرا این تنها عاملی بوده‌است که سبب دوام وبقای‌ایران گردیده ودرمواقع حساس موجب بروزاعمال قهرمانانه وفداکاریهائی مساوی فداکاریهای‌یونانیان در راه‌آزادی‌بود. قانون مرگ، بدلیل‌آنکه‌حس‌شخصیت را در آنهاتباه ونابودنمود. خرابه‌های تخت‌جمشید، نمایندهٔ هنری مخلوط‌وزادهٔ تفنن‌شاهانه‌ایست که‌تمام سبک‌های‌هنری معمول‌دراستانهای امپراطوری خود مانندآشور،مصر ویونان‌آسیائی که توجه شاه را جلب‌کرده بودند دریك واحدتصنعی وبا شکوه وجلالی شبیه به‌امپراطوری خود جمع‌کرده‌است واین نشانه تفنن شخص‌مقتدری‌است‌که عاشق‌تجمل وشکوه است.مذهب ایرانیهاچکیده مذهب‌دوگانه‌پرستی[1] مادهااست‌که‌توسط‌مغان بآنجانفوذکرد وآنهاسعی‌کرده بودند تشریفات وامتیازات مذهبی‌را بخود اختصاص دهند تابدین وسیله‌برتری نژادی خود راکه درسیاست ازدست داده بودند حفظ نمایند. مادهاکه بدنبال انقراض دولت خودتوسط کورش بایران‌آمدند مدت‌کوتاهی، درزمان‌کامبیزاقتدار ونفوذی بدست‌آوردند ولی بعد در زمان داریوش محدودترشدند.امادرزمان جانشینان اوبمرور ازطریق مذهب‌برنفوذ واعتبار خودافزودند. درخارج، جنگ‌ها وزد وخوردهای بین‌آسیا واروپامنتهی‌بانقراض‌امپراطوری ایران‌گردیدوسرداران اسکندر ازلاشهٔ‌آن برای خود امپراطوریها ساختند .

* * *

۱ــ مانندآئین زرتشت که پیروان‌آن‌معتقد به‌وجوددونیروی‌نیکی‌وبدی‌هستندکه نماینده اولی‌را اهورامزدا ودومی را اهریمن میدانند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۲ ایران هخامنشی

عالی ترین هنرایرانی، بمعنی حقیقی هنر، همیشه معماری آن بوده است. این برتری نه تنها دردوره های هخامنشیان، پارت‌هاوساسانیان که آثارساختمانی شان رامیشناسیم محقق است. بلکه در مورد دورهٔ اسلامی ایران هم صادق است. شاید معماری قدیم ایران است که درشکل جدیدش به‌بهترین وصحیح ترین وجهی معماری اسلام راازنظرهنری‌وطرز تاثیرش برتمدن کهن ایرانی بمامیشناساند.

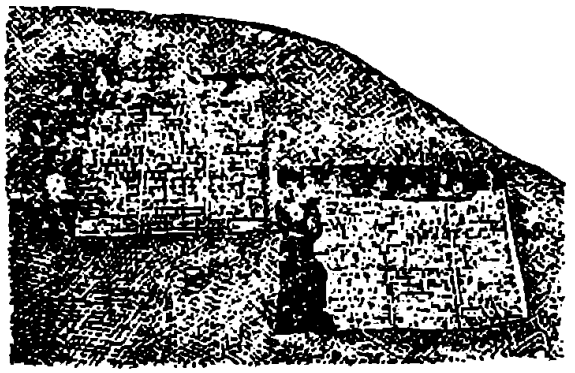
بعلت‌عدم دلبستگی‌اهالی کشورنسبت‌به‌آثارباقیه تمدن قدیمشان، وهمچنین بعلت تعصبی که ورود خارجیان را بداخل‌اماکن مذهبی منع‌میکرد، درقرن گذشته هیچ گونه اطلاعی ازهنرمعماری ایران حتی درخوداین کشوردردست نبود. بعلت سختی مسافرت درراه های خود ساخته طبیعی وبوسیله‌کاروانها، درگذشته‌ایکه زیاد ازآن دورنیستیم، مسافرین‌خارجی تنهاچند ساختمانیراکه درخط سیرخود میدیدند وصف میکردند وعبارت ازآنهائی‌بود که در مجاورت دوخط جاده اصلی‌ایران واقع شده اندکه بطورصلیبی یکدیگررا قطع مینمایندکه یکی ازتبریزبه بوشهراست‌که ازسلطانیه وقزوین ،قم، اصفهان وشیرازعبورمیکند ودیگری ازقصرشیرین‌به مشهدکه ازکرمانشاه، همدان، قزوین، تهران ، دامغان ونیشابورمیگذرد و ملاحظه‌میشودکه‌توصیف وتشریح ونقاشیهای عجولانه‌ایهم‌که ازآنهامیکردند عموماً بایکدیگر اختلاف داشتند.

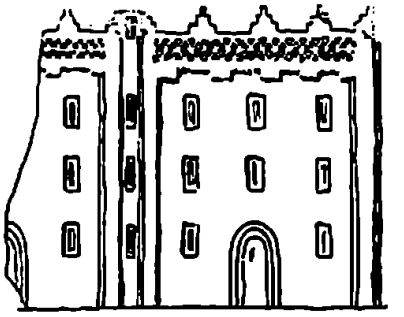
درمدت سلطنت اعلیحضرت رضاشاه فقید، برخلاف گذشته اجازه و رودبه تمام ابنیه ایران واماکن متبرکه ومشاهدمقدسه، حتی مشهدوقم، بخارجیان‌که تاآنوقت ازورودبآنها اکیداً ممنوع بودند داده شد. بعلاوه احداث راه های متعدد، امکان‌کشف ابنیه ایراداد‌که تاآنوقت ناشناخته مانده بودند. دراثراین تسهیلات، درمدت بیست سال ، توانستند چندین صد ابنیه قدیمی، یعنی‌آنقدرکه برای مطالعه مفصل وتحقیق دقیق درباره معماری ایران، کافی باشد بررسی، نقاشی، اندازه گیری‌وعکس برداری نمایند. بدیهی است‌که ماالکنون در باره معماری ایران درمرحله مطالعات تاریخی وفرضیات هستیم. بااینحال تاکنون‌مسائل

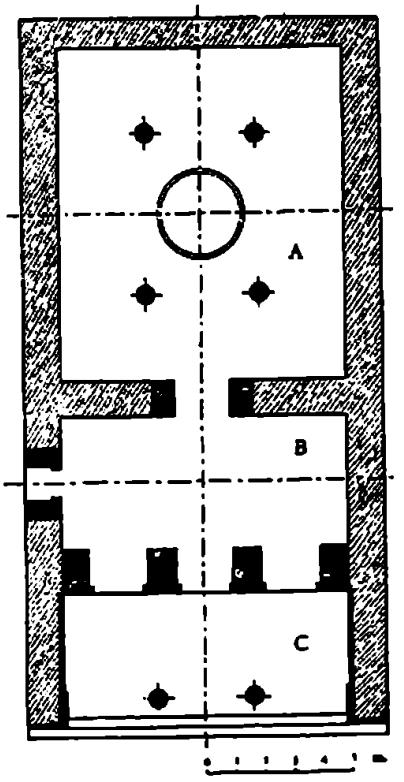
tarikhema.org

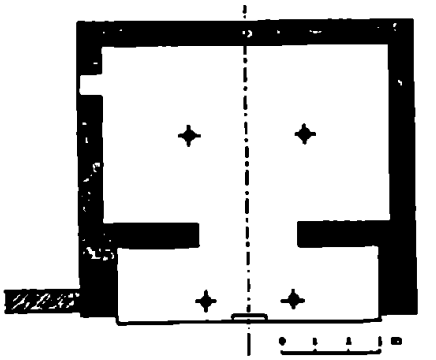
PDF.tarikhema.org

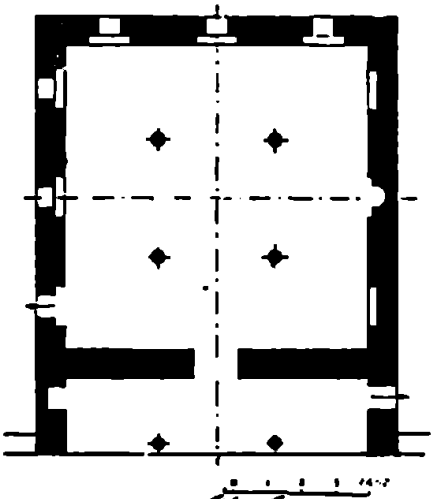
PDF.tarikhema.org











۱۳۹|۱۴۰
۱۴۱
۱۴۳|۱۴۲

۱۳۹ ـ کتیبهٔ گنج‌نامه ـ همدان
۱۴۰ ـ نقش لوحهٔ وان
۱۴۱ ـ نقشهٔ خانه‌ای در کردستان .
۱۴۲ ـ نقشهٔ خانه‌ای درحوالی تهران .
۱۴۳ ـ نقشهٔ مگارن تیرینت ،A، مگارن .B، پرودوموس .
+ C ، اتوزا .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اساسی زیادی، راحل کرده ایم ودر آینده امکان آن هست که بتوانیم در پیچ وخم تاثیر نفوذهای قابل تشخیص، درابنیه ایکه غالباً تغییراتی بآن داده شده و بطورصحیح یاغلط تعمیراتی در آن بعمل آمده، رشته ممتد تاریخ آنهارا، بدون رها کردن ، از دورترین ادوارقابل دید تا امروزدنبال کنیم.

معماری مللی که مادها وپارسی ها درطی استقرارخود درتمامی فلات و سیع ایران باآنها تماس پیداکردند، درآغاز بهیچوجه جنبه هنری نداشت. این حقیقتی است که چه بادیدن ابنیه آشوری وچه بامطالعه تواریخ آشورووتزئینات اشیاء آشکارمیشود ،مانند«لوحهٔ وان» (شکل ۱٤۰) که متعلق به موزه بریتانیا است وساختمانی را نشان میدهدکه بخوبی از روی کعبه زرتشت(عکس٥٦) درنقش رستم نزدیك تخت جمشید[۱۰٤] تقلید شده. ما ازشهر های منائی هاواستحکامات نیرومندشان، وخانه های آنهاکه هنرمندانه ساخته شده وکاخهائی باستونها بلندی که ازچوب معطرساخته شده اند تصوری داریم که باکاخ شاهانه اکباتان ، چنانکه «پولیب» توصیف کرده بخوبی مطابقت دارد. نقشه هاراهم بامشاهده ساختمانهای دوره مادهاکه هنوزدرایران باقی هستند میشناسیم : مانند مقبره هائیکه درکوه، بتقلید ازخانه های روستائی کنده شده، وروایات مربوط بآن ، تااین زمان هنوزدراین کشورفراموش نشده است. خانه ایکه بمنظورآرامگاه ابدی مردگان میساختند نظیرهمان بوده که دردوران زندگی درآن میزیسته اند: تالاری بزرگ، باستونهائیکه سقف برآن تکیه داشته و درجلو آن ایوانی بازواقع شده بود . ستونها تناسبی ثقیل دارند واین گویا بملت اینست که در کوه تراشیده شده اند ولی نمونه های چوبی آن خیلی باریك ساخته شده بودند. هرتسفلد طرح خانه هائی راازاین قبیل که درکردستان دیده (شکل۱٤۲)ترسیم ومنتشر کرده است. خود منهم ازاین قبیل درناحیه تهران دیده وازآن نقشه برداشته ام (شکل۱٤۲). همهٔ آنها دراساس واسلوب نظیرساختمانهای پازارگادونخت جمشید ند، با وجود این ، عوامل اصلی این بناهای فرسوده هرگز بمقیاسی چنان عظیم و قابل ملاحظهٔ عهد پادشاهان هخامنشی ساخته نشده اند. وقتی داریوش اول درسندمهمی که آنرا « فرمان کاخ شوش » ۱ میخوانند

* * *

۱ ــ متن سند چنین است، «این کاخ که من در شوش ساخته ام ، تزئینات آن از راه های دور آورده شده . زمین آن تاجائی کنده شده که بسنك رسیده . وقتی حفرزمین که گودی آن دربرخی جاها چهل ارش ودرجاهای دیگر بیست ارش بود بپایان رسید، پی ریزی شدو کاخ روی آن ساخته شد .

«آجرها بدست بابلی ها قالب گیری ودرآفتاب پخته شد ، تیرهای چوب سدر ازکوهی بنام لبنان آورده شد ومردم آشورآنهارا به بابل آوردند و ازبابل یونانیهاوکاریه آنهارابشوش آوردند. چوب های یاکا ازقندهاروکرمانی آورده شدند.

«زرازسارد وباختریان وارد ودراینجا ساخته شد. سنك نفیس لاجورد وعقیق ازسندیان وارد واینجا ساخته شد. فیروزه گرانبها ازخراسمی واردودرمحل ساخته شد. نقره وآبنوس از مصروارد شد. زینت دیوارها ازیونان ، عاج ازحبشه وسندوآراکوزی وارد واینجا ساخته شد ستونهای سنگی ازدهکده ای بنام «آبی رادو» درایلام وارد و اینجا ساخته شدند . سنگ تراشان یونانیها وساردی ها بودند. زرگرهائیکه طلاهارا ساخته اند مادی هاومصریان بودند، مردانیکه آجرها را ساختند بابلی ها بودند وآنهائیکه دیوارهارا آراستند مادی ها ومصریان بودند.»

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح ساختمان این «کاخ» را بیان کرده ومیگوید این کاخ بفرمان اوو بامصالح وکارگران خارجی ساخته شده میخواسته است عظمت نقش خود را درانجام این کاربزرگ بنام شاهنشاه مقتدر هخامنشی ستوده باشد. امادرحقیقت باید بین شاهنشاه وسازندگان و کارگران ، کارفرمایانی لایق واستاد وجود داشته باشندتابتوانند ازمصالح وعوامل نساخته و ناپرداخته ساختمانهائی باین عظمت چون کاخ های تخت جمشید بوجود آورند. اگرچه شاهنشاه بزرگ ازآن نام نبرده ولی محقق است که چنین کارفرمایانی وجود داشته اند. وداریوش وپیش از اوسیروس، جمعی ازمعماران ومهندسان عالیمقامی که سالهادراین قبیل کارهای مشکل آزموده شده بودند درخدمت خود داشته اند. وجودپازارگادوتخت جمشید بدون فرض وجودچنین استادانی غیرقابل تصور بنظرمیرسد . اما مانمیدانیم این استادان ماهرودانشمند چه کسانی بوده اند. ظاهراً عظمت وزیبائی وظرافتی که درتمام جزئیات ساختمانها (عکس ۳۹) دیده میشود خود دلیل روشنی بوجود همکاری یونانی یالیدی در ایجادآنهااست ...درحقیقت مشخصاتیکه بعدها درتمام آثارهنری هخامنشیان بظهوررسید چنان بخوبی باذوق هنری ملت ایران مطابقت داردکه گوئی آنها ازآغازپیدایش، هنراصیل ایرانی بوده اند، اما بایددانست که دراین زمینه هم مانند سایرموارد هیچ مولودی خود بخود وبدون عامل خارجی بوجود نمیآید. هنرهم درآغازکار، ساخته وپرداخته وکامل زاده نمیشود وکمال هنرنتیجه آزمایشها وتجربیات ممتدی است که بامرورزمان ومساعی فراوان بدست میاید. برای بیان علت توسعه وتکامل سریع معماری هخامنشی باید چنین پنداشت که مدت تجربه آموزی ، باتعلیمات و همکاریهای متخصصین کارآزموده فوق العاده کوتاه بوده است. فرمان کاخ شوش میگوید : «سنگ هابدست یونانیها وساردی هاتراشیده شده اند»، اگربخواهند از این جمله چنین نتیجه بگیرند که آخرین پادشاه لیدی کرزوس که ابتدا دشمن کورش بود وبعد دوست اوشده وممکن بوده است که درکارهای معماری مشاوراوشده باشد و معماران وقسمتی از کارگرانی که پازارگاد را ساختند دراختیاراوگذارده باشد، باید متوجه باشندکه این شهربین سالهای ۵۵۹ تا ۵۵۰ پیش ازمیلاد ساخته شده وبنابراین مقدم برشکست کرزوس بدست کورش است که درسال ۵۴۶ رویداد.

امادرباره ترسیم وطرح نقشه، چون کاخ های هخامنشی خانه پادشاه کشوری باوسعتی باورنکردنی بود ،محتمل است سازندگان خارجی نه ازروی اجباربلکه بمیل خود خواسته باشند بااجرای فرمان شاه، آنهاهم یك عمل باورنکردنی را تحقق بخشند. این سازندگان اگریونانی بوده باشند بهیچوجه ازنوع طرح هائیکه بآنها داده شده تعجب نمیکردندزیرا شکل منابرمادهاوعده بسیاری ازساختمانهای آنزمان نظیرمال «مگارن» میسنی «بخش بیرونی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وعمومی خانه های دورهٔ پیش ازهلنیسم» «خصوصیت کاخ شاهان اکئی» مانند مگارن تیرینت[1] [۱۰۶] (شکل ۱۴۳) که درآن نه تنها جلوخوانش مطابق نقشه ایرانی است بلکه ساختمان آنهم ایرانی است : دیوارهای خشت خام، ستونهای چوبی که روی مکعب های سنگی قرار گرفته وسقف چوبی که برآنها تکیه میکند ومهتابی خاکی، همه دال برآنند که احتیاجات ووسائل مشابه، باعث ایجاد راه حل‌های مشابه می گردند. هنگامیکه مادها وپارسی ها بطرف باختر رهسپار شدند ، درکوه های مرزباختری ایران متوقف ومستقر گردیدند . مادی ها که پیش ازپارسی‌ها بآنجا رسیده وازآنها متشکل‌تر بودند ابتدابرایشان تسلط یافتند. بعد ، کورش دوم ، کورش بزرگ ، که مانند پدرش کامبیز پادشاه انشان بود برعلیه سلطه پدر بزرگش آستیاژ که سعی کرده بوداورا بمحض تولد نابود کندشوریده شهراکباتان ، پایتخت، رابتصرف درآورد ودرسال ۵۴۶ پیش‌ازمیلاد پادشاه ایران شد وپس ازپیروزی برکرزوس وتسخیر لیدی صاحب اختیارتمام آسیای باختری گردید. هخامنش که ازیك طایفه از طوایف بزرگ پازارگادی ها بود مقرخود را درشهرآنها قرارداد. هنگامیکه هنوزرعیت ومطیع ماد بود درآنجاشهری بنانهادکه درحقیقت تفاوتی با اردوگاه چادر نشینان نداشت ، باین معنی که غیرازچند ساختمان شاهی که در محوطه محصوری ساخته شده واطراف آن را چادروگله‌ها احاطه کرده بودند چیزی نبود و صفهٔ سنگ فرشی بنام تخت سلیمان برآن مسلط بود که میبایستی ساختمانهای قلعه ای روی آن بناشده باشد . اما باکاوشهائیکه شده تاکنون جز باقیمانده چند ساختمان خیلی خشن وناهنجارچیزی بدست نیامده است.

ابنیه سلطنتی درطی سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ کشف شدند. یکی ازآنها[2] ساختمان مدخل قلعه است (عکس ۳۸) سابقاً این نبشته که چند بار تکرارشده درآن خوانده میشده : « من کورش شاه هخامنشی هستم». یکی دیگر «کاخ ستون دار» است که محل جلوس شاه و بارعام بود . ویکی هم که شاید محل سکونت او بوده است . باوجود این محتمل است که درسال ۵۴۰ پیش ازمیلاد، هنگامیکه کورش برآستیاژ پیروزشدوآسیای صغیرراتسخیر نمود متوجه شده باشد که قصبهٔ کوچك پازارگاد که درته دره قرار گرفته، استعداد این راکه مرکزحکومت کشوربزرگی باشدندارد وتصمیم گرفته باشدکه پایتخت خودرابجای وسیع تری انتقال دهد که بآسانی قابل دفاع باشد. وباحتمال زیاد باید اوبوده باشد، نه داریوش، که محل تخت جمشید را درپای کوه رحمت درهفتاد کیلومتری پازارگاد که یکی ازنواحی زیبای فارس است انتخاب کرده است. بدیهی است که اوابنیه ای درآنجانساخت وحتی شروع بساختمان هم نکرد، اما

* * *

۱ ــ ازقرن یازده تادوازدهم پیش ازمیلاد.

۲ ــ Palais à la stèle

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

احتمالا اقدام بساختن صفه وسیعی درپیش آمدگی کوه نمودکه قلعه بندی تخت جمشید در آنجا ساخته شد (عکس ٤١). شکی نیست کـه سیروس در حین بریدن صخره ها وپرکردن سیل گیرهای محوطه شهرجدید همچنان درمقرقدیمی خود پازارگاد اقامت داشته است. هیچ سند ومدرکی مبنی برتائید یاتکذیب این معنی دردست نیست امـا کارساختمان صفه محوطه تخت جمشید بقدری بزرگ ومهم بوده است که باوجود ناتمام ماندنش نمیتوان آنرا جزو کارهای ٣٦ساله «آپادانا» یا «تاچارا»ی داریوش محسوب داشت. چه‌هیچ سازنده ای ، ولو باداشتن وسائل فنی مدرن ، قادرنیست درمدتی چنین کوتاه‌کاری باین بزرگی را بانجـام برساند. بنابراین تصوراینکه داریوش درسال ٥١٨ پیش ازمیلاد، هم‌محل تخت‌جمشید را، چنانکه‌معمولا چنین گمان‌میکنند، انتخاب‌وآماده کرده‌باشد، ،وهم‌کارساختمان‌صفه تخت‌جمشید وتاچارا وقسمت عمده‌کاخ‌عظیم آپادانارا که تمام‌مدت سلطنتش طول کشید بپایان‌رسانده‌باشد، غیرممکن بنظرمیرسد.

هنگامیکه سیروس، درطی لشگرکشی برعلیه‌«ماساژت» هادردشت‌های واقع ر خاور دریای‌خزردرسال ٥٢٩ پیش ازمیلاد درگذشت، جنازه اش‌را بپازارگادآورده ودرمقبره ایکه برای خود ساخته‌بود قراردادند . این مقبره ساختمان‌کوچکی ازسنگ است که‌قاعدهٔ آن تقریبا چهارگوش است و سقف‌آن‌که دارای دوشیب است روی صفه هرمی شکل ساخته شده وبلندی سنگ‌چین های‌آن‌که‌به نسبت بلندی‌قامت انسان‌است، میتواند تصوری ازابعاد حقیقی‌آن بدهد(عکس٣٧).

کامبیزدوم‌فرزندوجانشین کورش بعدازتسخیرمصروپس ازهشت سال‌پادشـاهی‌درسوریه درگذشت . اماجسدش بدست نیامد. بنابراین مقبره‌ایکه درپازارگاد باونسبت میدهندقبراو نیست واحتمال داردکه اگرهم درپایتخت مرده بود یاجسدش را بعد از مرگ بانجا منتقل میکردندبازهم‌درآنجادفن نمیشد. بدلیل‌فرضی‌که‌لحظه پیش‌راجع بانتخاب محل‌تخت‌جمشید برای پایتخت وشروع ساختمان صفه‌آن توسط کورش کردیـم واین موضوع فرض مـا را تقویت میکند. هرتسفلدکه خاك برداری ابنیه تخت جمشید رادرسال ١٩٣١ انجام داد در نواحی مجاور، بین‌تخت جمشید وصخره‌هائیکه درآن مقبره داریوش ونخستین جانشینانش کنده شده ،سنگ‌چین‌های تحتانی ساختمانی نظیرمقبره کورش رادر پازارگادیافته وچنین میپنداردکه‌آنجامحققاً اختصاص به مقبره‌کامبیزداشته است. اماهیچکس نخواست نظر او را باورکند ودلیل اینراکه چرامقبره این پادشاه راآنقدر دور ازپایتختش پازارگاد انتخاب کرده‌اند بدست‌نمیاورد. ولی‌باتوجه باینکه کورش یاکامبیزتصمیم به ترك پازارگادوساختن تخت‌جمشید برای پایتخت گرفته وکارهای ساختمانی‌آنراهم شروع کرده باشند، اینکاریعنی ساختن مقبره‌کامبیزدرآنمحل بسیارمنطقی بنظرمیرسد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شاید دنباله حوادث مارا بحقیقت آشنامیکرد. اما چنین اتفاق افتادکه بعد از مرگ کامبیز سلطنت به داریوش که ازشاخه دیگرخانواده هخامنشی[1] بود رسید وشاید بهمین دلیل هم بود که بازارگاد متروك شدو تخت جمشید که دردست ساختمان بود پایتخت گردید. وشاید ماهم مانند دیگران بتوانیم براین معنی معتقدشویم که اگرعلیرغم فرض ماطول مدت ساختمان تخت جمشید مانع نبود ،داریوش بلافاصله پس ازجلوس بتخت سلطنت اقدام باینکارمیکرد. علت اینهم که مقبره کامبیز درتخت جمشید ساخته شده، نه در بازارگاد ، همانا پیش بینی تغییر پایتخت بآنجا بوده است .

ساختمان ابنیه تخت جمشید درمدت سلطنت داریوش اول ، خشایارشاه واردشیر اول بسرعت پیش میرفت وازآن جزمختصر ملحقات وریزه کاریهای جزئی باقی نمانده بود.

قلعه بندی تخت جمشید که ازیکطرف متکی بکوه رحمت وازطرف دیگر روبدشت وسیع مرودشت واقع شده، مانند مجموعهٔ ساختمانهائی بنظرمیرسد که روی پایه‌هائی ساخته شده که قسمتی ازآن صخره‌های عظیم ویك پارچه است وقسمتی درکوه تراشیده شده (عکس ٤١) وروی صفهٔ عظیمی که در بعضی نقاط ارتفاع آن به بیست مترمیرسد قراردارد ومساحت صفهٔ بالائی کمتراز سیزده هکتارنیست . و درآنجا است که کاخ های پذیرائی ومحل سکونت پادشاهان ، محل خزائن و گنجینه‌ها واردوگاه لشگریان، پهلوی یکدیگرواقع شده .وهرچه کارهای خاك برداری تخت جمشید پیشرفت میکند اهمیت فوق العادهٔ کوی لشگریان بیشتر نمودارمیشود (شکل ١٤٤). درپائین صفه ودرسطح جلگه ، درپناه دورشته بارورویك خندق، «شهرشاهی» که مورخان نام میبرند قرارداشته است .

پرس پولیس رادرآغازاین قرن وتامدتی بعد از آن چنانکه تشریح شد کسی نمیشناخت، تمام صفه بلندرا که ایرانیها تخت جمشید میخوانند، مختص کاخها وباغهای سلطنتی هخامنشیان میدانستند . تاتقریبا سال ١٩٣٠ ، یعنی آغازعملیات خاك برداری وکاوش های تخت جمشید دربالای دیوارپشت بند صفه وپلکان بزرگ،(شکل A١٤٤ وعکس ٥٣) غیرازدالان ورودی ، (شکل A١٤٤) چندستون باقیماندهٔ تالارشاهنشاهی آپادانا ،(شکل C ١٤٤ وعکس ٦٠)، ویرانه‌های کاخ کوچك مقرداریوش ، تاچارا ،(شکل O١٤٤ وعکس ٤٢) ، ویرانه یك کاخ خشایارشا، هادیش ، (شکل M١٤٤) ونزدیك این دسته ساختمان، بعضی قسمت های ساختمانی که ظاهراً جزکاخ بانوان درباری نمیتواند بوده باشد چیزدیگری دیده نمیشد . کمی دورتر باقیمانده «تالارصدستون» (شکل G١٤٤) یعنی دومین تالاربار، وروبرو ودر محورآن ، «درب ناتمام» (شکل F١٤٤) بنظرمیرسد . تا آنوقت گمان میکردند قلعه وهمچنین خزائن

* * *

١ ــ به جداول تاریخی آخر کتاب مراجعه شود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شاهی درپای کوه رحمت واقع‌شده وشهر،دریك فرسنگی‌اینجا یعنی جائیکه بعد ها استخر ساخته شدواقع بوده است . بطورخلاصه ازپرس‌پولیس ، غیرازویرانه های ابینه ایکه گمان میرفت کـاخهای سکونت پادشاهان هخامنشی و حرم‌آنها و دوتالار بزرگ پذیرائی و متعلقات‌آنها باشد نمیشناختند .

امادرحقیقت ساختمانی‌که حرم نامیده میشدبنای عجیبی بودکه برای سکونت‌بانوان دربار مناسب نبود وهیچ فضای‌آزادی نداشت وعبارت بود ازدوردیف تالارهای وسیع بدون دروپنجره بخارج کـه فقـطدری ازآن روبه دالانی طویل مرکزی بازمیشد حتی فانوس هاوایجادمنافذی که‌دربالای یکی‌ازدیوارهابازمیشد، بازتاریکی کامل درآن حکمفرما بود. بنابراین‌نمیتوان تصورکردکه‌مادرخشایارشا،شاهزاده‌خانم‌مقتدر، شهبانو داتوسا،وهمسر داریوش ودختراکورش بزرگ درچنین زندانی‌زندگی‌کرده باشند.

باوجوداین، بین‌سالهای۱۹۳٤تا۱۹۳۹ گروهی‌ازانستیتوی‌شرقی‌شیکاگو که‌درتخت‌جمشید کارمیکرد، بین این‌باصطلاح حرم وکوه، یك دسته‌تالارهائی‌که جای‌آنها روی زمین‌ازروی قـاعدهٔ ستونهای سنگی شناخته میشدکشف‌کردکه متعلق بـه خزانه شاهنشاهی بوده است . بعـد از عزیمت هیئت امریکائی ازسال ۱۹۳۹ ، گـروه های باستان شناسی ایران ، عملیات اکتشافی رادنبال‌کرده ودرعقب ساختمانهای جبهه جنوبی صفه وهمچنین درعقب‌آن که‌همان حرم باشدیك رشته‌دالانهای سقف دار(شکل T،۱٤٤) کشف کردندکه با راهرومجزائی احاطه شده که‌برای مراقبت‌بود ومدخل‌آن درب کوچکی‌بودکه‌آنهم زیرمراقبت نگهبانی‌بوده است. بنابراین محقق است‌که این پنهـان ترین و محفوظ ترین ساختمان، جـای‌خزائن سلطنتی بوده است. این دالانهای طویل مسقف عهد هخامنشیان، محققاً ازنظر باستانشناسی ومعماری بسیارجالب است. اما چیزی‌که اینجامهم تربنظرمیرسد منضم بودن حرم‌هخامنشی به ساختمان خزانه است (شکل j۱٤٤) واین غیرممکن‌بنظرمیرسد. چه این تالارهای‌تاریك وبی مفر،فقط‌برای مخازن‌وانبارهای‌خزانه‌شایستگی داشته‌اند(شکل K۱٤٤) ودرصفه تخت جمشید حرمی وجود نداشته است.

احتمال میرودکه تنهایك‌کاخ برای سکونت درآنجابود وآن « تاچارا » ی داریوش (شکل O۱٤٤) بوده است‌که‌چندین‌کتیبه‌آنرا مشخص‌کرده‌اند . این‌ساختمان کوچك‌محققاً برای پناه دادن موقت داریوش ویادیگری ازشاهنشاهان هخامنشی درموقع تهاجم یاشورش بوده است.کاخهای وسیع وباشکوه سلطنتی وباغهای‌آن باید در سطح جلگه ودرپای صفه در قسمت‌جنوب وجنوب غربی شهرواقع شده باشند.

امادرباره هادیش‌خشایارشاه؛(شکل M۱٤٤) پیش ازنمایان‌شدن این‌کاخ‌وساختمانهای اطرافش،وجود چنین ساختمان بزرگ وباشکوهی را درمجـاورت‌کاخ بارشاهنشاهی حدس

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میزدند وچنین بنظرمیرسدکه درآنجا بوده است کـه شاهنشاه بامورکشوررسیدگی میکرده یا برحسب موقع،مهمانان عالیقدرخود رامیپذیرفته است. زیرا پلکانهای آن که نظیرپلکان‌های کاخ آپادانا است ، پاسگاه هـای مهم گارد شاهنشاهی، تالاربسیار بزرگ و باشکوه آن ، حجاری هائیکه ورود شاهنشاه را بآنجا باشکوه وجلال نشان میدهد، و ضمن بآن میدهدکه بهیچوجه مناسبتی بمحل سکونت ندارد.

پس ازعزیمت‌میسیون شیکاگو، سرویس باستانشناسی ایران کشف کردکه فضای واقع درجلو ساختمان های پذیرائی بدو قسمت تقسیم شده که یکی مربوط به‌آپادانا ودیگری به تالار صد ستون است . همچنین کشف کردندکه خیابان وسیعی (شکلD١٤٤) پلکان بزرگ را بحیاط این تالارصد ستون مربوط میکند . مدخل تالارمزبوردالانی بودکـه در صورت اتمام ساختمان نظیراولی میشد (شکلF١٤٤) .

بعد ازاین، توضیح خواهم‌دادکه چرا تالارصد ستون را تالاراجتماع، یا تالارسلام سپاهیان هنگ معروف «جاویدان» میدانیم.

اکنون میدانیم ابنیه ایکه روی صفه‌تخت‌جمشید ساخته شده اند مرکب ازسـه دسته مشخص بوده اند: بخش‌سپاهیان، خزائن ، و قسمت سوم‌محلی برای پذیرائیهای‌شاهنشاهان هخامنشی بود (عکس٤٢).

درپائین صفه ودرسطح دشت درشهرشاهی، درسال١٩٥٢کاخ منزلگاه خشایارشاه را یافته اند. کاخ مزبوردرباغ بزرگی‌واقع شده‌که ازجانب جنوب وباخترمحدودبه باروی‌شهر بوده استخروسیعی درآن بودکه جدارهای سنگی آن همانند پایه های باروساخته شده اند. قاعده ستونهاکه هنوزدرتالاراصلی‌ساختمان‌بجامانده‌کتیبه هائی داردکه مینمایاندکه‌خشایار شاه است‌که «تاچارا» را ساخته است.آنجا مشاهده میشودکه خشایارخود را «شاه»معرفی میکند نه «شاهنشاه» و ازاین معنی چنین برمیایدکه او در موقع‌ساختمان‌کاخ خود ،فقط شاهزاده خشایـارودرردیف سایرپسران داریوش بودکه مأمورمراقبت از کارهای ساختمانی تخت جمشید بوده اند.مابین این ساختمان وکوه،بقایای ساختمان باشکوهی موجود است که هنوزبدرستی مشخصات‌آن معلوم نشده ولی متصل‌به‌کاخ خشایاراما‌مجلل ترازآن است وشایدکاخ منزلگاه‌داریوش بوده باشد.

گمانه زنیهائی‌که بعلت‌کم پولی بقدرکفایت صورت نگرفته ، مجال این‌گمـان را میدهدکه شهرشاهی درطول پای‌کوه ودرجهت نقش رستم یعنی مقابراولین پـادشاهان اولاد داریوش ، امتداد یافته است (عکس های ٦٧و٥٦) قسمت متعلق به شهرنشینان دراستخر نبود بلکه باحتمال قوی درهمان جلگه تخت جمشید بود ولی در ماورای بارووخندقی‌کـه شهرشاهی را حراست میکرده . حتی هنوزهم در مسافتی دورازصفه ، ساختمـانهـای سنگی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قابل ملاحظه‌ای دیده میشودو محققاً اگر کمی بخودزحمت بدهند، باقیمانده بسیاری دیگر ازابنیه هخامنشی راخواهند یافت که سابقاً کشاورزان آن ناحیه آثارظاهر آنها را تراشیده و باخاك یکسان کرده اند واکنون درزیرزمین وازنظر ناپدید هستند .

پازارگاد وتخت جمشید بهیچوجه بهم شباهت ندارند . باین دلیل که درفاصله زمان کوتاه بین‌ایجاد این دوشهر، وضع زندگی پادشاهان ایران بکلی تغییر کرده بود. بطوریکه هرتسفلد بدرستی یادآور میشود ،هنگامیکه کورش پازارگاد را میساخت‌هنوزفرمانفرمای یکی‌ازاستان‌های‌امپراطوری ماد بود. درصورتیکه‌وقتی داریوش بنای‌تخت‌جمشیدرا آغاز کرد شاهنشاه مطلق وسیع ترین امپراطوری بودکه هرگز نظیرش درآسیا بوجود نیامده بود . ازاین زمان منش آمرانه وتمدن هخامنشی‌تثبیت‌شده واسلوب حکومت ، چنانکه داریوش [۱۰۷] میگوید «استبداد باشکوه متکی برپرستش بی‌چون و چرای شخص شاهنشاه مانند «خدای روی زمین» گردید . درچنین وضعی هنرهم مانند تمدن هخامنشی بکلی اختصاص به تجلیل وبزرگداشت شاهنشاه یافت . تنها ساختمانهای شناخته‌شده‌دوره هخامنشی عبارتند ازکاخها ومقابرشاهنشاهان وابنیه مذهبی هیچ یا بسیارکمند . واین نه بآن جهت بودکه درآن زمان ایران مذهب نداشته ـ کتیبه‌های آن دوره خلاف این‌را نشان میدهند ـ بلکه مذهب قدیم آریائی‌ها احتیاج زیادی به‌معبد نداشته است . هرودت‌میگوید : «ایرانیها وقتی میخواهند برای خدایان خود قربانی کنند ، برفرازبلندترین کوهها بالامیروند» .

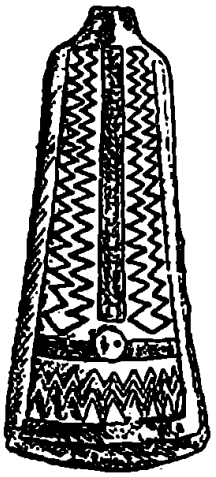
عالی‌ترین ساختمان هخامنشی ،کاخ شاهنشاهی ، مخصوصا تالاروسیع آپادانا است که درانتهای آن شاهنشاه باخاصان وبزرگان کشورونگهبانان چون موجود فوق‌الطبیعه‌ای بنظررعایای خود ظاهرمیشد (عکس ٤٤ و٤٥) . این نوع تالارستون‌داردر ایران وجاهای دیگرمانند مصرمتداول بوده است . اما هنگامیکه هنوز درایران درردیف ساختمانهای کم اهمیت بوده ودرمصر کتیبه‌های سنگی که طبعاً کوتاه بودند (عکس ٦٥) این نوع ابنیه‌را در وضعی ابتدائی نگاه میداشتند . ستونهای بلند سدرکه شاهنشاه باهزینه سنگینی ازلبنان وارد میکرد سبب شدکه بطورقابل ملاحظه‌ای از عده پایه‌ها (عکس٦١) کاسته وفضا آزاد و درنتیجه شکوه و عظمت تالارافزایش یابد . تصورکنیدکه سقف تالارآپادانا که یك چهارم هکتار مساحت دارد ، فقط روی ۳٦ ستون قرار گرفته (شکل ١٤٤ C وعکس٦٠)وفاصله ستونها ازیکدیگرنه‌متراست وسطح اشغال شده بوسیله آنها یك‌ششم سطح آزاداست،درصورتی که درپازارگادکمی بیش ازیك‌چهارم ،ودره کرنك»مصربزحمت بنصف میرسد. باید توجه داشت که این تفاوت نتیجه‌تقلیدیا اختراع نوع جدیدی از طرح و سیستم تازه‌ساختمانی نیست . ساختمانهای تخت جمشیدوپازارگاد ازنظرایرانی بودن باهم تفاوتی ندارند. سیستم ساختمان هم درهردویکی استومعماری زمان داریوش هم مانند زمان کورش رنگ‌خارجی

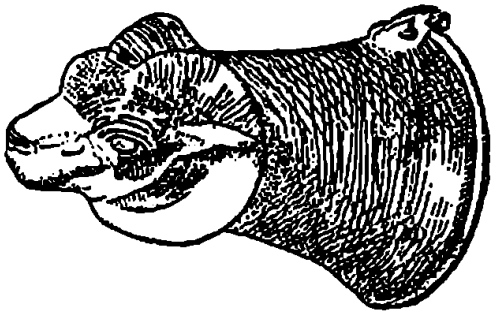
tarikhema.org

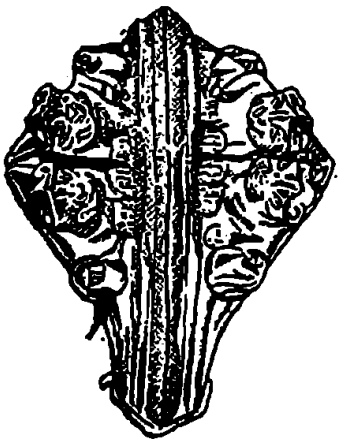
PDF.tarikhema.org

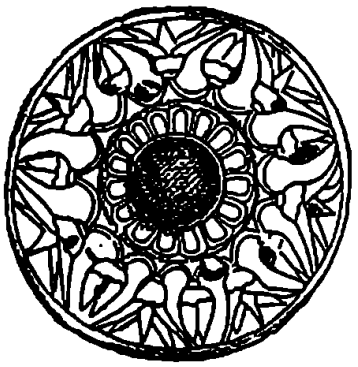
PDF.tarikhema.org

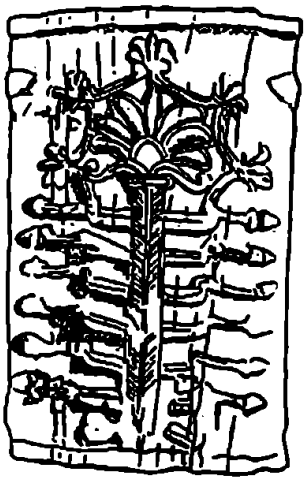






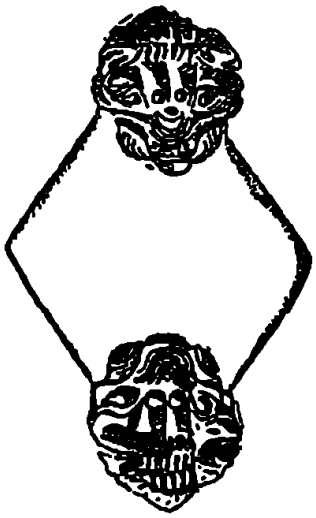






tarikhema.org

١٢٧	١٢٩	١٣٢
الف ١٢٨	١٣٠	١٣٣
ب ١٢٨	١٣١	١٣٤

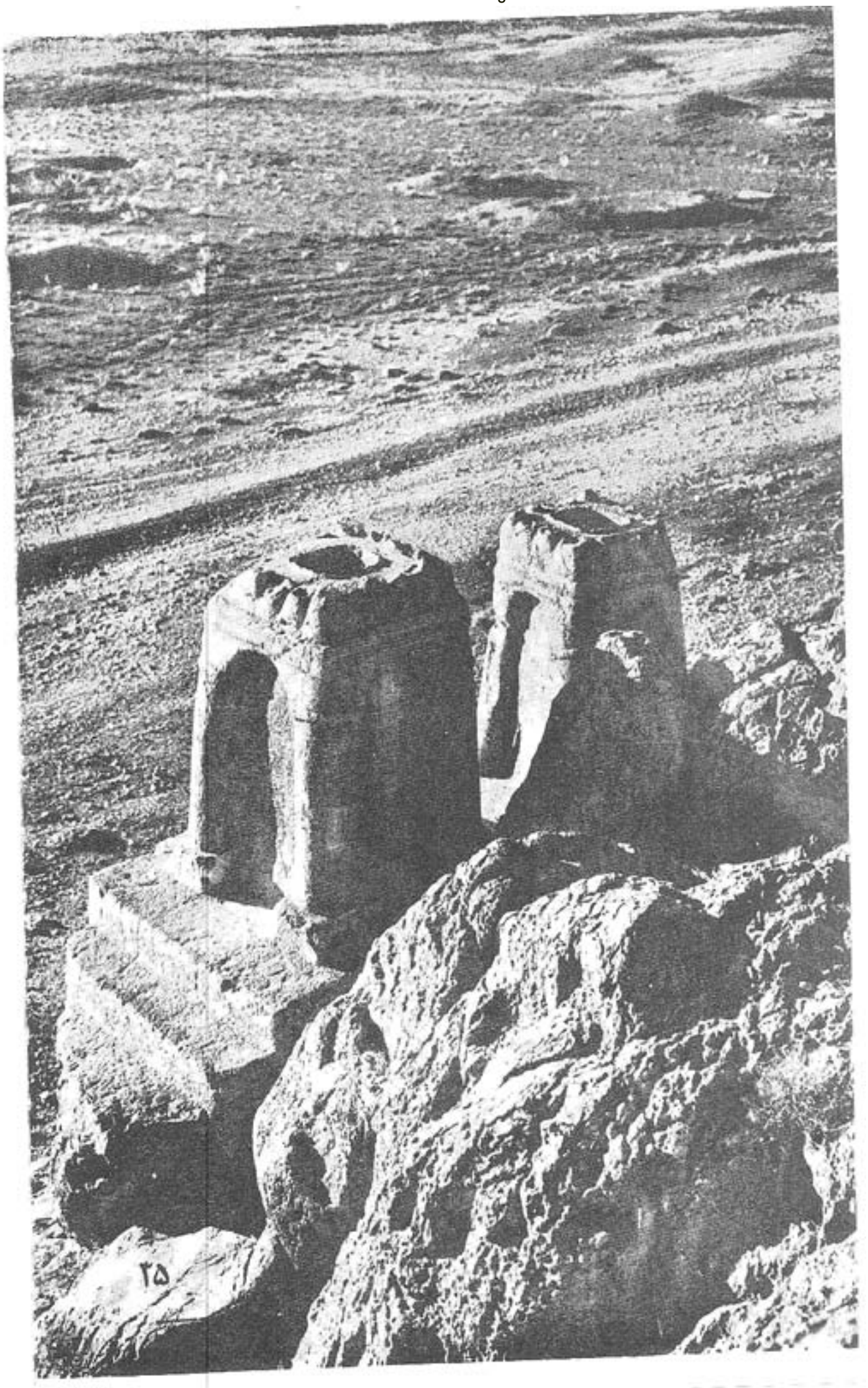






PDF.tarikhema.org

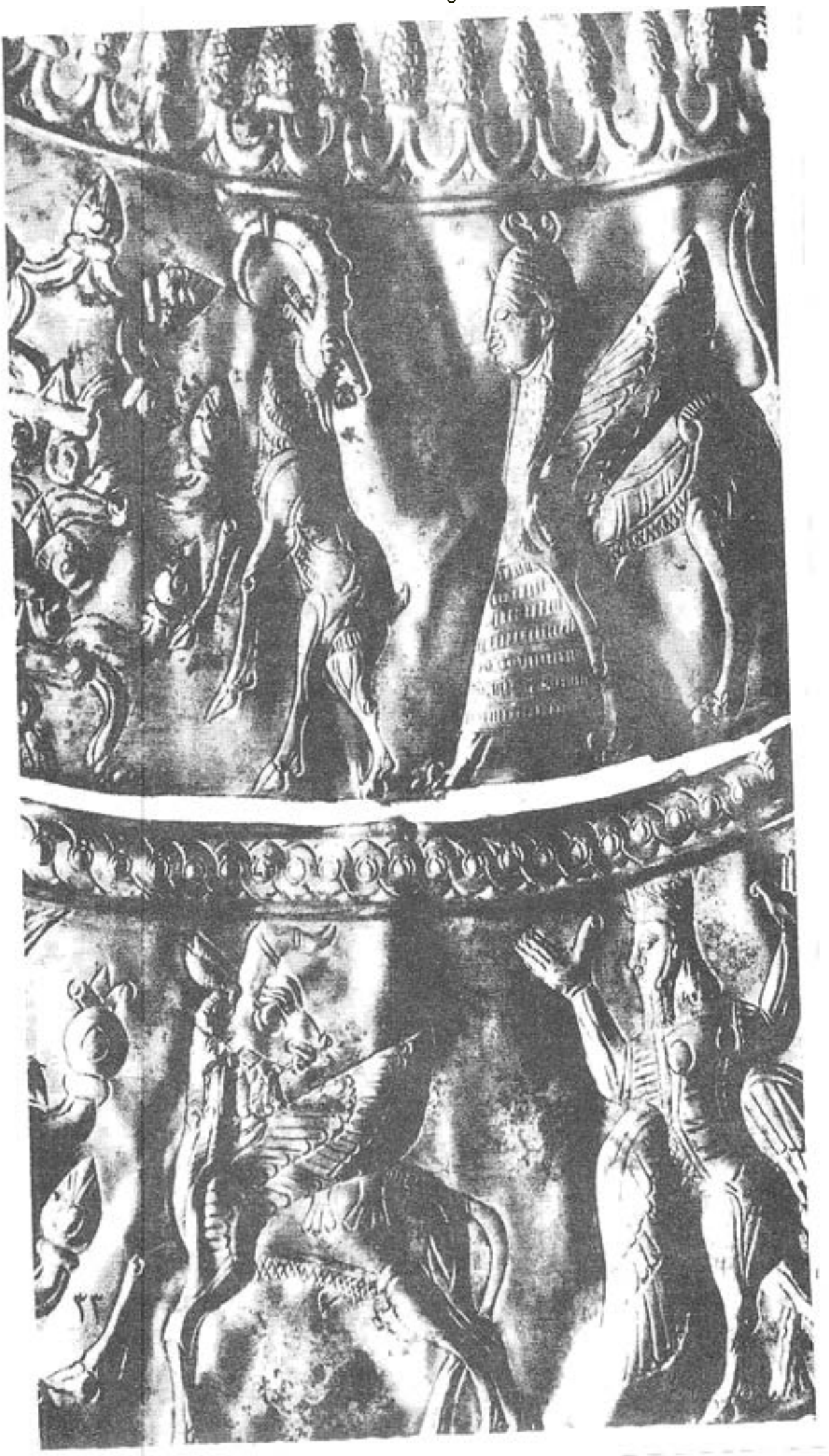
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

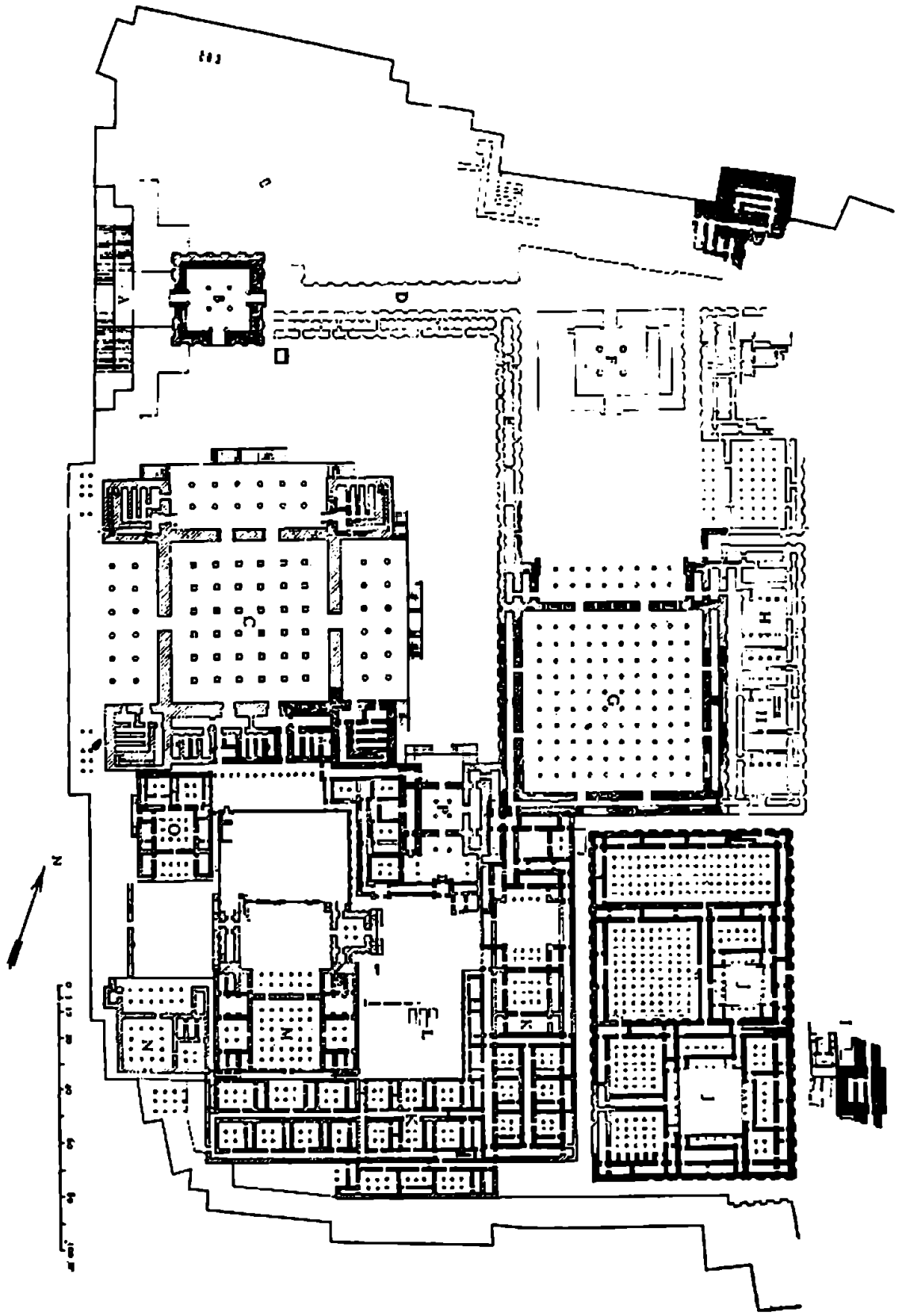
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



شكل ١٤٤

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ندارد وهردوکاملا ایرانی ویکی دنبالهٔ دیگری است . تفاوت اینجا است که کاخهای تخت جمشید عظمت وشکوه استثنائی ساختمان خودرا مدیون مصالح وتجربیات طولانی واستادی ومهارت سازندگانی است که کشورگشائیهای شاهنشاه دردسترس اوگذاشته است . بدیهی است دراینکاراراده نیرومند ودلبستگی شاهنشاه وبنابردارمستتر،هوس وتفنن کسی که عاشق شکوه وعظمت است، نیزعامل مهم وموثری بوده است [۱۰۸].

پیش‌ازاین گفته شدکه‌درتخت جمشیددوتالارستون‌داربوده : یکی آپادانا که‌ساختمانش درزمان شاهنشاهی داریوش اول آغازودرسلطنت‌پسرش خشایارشاه بپایان رسید و دیگری که عموماً آن‌را «تالارصدستون» مینامند درزمان خشایارشا شروع وبدست اردشیراول تمام شد اما درباره اینکه دوتالارنامبرده برای چه‌کاری ساخته شده‌اند زیاد بحث نشده . باوجود این،این‌پرسش‌پیش‌میآیدکه: چرادرتالارقدیمی‌تر،قسمت معماری استوارتروتکنیك،متنوع‌تر ازتالاردیگراست ؟ درصورتیکه ساختمان وتزئینات درهردو ماهرانه وبادقت انجام گرفته، وتنها مصالحی‌که درآنها بکاررفته متفاوت هستند . روشن بنظرمیرسد که « تالار صدستون» را بمنظوررقابت باآپادانا وبرای اینکه جانشین آن گردد نساخته‌اند ومحققا پس ازآنکه تالاردوم مورد استفاده قرارگرفت ،آپادانا همچنان محل پذیرائیهای رسمی شاهنشاه بوده است ، اما اثبات این موضوع این سئوال‌را جواب نمیدهد که تالارخشایارشاکه ازآپادانا بزرگترهم بوده برای چه‌کاری مورد استفاده‌قرارگرفته‌است. نویسندگانی‌که دراین مورد اظهارنظرکرده‌اند فقط میگویند این دوساختمان‌تالاربار بوده‌اند . اماجرا دونوع‌بار،وباچه تفاوتی ؟ این چیزی است‌که ما حالا میتوانیم جواب‌بدهیم.

کارهای خاك برداری تخت جمشیدکه ازسال۱۹۳۹ توسط هیئت های باستان شناسی ایران انجام گرفته نشان داده اندکه میدان وسیعی‌که درجلودوتالاربزرگ واقع شده‌است، بوسیله یك ردیف اطاقهای‌کوچك بدوقسمت تقسیم شده است (شکل ۱۴۴E) بطریقی‌که در جلوی‌هریك‌ازاین‌دوساختمان حیاطی‌اختصاصی‌ایجادشده .بعلاوه‌خیابان وسیعی(شکل۱۴۴D) ارتباط‌بین رواق واقع دربالای پلکان بزرگ (شکل۱۴۴B) وحیاط «تالارصد ستون» رابر قرارمیکند. ازرواق ورودی ومدخل پهن جنبی ساختمان وارد حیاط آپادانا، یعنی حیاط کاخ پذیرائی رسمی شاه میشوند. در صورتیکه درگاه مقابل مدخل ، روبخیابانی است‌که بحیاط دیگرمیرودوتمام‌ساختمان‌کوی سپاهیان. مستقیماً یابوسیله کوچه هاودالانها بآن‌مربوط میشود (شکل۱۴۴G و H) .

شکل ۱۴۴ . نقشه تخت جمشید : (سیاه : بخش موجود، مخطط، بازسازی، سفید: کاوشهای گروه‌ایرانی) A: پلکان بزرگ ـ B، دروازهٔ همه‌کشورها (خشایارشا) ـ C آپادانا ـ D: ـ خیابانی‌که به‌کوی سپاهیان میرسد. ـ E، دیوارمیان دوحیاط ـ F، هشتی ناتمام ـ G، تالارصدستون ـ H، سرطویله‌موعرابه‌خانه سلطنتی ـ I، استحکامات خاوری ـ I'، استحکامات شمالی ـ J: خزانه سلطنتی ـ K: انبارهای خزانه ـ L: دالانهای زیر زمینی خزانه ـ M: هدیش خشایارشا ـ N: کاخ اردشیر سوم ـ O، تاچارای داریوش ـ P. تریپیلون، ورودی کاخ مرکزی .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دراینکه تالارصد ستون، به سپاهیان وتالارسلام وبارتعلق داشته جای تردید نیست و معبر کمربندی پیرامون آن ، ودیواری که آنرا ازخزانه وکاخهای شاهی مجزا میکند ،مؤید این معنی است (شکل G۱٤٤) . و بهمین دلیل هم هست که تخت شاهنشاه که عمه جاتوسط نمایندگان ملل تابعه شاهنشاهی حمل میشود(عکس ٤٣ و ٥٢) ، استثنائاً درنقش روی جرز های طرفین درهای بزرگ تالارموردبحث، بوسیله پنج ردیف سپاهی که کنایه ازارتش است حمل شده است. وظاهراً این نقش ، حمل تخت توسط سپاهیان مبین همین معنی است.

حجاری دورهٔ هخامنشی

معلوم شد که آپادانا تالارپذیرائی رسمی شاهنشاه ، وتالارصد ستون ، تالارسلام و اجتماع سپاهیان است شاهنشاه مستقیما از بخش کاخهای پذیرائی بوسیله دری که در پشت ساختمان بازمیشود واردآنجامیشده .

پیکر تراشی دوره هخامنشی وارث رموزتزئینی آسوریها شد و اصول آنرا پذیرفت ، هخامنشی هاهم مانند آشوریها ، درپای دیوارکاخ های خود وطرفین درگاه ها گیلوئی‌های حجاری شده بکارمیبردند . اما حالت اشخاص حجاری شده آشوریها بنظرآنها فاقد وقار و شایستگی ووضع تصنعی آن دورازذوق میآمد. وافراط درریزه کاری در جزئیات آنهم درسطح پائین یعنی مقابل چشم بنظرآنها بیجا و بمرور زمان زننده میآمد . بنا براین پیکر تراش ایرانی درکارهای تزئینی درقسمت پائین کاروتا ارتفاع قامت انسان ازتکنیك سادگی پیروی کرد وریزه کاریها و لطائف هنری را برای قسمت های بالای ساختمان میگذاشت . وبهمین جهت است که گیلوئیهای پائین نقشی سبك وبرجستگی ملایمی دارند) و فاقد ابهت و گیرندگی هستند وبااینکه یك کارتزئینی هستند ، تزئینی درآنها دیده نمیشود در صورتیکه شیرها وگاو هائیکه سقف برآنهاتکیه دارد شدیداً رنگ حجاری آشوری دارند (شکل۱۵۱وعکس۳٦و٦۱و۷۰). بعضی ازمکررات این حجاریها خورده میگیرند مانندصف سپاهیان درپایه های آپادانا که همه‌نظیرهم هستند (عکس ٥٤ و٥٥) .آیامگرشباهت سربازی بسربازدیگر ، ویاانجام یك حرکت واحد توسط چند سرباز کاری غیرعادی است؟ باوجوداین رده دیگری رابنظرمیآوریم ،مثلاردهٔ حاملین خراج که بدنبال یکدیگرپیش میروند(عکس٤۸و ٥۰) وملاحظه میشود که باچه دقت و خورده بینی و چه تنوعی مشخصات ولباس وکلاه ونوع پیش کشی هریك تعیین شده بدون آنکه این حجاری خیلی مسطح، بیش ازآنچه محلش اجازه دهد خود نمائی کند. اماتنوع آن، این خودیکی ازلطایف وجذابیت‌های پیکر تراشی هخامنشی است که خوش داشت درتزئینات خود ازاشکال خارجی که برای او یادگارهائی ازکشورگشائی

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

های ایران بود، یا بعبارت بهتر، از همکاری تمام کشوردر نمایش بزرگی هخامنشی استفاده کند . داریوش میگوید : « نقش آنهائیرا که تخت مرا نگاهداری میکنند بنگر، تو آنها را خواهی شناخت و تو این را خواهی دانست که مرد ایرانی خیلی دور ازایران جنگ کرده است.» اما چیزهائیکه بنظر قطعات سخره وبی تناسب وناهم آهنگ میآیدناشی ازذوق سازنده است که آنها را باهم سازش داده جنبه تفننی بآن بخشیده است که انحراف ناپذیرترین ولطیف ترین هنرها هم ازآن بر کنار نیست (عکس ٥٥و٥٦)

جای دیگر درمعماری کاخ های تخت جمشید یك عامل تنوع دیگری بچشم میخورد که تاکنون توجهی بآن نشده وآن رنگ است، ستونهای سنگی ، مجردی های طرفین درگاه ها، آنطور که امروز دیده میشود خاکستری و همرنگ سخره های کوهی که آنها را ازآنجا آورده اند نبود . بلکه سیاه صیقلی وبراق بوده اند. چنانکه اکنون هم بعضی ازقسمت های کاخ «تاچارا» ی داریوش هستند . تیرهای چوبی وسقف هاهم تزئین رنگی داشته اند. درها دارای، روکش طلایامفرغ بوده اندکه بعضی ازقطعات آن درویترین های موزه تهران، در معرض نمایش گذارده شده اند. مابین ستونهای کنار کاخ ها پرده هائی آویخته شده بود که بنا بگفته «آتنه» «تصویرحیوانات گوناگون ، بسیارزیبا برآنها نقش شده بود.» بعلاوه بعضی ازاشخاص حجاری شده مانند حجاری های «تریپیلون» رنگ های تند داشته اندکه بعضی از آنهاتا سالهای اخیر باقی مانده بودند. درجای دیگر، درتاچارا، تصاویرشاه بادستبندو گردن بند طلانقش شده بودند چنانکه اکنون سوراخهای محل نصب آنها درسنگ ها دیده میشود. کلاه های آنهاهم پوشیده از طلاو مکلل به سنگ های رنگی بوده اند. ریش ها، بعضی از مفرغ وبرخی ازسنگ لاجوردبوده اند اگربعضی بر این عقیده باشندکه باوجود لطافت و دقتی که درپیکر تراشی هخامنشی دید میشود با این تزئینات و رنگ های تندکمی و حشی بنظرمیرسد ، ما این نظررا انکار نمیکنیم وقبول داریم که هنرهخامنشی درعین لطافت و حشی بود اما این امری است خیلی طبیعی و جز این هم نبایستی انتظار داشت پارتنون آتن هم که نمای آن ازمرمرسفید بود همچنین کوره [1] های موزهٔ اکروپول و بنایای هکاتمپدون [2] که تقریباً همزمان کاخ کوچك داریوش بوده . رنگ شده بودند .

تخت جمشید که درقلمرو خاص هخامنشی ساخته وباین وضع تزئین شده درواقع قبرستان یادگارهای فرزندان داریوش وپایتخت امپراطوری ایران دردوران سلطنت شاهنشاهان هخامنشی است. تخت جمشیددر آغازچون دردست ساختمان بود محل سکونت قرار نگرفت وظاهراً بعدازآنهم بطور منظم و

* * *

۱- Koré

۲- Hécatompedon

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ثابت اشغال نشد. چنانکه کتزیاس، پزشک یونانی که مدت بیست سال در دربار اردشیر دوم زیسته است ومورخ زمان سلطنت او بوده آنجا را ندیده ونامی هم از آن نبرده است، بعلاوه در تخت جمشید اثری از سکونت دائم و ممتد بدست نیامده و هیچ اثری از دست خوردگی یا سائیدگی روی پله ها ودرگاه ها یا کف زمین دیده نمیشود. ظروف سلطنتی که قسمتی از آن درمصر ساخته شده وتعمداً بدست سربازان اسکندر خورد شده بنظر میاید که هیچگاه مورد استعمال قرار نگرفته اند (عکس ۷۷). درحیاط ودالانهای کوی سپاهیان سرستونها، قاعده ستونها درمحل ساختمان روی زمین متروك افتاده اند. چنین بنظرمیاید که پایتخت داریوش وجانشین او پازارگاد درمدت کوتاهی بصورت ساختمانهائی که نشانه عظمت هخامنشی ونمودار قدرت، ومقدس ترین مقدسات امپراطوری است در آمده باشد که هرشاهنشاهی سالی یك بارهنگام نوروز برای زیارت قبر نیاگان خود ودریافت ستایش وپیشکشی ها وهدایای مللی که بگفته داریوش تخت اورا بدوش میکشند بآنجا میرفته است.

هنگامیکه درسال ۳۳۰ پیش ازمیلاد، اسکندر تخت جمشیدرا بآتش کشید نه تنها پایتخت ایران، بلکه خاطره قدرت وعظمت ایران را نابود کرد. آنجا مسئله ای پیش میاید که مدتها وتاهم اکنون درآن بحث میشود وآن اینست که آیا آتش سوزی تخت جمشید برحسب تصادف روی داد یا نتیجه تصمیمی بوده که پیش ازوقت گرفته شد بوده است؟

رادت ، یکی ازبهترین مورخین اسکندرشرح حادثه را مشروحاً وچنانکه خود بچشم آنرا دیده باشد نقل میکند ومیگوید: «شهرشاهی که درزمان هخامنشیان مرکز تجلی فروشکوه درباری بود، بهترین جائی بود که مقدونیها برای برگزاری جشن تجلیل پیروزیهای محیرالعقول جنگی خود درنظر گرفته بودند شکی نیست که اسکندر باذوق فطری که به نمایش شکوه جلال خود داشته خواسته باشد میدانگاه جلوگاخ؟ را صحنه جشن های یاد بود پیروزیهای خود قراردهد: برای ابرازقدردانی ازسپاهیان وسرداران خود ازاین بهتر کجا بود؟ محققاً درآنجا بود که اوازخدایان ومردان خود سپاسگذاری کرد. بخدایان قربانیها تقدیم نمود و بمردان خود بزم های مجلل. این ضیافت ها مکرر بودند، یکی که محققاً آخرین همه بود، بحنون میگساری، و عیاشی گرائید. همینکه سرها ازباده گرم شد عامل اصلی اختلال وآشفتگی هم که وجودزن بود زوال عقل هارا تکمیل کرد. زنان هرجائی دراین لشکرکشی درمصاحبت سپاهیان وشریك زندگی ومحرك اشتهای آنها بودند، درمیان آنها زنی بود تائیس نام که بزیرکی وبزله گوئی وجسارت بردیگران ممتاز بود ونقشی که اودرصحنه آخرضیافت تخت جمشید بازی کرد بخوبی نشان میدهد که بارقص های مذهبی مانوس و آشنا بوده است.

درجامعه یونانی اقامه هرجشنی برای تجلیل پیروزیها، تحت حمایت یکی از خدایان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

برگذار میشد و شکی نیست که جشن تخت جمشید بنام بزرگترین خدای اولمپ ،زئوس، افتتاح شد .

اما اجتماعی که در آن زنان هرجائی شرکت داشته باشند نمیتواند مدت زیادی درمحیط تقوی وپرهیزگاری دوام داشته باشد . این بود که تائیس بزودی خود رانشان داد و ابتدا برسم ستایش ولودگی خود راداخل صحبت اسکندر کرد وبعد براثرمستی کم کم صدا رابلند کرده وضمن سخنرانی میهن پرستانه ای که مافوق وضع ومقام اوبود فریاد زد: اگر اسکندر کاخ شاهان ایران را طعمه آتش سازد حق شناسی جاودان یونانیان را بدست خواهد آورد این رضای خاطر وخواسته مللی است که شهرهای آنها بدست وحشیها ویران شده است».

دراین هنگام وضع صحنه تغییر کرد. تاآنجا جریان وقایع زیرحمایت روحانی زئوس بود ، ولی بتدریج که جام ها خالی میشد وسرهارا بدواره‌ی انداخت باکوس خدای شراب خود را نشان داد وبحضارجنون مستی وشهوت بخشید وهمه را دستخوش اختلال وگمراهی کرد . مجلس جشن بدل بجمع دیوانگان شد وهمگی تسلیم گمراهی شدند. جشنی که از میخوارگی شروع شده بودبه سرسام ،هذیان دسته جمعی کشید که مستی و آوازوموسیقی و رقص همه باهم در آمیختند. تائیس اسکندررا دعوت کرد که مراسم کوموس[1] را بامهمانان افتتاح کند. خود اونیز باالتهاب میخواست درآن شرکت کند . اسکندرموافقت کرد وبدنبال او تائیس دسته را مشگران را حرکت داد ونقش رهبری آنها را بعهده گرفت و کوموس باصدای آواز و فلوت ازتالارجشن خارج شد . دیگران هم از آنها پیروی کرده تعدادی مشعل بدست آوردند وکاخ راکه میخواستند طعمه حریق کنند احاطه نمودند نخست اسکندرو پس از اوتائیس مشعل های افروخته را روی ساختمانیکه چوبکاری آن از چوب سدربود انداختند. همه ازآنها پیروی کردند وآتش همه جارا فراگرفت[۱۰۹].

این بود شرح چگونگی آتش زدن و انهدام پرس پولیس برحسب روایت «رادت» ، دیودور[2] کنت کورس[3] وپلوتارك[4]. اما این افسانه ای بیشتر نیست . اکنون ماحقیقت امر را میدانیم وآن اینست که کاخهای تخت جمشید باکمال نظم غارت شدند، آنچه درآنها بودبادقت ومواظبت بردندواین عمل ، فرض «حادثه غیرمترقبه» را ردمیکند. اشیائیکه درظرف مدت بیست سال خاك برداری که اکنون نیزادامه دارد درصفه تخت جمشید کشف شده حتی یکی

* * *

۱ــ Gômos

۲ــ Diodore

۳ــ Quinte-Curce

٤ــ Plutarque

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ازویترین های موزه تهران راهم پر نمیکنند . بعلاوه هیچ اثری که دلیل برافراط در باده گساری بوده باشد درآنجا بدست نیامده واین چیزی است که اگر صحت داشته باشدغریب بنظرمیرسد. سرویس جمع آوری غنائم جنگی اسکندر، کار شمارش وبارگیری را تمام کردو «ده هزارجفت قاطروپنجهزارشتر» بارغنائم کاخهای تخت جمشیدراترك کردندآنوقت ساختمان کاخهای تخت جمشید باکمال خونسردی وبیرحمی بدست حریق سپرده شدند . اگربعد از آن افسانه انهدام تصادفی تخت جمشید اختراع شد وبعد توسط عده‌ای نویسنده تکرارشد، واگر بامرورزمان این افسانه بااطمینان بصورت یك حقیقت تاریخی درآمد، باین جهت بود که درزمان حکومت سلوکی ها وبعد پارت های یونان دوست،لازم شده بود خاطره عملیات اسکندررا در ذهن شرقیها بشویند وبارگناه یونان را دراین کارسبك کنند، همانطورکه وکیل مدافع درداد گاه ادعا میکندکه موکلش درموقع ارتکاب بزه مست بود و بنابراین درگناه خودکاملامسئول نبوده است.

اینراهم میدانیم که اسکندردرشورائی که درجلوکاخهای تخت جمشید تشکیل داده بود نیات خود را برؤسای سپاه خود چنین اعلام نمود: «برای یونان شهری دشمن ترازپایتخت شاهان سابق ایران وجود ندارد. ازاینجااست که لشگریان بیشماربسوی ما هجوم آوردند. ازاینجااست که داریوش وپس ازاوخشایارشاه جنگ‌را باروپاآوردند وبمقدسات مابی‌حرمتی کردند . باید باانهدام این شهرارواح نیاگان خود را شادکنیم .» و وقتی پارمنیون [1]، یکی ازسرداران‌او، باطرح این انتقام مخالفت کرد، اسکندر درقصد خود پافشاری کرد و هجوم ایرانیان راکه سبب انهدام یونان وخرابی آتن وسوزاندن معابدگردیده بود یاد آورشد وگفت: «من باید این انتقام‌را بخاطریونانیان بگیرم». بنابراین تائیس وهمراهانش دراینکارتاثیری نداشته اند.

پس اگربعد ازجنگ «آربل» اسکندر در تعقیب داریوش‌سوم (عکس ٦٦) که بطرف اکباتان فرارکرده بود مسامحه نمود وبطرف تخت جمشیدکه میدانست دشمن خود را در آنجا نخواهد یافت رهسپارشد ، باین جهت بودکه‌منظورش از این لشگرکشی تخت جمشید وویران کردن‌آن بوده است . زیرا اوتصمیم باانتقام وتلافی حملهٔ خشایارشابه‌آتن‌وقتل و غارت‌آن شهرداشت. میتوان اطمینان‌کامل داشت که اگراین فکربااافسانه مطابقت‌نداردبا تاریخ واصل واقعه‌مطابق‌است. باسقوط‌دودمان هخامنشی قیافه‌مخصوص‌معماری عهدهخامنشی ایران هم ناپدیدگردید. اشکانیان و ساسانیان ابنیه طاقدار وگنبدی ساختند و هنگامیکه ایران بعد از اسلام ساختمان‌کاخهای ستون دارا دوباره تجدیدکرد بیشترازسوم مادها

* * *

۱ــ Parmenion

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسهای از ۵۹ تا ۷۸

۵۹ ـ گاو هـای بالدار دروازهٔ موسوم بـه « همه‌کشورهـا » ، تخت جمشید ، دوران خشایارشای اول . (ابتدای قرن پنجـم پیش ازمیلاد.) بلندی گاوها ۵/۵ متر.

Ezechiel پیامبر،در دوران اسارتش در بین النهرین مجسمه گاو های نگهبان رادیده ونقل کرده است که به‌انسان و شیرو گاووعقاب جمیعاً شباهت داشته است ، پارسیان نیز چنین نگهبانانیرا اختیارو بااتکاءبقدرت‌سمبولیکشان ، آنها را به دورداشتن ارواح پلید گماردند .

۶۰ ـ ستونهـای آپـادانا ـ تخت جمشید دوران داریوش اول (اواخـرقرن ششم پیش ازمیلاد .) بلندی نزدیك ۱۹متر. بلندی و فاصله حیرت‌انگیز ستونها ازیکدیگرحاکی‌از شهامت‌سازندگان‌ویکی‌ازعلل نابودی‌بنا، بهنگام زمین لرزه های متعدد می‌باشد .

۶۱ ـ سرستون . از صفـهٔ تخت جمشید ، قرن پنجم پیش ازمیلاد . درازا نزدیك ۱/٤۰ متر.این سرستون بسبب‌رگـهٔ خـاکی‌که در میان دارد مورد پسند معمار قـرار نگرفته و باوجود تقویت های فلزی‌که برآن نهاده اند چون اطمینان‌کافی‌براستحکام‌آن‌نشده ، مردود ودرخاك مدفون‌گردیده است.

۶۲ ـ پـایه ستون . فهلیـان در بـاخـتر شیراز ، دورهٔ هخامنشی . قطر، نزدیك ۱/۲۰ متر. گویا متعلق به‌کاخی سلطنتی واقع درراه شوش بوده. تزئین ظریف دورآن قـابل‌توجه است .

۶۳ ـ لوحهٔ تـأسیس،از طلا . آپـادانـای تخـت جمشید . دوران داریوش اول . درازا ۳۲/۹ ،پهنا۳۲/۵سانتیمتر، وزن ٤۹۹۸ گرم موزه ایران باستان ـ تهران.

این لوحه درجعبه ای سنگی‌بهمراه‌لوحه نقره ای دیگری درزیربنامدفون بوده و بخط میخی‌که ده سطربالائی آن بزبان پارسی‌قدیم و هفت سطرو سط بزبـان بابلی و هشت سطر پـائین بزبان ایلامی میباشد نوشته شده است.

۶۴ ـ پـایه‌ستون.آپـادانای تخت جمشید. دوران داریوش اول . قطر۲متر.

باوجود اینکه تعمیرات‌آن بیش‌ازاندازه آشکاراست، ولی دقت اجرای‌آن بخوبی دیده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میشود .

۶۵ ـ سردرسنگی . تاچارا، تخت جمشید . دوران داریوش اول.

بالای یکرج نقش تخم مرغی ، نقوش دیگری شبیه‌لانهٔ زنبورسطح سردرراروبه بالاو بگونهٔ سردرهای مصری می‌پوشانند.

۶۶ ـ نقش‌تزئینی‌باگیاهان خلاصه‌شده . پلکان شرقی آپادانا ـ تخت جمشید . دوران خشایارشای اول .

۶۷ ـ جزئی از درتالارصد ستون . صفهٔ تخت جمشید . دوران داریوش اول. باسایبان درنقش‌برجستهٔ عکس۴۳ مقایسه‌شود.

۶۸ ـ نقش برجستهٔ‌گاوبالدار . تاچارای داریوش اول‌درتخت جمشید.

۶۹ ـ نقش برجستهٔ سراسب .کاخ اردشیر سوم ،تخت جمشید . (نیمه قرن چهارم پیش ازمیلاد.) .مشاهده میشودکه‌لگام‌اسب ازدوران هخامنشی‌تحول چندانی نکرده است.

۷۰ ـ سرستون ، تریپیلون آپادانا . قرن پنجم پیش ازمیلاد. موزه ایران باستان. شبیه نقش برجستهٔ عکس۶۸ وتمام برجسته و رنگ‌آمیزی‌شده است.

۷۱ ـ مجسمهٔ سرانسان از خمیر سنگ لاجورد . تخت جمشید . قرن پنجم پیش از میلاد . بلندی ۶/۵ ، پهنا ۶ سانتیمتر. موزه ایران باستان‌ـتهران.

تاج‌کنگره دارمنتصب‌به خانواده‌سلطنتی این‌گمان را بوجود میآوردکه مجسمه‌متعلق به خشایارشادرجوانی باشد.

۷۲ ـ نقش برجسته ، برجدار داخلی یکی ازدرگاه های تالارصد ستون . تخت جمشید. دوران داریوش اول.

جدال قهرمانی با حیوان بالداری که دمش عقرب وار بند بند است و دست مسلح حریف را بچنگال گرفته است.

۷۳ ـ سرستون . ایوان تالارصد ستون تخت جمشید . دوران اردشیراول ۴۲۵ـ۴۶۵ پیش ازمیلاد. درازا ۳/۳۰ متر. این‌سرستونها یکپارچه ودرمحل ،استخراج وساخته میشه‌ند وچندنمونه‌ناتمام آنها نیزیافته شده است .

۷۴ ـ جزئی از آرامگاه اردشیرسوم . کوه تخت‌جمشید.دوران اردشیرسوم .(اواسط قرن چهارم پیش ازمیلاد).

سه تن از نمایندگان ملل امپراطوری‌که سکوئی‌راکه‌شاه برآن‌مشغول قربانی‌کردنست برسردارند ، ازچپ براست یك هندوی ناحیهٔ سند ودوسیت،دراین عکس‌آمده اند.

۷۵ ـ جام زرین . ناحیهٔ همدان . قرن چهارم پیش‌ازمیلاد ، بلندی ۱۱/۵ پهنا۲۰/۵ سانتیمتر.موزه ایران باستان ، تهران .

۷۶ ـ دریك‌زر داریوش سوم . قرن‌چهارم پیش ازمیلاد. بقطر۲سانتیمتر. بخش‌مسکوکات کتابخانه ملی ـ پاریس.

۷۷ ـ بشقاب و قاشق نقره ای . دوره هخامنشی قطرنزدیك ۲۲سانتیمتر.

۷۸ ـ بخشی از یك‌گوزن بالدارکه جزئی ازآن طلائیست . دوران هخامنشی . بلندی ۲۷/۵سانتیمتر. موزه لوور ـ پاریس.

نفوذ هلنیسم دراین دستهٔ‌کوزه بخوبی دیده میشود دسته دیگرآن درموزه‌برلین‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

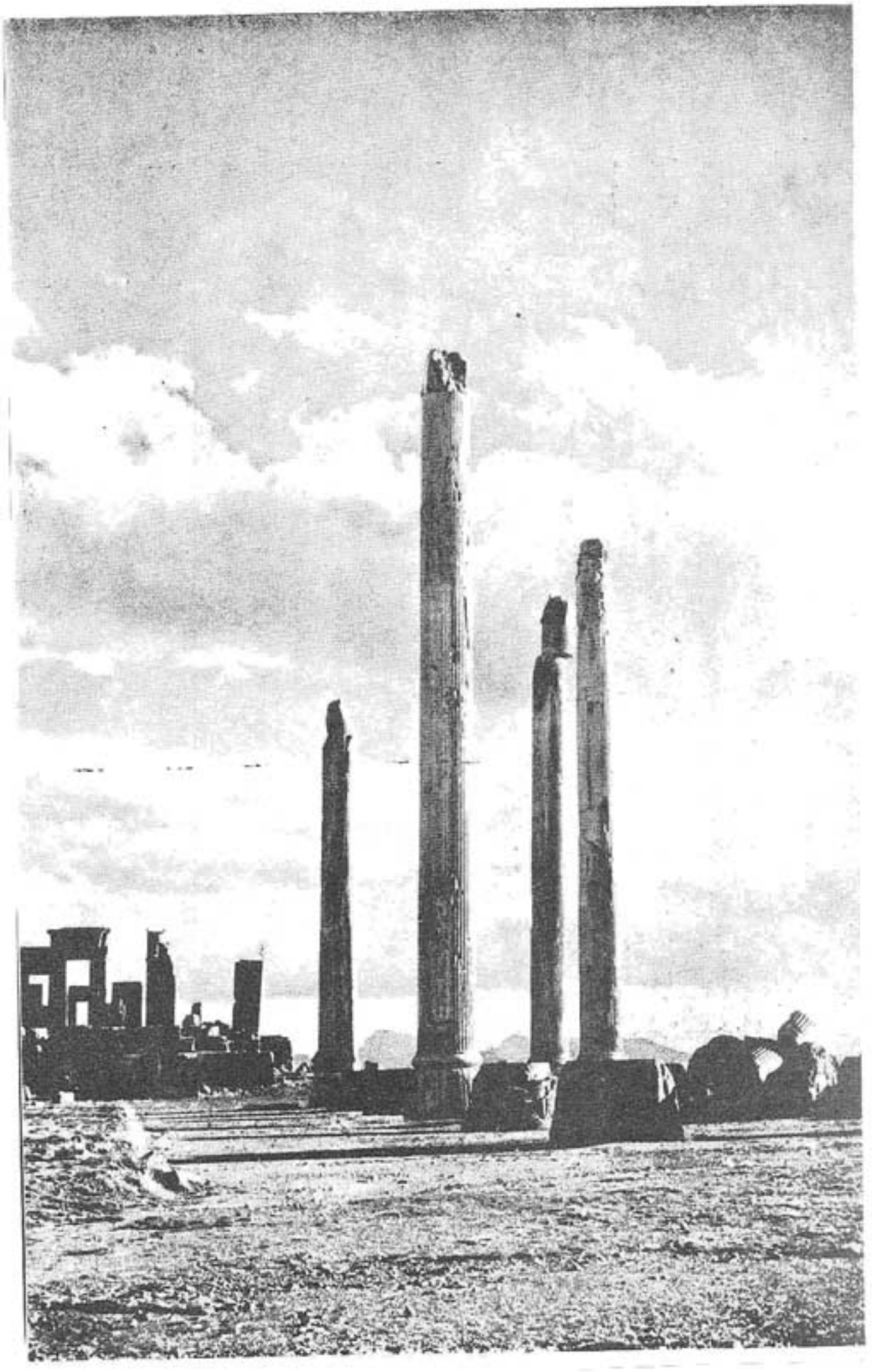
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





tarikhema.org

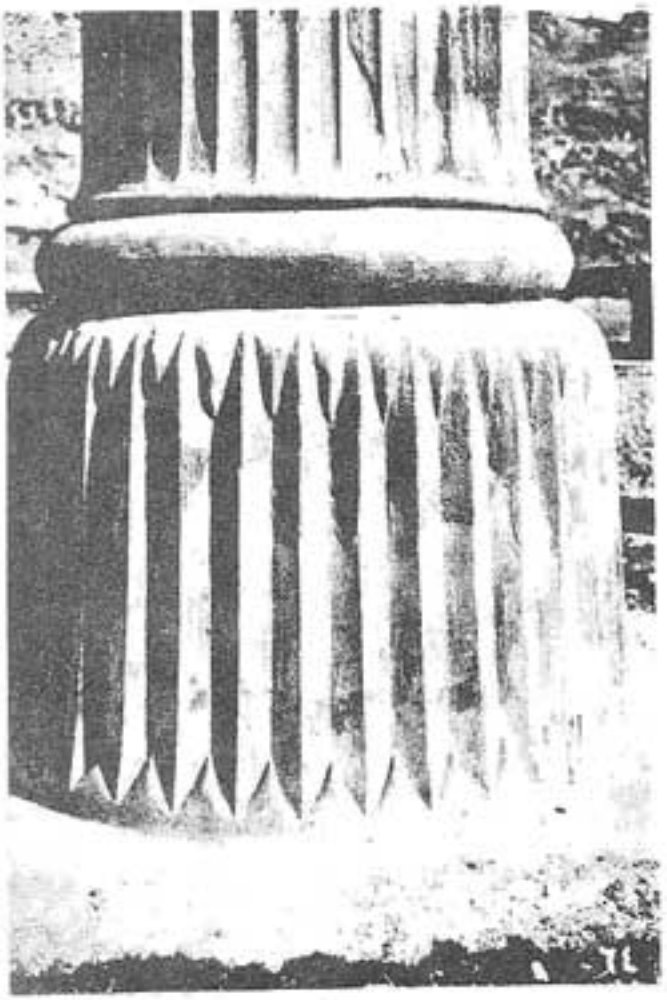
PDF.tarikhema.org

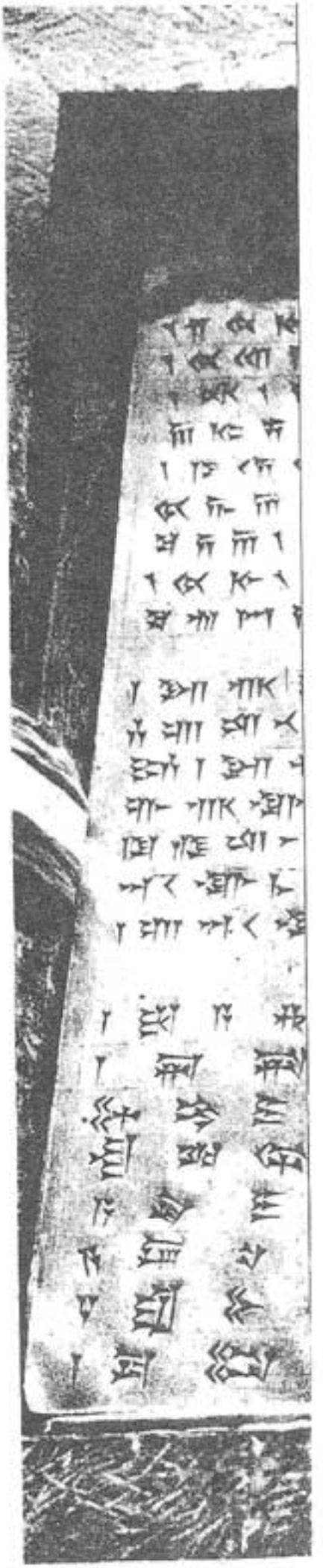
PDF.tarikhema.org

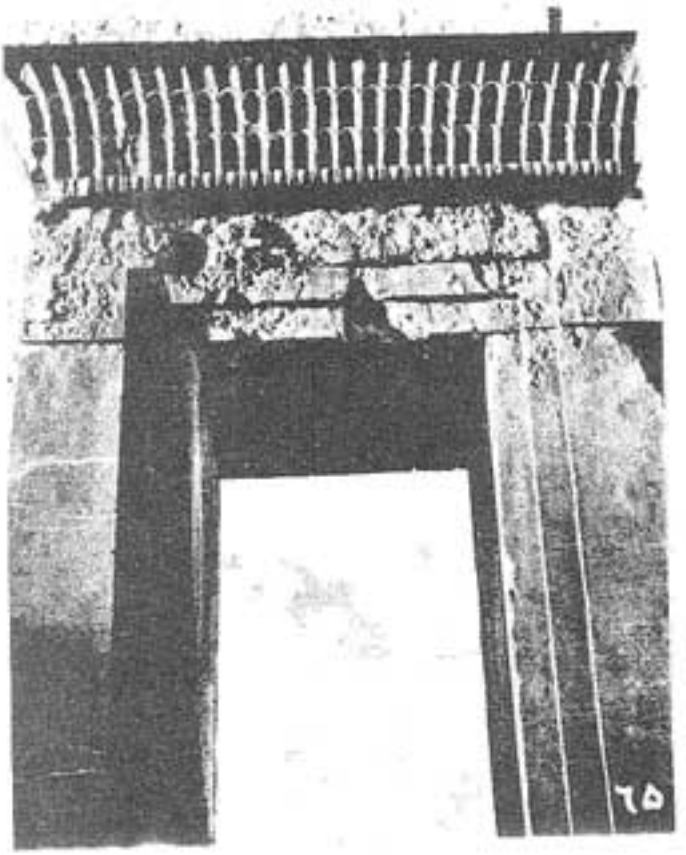
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



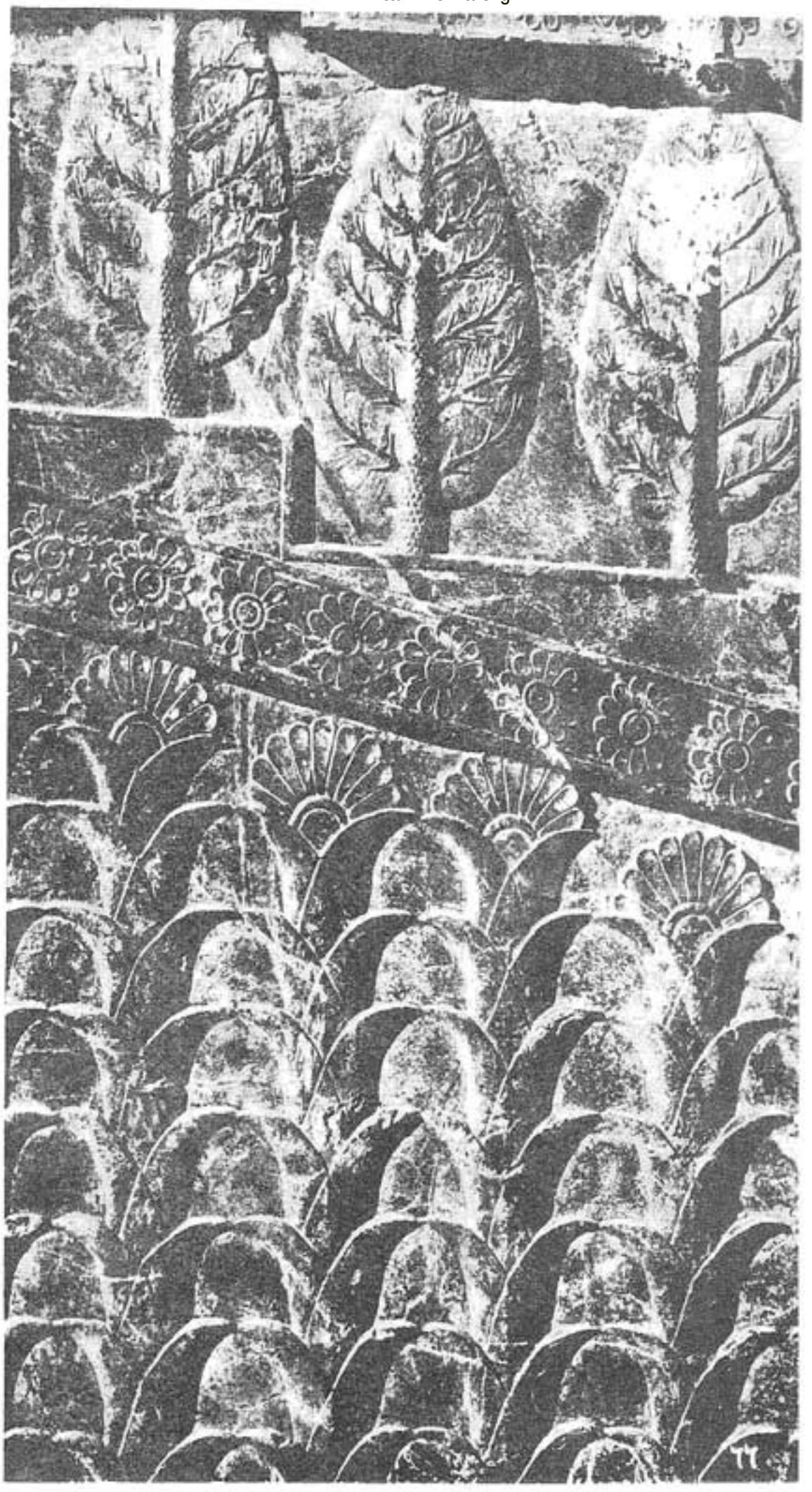




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

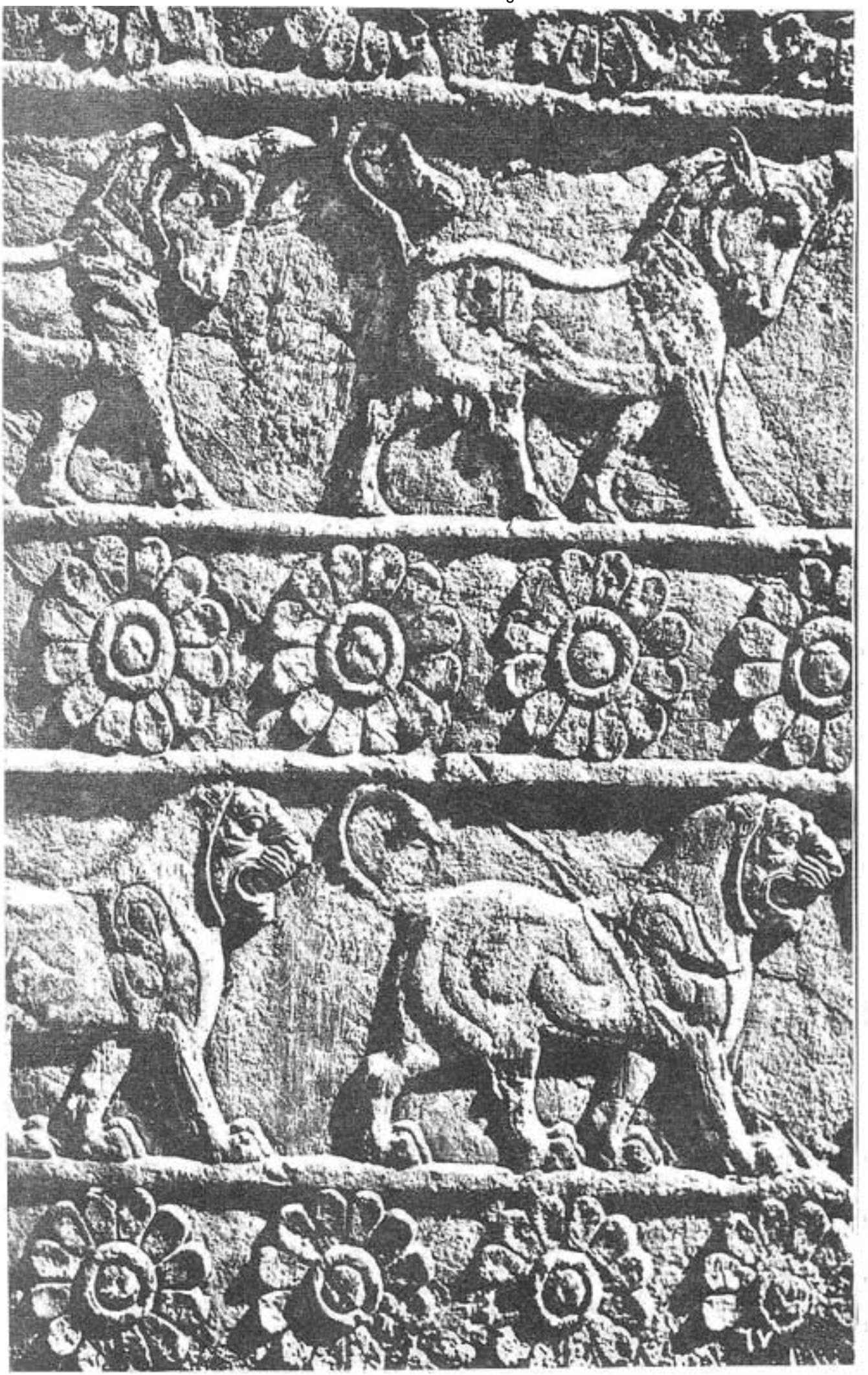
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

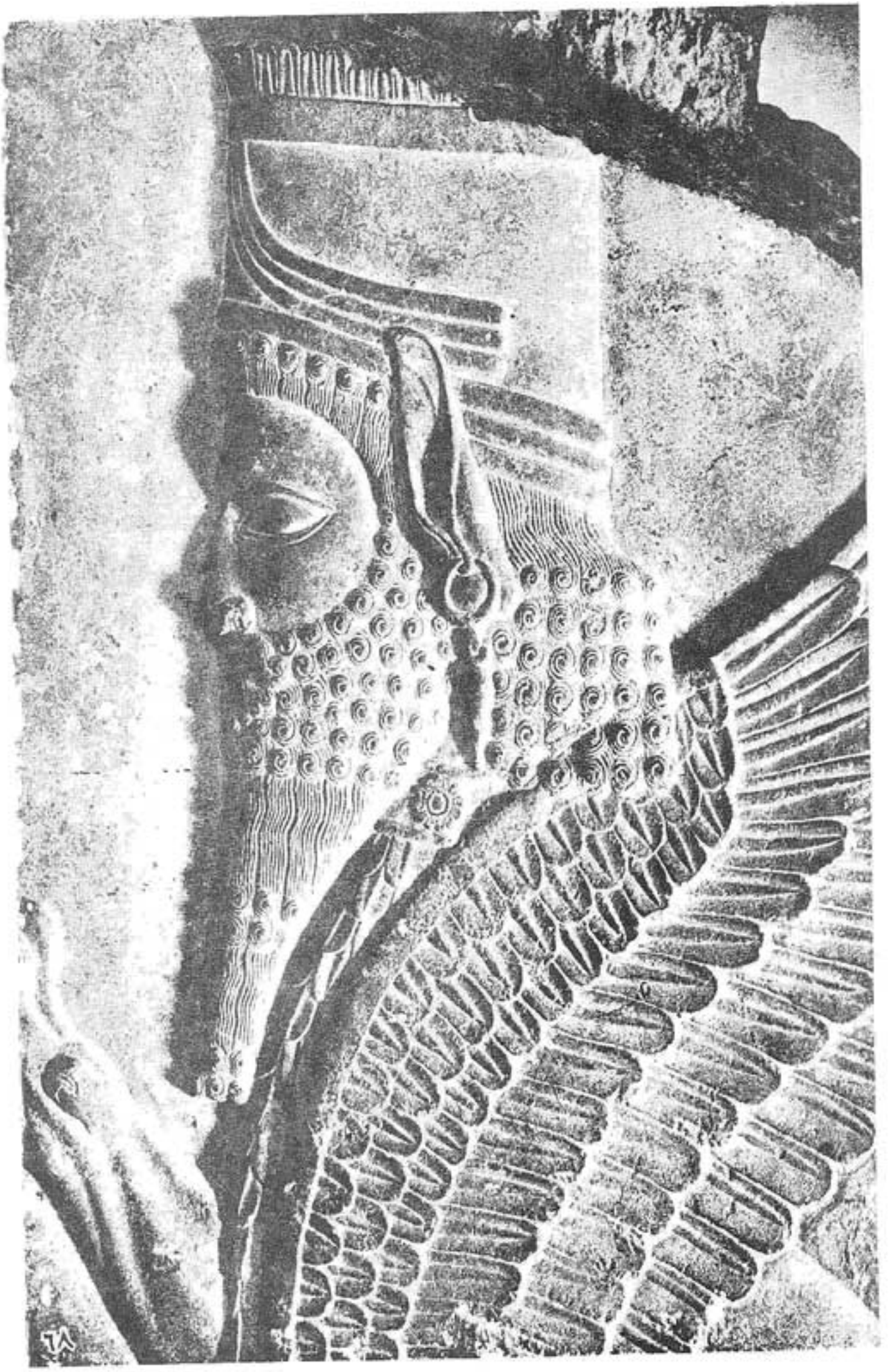
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

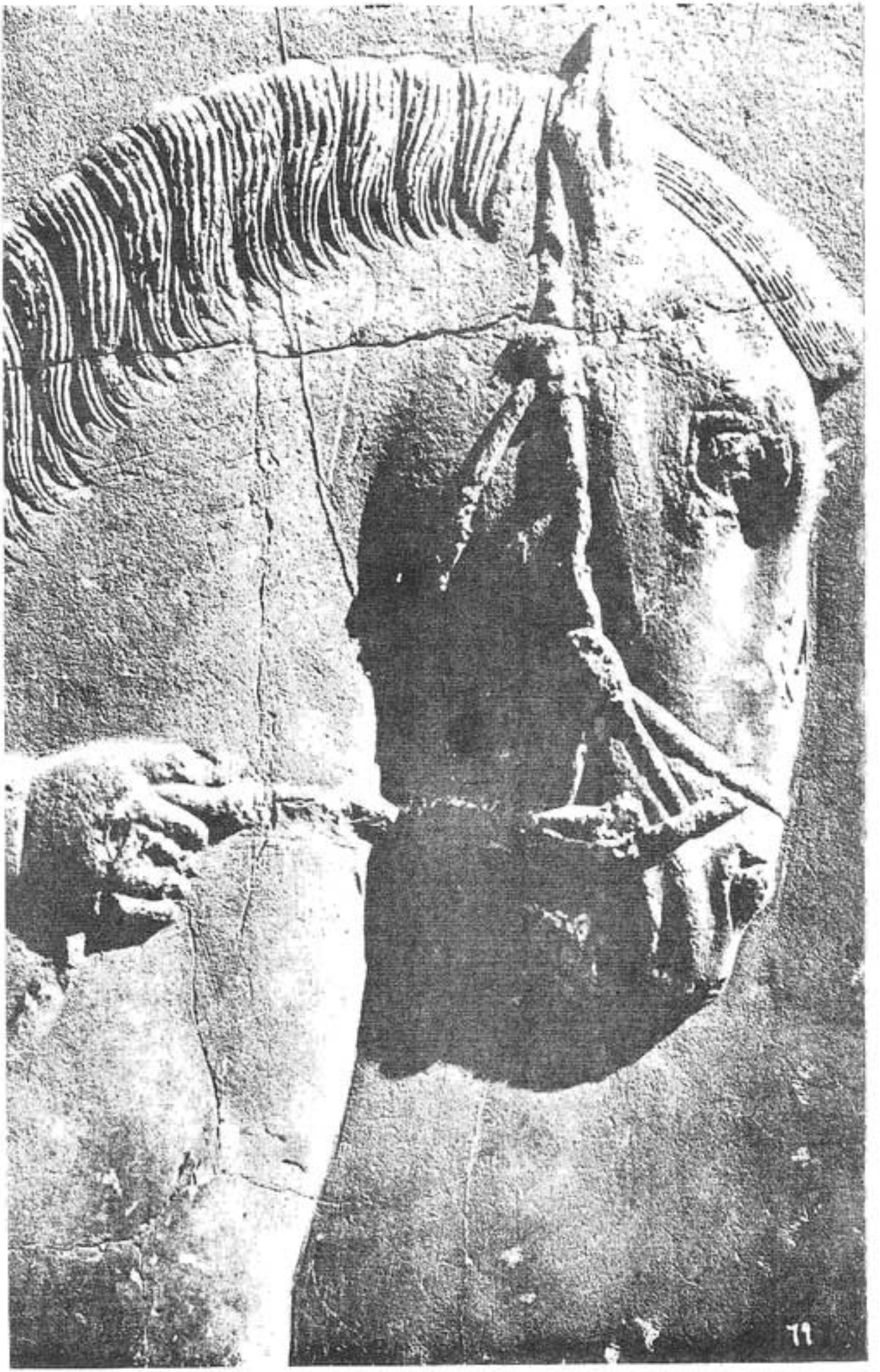
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

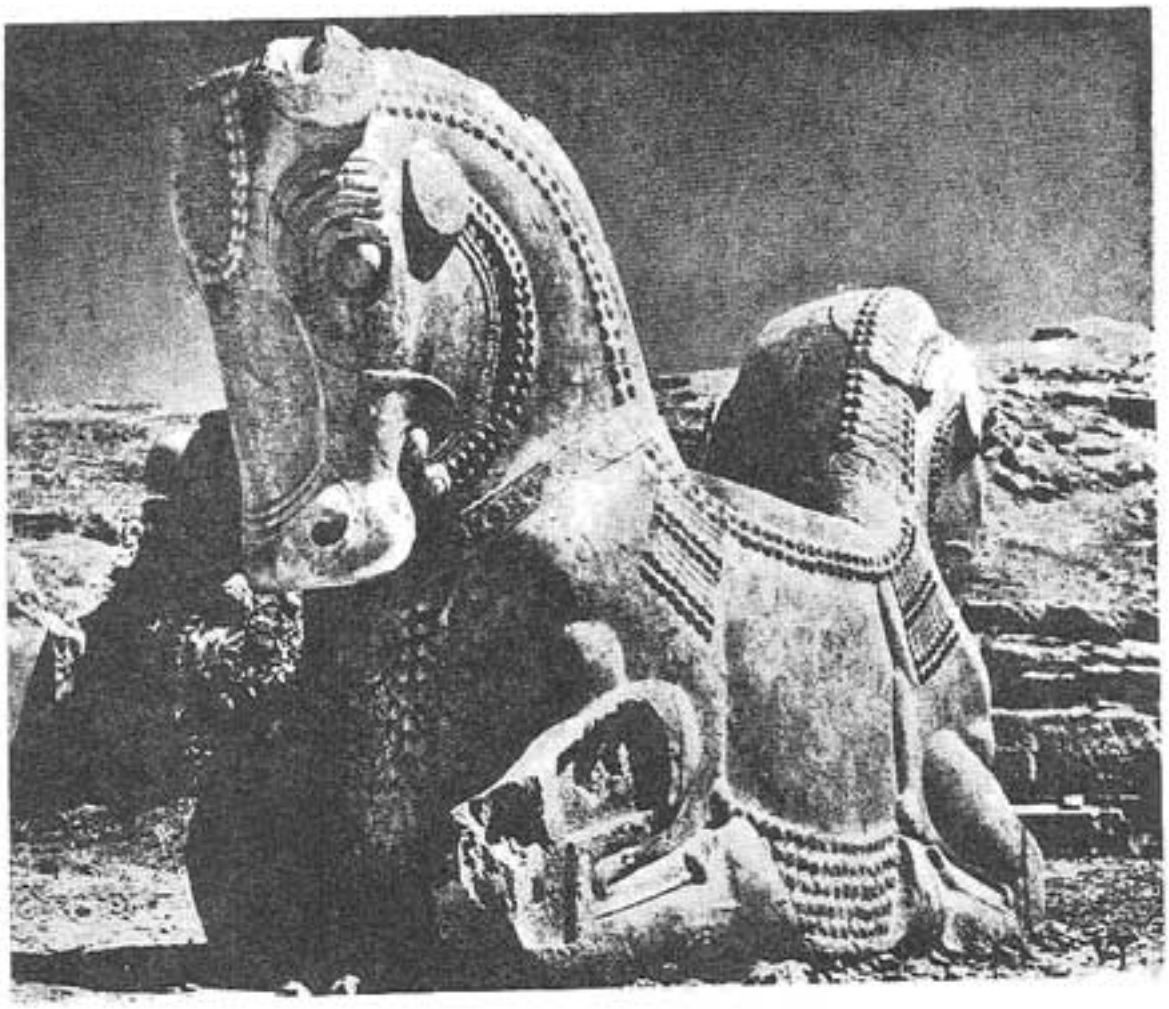
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



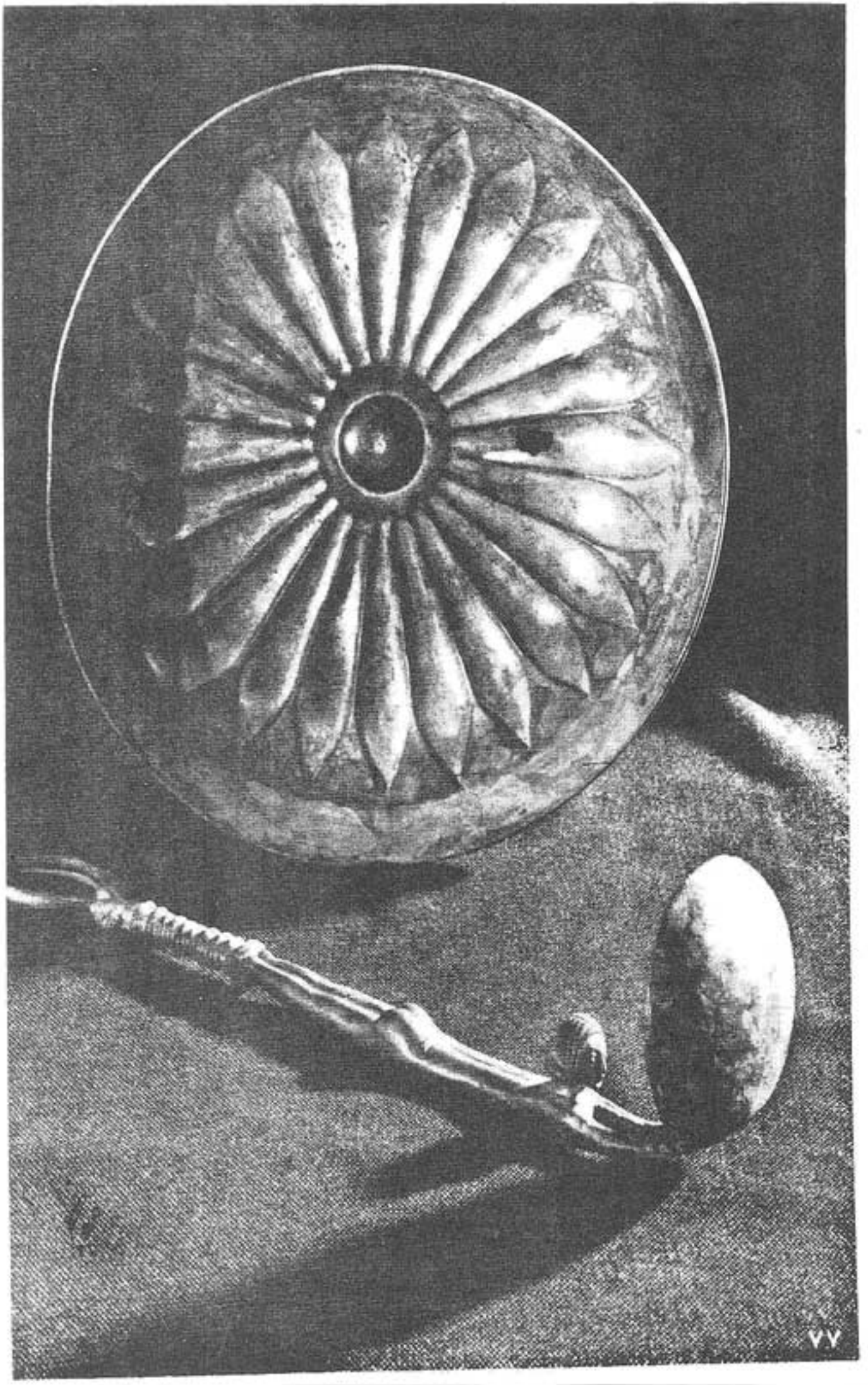
٧٥

٧٦

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

الهام گرفت تاازساختمانهای تخت‌جمشید.

هنردوره‌هخامنشی درهیچیك‌ازدوره های‌بعداثرونفوذی نداشته ومشخصات وترکیبات آن باردیگر بنظرنیامده است و مانند هنرآنتوری کوشیده است همه جاخصیصه کاملاً شرقی «قدرت شاه» رانشان دهد ، هنرهخامنشی هم مانندهنریونانی دارای ذوق تناسب وهم‌آهنگی ووزن بود ولی طرح‌ها عمقاً آسیائی بوده اند واین دلیل‌آن نیست که ایران هنریونانی را نمیشناخته . چون ایـران و یونان در تماس دائم وهمواره‌بین آنهـا سفرا دررفت وآمد بوده اند. عده ای یونانی دردربارهخامنشی زندگی کرده اند واحتمالاشاهنشاهان‌هخامنشی ازآنها درساختمان‌کاخهای خود استفاده کرده‌وازلشگرکشی‌های‌خودبه باختر،کارهای‌هنری یونانیان را باخودآورده اند. مانند مجسمه قابل تحسینی که درسال ۱۹۳٤ درتخت جمشید کشف شد واکنون‌درموزه‌تهران‌است. یاجام‌طلای‌دسته دارکاره‌تئودورساموسی»[1] که«آتنه»بآن اشاره‌میکنند. شاهنشاهان‌هخامنشی نسبت‌بزیبائی هنریونانی حساس بودند اماکمال‌مطلوبشان بطورآشتی ناپذیری باهم مغایرت داشت ودرهنروهمچنین درسیاست اصرارداشتندکه جزاز تمدن قدیم وبنمام معنی شرقی الهام نگیرد. ووقتی ناگهان قدرت شاهنشاهی فروریخت و هنری‌که خود بوجودآورده بود ازحمایت ووسائل عظیمی‌که دردسترس‌آن قرار داده بود محروم گشت‌آن هنرنیزازمیان رفت .

* * *

۱ــ Théodore de Samos

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سکه زنی در دورهٔ هخامنشی

در دوره هخامنشیان صنایع کوچك در ایران رشد نکردند زیرا تنها مشتریانیکه میتوانستند این قبیل صنایع را زنده نگاهدارند پادشاهان و بزرگان کشور بودند که بیشتر اوقات کارهای خود را به هنرمندان خارجی سفارش میدادند . میناگران وحکاکان بابلی‌ها یا فنیقی‌ها بودند. احتمالا سکه های زمان داریوش (عکس ۷۶) راکه در کارگاههای سارد وشاید تارس وتیر ساخته می‌شدند هخامنشیان بمصرف مبادلات با کشورهای تابعه خود درمدیترانه میرساندند ودرخود ایران چندان بکار نمیرفت . این مسلم بنظر میرسد که نخستین پادشاهان هخامنشی، کورش وکامبیز، احتیاجی بایجاد سکه مخصوص بنام خود نداشتند و از مسکوکاتی که آنوقت در آسیای صغیر در جریان بود ودرایران هم بامبادله بامواد اولیه یا اجناس ساخته شده بدست میامد رفع احتیاج میکردند.

ظاهراً داریوش اول ، سازمان دهنده بزرگ امپراطوری ایران بوده است که برای نخستین بار مسکوك طلای خالص و تقریبا بدون عیار را که مابنام در یك میشناسیم زده است . باوجود این بعضی گمان میکنند که این مسکوکات در داخل ایران بجریان گذاشته نشده اند بلکه مصرف آنها پرداخت حقوق سپاهیان روزمزد وذخیره خزانه و رفع احتیاج شهرهای کاروان روی بود که همیشه احتیاج زیادی به مسکوك داشتند . از این مسکوکات ، (دریك وسیکل) دریونان وآسیای صغیر بدست آمده ولی تا آنجا که من اطلاع دارم در خود ایران هرگز هیچ گنجینه ای ازدریك وسیکل کشف نشده است. مسکوکاتیکه همراه با الواحه های طلا و نقره دردوصندوقچه سنگی که در گوشه‌ای از تالار پذیرائی کاخ آپادانا در تخت جمشید کشف شده ازسارد ومیلت یونان برده است.

ساختمان کاخ آپادانا را بزمانی نزدیك سال ۵۱۵ پیش ازمیلاد نسبت میدهند. این درصورتی ممکن است که قبول کنیم که صفه قلعه بندی پیش ازجلوس داریوش پسر هیستاسب به تخت ایران ساخته شده باشد. درهرصورت درسال ۵۱۵ پیش ازمیلاد هنوز اولین دریك‌ها

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زده نشده بودند و ما میتوانیم گمان کنیم که مدت ضرب سکه داریوش اول سی سال هم کمتر بوده باشد.

خشایارشاه هم بنوبه‌خودسکه‌زده است. اوهم‌مانند پدرش نکوشیدتاسکه هایش جنبهٔ‌هنری بخودبگیرد. کمانداری که «ملوفور»[1] مینامندهمیشه بیك‌وضع درپشت‌وروی‌سکه‌دیده‌میشود که‌تاجی[2] بسردارد، بطوریکه بیننده‌را باین‌فکرمیاندازد که‌شاید کماندارمزبورخودشاهنشاه باشد. لباسیکه پوشیده بنام کندیس [3] عبارت‌ازنیمتنه گشادی است‌که گاهی بوسیله‌کمربند فشرده شده. نوع این سکه درتمام مدت سلطنت این سلسله یك‌نواخت باقیماند (۱۴۵ و۱۴۶ و۱۴۶ وعکس ۷۶)پشت آن بشکل بیضی ودارای فرورفتگی است بنـام «مربع مجوف» که ضـرب آن‌را آسان میکند. دراثر کشف چند دریك‌وسیکل دریونان وهمراه مسکوك یونانی‌که تاریخشان قابل تخمین است. گمان میبرندکه‌این دریك‌هاوسیکل‌ها منسوب بیکی ازپادشاهان هخامنشی است. اماکاملا اطمینان بصحت این حدس نیست.

لوح‌های گلی‌که دربایگانی‌پرس‌پولیس بدست آمده‌وبخط آرامی‌نوشته شده‌که مربوط بحساب‌کارهای انجام شده‌است ومحاسبه آن با«شکل» [4] واحد وزن قدیم سامی‌است‌که در تورات هم نام برده شده ومبادله‌آن باپول‌فلزی نبوده بلکه باجنس مبادله میشده، مانند نان شراب، گوسفند وغیره. مختصرآنکه دردوره هخامنشیان فعالیت پولی تقریبا منحصربسواحل مدیترانه وبرای مبادلات بازرگانی‌کشورهای بحری‌بوده. باوجود این دریك طلاوسیکل نقره هخامنشیان بعلت خالص بودن فلزآن درهمه‌جا باارزش ومورد قبول‌بوده است.

ظاهراً صنایع بافندگی دردوره هخامنشی‌توسعه ورونق زیادی داشته‌است. منسوجات ایرانی‌که خیلی مورد توجه بوده مایهٔ تجارت مهمی‌باکشورهای همسایه بوده است، یونانیها بنا برآنچه مورخینشان می‌نویسند ازنفاست البسهٔ دشمنان ایرانیشان تعجب میکرده‌اند.

علاوه برمنسوجـات اشیـاء گونـاگونی ازمفـرغ وطلا و نقـره سـاخته میشده (شکل‌های ۱۴۸و۱۴۹و۱۵۰ وعکس‌های ۷۷ و۷۸ و۷۹) اشکال وطرزساخت وتزئینات‌آن تقریبا شبیه به‌هنرزاگرس است‌که پیش ازاین دربـاره آن صحبت‌کردیم [۱۱۰] اگر مثلا بشقاب (عکس ۷۷) راکه ازتخت جمشید بدست آمده بابشقاب دیگری‌که مـال لرستان و یکی دوقرن ازآن قدیمی‌تراست بسنجیم شباهت آنها معلوم خواهد شد. چنین بنظر میآید که درکارهای زرگری، منائی‌ها یعنی‌ساکنین ناحیه‌کوهستانی واقع درجنوب‌دریاچه

* * *

۱ ـ کماندار Mélophore تقریباً زانوزده. و Cidaris کنگره‌دار بسردارد ولباس‌رادوی زانوی چپ بالازده بدست‌چپ‌کمان وبدست راست نیزه‌کوتاهی گرفته است.

۲ـ Cidaris ۳ـ candys ۴ـ Shekel

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org







tarikhema.org

١٤٥ ١٤٦ ١٤٧
١٤٩ ١٤٨ ١٥٠
١٥١ ١٥٢



PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ارومیه ازدیگران ممتاز باشند وقسمت بزرگی ازحجاری‌های معروف پرس پولیس‌را آنها ساخته باشند .

پادشاهان‌هخامنشی برای اینکه طرح‌های عظیم معماری خودراکه نماینده عظمت و اقتدارتازه‌آنها بود بخوبی بپایان برسانند ، درتمام قلمرو امپراطوری خود هنرمندان و صنعتگران‌آزموده وماهری‌راکه مورد احتیاجشان بود جستجوکردند . قلمکارهای منائی‌که ازجای خود منتقل شدند وارد خدمت هنر هخامنشی شده و چون حجارحرفه ای‌کم بود ، اینها باتفاق مصریها جای آنها را پرکردند . نه تنها «فرمان ساختمان کاخ شوش » اعلام میداردکه زرگرهائی درطلاکاریها شرکت‌کرده‌اند، مادی هاومصریها هستند، بلکه تصریح میکندکه «آنهائیکه دیوارها را تزئین‌کرده اند (شکل ۱۵۱) مصریهاومادی‌هاهستند » یعنی منائی هائیکه مادی شده اند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یادداشتهای بخش دوم

آئین مزدا در آغاز

چنین بنظر میآید که آئین مزدا از آغاز پیدایش خود بر بنای دوگانه پرستی استوار بوده است که از خصوصیات کیش قدیمی ایرانیان است . بنابراین آیا آئین زرتشتی یکی از آئین هائی نیست که نتوان بآن گروید ؟

شهرستانی، مورخ ایرانی (۱۱۵۳ـ ۱۰۸۶ میلادی) که کتاب خود را بعربی نوشته نخستین کسی است که باین موضوع پرداخته و عقیده دارد که آئین دوگانه پرستی پیش از زرتشت هم وجود داشته است و بعداً آئین مزدا از مرحله پرستش عناصر مانند آتش و چشمه که آناهیتا نگهبان آن است و میگویند نموکشتزارها را آسان میکند ، پافراتر نهاده بزودی پرستش مقدسین را هم افزوده است . مانند فرشتگان نگهبان (عکس۱۹) که چوپانی را کمك میکنند تا از حیوانات سبع دفع شر نماید. صورت های مفرغی که میگویند مال لرستان است و جود یك پانتئون [۱] کامل سومری ـ ایرانی را آشکار میکند که حکایت از انجام مراسم آئین مزدائی میکند .

غالباً این پرسش پیش میآید که بدانیم آئین هخامنشیان چه بوده و آیا آنها زرتشتی بوده اند یا نه؟

ظاهراً بیشتر آنها و مخصوصاً کورش و داریوش بنیان گزاران این سلسله ، همانطور که سیاستمداران ماهری بوده اند، آنقدر هم حسن تشخیص داشته اند که اهورا مزدا (شکل۱۵۲) را خدای یگانه ندانند و درعین قبول اولین وعالی ترین درجه برای او، قدرت خدایان دیگر را هم که مورد پرستش ملل تابعهٔ امپراطوری بودند قبول داشته باشند: باستانشناسی، در سالهای

* * *

۱ـ معبد تمام خدایان نزد یونانیان ورومیهای قدیم .

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اخیرمدارکی دراین باره دردسترس ما گذاشته است. دراثر کاوشی که توسط هیأت باستانشناسی ایران در پازارگاد بعمل آمده ، یك سنگ تراشیده و حکاکی شده دردرگاه مدخل یکی از درهای کاخ کورش بدست آمده ومردی رانشان میدهد که لباسی بشکل ماهی پوشیده(عکس ٤٠) مانند لباده ایکه روحانیون اه آ ' میپوشیدند. واین گواهی بابلی‌ها وتورات را مبنی براینکه کورش پیروآئین بابلی وپرستش خدای مردوخ بوده است ثابت میکند.

ظاهراً مسلم است که آئین مزدادرآغاز، اختلاف زیادی باآئین زرتشت، واختلاف بیشتری با همان آئین دراواخر دوره ساسانی داشته است . چنانکه نوشته های جمع آوری شده مربوط بدورهٔ آخر این سلسله شاهد این نظراست. باوجوداین هیچ مبنای مطمئن ومدرك صریحی که اطلاعات محدود مارا درباره موارد این اختلاف صورت قطعی بدهد دردست نیست و حال آنکه ماازآئین مزدائی دورهٔ ساسانی نسبتاً بخوبی اطلاع داریم.

* * *

Ea -١

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش سوم

ایران در دوره های سلوکی و اشکانی

۱ از اسکندر کبیر تا اردوان پنجم

پس از آتش زدن تخت جمشید، اسکندر مقدونی که از مشاهدهٔ انضباط وحس و فاداری ایرانیان نسبت بپادشاه ، وازاینکه وارث امپراطوری هخامنشی گردیده خیلی خوشحال بود، باین فکر افتاد که دشمنی آشتی ناپذیر ایرانیها و یونانیان رابدل بسازش ویگانگی کند . بنابراین مصمم گردید که هم ازنظرسیاست وهم ازلحاظ دلجوئی ، آنها رامورد مهرو ملاطفت قراردهد . باین منظور سربازان جدید ایرانی رادرافواج مقدونی خود پذیرفت واداره امور استانهائیراکه تسخیر کرده بودبفرمانداران ایرانی سپرد وحتی بادختریکی ازنجبای باختری ازدواج کرد، افسران خود را نیز باینکارتشویق نمود . درحالیکه ایرانیها همچنان درنظر یونانیان دشمن موروثی آنان شمرده میشدند. فکرایجاد سازش ویگانگی بین ایرانیها و یونانیان ونظرمساعدی که اسکندرنسبت بایرانیها پیدا کرده بود از یکطرف و تشویش از ایجادآشفتگی وانقلاب دریونان ازطرف دیگرفکراو را مشغول میداشت . این حسن نظر نسبت بایرانیان سبب ایجاد افسانهٔ ایرانی برله اسکندر، ودگرگونی تاریخ درمنظومهٔ بزرگ حماسی ایران، شاهنامه فردوسی گردید که خلاصه آن اینست : «داراب پادشاه ایران دختر فیلیپ پادشاه مقدونی را بهمسری گرفت بعد چون پادشاه هخامنشی همسرخود را چنانکه میخواست نیافت ، اورا نزد پدرش فرستاد . فیلیپ ، بحق این عمل را نسبت بخود توهین دانسته سخت خشمگین گردید . دربازگشت بیونان ، شاهزاده خانم پسری زائید ، این پسر اسکندر بود . بنابرافسانه ایرانی، فیلیپ که میخواست سرشکستگی وارده بدخترخود را پنهان نگهدارد ، مولود جدید را فرزندخود اعلام کرد . پس بنابر این شرح ، اسکندر که بادارا فرزند داراب یعنی برادرکهترخود جنگ کرد ، برای احرازحق وارثیه خود

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بوده است.

سلوکی‌ها که وارث فتوحات اسکندر بودند خودرا جانشین پادشاه هخامنشی دانستند و کوشیدند تا نظمی را که اسکندر در کشور برقرار کرده بود حفظ کرده تسلط خود را بر استانهای ایران استوار سازند. باوجود این، سلوکوس اول، مؤسس این سلسله نا گزیر شد از استانهای خاوری چشم پوشیده آنها را در برابر ادعاء پانصد فیل از طرف پادشاه هند شاندراگوپتا، بنامبرده واگذار کند. وجود این فیل ها در پیروزی سلوکوس بر آنتی گونوس در ایپسوس[1] اثر مهمی داشت.

سلوکوس هنگام جشن های عروسی معروف شوش[2] با یک دختر ایرانی ازدواج کرده بود و آنتی یوکوس جانشین او از این ازدواج بوجود آمد. اما برخلاف تصوری که مردم در مورد این ائتلاف و همبستگی داشتند، پادشاهان سلوکی اصرار داشتند که خود را در میان ایرانیان یونانی بدانند، پس زبان خود را بآنها تحمیل و آنرا در کارهای اداری جانشین زبان ایرانی کردند، بدیهی است که در اینکار هدف فرهنگی نداشتند بلکه میخواستند بدین وسیله تسلط کشوری و لشگری یونان را در سراسر ایران پابرجا کنند و چنین فکر میکردند که در صورتی حکومت ایران سامان می پذیرد که بدست یونانی اداره شود. باوجود این تمدن و هنر یونانی بواسطه آسیای صغیر از نفوذ و کشش شرق بی بهره نماند. و هنر قدیمی یونان

* * *

۱ــ جنگ Ipsos در فریقیه Phrygie در تابستان سال ۳۰۱ پیش از میلاد اتفاق افتاد.

۲ - بازگشت پیروز مندانه اسکندر به شوش و ورود نئارك Néarque که تجهیزات یونانی را آورده بود؛ فکر تثبیت اطاعت مللی را که فتوحات محیرالعقول او زیر فرمان وی گرد آورده بود بذهنش خطور داد. بنظر اسکندر هیچ عاملی برای ایجاد ائتلاف و اختلاط بین اروپا و آسیا بهتر و موثرتر از ازدواجهای مختلط بین برگزیدگان نژاد ایرانی و یونانی وجود نداشت. برای این منظور خود او که دو دختر ایرانی را بزنی گرفته بود تصمیم گرفت دو دختر دیگر هم از خانواده سلطنتی ایران بگیرد که یکی دختر داریوش سوم و دیگری دختر اسکندر ممنن Memnon بود. همراهان و افسران و سربازان او هم خواهی نخواهی از او پیروی کردند و بدنبال این تصمیم جشن عروسی باشکوهی که چندشبانه روز دوام داشت در شوش برپا شد؛ «عروسی های شوش» در تاریخ معروف است. این اقدام که بمنظور اعلام محسنات حاکمیت جهانی یونان بعمل آمد، آینده درخشانی داشت و چیزی که مانع بثمر رسیدن آن شد، مرگ پیشرس قهرمانی بود که این فکر بخاطرش خطور کرده بود.

شاید اگر اسکندر زنده مانده بود از فکرش پیروی میکردند. اما هدفی که محرك او در انجام این مقصود بود، روشنی زودگذری بود که باخود او نابود گردید و جای خود را بیك سلسله کشمکش های موحش و زدوخوردهای جاه طلبانه داد که بعضی آنرا نزاع بین جانشینان میخوانند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از نمونه ها و موضوعات شرقی الهام گرفت. حتی افلاطون هم که مورد پذیرش متفکرین اسلامی بود زیر تأثیر نفوذ دواصل مزدائیسم قرار گرفته بود. سلوکیان که به ضعف استقرارخود درایران آگاه بودند ، ابتدا کوشیدند تا با استقرار شبکه دفاعی واستفاده ازپاسگاه های نظامی درسراسر شاهراه های بزرگی که هخامنشیان ساخته بودند ، آنها را محفوظ دارند و سلسله ارتباطات پستی دراطراف استحکامات نظامی تأسیس نموده دراطراف آن املاك نسبتاً مهمی به بازنشستگان یونانی واگذار کرده درآنجا کانی هائی بوجود آوردند ، تجمع این نفرات بزودی توسعه یافته بعضی ازآنها بصورت شهری درآمدند . اما برای مراکز ، نیل بمقام شهری وبهره‌مند شدن ازمزایائیکه برآن مترتب است مستلزم ابراز شایستگی یعنی داشتن سازمانهای ورزشی و تربیتی ، حمام‌های گرم وشورای اداری که توسط اهالی انتخاب شده و قضاتی که بوسیله شوراتعیین شده باشندبود. یونانیهائیکه در ایران ماندند ظاهراً از اقامت خود دراین کشورورزیم زندگی ، وازاینکه وابسته بپادشاهی که درمقام خدائی قرار گرفته و فرمانروای مطلق کشوراست راضی بوده اند و بعضی از این شهرها را بنام پادشاهان نام گزاری کرده بودند[1].

بنابر اطلاعات کمی که باستانشناسی ازدورهٔ استیلای یونانیان درایران بما میدهد مسلم بنظر میآید که چندین شهر یونانی درایران بوجودآمده بوده است ، واحتمال میرود که یکی ازآنها درهٔ فسا‌ی فارس بوده باشد. زیرا عده زیادی ازقطعات حجاری وسفال‌های یونانی در آنجا اززیرخاك بیرون آورده شده . یکی دیگردرمحل تپهٔ نزدیك کنگاور که بین کرمانشاه وهمدان است بوده باشد وهنوزآثاریك معبد پارت درآنجا دیده میشود که بگفته ایزیدور خساراکسی [2] بنام ارتمیس آناهیتا [3] نام گذاری شده . بازیکی دیگر باید دراطراف یامجاورت دوستونیکه ازآثارسلوکیان درنزدیکی دهکدای بنام خورهه نزدیك دلیجان در راه قم ـ اصفهان تنها برپاایستاده واقع شده باشد . مسلم است چهارمین آنها هم در محل کنونی نهاوند نزدیك ملایر بوده‌است[4]. این حقیقت ازروی کتیبه زیبای یونانی که چند سال پیش درآن‌جا بدست آمده معلوم میشود وطبق کتیبه مزبورآنتیوکوس سوم سلوکی در معبدآن شهر کیش همسرخود لائودیسه را تاسیس کرده است .

اما اطلاعات دقیق وفراوان ما درباره شهردیگریونانی است که درخوزستان درناحیه

* * *

۱ ـ نام آن شهرها بزبان فرانسه چنین است،
Séleucie ـ Laodicée ـ Antioche ـ Apamée (آپامه‌انطاکیه‌لائودیسه‌سلوکیه)

۲ ـ Isidore de Charax

۳ ـ Artemis ـ Anahita

۴ ـ بنام Laodicée de Médie

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شوش واقع بوده وحکومت فرانسه ازپنجاه سال باین طرف به‌کاوشهای باستان‌شناسی آنجا کمك میکند . کتیبه‌های دوره یونانی که‌درآنجا کشف‌شده متعلق بزمان آنتیوکوس سوم [1] تااردوان‌دوم‌اشکانی [2] است. بنابر کتیبه‌های‌مزبورآپولون وآرتمیز خدایان توأم درآن‌جا پرستش میشده‌اند. اما ظاهراً آرتمیزدرآنجا بنام الهه ایلامی«ناناثیا» [3] و معروف‌شده‌است معبدی‌درخارج‌دیوارشهرباواختصاص داده شده بود . شهردرابتدا یك‌کنتی نظامی بوده ولی بعد چنین بنظرمیآیدکه جمعیتی ازآسوریها ،کپدوکی‌ها ، یهودیها و بابلی‌هائیکه بتابعیت یونان درآمده بودند درآنجا زندگی‌کرده باشند.

درایران ازقدیم عادت براین جاری بوده که زمین‌های لم‌یزرعی‌که مورد استفاده قرارنگیرد متعلق بشاه است . باوجود این‌قسمت بیشتراراضی درتملك تیول‌داران‌وارباب بزرگی بوده که ازازمنه بسیارقدیم مالك آن بوده‌اند . این ملوك‌الطوایف درقلعه‌های مستحکم زندگی میکردند وزمین‌هارا توسط رعایائیکه برده آنها بودندکشت میکردند . این اربابها ، چه‌کوچك وچه بزرگ ازجماعتی ازرعایا وارباب حرف احاطه شده‌بودند که اشیاء مختلف مورد احتیاج ازقبیل فرش ، پارچه‌ظروف واثاثیه و ادوات‌گوناگون را میساختند . نگهبانی املاك و امنیت ساکنین‌آن بعهده جوانانی بودکه درهمین املاك متولد شده وازکودکی‌آنهارا سواری وتیراندازی وشکارمیاموختند. این روش دردوره هخامنشیان هم معمول بود.اما گمان‌نمیرودکه سلوکیان دردوران فرمانروائی خود توانسته باشنداعتماد ملاکین رابخود جلب نمایند.

مقارن سال ۲۵۰ پیش ازمیلاد قبائل پارت‌که از زمانهای قدیم در خراسان اقامت گزیده بودند بتحریك‌رؤسای خود برعلیه حکومت سلوکیان شوریدند . قدرت سلسله‌پارت های‌اشکانی‌که مدت پنج قرن[4]درایران سلطنت‌کردند درزمان آنتیوکوس‌سوم یعنی درآخر قرن سوم پیش از میلاد متشکل شده بود ولی درطی قرن دوم وزمان مهرداد اول بودکه باوج قدرت رسیده و سلوکیان را از بابل بیرون‌کردند . روح آزاد منشی و حسن سلوك فاتحین جدید مایه پیشرفت کارشان شد . آنها سازمانیراکه پیشینیانشان برای اداره امور کشوربوجودآورده بودند بهم نزدند وهیچکس را بزور و اداربقبول‌آئین‌مزداکه خودپیرو آن بودند نکردند . بطورکلی باحسن رفتار و مدارا با مردم سلوك میکردند . از در بار

* * *

۱ ـ انتیوکوس سوم، مکاس‌از۲۲۳ تا۱۸۷ پیش‌ازمیلاد.

۲ ـ اردوان دوم‌بسال ۱۲۳ پیش‌ازمیلاد درگذشت .

۳ ـ Nanaia

۴ـ از۲۴۷ پیش‌ازمیلادتا۲۲۴ بعدازمیلاد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اشکانیان نقل میکنند که در تیسفون نمایش تراژدیهای «اریپید» مورد پسند بوده است. پادشاهان اشکانی روی مسکوکاتشان ، خود را «یونان دوست» معرفی میکردند و این مطلب دلیل صریحی است که آنها رنگ یونانی بخود گرفته یا بآن متمایل بوده اند . ظاهراً یهودیها و سایر اقلیت های مذهبی درزمان حکومت ملوك الطوایفی اشکانیان که جانشین قدرت متمرکز هخامنشیان شده بودند خوشبخت ترزندگی کرده اند . اما ایران اصلی وحقیقی ازحکومت آنها ناراضی بودو با آن مقاومت میکرد و منتظر ظهور پیشوائی بود که دوباره امپراطوری سابق را تشکیل دهد و وضع حاضر را برهم زده و عظمت گذشته پرافتخاررا برای آینده تجدید نماید .

وقتی پنج قرن ونیم بعد ازسقوط تخت جمشید خانواده ساسان که اصلا پارسی بودند روی کار آمدند وقدرت را بدست گرفتند ، سواران اشکانی برق آساشکست خورده بطرف شرق فرار کردند وتمدن ایرانی دوباره حاکم برمقدرات کشور گردید . ساسانیها ، برای تثبیت قدرت وکسب اعتبار، سلسلهٔ نیاگان خود رابآخرین پادشاه هخامنشی منسوب نمودند.

پارت ها که هویتشان همانند اهالی پارنس [1] ، یکی از استانهای هخامنشی است مردمی ترقی خواه وفوق العاده اصلاح طلب و صادقانه شیفته تمدن یونانی بودند ، ظاهراً شایسته فراموشی و تحقیری که منظومه بزرگ حماسی ایران آنها را در آن نگاهداشته نیستند . زیرا آنها تاجائیکه توانستند به توسعه تجارت وامنیت راه های کشور کمك کردند. در دورهٔ سلطنت آنها نفوذ تمدن یونانی در فلات آسیای مرکزی روبه پیشرفت بود . اشیاء شیشه ای که درچند سال پیش در «بگرم» درافغانستان کشف شده است مطلبرا تائید میکند.

شهر کاروان روهترا [2] که تا زمان انهدامش بدست شاپوراول ساسانی درسال ۲۵۰ پیش از میلاد، زیر فرمان پارت ها بود ، مانند دورا [3] جلو دار شرق در برابر امپراطوری روم بود .

پارت‌ها امید دسترسی بمدیترانه راکه یکی ازآرزوهای پایدارایرانیها بود تااواخر دورهٔ خود ازدست ندادند «سپاه نیرومند اشکانی ، مرکب ازسواران ایرانی وپیاده یونانی که ازباقیمانده های سپاهیان شکست خورده سلوکیان بودند میتوانست یکی ازعوامل اصلی زوال امپراطوری پارت محسوب شود.

ازنقطه نظر تمدن نیز باید توجه داشت که درزمان پارت بود که آئین میترا یا مهر پرستی [4] قدیم آریائی ها، بطور حیرت انگیزی دوباره رواج وتوسعه یافت و پرستش و ستایش خدای خورشید چنان پیشرفت کرد که درقرن سوم میلادی چیزی نمانده بود که درروم، آئین رسمی

* * *

۱- Parnes ۲- Hatra ۳- Doura ٤- Mitra

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حکومت شناخته شود . بدون شك تجلیل‌وتمجیدآئین میترا از احساسات و ظیفه شناسی و عدالت‌وحقیقت، چنان‌درمحیط‌شرك وبت پرستی‌رومی‌که درحال‌زوال بود نفوذکرد، که‌راه را برای پیشرفت وتوسعه مسیحیت بازنمود و بعضی ازاعیاد مسیحی مانند نوئل جای گزین عید میترائی‌انقلاب‌شتوی که عید تولد «خورشید عدالت» درقالب میترا باشدگردید . نفوذآئین میترائی چنان‌بودکه «رنان» [1] میگوید : اگرمسیحیت درنشوونمای خود بعلت‌بیماری‌مهلکی متوقف گشته بود دنیامیترائی میشد.

* * *

۱ - Renan

نقشه ۳ - ایران سلوکی‌واشکانی



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۲ ایران در دوره‌های سلوکی و اشکانی

آثار باقیمانده ابنیه عهد سلوکی و پارت درخاك ایران بسیار کمند . در خور هه از توابع محلات دوستون ازیك ساختمان زمان سلوکی (عکس ۸۸) ، و در کنگاور آثار معبدی ازدورهٔ پارت های اشکانی دیده میشود که بنام الههٔ آناتی تیس[۱] نام گذاری شده. در همدان پایه ستونهائی یافت شده که بدون شك متعلق بزمانی غیراززمان معبد نامبرده است. در بیستون [۱۱۱] دو حجاری باچنان وضع بدی بجاماند ه که بزحمت میتوان روی یکی از آنها شبیه گودرز[۲] را که سوار براسب است تشخیص داد که تاج پیروزی برسر دارد و تمام آنها به سبك یونانی است که اصالت خود را ازدست داده و دارای ارزش هنری زیادی نیستند.

دردوره سلطنت اشکانیان است که تاریخ معماری طاقدار که معماری مخصوص آن دوره است درایران آغاز میشود . درحقیقت ما تاکنون، جزدو بنا ازاین نوع نمیشناسیم که یکی کاخ اولین شاهنشاه ساسانی اردشیر اول است که تاریخ آن، سالهای آخر دوره اشکانیان میباشد و باید درردیف ابنیه دوره ساسانی محسوب شود ودیگری کاخ کوه خواجه درسیستان است که بیشتر جنبه سبك مختلط ایرانی ـ یونانی دارد تاسبك ایرانی . اما دربین النهرین چندین خرابه یادگار اشکانی موجود است . مانند کاخهای آشور و هترا (عکس ۹۰) که ساختمان خالص ایرانی درلباس یونانی دیده میشود .

پارت‌ها درحقیقت ایرانی بوده اند چه، «پارتاوا» یا «پارتی» یکی ازاستان‌های هخامنشی بوده است . وقتی فرهاد دوم درسال ۱۲۹ پیش ازمیلاد آنتیوکوس سیده‌ای[۳] را مقهور کرد و اراضی وسیعی را که بین دجله و فرات تا «آراکوزی» گسترده بود تسخیر کرد و بگونهٔ سلسله‌ای ایرانی، دربین النهرین مستقر گشته سلطنت کرد. معماری رسمی دوران او مانند معماری سلوکیان بسبك یونانی بود، اما پارت‌ها که بساختمان‌های وطنشان خراسان

* * *

۱ـ Anaïtis ۲ـ Gotarzès ۳ـ Antiochos de Sidé

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عادت کرده بودند کاخها وخانه‌های مسکونی خودراطبق اسلوب خاص خود ساختند وآنهارا باتزئینات یونانی آراستند . اما کم کم کاربجائی رسید که بیشتر ساختمان میکردند وکمتر بتزئین میپرداختندیعنی بمرورکه نفوذ یونان درآسیا روبزوال میرفت وشهرهای یونانی یکی پس ازدیگری بروم می‌پیوستند، پادشاهان اشکانی که به یونان‌پرستی وپشتیبانی‌ازیونان دربرابرروم‌معروف شده بودند ، چه درسیاست وچه‌درهنر ،روشی اختیار کردندکه بیش‌ازپیش رنگ ملیت ایرانی بخودگرفت . اما دردورهٔ پادشاهان کاملا ایرانی ساسانی بودکه‌اعتبار ونفوذ هنریونانی یکباره‌درایران ازمیان رفت. اماهنوزهم درکاخهای تیسفون (عکس ۱۱۰) وسروستان یادگاری اگرنه ازمعماری ، دست‌کم ازتزئینات آن یافت میشود .

میتوان حدس زدکه شهراشکانی که روی خرابه‌های آشورپایتخت قدیم آشوری‌ساخته شد وقسمتی ازآن درسال ۱۱۶ بدست سپاهیان تراژان‌ویران وبعد دوباره ساخته وبالاخره درسال ۱۹۸ درطی‌لشکرکشی«ستیم‌سه‌ور» به‌بین‌النهرین بکلی‌ویران گردید، متعلق به‌قرن‌اول میلادی بوده‌است .کاخ آشورمیبایستی قسمتی درمرحله اول ساختمان شهر ساخته شده باشد وقسمت‌دیگردرمرحله‌دوم[۱۱۲]. هترا تقریباًدرپنجاه کیلومتری‌آسورواقع‌شده وکاخهای‌آن باید بعدازمحاصره شهرتوسط تراژان‌ساخته شده باشد، بنا براین معاصرمرحله دوم‌ساختمان آسوربوده است . باوجود این ساختمان‌های اشکانی دراین دوشهر چه ازنظرنوع وچه از نظرمصالحی که درآن بکاررفته‌باهم تفاوت کلی دارند .

قدیم ترین ابنیه اشکانی درآشورباخشت خام وآجرساخته شده اند. بکاربردن آجر بطوریکه گذشت،ازهزارهٔ سوم پیش ازمیلاد دربابل معمول بوده وبعد ازآن درکاخ ساسانی دامغان و در دوره اسلامی درتاری خانه دامغان [۱۱۳] بکاررفته وامروزهم معمول است [۱۱۴].وسیع ترین تالارهای کاخ اصلی باسقف‌آجری پوشیده وبامش بصورت صفه ساخته شده بود. امایکی ازآنها ازجهت طول بوسیله دوقوس که به‌پایه های راستگوش متکی بود وباکلاف های عرضی،[۱۱۵] به قسمت تقسیم شده بود. این سبك ساختمان باین‌سادگی ودر عین حال منطقی در بسیاری ازکشورها اختراع شده بدون‌آنکه کسی مترصد بدست‌آوردن منشاء اصلی وواحدی برای‌آن بوده باشد. بعضی ازاین ساختمانها دارای قوس های عرضی حامل طاقهائی هستند مانند آنهائیکه‌درآشورمی‌بینیم، یادرتیسفون، درطاق کسری‌یادربغداد[۱] ، خان ارتما ، یادر ایران ، درابرقوی فارس وتربت شیخ جام وغیره ، یادرفرانسه در «سن فیلیبر» [۲] درفارژ، دردیره فونتنی » [۳] وغیره. بعضی دیگرحامل سقف هائی باتیرهای چوبی وبام مسطح میباشندکه درسوریه ، ماوراء اردن ودرایران درایوان کرخه هستند.

* * *

۱ – Khân Orthma

۲ – St.Philibert de Tournus ۳ – Fontenay

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درهترا این قوس ها با سنگ تراش دیده ودرزهای شعاعی می‌باشند [۱۱۶](عکس ۹۰).
در آسور وهرجاکه سقف های استوانه ای وجود داشته ، مانند سقف راهروهای کاخ ، این سنگ های سه‌بر بکاررفته است . این اسلوب قدیمی درشرق وهرجاکه برای پوشش سقف هـا چوب بدست نمیآید معمول بوده‌است . مانند مصر که انبار های رامسس دارای سقف طاقی هستند، یا دربابل درمقابر ودرایران مجاری قنوات همیشه وهم اکنون چنین بوده وهست .

معماری اشکانیان ، ازنظرساختمان خیلی معمولی ومتعارفی بوده وچنین بنظرمیآید که آنها فقط یك نوع سقف میشناخته اندآنهم سقف های استوانی بوده است. امابخاطروقار ساختمان ، ایوان را اختراع یاازپیشنیان خود درخاورایران اقتباس کردند.

این طاقهای بلندکه باتمام بلندی‌وبیشتراوقات باتمام پهنای خود درجبهه ساختمانها دیده میشود بعداً برای پادشاهان ساسانی بصورت بارگاه و در دوره اسلامی بمشابه زینت جبهه ساختمان وحیاط مدارس علوم دینی ومساجد وکاروانسراهای ایران درآمد.

این ایوانهای بلند تزئینی ازاشکانیان نه درخاورایران وجود داشت ونه درباختر. زیرا قدیم ترین این نوع آثارکه مامیشناسیم درفیروزآباد است که پیش ازدوقرن مؤخر بر کاخ آسوراست که درآغازدوره اشکانیان دربین‌النهرین بوجودآمده وظاهراً بدست سازندگان پارت ساخته شده است.

پیکراصلی کاخ هترا، ابتدا جزدوایوان بزرگ که بااطاقهای کوچك به دوطبقه [۱۱۷] تقسیم شده بودند نبود (عکس ۹۰). بعداً دو ایوان بزرگ دیگرپهلوی هم بآن افزوده شده بطوریکه و ضع قطعی ساختمان بصورت جبهه طویلی مرکب از چهارایوان نمایش یافت [۱۱۸] درپشت یکی ازایوانهای قدیمی و چسبیده بآن، یك تالارچهارگوش باسقف استوانی ساختند واین اولین آزمایش ترکیب ساختمانهائی بااین نوع سقف بودکه دردوره ساسانیان درایران رواج یافت ودردوره اسلامی اهمیت قابل ملاحظه ای کسب کرد وبشکل تالارچهار گوشی درآمدکه گنبدی برفرازوایوان بلند و عمیقی درجلوی آن بمنزله و رودی [۱۱۹] تجسم یافت (شکل ۵۳) . ساختمانها دیگری هم درهتراکشف شده اندکه عبارتند ازکاخهای کوچك ، معابد وخانه های شخصی . یکی ازآنها مرکب است ازیك ایوان پهناوری درجبهه واطاقهائی درسه جانب آن. دربنای دیگراطاقها درطرفین ایوان واقع شده اند . بنای سومی دارای سه ایوان است که پهلوی یکدیگر قرارگرفته و اطاقها در پشت آن واقع شده اند . بنای چهارم مرکب ازسه ایوان مترادف است کـه رواق ستون داری در جـلوآن است . پنجمین بنا ایوانی است که اطاقهائی دریکطرف آن ساخته شده ودرجلوآن تالارستون داری بااسلوب یونانی قراردارد .

کاخ اشکانی آسور نمونه‌ای ازترتیب ایوانهائیست بمنزلهٔ رواق شبستانهای مربع، که در

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دوران اسلامی مقام درخشانی را احراز کرد : چهارایوان در چهارطرف حیاط چهارگوش [۱۲۰] (شکل ۱۵٤) یعنی شکل عمومی مدارس علوم دینی ومساجدوکاروانسراهای ایران. وهیچ تردیدی نیست که این سبك وطرح هم از شرق کشورآمده‌است. « دیودور » از اهالی سیسیل که معاصر اشکانیان بوده درکتاب خود نوشته است: مردم ناحیه غرنین در افغانستان خانه های خود را در قدیم باین شکل میساخته اند . این سبك در دوره سلجوقیان هم معمول‌بوده ومحققاً ازمدتها پیش ازآن[۱] [۱۲۱] سبك ساده ترین خانه های‌بامیان[۱۲۲] بوده است .

بنابراین دردوره اشکانیان بوده است که‌ایوان ازخراسان به‌بین النهرین‌آمده‌است. وجود ایوان ورودی‌شبستانهاوبقاع متبرکه که‌نمونه‌آن درفیروزآبادوخانه‌هاومدارس‌خراسان دیده‌میشود ، وقسمت معماری‌مدارس‌بزرگ نظام‌الملك مشخص‌آن سبك‌است ، نقش بزرگی درتاریخ معماری ایران دارد .

تاآنجاکه از روی نمونهٔ تقریبا واحد هترا میتوان‌قضاوت‌کرد، دیوارهای‌کاخهای اشکانی بین‌النهرین، ازبیرون‌اندودیااستادانه‌باسنگ‌نماسازی شده وباستونهای چهاربرونیم ستونهائی‌که بالای‌آن‌بانقوش نباتات واشکال‌دیگری تزئین شده بودندکه از هنررومی‌اقتباس شده بودند [۱۲۳]. امادرباره تزئین قسمت داخلی تالاربارهترا که بی اندازه خراب شده اطلاعی نداریم . اما «فیلاسترات» نویسنده معاصرآن زمان درباره تالاری نظیرکاخ یکی‌از آخرین پادشاهان اشکانی چنین میگوید : «... تالاری است باسقف مرصع به سنگ های لاجورد درخشان برنگ‌آسمانی. درزمینه‌آبی رنگ سنگها، باطلا شکل خدایان‌که مانند ستاره های‌آسمان میدرخشیدندنقش شده. درآنجاشاه هنگام دادگری جلوس میکرده‌است.» ودرباره تزئین تالاردیگری چنین میگوید: « .. ماه وخورشید وستارگان وهمچنین‌تصویر شاه درآسمانی ازبلورمیدرخشیدند .»

بنابراین چنین پیدا است‌که طرح ساختمان‌کاخهای شاهی دوره اشکانی‌کاملاشرقی بوده اند امانمای خارجی برعایت اسلوب وقت،یونانی، یایونانی نمابوده است.

درکوه خواجه [۱۲٤] درخاورکشور، تزئین داخلی قسمتی ازکاخ راکتیبه هائی منقوش که کم و بیش اثر هنریونانی درآن بوده تشکیل میداده است. خانه های متعارفی که ازگل خام وکمی چوب ساخته میشدند بطورکلی مرکب از تالاری ستون دارباروا‌قی

* * *

۱ـ D. Schlumberger درسال های ۱۹٤۹ـ ۱۹٤۸ میلادی در افغانستان یکی ازکاخهای متعلق‌به محمود غزنوی (۹۹۸ ـ ۱۰۳۰ میلادی) راکشف‌کرده که‌حیاط مربع‌آن، در هریك از اضلاع ایوان باشکوهی داشته است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گشاده بوده‌اندکه هنوزدرطول راه های ایران بچشم میخورد.

امـا ساختمانهـای مذهبی دردوره سلوکی واشکانی یاکاملا ایرانی بوده اند، مانند «بدرنشاندە»، «شیز» و«میدان نفت» یاتقلیدی ازساختمانهای یونانی مانند«خورهه» وکنگاور و همچنین نهاوند . بعضی دیگرکه تاکنون کشف نشده اند باحتمـال زیاد بایدبه نسبت های متفاوت ممزوجی ازهردوسبك باشند. برای روشن‌بینی کلی دراین مسئله‌مهم، خوب است تا دوره هخامنشی بعقب برگردیم .

چنانکه هرودت میگوید : «برپا داشتن مجسمه خدایان وساختن معابد ومـذابح ، بین ایرانیها مرسوم نیـست. برعکس بکسانیکه این‌کار را میکنند نسبت جنون میدهند . عادت‌آنها براین است‌که برفرازکوه هـای بلند قربانیهای خـودرابه زئوس [۱۲۵] که نامش رابه تمام پهنه‌آسمان میدهند تقدیم‌کنند .آنها برای ماه ، خورشید ، زمین وآتش و بادها قربانی میکنند . اینها تنها خدایانی هستندکه ایرانیها ازقدیم ترین [۱۲۶] از منه برایشان قربانی میکنند.» بنابراستراین «پارسی ها برای خدایان خود، نه مجسمه‌میسازند نقربانگاه آنها درجاهای بلند وزیرآسمان بازقربانی میکنند ..[۱۲۷]». ازطرفی‌داریوش اول درکتیبه بیستون بساختن مجدد آتشکده ایکه‌کوماتای مغ ویران‌کرده بود [۱۲۸] افتخارمیکند.آپادانا، پرستشگاه و«جایگاه پنهانی‌آتش یزدانی» و محراب مقدسی است‌که مغان ازآن‌نگاهداری میکردند ودرآنجا بعبادت میپرداختند».

بنابراین هخامنشیان‌معبدی بمعنی یونانی‌کلمه نداشته اند. اما جایگاههائی درهوای آزاد و درنقـاط مرتفـع بنام آتشکده و عبادتگاه داشته اندکه ورود بآن برای همه‌آزاد نبوده است

ماهنوزهیچیك ازاین نقاط مرتفع هخامنشیان را نمیشناسیم اماآثاری ازچندآتشکده سراغ داریم. قدیم ترین‌آن، که احتمـالامقدم‌برسلطنت اولین پادشاه پارس برد، همان است که درنقش رستم، نزدیك تخت جمشید بوده است. بدون تردید این جای مرتفع وسراشیب که دردامنه‌آن داریوش اول وجانشینان اوقبرخودرا حفرکرده بودند ، جائی مانندصخره بیستون دربالای‌کوه«پارو» ،نزدیك‌کرمانشاه، «جایگاه‌خدایان»بوده است. قبورهخامنشیان بهمان انگیزه ای درآنجاکنده شده بودکه محرك داریوش به‌حك‌کتیبه معروفش دربیستون گردید . هزارسال پیش ازآن، ایلامی هـادرآنجاحجاری ای بیادگارایمـان خود نسبت بخدایان محل ساخته بودند . بنابراین جای تعجب نیست‌که یك‌آتشکده مزدائی درچنین مکان مقدسی برپاکنندکه‌آتش‌آن‌حتی‌جلگه عظیم مرودشت را بعبادت دعوت‌کند. اکنون از آتشکده مزبورجزدوآتشگاه مجاورهم دیده نمیشود (عکس ۳۵) و قدری‌بالاتردربالای‌کوه، هفت آتشگاه دیگرهست‌که چهـارتای آن دوبه دوقرارگرفته و سه تای دیگرتك هستندکه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

استعمال نمیرود به قدمت اولیها بوده باشند، اما بطوریکه کریستن سن میگوید: «آتش جاودان باید جائی داشته باشد که از گزند زمان درامان ومحفوظ بماند.» وبدیهی است که درآنجا یادرنزدیکی آن آتشکده ای بوده که دوآتشگاه نامبرده ازمنضمات آن بوده وآتش لازم برای انجام مراسم عمومی رااز آنجامیآورده اند.

دومین آتشکده هخامنشی برحسب تاریخ کـه اخیراً شناخته شده، آنست که درپازارگاد، پایتخت کورش بزرگ بوده وازآن جزدوصفه سنگی که درنزدیکی بستررود خانه واقع شده چیزی باقی نیست واین پایه های آتشگاه متعلق به آتشکده ایست که درفاصله صد متری آن ساخته شده واکنون اگرچه از خودآن اثری باقی نیست، دست کم صفه ایکه ساختمان روی آن قرارداشته دیده میشود . درساعات معینی آتش توسط مغان به آتشگاه ها آورده میشده «زیرا مراسم مربوطه میبایستی درهوای آزاد انجام شود» بعد ازاتمام کاردوباره آنرا به آتشکده برمیگردانده اند مجموع ساختمان آتشکده وآتشگاه های مربوط بادیواری که اثرآن باقی است محصور بوده است.

اگرسئوال شود که چرا آتشگاه ها آنقدراز آتشکده دوزبوده اند، باید دانست که محل آتشکده باید درمرتفع ترین وپاك ترین نقطه وجای آتشگاه درنزدیکی رودخانه باشد. بعلاوه ممکن است انتخاب محل آتشگاه در مجـاورت آب که آتشکده بستگی مخصوصی بآن دارد از لحـاظ تشریفات بدست آوردن آن باشد نه الزام مذهبی . باوجـود این بطوریکه «استرابن» میگوید: «ایرانیها باشکوه ترین قربانیها خودرانسبت بآب وآتش بجامیآورند» اگرفرض اخیریعنی ترجیح استقرارساختمانهای مربوط بآتشکده درمجاورت آب موردقبول واقع شود، چنین توجیه میشود که قربانیها درآن واحد، هم برای آب وهم برای آتش بوده اند . و علت وجود آتشگاه های دوگانه هم که آنقدرمورد بحث قرارگرفته همین بوده است .

«فلاندن»[1] درکتاب «مسافرت درایران» می نویسد: «این دوآتشگاه»[2] که در مجـاورت یکدیگر قرارگرفته ومانند آتشگاه های نقش رستم بشکل دوقلودرآمده اند، دومین نمونه ای هستند که ما بآن برخورده ایم. این مطلب مارا باین فکرمیاندازد که پرستش یاقربانی ایرانیهای آتش پرست متساویاً باحترام دوخدا صورت میگرفته است . آیانمیشود چنین نتیجه گرفت که گبرها[3] که معتقد بوده اند بشر بین دونیروی نیك وبد قرارگرفته است ، مناسب دیده باشند

* * *

۱ـ Flandin

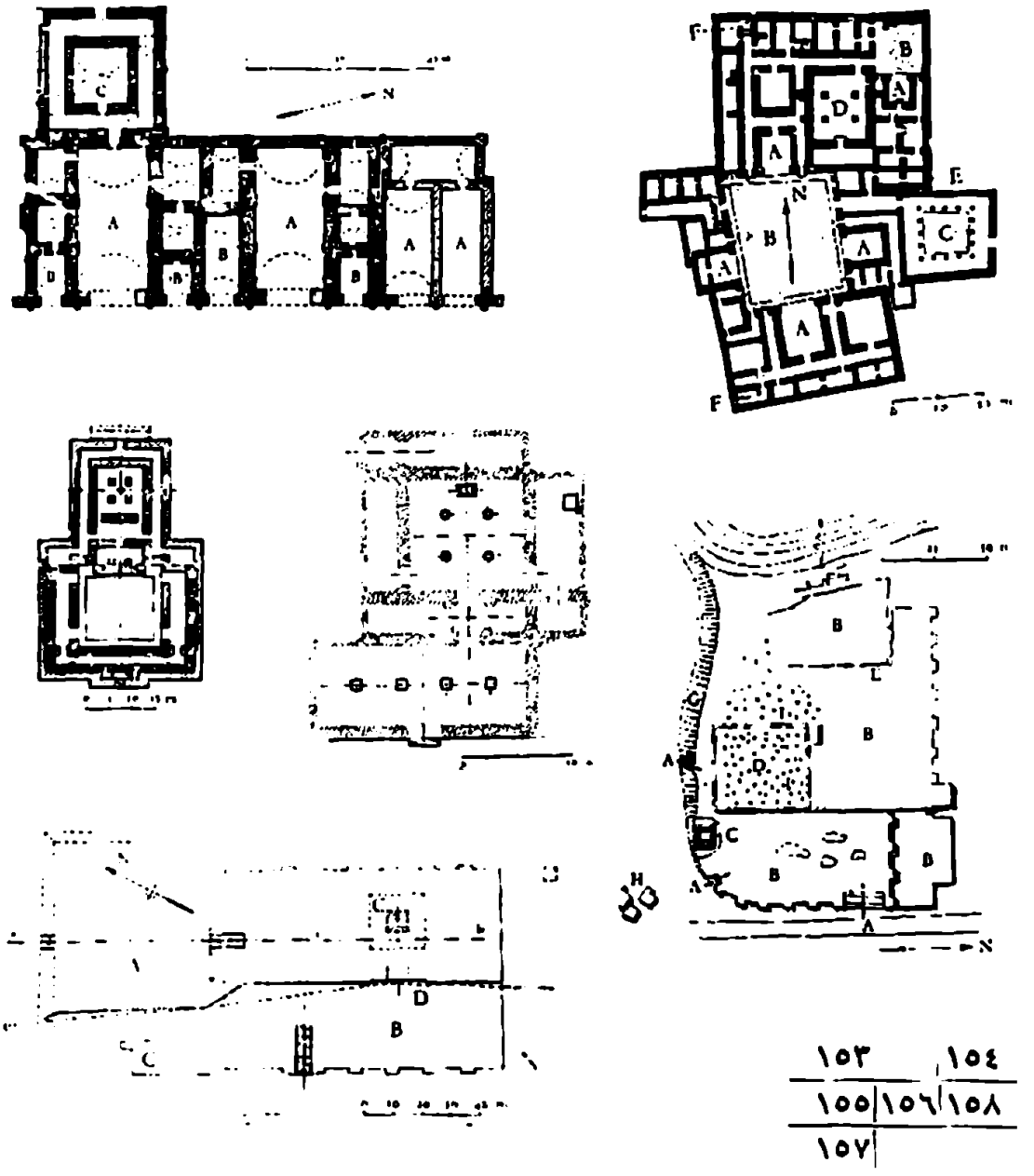
۲ـ آتشگاه که جایگاه درجه دوم آتش است . گمان میکنند جائیست که پرستندگان برای ادای فرایض دینی درآن اجتماع میکرده اند وتنها مغان حق ورود بآتشکده اصلی را داشته اند.

۳ـ ریشه کلمهٔ گبر برما معلوم نیست ولی بایرانیان زرتشتی مذهب اطلاق میشود که تقریبا صد هزارنفرشان اکنون درهندوستان زندگی میکنند ونزدیك ده هزارنفرهم هنوزدرایرانند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۱۵۳	۱۵۴
۱۵۵ ۱۵۶	۱۵۸
۱۵۷	

۱۵۳ ـ نقشه‌کاخ هترا ـ A، ایوان بزرگ .A، ایوانهای‌جفت .B، بخشهائی دردوطبقه.C، تالارچهارگوش باطاق‌گهواره ای.

۱۵۴ ـ نقشه‌کاخ‌آسور ـ A، ایوان.B، حیاط.C، پریستیل .D: تالار ستوندار.E ،آشپزخانه .F، گرمابه‌ها.

۱۵۵ ـ نقشهٔ آپادانای شوش

۱۵۶ ـ نقشه‌آتشکدهٔ تخت‌جمشید .

۱۵۷ ـ نقشه وبرش‌بدرنشانده ـ A : صفهٔ پائین . B ، صفهٔ بالا .C: سکو.D. برش بر ـ امتداد a-b

۱۵۸ ـ نقشهٔ مسجد سلیمان ـ A: پلکانها .B، صفه ها .C بنا .D، صفهٔ بلند .E، اثردیوارها .F، اثرباقیمانده‌ساختمان‌ها.G، خاکریزی‌شیب‌دار.H: مساکن .I، گورستان مسلمانان .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عبادات خودرا نسبت بهردو، که نمایندهٔ یکی امورمزدودیگری اهریمن است بجاآوردند؟[۱۲۹] ولـی من گمان نمیکنم ایـران هرگز تا این انـدازه بهدوگانه پرستی معتقد بوده باشد. «نورپاك که نشانه خیراست هیچگاه نمیتواند باحترام خدای ظلمت بدرخشد.» وتوجیهی که مادرجستجویش هستیم یعنی علت فاصله بین آتشکدهٔ پازارگاد وآتشگاه های مذکور ودلیل وجودآتشگاه‌های دوگانه‌هردودرجمله‌استرابن پیدااست که‌میگوید: ایرانیان قربانیهای باشکوه خودرا باحترام آب وآتش بجامیاورند.»

بقایای‌سومین آتشکده (شکل۱۵۵) درجلگه‌شوش‌در چندکیلومتری‌شهر توسط «دیولافوا»[۱] کشف شده‌است. آن بنای زیبائیست که ترکیبش بوضوح محل اصلی آتش رانشان‌میدهد که دودیوارآنرا از هرگونه پلیدی یابی حرمتی‌حفظ میکرده است. جلوخان سرپوشیدهٔ ستون دارآن که درجلو بناواقع شده بادو محراب محل موعظه و عبادت‌آتشکده بود ووعاظ دربالای‌پلکان‌می‌ایستاده وحضاردرحیاط جمع میشده اند [۱۳۰]. دیولافوا این ساختمان را باردشیردوم (۳۵۸-۴۲۴ پیش ازمیلاد) نسبت میدهد.

ازاین‌سه آتشکده‌غیرازآتشگاه های‌نقش‌رستم ودوصفه پازارگاد وصفه ونقشهٔ‌ساختمانی نزدیك شوش چیزی بجـانمانده است. بنابراین ما ازنظرهنری ازآن تقریباهیچ نمیدانیم وشاید چیزقابل توجهی هـم نداشته اند. آتشکده نزدیك شوش که‌بهترمانده، ازخشت خام و ستونهای‌چوبی ساخته‌شده ودیولافوا قسمت‌زیرین‌آنرا مشاهده‌کرده. این بناتفاوت‌چندانی باساختمانهای متعارفی‌که نظیرش هم اکنون‌درکنارجاده های‌کشوردیده میشود ندارد.

آتشکده دیگری هم توسط «هرتسفلد» درپای صفه تخت جمشید کشف شده. نقشه‌آن مرکب ازتالاری است باچهارستون ورواق طویلی درجلوآن ودرسه طرف دیگرش اطاقهای کوچکی است که یکی ازآنها درسمت راست‌کمی و سیع ترازسایرین وخلوتکده‌آتش بوده است[۱۳۱]. درآنجاهنوزتخته‌سنگی که‌آتشدان‌روی‌آن‌قرارداشته دیده‌میشود. پیروکاوشهائیکه درنقاط دیگر بعمل‌آمده، کتیبه‌هائی‌یونانی کشف شده‌که «قدیم ترین هویت خدایان زرتشتی وتطابق‌آنهارا باخدایان‌یونانی» نشان میدهد. دریکی‌ازآنها، روی‌جـزهای طرفین درگاهی، نقش پادشاهی باهمسرش‌حجاری شده. بااینکه این‌حجاری هاخیلی‌آسیب دیده باوجوداین هرتسفلد توانسته است شخصیت مرد را یکی ازنخستین امرای سلسله کـوچـك فراتادارا[۲] بشناسدکه احتمالااولین خاندانی‌بوده است که مقارن اواخرقرن سوم پیش‌ازمیلاد دراسطخر

* * *

۱- Dieulafoy

۲- چهاردرهمی Tetradrachme های ناحیه‌پرس‌پولیس (عکس‌های۸۲و۸۳) نظراسترابن‌را راجع‌به قدرت مذهبی ومادی شاهان سلسله فراتا دارا Fratadara درفارس‌تایید میکنند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

واطراف آن حکمرانی کرده اند. وضع او که یکدست را بلند کرد و با دست دیگر ترکه های مقدس را بدست دارد او را بحال عبادت و دعا نشان میدهد. درجرز مقابل او، ملکه اش لباس بلندی که تامچ پامیرسد وروی آن شالی پوشیده است و چین های پارچه بوسیله خطوطی که خیلی زمخت و ناهنجار حکاکی شده نمایش داده شده اند. این اشکال بدون برجستگی وخیلی بدنقاشی شده مانند هیولای مسطحی با برجستگی مختصر نسبت به زمینه با مقایسه با حجاری های لطیف ودقیق تخت جمشید، شهادت به تکنیک ابتدائی میدهد.

حقیقة ملاحظه اینکه در طول دو سه نسل حجاری درخشان هخامنشی راه انحطاط پیموده و بچنین صورت بی معنی درآمده بسیارشگفت آور است. رسوم هخامنشی دستخوش سهل انگاری یا تحقیر گردید. حجاری ایرانی مهارت خود را ازدست داد وکوششی که بعداً برای تقلید ازهنر یونانی بعمل آمد نتیجه ای جز کارهای بی ارزش و فاقد مهارت نداشت. اما این انحطاط را نباید ناپدید شدن روح هنری ایرانی تلقی کرد، زیراچنانکه دارمستتر میگوید نخست باید دانست که آیا هنر هخامنشی که بیشترجنبه «تجمل شاهانه» داشت متناسب وهم آهنگ باعوامل حقیقی ایران آنزمان بود و آیا طبیعی نیست که هنری که بر پایه تجمل پرستی شخص شاه متکی باشد باسقوط اوسقوط کند؟ اینراهم باید دانست که هرگز وجه مشترکی بین هنر یونانی وایرانی وجود نداشته است، بنابراین تقلید یکی ازدیگری محکوم به شکست است.

تصور اینکه ازبین رفتن یکی از خصوصیات هنر ملتی مستلزم از میان رفتن یا انحطاط روح هنری آن ملت است بنظر من پذیرفتنی نیست. این تقریبا مانند آنست که بگویند: پس ازمتروك شدن سبك پر تجمل وجلال قرن نوزدهم، آداب ورسوم فرانسه و درنتیجهٔ آن هنر فرانسه ناپدید گردید. واین درست نیست. چه، ذات هنری هرملتی دربرابر مرور زمان باندازهٔ روح آن ملت غیرقابل تغییراست. آنچه تغییرپذیراست ولزوماً باید چنین باشد صورت ظاهر آثار اوست. دراین باب مطلبی را باید یادآورشوم که چه برای زمان ماوچه برای گذشته بی ارزش نیست وبما اجازه میدهد که درزمینه تاریخ هنر، خود نمائی حیرت انگیز نقاشی و حجاری امروز وهمچنین هنر حیرت آور ومجلل شرقی را با تقلید وآمیزشش باهنر یونانی که نسبت بآن بیگانه است بپذیریم. تذکر من بطور کلی درباره حیات هنر است.

مسلم است که انسان «کرومانیون»[1] پیشرفتهائی کرده است. باوجوداین هنرمندامروزی بهتر از انسان دوره غارنشینی طراحی نمیکند، بدیهی است مقصودم از بیان این عبارت رنجاندن کسی نیست. هرگز کسی نتوانسته است حیوانات را روح دارتر و با خطوطی مطمئن تروررساتر ازآنچه اجداد تربیت نشده وفرهنگ ندیدهٔ ما در «فن دگوم»[2] و «التمیرا»[3] و «لارتت»[4]

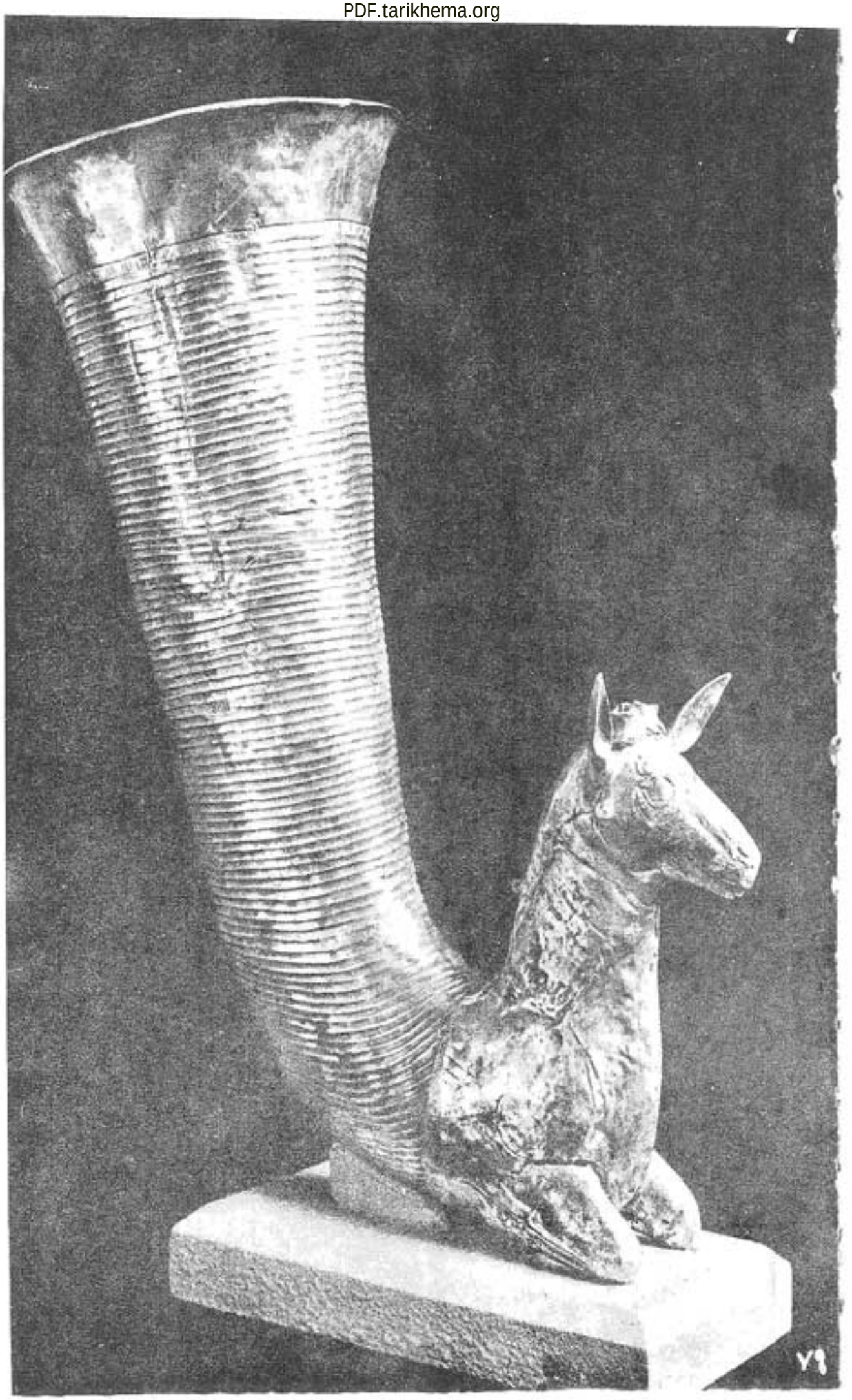
* * *

۱ـ Cro - Magnon ۲ـ Fond - de - Gaume
۳ـ Altamira ۴ـ Lorthet

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



٨٠

٨١

٨٢

٨٣

٨٤

٨٥

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسهای از ۷۹ تا ۹۶ .

۷۹ ـ مشربهٔ نقره‌ای. دورهٔ سلوکی، قرون چهارم و سوم پیش از میلاد . بلندی ۲۰ سانتیمتر موزه لوور ـ پاریس . با نمونهٔ هخامنشی که درعکس ۷۸ آمده است و آنهم از نفوذ هلنیزم بر کنار نبوده مقایسه‌شود.

۸۰ ـ پشت یك چهاردرهمی نقرهٔ سلوکوس اول . اوایل قرن سوم پیش ازمیلاد قطر، ۱/۸ سانتیمتر . بخش مسکوکات کتابخانه ملی پاریس . نوشتهٔ آن بخط فرانسه چنین است : Basiléos Séleucos.

۸۱ ـ پشت یك چهار درهمی نقرهٔ سلوکوس اول . اوایل قرن سوم پیش ازمیلاد قطر ، ۲/۷سانتیمتر . بخش مسکوکات کتابخانه ملی پاریس . نوشته‌آن مانندسکهٔ عکس ۸۰ است.

۸۳،۸۲ ـ دوروی یك چهاردرهمی مفرغی ، شاهزادهٔ فارس . اوایل‌قرن سوم پیش‌ازمیلاد. قطر ، ۲/۵ سانتیمتر بخش مسکوکات کتابخانه ملی پاریس . نیمرخ Oborze که گویا در زمان سلوکوس اول،در استخر وتخت جمشید حکومت میکرده،درروی سکه، باکلاه‌ساتراپی با چانه بند ونقاب به سمت راست مینگرد. درپشت سکه ، شاهزاده درسمت چپ بنائی‌که گویاآتشگاه‌است ایستاده ، درسمت دیگر بنا درفشی نقش شده است . این‌گونه سکه‌ها بر خلاف نمونه‌های پیش تماماً ایرانیند .

۸۴ ـ چهاردرهمی‌نقرهٔ‌مهرداد اول .از۱۳۸ تا ۱۷۰ پیش‌ازمیلاد. قطر ، ۳سانتیمتر. بخش مسکوکات‌کتابخانه ملی پاریس . نفوذهلنیزم دراین نقش نیز بخوبی دیده میشود.

۸۵ ـ چهاردرهمی نقره ـ منسوب به اولین شاهان اشکانی . قرن دوم‌پیش ازمیلاد. قطر، ۲ سانتیمتر . بخش مسکوکات‌کتابخانه ملی پاریس .

این سکه‌کاملا ایرانی و به نمونه‌ای که در عکسهای ۸۲ و۸۳ آمده نزدیك است .

۸۶ـ چهاردرهمی‌نقرهٔ‌بلاش‌اول‌قرن‌اول‌میلادی. قطر ،سه سانتیمتر . بخش مسکوکات‌کتابخانه ملی ـ پاریس. بلاش‌اول‌که از۵۱تا۷۷میلادی سلطنت کرداو لین پادشاهیست‌که مسکوکاتش دارای خصوصیات سامی است . دوران وی همزمان باکاهش نفوذ هلنیزم درایرانست .

۸۷ ـ دریاچهٔ سحرآمیز درشیز(تخت‌سلیمان کنونی) .

این دریاچه ، واقع دریکی از نقاط مرتفع ایران مزدائی ، ازهفت نهرتغذیه میشود و (درمتن‌کتاب جریان این‌نهرها بقول«یاقوت» ازسمت دریاچه به بیرون آمده است .م) و بخاطراینکه همواره لبریزاست از دورانهای باستان مشهوربداشتن‌معجزاتیست. درنزدیکی آن یکی ازمراکز بزرك مذهبی‌ساسانی‌که در آن « آتش‌کشاورزان » میسوخته است برپا بوده است . آثارابنیه بسیارکمی‌که درآنجا باقیست‌گمان تعلق آنها را بدوران پارت و ساسانی پدیدآورده است .

۸۸ ـ دوستون‌خورهه ـ ناحیه‌کاشان‌ـدوران سلوکی به بلندی بیش از ۱۱ متر. مدتها گمان‌میرفت‌که‌این‌دوستون‌ازمعبدی‌سلوکی‌باشد. اماکاوشهای سال ۱۹۵۶ گروه باستانشناسان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایرانی این گمان را تایید نکرد ند ، زیرا نه سکه و نه نوشته‌ای که بوجود مجموعه بنائی درآن ناحیه اشاره کند بدست نیآمد .

۸۹ ـ نقش برجستهٔ تنگ سروك. خوزستان. قرن دوم میلادی . بلندی بیش‌ازدومتر. ایـن نقش برصخره‌ای بارتفاع هفت مترازسطح‌زمین در مال امیر (ایزهٔ قدیم) واقع وفـاقد ارزش هنری بوده ظاهراً دردورهٔ اشکانی ساخته‌شده است.

۹۰ ـ خرابه‌های کاخ هترا (عراق) . قرون اول ودوم میلادی .

بخشی است ازکوی اداری ومذهبی‌شهر بشکل راسنگوشه . شهر کاروانروهترا دارای حصارو برجهای گردوخندقی وسیع بوده است ساکنین عرب شهر، تابع حکمرانان پـارت و معماری آن نیز بسبك پارتی بوده است .

تراژان وستیم سه ور امپراطوران روم برای بدست آوردن این‌شهر، بی‌نتیجه جنگها کردند اما نیم قرن‌بعد ازآن ، بدست‌شاپور اول‌ساسانی (عکسهای ۱۰۱/۱۰۳/۱۱۸ وغیره) گشوده‌شد ومعابدآن ویران گردید . اشیاء متعلق‌به شهر قدیم هتراکه توسط‌کاوشگران‌عراقی‌پس ازسال ۱۹۵۰ بدست‌آمده درموزه‌های موصل وبغداد موجودند .

۹۱ ـ نقش‌برجسته منسوب‌به اردوان‌پنجم . شوش . قرن سوم‌میلادی. وسعت، نزدیك یکمتر مربع. موزهٔ‌ایران باستان . این نقش‌که توسط هیأت باستانشناسان‌فرانسوی یافته‌شده‌ـ بقدری سطحی‌طرح وکنده‌شده است که گوئی ذوق و مهارت هنری دراواخردورهٔ اشکانی روبزوال بوده‌است .

۹۲ چهرهٔ زنانه ـ تل‌چنار، شامی(خوزستان) قرن‌اول‌میلادی. بلندی۱۲/۹ سانتیمتر. موزهٔ‌ایران باستان . این‌نقش برصدف‌کنده شده وبرسطح دیگری درمیان مجموعه‌ای‌ازنقوش کمانداران (عکس ۹۳) وسوارکاران می‌نشسته است .

۹۳ کماندار. نقش‌برصدف. شامی ، نزدیك‌مال امیر . قرن اول میلادی بلندی۸/۷ سانتیمتر موزهٔ ایران‌باستان ـ تهران .

۹۴ ـ مجسمه‌مفرغی شاهزادهٔ پارت . تل‌چنار شامی(خوزستان). قرن‌اول‌میلادی بلندی۱/۹۴ متر. موزه‌ایران باستان ـ تهران . این‌مجسمه بسال ۱۹۳۳ هنگام ساختمان‌خانه‌هائیکه‌برای اسکان‌عشایردردامنهٔ‌کوههای‌بختیاری بناشد ، همراه‌مجسمه‌های مرمری‌ومفرغی متفرق‌دیگر بدست‌آمده‌است.

۹۵ ـ سر مجسمه مفرغی عکس ۹۴. اجرای خطوط چهره‌باحساسیت وحقیقت‌گرائی خاص انجام یافته‌وشباهت شیوهٔ‌اجرای آن‌باسکه‌های اشکانی دلیل‌تعلق‌آن به‌قرن اول‌میلادی است .

۹۶ ـ سرمرمری شاهزاده‌خانم پارت .شوش اواخرقرن اول‌میلادی . اندازه حقیقی .موزهٔ ایران‌باستان ـ تهران .

تاج‌کنگردارخاص‌شاهان‌ایرانیست، نوشته ای که‌برآنست تاریخ دوران پارت ونام سازنده آنرابهمراه‌دارد : «آنتیوکوس فرزند دریاس» درسال۱۹۳۹، فرنتس‌کومون،ویراچنین‌معرفی کرده است .

ملکه‌موزا، کنیززیبائیست که‌اگوست‌امپراطور روم‌به فرهاد چهارم اشکانی که ازسال ۳۷ تا دوم‌پیش ازمیلادسلطنت‌کرده‌برسم‌هدیه‌فرستاده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

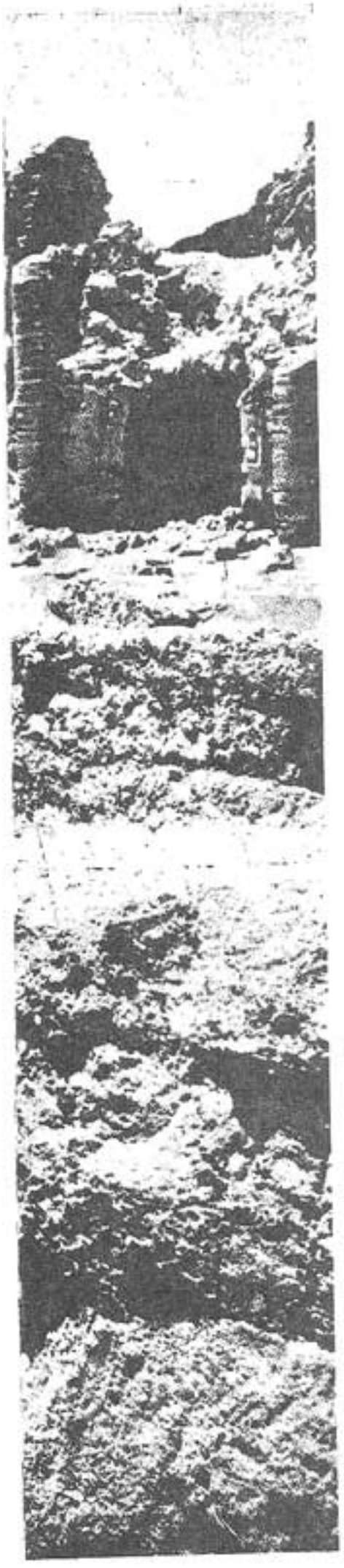
PDF.tarikhema.org

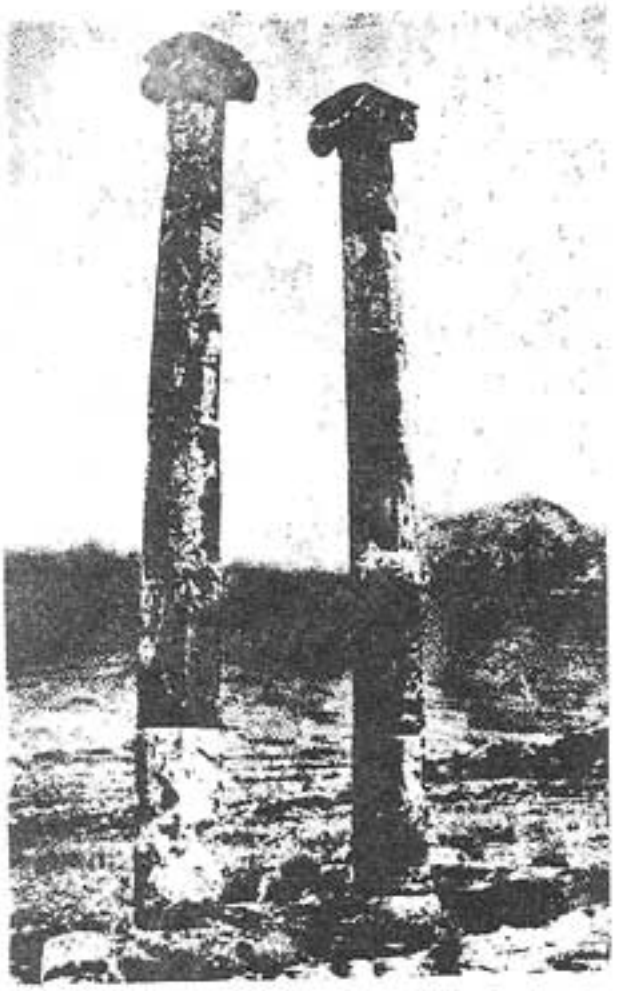


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



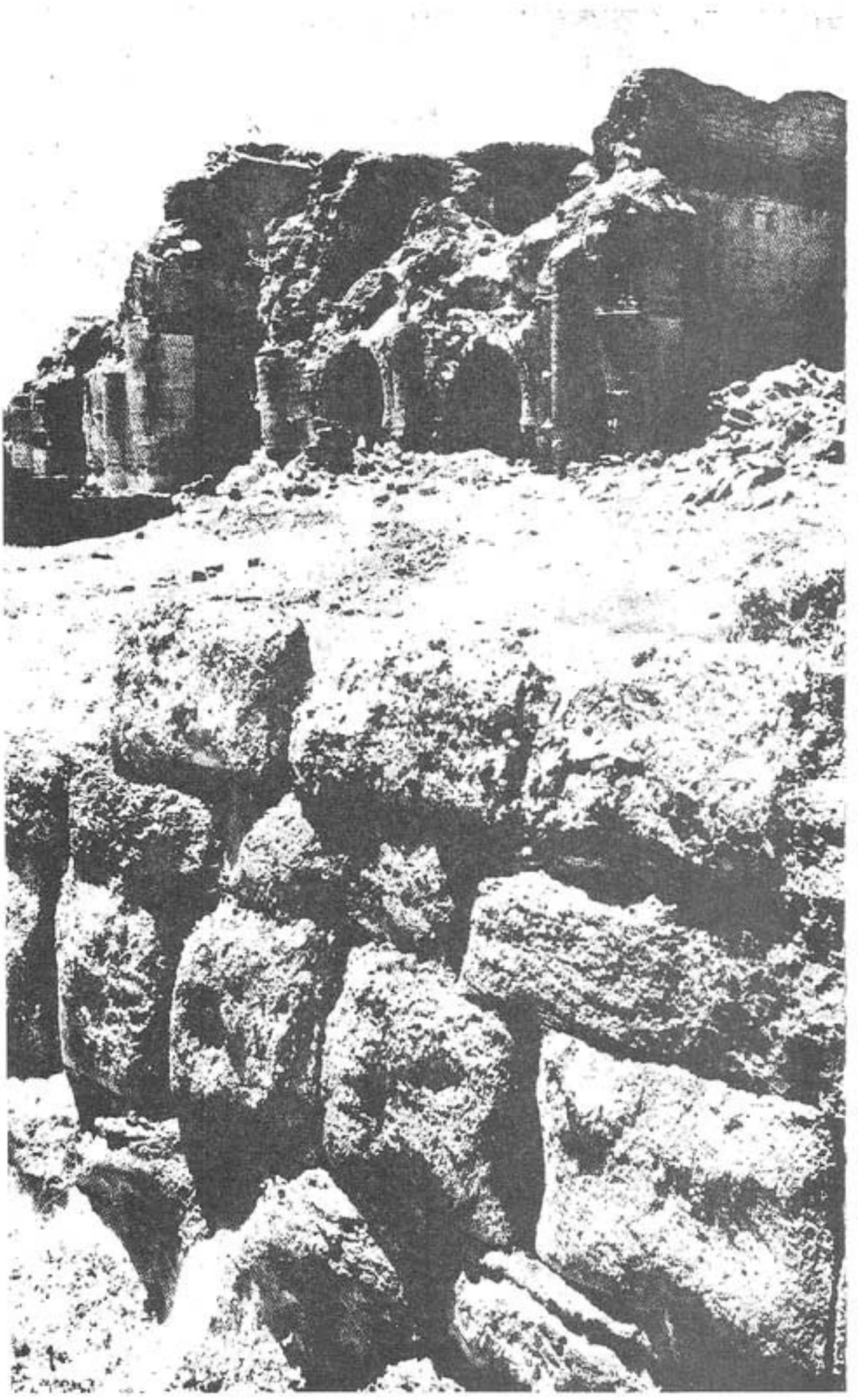




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





٩٢



٩٣

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که جزشکارگاو وحشی وگوزن‌کاری نمیدانستند نشان دهد . ممکن است گفته شود: اگر هنروجود و حقیقت و حیات دارد باید قبول کرد که هیچ حیاتی بدون حرکت نمیشود. آری هنرهم حرکت دارد اما حرکتی مخصوص بخود . هنر نه ترقی میکند ونه منحط میشود بلکه نوسان دارد وازبیم منجد شدن درتکرارمکررات ویکنواختی وبالاخره ازبیم‌خواب‌مرگ، نوسان خودرا ازیك قطب به‌قطب دیگرمولد نیرویش یعنی ساختمان وتزئین ادامه میدهد . این حرکت متناوب برای‌یك‌ضرورت حیاتی است و ما میتوانیم نشانه های آنرا درطی زندگی کوتاه خود مشاهده کنیم. بعدازالهه های عشق‌وگل‌بته هادرمعماری قرن گذشته،زیبت بـه بتن عریان و خـانه هائی صندوق وار میرسد و باز دوباره دیوارهـای کاخ توکیواز تزیینات بیش ازاندازه پوشیده میشود.

همچنین‌درنقاشی، بعد ازتزئینات افراطی حوالی سال ۱۹۰۰، شاهد اوج کوبیزم و سپس تشیزم[1] بوده ایم و روزی خواهدرسیدکه بینی های بی‌قواره و پاهـای وارونه دیگراز رونق افتاده ودوباره هرسری دوچشم خواهد داشت وآشفتگی ، لطف وکمال نخواهد بود. آنوقت بازنقاشی‌هائی، نظیرآنچه‌برجعبه های آبنبات دیده ایم خواهیم داشت . چاره‌چیست؟ تنها بدبختی اینجا است که در طی این سیرابدی و گریزناپذیر. از افراط به تفریط، هنگامیکه بین این دوقطب ، درسرزمین تناسب وصداقت ، بزیبائی برخوردکردیم . نتوانیم لحظه ای توقف‌کنیم .

برگردیم بمطلب خودمان. بعد ازمساعی ساختمانی هخامنشی هاکه بمنتها درجه‌امکان رسید ، نوبت به تزئینات زننده وگریه اشکانیان و پس از آن به ترتیب ، آمیزش زمخت وناهنجارطاقهای اولین‌کاخهای‌ساسانی وسوق‌آن‌بسوی‌منیریزم[2] ودربناهای‌آخردورهٔ ساسانی و بالاخره خشکی‌هندسی اولین بناهای دوره‌اسلامی...رسیده،این‌تناوب‌که از مقتضیات سیر طبیعی‌زندگی هنراست هیچ ارتباطی باترقی یاانحطاط فرضی روح هنری ایران ندارد.

اززمان‌سلوکیان‌نه‌آتشکده ای بجاماندہ ونه‌آتشگاهی اما درخورهه‌درنزدیکی‌محلات آثاری ازیك ساختمان‌یونانی‌دیده‌میشودکه رابطه‌ای باآتشکده [۱۳۲] ندارد، این‌ساختمان دردره کوچکی واقع‌شده،که یکپارچه تاکستان‌استوبهمین‌جهت گمان کرده‌اندکه آنجامعبدی بوده که بنام‌دیونیزوس ساخته اند . ازساختمان مزبورفقط دوستون برپاست (عکس ۸۸) اما سنگ های تراشیدهٔ فراوانی دراطراف‌آن پراکنده افتاده.وشاید بتوان درداخل‌محوطهٔ ستونها قسمت های زیرین ساختمان راکشف نمود . ستونها ظاهراً یونیك [3] بنظرمیآیند اما قطرشان‌کم وبیشترشبیه‌به ستونهای‌باریك‌چوبی محل میباشند ، قاعده وهمچنین سرستونها بی

* * *

۱ ـ Tachisme ۲ـ Maniérisme ۳ـ Ionique

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شکل هستند و رعایت تناسب که همه‌جا درهنر یونان حکمفرماست دراین بنا وجود ندارد . نتیجه، بطوریکه‌هر تسفلدهم‌معتقد است‌اینست که‌اگر بتوان ساختمان مزبوررا که‌نه‌یونانی‌است ونه ایرانی، یك اثرهنری شمرد، بایدآنرا مختلط دانست وحال آنکه ستونهای نامبرده از نظرهنری فاقد ارزش استیتك وجزازنظرتاریخ اهمیتی‌ندارند .

ابنیه مذهبی دوره اشکانی‌که اینك بآن بازمیگردیم ، بصورت امکنه مرتفعه «شامی» و«بدرنشانده» وآتشکده ایکه بنام «مسجد سلیمان» معروف است و ساختمان قابل ملاحظه «شیز» ومعبدعلنیستیك«کنگاور» شناخته شده اند . ساختمان اخیرکه « ایزیدورخاراکسی» آنرا «معبد معروف ارتمیز» (اناهیتا) میداند احتمالامتعلق‌بآخرقرن سوم یااوایل قرن‌دوم پیش ازمیلاد است [۱۳۳]. درز بربنای مرتفعی‌که ازقسمتی ازحیاط باقی است جزچندستون که داخل خانه های شهرکوچك‌کنگاورشده چیزی بجانمانده است . واشکالی از سبك های روریك [۱] وکورنتی [۲] چنان دراین ساختمان درهم آمیخته‌که‌آنرادرردیف ابنیه ای قراردهد که بهیچیك ازبناهای دیگرجزبساختمان « خورهه » و همچنین به معبدی‌که آنتیوکوس سوم سلوکی بنام همسرخودلائودیس‌بنا نهاده واخیراً درنهاوندکشف شده شباهت ندارد .

گرچه هنوز نسبت به بیرون آوردن معبد فوق الذکراقدام نشده ولی دوسندکه روی سنگ حك‌شده درحومهٔ شهرنهاوند بدست‌آمده ودرسال ۱۹٤٦ به‌موزه ایران باستان[۱۳٤] منتقل شده اند[۳]. یکی ازاین دوسند حکایت ازنامه ای میکندکه حاکم ساتراپی موسوم به

* * *

۱ـ Dorique ۲ـ Corinthien

٤ ـ اینك متن اسناد ، سند اول :«Ménédémos به Appollodoros و به فضات و به شهر Laodicée درود میفرستد . رونوشت فرمان شاه درزیرباطلاع شما میرسد . پس ، از آنچه فرمان داده میشود پیروی کنید وبادقت آن فرمان را روی‌کتیبه ای از سنك بنویسید و آنرا وقف بزرگترین معبد شهرنمائید . سلامت باشید . سال ۱۱۹ دهم ماه پانه موس Panémos.» سند دوم: «سلام ازشاه آنتیوکوس به‌Ménédémos . برای مزید افتخارخواهرمان‌ملکه‌لائودیس Laodice وبرای تصدیق لزوم‌آن ، نه تنها بپاداش مهرومحبتی‌که درتمام عمرنسبت بمابراز داشته . بلکه‌به بسبب تقوی، وپرهیزکاری اوبدرگاه خدا ، لازم میدانیم باکمال محبت آنچه شایسته وسزاواراست ازجانب مابااوارزانی‌گردد ، مخصوصاً امرمیکنیم‌که همان‌گونه که‌کاهنان بزرگ‌کشورازجانب مامنصوب میشوند،کاهنان بزرگی نیزدرهمان‌نقاط ازطرف لائودیس‌مستقر گردند وتاجهای طلائی مزین‌به تصویراوبسرداشته باشند ونام او درپیمانها پس ازنام‌کاهنان بزرگ، ونیاکان‌ماوخود مانوشته شود. پس چنانکه درحوزه فرمانداری تومنزلت‌لائودیس‌شناخته شده تمام امورطبق این‌فرمان بموقع اجراگذاشته شود ورونوشت فرمان که روی کتیبه هاحك میشود درتمام نقاط مشهورنصب شود تادرزمان حال وآینده رفتارعالی که مانسبت بخواهر خود داریم آشکارباشد، سال ۱۱۹، روز... ازماه Xandikos»

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

منه دموس به شهر لائودیسه ابلاغ وقضات آن شهررا دعوت میکندکه فرمان مزبوررا روی کتیبه ای حك نموده ودرمعبد اصلی شهر بمعرض انظار بگذارند . دو مین سندکه روی کتیبه ای بارتفاع ۱/۱۹ مترحك شده مبین فرمان آنتیوکوس خطاب به«منه‌دموس» است که دستور میدهد پرستش همسرخود، ملکه لااودیس را درمشهورترین معبد شهر آغازنمایند . تاریخ این اسناد بسال ۱۱۹ سلوکی است که یکی روز دهم ماه پانه موس و دیگری ماه کساندیکوس میباشد . سال ۱۱۹ سلوکی بنابتقویم مقدونی مطابق پائیزسال ۱۹٤ تا پائیز ۱۹۳ پیش از میلاد است . بنا براین تاریخ فرمان آنتیوکوس سوم بین مارس و اوریل ۱۹۳ پیش از میلاد بوده است و منه دموس آنرا بین ژوئن و ژوئیه همان سال بشهر لائودیسه ماد منتقل کرده است .

«بدرنشاند» درمهم ترین اراضی نفت خیزی که توسط شرکت نفت ایران ازآن بهره برداری میشود، درشمال وجندکیلومتری آتشکده‌ایکه پیش ازاین ذکرشد یعنی مسجدسلیمان واقع شده است [۱۳۵] وچه ازنظرترکیب کلی وچه ازلحاظ وضع ساختمان بآن شباهت‌دارد و تاریخ آنهم مانند مسجد سلیمان متعلق بدوره اشکانی است . باوجود این دلائل ساختمان این دو بناظاهراً باهم متفاوت بوده ، معهذا از هردویك استفاده میشده‌است. علت ایجاد مسجد سلیمان در پای تپه هائیکه برآن مسلط است وجود گازی بوده که بطورطبیعی از زمین متصاعد میشود . «بدرنشانده» برعکس نقطه مرتفعی است ومحققاً یکی ازپرستشگاه هائیت که هرودت نام میبرد وهمانجا بوده است که ایرانیان قدیم برای عبادت‌وانجام‌مراسم‌بندگی نسبت بخدایان خودگرد میآمده اند .

بدرنشانده [۱۳٦] مرکب ازچندین صفه وسکوی مختلف السطح است (شکل۱۵۷). صفهٔ بالاترداراى تقریباصدمتردرازا وهفتاد متر پهنا است که بوسیله دیوازهای محکم و پشت بند ، مانند مسجد سلیمان‌محصورشده است . ساختمان هردویکسان وهردوباتکه های‌بزرگ سنگ نتراشیده باابعاد مختلف وبندرت صاف ومنظم وبدون‌ملاط روی هم چیده شده است. روی این صفه هم مانند مسجد سلیمان یك سکوی چهارگوش هست که درازای هریك از اضلاعش بیست متر است و سطح آن کمی برآمده و مانند مسجد سلیمان بطرف درازای صفه کشیده شده واینکارظاهراً برای آن بوده است که سطح وسیعی را برای گرد آمدن جمعیت آزاد بگذارند . درمسجد سلیمان اثرساختمانی است که‌روی سکوبوده وسپس صاف کرده‌اند تامسلمانان بجای آن‌قبرستانی ایجادکنند. امادره بدرنشانده» خرابهٔ یك ساختمان چهارگوش کوچك که باسنگ سفید ساخته شده بجا مانده است اما چگونگی آنچه روی این سکوودر چنین جای زیبائی در مقابل جمعیت پرستندگان ساخته شده چه بوده ؟ حرم یامحراب یا خزانه معبد یامحل لوازم مذهبی ، هرچه بوده‌ماازآن اطلاعی نداریم.

دوپلکان بزرگ که یکی ازآنها که درسمت غرب واقع شده هفده مترو دیگری دوازده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مترونیم پهنا دارد بطرف صفهٔ بوقانی میرودهیچیك ازآنهاروی محورصفه قرارنگرفته‌اند احتمال میرود محل پلکان اولی مانند بنای کوچکی که ذکرشد، برای اینکه مزاحم‌جمعیت نباشد از جـای خود تغیر کرده باشد . اما در باره پلکان طرف شمـال باید ملاحظه شود که وقتی از پلکان صفهٔ پائین و بعد ازپلکان صفهٔ بـالابالارفتند، بخط مستقیم بطرف محل قربانگاه میروند واین در صورتی است کـه مراسم پرستش روی سکو و درجلوی ساختمان کوچك انجام شود .

صفهٔ تحتانی کمی شیب دارد واین شیب استقراریك سکوی افقی راازسطح زمین و در پای دیوارصفهٔ بالائی امکان پذیرمیکند . ازنقطه A ازشکل ۱۵۷صفه ای جدا میشودکه‌در آن هیچ‌باقیمانده‌یااثرساختمانی‌بجانمانده است. احتمال میرودآنجا مقرمغ‌یامدیرتشریفات، خواننده سرود یاواعظ بوده باشد. بدون تردید مراسم عمومی دردومرحله انجام میگرفته: نخست روی صفهٔ پائینی وبعد درصفه‌بالائی دربدرنشانده بهیچوجه ازمحراب مجسمه وتصویر خدایان اثری دیده نمیشود بعلاوه‌تنها ساختمان محل یعنی‌آن ساختمان چهارگوش‌کوچك جائی نیست‌که بتوان نسبت معبدی به سبك یونانی بآن داده شود برعکس همه چیز آنجا باگفته هرودت مطابقت داردودرست روی این نوع صفه های وسیع و عریان بدون مجسمه ومحراب وروی قله‌کوه های‌بلند بوده است‌که ایرانیها جمع‌شده وقربانیهای‌خود رابدرگاه بزرگترین خدای‌خود اهورا مزدا نثارمیکرده اند . وقتی‌آنها برای یکی ازخدایان دیگر قربانی میکردند برخـلاف یونانیهانه محرابی‌میاراستند نه آتشی میافروختندو نه شرابی نثارمیکردند [۱۳۷]آنها قربانی را بمحل پاکی راهنمائی‌کرده تاجی ازمورد بسر گذاشته وآن خدا را مناجات میکردند. بعد قربانی را ذبح‌کرده وگوشتش رانکه تکه‌روی بستری ازعلف تازه میگذاشتند . بعد مغی ذکرمقدسی را میخواند. «زیرانزدآنهارسم براین بودکه قربانی بدون حضورمغ انجام نشود. »

اماراجع‌به تاریخ ساختمان بدرنشانده ، دلائلی هست‌که میتوانیم‌آنرا متعلق به‌چهار قرن‌حکومت اشکانی‌بدانیم‌اطلاعات نسبتاً مطمئنی‌ازمقایسهٔ‌این‌بنا با بنای اشکانی‌مسجدسلیمان بدست میآید . اماچگونه این دو را درمقابل یکدیگر بگذاریم ؟ بدون تردید از دورترین ادوارباستان، آتش‌بدون سوخت وبدون خاکستر [۱] پدیده‌ای عجیب وفوق الطبیه تلقی شده و بهمین جهت ناحیه مسجدسلیمان باید محل تجلی نیروی خدائی شناخته شده باشد. پس بنائی که دردوره اشکانی درآنجا ساخته شده، میتواند متعلق‌به‌آغازیا انتهای‌آن دوره بوده باشد صرف نظرازکشفیات تازه ؛ ازلحاظ شباهتی‌که درنوع معماری دوبنادیده میشود ، باتوجه بعده زیادی مسکوك متعلق بآن زمان‌که درمسجد سلیمان بدست آمده میتوانیم تاریخ هردو

* * *

۱ ـ مقصود سوختن گازطبیعی‌است که‌اززمین‌متصاعد میشود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بنارا متعلق‌به نیمه دوم دوره اشکانی بدانیم . بدیهی است‌که مقصود ماازدوره اشکانی‌دورهٔ رسمی‌آن است . یعنی فاصله زمانی بین سال ۲۵۰ قبل و ۲۲۶ بعدازمیلاد . زیرا تاسال ۱۷٤ سلوکی یعنی زمانیکه مهرداد اول اشکانی (۱٤۰ - ۱۷۰ پیش ازمیلاد) کامناس‌کیرس [۱] اول از سلسله پادشاهان بومی الی مئید [۲] را مقهورکرد ، سر زمین وی زیرفرمان پادشاهان سلوکی سوریه‌بوده‌است. بعضی گمان میکنندجای‌کامناس‌کیرس را یکی ازشاهزادگان‌اشکانی گرفت وبعداً حکومت رابخانواده خود منتقل‌کرد وبعد ها یعنی در نیمه دوم قرن اول میلادی است‌که کامناس کی‌رسی‌ها بطور قطع جای خود رابسلسله‌ای که‌ازشاهزادگان‌اشکانی دادند ، وبیشترسکه هائیکه درمسجد سلیمان کشف‌شدند بنام ارد اول وارد دوم ازپادشاهان این سلسه هستند. بنابراین دوره اشکانی در الی مئید درحقیقت ازاواسط قرن اول میلادی یعنی هنگام جلوس اردشیراول ساسانی‌بسلطنت وپایان حکومت این شاهزاده نشین است.مدت استفاده مذهبی ازمسجدسلیمان وبدرنشانده هم مانند تاریخ صحیح ساختمانشان نامعلوم‌است چیزی‌که دراین مورد میدانیم،اینست که‌مسجدسلیمان دردوره ساسانیان موردفعالیت میبود. درصورتیکه در بدرنشانده اثری از آتش یادود ، یانشانی از ساختمان بعد ازیونانیها دیده نمیشود . باوجود این درسمت شمال ودرسیصد متری صفه بزرگ سکوی دیگری در ارتفاع دیگرهست‌که چندان مهم نیست و تاریخ‌آنرا باملاحظه‌دیوارهایش میتوان همزمان‌ساختمان مرتفع دانست . اما خرابه ایکه‌آنرا میپوشاند تازه بنظرمیرسد . درحالیکه هیچ شفته و ساروجی درساختمان صفه ها بکارنرفته ، دیوارهای خراب‌شده مذکور ازگل وگچ‌پوشیده شده اند واین طریق ساختمان جزمتعلق بدوره ساسانی یا اسلامی نمیتواند باشد . ازطرفی بنظرنمیرسدکه این ساختمان اسلامی باشد زیرا اگر چنین میبود،میبایستی محل سکونت روستائیان بوده باشد و حال‌آنکه روستائیان در جائیکه نه زمین قابل‌کشت دارد و نه‌آب نمیتوانند زندگی‌کنند . ازطرف دیگرطرح بنابطوریکه دیوارهای خرابی‌که ازآن باقی مانده نشان میدهدعظیم تراز‌آن‌بوده است‌که‌بتوان‌آنراخانه ساده مسکونی دانست.روی‌صفه، جائیکه بدون شك محل یك ساختمان اشکانی بوده‌که تمام سطح صفه‌را میگرفته.باقیمانده ایوان‌وسیع وعمیقی‌دیده میشودکه بطرف ساختمان مرتفع‌بازمیشده وازطرف محدود براهرو پهنی است‌که سه اطاق یاجایگاه یا اسطبل روبآن بازمیشودکه دست‌کم‌آخرین آن ازچهار طرف دیوارداشته . این ساختمان‌که متعارفی بنظرنمیرسد ممکن است در زمان ساسانیان‌از منضمات ساختمان‌مجاوربوده‌باشدکه بصورت‌آتشکده در آمده مثلامنزل مغ‌ها ، زیراشباهت بهیچیك‌ازساختمانهای روی صفه های اصلی مانند قربانگاه یاآتشگاه‌ندارد ونمیتواندجانشین

* * *

۱ــ Kamnaskires ۲ــ Elymaïde

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هیچیك از آنها بشود .

دومین مقام مرتفع که اخیراً شناخته شده و آنهم در الی‌مئیدو در شمال خاوری و بخط مستقیم در چهل کیلو متری مسجد سلیمان واقع است . این محل کاملا بر فراز تپه‌ای قرار گرفته که کوه عظیم بیلاوه بآن مسلط است . خود این ساختمان به تنگه ای مسلط است که قبرستان زیرزمینی « شامی » بآن راه دارد . این ساختمان جالب مرکب از یك صفهٔ مستطیل است که پلکان پهنی بآن راه میدهد و روی آن سکوی چهارگوشی است که محل عبادت یا قربانی است . باتوجه به شباهت کاملی که این ساختمان به قسمت معماری بدر نشانده دارد ، میتوان حدس زد که این نوع نمونه ساختمانهای کوه‌های خوزستان باشد . طرح نقشه مسجدسلیمان (شکل ۱۵۸) با آن تفاوتی ندارد مگر اینکه فقط قسمت جاوی صفه محل مراسم آتش است نه محل اجتماع پرستندگان .

ساختمانهائیکه بنام تخت سلیمان و مسجدسلیمان نامیده میشوند هردو در محل سحرآمیزی ساخته شده‌اند. اولی که در آذربایجان واقع است آتشکده‌ایست که در متن پهلوی بنام آتشکده گنجك خوانده شده وجغرافی‌دانان عرب آنرا آتشکده شیز[۱۲۸] میگویند. آتشکده مزبور در دور ، اشکانی در نزدیکی دریاچه «سحرامیزی» ساخته شده و معروف بود که ژوفای آنرا کسی نمیتوانسته اندازه گیری کند و یاقوت نوشته است: «آب دائماً بوسیله هفت نهر از آن بیرون میآید و هفت آسیاب را میگرداند». این معروفیت سبب شده بود که روز بروز بر عده زائرینی که از آن دیدن میکردند افزوده شود. بعداً بملت همین توجه عمومی محرابهای متعدد و توابع مهمی پیدا کرد و در زمان اشکانیان دیوار بلندی آنرا محصور نمود. (عکس ۸۷) در آنجا است که یکی از سه آتش معروف ایران، آذرگشسب «آتش جنگجویان» یا «آتش شاهی» نگاهداری میشد. از این آتشکده «تمام کانونهای گبرهای شرق و غرب نگاهداری شده است .»

در دوره ساسانی، هنگامیکه ایران معبد یونانی را به بنائی تبدیل کرد که پرستندگان در آن گرد آمده و همگی در مراسم عمومی آتش شرکت میکردند، آتشکده گنجك معبد عظیم و استثنائی شد که گرچه وضع عمومی آن با سایر آتشکده‌ها تفاوتی نداشت ولی از لحاظ خصوصیات مربوط به قدمت و معروفیت خود موقعیت خاصی یافت. در داخل حصار اشکانی ، مانند معابد متعارفی مراسم در هوای آزاد انجام میگرفت اما ظاهراً محرابهای متعددی ایجاد کردند که از آتشکده قدیمی «آیادانا» ، تغذیه میشدند .

بنابر این مهلهل که کتاب خود را در ۳۳۱ هجری مطابق ۹۴۳ میلادی نوشته، آتش جاودان مدت هفتصد سال بدون وقفه میسوخته و هریك از پادشاهان ساسانی میبایستی بلافاصله پس از جلوس بتخت سلطنت با پای پیاده از تیسفون بآنجا آمده پیشکشی‌ها و هدایای گرانبهائی تقدیم کند. آتشکده مزبور در سال ۶۲۸ بدستور هراکلیوس امپراطور روم شرقی ویران شد.

مسجدسلیمان که ذکرش گذشت در خوزستان و در نزدیکی بدر نشانده در محلی واقع شده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که گاز بطورطبیعی از زمین متصاعد میشود وبطور معجزه آسائی میسوزد [۱۳۹] . درزمان اشکانیان صفه‌ای به‌پهنای صدوبیست ودرازای صدوپنجاه متردرآنجا ساخته شدکه از یکطرف بکوه منکی ودرجهت مقابل آن پلکان عریضی بارتفاع چهارتا پنج متر داشت (شکل۱۵۸) در قسمت پیشین صفه ودر ارتفاع زیربنا هنوزپلکان کوچکی دیده‌میشودکه محققا بیك اطاق تحتانی‌مربوط بوده ودرآنجا مغی‌جریان گازرا تنظیم‌وکم وزیاد میکرده‌است. درطرف‌دیگر این‌صفه، سکوی بلند چهارگوشیست بضلع سی‌متر که‌بدون‌تردید محل‌ساختمان چهارگوشی مانند بدرنشانده بوده است .

این معجزه که اززمان اشکانیان درآنجا تکرارمیشده، دردوره ساسانیان کاملامتشکل ومنظم‌بود. پرستندگان،دراول شب‌برای تماشای‌آتشی‌که ابتداخشمگین اززمین بیرون‌میجهد وبعدکم‌کم فروکش میکند درپای صفه یا دردامنه ونقاط بلند مجاورگرد میآمدند وگاه در مواقع‌خاص‌بآنهااجازه داده میشدکه‌ازپله‌های‌مشرف به‌بلندی‌بالارفته وازخدایان‌پرسش کنند. زبانه کشیدن آتش، بی‌حرکت ماندن یالحظه‌ای ناپدید شدنش‌هریك‌رمزی‌بود ومعنی مخصوصی داشت‌که فقط دانش مغها آنرا میتوانست تعبیرکند . این ساختمان شگفت‌که اینك تبدیل به قبرستان مسلمانها شده تـا امروز تقریبا بهمان وضعی که در زمان ساسانیان داشته باقی مانده است .

بنابرآنچه گذشت‌ساختمانهای‌مذهبی‌دوره‌اشکانی‌درایران‌مرکب‌بوده‌اندازدومقام‌مرتفع، یك‌آتشکده ونوعی محوطهٔ تئاترمانند درهوای‌آزاد ویك معبد یونانی‌نما، با وجود این در اواخراین‌دوره ودرطی قرن‌دوم میلادی‌برای‌اولین‌بارپوزانیاس[۱] سخن ازوجود معبدی‌میگوید که: «درآن اطاق کوچك مخصوصیست مسدود وپوشیده و در آن آتش جاودان بدون شعله بر محرابی پراز خاکسترمیسوزد.» دراین ساختمان تازه‌که شامل جایگاه‌آتش مقدس بود پرستندگان بحال‌اجتماع درمراسم‌عبادت شرکت میکردند وآتش درجایگاه‌تاریك ومسدودی پنهان بوده‌است .

برای‌مراسم‌عمومی‌وپرستش‌رسمی که‌ازلحاظ‌اهمیت‌وبزرگی‌بی‌مانندبود بجای‌این‌حجره ازمحرابی‌درهوای‌آزاداستفاده‌میشده‌است. این‌محراب‌درمحل‌بلندی، روی‌سکوئی‌زیرچهارطاقی تزئینی که‌بعدازاین درباره‌اش گفتگوخواهیم کرد قرارداشته. دردوره‌ساسانی این‌نوع‌ابنیه و ملحقات‌آن بمنتها درجه رواج رسیدند .

* * *

۱ــ Pausanias

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حجاری اشکانی

کارهای حجاری دوره اشکانی که تاکنون بدست آمده بسیار کمند و آنهم اکثراً تقلیدی از هنر هلنیستیك یونانی ومحصول سبکی تحمیلی است که بستگی به هنر واقعی ایرانی ندارد واغلب فاقد ارزش هنری است .

باوجود این درسال ۱۹۳٤ یك اکتشاف اتفاقی اطلاعات تازه وجالبی دردسترس ما گذاشته که نقطه تازه‌ای ازخط ممتد تحقیق درباره هنر رسمی هخامنشی وسلوکی واشکانی را بما نشان میدهد وهنر پیش ازهخامنشی کاسیت را به هنر ساسانی میپیوندد. اطلاعات مزبور برای تاریخ ایران دارای همان اهمیتی است که مقابر مادها وخانه‌های روستائی، که طرح کاخ‌های تخت جمشید ازآنها گرفته شده بود، برای معماری داشت. ازاین نظر اهمیت این اطلاعات را همسنگ ارزش توصیف مساکن منائی‌ها توسط تواریخ آشوری، ساختمان وتزئین کاخهای اشکانی بین النهرین وهمچنین گفته‌های دیودور سیسیلی، درمورد طرح صلیب مانند خانهٔ «پرومیزد»[۱] ها که بآن اشاره شد، میدانیم .

محل این کشف درناحیه شامی درشمال باختری ودرچهل کیلومتری مال امیر بختیاری وبنابراین دراستان خوزستان کنونی است. این ناحیه درزمان استیلای سلوکیان بر ایران قسمتی ازشاهزاده نشین الی‌مئید، آخرین باقیمانده کشور ایلام بوده است . درحقیقت چنانکه «ژ. دمرگن» میگوید ، ما حدود آنرا بدرستی نمیدانیم اما محققاً در جلگه های کارون بین آب دزوکرخه گسترده شده . مسکوکات الیمئید که درشوش واهوازودزفول بدست آمده این گمان را بوجود میآورد که بخش هائیکه امروز شهرهای نامبرده درآن واقعند و این خرابه هاازتوابع [۱٤۰] آن می‌باشند وهمچنین ناحیه‌شامی که سطح آن بین هزارتا هزارو دویست متر ارتفاع دارد و باوجود این گرمسیراست در قلمروآن بود و حتی باید در نظر داشت که حدود الی مئید ازاینهم بالاتررفته وبطرف شمال و منطقه سردسیر که گله ها نیمی

* * *

۱ــ Paromisades

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از سال را در آنجا زندگی میکنند امتداد میافته است . زیرا امکان وجود هیچ شاهزاده نشین وکشوری دراین قسمت ازایران نیست مگرآنکه هم به گرمسیردسترس داشته باشد هم به سردسیر. محققاً الی مئید تاماورای زردکوه ودره های مرتفعه ایکه بختیاریهای امروزی واجداد شان گله های خود را دربهاربآنجا کوچ داده تابستان را درآنجا میگذرانند ممتد بوده است .

درزمستان، سیاه‌چادرهای آنها مناطق پست آنسرزمین یعنی جلگه های شوشترودزفول تامال امیررامیپوشاند وبعد دربهارهمینکه‌محصول‌جمع‌آوری شد قسمت‌بزرگی ازعشایرازپیرو جوان وزن وبچه باصدها هزارگوسفندوبزوسایرحیوانات بطرف نقاط مرتفع رهسپار شده ازکارون گذشته باعبوراز برفهاودامنه های‌پرشیب‌کوه ها،پس ازیکماه راپیمائی دشوارخودرا بمقرتابستانی رسانده وتاپائیزدرآنجا میمانند.

درسال ۱۹۳٤اعلیحضرت رضا شاه پهلوی باین فکر افتادکه تعداد هرچه بیشتر از این مردم خانه بدوش را اسکان دهد . بعضی ازآنها اقدام بساختن خانه های‌کوچکی در ناحیه شامی‌کردند . آنجا در نزدیکی چشمه و قطعات زمین قابل کشت وپای‌کوه بیلاوه ، زمین مسطح صفه مانندی راکه‌برای احداث دهکده مناسب بوددرنظر گرفتند . روی زمین مزبورآجرهائی بطورپراکنده پخش‌شده بود .آنهائیکه میخواستند برای خود خانه‌بسازند، برای بدست‌آوردن‌آجر بیشترزمین‌راکندندودرکمترازیك‌مترعمق بقایای ساختمانی و سیع و چند مجسمه مفرغ ومرمربدست‌آوردند .

پس‌ازاطلاع ازموضوع،سراورل شتین [۱٤۱] وگروهی‌ازطرف باستان شناسی‌ایران ماموربازرسی محل شدند. وی چنین نقل می‌کند:راه ماجاده صعب العبوری بودکه از تل بازون نزدیك میدان نفت میگذرد وبجاده بین مال امیروشامی میرسد . این راه از پای‌کوه پیان درجلگه سرسبزوسیعی‌که حقیقتاًعالی وشاهانه است میگذرد . پس ازطی مسافتی‌بطرف شمال باختری ، ابتدا طول این دره زیبا را پیموده وبعد ازعبورازیك سلسله گردنه های صعب العبور بدره تنگی رسیدیم‌که ازجلووعقب‌به‌گردنه هائی منتهی میشدکه از طرف چپ کوه عظیم بیلاوه وازسمت راست دیواری‌ازصخره های صاف و صیقلی‌آنرا مسدود میکرد . سطح دامنه این دره پرشیب را سنگ هائیکه ازآغازآفرینش تابحال ازکوه‌کنده و سرازیر شده پوشانده است . دراین محیط درهم ریخته هیچ سطح افقی وجود ندارد مگرصفه ایکه دربالای دامنه درمجاورت کوه‌بدست‌انسان تسطیح‌شده ودرآنجا است‌که مجسمه های‌نامبرده کشف شدند .... موقع مسافرت مابااین نقطه هیچ چیزدوست‌داشتنی وجالبی جزدوانارستان بادرختان غرق‌گل‌که ازدورمیدرخشید بچشم نمیخورد . در عوض‌کوه بیلاوه منظره جالبی داشت . خانه خدایان در برابرعظمت‌کوه بیستون‌که هزار مترصخره های عمودی خود را

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

برفرازجلگه پولوار رود برافراشته وشاید بهمین دلیل عجیب هم بوده که درقدیم آنجا را «باغستان» مینامیده اند ، نقطه کوچك وناچیزی است مسلم بنظرمیاید که کوه بیلاوه هم از ابتدا مقام مقدسی بوده ومجسمه های مکشوفه درپای آن شاهد صادق این مدعاست. بعلاوه صحرا نشینانی که ازآنجا میگذرند میگویند درقله ودامنه کوه ساختمانهای قدیمی و چشمه هاوآب انبارها و همچنین غـار هائی است که مسکن اژدها و اجنه است واگر کسی جرئت دیدن آنجارا داشته باشد فقط بوسیله طناب وکلنگ میتواند بآنجا برسد .

احساسات مادراولین شب ورودبآنجا ، که شاید ناشی از خستگی مسافرت بود، روز بعد دراثرآزمایش عمیق تری ازمحل ریشه گرفت ، هیچ اثری از شهرومحل سکونتی نبود مگردرصفه ایکه مجسمه ها پیدا شده بودند . اما زیراین صفه یکپارچه از قبرپوشیده شده و تخته سنگ های بلند پوشش بعضی ازآنها درسطح زمین دیده میشدند . باقیمانده هائیکه هم اکنون روی آنها یا دراطرافشان پراکنده است نشان میدهدکه درآغاز، اهرام یامحزوط هـا یاساختمانهای تزئینی دیگری روی این سنگ هابوده است . بعضی از قبورکه سقفشان خراب شده ودرحفره ایکه آنهارا میپوشانیده فرو رفته درروی زمین بافرو رفتگی که بوجود آورده اند پیدا است .

این قبرها گاهی بشکل دالانهائی بدرازای ده متروحتی برحسب وضع ساکنین محل، ازاینهم طویل ترهستند . گرچه نظیر این قبرهای طویل درقبرستانهای لرستان [۱۴۲] که همسایه آنجاست دیده میشود . اما دالانهای شامی مانند لرستان کم عمق نیستند وتا دومترونیم عمق ودومترپهنا دارند . دیوارهای یکی ازاین قبرها از تخته سنگ هائیست کـه روی هم چیده شده وسقف آن مرکب ازتخته سنگ هـائی بلند بطول دومتراست که پهلوی هـم بطور افقی چیده شده وروی آنرا پوشانده اند . باوجود این پیداست که تخت سنگ های کوتاهتر از دومتر نمیتوانند اطاقی را کـه دو مترپهنا دارنـد بپوشانند و بـدیهی است کـه بـدست آوردن چنین سنگهائی مشکل بوده است و بـاید دید سازنده این مشکل را چگونه حـل کـرده است . تخته سنگ هـای سقف روی سنگ هائی نظیرخود قرارگرفته انـدکه در همان جهت اما ازلبه دیواراطاق جلوتر گذاشته شده زیرسری سقف را تشکیل داده اند، در حین کاوشی که دراین قبربعمل آمد ودرده مترودورتر ازآن چاهی پیدا شدکه محتوی لوازم قالب گیری گچ طبق اسلوب یونانی بود.

ساختمانهائی ازاین نوع گران تمام میشود زیرا مستلزم بکار بردن تخت سنگ های طویل سقفی بوده است که کاری متعارفی نیست ، چنانچه درهمانجا نمونه های کم خرج تری کشف شدکه متداول ترین آن پوششی است بشکل بام های دودامنه که بوسیله سنگ هائیکه بیکدیگر تکیه دارند وقاعده شان روی دیواراطاقها قرارمیگیرد ساخته شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قبرهائیکه باین طریق پوشید شده اند فراوان ترازسایرین هستند. ابعاد آنها خیلی باهم متفاوتند اما بطور کلی وسعتشان نسبت به قبرهائیکه سقف افقی دارند کمتر ولی عمقشان بیشتراست . ممکن است اینها قدیمی ترازآنها بوده باشند مادرخرابهٔ یکی ازآنها قطعات یك جام قیری نظیر آنهائیکه وابسته باستانشناسی فرانسه بمقدارزیاری درشوش کشف کرد و تاریخ آنرا تقریباً دوهزاروسیصد سال پیش ازمیلاد تعیین کرده است پیداکردیم . چون هیچ چیز قابل حمل ترازیك کوزه نیست ، بطوریقین این کشف ثابت نمیکندکه قبرهای واقعه در شامی قدیمی ترازدوره اشکانی باشد . امـا اگردر این باره اطمینان حاصل کنیم سودمند خواهدبود . هیچ دلیلی دردست نیست که باغستانه که بنظرماهمان کوه شامی است متعلق بدوره اشکانی نباشد. منتهی الیه هوزن کوه نزدیك تخت جمشیدآنجائیکه قبورپادشاهان هخامنشی حفرشده خیلی پیش ازآنکه پارسیها بفلات ایران بیایند «جایگاه خدایان» بوده است . درآنجا هنوزآثاری از حجاری ایلامی یافت میشودکه تاریخشان کمترازنیمه دومین هزارهٔ پیش ازمیلاد نیست . صحره بیستون هم پیش ازآنکه داریوش اول کتیبه معروف خود را در آنجا حك کند چنین وضعی داشته است . برای تعیین خصوصیت مقدس محل تکرار میکنیم که درمدخل دره شامی روی بلندی کوچکی که برگردنه وجاده مسلط ومعبرآنست مقام مرتفعی نظیر بدرنشانده اما به نسبت کوچکترازآن هست ، در آنجا یك صفه مستطیل برآمده هست که را هروآن بوسیله پلکان مستقیم و پهنی تامین میشود و درانتهای آن مانند بدرنشانده و مسجد سلیمان یك سکوی چهارگوش است که محل عبادت دسته جمعی یامحل ساختمان کوچکی بوده است .

باوجود این یك قبرستان زیرزمینی دیگری کشف شدکه لزوماً باید متعلق بیك شهر نزدیکی بوده باشد . اینجا باید بناحیه زیبائی که سابقاً راجع بآن گفتگو کردم اشاره کنم. در ۸ یا ۹ کیلومتری شامی ، در پای کوه پیان محل تقاطع جاده هائیست که اکنون و هم در قدیم بطرف مال امیر درجنوب شرقی ومیدان نفت درباختروشامی در شمال غربی میرود . درآنجا دودهکده تازه‌سازوجود دارد بنام پیان شیخان وپیان بالا. اولی درقسمت کوچکی از شهر بزرگی که ازبین رفته جاگرفته‌است. درآنجا رودخانه‌ای نیست اما منبع آب زیرزمینی فراوانی هست که وجود شهر بزرگ قدیمی را مانند دودهکدهٔ حاضر ثابت میکند.

گروه های باستانشناسی ایران روی اراضی برآمده ایکه بقایای شهرقدیمی زیرآن پنهان است ، کاوش هائی بعمل آورده وبوجودقبرستانی پی برده اند مرکب ازقبرهائی شبیه به عالی ترین نوع قبرهای شامی وهمزمان باآنها ومانندآنهامسقف به تخته سنگ‌های افقی، که دیوارهایشان مانندآنها ازگچ کاریها وتزئینات سبك یونانی آرایش یافته . یکی از آنهاکه محتوی مقداری استخوان وکوزه های سفالی مینائی بود دومترونیم عمق ودومترپهنا وقریب

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بیست متر طول دارد .

هر گاه ثابت کنیم که مجسمه های شامی نمـاینده شخصیت هـای سلطنتی هستند ـ و سرارل شتین هم با این نظر موافق است ـ محققاً خواهیم توانست چنین نتیجه بگیریم که دره مقدس شامی، تبدیل به قبرستان زیرزمینی پادشاهان الی مئید گردیده که پایتخت یا یکی از پایتخت هایشان در چند کیلو متری آنجا در محل دهکدهٔ کنونی پیان شیخان بوده است ، چنانکه نقش رستم نیز که قبرستان پادشاهان هخامنشی است درچند کیلومتری تخت جمشید واقع است .

بر گردیم به مجسمه هـای مفرغی و اشیاء گوناگون دیگری که درسال ۱۹۳٤ توسط بختیاریها وبعداز آن چه توسط سرارل شتین وچه توسط خودمان کشف شده اند ،ازساختمانیکه اشیاء نامبرده درآنجا بدست آمده اند گفتنی زیادی ندارم این بقعه که روی صفهٔ مصنوعی ساخته شده مرکب ازیك ساختمان مستطیل بطول تقریبی ۲۳ متر و پهنای ۱۲ متراست ودرجلوآن پیش آمدگی کوچکی است که بمنزله راه رو واحتمالا رواق ستون داری بوده است و ظاهراً چنین بنظر میآید که آنجا را ویران کرده یا آتش زده باشند ، درمیان خرابه هـای آن این اشیاء بدست آمده : پایه های سنگی شش مجسمه مفرغی وقطعاتی ازخود مجسمه ها، شش پایه سنگی ستون باسلوب یونانی ، محراب کوچکی ازمرمر، قطعاتی از دوچلچراغ تزئینی از مفرغ ، یك پایهٔ میز یا تخت به شکل پنجه شیر، یك خنجر آهنی ، مجسمهٔ سریك زن ازمرمر که محققاً کار یونانی است ویکی دیگر بازازمرمر ولی کار محل (شکل۱۵۹) که سرمردی را نشان میدهد که ریش نك تیزی مطابق معمول اشکانی دارد [۱٤۳] وغیره . تزئینات صدفی یك صندوقچه نیز که بقایای قناپذیر آن ازمیان رفته باچندین گردن بند درقبر زنانه ای مجاور دیوار عقبی بقعه بدست آمده است.

ازشش مجسمه فقط یکی را توانسته اند تقریباً بطور کامل بصورت اول درآورند .تنها بازوی راست ودست چپ وآنچه درآن داشته مفقوداست، مجسمهٔ مزبور شکل شخصی را نشان میدهد که لباس پارت های شرقی بتن دارد ولی نه از آنهائیکه قیافه کوهستانیهای زاگرس را دارند. بختیاریهائیکه ازموزه تهران ،که مجسمه درآنجا بنمایش گذارده شده ، (شکل های ۱٦۰ و ۱٦۱ و عکس های ۹٤ و ۹۵) دیدن کرده اند بااطمینان ادعا میکنند که درآن،شکل یکی ازهم و لایتی هایشان نظیر حسن،حسین یاعبدالله وغیره را میشناسند . هرودت میگوید « ایرانیها بهتر از دیگران میتوانند خود را بصورت خارجیها درآورند» آنها بلباس خارجیها ملبس میشوند و آنرا زیباتر ازمال خودمیابند [۱٤٤] . این مجسمه به بلندی یك متر و نود وچهارسدم ازدوقسمت سر و تنه تشکیل شده وچنین بنظر میرسد که بدست یك استاد و دریك جا ساخته نشده باشد . سرآن ممکن است در جلگه نزدیك شوش بدست پیکر تراش ما هری که از هنر یونانی الهام گرفته

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قالب گیری وذوب شده باشد اما تنه آن که ازمفرغ زمخت وناصافی است و چندین سانتیمتر ضخامت دارد بقدری سنگین است که نمیتواند جزدرخود شامی ساخته شده باشد آنهم بدست استاد غیرماهری که گرچه در حجاری ماهر بوده ولی نتوانسته است تنهٔ مناسبی برای مجسمه بسازد . صاحب مجسمه نیمتنه کوتاهی باحاشیه چرمی پوشیده که سینه آن خیلی بازو پشتش برش مربعی دارد . این نیمتنه بدون تکمه یابند وبست دیگردرجلوصلیب واررویهم افتاده وباکمربندی بسته شده. آستین ها بلند وبدون یراق وزینت هستند . این لباس فاقد آرایش وخیلی چسبان نظیر آنهائیست که درآسیای مرکزی میپوشیدند وهیچ رنگ یونانی ندارد و خیلی بانیمتنه های بلند وفراخ یونانی که پارت هاهم میپوشیدند تفاوت دارد. نظیر تقریبی این نوع لباس درحجاری های قندهاردیده میشود که سیت ها میپوشیده اند . ونمونه اش درظرف معروف چرتم لینسك [۱۴۵][1] دیده میشود (شکل ۱۶۲ الف وب) کمربند بوسیله مدالهای کوچك مستطیل شکلی نشان داده شد که تزئین قلمزده آن ازنمونه های فلزی تقلید شده اند وسپس روی نواری ازچرم که کمربند اصلی است نصب شده اند.

زیر نیمتنه شلوار کوتاهی دیده میشود وفاصله مابین شلوارونوعی ساق بند برهنه است واحتمال میرود که لباسش منحصرا نیمتنه و شلوارکوتاه بوده و تنها هنگام سواری یا برای محافظت پاهاازگزند خارها ساق بندی بسته است . بنابراین شلواری نظیر آنچه حجاران زمان هخامنشی تمام اقوام شمالی وحتی پارت ها را بآن میپوشاندند معمول نبوده و علت آن بدون شك موقع جغرافیائی محل بوده است . زیرا چنانکه بازهم گفته ام ناحیه مال امیر، باتقریبا هزارمترارتفاعی که دارد منطقه ای گرم سیراست.

ساق بند ها نوعی تنکهٔ چنین داراست که شاید از چرم بوده باشد و بوسیله کمربند مخصوصی زیر نیمتنه بسته میشده وتاروی کفش های بی پاشنهٔ نوك برگشته شان را میپوشانده است .

اسلحه این سپاهی پیاده ، دست کم آنچه مادراومی بینیم منحصر بدوخنجراست وممکن است دردستی هم که قطع شده و ازمیان رفته چیزی داشته است . اماقطعاً شمشیری ازنوع شمشیرسنگین پارت هاوسرمت ها [2] نبوده است زیرا درتنه مجسمه نه بند شمشیری دیده میشود ونه غلافی وکمان هم نباید داشته باشد . بدلیل آنکه در این صورت باید ترکشی در تنه مجسمه باشد . مگرآنکه چماق بلندی باسری گرزمانند داشته باشد، که نظیرش در خرابه ساختمان دیده شده . اماآنچه مسلم بنظرمیرسد اینست که مجسمه ماجزبدوخنجری که روی هریك ازرانها دارد بسلاح دیگری مسلح نبوده است . شخصیت صاحب مجسمه و قتی بدرستی شناخته خواهد شد که کاوشهای دامنه دارتری در شامی بعمل آید . باوجود این

* * *

۱ـ Tchertomlitsk ۲ـ Sarmates

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اورل شتین وقتی ازسریك مجسمه دیگری که قطعاتش را درهمین محل بدست آورده گفتگو میکند باتوجه به نیمتاجی که روی سرداردآنرا ازشخصیت های سلطنتی میداند [۱۴۶] . خود منهم درسال ۱۹۴۶ نوشته ام که مجسمه موزهٔ تهران علیرغم لباس پارتی که بتن داردبهیچوجه پارت نبوده است بلکه یك کوهستانی ایرانی بوده که لباس معمول زمـان خود را پوشیده یا حکمران شاهزاده نشین کوچك وظاهراً مستقلی بوده که درقرن اول میلادی دردره های مال امیره یزیستداست . این احتمال هم هست که اوهؤسس معبدی درشامی بوده وماآنرا متبره ای شناخته ایم . پس صاحب مجسمهٔ مایکی ازفرمانروایان بومی بوده است که ازنیمه قرن دوم پیش ازمیلاد درالی مئید حکومت کرده اند وساختمانیهم که مجسمه اش درآن پیداشده مقبرهٔ شخصی او یا بطوریکه پایه مجسمه های متعددی که درآنجـا پیدا شده حکم میکند آرامگاه خاندان حکامی است که اوهم یکی ازآنها بوده است: وهم میتوان آنجا را بقعه ـ معبدنامید زیرا پرستش پادشاهان اسکندرمقدونی درشرق نزدیك معمول بوده ومورد گواهی است مجسمه موزه تهران، اگر بمسکوکات سلوکی الیمئیداعتماد کنیم میتواند متعلق بیکی ازفرمانروایانی باشد که کمی پیش یا کمی بعد از مبداء تاریخ میلادی حـکمرانی میکرده و مجسمه ایکـه اورل شتین ازسرش گفتگو کرده قدیم تر ازآنست ومن خیال میکنم متعلق به کامناس کیرس اول باشد . پس هر دوی این مجسمه هـا متعلق بدوره اشکانی است . بدیهی است همانطور که باز هم گفته شد مقصود دورهٔ رسمی اشکانی یعنی فاصله بین سالهای ۲۵۰ پیش و ۲۲۴ بعد ازمیلاد است .

پس حالامایك مجسمه ازدوره رسمی پارت دراختیارداریم که بهره آن از هنریونانی فقط مهارت حجاراست که صورت آنرا ساخته است. باوجود این صورتی طبیعی است و هیچ چیز تصنعی ومعهود در آن دیده نمیشود . بقیه هرچه هست هنر محلی و عـاری ازمهارت ، و کاردستی است که از رموز و اسلوب زمان بی اطلاع بوده و قالب گیریهای بی تناسبی کرده که بعدأهم حجاران دوره ساسانی ازآن پیروی نموده اند ومدالهای روکمربند را بهمان طریقی ساخته اندکه اجدادشان سنجاقهای لوحه داری راکه نذرمعابد میکردند تزئین مینمودند . درحقیقت اگرما بخواهیم غیرازحجاری کاخهای تخت جمشیدکه فقط جنبه تزئینی دارند و سرواحدی همواره روی شانه های شاهنشاهان وسپاهیانشان دیده میشود وغیراز حجاریهای باصطلاح یونانی دربارا شکانی (عکس۹۶)، خصوصیت مسلم کار هنرمندان ایرانی را از دورهٔ هخامنشی و سلوکی و پارت مجسم کنیم باید تحقیق خود رابرامتدادی قراردهیم که درفواصل آن اشیاء مفرغی زاگرس ومجسمه شامی ، حجاری ها و نقره کاریهای ساسانی مشخص شده اند.

گمان میکنم بتوان بعنوان راهنماوموقتاً برای نشان دادن مفرغیر رسمی هخامنشی، کلهٔ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کوچکی از خمیرسنگ لاجورد راکه بطورتمام برجسته حجاری شده و درکاوشهای صفه تخت جمشید بدست‌آمده (شکل ۱۶۳ و عکس۷۱) روی خط سیرهنرخالص ایرانی قرار داد. دراین مجسمه بعضی ریزه‌کاریها دیده میشودکه ازحجاری‌کاخها اقتباس شده مانندحلقه های‌عجیب زلف هاباطریقی‌که ابروها نشان داده‌شده‌درحالیکه‌صورت، یك‌صورت‌طبیعی‌است و قیافهٔ ایرانی رابهترازتمام سرهای پادشاهان هخامنشی‌که تاکنون‌شناخته شده نشان‌میدهد. احتمال داردکه این مجسمه باتاج‌شاهانه‌کنگره‌دارش خشایارشاه جوان باشدکه پدرش‌اورا باداره امورساختمانی‌تخت جمشیدگمارده وظاهراً تاهنگام جلوس بتخت سلطنت پیوسته در آنجاز ندگی‌کرده‌است.

برای اثبات اینکه شیوهٔ لباس پارتی در الیمئید امتیازی برای‌فرمانروایان نبوده و عمومیت داشته ، قطعات صدفی‌که درهقبرهٔ زبانه ومجاوریکی ازدیوارهای بقعه شاهی شامی که ذکرش گذشت (عکس ۹۲و۹۳) بدست‌آمده‌شاهد صادقی است . این لوازم تزئین‌که قسمتی ازآن ازمیان رفته محققاً برای‌تزئین صندوقچه بوده است زیراآنها درخاك ومحلوط بانگین های چندین‌گردن بندکم بها بدست آمده اند . شکل اشخاصیکه روی صدفهای مزبور حك شده کامل نیستند بعلت اینکه یاتمام قطعات صدف بدست نیامده اند یا باحتمال بیشترتنها قسمتی‌که روی‌آن حك شده دیده میشود وقسمت دیگرروی مادهٔ فناپذیری مانند چوبی‌که صندوقچه ازآن ساخته شده حك‌گردیده است واشکال‌حك شده عبارتند از:دوکمان دار که بطرف راست برگشته اند ودوسواربسمت چپ متوجهند و یکنفرهم روبروایستاده‌و مرکزمجموعه رابین‌کمانداران وسورارن اشغال‌کرده است.

یکی ازکمانداران‌که بی‌ریش است وموهای بلند و مجعد و مواجی داردکه اطراف صورتش راگرفته وبانواریکی بسته شده، وروی شانه هایش ریخته است و نیمتنه‌کوتاهی بتن دارد عیناًمانند نیمتنه مجسمه مفرغی شامی جلوسینه اش بازاست ودامنها رویهم افتاده‌و کمربند باریکی‌آنرا تنگ بسته . آستین هاهم مثل‌آن بلند هستند . این قطعه‌که اطرافش محدود شده تقریباکامل است وجزکمی از آرنج راست چیزی‌کسر ندارد (عکس ۹۳) .

کماندارد‌وم که‌آسیب بیشتری دیده همان نیمتنه‌آستین بلند راپوشیده بادست راست زه‌کمان وتیرپرداررا گرفته وبسیارروشن وخوب نقاشی شده است .

دو سوار ریشو هستند و آنهاهم زلف انبوهی دارند اما آن را بانواری نبسته اند . لباسشان همانندکمانداران است بااین تفاوت‌که نیمتنه شان بایراق تزئین شده . دست چپ سواراولی دهنه اسبی راگرفته‌که سینه وگردنش پیدا است اما سرش ازمیان رفته است.

اماشخص روبرو احتمالاالهه یا ملکه ایست‌که فقط سرش پیدا است و نوعی‌کلاه بسر دارد وگردن وبازوهایش مزین‌به‌گردن بند والنگوست، (عکس۹۲) بقیه تنه اش‌که یقیناً

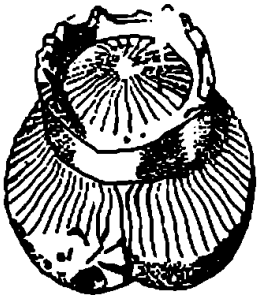
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

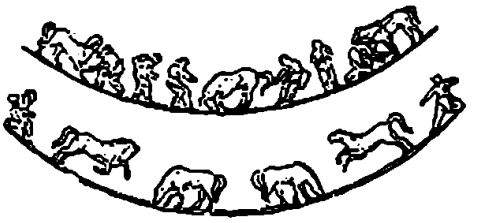
PDF.tarikhema.org





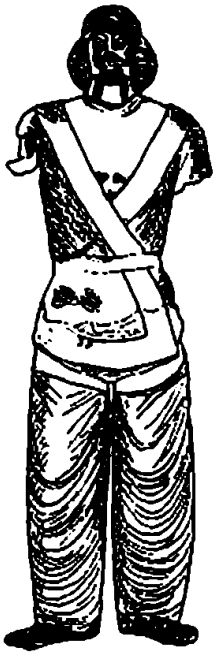




















١٦٣	١٦٢ الف	١٥٩
١٦٤ الف	١٦٢ ب	١٦٠
١٦٤ ب	١٦٦	
١٦٥ الف	١٦٧	
١٦٥ ب		١٦١

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ازماده دیگری بوده نابودشده است . گیسوان این ملکه یا الهه روی شانه هایش ریخته و گردن بندهایش بارشته یراق خالدارنشانداده شده . لباش که‌دارای چین های ریزی‌است وباحاشیه نقیسی تزئین شده بطورعجیبی هنرحجاری پالمیررا بخاطرمیآورد . سرواب های کج وکوله وهم‌آن کلاه عجیب چنان‌به هنرپالمیرنزدیك است‌که مطمئناً باید اصل وریشهٔ‌این ترکیب رادرآنجا یابهتردرجهتی‌که پالمیروه‌دورا ـ اروپس »[1]متوجه‌آن بوده اند جستجو کرد، نه‌درجهت شرق الی مئید.درتائیدآنچه این قطعات صدف برای ما روشن میکنند باید توجه داشت‌که‌البمئید که‌تااواسط قرن اول میلادی زیرفرمان واطاعت سلوکیان بوده‌باقلمرو شوش وبین النهرین روابط ریشه دارتری داشته تاباآن قسمت ازایران‌که تحت تسلط پارت هابوده است .

صنایع کوچك‌که درزمان هخامنشیان توسعه چندانی نداشته،دردوره اشکانیان ترقی کرد ومایه تجارت مهم وبرقراری رابطه دائمی بابنادرسوریه و فنیقیه شده بود . پرمشتری ترین‌کالاهای صادراتی پارچه هائی بودندکه پیش ازدوره اشکانی هم درغرب شهرت‌زیادی داشته اندوه‌فیلوستراتس »آنهارا چنین توصیف میکند:«خانه هاوایوانهابجای نقاشی ازپارچه های زری براق دارپوشیده ازپولك های نقره ونقش های زرین تزئین شده ومیدرخشند موضوع نقوش پارچه هابیشتراقتباس‌ازاساطیریونانی وحوادث زندگی«آندرومده»و«آمیون» و«ارفه»رانشان میدهند . یك جاه‌دانیس»بانیروی جهازات‌جنگیش شهر«ناگزوس» راویران میکند. «آتافرن»شهر«اری‌تری» رامحاصره میکند، خشایارشاه دشمنانش را نارومارمیکند. جای دیگرتصرف‌آتن وجنگ «ترموپیل» ووقایع برجستهٔ جنگ های مادی ، رود خانه ایکه توسط سپاه‌تشنه بکلی خشکه وناپدید میشودو پلی‌که روی دریابسته شده ». تمام اینها بانقاشیهای یونانی نمای‌کوه خواجه، طاقهای مرصع‌به یاقوت‌آسمانی‌آخرین‌کاخهای‌اشکانی خورشید ،ماه وستارگان درخشان درآسمان بلورین، مجسمه های شامی‌وآنهائیکه ازجاهای دیگربدست‌آمده،وبیشترشان تقلید ازپیکرتراشی یونانی یا ازحجاریهای هخامنشی است . حجاریها و مجسمه های‌کوچکی که ازگل پخته ، مفرغ یا عاج ساخته شده وغالبا بطور عجیبی بدساخت هستند ، مسکوکات اقتباس شده ازنوع‌سوریه‌که‌ابتدا بعضی ازآنهامانند سکه های مهرداد اول شاهکاری بوده (عکس ۸٤) وبزودی ارزش نقاشی خود را ازدست داده افسانه یونانی‌آن‌کم‌کم غیرخواناشده است، تمام اینهانمونه ای ازهنرایران دردورهٔ‌اشکانی است. اماًاحتمال میرودکه وقتی مابهترآنرا شناختیم بتوانیم یك هنردرباری بسبك یونانی

* * *

۱ـ Doura Europos

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وشاید نسبتاً خالص را تشخیص دهیم (عکس۹۶) ودرآن قسمت ازایران که مستقیما زیر نفوذ قدرت حکومت مرکزی نبود هنر حقیقی‌تر ، یعنی هنر اصیل فلات ایران(عکس۹۵)رابدست آوریم . اما اکنون آنچه بین این دو قراردارد آنست که ما بنام هنر پارت میشناسیم . «مخلوطی بدون رابطهٔ محسوس با عقایدورسوم باستانی شرقی در شکل یونانی و با تکنیکی در منتها درجه انحطاط. »

مسکوکات پارت

اسکندرمقدونی که برداریوش سوم پیروزشد وایران را بتصرف درآورد درسال۳۲۳ پیش‌ازمیلاد درگذشت. ولی باسلطنت چندتن‌ازجانشینانش مسکوکات. چه درایران وچه در خارج ایران همچنان باتمثال‌اوزده میشد (شکل ۱٦٤ الف وب). حماسهٔ قهرمـان مقدونی چنان درافکارمعاصرینش تاثیر کرده بودکه خاطره‌اش تامدتی دراذهان باقیماند. مدتها بعد ازمرگ اوملل‌آسیائی‌که مایل به‌یگانگی واتحاد بودند روی مسکوکات خود تصویراسکندر راکه بزودی برای‌آنها بصورت قهرمان ملی درآمـده بود نقش‌کردنـد . باین طریق اورا واسطه اتحاد ویگانگی ملل شرق بایونان کـه مقصود اصلی اسکندربود ـ منتها فقط ازنظر اقتصادی ـ قرار دادند (شکل ۱٦٥ الف وب).چند قطعـه مسکوك از این نوع بویژه در کاوشهای گروه باستانشناسی موزه دانشگاه فیلادلفیا درگردیون درآسیای صغیربدست آمده است وعبارت ازسکه‌هائیست که روی مسکوك قدیمی‌تری،که کمی باآنها تفاوت دارند ولی در عین‌حال اثرهنری یونانی بوده‌اند دوباره زده شده‌اند.

سلوکوس اول یکی ازسرداران اسکندرکه درسال ۳۱۲ پیش ازمیلاد سلسله سلوکی را درآسیا تاسیس‌کرد، سکه‌هائی زدکه ازحیث زیبائی ونفاست ازمال‌خود اسکندرهم عالیتر بودند . درپشت بعضی‌ازآنها شکل فیلهای معروفی‌نقش شده (عکس۸۱) که یکی‌ازپادشاهان هند به‌بهـای استقلال خود بـه‌پادشاه سلوکی تقدیم‌کرده‌بود ودیدن‌آنهـا چنان وحشتی در سپاهیـان آنتیگون پدیـد آوردکـه سبب شکست او وپیروزی معروف سلوکوس در ایپسوس گردید .

مخصوصاً درطی سه قرن اول پیش ازمیلاداست که چه نزد غربیهای یونانی شده وچه نزد سلوکیان زیباترین چهره‌ها درسکه زنی بکار رفته است. اما این بخش ازهنر یونانی بامقایسه باهنرشرقـی بطورکلی چیزمهمی نیست . دربیست وپنج سال پیش ازایـن درشوش

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مسکوکاتی بانقش مخصوصی بدست‌آمده که درآن نفوذ هنرشرق واعمال سلیقه خاصی که موضوع افسانه‌ای (عکس ۸۰) درطراحی‌آن بکار رفته جلب نظرمیکند ومیتوان حدس زد که‌آنها مقارن اواسط قرن دوم پیش ازمیلاد زده شده‌باشند.

سلوکیان دست‌کم تازمان آنتیوکوس چهارم (۱۶۴-۱۷۵ پیش‌ازمیلاد) مبلغین پرشور هنروافکار یونانی درایران بوده‌اند. اما دراواخر قرن دوم واوایل قرن اول پیش ازمیلاد سلسله‌آنها دراثرنزاعهای داخلی روبضعف رفته سبب توسعه نفوذ و تسلط پارت‌ها دربین ـ النهرین وراندن یونانیها تاسواحل مدیترانه گردید.

پارت‌ها قسمتی ازقبائلی بودندکه دردورهٔ هخامنشی درساتراپی شمال شرقی ایران سکونت داشتند. کم‌کم این قبائل صحرانشین خراسان یعنی خوارزم[1] فدیم وهیرکانی (مازندران) ومادیا قسمتی ازآنرا اشغال کردند. درقرن سوم پیش ازمیلاد پیشرفتشان کند بوده زیرا ساتراپ هائیکه از آنتیوکوس سوم اطاعت میکردند تاجائیکه توانائی داشتند جلوشان را میگرفتند.

مهرداد اول (۱۳۸-۱۷۱ پیش ازمیلاد)، اولین شاهنشاه سلسله اشکانی است وهم اولین‌کسی است‌که خودرا دوست یونان معرفی‌کرد. اما باید دانست‌که محرك اودراین تظاهربیش ازآنکه ایمان واحساسات عمقی باشد تدبیرسیاسی واقتصادی بوده است. چیزی که مورد توجه مخصوص پادشاهان اشکانی‌بودحفظ روابط تجارتی ایران با شهرهائی که توسط سلوکیان رنگ یونانی‌بخودگرفته میبوده‌است.

درسال ۱۴۰ـ ۱۳۹پیش ازمیلاد مهرداد درجنگ بادمتریوس دوم او را شکست داد وپیروزی بزرگی بدست‌آورد ودرنتیجه‌استانهای زرخیز بین النهرین را ضمیمه امپراطوری خودکرد.ودرهمانوقت شهرمجلل سلوکیه‌درساحل دجله را که پادشاهان‌تابع سلوکی مدت یك قرن درآنجا سکه میزدند متصرف شد. درتعقیب این فتوحات، مسکوکات زیبائی که ازسلوکیان تقلیدشده بود بوجودآمدند (عکس۸۴).

درباره سکه های اشکانی واینکه‌آیاآنها مسکوکات طلاهم زده اند بحث فراوان‌شده بعضی ازسکه شناسان ازجمله‌آقایان اون والاوعزیز بیگلومیگویند قطعاتی چند سکه طلادیده اندکه متعلق‌به مهرداد دوم بوده‌که ازسال ۱۲۳تا ۸۸پیش از میلاد باکمال اقتدار سلطنت کرده است (شکل ۱۶۶). وهم اوبوده است‌که بارومیهارابطه برقرارکرده سفیربدربارروم گسیل داشته و جلوتاخت و تازیت ها راگرفته قلمروکشور خودرا تا ارمنستان وسعت داده است.

* * *

۱ ـ Khorasmie ۲ ـ Hyrcanie

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چندی پیش گنجینه ای محتوی مقداری مسکوك سلوکی واشکانی درنزدیکی گرگان درمحل هیرکانی (مازندران قدیم) کشف شده که درمیان آنها عده ای نقش انتیوکوس گریفوس (۱۲۵ـ ۹۶) وپسرانش منجمله فیلیپ رانشان میداد که برادرخود دمتریوس سوم را درطی یکی اززد وخوردهای برادرکشانه که سبب ضعف آخرین پادشاهان سلوکی گردید بمهرداد دوم تسلیم میکند .

بمرورزمان لعاب یونانی ازچهره پارت ها پاك شد. اززمان بلاش اول (۵۱تا۷۷میلادی) حروف الفبای سامی در مسکوکات این پادشاه پیدا شد. در صورتیکه روی مسلوك دیگری ازهمین پادشاه هنوزحروف یونانی بصورتی بسیارزمخت وناهنجاربکار میرفت (عکس۸۶) بنابراین ازنیمه اول قرن اول است که زوال نفوذ یونانی آشکارمیشود(شکل۱۶۷).

هنگامیکه پادشاهان پارت بانقاب یونان دوستی ، خود را غربی مآب معرفی کرده برایران وبین النهرین حکومت میکردند ، ایرانیها یادست کم آنهائیکه خود را نماینده ملیت مذهبی ولشگری ایران میدانستند ، زندگی خودرا همان گونه که درعهد سلوکیان بود، خارج ازجریان مذهبی وتجارتی وبدون اعتنا بدربار وسازمانهای ارتباطی که اشکانیان بوجود آورده بودند ادامه میدادند : ظاهراً یك خانواده از این ملوك الطوایف نسبت بدیگران نیرومندتر وجاه طلب تر بوده است. قلمرواین خانواده درایالت فارس در ناحیه فیروزآباد و سلسله کوه هائی بوده است که ازکنار خلیج فارس تا فلات مرکزی امتداد داشته و مانند امروزقشقائیها ، گله های خود را درآنجا چرا میداده وازاین قسمت ازجنوب ایران است که سلسله بزرگ ساسانی سربرداشته است .

پادشاهان فارس هم برای خود سکه میزده اند ویکی ازانواع آن قابل ملاحظه است (عکس های ۸۲و۸۳) . بایدبخاطر داشت که بعضی ازپادشاهان سلوکی مخصوصاً سلوکوس اول و جانشینان بلافصل او در اسطخر نزدیك تخت جمشید مسکوکاتی میزده اندکه رسوم باستانی درآنها ملحوظ بوده است و این همان سرزمین نیاگان ساسانیان است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش چهارم

ایران ساسانی

۱ از اردشیر اول تا یزدگرد سوم

جنگ های ایران و یونان باشکست داریوش سوم هخامنشی و انحلال امپراطوری ایران پایان یافت (۳۳۱ پیش ازمیلاد) ، این شکست برای ایران نه تنها ازلحاظ سلسله هخامنشی بلکه ازنظرملیت مصیبت بزرگی بود. اسکندر مقدونی، باتسخیرایران، تمدن و آداب ورسوم یونانی رابقلب آسیا واردکرد. بعد ازاسکندرسلوکوس که سهم شرقی خود را ازکشورهای مفتوحه تحویل گرفت سلسله ای یونانی درآنجا تأسیس نمود . ولی قسمتی که درقلمر و پارت های یونان دوست بود خود را مستقل کرد و کشور Grèco-Bactrien تا حدود ترکستان چین پیش رفت و شرق برحسب ظاهر بصورت یك ایالت یونانی در آمد . چنانکه فردوسی در شاهنامه میگوید : « قرنها گذشت که گوئی پادشاهی در جهان نبوده است.»

باوجوداین آتش مقدس درهمه جاخاموش نشد و شاهزادگان کوچك فارس بخصوص، آداب ورسوم مغان زمان هخامنشیان را همچنان دست نخورده نگاهداشتند، یکی ازآنها بنام بابك که امیرخیردرشرق شیرازبود وپدرش ساسان در استخر پایتخت پادشاهان پارس مقام روحانی داشته، باگرفتن اراضی همسایگان شروع بتوسعه قلمروحکومت خود نمود. یکی از پسرانش بنام اردشیر که سردارلشگرمهمی درشهردارابگرد بود وبرای خود طرح جاه طلبانهٔ تجدید قدرت وعظمت هخامنشیان راریخته بود، چندین شهرازایالت پارس رابامغلوب کردن یا کشتن امرای آن ضمیمه قلمروخود نمود، بعد از فرونشاندن شورشی که درحوزه حکمفرمائی اوبرخاسته بود قدرت خود را با تسخیرایالت کرمان پابرجاکرد. بعد ازمرگ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



نقشه ٤.ایران دردورهٔ ساسانی

پدرش هم بعنوان پیشوای مذهبی وهم بعنوان پادشاهی درحالیکه مالك دو ایالت فارس و کرمان بود، درغور (محل کنونی فیروزآباد) کاخ شاهانه ای برای خـود ساخت که رشك اردوان پنجم اشکانی را برانگیخت وموجب بروز اختلاف میان شاهنشاه و اردشیر گردید چنانکه نامه اردوان باوشاهدآنست: «شما، ای کرد بدبخت، چگونه بخودجرئت داده اید که چنین مقرشاهانه ای برای خود بسازید؟» درنتیجه اردشیر برشاه خود شوریده او را مقهورکرد ومیگوینـد اورا بدست خودکشت .

پس ازاین جنگ که درسال ۲۲٤ رویدادخوربنام « اردشیر خورد» یعنی « افتخار اردشیر» نامیده شد . اردشیر درسال ۲۲٦ وارد تیسفون [1] پایتخت امپراطوری اشکانی‌شده خودرا جانشین اشکانیان خواند ومورخین معتقدندکه کمی‌پس ازآن درهمانجا رسماً بعنوان شاهنشاه ایران تاجـگذاری کرد ، امـا دربارهٔ محل انجام مراسم و تشریفات آن چیزی نمیدانم. محتمل است که اینکاردرزادگاه ومقر خانوادگی یعنی استخردرمعبد اناهیتا یا درنقش رجب میان استخروتخت جمشید،درگردنه کم عمقی که خـود اردشیر و جانشینش شاپور اول بیادجلوس خود حجاریهای باشکوهی درکوه تراشیده‌اند (عکس ۱۰۲) صورت گرفته باشد .

* * *

۱ــ ساختمان تیسفون درساحل دجله ودرنزدیکی شهرسلوکیه‌یونانیها وبوسیله پارت‌های اشکانی انجام گرفت که آنجارا پایتخت خود قراردادند وبعد ازآنها پایتخت ساسانیان شد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درطی سالهای بعد اردشیر[1] مادراگشوده بارمنستان وآذربایجان حمله کرد گرچه درابتدا موفقیتی بدست نیاورد اما بعداً پیروزشد ومتعاقباً سیستان‌وخراسان ومرو وخوارزم را درشرق دریای خزرضمیمه فتوحات خودکرد . پادشاه‌کوشان‌که درهٔ‌کابل وپنجاب‌را در تصرف داشت سفرائی نزد اوفرستاده‌اطاعت اوراگردن نهاد . درآنوقت قلمرو امپراطوری او شامل ایران امروزی ، افغانستان و بلوچستان و صحاری مرو وخیوه تا اوگزوس در شمال وبابل‌وعراق‌درغرب گردید . باین‌ترتیب‌پس ازپنج قرن ونیم‌بعد ازسقوط امپراطوری هخامنشی ایرانیها دوباره امپراطوری جدیدی درشرق تاسیس‌کردندکه دم از برابری با امپراطوری روم میزد.

اردشیر که سیاست‌کشوری ونبوغ لشگری‌راباهم جمع داشت مردی بی‌باك ودرصورت لزوم بی‌رحم بود . او خودراپشتیبان سنن وبخصوص مذهب ملی معرفی‌کرد وخود باخوش آمدگویانش نسب خاندانش‌را باجعل شجرنامه‌به دودمان هخامنشی رساند[2] .

چنانچه دیدیم اززمان هخامنشیان آئین دوگانه پرستی مادی‌ها تمام ایران‌را فرا گرفته بود . محققاً برای ما ممکن نیست‌که انقلاب مذهبی ازمزدائیسم به زرتشتی‌راکه در زمان ساسانیان تثبیت گردید دنبال کنیم بی‌شك مغان زرتشتی درزمان اشکانیان رفته رفته نفوذ و قدرتی بدست آورده بودند که ابتدا آنهارابیم‌ناك‌کرده بود . اما بعدکوشش‌کردند ازاین نفوذکه باعتبارواهمیتش واقف بودند بهره‌برداری‌کنند .

یکی ازآنها ، بلاش، کوشیدتامتون‌پراکندهٔ مذهبی‌را جمع‌آوری‌کرده وازآنها ادبیات مذهبی ایران‌را مدون سازد اما این فکرقدری دیرشده بود . چنانکه دارمستتر میگوید: «آئین مجوس‌که دراین قسمت ازایران مهمان وحشتناك ومظنونی شناخته شده‌بود ، آنچارا برای خود مأمن مطمئن و قلعه محکمی یافت . رقابت‌های قدیمی بین ماد وپارس دراثر فشاروشکنجه‌های طولانی بیگانگان خاموش شده ودراین محیط تفرقه وتشتت آئین مجوس تنهانیروی معنوی ومتشکلی‌بودکه میتوانست‌چنان ملیت ازهم پاشیده‌ایرا دوباره‌سازمان‌دهد وپادشان محلی پارس خودرا قهرمان این نهضت نشان‌دادند واردشیر ، مغ تاجداری‌شد.» (عکس ۹۸) .

* * *

۱ــ اردشیراول ازسال ۲۱۶ تا ۲۴۱ میلادی سلطنت‌کرده‌است .

۲ــ بنابر روایات، اردشیرکه بزبان پارسی قدیم «ارتاخشاترا» وبه یونانی«ارتاکزرس» است ، با یك شاهزاده خانم اشکانی‌که دختریاازبستگان‌نزدیك اردوان بود ازدواج‌کرد تابا وصلت‌با خانواده اشکانی بسلسله خود رسمیت داده باشد . روایات‌مورخین عرب وایرانی درمورد این ازدواج پراز ضد ونقیض رگفتارافسانه‌ای است. تاریخ ازدواج اردشیربا یك زن اشکانی‌وتولد شابور ازاین ازدواج، احتمالا ازافسانه‌های عامیانه‌گرفته شده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اردشیر نخستین پادشاه سلسله ساسانی، بهتر ازهر کس دیگر توانست این نیرورا برای پیشرفت مقاصد خود بکاربرد ودرمدت کوتاهی سازمانی سیاسی ومذهبی بوجودآورد که بیش ازچهارصد سال دوام یافت (۲۲۶ تا ۶۵۱). وبرای روم وبیزانس مخاطراتی بس‌سخت‌تر ازپارت‌ها پدید آورد .

شاپور اول [۱] (عکس ۱۱۸)فرزند و جانشین اردشیر درخراسان بایکی ازپادشاهان تورانی جنگ کرده اوراکشت ودرمحل میدان جنگ شهرنورشاپور یانیشاپور کنونی‌را بنا کرد وبعد بیاد بود این پیروزی عنوان« شاهشاهان ایران وغیرایران» را برخود نهاد. چند سال بعد درسال ۲۶۰ آتش جنگ بین ایران وروم دوباره روشن شدوقیصر روم والرین که خود فرماندهی سپاه روم‌را بعهده داشت دراین جنگ اسیرشد (عکس۱۰۱) .

بهرام دوم [۲] (عکس۱۰۴)مذاکرات صلح‌را بارومیان‌شروع کرد اما درهمین هنگام شورش بزرگی درشرق کشورروبداد وبهرام برای سرکوبی یاغیان بدان جهت عزیمت کرد ودرنتیجه ارمنستان وبین‌النهرین‌رابدشمن واگذاشت که‌پس ازمدت کوتاهی شاپوردوم دوباره آنهارا پس گرفت . درزمان سلطنت اوژولین آپستا [۳] تاتیسفون پیش آمد ولی بـاسپـاهیان نیرومند ایران روبرو شد و درجنگی که بین دوطرف رویداد کشته شد. جانشین اوژوین« سپاهیان روم‌را تامرزهای ایران راند اما درپیمان‌صلحی که بزودی میان‌دوطرف امضـا شد نصیبین ونواحی مورد اختلاف وارمنستان بایران منتقل گردید . دراین هنگام هیـاطله یا هون‌های‌سفید باسپاهیان نیرومند خودبنحوخطرناکی ایران‌را تهدید کردند . یزدگرددوم[۴] جلو آنهارا گرفت اما پسرش‌فیروزاول[۵] نابخردانه بآنها حمله کردو کشته‌شد . بلاش[۶] باآنها جنگید ولی‌قباد اول[۷](عکس۱۱۶) باآنهاروابط دوستانه‌برقرارکرد.

این پادشاه‌بزرگ‌باموفقیت با رومیان جنگید واداره امورکشوررا سامان داده‌امور مالی‌را اصلاح کرد وجلوپیشرفت مزدکیان‌راگرفت .

* * *

۱ــ شاپوراول از ۲۴۱ تا ۲۷۲ میلادی .

۲ ــ بهرام دوم از۲۷۶ تا ۲۹۳میلادی.

۳ــ ژولین‌آپستا قیصرروم در۳۳۵ متولد ودر۳۶۳ درگذشت.

۴ــ یزدگرد دوم از۴۳۸ تا ۴۵۷میلادی.

۵ــ فیروزاول از۴۵۹ تا ۴۸۴میلادی .

۶ــ بلاش از ۴۸۴ تا۴۸۸ میلادی .

۷ــ قباد اول نوبت اول از۴۸۸ تا ۴۹۶ ونوبت دوم از۴۹۹ تا ۵۳۱میلادی‌سلطنت کرد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پسرش خسرواول انوشیروان [1] امپراطوری ساسانی را باوج قدرت وعظمت رساند . انطاکیه راگشود وازامپراطوری بیزانس خراج گرفت. درشمال خاوری کشورقدرتهیاطله را برای همیشه نابودکرد ودرجنوب سپاهیانش یمن راتسخیروآنرا بیکی ازایالات ایران تبدیل کردند .

خسرودوم [2] پرویز(عکس۱۱۷) سوریه را تسخیر کرد و صلیب مقدس را ازاورشلیم به تیسفون آورد. سپاهیان پرویزتامقابل بیزانس پیش رفتند اما بعلت نداشتن جهازات جنگی نتوانستند ازبسفر بگذرند . هراکلیوس براوضاع مسلط شده آسیای صغیروارمنستان رامتصرف شد وازاین پس امپراطوری روبضعف وزوال رفت ودرجنگ نینوا درسال ۶۲۷ فروریخت . پرویزدرزندان کشته شد وپسرش شیرویه پیمان صلح را امضاکرد وپس ازشش ماه کشته یا بروایتی به بیماری طاعون درگذشت. درمدت پنجسال دوازده پادشاه وملکه پی درپی برتخت سلطنت ایران نشستند. امپراطوری ایران دراثراختلافات خانوادگی متلاشی شده وبالاخره باجنگ قادسیه درسال ۶۳۷ ونهاوند در۶۴۲ یکباره سقوط کرد و یزدگرد سوم [3] تا جائیکه میتوانست کوشیدکه جنگ را ادامه دهد اما استحکاماتش یکی پس از دیگری بدست دشمن افتاد وکاربآنجا رسیدکه ایران بصورت یکی ازایالات امپراطوری خلفا درآمد.

یزدگردسوم آخرین پادشاه ساسانی هم مانند داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی درصفحات شرق بضرب دشنهٔ خیانتکاری ازپای درآمد. بازماندگانش به خاک چین پناه بردند وآداب ورسوم خاص خود رابآنجا واردکردند.

برخلاف امپراطوری اشکانی ، دولت ساسانی برسازمان اداری نیرومندی استوار بوده ، در رأس همه شاهنشاه قرارداشته کهمانند خدائی مورد پرستش بوده، درزمان جنگ فرماندهی سپاه را عملاخود بعهده داشته ودرزمان صلح ازتشریفات باشکوه و جلال احاطه شده وبه ملت خود جزدرمواقع رسمی بارعام ظاهر نمیشده . نخست وزیرکه مشاورباتدبیری بود همیشه درحضورشاه وامورکشوررا زیرنظر او اداره میکرده و هنگامیکه شاه در سفر جنگی بود قائم مقام اوبود . بعدازنخست وزیربزرگان واشراف و شاهزادگان خانواده سلطنت وپس ازآنها روحانیون که در رأس همه موبد موبدان بود قرار داشتند. (عکس۹۷) پیشوایان مقتدر مذهبی دقیقاً مراقب اجرای مقررات آئین ملی بودندوجلوهرگونه اقدام اصلاحی ونشرافکارمانویان ومزدکیان را بشدت میگرفتند . درچنین وضعی پادشاه باید با

* * *

۱ــ خسرواول انوشیروان از ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی .
۲ــ خسروپرویز از ۵۹۰ تا ۶۲۸ میلادی.
۳ــ یزدگردسوم از ۶۳۲ تا ۶۵۱ میلادی.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اراده وتدبیر بوده باشد تابتواند صاحبان این قدرت وپیشوایان متنفذ مذهبی را در اختیار خود داشته ومراقب کارشان باشد . خطای رها کردن قدرت بدست این عناصر وخود رابدنبال احراز برتری جهانی فرسودن بالاخره سبب سقوط امپراطوری ساسانی گردید.

تواریخ شاهی که پس ازسقوط ساسانیان از میان رفته اند وقایع آن دوره وکارهای بزرگ این سلسله را به نسل های بعد شناسانده اند. شاهنامه فردوسی مفصلا آنها را شرح داداما بیش ازروایات ادبی،ساختمانها وآثارهنری که ازآندوره باقیمانده بربزرگی کارهای دوره ساسانیان گواهی میدهند . نه تنها کاخهای باشکوه شاهنشاهان وحجاریهای روی صخره ها ، بلکه مهرها (عکس ۱۲۲) و اشیاء نقره (عکس ۱۲۰و۱۲۱) ایکه درپی کاو شهابدست آمده ومنسوجات ابریشمی نفیس (عکس رنگی ۳) که زائرین قرون وسطی ازشرق آورده و اکنون زینت کلیساهای ماهستند واکنون مقدارکمی که ازآنها باقیمانده آرایش گنجینه های آنها هستند،همه شواهد گویائی ازعظمت ودرخشندگی آن دوره میباشند.

در بارهٔ این آثار گرانبها باید توجه داشته باشیم که مجموعه هنری شوش بطورکامل توسط یونانیان منهدم نشده ودربعضی ازنقاط ایران ومخصوصاً درفارس تقریباً دست نخورده مانده واینها درشمارعوامل تجدید حیات ملی هستند. ازاین قبیلند آثارهنری نقوش حیوانی زاگرس که متعلق بزمان بعدازدورهٔ یونانیها، ازعهد ساسانی تا دوره سلجوقی است (عکس ۱۷۲). اسلوب زرگری دوره هخامنشی بدون آنکه تغییرمحسوسی در موضوع وتکنیك آن داده شده باشد درهنرساسانی منعکس گردید. معماری طاقدارکه از عهد هخامنشی درفارس وجود داشت ونمونه اش درتخت جمشید هم هست دراواخردوره اشکانی ساختمانی بوجود آوردکه نماینده معماری خاص ساسانی شد و بعدازآن تاآنجا رونق وتوسعه یافت که مشخص دورهٔ اسلامی ایران گردید وتااروپا هم نفوذکرد.

بازماندهٔ آثارهنری که در یك انقلاب فرهنگی و سیاسی مورد استفاده قرارگرفت ، هرچه باشد ، ملاحظه میکنیم که از آغازدورهٔ ساسانی درهنر، اسلوب ها و موضوعات کاملا آسیائی پدیدآمدکه درست نقطه مقابل روح هنری یونان بوده است وهندسه ای موزون جای اشکال ظریف ونرمتداریونانی راگرفت .

درترکیبات کاملا متقارن (عکس ۹۸) بازی سایه و روش دیگر بخاطرلطف وزیبائی آرایش خطوط دنبال نمیشود،مهم برگزیده نمودن نقش شاهنشاه ونمایندهٔ اهورا مزدا است که باوقاروجلال شاهانه برتختی نشسته ومردم رابارمیدهد .

درصحنه های مذهبی. شکاروجنگ ، مانند دوره هخامنشیان شاه در مرکز نقش قرار دارد . (عکس ۱۰۵) اما بهمراه نوشدن دوران،کسان زیاد باشکال و قامت های گوناگون وهمچنین حیوانات مختلف وخیال انگیزچون ، اژدها، شاهین (شکل ۱۹۰ وعکس ۱۲۱ و

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عکس رنگی۳) و نوارومرواريد و نخل وسایر نقوش که بحد سادگی رسیده، بر دیف یادردوائری بایکدیگر ترکیب شده اند. باوجود این دیده میشود که اجتماعشان درآنجا جزازنظر تزئین سببی ندارد (عکس۱۱۱ و ۱۲۰) .

بدیهی است که روزی موفق خواهند شد که ریشه مبهم وپیچیده این همه اشیاء تزئینی رابدرستی یافته وهریك را درجای خود قراردهند وشاید بتوانندآنها را برحسب سبك های مخصوص هریك ازنواحی ایران که مرزهایش بکشورهائی باتمدن های متفاوت وصل میشده، دسته بندی کنند. تاریخ هنرساسانی هنوزبدرستی تعیین نشده ولی کاوشها همچنان ادامه دارد. اما در راه رسیدن بـاین مقصود علاوه بر کمیابی کتیبه های را هنما که مورخین را وادار بحدس واحتمال کرده، مشکل دیگری وجود دارد وآن فقدان مقابراست. و آقای ژرژسال Georges Salles هنگام گشایش نمایشگاه هنرهای ایران درکتابخانه ملی درسال ۱۹۳۸ باین مشکل اشاره میکند ومیگوید: «دراین مورد مافاقد دخایراسناد ومدارك و اطلاعاتی می باشیم که برای تحقیقات فرهنگهای دیگر گرانبهاترین گواه بوده اند .

امااز آن موقع ببعد مدارك تازه ای بدست آمده است. درجنوب دریای مازندران در ناحیه املش درنزدیکی دهکده های پیرکوه ودیلمان قبرستانهای زیرزمینی کشف شده که در بعضی ازقبورآن اشیاء زرگری گرانبهائی ازمخلوط زروسیم یافته اند. اشیاء مزبورارتباطی بادوره ساسانی نداشته وخیلی ازآن قدیمی ترند اما روستائیان، قبرستانهای دیگری کشف کرده اندکه تعداد زیادی اشیاء نقره متعلق بدورهٔ ساسانی درآنها بوده است .

در نمایشگاهی که در ۱۹۶۱ بنام « هفت هزار سال هنرایران » افتتاح شده تقریباً بیست تائی ازآنهاراکه در دیلمان کشف شده بمعرض نمایش نهاده که بعضی از آنها قابل ملاحظه اند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۴ ایران در دورهٔ ساسانی

بعد ازپارت هاوروش یونان‌گرائی سطحیشان تمدن کهن ایران دو باره درحکومت کشورزنده شد. تمدنیکه دردورهٔ هخامنشیان درچهاردیوارفرهنگ کاملاً شرقی محصور بود، دردور ساسانیان با تمدنهای بیگانه‌ایکه مجذوب آن شده‌بودایجاد رابطه نمودتاازفوائدیکه این ارتباط در برداشت بدون از دست دادن چیزی بهره مند شود. و همچنان ویژگی های ایرانی خود راحفظ نماید . و اینهم که نقش پادشاهان روی صخره های نقش‌رستم نزدیك تخت جمشید حك شده (عکس های۹۸و۹۹و۱۰۰و۱۰۱) بدون مقصود نبوده است . وبنابراین هنرعصرساسانی درعین حال که ازرسوم ملی پیروی‌کرده شرقی‌هم بوده است . ساختمانهای اصلی معماری ساسانی هم مانند هخامنشیان‌کاخهای شاهنشاهی بود واصرار داشتندکه مانندآنها شاهنشاه رادره آپادانای، خود مانند خدائی‌که از آسمان فرود آمده نشان دهند ، این برنامه‌کارشان بود. اما راه حل های معماری هخامنشی برای ساسانیان ظاهراً پرخرج‌وپیشرفت ناپذیربوده است. زیرا بلندی تیرهای چوبی حداعلائی داردکه در دوره هخامنشیان ازآن استفاده شده‌بود، بنابراین حتی در ساختمانهای شاهی هم معماری طاقدارراکه دردورهٔ هخامنشیان بی‌شك معماری متعارفی بوده رواج دادند. تحولی‌که در این سبك معماری متعارفی‌کشوربدست ساسانیان‌بعمل‌آمد ومیخواست عظمت وشکوهی مافوق کاخهای‌داریوش داشته باشد، باید موردبررسی قرارگیرد . ولی پیش ازآن چندکلمه ای‌در بارهٔ مصالح معماری میگویم .

بطورکلی عنوزگمان میکنندکه پوششهای معمول دردوره ساسانی منحصراً طاقهای استوانه'ی، گنبدکروی وطاقهای مخروطی بوده‌اند، که‌رابطهٔ طرح‌مربع‌رابه پایهٔ مدورگنبد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آسان میکند .وطاقهای متقاطع۱ (شکل۱۶۸ الف وب)وطاق چهارترک۲ (شکل۱۶۹ الف وب)را نمی‌شناخته اند. شوازی۳ میگوید : «ایرانیان ازدوران باستان تاکنون جزطاق استوانی٤ (شکل۱۷۰ الف‌وب) وگنبدی که برطاقچه‌های گوشه‌ای مخروطی شکل٥ [۱٤۷](شکل۱۷۱) تکیه کند پوششی نپذیرفته‌اند.»

درنظراول بنظرنمیرسد که گنبد وسقف مدوربرای یك تالارمربع مناسب باشد و چنین مینماید که‌سقف‌طبیعی همان طاق چهارترك باشدکه چهاردیوارمتدرجاً درفضای تالارسربهم میدهند. امابرای‌این منظوروجود هلال‌لازم است (شکل۱۷۲) اماامتیازگنبد اینست که‌وجود آنها راغیرلازم میسازد واین طریقه ارزنده کوشش ایرانیها را برای قرار دادن گنبد روی بنای چهارگوش [۱٤۸] توجیه میکند». باوجود این ، سقف های چهارترك متداول ترین سقف هادرایران مخصوصاً درجنوب وبالاخص درکرمان هستند. این نوع سقف بدون هلال درآغازدورهٔ ساسانی معمول‌بوده وساختمان‌آن باکمال‌آسانی ومصالح اندك و درمدت‌کوتاه صورت‌میگرفته‌وآن‌باید نتیجه تکنیك ماهرانه وحاصل‌تجربیات طولانی‌بوده باشد وچیزی‌که سبب‌فقدان شرح وتفصیل درباره این‌نوع سقف ها، که تاریخ پیدایش‌آن مسلماً عصرساسانیان است میباشد، نداشتن اطلاعات‌کافی درباره معماری قسمت جنوبی‌ایران است .

حالاساختمان آتشکده «کوچکی را در نزدیکی‌کاشان‌شرح میدهم وآن‌آتشکدهٔ نیاسر است‌که درآن حوالی‌آنرا‌ازآثاراردشیراول‌بنیان‌گذارسلسله ساسانی «میدانندوهوتوم‌شیندلر۶ هم باستناد «قم نامه» میگوید: «نیاسر»آتشکده [۱٤۹] ایست ازآثاراردشیربابکان ساسانی»

* * *

۱ ـ voute d' arrête

معماران ساسانی‌که از امکان تداخل طاقهای هم‌ارتفاع دریکدیگربی خبر بودند نمیتوانستند چنین‌پوششی رامجسم‌کرده بپذیرند،پس یکی‌ازدوطاق استوانی را ازبالای دیگری گذرانیدند.

۲ـ Voute en arc de Cloître

طاقهای چهارترك برپایه مربع‌که از نزدیك شدن تدریجی دیوار های مقابل بیکدیگر ایجاد میشود دردوران ساسانی متداول وراه ساختن آن اززمان اردشیراول رواج یافت .

۳ ـ Auguste Choisy

٤ ـ Voute en berceau یاگهواره‌ای بردو دیوار موازی بامقطعی بشکل نیمدایره ساخته میشود .

٥ ـ Pendentif en trompe گنبدکاخی‌که اردشیردرفیروزآباد برای خود ساخته بآن وسیله به چهاردیوارتالارچهارگوشش تکیه می‌کند . واین شیوهٔ اتصال مربع دیوارهابه دایرهٔ گنبد دردورهٔ‌اشکانیان نیزمورد استفاده قرارگرفته است.

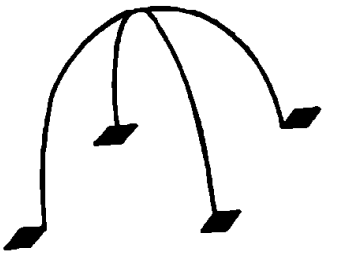
٦ ـ Houtum Schindler

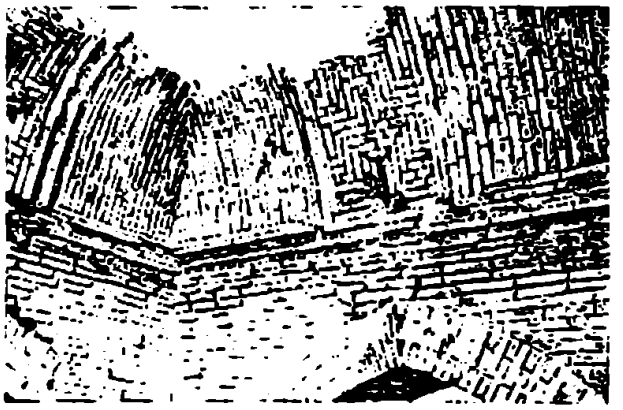
tarikhema.org

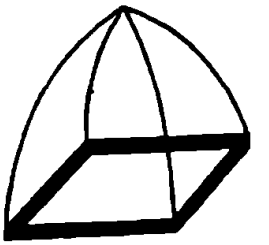
PDF.tarikhema.org

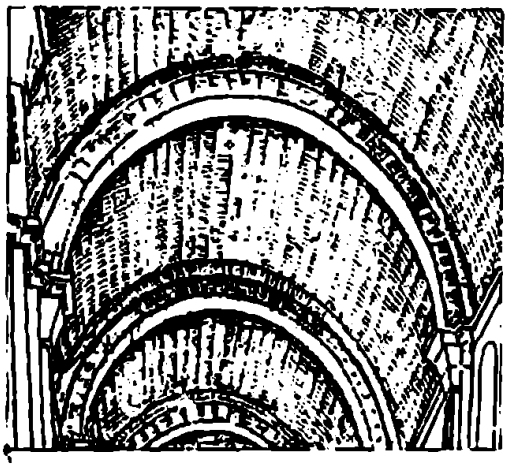
PDF.tarikhema.org

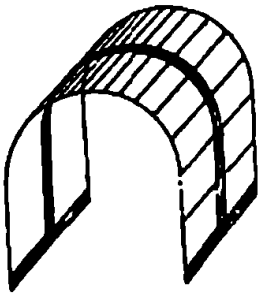












۱۶۸ ب | ۱۶۸ الف

۱۶۹ ب | ۱۶۹ الف

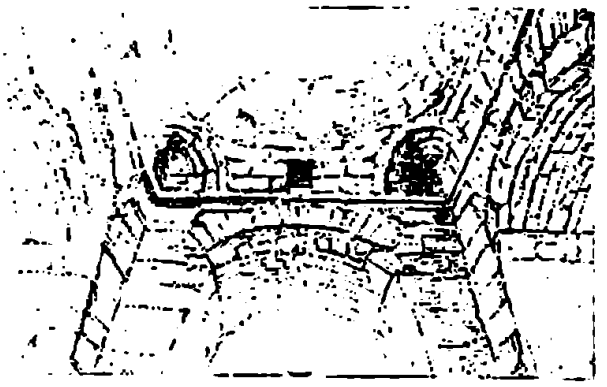
۱۷۰ ب | ۱۷۰ الف

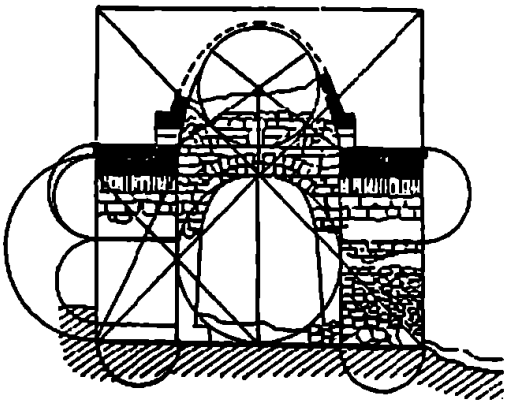
۱۶۸ـ طاق استوانی متقاطع ـ معماری اروپائی .
۱۶۹ـ طاق چهار ترك .
۱۷۰ـ طاق استوانی گهواره‌ای ـ معماری اروپائی.

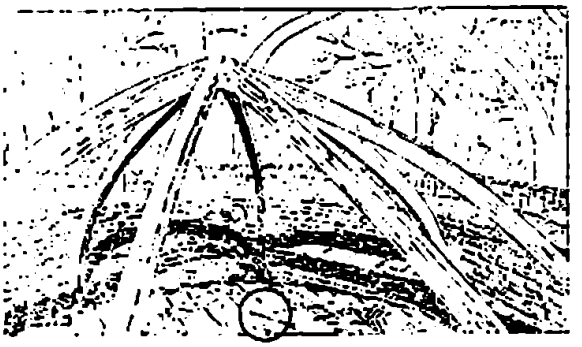
tarikhema.org

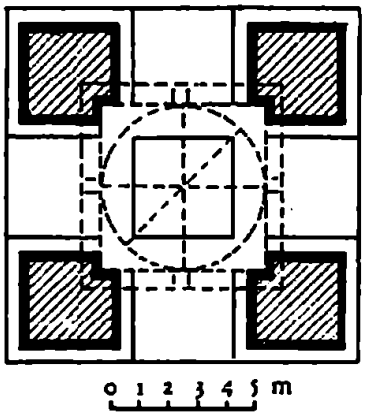
PDF.tarikhema.org

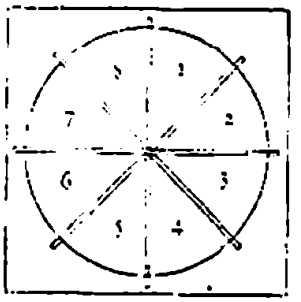
PDF.tarikhema.org

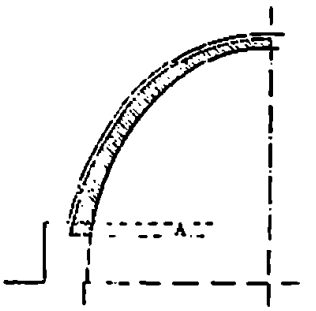


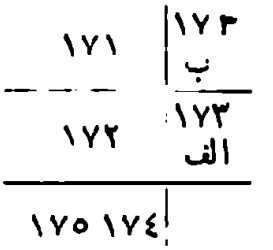












۱۷۱ــ داخل چهارطاق نیاسر .
۱۷۲ــ هلالهای راهنمای گنبد .
۱۷۳ــ نقشه‌وبرش‌چهارطاق نیاسر .
۱۷۴ــ نیمرخ یك‌هلال‌گچی‌که بانی تقویت شده‌است .
۱۷۵ ــ هشت‌بخش‌گنبد نیاسر .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسهای از ۹۷ تا ۱۰۵

۹۷ـ نقش برجستهٔ کرتیر، مغ بزرگ. نقش رجب، نزدیک تخت جمشید.
درنزدیکی صحنه ای که در آن به اردشیراول مقام روحانی اعطا میشود. ربع دوم قرن سوم میلادی. دردوران اولین شاهان ساسانی، کرتیر درزندگانی مذهبی واجتماعی نقشی مهم داشته است و با گذشت زمان قدرت وی روبفزونی گذاشت وهم اوسبب نابودی مانی گردید.

۹۸ ـ نقش برجسته برسینهٔ کوه ـ نمایش روحانی شدن اردشیر اول بدست اهورامزدا. نقش رستم، نزدیک تخت جمشید. ربع دوم قرن سوم میلادی.
این نقش که اهورامزدا واردشیراول را روبروبهم وسوار براسبان نشان میدهد یکی اززیباترین نمونه های نقوش صخره‌ای ساسانیانست.

۹۹ ـ نقش برجستهٔ جنگ سوارهٔ بهرام دوم با ناشناس. نقش رستم، نزدیک تخت‌جمشید. ربع چهارم قرن سوم میلادی. برخلاف اشارات تاریخی، حجارساسانی در این نقش بهرام دوم را دوستدارزم و جنگاوری معرفی می‌کند.

۱۰۰ ـ نقش برجستهٔ روحانی شدن نرسی بدست الههٔ آناهیتا. نقش رستم، نزدیک تخت جمشید. اواخرقرن سوم میلادی.
در این نقش آناهیتا، سمت راست، حلقه را بسوی نرسی (۳۰۳ ـ ۲۹۳ میلادی) دراز کرده، ولیعهد کوچکتر ودربیز آندو برپا ایستاده. آناهیتا درایران ودرآسیای صغیر، الههٔ آبهای آشکاروزیرزمینی است. وی الههٔ باروری‌نیز بوده، اما در پشت پنجم برخلاف آنچه در دایشتر بابلی آمده، بصورت زن جوان زیبائی شناسانده شده است.

۱۰۱ـ نقش برجستهٔ غلبه شاپوربروالرین، امپراطورروم. نقش رستم، نزدیک تخت‌جمشید
ربع سوم قرن سوم میلادی. اسارت والرین بسال ۲۶۰ میلادی پس از جنگی درادسا ـ واقع درشمال بین النهرین ـ پیش آمد.

۱۰۲ ـ بخشی ازنقش برجستهٔ شاپوراول. نقش رجب، نزدیک تخت جمشید.
ربع سوم قرن سوم. نرمش بدن وظرافت‌چین های لباس شایان توجهند.

۱۰۳ـ مجسمهٔ عظیم شاپوراول. غاری‌نزدیک شاپور کازرون، ربع سوم قرن سوم میلادی. بلندی ۷ متر.
گمان میرودکه شاپوراول درشاپور درگذشت ودرغاری درنزدیکی آن شهر بخاك سپرده شد ومجسمه ای از اوبرپایه ای طبیعی درآن غار تراشیده شدکه بعدها بسبب زمین لرزه ای فرو‌ریخت. اجزاءآن سپس گردآوری و چندسال پیش تعمیر گردید.
این تنها مجسمه ایست که ازهنرساسانی باقیمانده. ریش‌وی بشیوهٔ شاهان ساسانی ازحلقه‌ای میگذرد.

۱۰۴ـ بخشی از نقش برجستهٔ پیروزی بهرام دوم. نقش رستم ـ تخت جمشید. ربع چهارم قرن سوم میلادی از شباهت زیاد چهرهٔ بهرام در این نقش و مسکوکات وی، هویت او آشکارمیشود.
این صحنه را معمولا «پیروزی عرب» می‌نامند دردورهٔ شاپوراول وبهرام دوم حجاری‌ساسانی ظاهرساکنی را که در دورهٔ اردشیراول داشت از دست میدهد ودارای حرکتی میشودکه تا اجزاءآن رسوخ می‌کند.

۱۰۵ ـ اردشیردوم به مقام روحانی میرسد، طاق بستان ـ نزدیک کرمانشاه.
ربع چهارم قرن چهارم میلادی.
شاهزاده درحال کسب‌مقام درمقابل اهورامزدا ایستاده وهردو، برپیکردشمن‌پا نهاده‌اند، پشت سراردشیرمیترا، باشمشیرعدالت دردست ایستاده پرتوتقدس گرد سراونقش شده است.
تاآنجاکه برما معلومست، این تنها موردیست که خدای آفتاب درایران نقش شده‌باشد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

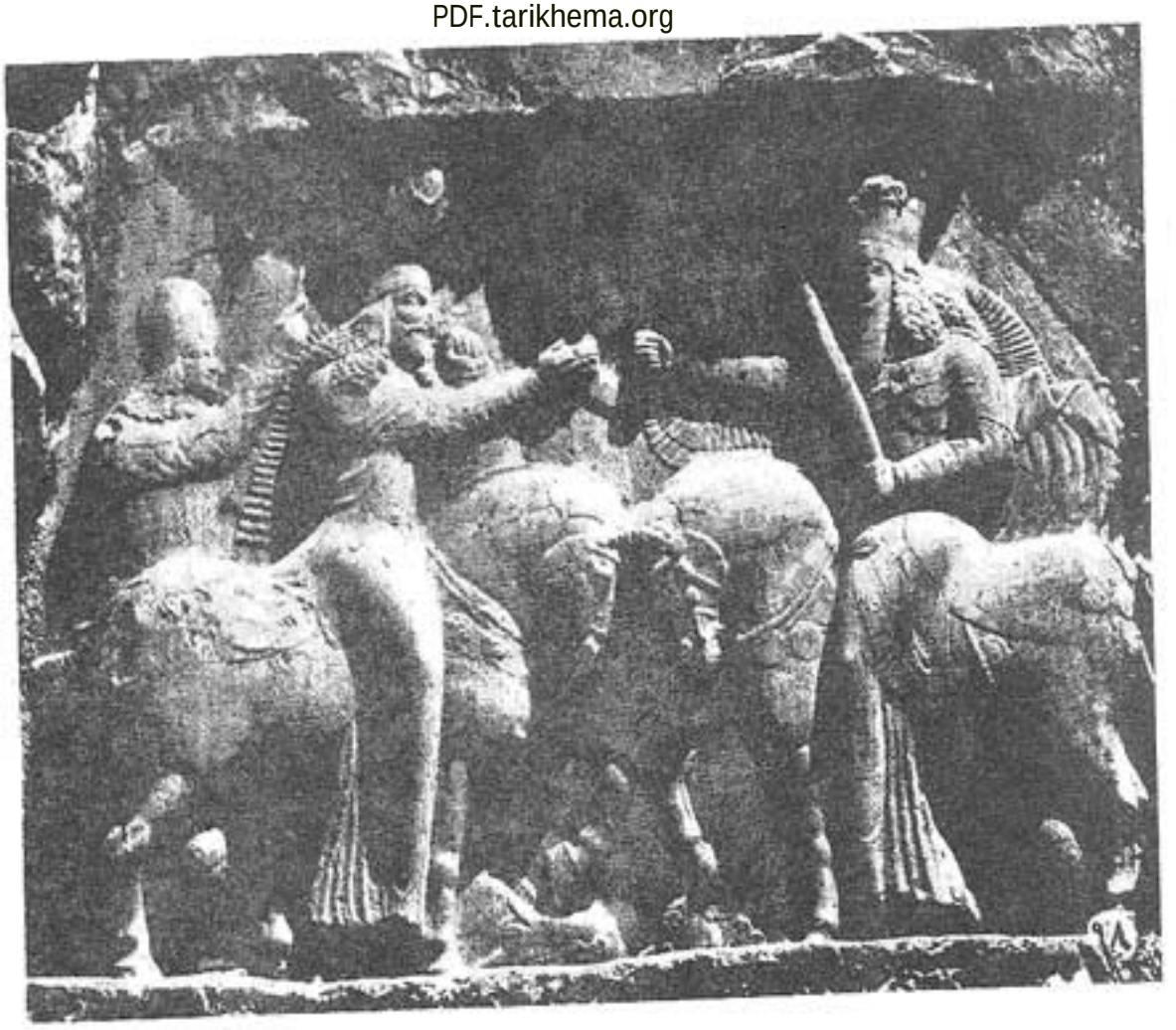
PDF.tarikhema.org

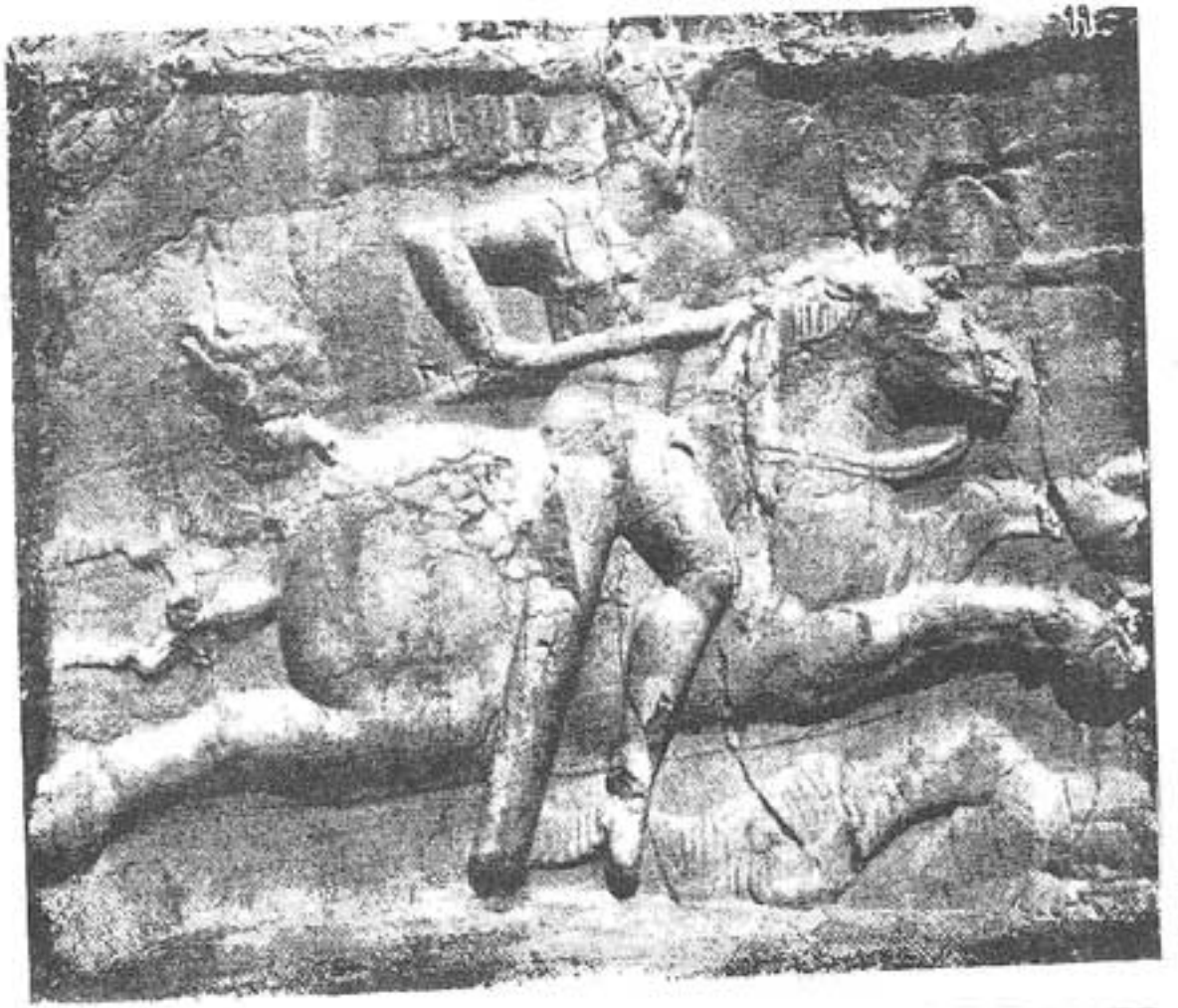


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

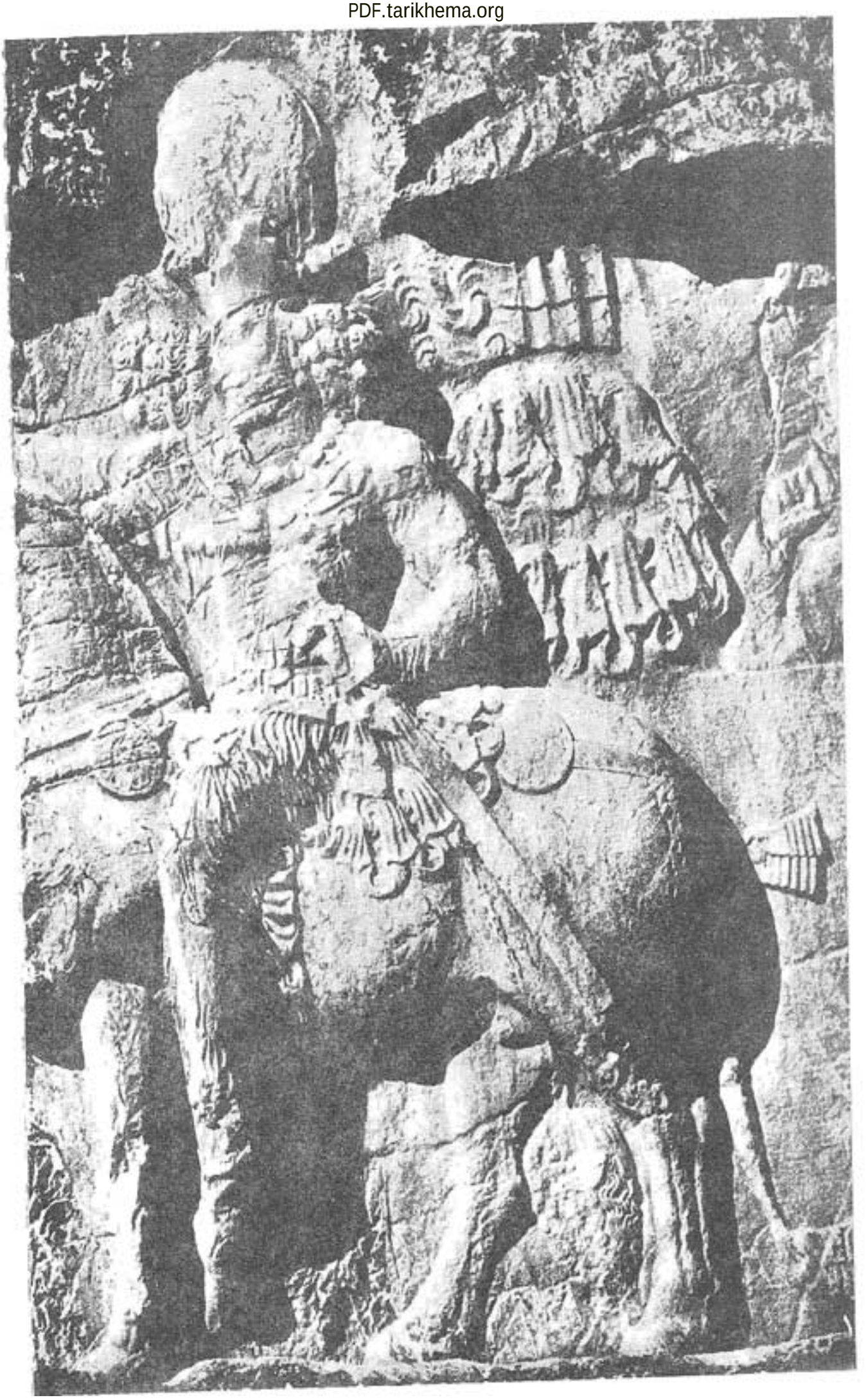
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

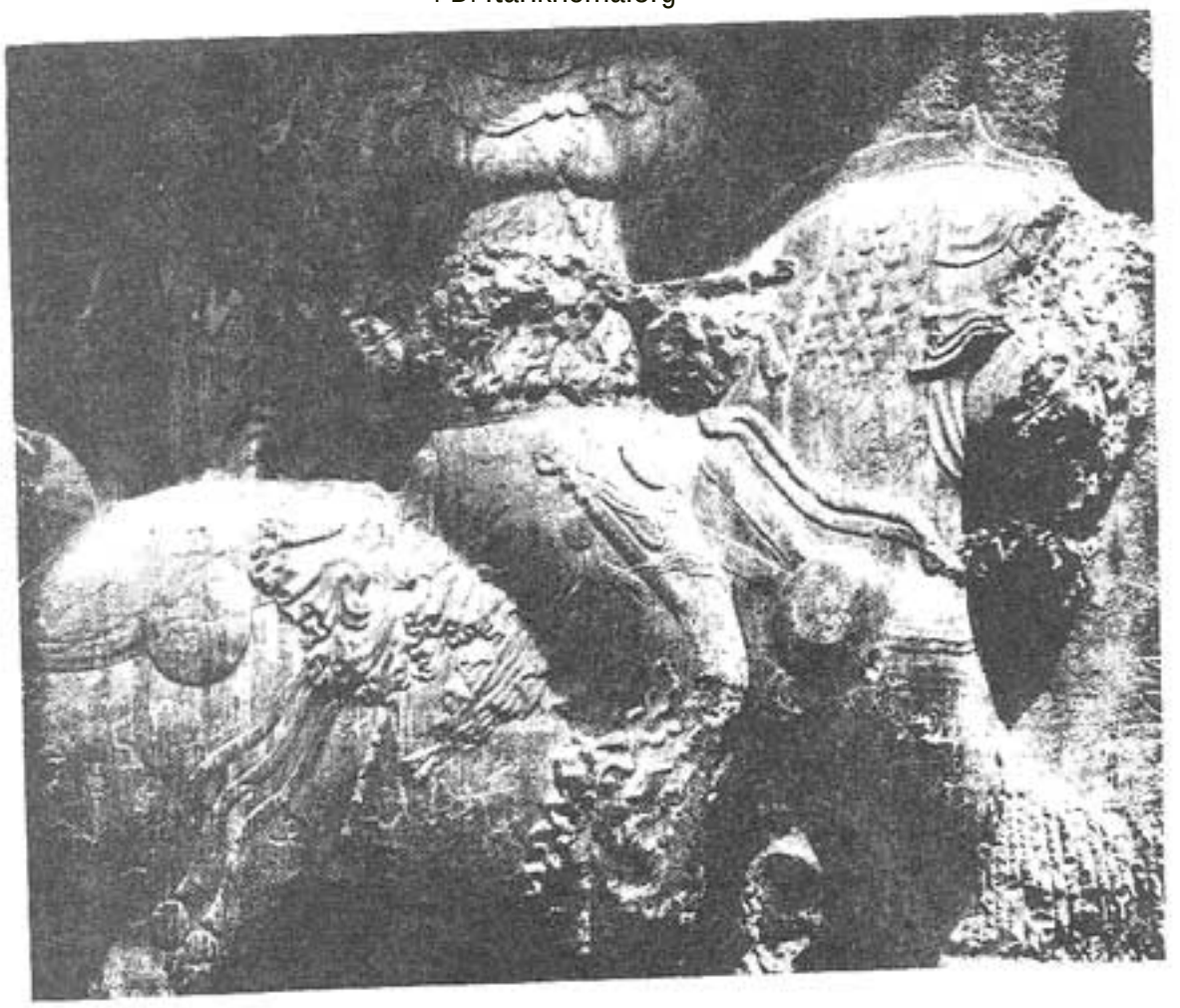
PDF.tarikhema.org

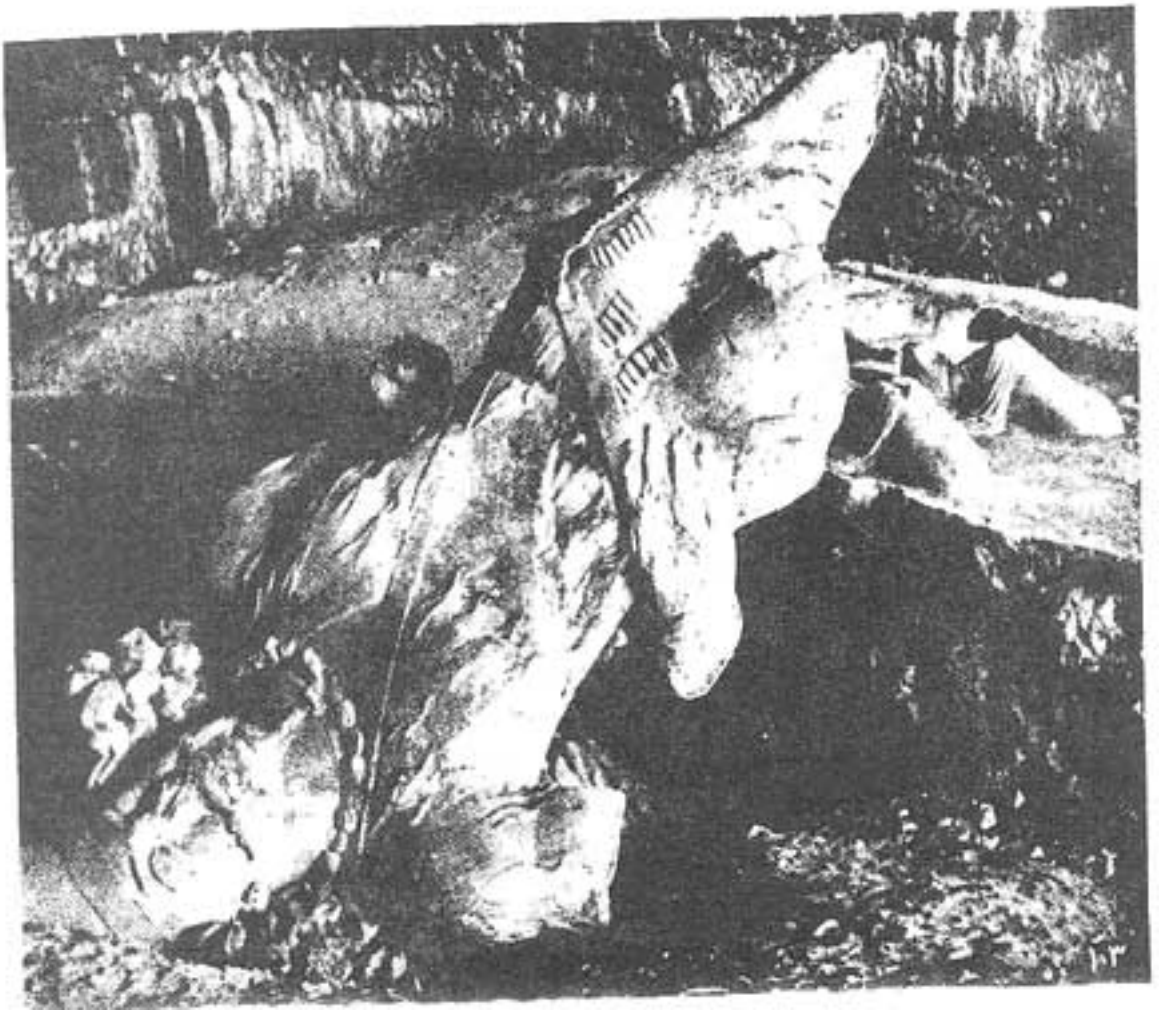


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

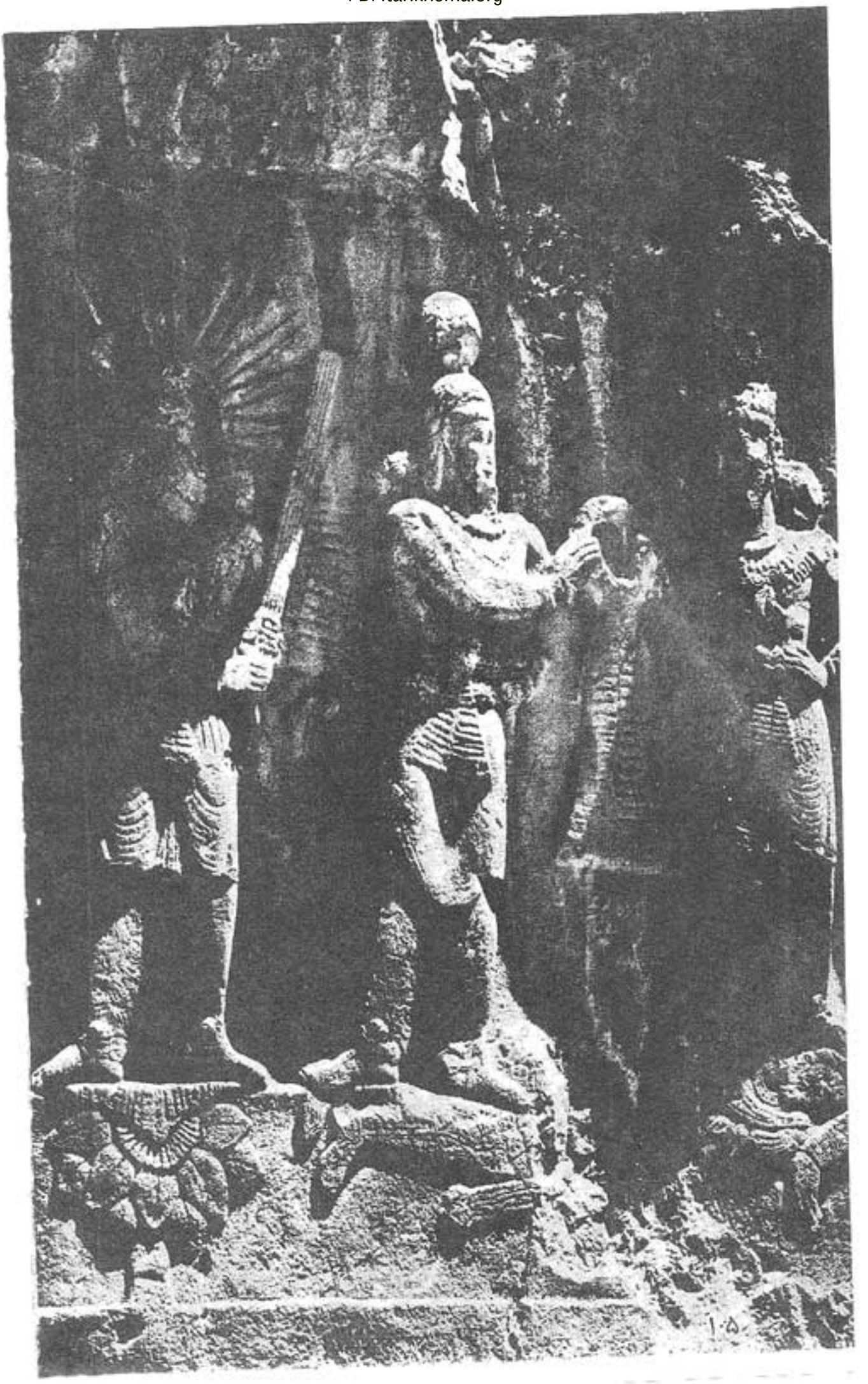
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اما این روایات ارزش واقعی ندارند مگرا ینکه متکی باطلاعـات پایه داری باشند، زیرا آزمایش هائیهم که ازخود ساختمان بعمل آمده این مطلب راتائیدنمیکنند. :روچهارقاپوه‌ی قصرشیرین که ازآثارخسرو دوم ومتعلق باواخردورهٔساسانی است،ساختمان‌خشن وناهمواری مشاهده میشود که‌درست‌نظیرش که‌باپاره سنگ های تراشیده، وباملاط ساخته شده، درفیروز آباد، درکاخ اردشیراول دیده میشود. درصورتیکه گنبد بزرگ سروستان (عکس۱۰۷) که تاریخ ساختمانش درست مقارن زمان سلطنت بهرام پنجم ، یعنی اواسط دورهٔ ساسانی است باآجروبسیاربهترساخته‌شده. همچنین طاق‌جره که متعلق بدورهٔساسانی است(نـه اواخرآن. بنابرعقیده رویتر[۱].) باسنگ تراشیده وزواردارخیلی‌بادقت ساخته شده است.

چیزی که مهمتراست شکل قوس هااست. امابدیهی است مقصود ماقوس های نیم‌دایره، بادهانه های کوچك یامتوسط که در ساختمانها دیده میشود واحتمالا بوسیله چوب‌قوس بندی شده باشد نیست . نظرما دراینجا متوجه طاقهای دهانه بزرگ ساختمانهائیست که بواسطه عدم دسترسی بچوب برای چـوب بست،مجبوربوده اند بنارا بدون قوس بسازند و دراین صورت الزاماً طریق دیگری را انتخـاب کرده اند. اینها دوقسم اند : دریکی سعی کرده اند که ازدهانه‌طاق ، بوسیله تنگ کردن تدریجی آن، یامایل کردن پایه های طاق بطرف‌داخل درگاه ها، بکاهند . واین طریقی‌است کـه درمورد نیاسر بکاربرده شده ،(عکس ۱۰۸) در دیگری پایه های طاق عمودی مانده وقوس هارا تاممکن بوده بطریقی بالابرده اندکـه از فاصله‌کاسته شود . ازنقطه نظر منظره، نتیجه این دو طریقه با هم متفاوتند . قوس نیاسر نسبت بدیگری که طاق‌آن از سطح زمین شروع میشود ابتدائی‌بنظرمیآید. آن دیگری کـه طاق‌کسری [۱۵۰] تیسفون است (عکس۱۱۰) بطورتحقیق توسط شاپور اول بین سالهای ۲۴۱تا۲۷۲ساخته شده وآن شیوه تاآخردورهٔ ساسانی متداول بوده است.

چون خالص‌ترین نماینده نوع اول، ساختمانهای نیاسروبازهور[۱۵۱] هستند، وهر دوی‌آنها از قدیم بزمان اولین پادشاه ساسانی نسبت داده شده اند ما هم میتوانیم بدون‌بیم اشتباه، ساختمانهای نوع نیاسررامتعلق‌بآغازدورهٔساسانی‌بدانیم. این ساختمان کوچك‌اطلاعات گرانبهائی راجع‌به طریق ساختن گنبد درآغازدوره ساسانی بمامیدهد وهم‌گواه برآنست که معماران‌ایرانی درآنزمان نتوانسته اند بدون بکاربردن هلال چوبی طاق‌مجرد یاقوس حمال‌تقویتی بسازند (شکل۱۷۰الف). وتوانائی ساختن سقف های چهارترك را هم بطور کامل داشته اند.

آتشکده نیاسر که درکناره جاده قاطررو،بین‌کاشان ودلیجان ودرمحل بسیارمرتفع

* * *

۱ــ A.Reuther

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وبیابانی واقع‌شده ، بدون بکار بردن چوب و بدون هیچگونه مصالحی جزسنگ هائیکه در محل موجودبوده وباگچ وني ساخته شده‌است. نیاسردرنزدیکی چشمه وجویباری واقع شده که درزمان گذشته وهمچنین درحال حاضردرآن‌میروید وبوسیله همین مصالح‌یعنی‌سنگ وگچ وني بوده است‌که این بناساخته شده‌است. سازنده حتی چوب بست های‌کمکی نیزدراختیار نداشته ودلیل‌آن ضخامت فوق العادهٔ قسمت پایین دیوارهای بناست . چه مسلم است‌که‌فشار وارده ازسقف سبك وبلند یك طاق مربع‌که هرضلع‌آن شش متروبیست سانتیمتراست ازنقطه نظرایستائی وجود دیواری بضخامت سه متررا ایجاب نمیکند . اما بنا،پیش ازشروع بکار میدانسته است‌که بانبودن چوب بست باید خود ودستیارانش بآسانی بتوانند بدورگنبدی‌که باید بسازند درحرکت بوده ومصالح موردنیاز را دردسترس خود داشته باشند . بنابراین راهروی بعرض دو متربدورگنبد بوجودآورده و ضخامت فوق العاده دیوارهاهم باینترتیب توجیه میشود.

ساختمان ازبیرون مانند توده مکعبی بنظرمیآیدکه چهاردرگاه پهن درآن‌ایجاد و بدنهٔ‌کوتاه واسطه‌وسپس خودگنبد را روی‌آن‌قرارداده باشند (شکل۱۷۳الف وب) درداخل سقف مستقیماً ازروی زمینه مربع اطاق،مانند سقفی بشکل طاق چهارترك شروع شده وبعد متدرجاً ازشکل چهارگوش بصورت مدوردرآمده‌به‌گنبد تبدیل میشود.

این نوع سقف‌ها !کنون هم‌هرروزه‌درایران ساخته میشود اما بیشترآنها باخشت‌خام یعنی طبق روش ساختمانی‌کـه‌آجرچینی وریزه‌کاری درآن وجـود ندارد وکاربسیارساده و آسانی است. بطوریکه بناهای ساده دهات بخوبی موفق‌میشوندکه باخشت خام پیچشی راکه گفته شد ازقسمت پائین‌گنبد بوجودآورند. درصورتیکه بامصالح‌آجریاسنگ میتوان‌سطوح منحنی بهتروباشیب بیشتری ساخت. درساختمان نیاسرمشکل ساختن‌گنبدمدور روی زمینه مربع را باین طریق حل‌کرده اندکه روی زوایای مربع طاقهای مخروطی‌کوچکی ساخته وباین‌ترتیب‌کارساختمان رابا قوسهای مجردمتوازی‌آسان‌کرده اند. (شکل۱۷۱)ساختمان گنبد روی طاقهای مخروطی‌گـوشه ، در دورهٔ ساسانی‌کاری هوشمندانه بوده است . زیرا ساختمان روستائی‌رابیك ساختمان دقیق وقابل تکمیل وتوصیف تبدیل‌کرده است واین‌شیوه دردوران اسلامی داخل معماری ایرانی گردید .

من‌نه بانظردیولافوا ودمناطق شلجمی» اش [۱۵۲] موافقم ونه،باشوازی [۱۵۳] که دربارهٔ تبدیل مربع بدایره میگوید:«پیوندیـك‌بنای هشت ضلعی بدائره ابکه درآن محاط است‌کارساده ایست وراه حل ایرانی هم عبارت ازتبدیل یك بنای مربع‌به هشت ضلعی‌است بوسیله چهارطاق گوشه‌ای.»

درحالیکه ایرانیها مسئله‌رابااین طریق حل‌کردندکه همیشه‌کـردکردن قاعده‌گنبد را ازقسمت پائین سقف شروع میکردند وتبدیل نقشه مربع بـه هشت ضلعی ازدورهٔ اسلام ببعد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیداشد. گنبد روی ساختمان مربع که دردورهٔ ساسانی معمول بود وباحشت ساخته میشدشبیه به شبه کره ایست که پایه اش مربع باشدویادارای طاقهای گوشه ای درساختمانی آجری است، که هم اکنون هم روستائیان ایرانی میسازند. من محل اولیه این نوع سقف را نمیدانم امابین قم ویزد بیشتر ازجاهای دیگرمعمول است. چون ازاین نوع سقف ها درساختمانهای بزرگ وباشکوه استفاده میشده ودردورهٔ ساسانی تحول مهمی درآن پدید نیامده است. سطح چپ رابط وطاقهای گوشهٔ ای همیشه قسمت پائین سقف اصلی را اشغال میکرده اند اما معمار کاخ سروستان تغییر اصلاحی کوچکی درروش پیشین داد وآن این بود که این سطح چپ را ازبالاوپائین بوسیله دونوار باریك تزئینی محدودکرد بطوریکه سطح داخلی بنارا بسه قسمت: زمینه مربع، منطقه واسطه وگنبد تقسیم نمود (عکس۱۰۷). ابتکار دیگری هم که بکاربرد این بود که گنبد را روی پیش آمدگی کلی قرارداد که نیمرخ خمیدگی آن که درمحورسطح بنظرمیآیدهرچه به قطرمربع نزدیك ترمیشود شدید ترمیگردد بطوریکه روی نوار تزئینی بالائی ، سقف منظم وبرش افقی آن مدور [۱۵٤] میشود. اما گنبد چهارقاپودر قصرشیرین که متعلق بزمان خسروپرویز(۵۹۰ تا۶۲۷) است شبیه گنبد فیروزآباد میباشدکه چهارقرن ازآن قدیمی تراست.

اکنون به بینیم ساختمان کوچك نیاسر چگونه ساخته شد. درپائین تانقریبانیمه ارتفاع درگاه هاباقلوه سنگ های طبیعی وباملاط گچ وازآن ببالاتامحل طاقهای گوشه ای باسنگ های چهارگوش ساخته شده اماطاق درگاه هارا باسنگ تراشیده بشکل آجرهای بزرگ و کلفت ساخته اند خود گنبد درروی طاقهای گوشه ای ازسنگ ساخته‌شده است .

طرح درگاه‌ها کاملامطابق اسلوب آغازدورهٔ ساسانی است. پایه قوس ها تقریباً مستقیم وبطرف داخل کج ودرقسمت بالابطورضعیف خم شده اندتابه قوس‌ها وصل‌شوند. این قوس ها خیلی پهن وباقطعات عمودی موازی باجبههٔ [۱] بناساخته شده اند نه بوسیله سنگ‌چین هـای متمایل بیك‌نقطه[۲]، ومیدانیم که میتوان بدون هلال قوس هائی بوسیله آجر یاسنگ درفضا ساخت چنانکه شوازی میگوید: « روشی که امکان ساختن طاقی را بدون استفاده ازهـلال میدهد همانابکاربردن قطعات عمودی است نه سنگ چین متمایل بیك نقطه واقع درمرکز قوس. فرض

* * *

۱ ــ A. Choisy تاریخ معماری، جلد اول صفحه ۲۳ شکل ٤ بطوریکه شکل مزبور نشان میدهد و سیله ساختن یك سقف گهواره ای بدون هلال چوبی همان طریق ساختمان با قطعات عمودی است .

۲ ــ یعنی باتخته سنگ هائیکه متقارن در دوطرف طاق قرارگرفته و سطح اتکای آنها درخط مرکزی طاق بیکدیگرمیرسند. شیب این سطوح هرچه بالاتربرود بیشترمیشود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کنیم که درمبداء یك طاق گهواره ای، تکیه گاهی وجود دارد. آجرهای ردیف اول طاق را باملاط روی این تکیه گاه نصب میکنند. دراثرچسبندگی ملاط به سطح آجر، این ردیف بدون نگهدارکمکی بجای خود می‌ایستد. آنوقت ردیف دوم راشروع کرده بقسمی که درمورد ردیف اول عمل شد آجرهای ردیف دوم رانصب میکنند وبهمین ترتیب میروند تاطاق بالا برود. تنها اگر تکیه گاهی برای شروع طاق نباشدلازم است طاق کوچکی بجای هلال برای شروع طاق کار گذاشت وباین ترتیب سقف بدون هلال بپایان میرسد[۱۵۵]. اما نمیتوان بی‌هلال قوس شماعی ساخت. » بعد از این میگوید که چگونه بدون کمك هلال چوبی تکیه گاهی که ردیف دوم وسپس ردیف های بعدی روی آن قرارمیگیرد ساخته میشوند. روی قوسی که باین ترتیب ازردیف های آجربطورعمودی [۱۵۶] ساخته شد قوس دیگری، اما با بندهای شعاعی بطوریکه روی قوس اولی رابپوشاند میسازند. امادراین مورد قوس دوم بکلی زائدبنظر میرسد واین بطوروضوح درعکس ۱۰۸وشکل ۱۷۱دیده میشود .

روی دیوارهای پهن تالار مربع و روی قوس های تقویت کنندهٔ قسمت تحتانی گنبد که دربالای آن سطح منحنی وطاقهای گوشه ای قرارمیگیرند ساخته میشود . باین ترتیب بآنجا میرسیم که بناها میخواهند قسمت بالائی سقف رابسازند، حالاچه خواهندکرد؟ اینجا طریقه ای ازساختمان پیش میاید که بهترازهمه خصوصیت معماری ایرانی را دردورهٔ اسلامی نشان میدهد و ما در ساختمان نیاسردر میابیم که طریقه مزبورمتعلق به معماری دورهٔ ساسانی است .

معمارروی زمین یا درسطح گچی مقطع گنبد ومحل آخرین آجرچین رارسم میکند، بعد درفاصله معینی ازسطح خارجی گنبد وموازی باآن خطی میکشد وباین ترتیب قسمت مخطط شکل ۱۷۴را بدست میاورد. بعدآنرا باسنگ یادیواره خاکی محدود و چنانکه هنوزهم این روش معمول است ، قالب گیری میکند ، پس ازآن نی‌هائی درقالبی که باین ترتیب ساخت گذاشته باملاط گچ که مقاومت متوسطی داردآنراپرمیکند. ازاین قالب هشت قطعه نیم قوس گچی مسلح به‌نی درست میکند که ازجهت جانبی‌شکننده ولی ازجهت طولی مقاوم است و شکل آن مقطع سطح خارجی سقفی راکه باید ساخته شود نشان میدهدکه ارتفاع آخرین آجرچین بآن افزوده میشود . بعدآنها را به‌بالای ساختمان برده درامتداد محورهاواقطار گنبد سوارمیکند وسرآنها را دررأس گنبد بوسیله گچ بهم‌متصل وپایه‌ها را نیزروی آخرین سنگ چین قاعده گنبد محکم میکنند . اثریکی از آنها بشکل خط سفیدی‌وتقریباًدر محور درگاهی درشکل ۱۷۱ نمایان است .

حالاگنبد مورد بحث بصورت قفسی مرکب از هشت تیر منحنی گچی بضخامت چند سانتیمتر درآمده است این هشت تیر منحنی اضلاع فضای مثمن‌های کروی را تشکیل میدهند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که قاعدهٔ هریك،یك هشتم محیط دائرهٔ تحتانی‌ورأسشان تارك گنبد است . دونفر که مأمور پوشاندن یا کلاف کردن آنها هستند روی راهرو مانندی‌که ذکرش گذشت مشغول فعالیت بدور قفس مزبور میشوند وکارگرها پی‌درپی مصالح لازم را برای‌پوششی بآنها میرسانند . رعایت‌توازن‌درتمام هشت قطعه‌وهماهنگی‌پیشرفت‌کاردربخشها ، باعث میشودکه فشاری‌که‌وزن مصالح بکاررفته ایجاد میکند بخودی‌خود خنثی گردد . درواقع وجود نیم قوس‌های منحنی شکننده فقط برای راهنمائی بناها وجلوگیری ازانحراف‌آنها است، وگرنه آنها بهیچوجه توان مقاومت درمقابل فشار، ندارند . درصورتیکه مصالح درتمام نقاط بطور مساوی بالا برود فقط فشارخفیفی درجهت جانبی تحمل خواهندکرد که به‌نسبت پیشرفت ساختمان رفته رفته‌خنثی‌میشود. برای جلوگیری ازاثرات این فشاربکی‌ازبناها درمقابل یکی‌ازدامنه‌های گنبدکه باید پرشود ، مثلا دامنه شمارهٔ۱ قرارمیگیرد ودیگری درست روبروی اودر مقابل دامنه شماره ۵ (شکل۱۷۵) وطوری‌کاررا شروع میکنندکه درمدت مساوی بمقدارمساوی و درارتفاع مساوی‌کاررا پیش ببرند . بعد به‌دامنه شماره۲ و۶ وپس ازآن به‌شماره۳و۷ وغیره بطوریکه همیشه یکدیگررادردورگنبد وبفاصله چهاردامنه تعقیب میکنند تاباهم به‌تارك گنبد برسند . ضخامت نیم قوس‌های گچی بطوریکه گفته شد فقط قسمتی از ضخامت گنبد رانشان میدهد وسطح بالائی آنها درداخل گنبد وبیك فاصله نسبت بسطح خارجی آن واقع میشود . بعد ازاین‌کاری‌که باقی میماند پوشاندن سطح‌داخلی وخارجی گنبد ازاندود محافظ‌است.

حالابرگردیم بموضوع ساختمان طاق درگاه‌های نیاسرکه موقتاً از آن دور ماندیم وبه‌بینیم طاقهای مزبورچگونه بدون‌هلال چوبی ساخته شده‌اند . اینجاهم بایدیك نیم‌قوس گچی مسلح به‌نی بکاررفته باشد . زیرا بطوریکه از مشاهدهٔ جبهه ساختمان معلوم میشود اولین رج سنگ طاقهای مزبورهمسطح دیوارها نیست وچندین سانتیمترعقب‌تراست (عکس ۱۰۸) این عقب‌رفتگی خفیف احتمالا جای هلال گچی است‌که درموقع‌ساختمان بوده وبعداً ازمیان رفته است ، یا پس ازاتمام‌کارآنرا برداشته یا رویش را اندوده‌اند ومرورزمان‌آنرا ازمیان برده است واکنون جایش باقی است ونشانه هائی بجامانده‌که حکایت ازبودن‌آن‌در موقع ساختمان میکند . این احتمال هم هست‌که بعد از اتمام‌کارساختمان هلال گچی را برداشته و جایش را بایك رج سنگ تراشیده پر کرده باشند . ممکن هم هست‌که این کار را در مورد ساختمان‌نیاسر اصلاً نکرده باشند . چنانکه می‌بینیم طاقهای مجرد و طاقهای گهواره ای درساختمان‌های‌کوچك ازآغازدورهٔ ساسانی بسرعت، باکمال‌آسانی‌وبدون‌هلال ساخته میشوند .

روش‌کارچنین بوده است‌که پیش ازآماده شدن پایه هاوقاعدهٔ طاقها ، نقش طاقها را روی زمین رسم‌کرده، بعدحدود این نقش راباسنگ یادیـواره گلی‌چیده،باین‌ترتیب‌قـالبی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بوجود میاوردندکه توی آنرا نی‌میگذاردند وبعدباگچ‌آماده پرمیکردند. از این طاق چهارتاقالب ریزی میکردند . سپس آنهاراهم سطح جبهه ساختمان‌روی پایه های طاق سوار کرده پای‌آنهارا باگچ‌محکم میکردند بعد بناها سطح داخلی را ملاط زده فوراً سنگ‌های ردیف‌اول‌طاق‌را نصب‌میکردند وبعد بهمین ترتیب ردیف دوم راباولی وسوم رابه دومی وغیره تاپایان کار.

این بود روش زیرکانه، کم‌خرج وبسنده ایکه ازآغازدورهٔ ساسانی وحتی خیلی پیش ازآن ، ساختن سقف‌وگنبد بدون چوب‌بست‌رابطورمنظم ومقرون بصرفه‌که مناسب‌ابتکارات سازنده وزیرنگراست تحقق بخشید ، علت اینکه این روش را مقدمتاً مورد گفتگوقرار دادم اینست‌که در حقیقت روش مزبور حاکم برآینده معماری ایران است ، اما ایران روش های دیگری نیز داردکه بهمین درجه مفید و جالب توجه است و بموقع خود بآن اشاره خواهد شد.

درایران دورهٔ ساسانی‌هم طاقهای سنگین وسترك وهم طاقهای فتیله ای ساختند. اما درهردومورد چیزی‌که مابه نگرانی سازنده ایرانی بوده ودرروش حرفه ای اونافذ بوده ، مشکل‌دسترسی نداشتن به چوب بوده است‌که اورا مجبور میکرده‌که ساختمانهای خود را بدون چوب بست انجام دهد . هزاره هائیکه در سطح بنا میسازد باوامکان میدهدکه بدون هلال‌کارکند . فتیله هائیکه بکارمیبرد وقتی ساختمان طاق بپایان رسید جزوزن خودفشاری نمی‌بیند و وجودشان در مورد ساختمان طاقهای سبك آجری فقط برای جلوگیری از بی‌نظمی درآنها است ، ولی درمورد ساختمان‌ضخیم وبزرگ ترهیچ نقشی ندارند زیراقوس های آجری‌که مکمل طاق هستندتقریباً جای‌گزین‌آنها میشوند، قوس های‌گچی مانند قوس های طاق نیاسرحتی سبب نسف ساختمان هم میشود وازنظرتعادل اگرنبودند بهتربود. ودر این مورد هیچ وجه اشتراکی‌بامعماری‌گوتیك در میان نیست زیرا وسائل وهدف آن بکلی چیزدیگری‌است .

حالا بحث در موضوع طاقهای فتیله‌ای «Nérvées» شرقی و غربی راکه درایران عمومیت دارد ودرفرانسه‌هم درقرون وسطی متداول بوده ، بدون اینکه ارتباطی باهم‌داشته باشد ، اندکی بتاخیر میاندازم . زیرا ازبس خواندم و شنیدم‌که میگویند : «درطی دوره سلجوقی معماری‌گوتیك‌که مبداءآن ایران بوده باروپا رفته» خسته شده‌ام . ضمناً خواهش میکنم من را دراین مورد منحصراً باستان‌شناس بدانند.

موضوع ریشه‌ومبداء معماری قرون‌وسطی فرانسه داستان‌کهنه‌ایست. ملکیوردووگوئه Melchior de Vogué نوشته است : «درچهل سال پیش ، در ۱۸۶۰ عموماً قبول کرده بودندکه معماری سبك‌گوتیك ، ریشه‌اش عربی است ودرتعقیب‌جنگ‌های صلیبی‌ازپیش‌اعراب

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بفرانسه منتقل شد. این عقیده، مطبوع طبع افسانه‌پسندان زمان‌واقع شد. اما بعداً صاحبان افکار واقع‌بین این عقیده را رها کردند و در مقابل کارهای بیشماری‌که خصوصیات حقیقی معماری مارا میشناسانید وتحولاتیرا که بدون مراجعه بشرق درآن بعمل‌آمد تشریح‌میکرد، این نظرفراموش شد . ولی ازچندی باین طرف دراثرمسافرتهای بیشتری بشرق ، ظاهراً این فکردوباره‌زنده شدوکسانیکه ازارض‌مقدس دیدن‌کرده‌اند تقریباً همه‌طرفدارآن‌شدند. چه معمولا مسافرین علاقه دارندکه هرچه را بچیزهائیکه‌آنها راتحت تاثیرقراردهدمربوط سازند . منتها برای اینکه‌خود را باسلیقه روزتطبیق دهند، این روش، مشی شاعرانه‌خودرا از دست داده و برای خیره کردن و فریفتن در نظر اول ، قیافه علمی بخود گرفته است [۱۵۷] .

درتعقیب مطالعات وگه Voguè و ویوله‌لودوك Violet le Duc و ورتایل Verneihl وآنتیم‌دسن‌پل Anthyme de saint Paul ولاسوس Lassus وژان Gens ومریمه Merimèe ولوفورپونتالیس Lefèvre Pontalis وغیره دارای این‌عقیده شده‌اند که«معماری گردیده . » ودر « ایل‌دفرانس » Ile-de-France است که درطی نیمه دوم قرن دوازدهم تحول‌کامل درآن صورت گرفته است [۱۵۸] . » اما « برحسب علاقه‌ایکه بعضی مسافرین دارندکه هرچه را بچیزهائیکه‌آنها را تحت تاثیر قرارداد، مربوط سازند» مسئله ریشه و مبداء معماری‌گوتیك دوباره بمیان آمد . و تصور نمیرود که این بارمشاجره بشدت بار اول بوده باشد . زیرا دراین موضوع بقدر کفایت وبطورجدی بحث شده ومطلب مهمی‌که بتواند نتیجه‌بازجوئیهارا تضعیف‌کندپیش نیامده‌است. اما با وجوداین اظهارات‌اغفال‌کننده‌ای درلفافه دلایل بی‌پایه شده است‌که قابل توجه‌نیستند . معهذا جادارد که‌اهمیت‌آن راآزمایش کنیم. زیرا این اظهارات‌هم، درست‌درردیف‌آنهائیست‌که «برای‌خیره‌کردن و فریفتن‌درنظر اول قیافه علمی بخودگرفته‌اند.»

تاریخ طاقهای ایرانی ، تاریخ وسائل واسبابی است‌که امکان ساختن آنها را داده است . این تقریباً بیان«شوازی»است [۱۵۹] .اما تاریخ طاقهای‌گوتیك بنابرعقیده عمومی عبارت ازتاریخ وسائلی است‌که‌امکان روشنائی‌دادن مستقیم بصحن مرکزی‌کلیسا را«میدهند. پس هدف معمارایرانی ساختن بدون هلال وهدف معمارفرانسوی ، ایجاد روشنی بیشتر در فضای‌کلیسا بوده است. درمعماری ایرانی هیچ نقشه ونشانه‌ای حاکی ازکوشش برای‌تامین روشنائی بیشتری که همیشه بیش از اندازه لزوم دارند دیده نمیشود . برعکس سعی میکنند جلوآنرا بگیرند چنانکه دربسیاری‌ازساختمانها منجمله مساجد قسمت مرکزی ایران‌روشنائی ازخلال تخته سنگ‌های ضخیم مرمرسفید بداخل میتابد . درمعماری‌گوتیك هم هیچ طرحی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که علاقه بصرف نظر کردن ازهلال را نشان دهد دیده نمیشود . درنظر یك ایرانی جستجوی راه ازدیاد روشنائی همانقدرجنون آمیزاست که یك فرانسوی بخواهد طاقی درخلاء بسازد. دراین شرایط چگونه ممکن است معمار فرانسوی، که سعی میکندازسطح دیوارها بکاهدچیزی را از ایرانی اقتباس کندکه هرگز بفکراو خطور نکرده است؟ وچطور معماران فرانسوی میتوانند ازایران تکنیکی راکه ندارد بگیرند ؟ با وجود این اگر بخواهند ریشه معماری گوتیك را درایران پیدا کنند باید درمعماری ایرانی نمونه‌هائی از اسلوب تمرکزنیرو و ترتیبات فنی معماری که این منظوررا تامین کند پیدا کرد . در صورتیکه چنین چیزی چه عملا وچه فکراً درآن دیده نمیشود .

بعضی خواهندگفت ممکن است چنین باشد اما فتیله‌های ایرانی با اینکه کارفتیله‌های گوتیك را نمیکند ولی تصورش را بسازندهٔ فرانسوی میدهد . واین شاربا ستانشناسی نما: « این چیزبآن دیگری میماند، پس ازآن پدیدآمده» پذیرفتنی نیست چنانچه سابقاً شانوبریان نیز بلندی ستونها و انشعاب فتیله‌های طاق کلیساهای ما را، بیاد جنگلهای ژرمنی ارتباط داده است .

قدیمی‌ترین گنبد ایرانی که تا بحال شناخته شده ، گنبدکاخ اردشیر در فیروزآباد است [۱۶۰]. این گنبدکه برروی دیوارهای خیلی ضخیم بناشده ، چنان نادرست وبی‌ترتیب ساخته شده که درارتفاع چند متری ازقاعدهٔ آن هنوز برش افقیش مدور نیست وباحتمال قوی، گنبد نامبرده یکی از اولین انواع طاقی است که در ساختمان تحقق یافته ومدتها پیش از ساختمان آن دهقانان فارس ساختن آنرا میدانستند وآنرا باخشت خام میساخته‌اند وقدیمی‌ترین نمونهٔ آن ازمیان رفته است. این نوع طاق که دردورهٔ ساسانی سیرتکاملی را میپیمود، وساختمان منطقه بین سطح مربع وقسمت مدور گنبد تادورهٔ اسلامی متکی بقاعده درستی نبود، باوجود این در تمام دورهٔ ساسانی باشکوه‌ترین و پسندیده‌ترین طاقها شناخته شده بود . و هنوز میتوان سی تائی ازنمونه‌های کم و بیش ویران شده آن رادرباختر ایران مشاهده نمود درصورتیکه در خاور کشور فقط در دامغان وبازهور و کوه خواجه ازاین نوع طاق دیده میشود . همچنین درمغرب ایران است که جالبترین نمونه های مسجد ایرانی که عامل اصلی آن چهارطاقی ساسانی است دیده میشود . این نوع مسجد عبارت از گنبدی است که روی چهارپایه که بوسیله چهارقوس بهم پیوسته اندقراردارد. ازاینجا میتوان چنین نتیجه گرفت که گنبدایرانی نه تنها درغرب ایران ومخصوصا درفارس بوجودآمده بلکه عظمت وشکوه خود را برای اولین باردرآنجا بدست آورده ورواج گرفته است . بدیهی است که اگر به حجاری های کویونجیك Kuyundjik اعتماد کنیم ، مدتها پیش از آن درآشورهم ساختمان گنبد معمول بود همچنین درمصرویونان و روم، اما باتکنیك دیگری ، واین نشان میدهدکه در

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نواحی مختلف گیتی اقدام به پوشاندن تالارهای مربع یا مدور بوسیله گنبد کرده ودرهمه جا وسائل اینکاررا بدست آورده اند.

بنابراین معمار ایرانی دردورهٔ ساسانی طاقهای استوانه ای و گنبد راباسنگ ناتراشیده یاتراشیده وآجریاخشت خام بآسانی میساخته وساختن گنبد های سبك فتیله دار را چنانکه نمونهٔ آنرا درنیاسر دیدیم ونیزساختن سقف های چهارترك راباهمان مهارت میدانسته است. اماطریق تداخل سقف هاواصول ساختن سقف های زاویه داررا نمیدانسته است. مثلا اگر ایوانی راپاگنبدی می‌پیوست ، ایوان باید درپائین مبداء گنبدی روی دیوارهای تالارمربع تکیه کندیاپیش ازرسیدن به گنبدمتوقف گردد ، مانند ساختمان سروستان. هنگامیکه ایوانهای فرعی درایوان اصلی بازمیشدند سقف های استوانه‌ای آنهاروی دیوارهای جانبی ایوان بزرگ ودرپائین مبداء طاق آن تکیه میکردند ، چنانکه درساختمان فیروزآباد دید میشود.

اینك به بررسی ساختمانها میپردازیم . درحقیقت قابل توجه ترین ساختمان معماری دورهٔ ساسانی را میتوان کاخ فیروزآباد دانست که بدستور اردشیر بابکان وپیش از غلبه اوبر آخرین پادشاه اشکانی، اردوان پنجم ، یعنی دردوران پارت ها ساخته شده است.

بنابر این قاعدتاً نباید ساختمانیرا که سبك ومصالح آن متعلق به دورهٔ پارت ها است از آثار ساسانی بدانیم و از طرفی هم نمیتوان آنرا از آثار دوره پارت ها دانست زیرا مجموع ساختمانهای مزبور متعلق بزمان ساسانی است . پس شایدبتوان آنرا معماری فارس خواند . چه، دراین قسمت ازایران بوده است که عوامل هنری ساختمانها فیروزآباد فراهم گردیده وهنوز بقایای بیشماری ازساختمانهای همردیف آن در فیروزآباد جره ، فراش بند، کازرون ، یزدخواست وسروستان وغیره موجود است . اماتقسیمات تاریخی آن بین ادوارهخامنشی ، سلوکی ،پارت ، ساسانی وبعدازآن سلجوقی ومغول وغیره ازنقطه نظرهنری نیست ومیتوان بآسانی آثارهردوره را بجای خود قرارداد . باین معنی که معماری یك دوره باپیروزی یك پادشاه درجنگی بوجود نمیاید و عوامل آن قبلاوجود داشته و بعد از آنهم که دو باره جنگی قدرت را ازسلسلهٔ دیگرمنتقل نماید بازبحیات خود ادامه خواهد داد .

کاخ فیروزآباد که قدیمی ترین ساختمان ازسبکی است که آنراهمواره ساسانی خواهیم نامید، وازبناهائی است که دارای کاملترین طرح وروشن ترین ترکیب است(شکل ۱۷۶) . کاخ مزبوردرنزدیکی چشمهٔ پرآبی ساخته شده که آب آن ازوسط حوضی فوران میکندوعکس های هوائی که ازآن گرفته شده شکل وابعاد آنرا نشان میدهد [۱۶۲].این بناسطح قطعه زمین مستطیلی را بدرازای ۱۰۴ در ۵۵ متر که بدوقسمت تقریباً مساوی تقسیم شده میپوشاند که در یکی ازآنها ساختمانهای پذیرائی واقع شد ودردیگر بخش مسکونی .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ساختمانهای قسمت اول مرکب ازیك ایوان بزرگ و رودی است که در جبهه اصلی واقع است وچهارایوان کوچکتردرطرفین آن قراردارد ومدخل سه تالاروسیعی هستند که دارای گنبد میباشند .

حرم که ارتفاع ساختمانهایش کوتاهتر ازقسمت اول است مرکب ازتالارهای باریك با سقف های استوانه ایست که بطورقرینه دراطراف یك حیاط داخلی که دارای دوایوان است واقع شده وازآن کسب روشنائی میکنند .

درته ساختمان و در محورایوان اصلی یگانه مدخلی که تالارهای پذیرائی رابه محل سکونت مربوط میسازد واقع شده است .

قلعه دختر کاخی دژمانندومشرف برمخرج دره ایست که رودخانه برازه وجاده مجاورآن ازآن گذشته وارد جلگه فیروزآباد میشود [۱۶۳]. این بناروی بلندی صخره ای واقع شده که قله آن سابقاً دیوارداشته وبجای حیاط دژبوده است . حیاط مزبوربوسیله پله کانهائیکه دردرون دوبرج عظیم مربع ساخته شده به سفهٔ بالائی مربوط میشودکه هنوزخرابه های دژ اصلی درآنجا برپا وعبارت است ازایوانی بدهانه ۱٤متر که مدخل تالارمربعی بهمین پهنا وپوشیده ازگنبد بوده است [۱٦٤] (شکل ۱۷۷) . ترکیبی که درکاخ جلگه تشریح کردیم دراینجا بطورمجزاولی باهمان مشخصات دیده میشودکه با مهارت بیشتری ساخته شده و طاقهای آن روی دیوارهای باریك تروفاصله دارتربناشده اند. بنای مزبورمحققاً چندسالی بعد ازکاخ دیگر اردشیرساخته شده است .

درکاخ سروستان [۱٦٥] که تعلق آن بزمان پادشاهی بهرام گورمورد قبول همداست یك ایوان ورودی کم عمق هست که متصل به تالارمربعی است که با گنبد پوشیده شده وقسمت اصلی بنارا تشکیل میدهد. درعقب تالاری که گنبد اصلی آنرا پوشانده حیاطی است که مانند کاخ فیروزآباد دراطراف آن ساختمانهای محل سکونت واقع شده امافاقد قرینه سازی است واطاقها بابعاد مختلف وارتباط میان آنها خیال پردازانه است [۱٦٦] . بنابراین ترکیب کاخ سروستان اساساً نظیرفیروزآباد است اما در جزئیات آزاد تر و متنوع تراز آنست (شکل ۱۷۸) . در حقیقت اگرمحل پذیرائی آنرا منحصربتالاربزرگ بدانیم برای اینکار بسیارتنگ بوده استازطرفی تالارهای دیگرخیلی وسیع ولی تعدادشان کم اما مجلل هستند ودربهای فراوانی که بخارج بازمیشوند دورازآنست که آنجارا محل سکونت بدانیم. محتمل است که ساختمان مزبور که وسعتش یك چهارم کاخ فیروزآباد است منحصراً یك کاخ پذیرائی بوده وشاید هم بنابرعقیده طبری یکی از کاخهائی بوده است که وزیرپرجاه وجلال بهرام گورهمیرنرسه درامالك شخصی خود درفارس ساخته است.

پیش ازاین درمورد طاقهائیکه دورهٔ ساسانی به معماری دورهٔ بعدی یعنی دورهٔ اسلامی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخشیده گفته شد که گنبد اصلی این کاخ که با آجر ساخته شده (نه باقلوه سنگ) مبتنی بر پیش آمدگی همه جانبه است ودرنتیجه گنبد، از آغاز شروع کاملا ودقیقاً مدوراست . درآنجا تعمداً از شرح یك مطلب خـود داری کردم و آن ساختمان استادانهٔ طاقی است کـه بعضی میگویند نمونهٔ «اولین آزمایش شیوهٔ ساختمانی معماری گوتیك و عالیترین نمونه آنست . » اما درحقیقت این بیشتر نتیجه یك تجسس تزئینی است تاحل یك مسئله ساختمانی . «شوازی» در این باره، برش[1] جالبی در «تاریخ معماری» خود ترسیم کرده میگوید: «در M یك نمونه ثانوی از ترکیب توازنی معماری ایران مشاهده میشود : یك سقف استوانه‌ای که درطول دیوار فشار گیرش طاقچه هائی بانیم گنبد قرار گرفته اند وطاقچه ها برروی یك ردیف ستونهای جفتی تکیه دارند وطوری ساخته شده اند که فشارشان دیوار مرکزی است [۱۶۷]. »

روی اضلاع طویل تالار جانبی کاخ سروستان ، هم اکنون دسته‌هائی ازستونهای کوتاه دیده میشود که دوبدو پهلوی یکدیگر قراردارند وبا تخته سنگ‌هائی که بمنزله سرستون هستند بیکدیگر وصل شده وبوسیله طاقهای کوچکی بدیوار پیوسته‌اند (۱۶۸). برروی ستونهای مزبور پایه‌های مربعی است، که بین آنهـا نیم گنبدهای زاویه‌ای ساخته شده (عکس ۱۰۷) . برخلاف آنچه ممکن است تصورشود منظور ازاین کارافزایش پهنای تالارها نبوده، زیرا فاصله دیواری تادیوارمقابل بیش از ۷/۹۰ متر نبوده وممکن بوده است ازستونها چشم‌پوشی شود . بعلاوه مدتها پیش از آن معماران ایرانی میتوانسته‌اند سقف‌های استوانه‌ای بدهانه ۱۴ متررا بخوبی بسازند. چنانچه درفیروزآباد نمونه آن موجود است وحتی درتیسفون دهانه طاق به قریب ۲۶ متر میرسد . بنـابراین معماران سروستانی توانائی آنرا داشته‌اند که بآسانی سقف‌هائی بدهانه ۷/۹ متررا بسازند وبهیچوجه مجبور نبوده‌اند که فاصله‌را به ۵/۱۰ متر کاهش دهند واینکه این کاررا کرده‌اند دلیل دیگری غیرازضرورت فنی داشته است و ترتیبی راکه ابداع کردند تاتالارهای باریك و درازمانند راهرو بنظر نیاید فقط جنبه تزئینی داشته است . برحسب ظاهراین آرایش بنظرما یك شیوهٔ خاص ساختمانی رانشان میدهد درصورتیکه محققا بنظرسازندگان عصرساسانی چنین نبوده‌است. بدلیل آنکه ازترکیب این سقف وطاقها باآن همه امکانات استفاده ای نکرده ونتیجه ای نگرفتند . چنانکه نظیرترکیب مزبور در جای دیگردیده نمیشود.

علم تجمع وتمرکز نیروی حاصله ازفشارسقف وطاقها دردوره ساسانی هنوزوجودنداشته وراهنمای سازنده فقط تجربه بوده است . ضخامت دیوارهائیکه گنبد اصلی کاخ سروستان روی آنها قراردارد، باندازه ومتناسب است امااین تناسب ازروی محاسبه بدست نیامده، بلکه

* * *

۱ شکل ۱۷۹ برش است. از کاخ سروستان را نشان میدهد که رویتر Reuther تهیه کرده‌است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ازمقایسه دیوارهای زیادضخیم کاخ فیروزآبادبا دیوارهای باریك قلعه‌دختر بدست آمده‌است . درنتیجه آزمایش های مکرروبمقصود نرسیدن، کم کم‌موفق بدرك حقیقت شده‌اند وباین‌طریق بوده است که بین‌آغازدوره ساسانی وسلطنت بهرام گور معماری دورهٔ ساسانی تا اندازه ای ترقی کرده است .

با وجود این راه صحیح ومناسب اتصال گنبد وفضای چهار گوش را در آن دوره کشف نکردند .

کاخ دامغان [۱۶۹] که فقط قسمی ازآن اززیر خاك بیرون‌آمده ساختمانی است که ایوان بزرك مدخل‌آن بانضمام تالارمربع گنبد داری‌قسمت‌مهم وباشکوه آنرا تشکیل‌میدهند [۱۷۰] درحالیکه درکاخهای فیروزآباد وسروستان ،ایوان وتالارمربع بوسیله دربهای‌تنك‌و باریکی باهم مربوط میشوند ، تالار گنبد داردامغان یك‌چهارطاق واقعی ، یعنی گنبدی‌است که روی چهار پایه قرارگرفته ودرگاه های پهن با طراف آن باز میشود و طاق ایوان بر روی ردیف ستونهائی قرارگرفته کـه درموازات دیوار هـای جانبـی واقع شده اند . (شکل ۱۸۰) .

این ترتیب منبسط ،که صرح آن با ایوان ورودی و تالار مربع گنبددار ، رابطهٔ چندانی ندارد ظاهراً موخر برکاخ سروستان یعنی بعدازسلطنت بهرام گورمیباشد .

قدمت کاخهای‌قصرشیرین وه‌هاوش کوری» که‌بدستورخسروپرویز(۵۹۰-۶۲۸) ساخته شده از آنهم کمتراست .

مجموعهٔ وسیع خرابه‌هائیکه بنام‌شیرین، معشوقه خسروپرویزنامیده میشوددرنزدیکی شهرجدید قصرشیرین ودرکنارجاده واقع شده‌که چه درگذشته وچه درحال حاضرراه‌اصلی بین جلگه بین‌النهرین وفلات ایران بوده است . بنابرمورخین‌عرب درازمنه قدیم‌دراطراف ابنیه‌ایکه اکنون بصورت توده‌ای از سنك پـاره ودیوار خرابه بچشم میخورد ، مجموعه‌ای بوده بوسعت ۱۲۰ هکتار وباغها ، عمارات تفرج‌گاه آب نماها ، باغ وحش‌ها و جنگل‌ها ئی ر بوده که حیوانات‌کم نظیردرآن بآزادی میزیستند وآب رودخانـه هلوان را بآنجا آورده وبوسیله مجرائی‌که حفاظ آنجا راهم‌تشکیل میداده توزیع میکرده‌اند .

کاخی‌که هنوزهم‌عمارت خسرومیخوانند شامل منزل رسمی وخصوصی شاه بوده‌است [۱۷۲]،این کاخ درمیان این بهشت وبرفراز صفه‌ای واقع شده وبوسیله پلکانهائـی نظیر پلکانهای بزرك تخت جمشید بآنجا آمد ورفت میکردند .کاخ مزبورساختمانی بدرازای ۳۷۲ متر وپهنای ۱۹۰ متر بوده‌که تـرکیب‌کلی آن نظیرکاخهای‌فیروزآباد و سروستان میباشد . ایوان وسیع ستون داری شبیه به ایوان‌کاخ دامغان ، بتالار مربعی‌راه میدادکـه

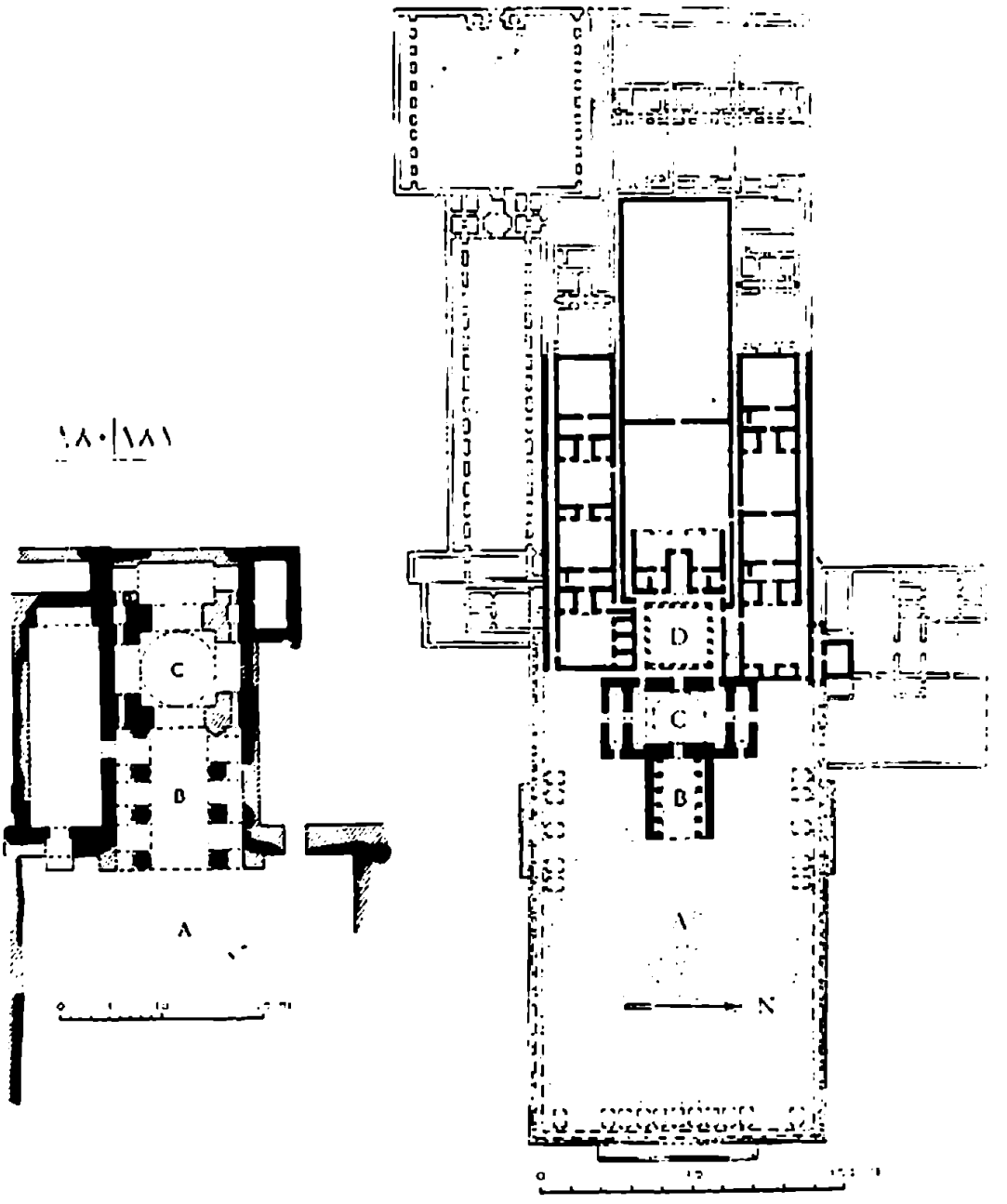
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱۸۰ـ نقشه‌کاخ دامغان: A ـ حیاط . B ـ ایوان. C ـ تالارمربع گنبددار

۱۸۱ ـ نقشهٔ‌کاخ موسوم‌به‌عمارت خسرودرقصرشیرین: A ـ حیاط. B ـ ایوان بزرگ ستوندار. C ـ تالار چهار گوش گنبددار. D ـ حیاط داخلی.



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گنبدی بقطر ۱۵ متر آنرا میپوشاند ودرجوانب آن تالارهای طویلی با سقفهای استوانه‌ای ساخته شده بود . درماورای این ساختمان که بمنزله پیش‌آمدگی کاخ است حیاطی است که مدخل منازل خصوصی ومتعلقات بنا بوده است . درابنجا هم طرح ساختمان همان طرح قدیمی ایرانی است، با این تفاوت که دراین ساختمان عظیم عمارات مسکونی بدورحیاطی واقع نشده‌اند . حیاط اصلی که دارای به ایوان ستون داری است بدوحیاط دیگر که بدنبال یکدیگر ودرمحوراصلی واقع شده‌اند مربوط بوده وبعداز آن بوسیله دالان طویلی به هشت حیاط دیگر که درطرفین آن قرارداشته وساختمانهای مورد بحث رو به آنها بازمیشده‌اند (شکل ۱۸۱). خرابه‌های مهم دیگری متعلق بهمان زمان درچندکیلومتری شمال آنجا واقع‌اند وکردهای ساکن آن ناحیه آنرا هاوش کوری (خانه اسبها) مینامند زیرا آنجا رااصطبل‌های خسرو میدانند اما درحقیقت آنجا مقرشاهی یا کاخ یکی ازرجال بوده که دارای باغهای وابنیه و متعلقات مختلفه آن بوده وترکیب آن تقریبا شبیه ساختمانهای قصرشیرین است .

تمام اینها که بنابگفته یاقوت ویکی ازعجایب عالم است، دوامی نکرد وده سالی پس‌از مرگ خسروپرویز قدرت ساسانیان درطوفان عرب معدوم گردید وکاخهای قصرشیرین متروك ماند . وچون با شتاب وبدساخته شده بودند بسرعت ویران شدند .

ازابینه فوق‌الذکر فقط درزاویه جنوبی باغهای قصرشیرین تالارعظیم گنبد داری باقی مانده که ساختمانهای ویران شده آنرا احاطه نموده وهنوز بحث دراین است که آیا آنجا یك آتشکده بوده یا بارگاه شاهی [۱۷۳]. این تالارمربع وپرت افتاده که پهنای داخلی آن ۱۶/۵ متر است بدون شك وسیع ترین تالاری است که دردورهٔ ساسانی ساخته شده است . تالار مزبور باستثنای طاق درگاه‌ها که آجری است با قلوه سنگ‌های طبیعی ساخته‌شده و ازساختمانهای فیروزآباد که نزدیك چهارقرن قدیمی‌تر ازآنست چندان بهترساخته نشده و شگفت‌آوراست که هنگامیکه اسلام درصدد تبدیل روش تجربی ساسانیها به روش علمی ومنظم بود ، معماری ساسانی پس رفته وتقریبا بدورهٔ ابتدائی خود نزدیك میشود .

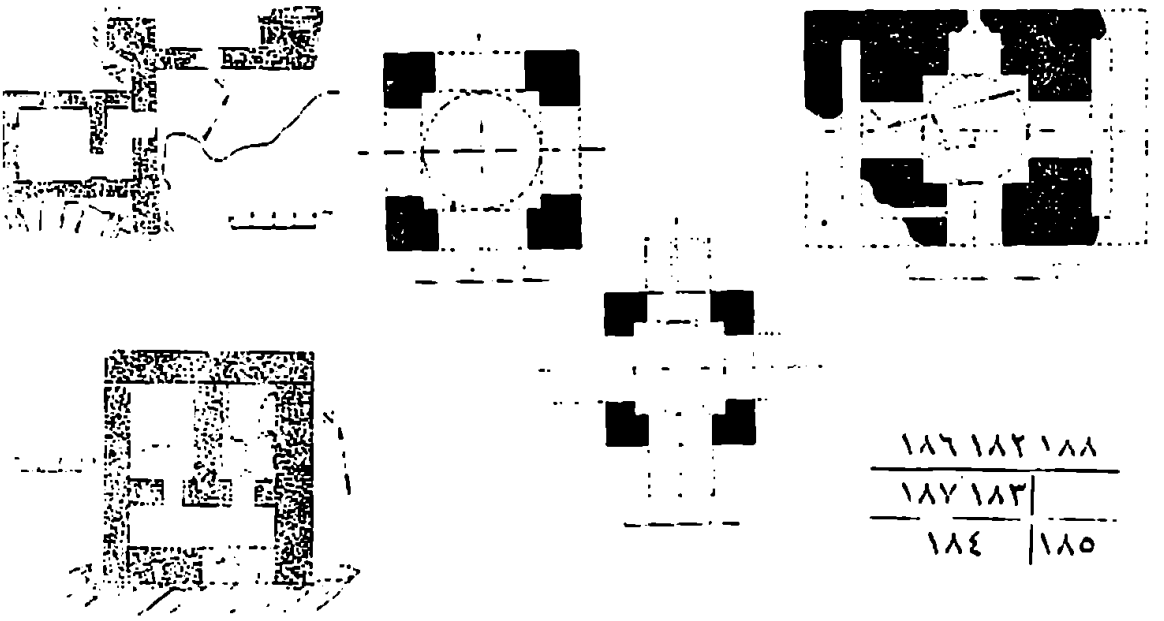
خرابه های کاخ تیسفون که عظیم ترین مقرپادشاهان ساسانیست، درزمینی بمساحت ۱۲ هکتارواقع وشامل بنائی است که بنام طاق کسری یا ایوان کسری معروف است وقسمتی از بقایای ساختمان دیگری واقع درصدمتری شرق آن که حرم کسری نامیده میشود ودرجنوب وشمال محوطه خرابه هائیست که درزیر گورستان تازه ای پنهان است.

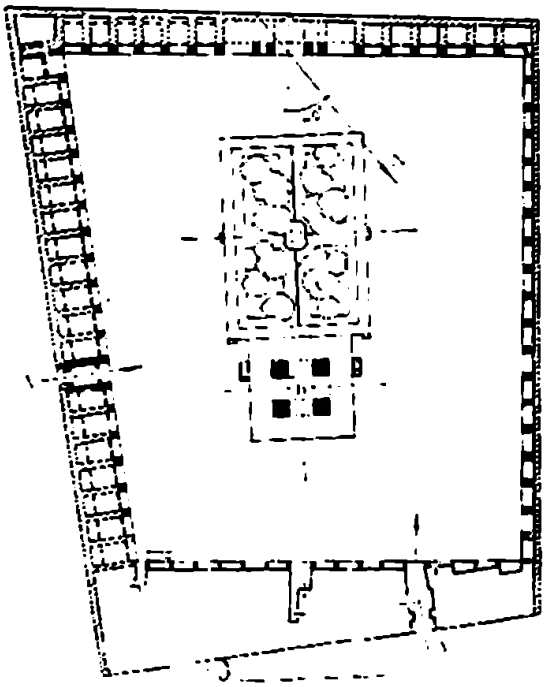
طاق کسری [۱۷٤]، تنها قسمتی ازاین مجموعه ابنیه است که بعضی از اجزای آن در سطح زمین باقیمانده وتماماً بنای بارگاه شاهنشاهی بوده است . علیرغم روایاتی که آنرابه خسرواول (انوشیروان) نسبت میدهند، محتمل است که بنای مزبوربدستورشاپوراول فرزند وجانشین اردشیرساخته شده باشد.

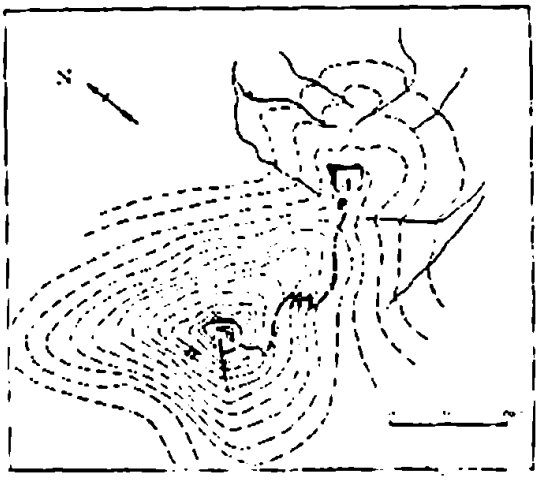
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org







۱۸۲ــ نقشه چهارطاقی. جره

۱۸۳ــ نقشه چهارطاقی معبدآتش فیروزآباد .

۱۸۴ــ نقشه مصلـی نتیق یـزد . A ــ ورودی .
B ــ چهارطاقی. C ــ حیاط. D ــ استخر .

۱۸۵ــ نقشه مجموعهٔ تخت رستم .

۱۸۶ــ نقشهٔ قلعه دختر ــ قم .

۱۸۷ــ نقشه قلعه دخترشهرستانك

۱۸۸ــ نقشهٔ بنای بازهور .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این ساختمان که بعضی آنرا زیباترین بنای دورهٔ ساسانی دانسته وبرخی «بنای ایرانی درلباس اروپائی [۱۷۵] ...» میدانند مانند اغلب کاخهای بین النهرین و همچنین کاخهای تخت جمشید وعمارت خسرودرقصرشیرین ، برروی صفه ساخته‌شده. روی این صفه در مرکز جبهه ای شبیه‌به مال فیروزآباد امامزین به شش طبقه طاق نما، طاقی بیضی شکل‌به‌پهنای ۲۵/۵متروه۳۴ متر ارتفاع بایك‌جهش ازسطح زمین شروع وبقله ختم‌شده، وطاق ایوانی‌رابه عمق۴۲/۹۵ متر تشکیل داده است. این رواق عظیم‌که سطح‌آن وسیع ترازکاخ داریوش‌در تخت جمشید است، بارگاه عام شاهنشاه ساسانی بوده است. یك درب ساده که‌دردیوارته‌ایوان بازمیشود بیك‌ردیف اطاقهای کوچك راه داشته ومیبایست ازآنها گذشته‌بتالاری بوسعت‌ایوان وبه‌پهنای۳۸/۶۷ متررسیدکه دارای سقف استوانه‌ای است (عکس۱۱۰).

درسمت‌چپ این مجموعه دهلیزی است باطاقهای عرضی وسقف استوانه ای‌که دوتالار به پهنای ۱۷متردر۳۴/۶۰ و۲۴ مترطول، باسقف استوانه ای درآن بازمیشود وبوسیله‌تالار مربعی بهمین پهنا ازیکدیگرجدا میشوند، تالاراخیررا احتمالاگنبدی‌میپوشانده است. میتوان حدس‌زدکه سمت راست ساختمان هم‌که درکاوشهای‌سال۱۹۲۸-۱۹۲۹ ازخاك درنیامده،نظیر طرف چپ‌بوده باشد . رویهم رفته اگر شاهکارطاق کسری ، یعنی اثری‌که شاهدکوشش ایرانیها برای‌همسنگ کردن وپیشی گرفتن ازکاخهای باشکوه هخامنشی است نبود، طرح بنای تیسفون ناچیزوکم ارج میبود.

یادآوری این مطلب خالی از فائده نیست‌که درطاق کسری هم مانند سایرابنیهٔ بین النهرین دردوره پارت هاتنها نوع سقف های معمول استوانه ای بوده است. باوجود این ، چنانکه بازهم گفته‌شد، محتمل است دوتالارمربع طرفین طاق باگنبد پوشانده شده باشد و اگرهم چنین بوده باشدبازسازندگان این بنا به‌گنبد های مزبورارزش واهمیتی راکه مادر گنبد های ایران‌اصلی مشاهده میکنیم نداده اند. درواقع ازفیروزآباد گرفته‌تاعمارت‌خسرو درقصرشیرین، درهمه ابنیه یك تالارگنبد داردیده میشودکه درجلوآن ایوانی‌قرار داردکه تالارورودی محل مخصوص پذیرائی‌کاخ وهم هسته اصلی ترکیب معماری‌آنست .

مسلماً درایران‌کاخهای دیگری هم ازدورهٔ ساسانی بوده است ولی بکلی ازمیان‌رفته اند،منجمله‌کاخی است‌که طاق بستان درنزدیکی‌کرمانشاه ازمنضمات آن‌بوده‌وکاخ هرسین که سابقاً شاپورخواست[۱] نامداشته، ازکاخ اخیرکه درنزدیکی‌چشمه ونقش بزرگ عمودی نظیر نقش بیستون واقع بوده اکنون جزحوض وجویهائی‌که درصخره حفرشده و مصالح پراکنده یك ساختمان عظیم سنگی چیزی باقی نمانده است [۱۷۶].

* * *

۱ــ شاپور خواست (هرسین‌کنونی) معروف است‌که بدست شاپور اول ساخته شده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از کاخ معروف به طاق بستان هیچ اثری بجا نمانده و سرستونهائیهم که در آنجا یافته‌اند بدون تردید متعلق به کوشکی بوده است که در نزدیکی چشمه ساخته بود ندنه بیك ساختمان بزرگ. غارهائیهم با سقف گهواره‌تراشیده شده که یکی از آنها متعلق بزمان سلطنت شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸) و دیگری که بزرگتر از اولی است بزمان خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸) است [۱۷۷] (عکس ۱۱۳).

درهمین ناحیه، کمی بعداز سرپل ذهاب، جاده‌ایکه بطرف کرمانشاه میرود وارد سربالائی صعب‌العبوری میشود که آنرا «دروازه زاگرس» مینامند. راه مزبور اغلب‌ازخط مسیریك جاده باستانی میگذرد، دراین قسمت ازراه ساختمان کوچکی است بنام طاق‌جره و آن بنای غار-انندی است که سقف استوانه‌ای آنرا پوشانده وباسنك‌های درشتی سنك چینی شده [۱۷۸] وهیچگونه نام ونشان واطلاعی نه ازوضع خود ساختمان ونه از ستون قدیمی، امکان تشخیص اینکه بنای مزبور برای چه‌کاری ساخته شده دردست نیست. در این باب تعبیرات گوناگونی شده: محراب اهدائی بیاد بود پایان راه، یا محل استراحت شاهانه‌و غیره. اما بنظرمن بهتراست ساختمان این بنا را مربوط باین بدانیم که در این نقطه از شاهراه مزبور خط مرزی ایالت پارت «مدیا» میگذشته است. بنابراین فرش، تاریخ طاق نامبرده اززمان اشکانی آغاز میشود. اما امروزه‌میخواهند آنرا بدورهٔ ساسانی نسبت دهند وحتی بعضی آنرا متعلق به اواخر آن دوره میدانند.

علاوه بر کاخهای ساسانی که نسبت بـــه ساختمانهای دورهٔ هخامنشی ویونانی وحتی اسلامی عده‌شان زیاد است نزدیك چهل ساختمان مذهبی نیز میشناسیم که مسلماً متعلق‌بدورهٔ ساسانی میباشند ازقبیل آتشکده: آتشگاه، برجهای دیدبانی وغیره،

نظیر معبد تخت سلیمان که ازبناهای دورهٔ اشکانی است وپیش از این ذکرش گذشت، دوساختمان کوچك بهمان مشخصات ولی با مقیاسی کوچکترهست که اولین بار هرتسفلدآنرا معرفی کرده است. یکی‌ازآنها درفارس نزدیك شاپور بنام امامـــزاده سیدحسین [۱۷۹] و دیگری نزدیك جره درهمان ناحیه [۱۸۰] واقع است (شکل۱۷۲). اولی، بدون تردید یك آتشکده ودومی ظاهراً کلیسا بوده است اما طرح آن چندان تفاوتی با طرح امامزده نزدیك شاپور ندارد. هر دوی آنها مانند معبد تخت سلیمان عبارت از یك تالار گنبددار بوده که‌دالانی باسقف استوانه‌ای آنرا احاطه‌کرده ودرجلوآن سایر منضمات با همان نـــوع پوشش قرارداشته است.

ساختمان کوچکی که از منضمات کاخ کوه خواجه است مسلماً باید در شمار آتشکده قرار گیردزیرادرآنجا آتشگاهی یافته‌اند مرکب ازیك تالارمربع که‌دالانی‌متعارفی آنرااحاطه کرده بود[۱۸۱]. ساختمان مذکورتوسط H-de Bouillane de Lacoste [۱۸۲] کشف

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وتشریح شده است. کوه خواجه یا کوهی است که از مرد پارسا و پرهیزگاری بنام «خواجه سارا سرپرده» گرفته شده و میگویند از اولاد مستقیم ابراهیم بوده و آرامگاهش در انتهای شمالی تپه‌ای واقع شده که مردم سیستان هنگام نوروز در آنجا جمع میشوند [۱۸۳]. هرتسفلد که شخصا آنرا یافته است میگوید از آثار دورهٔ پارت‌هاست و در بر گرداندن آن بصورت اول [۱۸٤] آنرا با گنبدی روی طاقهای زاویه‌ای پوشانده اند. اما در قرن اول میلادی یعنی تاریخی که هرتسفلد بآن نسبت داده گنبد کاخ فیروزآباد که هنوز بسیار ابتدائی بوده، در دو قرن بعد مسلما بجا نمانده است. در قرن دوم تالار مربع هتر اهنوز با سقف استوانه‌ای پوشیده شده و انگهی کاخ و آتشکده کوه خواجه اعضای یك ترکیب نبوده بلکه دو ساختمان مجزا بوده که بهم اتصال داشته‌اند. احتمال میرود که آتشکده هنگام تجدید ساختمان کاخ اشکانی در مجاورت آن ساخته شده باشد که خود هرتسفلد آنرا به قرن سوم نسبت میدهد.

اینك مادر مورد آتشکده های ایرانی اطلاعات کافی داریم. در دورهٔ هخامنشی نوعی آپادانا مانند معبد شوش (شکل ۱۵۵)، سپس، در دورهٔ اشکانی همان را در تخت سلیمان با تغییر تا محسوسی مشاهده میکنیم و سپس در دورهٔ ساسانی در امامزاده سیدحسین نزدیك شاپور و در ساختمان کوچك درهٔ جره (شکل ۱۸۲). علاوه بر اینها یك معبد شبه هخامنشی در قلهٔ حسین کوه میشناسیم که هیچ ارزش هنری ندارد، یك بنای دورهٔ سلوکی در پائین صفه تخت جمشید و معبد کوچك کاخ در کوه خواجه.

ممکن است آتشگاه اصفهان هم که در بالای تپه مجردی واقع شده و غیر از دیوارهای پشتیبان صفه چیزی از آن باقی نمانده آتشکده‌ای بوده باشد [۱۸۵]. همچنین ممکنست که مانند معبد حسین کوه که آتشهای تخت جمشید را زیر نظر داشته آن نیز بر آتشهای اصفهان مسلط بوده است. و این البته فرضی بیش نیست.

آتشکده که محل انجام تشریفات عمومی پرستش آتش بوده است برای اولین بار در حدود قرن دوم میلادی توسط «پوزانیاس» مورد بحث قرار گرفته است. چنانکه دیدیم در آن زمان در ایران آتشکده هائی وجود داشته و بناهای مذهبی دیگری بوده که وجه اشتراکی با پرستش آتش نداشته اند. معبد کنگاور یکی از آنها بوده است که اختصاص به الهه اناهیتا داشته است. ابینه مذکور که از آتشکده‌ها مستقل بوده، وضع خود را تا پایان سلطنت اشکانیان، تا هنگامیکه «پوزانیاس» از معبدی گفتگو میکند که: «در آن اطاق مخصوص و مسدود و سر پوشیده ای بوده که در آن آتش جاویدان بدون شعله در محرابی بر روی خاکستر میسوخته است [۱۸٦] دوام کردند. پیش از این گفته‌ام که در ابینه نوع جدید که شامل جایگاه آتش یزدانی بوده و مومنین در انجام مراسم مذهبی شرکت میکرده اند، آتش در محل تاریك و در بسته ای از ساختمانهای مربوط بوده است. برعکس محراب که در وسط حیاط قرار گرفت اهمیت و وسعتش افزایش

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یافت . سپس برروی سکوی بلندی قرار گرفت که بجمعیت اجازه میداد که ازدور آنرا زیارت کنند آنگاه زیر سایبانی جاگرفت که صرفاً جنبه تزیینی داشته وآن چهار طاقی بود.

بعضی ازاین چهارطاقی هاهنوزبوضع کم وبیش خرابی درنطنز[۱۸۷] ،کازرون[۱۸۸] وفیروزآباد (شکل ۱۸۳) باقی هستند اما ساختمانهائیکه آنها را احاطه میکرده اند معدوم شده اند . ما حتی یك نقشه ازیك آتشکده کامل چه اززمان اشکانیان وچه ازدورهٔ ساسانی دردست نداریم وتنها چند مکان طبیعی که بصورت آتشکده درآمده وچند بنای تازه ساز می‌شناسیم.

آتشکدهٔ معروف فیروزآباد [۱۸۹] که مانندکاخ وقلعه دختر بدستوراولین پادشاه ساسانی اردشیر،ساخته‌شده آنقدرتوسط ابن بلخی،اصطخری، فردوسی، ابن الفقیه، مسعودی، بآن اشاره‌شده که بکمك آنچه ازآن درمحل باقی مانده، میتوانیم آنرا بدرستی مجسم کنیم . آتشکدهٔ فیروزآباد ساختمان وسیعی است که فردوسی درتعریف آن میگوید :

«بنای عظیمی است شامل صفهٔ مربعی به بلندی دومترازسطح زمین خارج آن که سایهٔ درختان آنرادرپناه خود گرفته ودرمرکزآن سکوی مرتفعی بوده است که خرابه های آن هم اکنون باقی است وروی این سکوچهارطاقی بودکه کانون آتش ودرآن جای داشته است. دراطراف این صفه باغها ومنضمات معبد ازقبیل آتشگاه وانبارها ومحل سکونت متصدیان آتشکده قرار داشته است. درشرق ساختمان حوضی بوده که آبهای کوه بوسیله مجرائی بطول هشت کیلومتر واردآن میشده ، ودرجنوب ودرمرکزهندسی باروی دائره مانند شهرقدیمی [۱۹۰]، برج مرتفعی بوده که بالای آن درمواقع نمازوعبادت آتش جاویدان نمایان میشده است.

یك چنین مجموعه ساختمانی باباغها، محراب واستخروبرج مسلماً از نوع ابنیه ای که دردوران سلطنت آخرین پادشاهان اشکانی متداول بوده نبوده است. تنها ابنیه‌ایکه اکنون پابرجا وصورت ظاهرآنرا حفظ کرده اند، معبدی است ازقرن هیجدهم [۱۹۱] در باکو و یك بنای اسلامی بنام مصلا دریزد [۱۹۲] . در مرکزحیاط وسیع معبد باکو که جایگاه مخصوص عبادت جماعت مؤمنان است محل انجام تشریفات عمومی آتش درزیرسایبان باشکوهی قرارداشته. و منضمات معبد ازقبیل مخازن و منازل کارکنان دراطراف حیاط بوده است . مصلای یزدهم مطابق همین اصول تشکیل یافته است (شکل۱۸٤).

بدیهی است که نسبت بنوع منظم و عمومی آتشکده‌ها مستثنیاتی هم وجود دارد، مانند تخت سلیمان درآذربایجان [۱۹۳] ومسجد سلیمان در خوزستان [۱۹٤] که راجع بهردوی آنها گفتگوکرده ایم وتخت رستم دربخش شهریارنزدیك تهران. تخت رستم مرکب از دو سکواست که یکی درثلث اول ودیگری دربقلهٔ کوهی سنگی است که بتنهائی در جلگه و سیعی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قراردارد[۱۹۵]. آنکه در قله واقع شده جایگاه آتش بوده است که برای دادن علامت وخبر بکارمیرفته وازتهران که درچهل کیلومتری آنجا واقع است وحتی ازمسافتی خیلی بیش از آن هم دیده میشده . دیگری که در ثلث اول کوه واقع است جایگاه تشریفات آتش بوده که ازوسعت قابل ملاحظه آن که قسمت اعظمش غیرطبیعی وساخته شده بود، میتوان حدس زد که محل اجتماع مردم بوده است. خلوتکده آتش نزدیك آن درساختمان کوچکی بوده که گنبدی بسبك ساسانی آنرا میپوشانده است . وازاینجا بوده است که آتش لازم برای انجام تشریفات صفه وعلامت دادن درقله فراهم میشده(شکل۱۸۵) .

بعد ازظهوراسلام درقرن هفتم هرگونه فعالیت وآثارحیات ازبیشتر آتشکده هارخت بر بسته ، ساختمانها ویران یامتروك شده وکم کم از هم پاشیده شدند ، و بطوریکه « پرو » میگوید : «اضطراراً آتشگاه راازجایگاه مرتفع خود پائین آورده و آنرا کوچك ومختصر درحیاطی مسدود مخفی ودورازچشم ودسترس مؤمنان نگاهداشتند[۱۹۶] .» ونیز در حقیقت بهمان جهت بوده است که مهم ترین آتشکده یزد را پس ازپیچ وخم زیاد وبازحمت درمیان ساختمانهای یك مدرسه میتوان یافت .

آتش درآنجا بنابررسوم باستانی درظرفی فلزی بنام آتشدان جای دارد که روی سکوئی سنگی قرارگرفته که آنرا از زمین جدا میکند ودروسط اطاقی قرار دارد که بوسیله درگاه پهن نرده داری از تالار اجتماع روشنائی میگیرد . دودرب این تالار را بدالانیکه دور تا دور آتشگاه را احاطه کرده مربوط میکند . و باین ترتیب محراب و معبد دریك جا جمع وبمنتهادرجه، کوچك شده بطوریکه آتشگاه اصلی راکه سابقا شدیداً ازانظارپنهان نگاه میداشتند ، اینك فاصله اش بامحل اجتماع فقط ضخامت یك نرده است، نه از سی مترفاصله ایکه سابقاً آتش مقدس را اززائرین بی‌طهارت دورنگاه میداشت صحبتی است ونه ازهوای آزاد، نه ازآتش مشتعل درزیرسقف آسمان حرفی ونه ازانواع گوناگون آتش که یکی پاك کنندهٔ دیگری باشد. اکنون مراسم مذهبی درآتشگاه ودرمقابل چشم جمعیت که درآنطرف نرده هستند انجام میگیرد . دریزد معبدیست بشکل ویلای کوچك وسفید و غیر قابل ملاحظه که تقریبا دارای همین طرح است . معبد تهران ، کلاه فرنگی کوچك و ستون داری است که در باغی واقع و مرکب از آتشگاه و در مجاورت آن تالاری برای عبادت عمومی است .

بطوریکه پیش از این گفته شد ، ماهنوز جز عده کمی از چهار طاق هائیرا که متعلق بآتشکده‌ها بوده‌اند مانند چهارطاق‌های فیروز آباد ، کازرون نطنزو باکو که نسبتاً تازه سازاست نمی‌شناسیم . چهارطاقهای دیگری هم هستند که برای مخابره وارتباط بکاره میرفته وعده‌شان محققاً زیاد تراست زیرا دورازشهرها وپرت افتاده اند وابنیه همیشه ازدست انسان بیش از

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گذشت قرن ها آسیب دیده اند . این چهارطاقهای مخابراتی درسال ۱۹۳۷ درسالنامه های باستان شناسی ایران بنام « آثارایران » تشریح شده اند ، بعضی ازآنها مثلا مال‌فراش بند [۱۹۷]، جره [۱۹۸] ، نون‌سبز[۱۹۹] که هرسه دردرهٔ جره واقعندومال آتش‌کوه[۲۰۰] نزدیك دلیجان ونیاسر[۲۰۱] بین‌کاشان ودلیجان،چهارطاقهای خالص هستند یعنی گنبدی برروی چهار پایه ، دیگری قلعه دختردرنزدیکی قم [۲۰۲] بوسیله دالان پیچ وخم‌داری بیك آتشگاه مربوط میشود (شکل ۱۸۶) . باز یکی دیگرازآنهاکه درارتفاع ۳۰۰۰ متری دربالای شهرسنانك درکوه های‌البرزواقع وآنهم قلعه دختر نامیده میشود وگرچه چهارطاق نیست اماساختمان مربعی است شامل دواطاق‌که یکی جایگاه‌آتش ودیگری بوسیله دالانی بآن مربوط میشود . اطاقها و دالان ازسقف استوانه ای پوشیده شده اند . آقای «سیرو » Siroux که‌آنرا کشف وترسیم‌کرده میگویدآتش مقدسی‌که بامراقبت دریکی ازحجره ها نگاهداری میشده دراول شب درجلویا بالای ساختمان درمعرض انظارروستائیان‌کوهستانی وچوپانان پراکنده درارتفاعات اطراف گذارده میشده (شکل ۱۸۷).

این ساختمانهای مرتفع‌که ازمسافت دوری نمایان بوده ، عموماً درکنارشاهراه ها ساخته‌شده واغلب گردنه‌هارانشان میداده اند ودرساعات‌نمازوعبادت روشن میشده وضمناً راه را بمسافرین نشان میداده اند.

ما امروزمیتوانیم‌سه چهارطاق دیگربراین فهرست بیافزائیم‌که دریزد خواست فارس وخیرآباد خوزستان ودربرزو درناحیه قم واقعند . چهارطاق یزد خواست [۲۰۴]که در گذشته برروی تپه‌کوچکی بادیوارهٔ تقریبا عمودی‌که در درهٔ‌حاصلخیزومعموری پیش رفته، افتاده بود . بمرورزمان خانه هائی در اطرافش ساخته شد، بعد تبدیل بمسجد محله جدید قصبه شده است . براون E.D.Browne درسال۱۸۸۷ آنرا درسال فعالیت دیده است. اما بقراریکه میگویند سی سال پیش زلزله ای تپه مزبوررا تکاندادو خانه هـای‌آنرا ویران کرده ودرسطح مسجد مزبور شکافی بعرض نیم متر باز شده و درنتیجه دهکده متروك افتاده است. بعدازآن درزمان جنگ‌اخیرشکاف مسجد وسیع ترشده وگنبدآنهم خراب شده است. مسلم است‌که طولی نخواهدکشیدکه‌نیمی‌ازآنهم‌که اکنون باقی است‌باقسمتی ازتپه‌که‌حامل آنست دردره سرازیرخواهد شد .

چهارطاق خیرآبادکه دربالاوصد متری خرابه های پلی از دورهٔ ساسانی واقع است ازدورمحل جریان رودخانه ایرا بمسافرین نشان میداده است .

چهارطـاق برزو [۲۰۶] درفاصله تقریبی دوازده کیلومتری را مجرد،درکنارجاده بین‌قم وسلطان‌آباد اراك واقع شده است ..

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بنابراین ماکنون دوازده تائی ازاین ساختمانهای ارتباطی را میشناسیم ، تمام آنها یادگاردورهٔ ساسانی و همه در مغرب ایران واقعند ، ولی استثنائاً یکی درآنها دربازهٔ ور خراسان ، بین راه مشهدبه تربت‌حیدریه[۲۰۷] واقع شده (شکل۱۸۸) وبا ملاحظه‌واقعای جنبی که دارد نه میتوان آنرا درردیف چهارطاق قرارداد ونه یك بنای مذهبی دانست‌بلکه میتوان ازمنضمات‌دودژمستحکم‌دانست که یکی قلعه پسراست ودیگری قلعه دختر که درازمنهٔ قدیم ازمدخل تنگه ای دفاع میکرده است .

چنانکه بعد ازاین‌خواهیم‌دید ، این ابنیه کوچك وچهارطاقی واین کوشك های ساده نقش قابل ملاحظه ای درتاریخ مساجد ایران بازی کرده اند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حجاری ساسانی

همزمان با پیدایش سبك معماری جدید ومسلما بومی و دورازهر گونه آلود گی باسبك یونانی سلوکی وپارت ، سبك تازه حجاری نیز بلافاصله باجلوس اولین پادشاه ساسانی در ایران بوجود آمد .

چنانکه گوئی این پادشاه پارسی که دریك خانواده روحانی نگهبان آتش مقدس، چشم بجهان گشوده بود ، پیش ازاحراز قدرت ملی امـانت دار رسوم ایرانی نیز بوده است . در حقیقت سبك معماری طـاقدار که مخصوص ایران بوده تاآن زمان اثرمهمی ازخود بوجود نیاورده بود . درصورتیکه ما آثارقدیمی ازاین سبك چه درمعماری وچه درحجاری میشناسیم که زیر نقاب یونانی مآبی تمدن اشکانی ناپدید گشته بودوتمایلات ضد یونـانی اواخردوره اشکانی بآنها امکان داد تاآزادانه تجلی نمایند .

بطوریکه پیش ازاین هم گفته ام ،کاخ اردشیردرفیروزآباد، قدیمی ترین اثرمعماری دورهٔ ساسانی است که ما میشناسیم و نماینده سبك مزبوراست ، پس ازاردشیر ،معماری ایران ترقی محسوسی نکرده وطرحی مترقی تراززمان وی بوجود نیاورده است . دربارهٔ حجاری بعد اززمان کوتاهی که درطی آن هنرمندان ایرانی کوشیدند تاترکیب های وسیعی روی صخره ها بوجود آورند که شئون سلسله جدید رابه پایه مجدو عظمت هخامنشیان برسانند، مشاهده میشود که نقوش برجستهٔ نقش رجب ونقش رستم، یکی پس ازدیگری بنام اردشیروشاپوراول بوجود آمدند (عکس های ۹۸ و ۱۰۱ و ۱۰۲).

بعضی ادعا میکنند که هنر رومی درحجاری ساسانی نفوذ زیادی داشته وحتی حجاران رومی کم وبیش باآن همکاری میکرده اند. ناچـار باید بااین دعوی موافقت کرد. چه بدون شك میتوان اثر نفوذ خارجی را درمجسمه «پیروزی بالداری» که جبهه اصلی غار بزرگ طاق بستان (عکس ۱۱۳) را تزیین کرده مشاهده نمود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درباره صحنه های شکاریهم که برسطح جانبی همین غارحك شده (عکس های ۱۱۳و ۱۱٤) این احتمال وجود دارد. امااین آثارمتعلق بقرن هفتم یعنی پایان دورهٔ ساسانی است وارتباطی بادورهٔ درخشان هنری آن، یعنی قرن سوم ندارد. آثارحجاری قرن سوم رانباید باپیکرنگاری سنجید بلکه بایدآنهارا باکارهای هنرمندانی امثال ورروکیبو Verrocchio و بنونوتو چلینی Benvenuto Cellini وپیکرتراشان نامی عصررنسانس ایتالیاکه زرگران ماهری بوده اندمقایسه نمود. مثلااسب شاپور[۲۰۸] ، باآن شکل زیبا و هیکل عظیم که نمونهٔ پیکرتراشی است و مانند مفرغ صاف و صیقلی و باقلمی ظریف تزئین شده (عکس۱۰۲)وکاملاشبیه به کارکولئونه Colleone و نیزمیباشد، بدون هیچگونه تردیدکاریك ایرانی ازاعقاب همان هنرمندانی است که باآنهمه مهارت سنجاقهای اهدائی و سلاحهائیرا ساختند که امروزدرمقابرومعابد لرستان بدست میآید. و ریشهٔ آنرا درخارج ازایران جستجوکردن کاربیهوده ایست. این هنرایران کهن وبیان شکوه آن وحتی بایدگفت دنباله عادی حجاریهای تخت جمشید است .

همچنین گفته ام که هنرحجاری کاملاوابسته وتابع معماری بوده وبنابا اقتضاوبدستورآن زمانی درارتفاعات نزدیك سقف آپادانا، نقوش تمام برجسته بوجود میآورد و زمانی روی دیوارپله کانهای همین ساختمان نقوشی راکه بزحمت برجستگی آن محسوس است تجسم میدهد یا یکدسته هیولای بدون ضخامت میتراشد. این سادهکاری افراطی که ازنظر نتیجه کلی کار رضایت بخش است سبب کاهش ارزش خود هنرحجاری است. این شخصیت ها که درزیرا لباس آنهاتنی محسوس نیست بااینکه خیلی هوشمندانه نشان داده شده اند امادرعین حال ابتدائی هستند واگر گاهگاهی جزئیات آن مانند غلاف خنجری (عکس ٤٦) وسربرندگان خراج وسرحیوانات وجواهراتی (عکس۵۰) که پیشکش شاه میکنند [۲۰۹] بدون آنکه تغییری در سادگی نقش بدهدبه مجموع آن صورت مشخصی نمیداد ،چنین بنظرمیامدکه طرح قبلی تاثیر لازم برای هم آهنگی بامعماری نداشته است. این جزئیات درمقام خودازعجائب هستند اماعجائب زرگری نه حجاری. دراین جزئیات اثرهنرومهارت وهوش مفرغ کاران زمان گذشته مشهود است. انسان حس میکندکه دراین هنر، هنرمند ایرانی کاملاآزادانه کارکرده است و اگر حاملین خراج تخت جمشید آنقدرسینه ریزوالنگووظروف وسلاحهائیکه بطرزنفیسی روی آنهاکارشده تقدیم میکنند، بطوریکه گفته ام، نه ازاین جهت بوده است که کشورهای تابعه شاهنشاهی درهنرهای فلزکاری تخصص داشته اندبلکه بیشتر برای این بوده است که سازندگان نقوش مزبورخودشان شخصا زرگربوده اند .

دررژیم یونانی سلوکیان وپارت ها، هنرلرستان راه درازی راپیمود تاروزی دوباره درحجاری وزرگری عهد ساسانی خود رانشان دهد. وچنانکه بدرستی گفته اند :« مختصات

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

روح ایرانی همیشه در هنر ایران عامل اصلی ومهمی بوده که درپیش آمد های مخالف بزحمت قابل تشخیص بوده است ولی بمحض فراهم آمدن موقع مساعد پیروز مندانه تجلی کرده است.»

نبوغ ایرانی تقریباً درمدت سه ربع قرن ازدورهٔ ساسانی پیروزبوده بعدازآن، بعلت نبودن زمینه مساعدبرای مدتی‌پوشیده‌ماند بنابرتشبیهی که فوسیون Focillon کرده ، این درست مانندهٔ پدیده ناپدید شدن رودخانه هااست که ناگهان‌جریانشان‌قطع‌میشود ودرزمین فرومیروند ، بعد قدری دورتردوباره‌آفتابی میشوند. البته این جهش بی سابقه ای نیست ، تاریخ هم‌برای خود جریانات‌زیرزمینی دارد [۲۱۱] ». زیرا این‌نقش‌تمام رشته های‌هنری است وازآنجائیکه‌مبین‌نمایان تمدنهائیست که بآن وابستگی دارد، درادواردرخشان‌تمدنهای مزبورباچهره درخشنده‌ای‌جلوه‌گرمیشود وباافول‌آن رو بانحطاط میرود. مقایسه معماری زمان داریوش وخشایارباامال جانشینان‌آنها ، شاهدگویای این معنی است. مسکوکات اولیه دورهٔ ساسانی وپارت هارابا‌آخرین‌آنهامقایسه‌کنیده حجاری دورهٔ ساسانی هم همین‌جریان را طی‌کرده است .

تمام‌کتیبه های بزرگ ساسانی درکشوراصلی این‌سلسله یعنی فارس واقعند مگرکتیبه واقع درنزدیکی سلماس درمغرب دریاچه رضائیه وکتیبه های طاق بستان نزدیک‌کرمانشاه. غیرازیك حجاری درنقش رستم‌که نقش پادشاهی ازاین سلسله را نشان میدهد ، تاریخ تمام آنها بدرستی بوسیله‌کتیبه هایاتاج پادشاهان معلوم میشود. و از اینراه مامیدانیم تمام‌آنها متعلق بقرن سوم میباشند . باستثنای‌کتیبه های‌طاق بستان یعنی دوکتیبه‌که مقارن سال ۳۸۰ (عکس۱۰۵) حك شده وحجاریهای غارخسرودوم (پرویز) (عکس های۱۱۱و۱۱۲و۱۱۳و ۱۱۴)که تاریخ تقریبی‌آن سال ۶۰۰ میلادی‌است.

بنابراین‌آثارمزبوربه سه دسته تقسیم میشوند.

گروه اول عبارتنداز :

چهارحجاری ازاردشیراول (۲۲۶تا۲۴۱) ؛ (دوتا درفیروزآباد : یکی درنقش‌رجب ویکی هم‌درنقش رستم).

هشت تاازشاپوراول (۲۴۱تا۲۷۲) ، (دوتا درنقش رجب، دوتادرنقش رستم وچهارتا درشاپور). یك حجاری‌از بهرام اول (۲۷۳تا۲۷۶) درشاپور. پنج حجاری ازبهرام دوم (۲۷۶تا۲۹۳) دو تادرنقش رستم ، یکی درنقش بهرام یکی درشاپور و یکی درسرمشهد) . یك نقش از نرسی (۲۹۳ تا ۳۰۳) درنقش رستم و یکی از هرمزدوم (۳۰۳ تا ۳۱۰) درنقش رستم .

گروه دوم‌عبارتنداز:

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یك نقش ازاردشیردوم (۳۷۹تا ۳۸۳) درطاق بستان ، نقش غارکوچك طاق‌بستان که شاپوردوم (۳۱۰تا ۳۷۹) وپسرش شاپورسوم (۳۸۲تا۳۸۸) رانشان میدهد.

گروه سوم شامل حجاریهای غارخسروپرویز (۵۹۰تا ۶۲۸) درطاق بستان است .

دوتاازچهارنقش‌اردشیراول درساحل سنگی رودخانهٔ براز، حك شده اند. رودخانه مزبوردرجلگه ای جـاری است‌که شاهنشاه‌آینده پیش از پیروزی یافتن برآخرین پادشاه اشکانی شهره‌اردشیرخوره» راکه امروزفیروزآباد نامیده میشود درآنجا ساخت . یکی از نقوش ایـن پیروزی را شرح میدهد، و دیگری ، و همچنین نقوش نقش رجب ونقش رستم برگزیده شدن اردشیررااز‌جانب اهورامزدا بیان میکند. سه‌تا ازاین چهارکتیبه‌میتواند نماینده تشکیل هنرحجاری ساسانی‌و چهارمی نماینده اولین شاهکارآن باشد [۲۱۲] (عکس ۹۸).

درهیچیك ازآنها چیزی‌که نسبت‌به هنرایرانی بیگانـه باشد دیده نمیشود . حتی از دورهٔ هخامنشی هم اثری درآن نیست مگربنابرهرتسفلدکه میگوید: «عدم فعالیت وشرکت‌شخصیت هادرعملیاتیکه‌نقش‌هانشان میدهندواینکه هرگزدرشکل هانشانه تاثری دیده نمیشود[۲۱۳]» اما این نقیصه عادی‌هر هنرجوانی است وممکن است‌نتیجه عدم مهارت حجارانی‌بوده‌باشد که بداهتاًوبدون‌آمادگی‌کارکرده اند. برعکس اندیشهٔ یك ترکیب‌کاملا متقارن درآن‌دیده میشودکه ازخصائص‌آنست و «سار» F.Sarre در نقش برگزیده شدن اردشیر درنقش رستم (عکس ۹۸) آنراملاحظه کرده ومیگویدهروقت‌بخواهند،شباهت‌کامل‌وتناسب رانشان‌میدهند، چنانکه دردواسب وقسمت پائین تنه شاه واهورامزدا مشاهده میشود ودربقیه هم‌کوشیده اند تا مطابقت ممکن رابوجودآورند . شکلی‌که درزیراسب اهورامزدا افتاده وبخوبی صورت اهریمن راکه نشانهٔ بدی است مشخص میکند، باشکل اردوان‌آخرین بادشاه اشکانی‌که در زیراسب شاه افتاده ، وهم‌آهنگ ومتناسب است. درمقابل‌شنل مواج اهورامزدا. مگس‌پرانی که توسط خواجه نگاهداشته شده ، و در برابرعصای اهورامزدا ، حالت پرستش دست شاه مشاهده میشود . . . » این نوع قـرینه سازی در نقشیکه صحنه بـرگزیده شدن اردشیررا در درهٔ فیروزآباد نشان میدهدو احتمالا از قدیمی ترین‌نقوش دورهٔ ساسانی است بیشتر بچشم میخورد .

شاه واهورامزدا دربرابریکدیگر وباوضع‌مشابه سرپاایستاده افسرپادشاهی رابانوار هائیکه درست درمحورنقش قراردارد بدست دارند. بعدازآن چون ملتزمینی برای شاه‌لازم است‌آنها راهم خوب یابد درپشت سرش نقش‌کرد اند. این‌گونه نقش پردازی‌کارکسانیست که‌کاملا تعبیروتشکیل برجستگی هاوقرینه سازی درصحنه هـای کوچك را طبق سنن ورسوم قدیمی‌ایرانی میدانسته اندو باوجود این سنگ تراشان ناآزموده ای بوده اند . در کتیبه‌مزبوراثری ازهنردورهٔ هخامنشی دیده نمیشودزیراآنها بطرزدیگری نقوش راترکیب

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میکرده اند، یعنی استنباط آنها درقرینه سازی که متابعت از معماری میکرده اندنوع دیگری بوده است. اینك دونمونه آن :

درهر طرف موضوع مرکزی پلکان های آپادانا در تخت جمشید، ردیف های طویلی ازسربازان(عکس۴۹) وحاملین خراج (عکس۴۸) رویهم قرار گرفته وبطرف محورساختمان پیش میروند. این یك نوع قرینه سازی است که مطلقاً باید رعایت میشد امـادرردیف های اشخاص که بدنبـال یکدیگر درحرکتند یاتك تك هستند یا بدسته های کوچکی نشان داده شده اند که حامل ظروف، جواهرات، تاج پادشاه وسلاحهای اوبود و عرابه جنگی او وقوچ هاو اسب هاوشترهارا میرانده اندوغیره: دراینجا بهیچوجه قرینه سازی درکارنیست بلکه برعکس، چه درکلیات ورده هاوچه درجزئیات، درجستجوی تنوع بوده اند. در جای دیگر یك نقش حجاری شدهٔ هخامنشی هست که فرم آن تقریبا شبیه به نقوش ساسانی است [۲۱۵] در آنجا داریوش برتخت نشسته (عکس۴۴) وولیعهدش درپشت سراوقراردارد (عکس ۵۸) . پشت سرولیعهد رئیس تشریفات وافسرحامل سلاحهای شاهی (عکس۴۶) است. درجلوشاهنشاه آتش مقدس، سپس شخصی که بحالت تعظیم خم شده است (عکس۴۵). درآنجاهم قرینه سازی دیده نمیشود. حالا ببینم درکجااین کارخودرانشان میدهد. صحنه درسمت راست وچپ خود بستونهائی محدود شده که حامل سایبانی هستند ، درماورای ستونها دو قراول ازهرطرف سلاحهای خود رانشان میدهند . مجموع آن مانند چهار چوب استواری است که دردرون آن آزادی کامل بصحنه داده شده است پله کانهای آپادانا و این نقش که آزادانه ترکیب شده ولی کاملادر میان چهارچوب قرار گرفته اندنمونه های خوبی ازقرینه سازی دورهٔ هخامنشی هستند. قرینه سازی اولین نقوش ساسانی که مایه ترکیب آنها گاهی متشابه اند ومستقل از اطراف خود بوده وباهم موازنه وتعادل دارند، درصحنه هائیست که بوسیله قالب گیری ساخته شده وکاسپی Caspiهای، قدیم سنجاقهای اهدائی به معابد خودرا بآن طریق میساخته اند. فقط عمل وتجربه نسلهای پیش در فن قلمزنی بوده است کـه امکان بوجود آوردن تـرکیب های استادانه را بـه حجـاران داده تـاولوغیر مـاهرانه ، اولین نقوش ساسانی را بسازنـد ، قرینه سازی که درترکیب های محدود وموضوع های کوچك قابل پذیرش است طولی نکشید که از صحنه های وسیع ومفصل روی صخره هـا ناپدید گردید . در نقش برگزیده شدن شاپوراول درنقش رجب، اسب هاازیکدیگردورشده اند، دست شاه بطرف حلقه ایکه اهورا مزدا بدست دارددرازشده امابآن نمیرسد، نوراهای تاج موج میزنند. بادلباس هاراپف کرده نشان میدهد (عکس۱۰۲) . درپیروزی شاپوربروالرین درنقش رستم دیگراثری ازقرینه سازی های اولی وجود ندارد (عکس۱۰۱).

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بعدها تنظیم نقوش بی‌نهایت متنوع گشته وموضوع طرحها مانند حجاری دورهٔ هخامنشی متکی برتجلیل دستگاه پادشاهی گردیده است . یك وقت درنقش رجب شاپور سواربراسب وگروهی ازمردان پیاده دنبال اوهستند ، زمانی در نقش رستم‌شاه سوار اسب است وامپراطوروالرین درجلواوبزانودرآمده . درشاپورهمین صحنه چند بارتکرارشده و فاتح ساسانی‌وسط نقش را اشغال کرده و درطرفینش بطریق‌هخامنشیان نقوشی روی‌یکدیگر قرارگرفته اند دریکی ازآنها درسمت چپ ، اشراف ایرانی سوار براسب هستند و در طرف راست مردان پیاده دیده میشوندکه حامل اشیاء نامعلومی هستندکه احتمالا غنائم جنگی هستند [۲۱۶] و در نقش دیگری [۲۱۷] یکدسته از سپاهیان فاتح دید میشوندکه غنائم جنگی را توسط اسرای رومی وسربازان ایرانی حمل میکنند (عکس۱۰۶) یك کتیبه شبیه ونزدیك‌کتیبه فوق الذکرفتح هندرا نشان میدهدکه ظاهراً بیاد بود یکی ازسفرهای جنگی پیروزمندانه شاپوردرهند بوده‌است [۲۱۸]. دروسط شاه روی تخت خود جلوس‌کرده است ، درطرف چپ سپاهیان سواره ایرانی و درطرف راست موکب پیروزی وتوده ای از مردان واشیائیکه درمیان‌آنها یك فیل وحاملین سرهای بریده دیده میشود نقش‌گردیده‌است این نقش‌که ناتمام مانده احتمالا متعلق باواخرسلطنت پادشاه ساسانی است .

کتیبه های زمان شاپور اول نماینده دورهٔ کمال حجاری ساسانی است . هنرمندان ماهرترجای‌گزین صنعتگران فیروزآباد شده ، عوامل هخامنشی درترکیب ونقش بعضی‌از جزئیات پدیدارشدند ، اما بطوریکه هرتسفلد بدرستی میگوید: « ما بهیچ وجه حق نداریم تصوردخالت هنرمندان خارجی مثلا رومی را درآثارمزبوربخود راه دهیم مگراحتمالاوفقط درمورد نمایش بزرگ پیروزی شاپور بروالرین درشاپور[۲۱۹].

درهمین هنگام بوده است‌که مجسمهٔ بزرگ شاپوراول‌که شکستهٔ آن درحالیکه روی زمین افتاده درغاری طبیعی دردره شاپوریافت شده وبطورمسلم قبرشاه هم درآنجا بوده‌است [۲۲۰](عکس۱۰۳) . مجسمهٔمزبورکه‌ارتفاع‌آن بیش ازسه‌برابرقامت انسان است‌بریك‌نوعی ستون‌سنگی طبیعی تراشیده شده‌که درقسمت‌بازغار، درنزد یکی‌مدخل‌آن بتنهائی‌قرارگرفته. این مجسمه‌شاه را ایستاده درحالیکه یك دست‌بکمرودست دیگر بقبضه‌شمشیروپاها روی زمین بوده‌نشان میداده‌وکره‌ایکه روی سرش بوده‌بسقف‌غارتماس داشته است .شایع است‌که آنرا ساکنین مسلمان‌آن ناحیه سرنگون‌کرده اند ولی وضع‌محل مجال چنین تصوری رانمیدهد محتمل است‌که‌براثرسنگینی خودمجسمه وبروززلزله ضعیفی‌خود افتاده باشد، زیرا در محل مچ پای مجسمه‌ستون طبیعی بی اندازه بدست حجاربارپك شده است[۱].

* * *

۱ــ این مجسمه بسیارزیبای شاپوراول راکه درسال ۲۷۲ میلادی در شاپور درگذشته است ، چند سال بعد ازجنگ اخیردو باره برپا داشته اند اما این‌کاررا تاآنجاکه ممکن بوده است بدانجام‌داده اند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بعضی معتقدند که هنر پیکر تراشی ساسانی در نقش بر گزیدن بهرام اول توسط اهورا مزدا درشاپور باوج ترقی رسیده[۲۲۱]. «استادان ماهری که درساختن این نقش دست داشته اند واقف بتمام دقایق وتحولات، ازمجسمه‌سازی تالطیف ترین نقش برجسته، وتعادل لازم برای توده های بزرگ صاف وریزه کاری‌ها، [۲۲۲] بوده اند» واین حقیقتاً شایان ستایش است. اما این نقش تقلیدی از نقش برگزیده شدن شاپوراول درنقش رجب است ومن گمان میکنم اصل آن، که وسیع‌تر ونزدیکتر به هنر حجاری است ودرآن تناسب بین سواران واسب ها بیشتر رعایت شده، برتر ازدیگری باشد وتنها نقص آن نسبت به کتیبه بهرام بسبب وضع ناهنجاری است که نقش مزبور نگاهداشته شده است و بعد از پادشاهی بهرام اول هنر ساسانی نقوشی بوجود آورده که بهتر ترکیب یافته و بخوبی حجاری شده اند مانند کتیبه پیروزی بهرام دوم برقبیله عرب درشاپور[۲۲۳] وجنگ بهرام دوم بادوشیردرسرمشهد [۲۲٤] وکتیبه برگزیده شدن نرسی توسط الهه اناهیتا در نقش رستم [۲۲۵] (عکس ۱۰۰) وتصاویرزیبا ، یکی ازبهرام دوم درپیروزی اوبراعراب (عکس ۱۰٤)، وشکل همراهان شاه درکتیبه نقش بهرام [۲۲٦] ودرصحنه ناتمام ستایش شاه درنقش رستم [۲۲۷] اما جزئیات آن زیاد تکرارشده وتموج البسه وپرده ها وسیله آسانی برای پرکردن نقاط خالی نقش است. نقش ها ثقیل وچنین مینماید که چشمه ابتکارهنگام ساختن آنها خشکیده است .

بعد از نقش برجسته ایکه جنگ سواره ایرا از دوران سلطنت بهرام دوم(۲۷٦-۲۸۳) درنقش رستم نشان میدهد تاپایان قرن چهارم وسپس درآغازقرن هفتم بسراغ آثار بعدی حجاری باشکوه ساسانی درنزد یکی کرمانشاه میرویم . در آنجا نزدیك چشمه‌ای پرآب، درمحل یك «فردوس» شاهی قدیمی درطاق بستان و درفضای آزاد نقشیست اززمان اردشیر دوم (۳۷۹ - ۳۸۳) (عکس ۱۰۵) وغارکوچکی مزین بتصاویرشاپورسوم (۳۸۳ -۳۸۸) وپدرش شاپوردوم وغاربزرگتری (عکس ۱۱۳) مزین بصحنه های شکارکه معروفیت دارد (عکس‌های ۱۱۳و۱۱٤) ودرانتهای آن مجسمه سواره معروف خسرودوم(پرویز ۵۹۰-٦۲۸) (عکس ۱۱۲) دیده میشود.

هنگامیکه درسال ۳۸۰، اردشیردوم بارسوم باستانی تجدید عهدکرده و تصمیم گرفت دستورساختمان صحنه برگزیده شدن خودراتوسط اهورمزد درنزدیکی کرمانشاه بدهد، نزدیك یك قرن بود که هنر حجاری روی صخره هادرایران متروك شده بود. درآنوقت دیگر پیکر تراشان ماهری وجود نداشتند و دروضعی نظیرزمان جلوس اردشیراول قرار گرفته بودند . بنابراین ازهمانجا یعنی ازقرینه سازی وناآزمودگی شروع کردند ، اماترقیات سریع دورهٔ اول پیکر تراشی ساسانی، شایدباین سبب که این دوره دوم باسلطنت های کم‌ارج وآشفتهٔ ده سال سلطنت اردشیردوم وشاپورسوم گذشته است بوجود نیامدند . دراین کتیبه که وضع آزادانه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسها از ۱۰۶ تا ۱۲۲

۱۰۶ ـ نقش برجسته ـ برسینهٔ کوه . اسیران رومی. در شاپورکازرون. ربع چهارم قرن سوم میلادی .

شاهان ساسانی . بویژه شاپور اول ، به پیروزیشان برورمیان می‌بالیدند و شاپوراول بارها ازآن یادکرده است: نقش رستم ، نقش رجب ، در شاپورکازرون وغیره .

این نقش برجسته که از قسمتهای مختلف تشکیل یافته، شاید الهامی ازستونهای پیروزی رومیان باشد . درحقیقت بسیاراسیران رومی بکارساختمان های شهرواجرای نقوش برجستهٔ گردنه ها گمارده شدند .

۱۰۷ ـ بخشی ازکاخ سروستان ، قرن پنجم میلادی . تکنیك پیشرفتهٔ این گنبد شاهدترقی معماری دورهٔ ساسانی پس از کاخ فیروز آباد است که متعلق به قرن سوم میلادیست.

۱۰۸ـ چهارطاق نیاسر. آغاز دوران ساسانی، پهنا ۱۱/۵۰ متر.

۱۰۹ـ دیوارکاخ شاپور. ربع سوم قرن سوم میلادی. جزئی اززیربنای ساختمان مرکزی.

۱۱۰ـ خرابه های کاخ تیسفون (عراق کنونی) قرن ششم میلادی.

ظاهراً شهر تیسفون که بدست اشکانیان پدیدآمد ازقرن اول میلادی دارای اهمیتی بوده است . بنای این کاخ عظیم راگاه به خسرو انوشیروان (۵۷۸ ـ ۵۳۱) نسبت میدهندولی بیشتراحتمال داردکه بانی آن شاپوراول(۲۴۱ ـ۲۷۲) بوده باشد. بخشی که در سمت راست تصویردیده‌میشود موسوم به‌طاق کسری‌وجایگاه بارعام شاه بوده است.

۱۱۱ـ غار طاق بستان ، پایهٔ منقوش . قرن ششم‌میلادی .

۱۱۲ـ غارطاق بستان ـ دیوارانتهائی. قرن ششم میلادی،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دربخش بالائی، برگزیده شدن خسرو دوم بدست اهورا مزدا، سه صورت ازروبرو نقش شده اندکه «اردوی اناهیتا» الههٔ چشمه سارها بصورت زنانه درسمت چپ قرار گرفته.

دربخش زیرین خسرودوم در لباس رزم دیده میشود.

۱۱۳ـ غارطاق بستان. دیوارهای زیرطاق، مزین به صحنه های شکارگوزن و گراز خسرودوم در پیشانی طاق نقش دوفرشته که تاجهائی بسوی مرکزطاق، درازکرده اندقراردارد.

۱۱۴ ـ شکارگوزن، غارطاق بستان . قرن ششم میلادی.

درپائین تصویر، خسرودوم بدنبال گوزنان اسب میتازد و دربالا بی حرکت و به آوای نوازندگان چنگ گوش میدهد .

۱۱۵ـ سراسب ازنقره و بخشی مطلا. قرن ششم میلادی ـ بلندی ۱۴ ودرازا ۲۰ سانتیمتر موزه لوور ـ پاریس.

۱۱۶ـ نمایش جزئی ازجام معروف به «جام سلیمان» . قرن ششم میلادی. قطر ۲۸ سانتیمتر بخش مسکوکات کتابخانه ملی ـ پاریس . این جام مدتها از آن خزانهٔ «سن دنی» بوده. کنده کاری برمرمراین جام دارای خلوص و دقت کاربرفلزاست. شاه دراین نقش که بی شك نمایش قباد اول است (۵۳۱ ـ ۴۸۸) نه خسرو دوم ، تاج دوهلالی برسردارد.

۱۱۷ـ بشقاب نقره . قرن ششم میلادی، قطر ۳۰/۵ سانتیمتر. بخش مسکوکات کتابخانه ملی پاریس .

خسرودوم درحال شکارتاج پادشاهان آخر دورهٔ ساسانی را بسر دارد . سراسب بزیبائی کنده کاری شده و شبیه عکس ۱۱۵ است .

۱۱۸ـ سکه طلای شاپوراول ـ ربع سوم قرن سوم میلادی . قطر ۲/۱ سانتیمتر . بخش مسکوکات کتابخانه ملی ـ پاریس .

۱۱۹ـ پشت سکهٔ عکس ۱۱۸. شاه وولیعهد ازآتش مقدس نگهداری می کنند، نوشتهٔ آن بخط پهلویست.

۱۲۰ـ تنگ نقرهٔ مطلابانقوش چکشی، قرن پنجم وششم میلادی . بلندی ۲۶/۵ سانتیمتر. موزه ایران باستان تهران. نقوش این تنگ که احتمالا برای اولین شراب فصل بوده ، ملهم ازآئین « دیونیزس » ولی شیوه آن ویژگیهای ساسانی دارد.

۱۲۱ـ ته تنگ پیشین . اژدهای بالداریکی از نقوشیست که در هنرساسانی بارها دیده شده (شکل ۱۹۰ و عکس رنگی ۳)

۱۲۲ـ پولك مرجانی، موبد بزرگ. قرن پنجم میلادی. بلندی ۳/۷، پهنا ۳/۱ سانتیمتر. بخش مسلوکات کتابخانه ملی ـ پاریس.

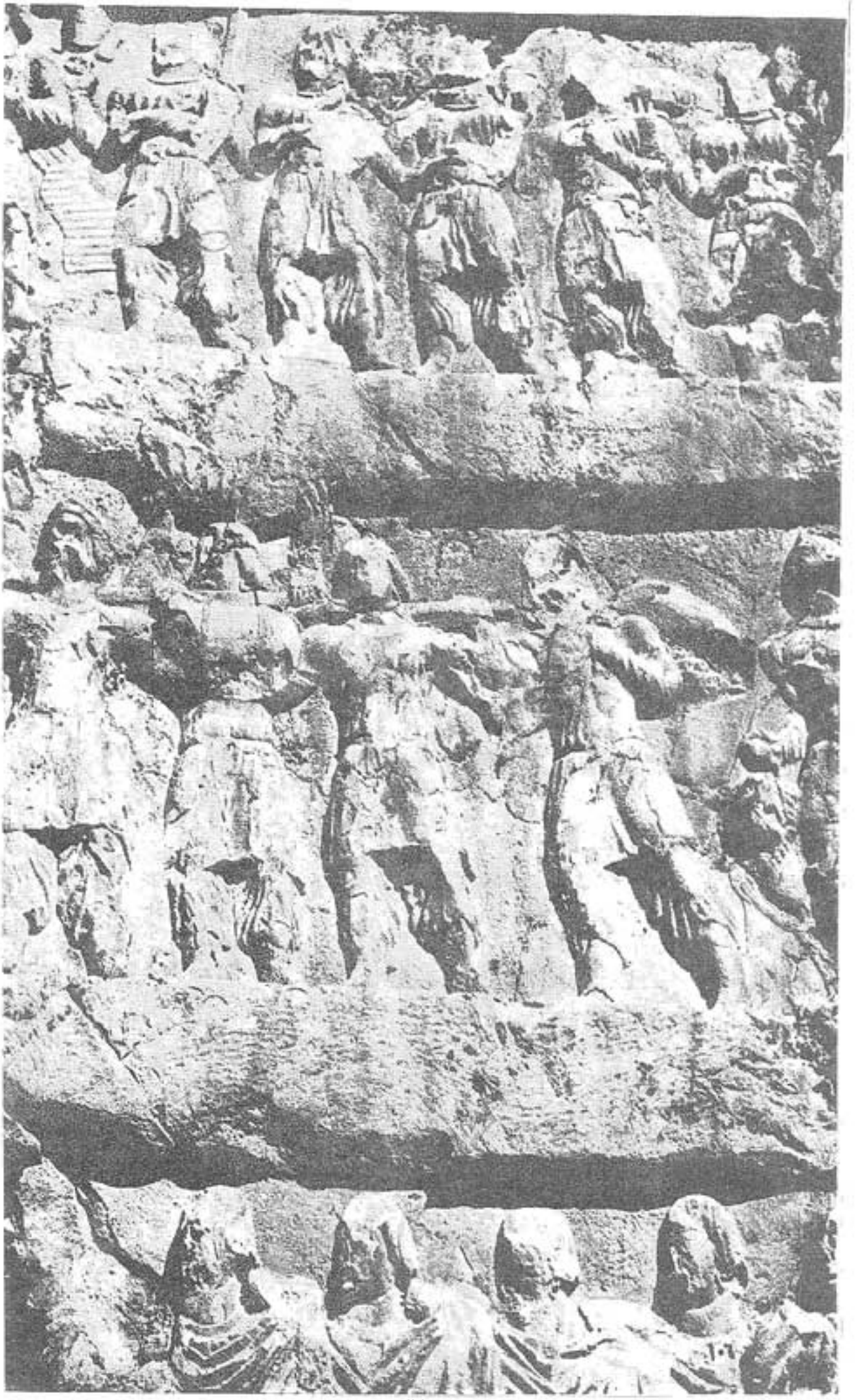
شاهان ایرانی بندرت چنین کلاهی بسر داشته اند . این عکس ازته پولك گرفته شده وباین سبب روی نیمرخ بسمت چپ است. ولی درحقیقت چنین نیست.

نمونه دیگری از این پولك در موزه برلین نگهداری میشود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

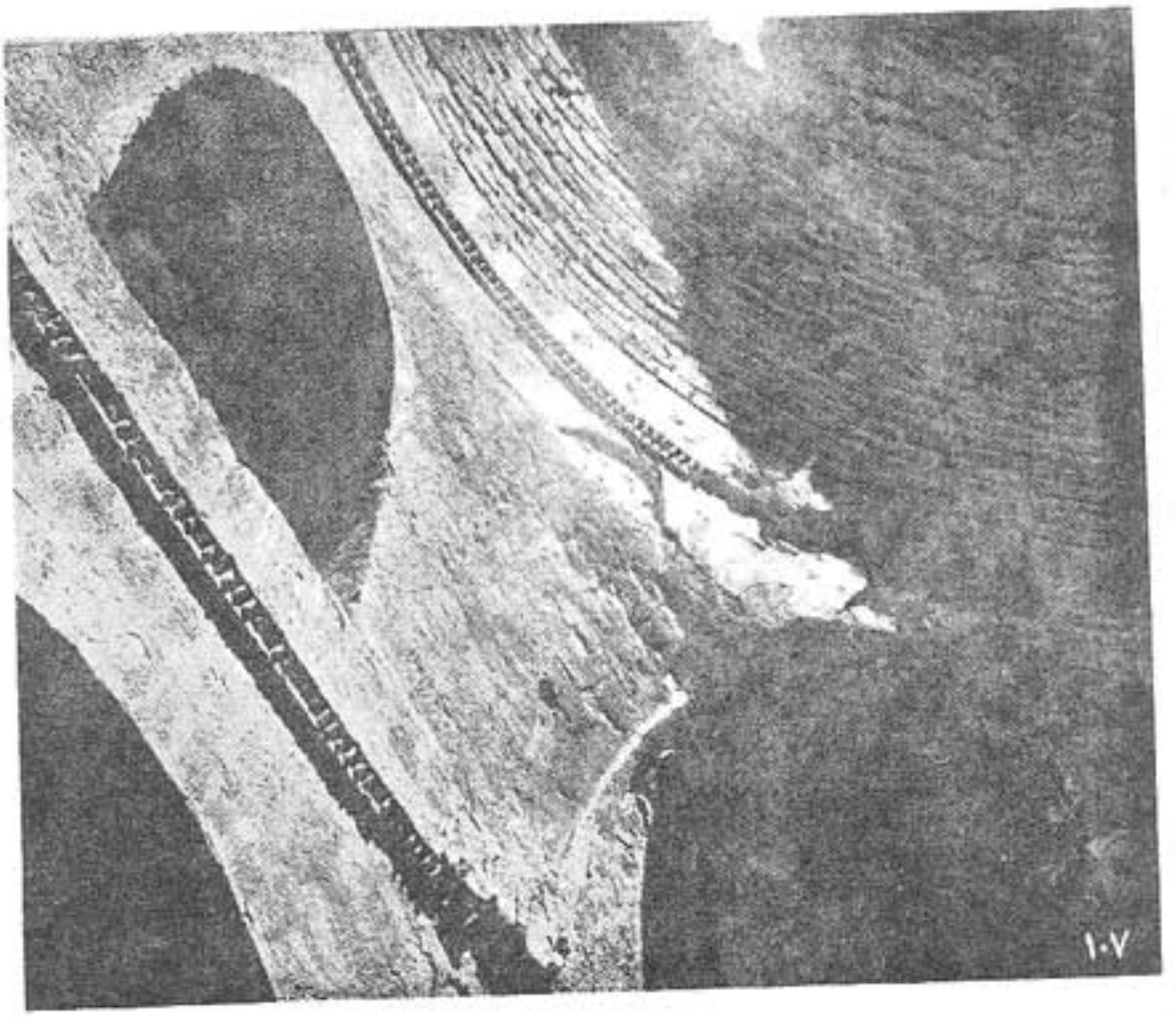
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



١٠٧

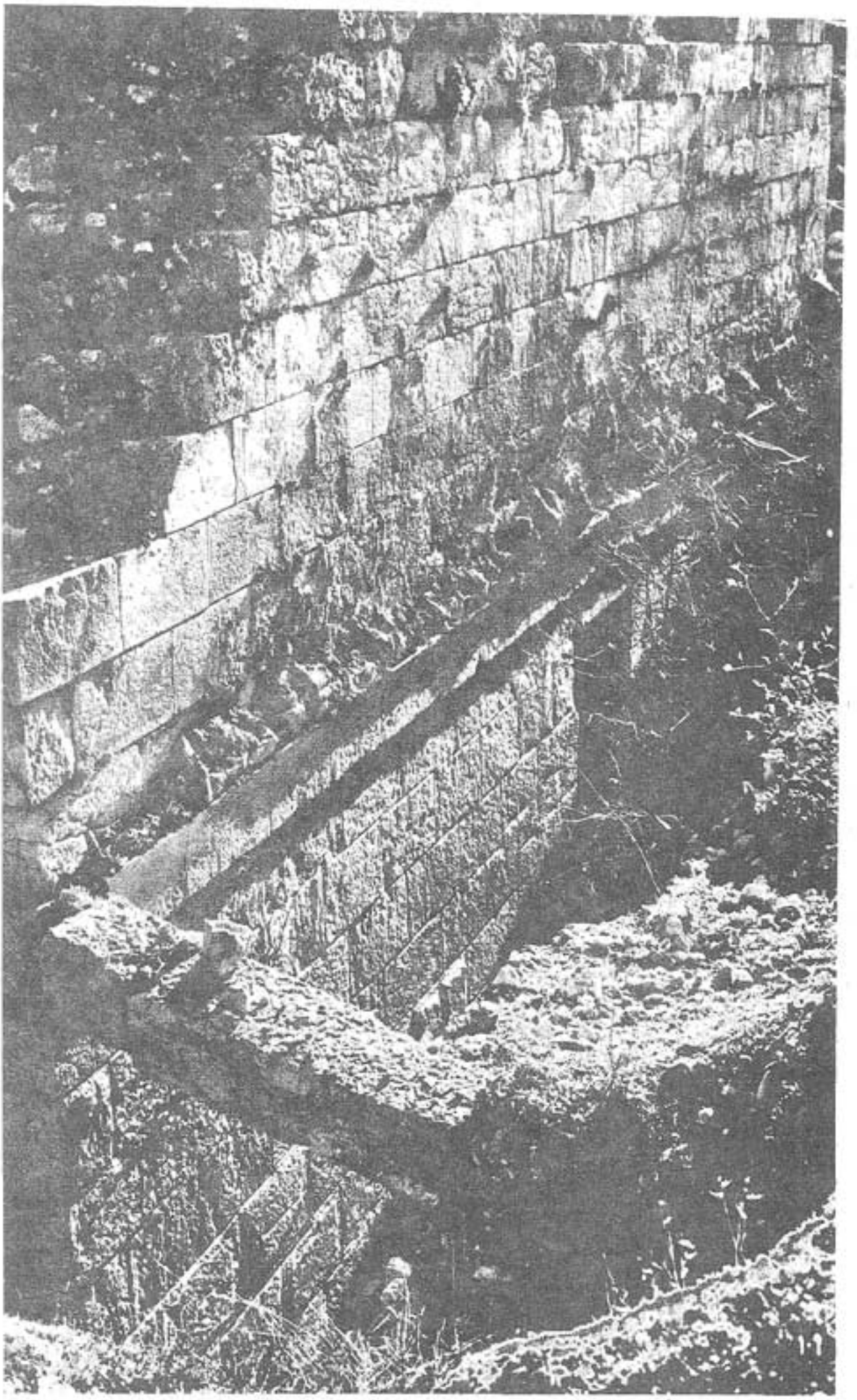
tarikhema.org



١٠٨

PDF.tarikhema.org

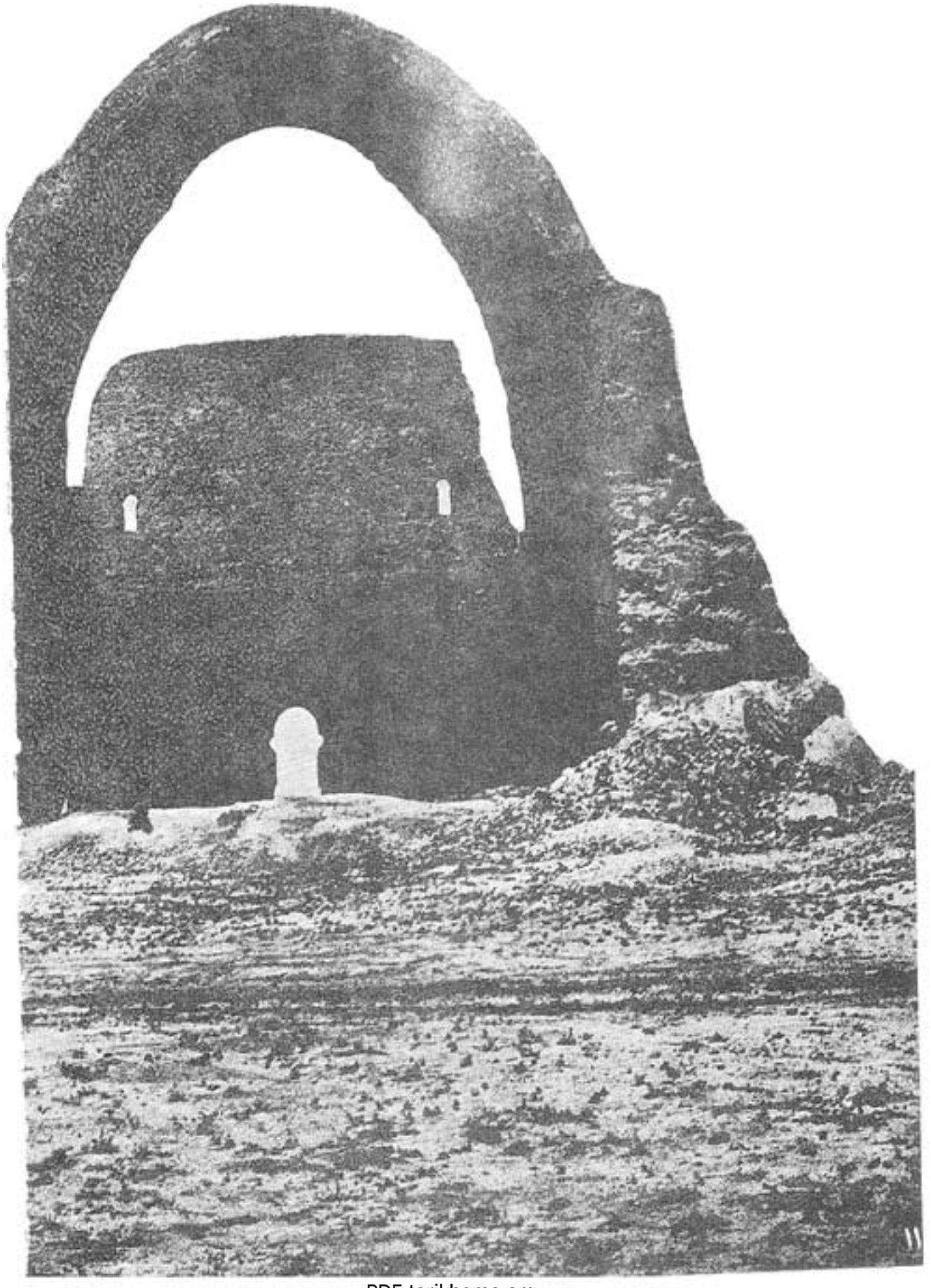
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

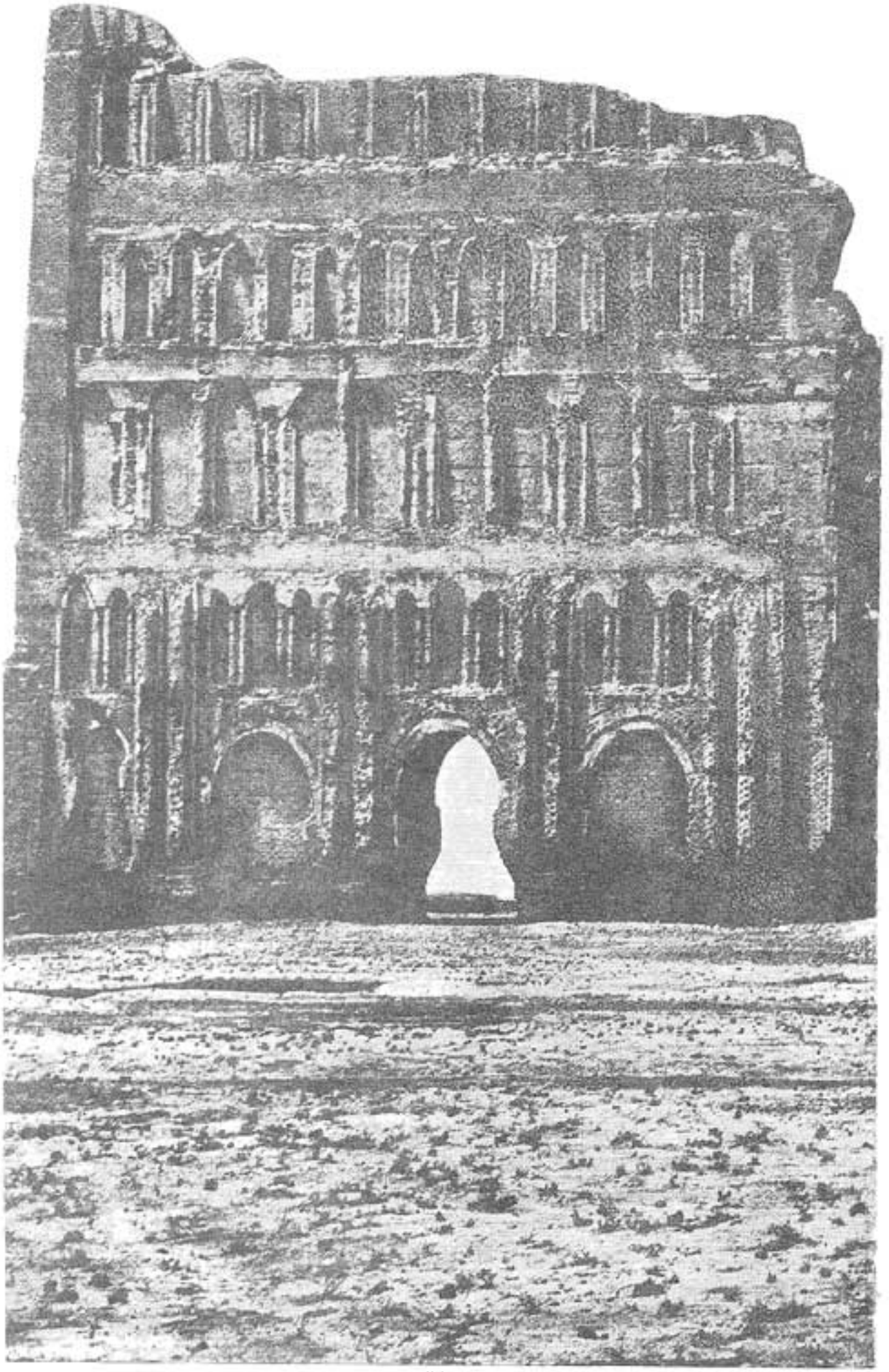
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

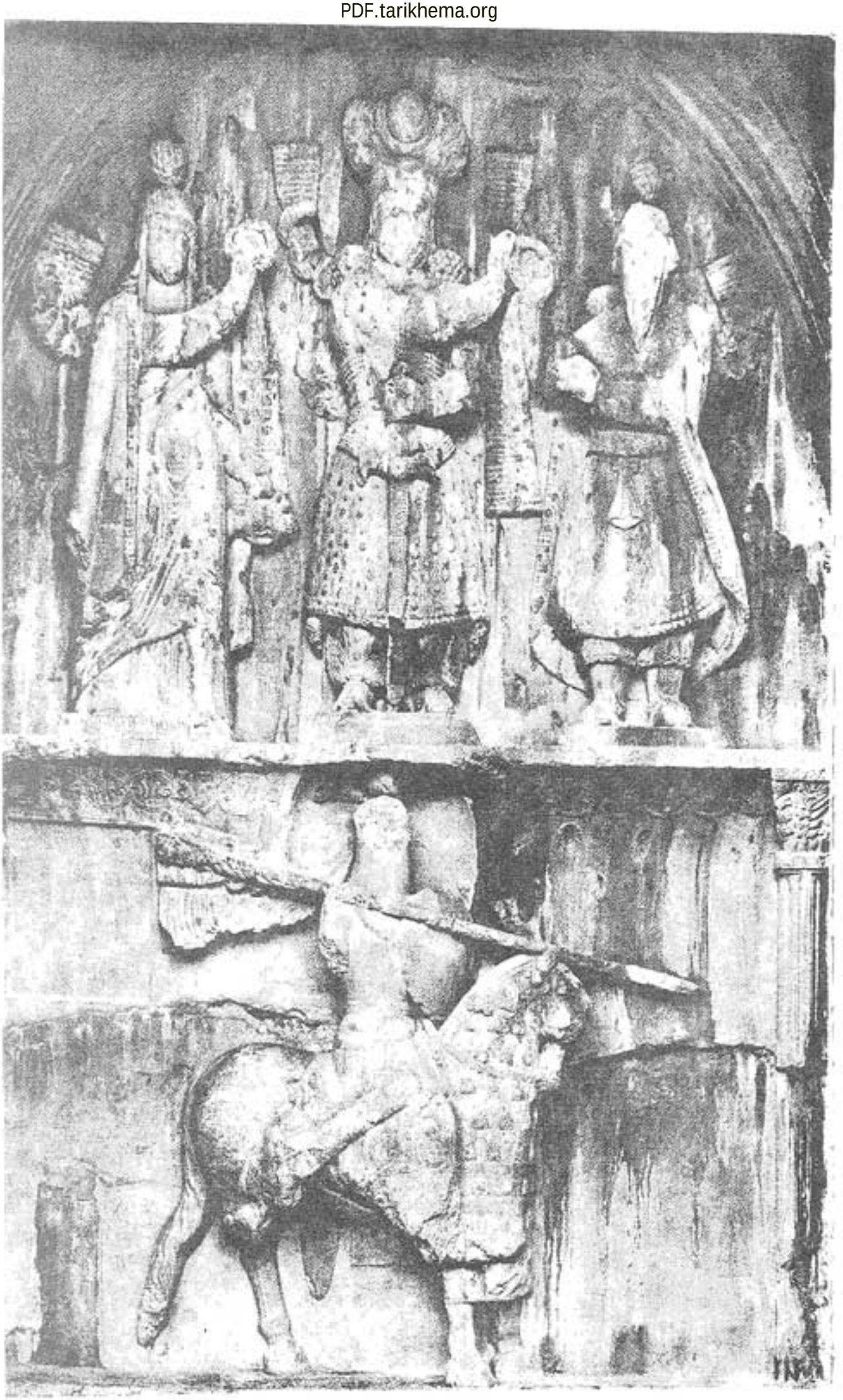
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

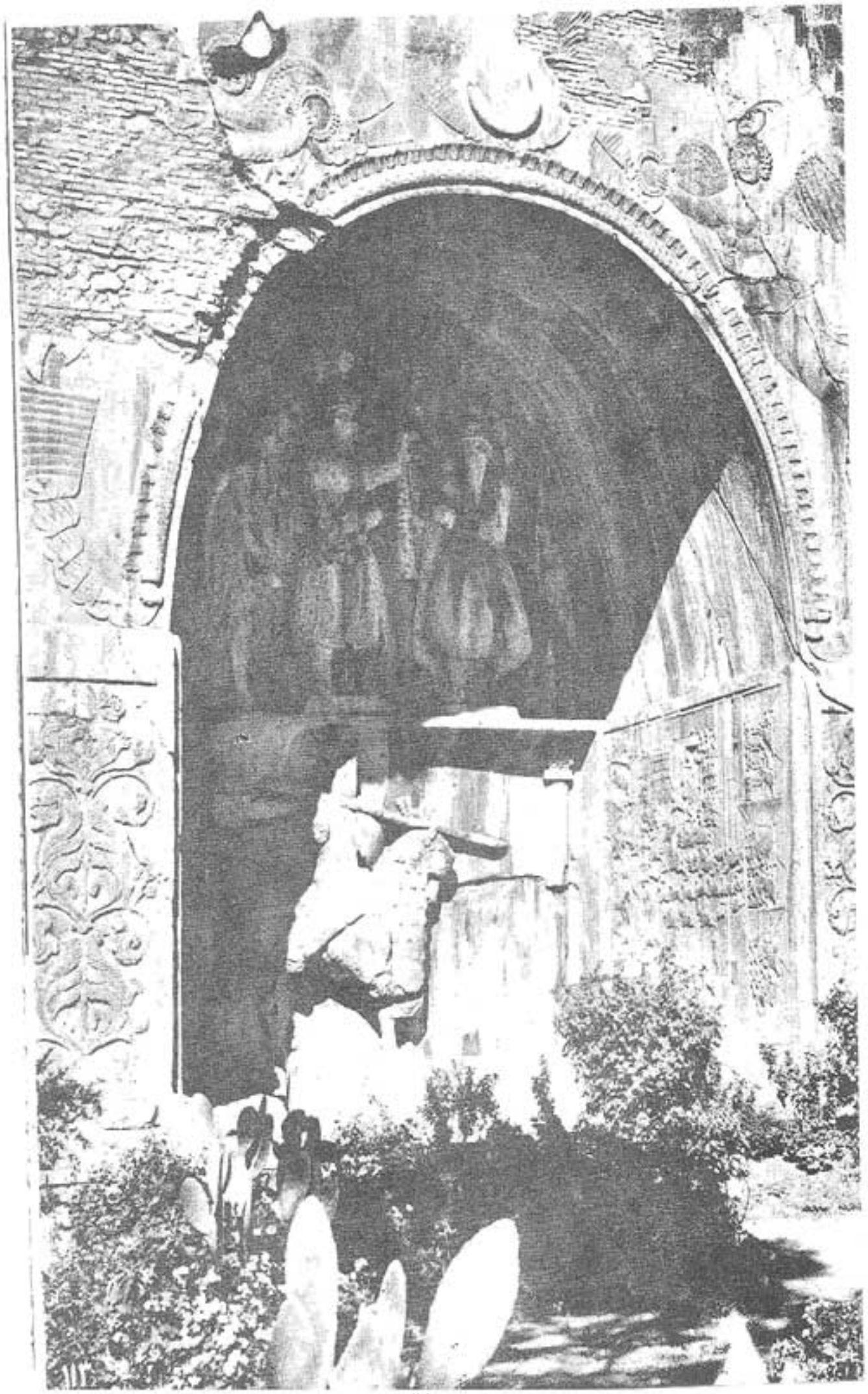
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

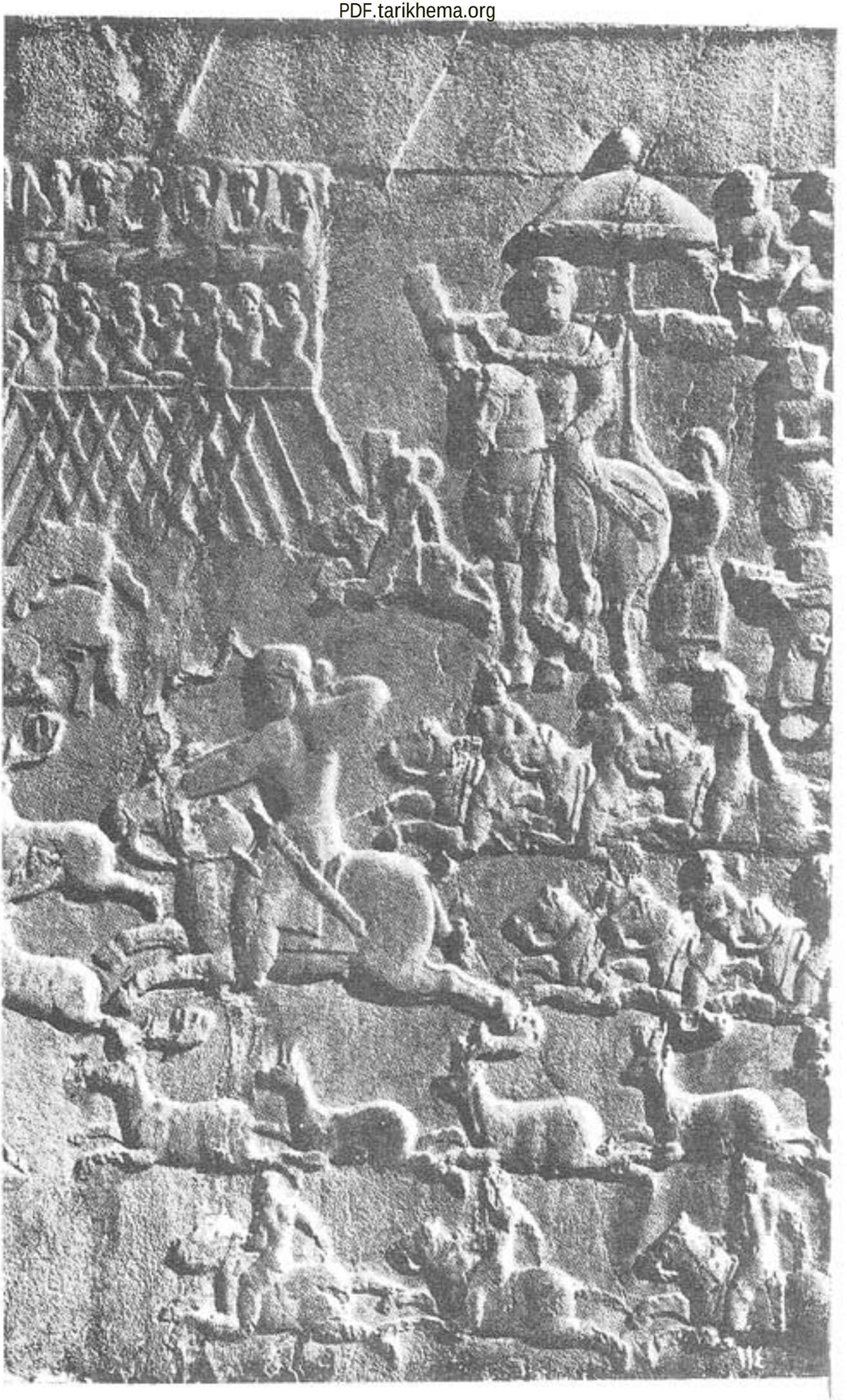
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

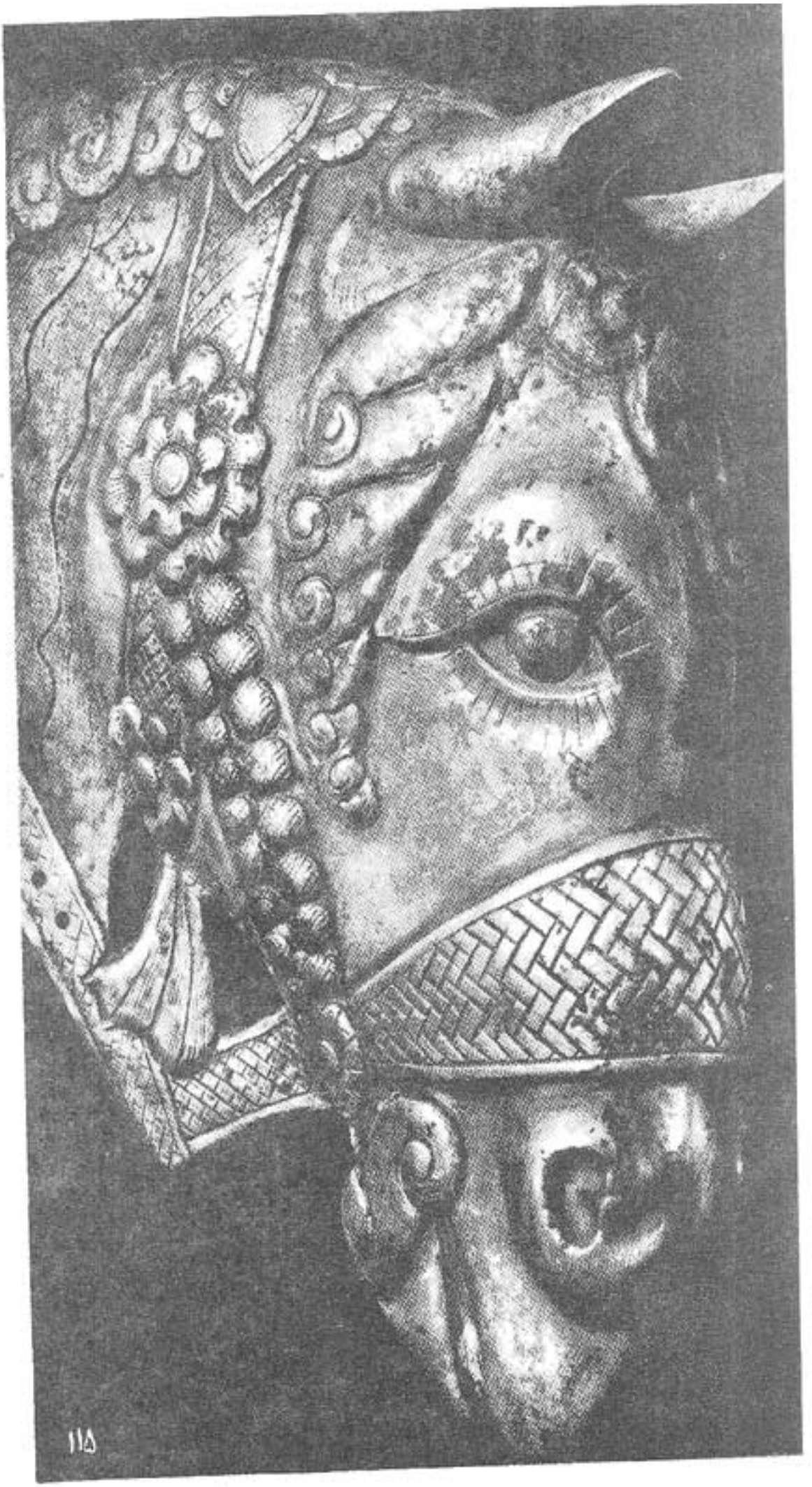
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



١١٨



١١٩



١١٧

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای دارد ، مانندنقش‌فیروزآباد ، شاه وهورمزدباهم مایه تزئین کاملی را تشکیل میدهند و قرینه سازی بشدت درآن بچشم میخورد. و هردونفر برروی پیکر دشمنی واحدنشان داده شده اند [۲۲۸] هردوبایك وضع‌تاج نواردارراکه بدرستی درمحورترکیب نظیرکتیبه‌فیروز آباد قرارگرفته‌بدست دارند. وبازمانند نقش مزبوربقیه صحنه ، خدای‌مهر،با قامتی‌کمی کوتاهترازسایراشخاص، پهلوی‌گروه اصلی قرارگرفته زیرا خدای مهر درکارشاه‌وهورمزد که روبروی یکدیگرقرارگرفته اند مداخله ندارد (عکس۱۰۵) . امادرباره حجاری‌آن، درآن واحد هم بهتر وهم‌بدتراز حجاری‌کتیبه درهٔ فیروزآباد است ؛ بهتر ، بدلیل‌آنکه باوجود پاهای نیمرخ ، وچهره پهن اشخاص، وازاین نظرکه بعضی‌ازقسمت های‌نقش‌ـمثلا پیکررومی، یاگلی‌که خدای مهرروی‌آن ایستاده ـ بطورسطحی روی سنگ حك شده است آثاری ازهنرقدیمی درآن نمایان است، بدتر، ازاین نظرکه درمقابل نقوش چنان درست ولطیف فیروزآباد ، مال طاق بستان‌مسطح ویکنواخت مینماید .

همین اثر برسردرغارشاپورسوم مشهوداست [۲۲۹] که مزین‌بدوتصویرازشاپوردوم و شاپورسوم است که‌روبرویهم وپهلوبپهلوایستاده ودستهابهمان وضع‌نظیریکدیگر بقبضه شمشیرها تکیه دارند وسرها را بسوی هم برگردانده اند. بدون شك برای اینکه دو صورت مزبور ترکیب و احـدی را تشکیل میدهند . این نقش بیش از نقش برگزیده شدن اردشیردوم مسطح است‌وجزئیات‌آن اغلب بیش ازآنکه حجاری شده باشند حکاکی شده‌اند .

بعد ازاتمام دونقشی‌که نمایندهٔ دومین مرحلهٔ حجاری ساسانی است، دوقرن گذشت‌تا صخره های بزرگترین غارطاق بستان حجـاری وتزئین گردید. اماهنگامیکه بین این دو دوره ، هنرحجاری تقریبا بکلی منسوخ شده بود، غارخسرودوم نمودار تجدید حیات این نوع تزئین گردید [۲۳۰]برای اثبات این مدعاچنددلیل هست : بطوریکه پیش ازاین گفته شد ، رشته های هنری درادواردرخشان تمدنهائیکه بآن وابسته هستند ، ترقی وتجلی نمود بازوال‌آنها افول میکنند . سلطنت خسروپرویز یکی ازدرخشان ترین ادو رتاریخ ایران‌و خود خسرونیزپادشاهی بزرگ ، مقتدر، باشکوه وجلال وهم پشتیبان ومشوق هنر بوده‌است. از طرفی هنگامیکه هنرقلمزنی دورهٔ ساسانی باوج مهارت و ترقی خود رسیده بود درچنین شرایطی اگردرساختمان نقوش غارخسروتکنیکی نظیرتکنیك نقش رجب پدیدآیدیعنی هنری که جنبه زرگری آن بیش از حجاری‌بوده باشدطبیعی است. بنظرخود من هیچ تفاوتی‌چه از لحاظ‌کاروچه ازجهت نتیجه حاصله میان‌نقش‌شکارگرازطاق بستان (عکس ۱۱٤) ونقشی که جام‌مضبوط درمجموعه مسکوکات‌کتابخـانه ملی پاریس (عکس۱۱۷) را تزئین‌کرده وجود ندارد . درباره مجسمهٔ عظیم سوارهٔ خسرو(عکس۱۱۲) ، ازخود اودرزیرلباس فراخ وکمربند مزین‌وترکش‌پرازتیروسپروزرهی که‌تن‌وسراوراتاکلاه پوشانده چیزی دیده‌نمیشود

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

برای کسیکه مامورساختن آن بود. مجسمه مزبور بیش ازآنکه شمائل شاهی راباوارائه نماید موقع بدستش داده تابادقت زیادنقش های پارچه لباس وچشمه های زره وسلاح اووجزئیات تجهیزات یك سوارمسلح ویراق اسب اورا تلمزنی کندواین نه کاریك حجاراست ونه عمل یك نقاش. غارخسروپرویز درطاق بستان بنظرمن هنرزرگری رانمایش داده است.

زرگری ساسانی

یکی ازآثاریکه بیش ازهمه نمایندهٔ این هنرمیباشد، تنگ نقره ایست که درعکس‌های ۱۲۰و۱۲۱ نشان داده شده وخودآن ازسال۱۹۳۷باین طرف درموزه ایران باستان تهران است. شکل آن تخم مرغی است وتزئین آن نقش برجسته ای برزمینه مطلا، مرکب ازچهار قوس زیبا آراسته .بخوشه های انگوروبرگ مواست ودرزیرآنها زنهائی در حال رقصند که شبیه زنهائی هستندکه بعضی ازظروف موزه ارمیتاژ راآراسته اند. درزیرپای دوتن از زنها، سرهای شیری است که دهانشان دهانه ظرف رانشان میدهد. قسمت تنگ شده و محل دهانه هادرپائین‌ظرف این تصوررا میدهدکه‌وقتی آنرادرخمره‌ایکه‌اولین خوشه های انگوررا درآن میفشارندفرومیبردند، برای پرشدن ازآن‌شراب بکارمیرفته.درانتهای‌ظرف‌نقش‌اژدهای بالدارکه‌نشان ایران ساسانی بوده است‌نقش شده .

یکی ازرقاصگانیکه درعکس۱۲۰دیده میشود وبلباس وکلاه زیبائی‌آراسته‌شده،شاخه کاجی رادست راست وظرفی راکه ظـاهراً محتوی میوه است بدست چپ دارد. در طرف راست او روباه‌کوچکی دیده میشود و در سمت چپش پرنده ای بادم دراز . در زیرپای زن سر یکی از شیر ها نقش شده در زاویـه قوس هـا نوازنده کمچکی دیده میشودکـه تار مینوازد

O . M . Dalton در کتاب « The treasure of the Oxus »، ظرفی را نشان میدهد [۲۳۳]که Smirnov [۲۳٤] هم عیناً آنرا منتشر کرده وته‌آن سوراخهائی مانند آبکش دارد ومیگـوید ظرف مزبوربرای صاف‌کردن شراب بوده است . تنگه مورد بحث ما هم‌که قسمت زیرینش همان وضع را دارد و تزئینش هم شبیه بآن است ممکن است مورد استعمالش هم همان صاف‌کردن شراب بوده باشد.

زنان خماره وحیواناتی‌که باآنها هستند ، شاخه های‌کاج ، رقاصه ها ونوازندگان بدون شك دستجات هرزه‌کاریرا بخاطرمیاورندکه‌پس ازفتوحات اسکندردائره فعالیتشان‌تا

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هندهم کشیده شده بود.

تصویر اژدهای بالدار ساسانی و شباهت و نزدیکی شکل و آرایشی که بین تنگ نقره موزهٔ تهران وقطعات زیادی، ازاشیاء نقرهٔ دورهٔ ساسانی که درجاهای دیگر سراغ داریم این گمان را میدهدکه تنگ نامبرده بین قرن پنجم وششم میلادی درجائی ساخته شده باشدکه هم ازتوابع ایران وهم نفوذ یونانی درآن جاری بوده ، یعنی احتمالا درکرانه یانزدیکی های دریای سیاه .

سراسب نقره ای بسیارزیبائیهم که عکس ۱۱۵ نشان میدهد ازآثاردورهٔ ساسانی است اما محسوس است که قدمت آن کمتر ازتنگ نمرهٔ سابق الذکراست. سراسب مزبور بدرشتی حجاری روی صخره و کارخالص ایرانی است . اما معلوم نیست که درکجا و بچه منظوری ساخته شده‌است .

پارچه‌های ساسانی

چنانکه بلعمی مینویسد، بهنگام زمستان درجلگه بین النهرین، که برخلاف فصل تابستان وآفتاب درخشانش هواتیره وافسرده میشد، خسروپرویز برروی قالی زمستانیش می نشست و حتی غذایش راهم روی آن میخورد . زیرا قالی مزبوراثرهوای بهاری میداد . این قالی بزرگ که درازای هرضلع آن شصت ارش بوده و«بهارخسرو» نام داشته باغی رانشان میداده باخیابانها وجویبارها، چمن زارها ودرختهائیکه شاخه‌وگلهایشان ازطلاونقره و جواهرات رنگارنگ بوده است.

اکنونهم ایرانیها هروقت بتوانند ازشهر بیرون میروند، درفضای وسیع کنارجوی آبی که میشناسند، سماوری آتش کرده فرشی گسترده بر روی گلهای رنگارنگ پشمین آن وپای آن چشمه جوشان نشسته وبااشعارحافظ خود راسرگرم میکنند.

این بود تذکاری ازسابقه قالی گلستان، گلستانیکه درادبیات ایران آنقدرفراوان ولی درواقع ، کمیاب است، واین واکنش طبیعی یکنواختی وحشت آورمناظر آنست .

قالی «بهارخسرو» یگانه وقدیمی ترین قالی ای نیست که خاطرهٔ آن برای ما باقی مانده. قالیهائیهم دریکی از نقوش ساسانی طاق بستان نشان داده شده‌اند . ثعالبی ، تخت طاقدیس را که درگنجك درکاخ شاهی نزدیك آتشکدهٔ آذرگشسب بود وتوسط هراکلیوس امپراطور روم درسال ۶۲۸ منهدم شده شرح داده‌ونوشته است که بالای آن سایبانی ازطلاولاجورد ساخته

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شده وآسمان وستارگان وعلائم منطقة البروج واقالیم هفتگانه درآن نقش گردیده وتمام آن باچهارقالی زربفت باحاشیه طلاومزین بمروارید ویاقوت بوده است هریك ازقالیهای چهارگانه نماینده یکی ازفصول سال بوده است ،

قالی‌های باغ نما،پسندیده ترین انواع قالیهای ایرانی وآنقدرزیباودرخشنده بوده که باغها ازآن تقلیدکرده وبنوبه خودباغهای قالی نما، شدند نه تنهاباغچه های گلکاری نقشه بندی و رنگ آمیزی خود را از نقش قالیها تقلیدکردند ، بلکه درجاهائیکه بعلت بی آبی ایجـاد باغ وگلکاری حقیقی غیرممکن بود، باسنگ های رنگارنگ باغچهٔ مصنوعی میساختند .

بهمین دلیل وبعلت واکنش درمقابل تنگدستی ازلحاظ مصالح ساختمانی مورد نیاز ، معماری ایرانی باپوششی ازرنگ‌آرایش یافت. نزد ما که در زیرآسمانی رنگارنگ و چشم اندازهای متنوع زندگی میکنیم ساختمانها درجستجوی این نوع جذابیت نیستند . مثلاولوش، Loches وبامهای سنگ لوحش رانگاه کنید،این یکی ازچشم اندازهای خالص فرانسوی‌است که من میشناسم. درمحیط کدررنگ وآتمسفری که آنراتشکیل میدهد بامی باسفال نو،زننده‌و کسالت‌آوراست. برعکس، خانه های کوچك فنلاندی بارنگ های سبزوقرمزوآبی درمیان مزارع پوشیده‌ازبرف شمال، یادرخشندگی گنبد های‌طلای‌کاظمین وسامره که‌دربالای‌صحاری بین النهرین دیده میشود چه زیباودل انگیزند ،

در شرق که تاهم‌اکنون برای ساختن مسکن جزخاك زمین‌خود مصالحی‌بکارنمیبرد،خانه های خودرا باخشت‌خام یاآجرمیسازند . برای حفظدیوارها درمقابل سائیدگی باران یا آفتاب باپوششی‌بادوام وبرای مقابله بااین مسکنت درونی ابنیه روکش های‌کم وبیش‌فاخر مانند فلزوسنگ وکاشی واندود [1] بکارمیبرند . ساسانیهاکه ابنیه طاقدارخود را باآجروبا تکنیك ناصاف وخشنی میساخته‌اند سعی‌میکردندباوسعت وفراخی فوق العاده ونفاست‌آرایش آنها را ازحیث شکوه وعظمت بپایه‌ساختمانهای هخامنشی برسانند. چنانکه ایوان‌بزرگ کاخ تیسفون یاطاق‌کسری‌که بارگاه رسمی شاهنشاهی‌بود، نزدیك ۲۶ مترپهنا و۴۴ متر درازاوجبهه‌آن‌به بلندی۲۹متربوده است . بعضی‌بااندود رنگی وبعضی برخی دیگر باورقه مس طلائی یا نقره ای پوشیده‌شده‌بود. دیوارهای داخلی این تالارعظیم باپارچـه ابریشمی‌وهزاره موزائیك پوشانده شده بود وروی‌آن صحنه محاصره‌انطاکیه‌را توسط‌خسرو اول (انوشیروان) وجنگ هائیکه‌دراطراف‌آن شهرواقع شده‌نشان میداده است. درروزهای

* * *

۱ــ این‌اندود،لعابی‌است‌مرکب‌مرکب‌ازآهك‌وخاك مرمر وگل سفیدکه‌برای زیبائی ودوام‌دیوارها راازآن میپوشانند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بارعام زمین‌کاخ باقالیهای ابریشمی زربفت بانقوش برجسته ازطلاونقره ، نظیر قالی«بهار خسروپرویز»فرش میشده‌است. دربالای تخت شاهنشاه‌تاجی ازطلا مزین بمروارید و مرصع بیاقوت و زمرد واقع شده بودکه بوسیله زنجیر طلابطاق ایوان آویخته بود شاهنشاه‌که بر بالشی زربفت نشسته‌دستهاراروی‌شمشیرش گذاشته ازتاج مزبورهم مجلل ترآرایش شده بود. ژان کریزوستوم Jean Chrysostome میگوید ریش‌شاه مطلا شده ووضع حیوانی‌خیال انگیزبخود گرفته بود.

هرمزدوم، بنابرتئوفیلاکت Theophylacte ، تاج طلائی مرصع‌به زمرد ومروارید بسرمیگذاشته است «لباسش طلادوزی وپارچه‌آن دست بافت و بسیارگرانبها بوده است» . خسروپرویز که‌ازپاتاسرغرق درمروارید وجواهربودبنابر«مجموعهٔ صورت‌پادشاهان‌ساسانی» «لباسی برنگ سرخ وشلواری‌آبی‌آسمانی پوشیده وتاج قرمزی بسرداشته است». ازتمام‌این اسباب تجمل گرانبهاتر ، ابریشم بوده است . زیرا دست کم تازمان سلطنت ژوستینین (۵۲۷ ـ ۵۶۵) ایران مواد اولیه پارچه هائیراکه میبافته خود نداشته است وآنرا ازچین بصورت ابریشم خام‌دریافت میکرده که‌هنوزقابل‌بافتن ورنگ‌کردن نبود یابصورت‌پارچه‌ای بوده که میشکافته تا دو بارهٔ ازنخ‌آن‌استفاده‌کند . ومقارن نیمه قرن ششم بودکه پرورش بوغان وتهیه ابریشم درایران معمول‌گردیده داستان دوکشیشی‌که درسال ۵۵۲ بدستور ژوستینین عازم چین شدندودرختن تخم‌کرم ابریشم را بدست‌آورده بادستور پرورش‌آن به قسطنطنیه بردند معروف استوازآغازسلطنت ژوستن دوم، جانشین ژوستینین صنعت جدید وارد مرحله فعالیت گردید.

تاآنزمان،ابریشمی‌که غرب مصرف میکرد ازدوراه‌اصلی که‌هردوازبرج سنگی واقعه درنزدیکی ختن که‌محل اتصال راه های زمینی تجارت چین‌باآسیای‌داخلی‌بوده واردمیشد. یکی ازدوراه مزبورازدرهٔ سند ودرنزدیکی مصب این رود گذشته وازآنجا عدلهای‌ابریشم را ازراه دریا بطرف خلیج فارس و بنادرمصری‌دریای احمرحمل‌میکردند. راه دیگرازبلخ «هکاتوم پیلوس» ودریای خزرومادودرهٔ فرات گذشته‌به مدیترانه منتهی میشد.

هنگامیکه ایران مانند مصر وسوریه و بیزانس، خود موفق به‌تهیه ابریشم خامی‌که بآن احتیاج داشت گردید ، تجارت ابریشم بین خاور دوروباخترد‌چاررکود نگردید زیرا دراین اثنا بازارپارچه های ابریشمی‌چنان گرم شده بود ومردم بقدری فریفته‌آن شده‌بودند که تقاضای‌آن‌همیشه برعرضه فزونی‌داشت . گیلان ومازندران وخوزستان مراکزی‌ازایران بودندکه درآنها پرورش‌کرم‌ابریشم بیش ازهمه جاتوسعه یافته‌بود. اماهنوزمانمیدانیم‌اولین کارگاههای بافندگی ابریشم ازچه تاریخ ودرکجای ایران تأسیس شدند. نقل‌کرده اند که‌وقتی نساجان‌انطاکیه رابه‌شوشتربردندشاپوراول درسال ۲۶۰ صناعت ابریشم‌را درایران

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تأسیس نمود. اما ازطرفی «اگرمحرزباشدکه تاقرن سوم پیش ازمیلاد چین نگذاشته است کسی درخارج، ازابریشم وصنایع مربوط بآن اطلاعی بدست آورد، چنین برمیآیدکه مهاجرینی بوده اندکه ابتداکم کم ابریشم رشته وپارچه های ابریشمی وبعد صنعت رشتن وبافتن آنرا بآسیای غربی برده اند[۲۳۵]». ولی برما معلوم نیست که چه وقت ودر کجااین مهاجرین بایران رسیده واطلاعاتیهم که ازآزمایش پارچه هابدست آمده بسیاراندك است. منسوجاب بیزانس وایران چنان وضع مشابه آشکاری دارندکه غالباً نه میتوان به مبداء آن اطمینان داشت ونه تاریخ بافتشان رابدرستی تعیین نمود.

صحنه های شکاروجنگ آدمها باحیوانات، دروضعی که حجاریها وآثارقلمزده ایرانی را تزئین کرده ومابخوبی آنها رامیشناسیم، بدون تغییروبهمان طرزهم پارچه های ابریشمین راکه بنام بیزانسی معروفند، وهم منسوجاتیراکه میگویند ایرانی هستند تزئین نموده اند. ترکیبات قرینه سازی که نساجان بیزانس درکارگاههای مخصوص میبافتند، ایرانیهاهم در کارگاههای خودآنها رابکارمیبردند. درمواردیکه بیزانسی ها تصمیم گرفتند صحنه های جانوران یاموضوعات مذهبی را جای گزین موضوعات سنتی نمایندکارتشخیص وتمیز آسان میشود. اما درمورد اظهاررای، بازاین تردید پیش میآیدکه آیا پارچه ابریشمین خزانه کلیسای نتردام دلاکوتور Notre Dame de la Couture در Mans متعلق به عصرساسانی بوده یابعد ازساسانی؟ (شکل۱۸۹). و ژرژمیژون G.Migeon ازخود میپرسدآیاباید آنرا از آثار اسلامی دانست؟

فالك Falke چنین اظهاررای میکند: «این دوشیرسبزروی زمینه قرمزکه روبرویهم درطرفین یك آتشدان قرار گرفته اند یك نقش ساسانی است، اماازطرفی این دوحیوان بیشتر شیرهائیراکه بردیوارهای دیاربکر حجاری شده اند بخاطرمیاورد. اما در این باره من مطمئن نیستم [۲۳۸]».

مال E. Mâle میگوید: «دویوزپلنگی که روی پارچه زیبای شینون Chinon روبرویهم ایستاده وبعضی گمان میکنند متعلق بدورهٔ ساسانی است، ازآثارعرب است، واین حقیقت را کتیبه ایکه مدتها ازنظردوربوده به ثبوت رسانده است[۲۳۹]».

ویه G. Wiet درباره پارچه ای متعلق به کلیسای سنت اورسول درکلن که دوسوار را مقابل هم نشان میدهدکه برچهارپای بالداری سوار وروبرویهم واقع شده اند وگلوی یکدیگرراگرفته اند، وپارچه دیگری متعلق بموزه برلن، منقش بصورت دوانسان «که روبرویهم براسب های بالدارسواروبچه شیری رابحال تعادل نگاهداشته اند، اخیراً چنین گفته است: «ظاهراً واتلن Watelin اولین کسی بودکه گمان کرده است پارچه موزهٔ برلن بیزانسی است [۲۴۰]. وپوپ A.U. Pope ، درنمایشگاه لندن[۲۴۱] که بعدازنمایشگاه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مونیخ پارچه سن کونیبر St. Cunibert راهم که سبك دیگری داشته ومیبایست آنرا بیزانسی بدانند [۲۴۲]، ساسانی تشخیص داده هردوی آنهارا متعلق بآندوره دانسته است. اخیراً بانو فیلیس اکرمن Phyllis Ackerman ازساسانی شناختن آنها خود داری کرده [۲۴۳] ولی بنظرمن حقاً باید پارچه های ابریشمی سنت اورسول وموزه برلن را از آثارهنری ساسانی دانست [۲۴۴].

عدهٔ زیادی ازقطعه پارچه‌های قدیمی درجاهای دیگر توسط بهترین کارشناسان به‌قرون ششم تاهشتم تاریخ گذاری شده، باین معنی که ممکن است آنها ازآثارساسانی، بیزانسی، یا اسلامی باشند ودرباره تفکیك آن ها چیزی بما نمیآموزند .

برای روشن شدن ذهن دراین مسئله دشواروبغرنج چند دوجین ازنقوش پارچه های البسه اشخاصیکه درصحنه های شکارطاق بستان نقش شده اندبرداشته شده بحل این مشکل کمك کرده اند. امـاباز دلیل قاطعی بدست نیامده زیرا حتی نقش سگ بالدارکه لباس شاه راتزئین نموده وازمختصات ساسانی است (شکل ۱۹۰) نظیرش را درروی یك پارچه بیزانسی متعلق به قرن دهم دیده ایم [۲۴۶]. نتیجه اینکه عدهٔ انواع پارچه‌های ا ریشمی که مسلماً متعلق بدورهٔ ساسانی هستند بسیارمحدودند وهرچه بیشتر دراین باره بررسی میشود، این محدودیت زیادتر میگردد وبهیچوجه هم محقق نیست که «عدهٔ زیادی اشیاءکه درردیف آثارقبطی، بیزانسی، اسلامی یاورمان» ثبت شده اندروزی بهنرساسانی باز نگردند .»

درنزدیك پنجاه سال پیش Ch.Diehl درضمن اشاره به نفوذ بسیاریکه منسوجات دورهٔ ساسانی درکارگاههای بافندگی بیزانسی داشته اند نوشته است: یکدسته از ابنیه گرانقدر تقلید نمونه هائیرا گواهی میکنندکه عبارتند مخصوصاً از : پارچه های ابریشمی که صحنه های سواری و شکار(شکل ۱۹۱) را نشان میدهند. یك نمونه زیبااز این قبیل درکلیسای سنت امبروجو St.Ambroise درمیلان موجود است که درمدال بزرگی روی زمینه سبز، یك پادشاه ایرانی راسوار براسب وکمان کشیده نشان میدهدکه شیری مجروح راهدف قرار داد و گورخری راشکار کرده است[۲۴۷]. درپارچه ابریشمی کلیسای سن کونی بر St. Cunibert درکلن [۲۴۸] ، همچنین درپارچه ایکه در South Kensington موجود است صحنه ای نظیر آن درزمینه آبی تکرارشده ودرخت مقدسی دوسواریراکه روبرویهم ایستاده انداز هم جدا میکند. لسینگ Lessing تاریخ این پارچه راکه تقلیدی بیزانسی ازاصل ایرانی است بین قرن ششم تاهشتم تعیین کرده است.

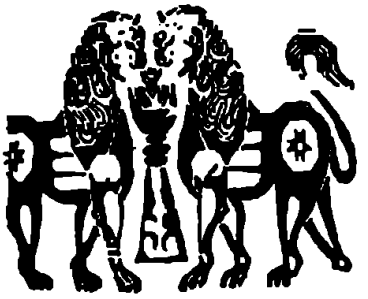
درجای دیگرهمین سواران درحال شکارشیر، مدالهای بزرگ بزمینه قرمزروی پارچه ابریشمی زرد رنگی ظاهر میشوند . (Kaiser Friedrich Museum دربرلن که اصل آن از Akmin است.)

tarikhema.org

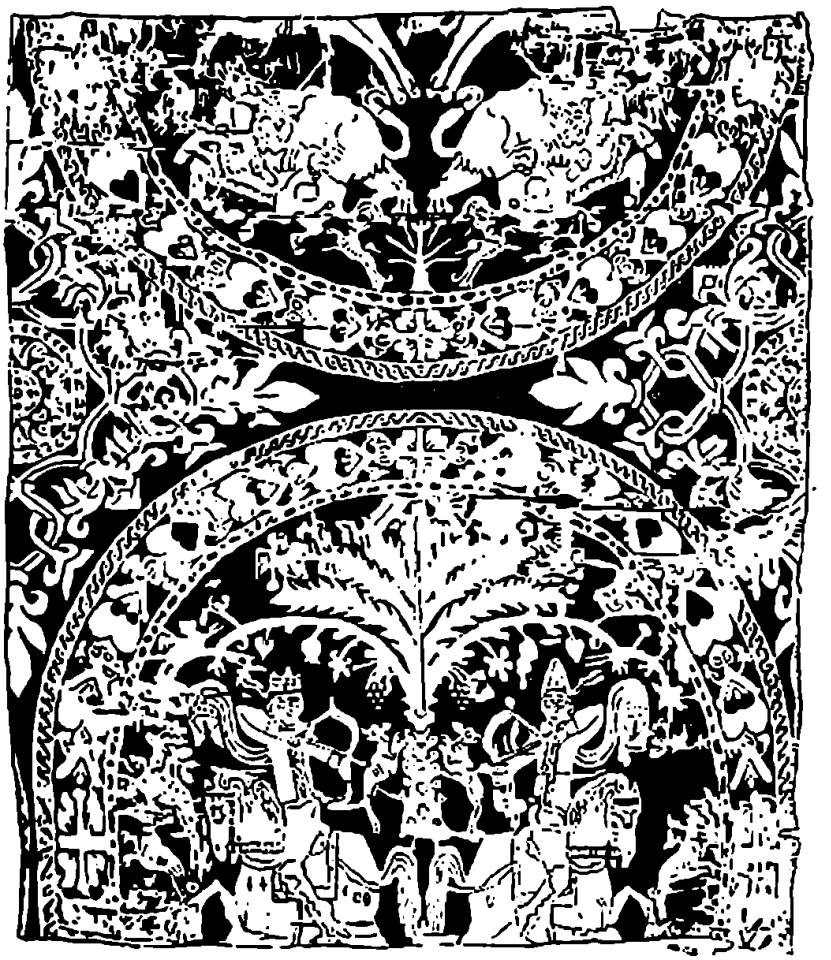
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

١٨٩/١٩٠
١٩١







tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خزانهٔسن‌سروه‌درMaestrich (لسینگ، کتاب‌هفتم)خزانهٔ کلیسای‌سنت‌اورسول‌درکلن[۲۴۹] (موزه‌لوور، مجموعه مارتو. لسینگ ،کتاب هشتم.)که‌تمام متعلق‌به قرن ششم تاهفتم‌است، صحنه دیگررام‌کنندگان سباع راپیاده درلباس ایرانی نشان میدهدکه نیزه بدست باشیران میجنگند[۲۵۰] (Kaiser Friedrich Museum گنجینه Sancta Sanctorum ، قرن پنجم یاششم) . بازجای دیگر سوارانی تك یاروبرویهم چوگان بدست دید، میشوند که پرنده ای بر فرازسراسبشان درپروازاست ودرپرده‌پائین‌آن‌پیاده ای مسلح‌به نیزه‌پهلوی لـك لکی ایستاده است (Kaiser Friedrich Museum ، تقریبـا قرن ششم،لسینگ کتاب یازدهم) .

زینتی‌لذیرگ‌نخل‌که درپارچه های‌اخیرالذکرغالباً داخل نقوش شده ودرخت‌مقدسی که سواران باآن روبروشده اند ساسانی بودن این نمونه هارا تـائید میکنند اما از طرفی نوشته های یونانی‌کـه در نسج پارچه هـا بافته شده آشکار میکنندکه پارچـه هـا بیزانسی است [۲۵۱] .

اززمانیکه Ch. Diehl عبارات فوق الذکررا نوشته تابحال نمونه های زیادی از بافته هائی ازاین قبیل‌که‌گمان‌میکردند ازآثارساسانی است،به هنربیزانسی بازگشته اند . بافته های مزبوررا حالا«تقلید بیزانسی از نمونه های ساسانی » مینامند : اماهرگزکسی اصل این نمونه های تقلید شده را ندیده است وانسان حق دارد ازخود بپرسدکه‌آیا پارچه های بیزانسی‌بجای تقلید ازمنسوجات ساسانی، ازحجاریها وحکاکیهای‌آنها تقلید نشده‌اند؟ تالیفات‌سمیرنوف[۲۵۲]Smirnovواربلی Orbeli [۲۵۳]تعداد زیادی قاب و قدح نشان میدهندکه درآنهاصحنه هائی‌نقش شده‌کـه سوارانی مشغول شکارگورخر ،گراز یابزکوهی هستند وگاهی‌بحیوانات درنده حمله میکنند یامورد حمله‌آنها واقع‌میشوند . این نوع‌نمونه هاکم نبوده‌اند و باید قبول‌کردکه هنرمندان بیزانسی بخوبی میتوانسته اند بسبك ایرانی موضوعاتیراکه‌برایشان فراهم‌شده .دریك‌دایره یالوزی‌ویاشکل هندسی دیگری قراردهند . بعلاوه‌کارگاههای بیزانسی‌که‌کارگران یونانی وقبطی وسوری راکه ازمدتهای مدید بکارهای زردوزی وسوزن‌دوزی سابقه داشته اند بکارمیداشتند توانسته‌بودند خیلی پیش ازکارگاههای ایرانی‌کارهای‌لطیف ودقیقی راکه برای نمایش صحنه هائی ازاین قبیل‌لازم بوده است‌انجام

* * *

۱ـ نقش اژدهای بالدار به نمونه‌های‌گوناگون‌روی‌پارچه های ابریشمی و روی سنك (شکل ۱۹۰) ودرته تنك نقره‌موزهٔ تهران (عکس۱۲۱) و غیره دیده شده است واگر اشتباه نکرده باشم این‌نقش درمیان نقوش حجاری شده ایهم‌که نمای «مشاطه»درماوراء اردن را تزئین نموده دیده‌میشود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دهند . نویسندگان عصر بیزانس ، شرح فراوانی ازپارچه‌های زیبائی که بشکل پردهٔ پوشش دیوار یا قالی که برای تزئین کلیسا ها بکارمیرفته نوشته‌اند ولوسیلانسیر Paul le Silentiaire شرح مبسوطی راجع بیکی‌ازپرده هائیکه‌دربالای محراب کلیسای سنت‌صوفی Sainte Sophie بین‌ستونهای تزئینی‌آویخته بود نوشته است . دروسط این پرده ، درزیر گنبدطلائی‌صورت مسیح بالباسی ارغوانی و طلائی ایستاده . دردست چپ کتاب انجیل راگرفته‌ودرطرفین او دوتن ازحواریون، پطروپل‌ملبس بلباس سفید صحنهٔ معروف «ناجی درحال تشریح آئین» را تکمیل میکنند. درحواشی پرده معجزات مسیح ترسیم شده. سازندهٔ پرده، نقش ساختمانها وبیمارستانها وکنیساهارا برآن افزوده وخواسته است آثارنیک «ژوستینین» و«تئودورا» را نشان دهد. درپرده های دیگر کلیسای‌نامبرده ، تمثال پادشاهان نقش شده که پهلوی‌حضرت مریم‌ایستاده ، یازیردستان حضرت‌مسیح درحال تقدیس خم شده‌اند . دراین پارچه گرانبها برای ایجاد هم‌آهنگی حیرت انگیز نخهای ابریشم برنگهای گوناگون وتارهای طلابافته شده است [۲۵٤].

Asterios d' Amasie عده ای از معاصرین خود راکه‌لباسهای منقش‌صحنه‌های کفر‌آمیزیا مقدس پوشیده بودند «دیوارهای‌نقاشی شدهٔ سیار» نامیده‌است. تئودوره Theodoret اسقف«سیر» Cyr گزارش میدهدکه درزمان اوسناتورهای مسیحی که تاریخ‌کامل زندگی‌مسیح رادرجبه های خود بافته یا دوخته اندکم نبودند [۲۵۵].

بیزانس میکوشیده است تادرپارچه های خود بانقاشی رقابت‌کند، در صورتیکه هنر ساسانی باین قناعت میکردکه عوامل تزئینی سنتی‌خودیعنی‌شیر، تازی،سگ بالدار، گراز، بزکوهی وانواع پرندگان ودرختان وغیره رادرنقش هابکاربرد. نقاشی پارچه های‌ساسانی ساده تراز‌آن بیزانس اما معنی دارتروقوی تراست و ابعاد موضوعاتش بزرگتر، بعضی از قسمت های صحنه ایراکه یك‌پرنده‌اشغال‌کرده ، امکان داشته است تمام شخصیت های‌حاضر دریك صحنهٔ بصلیب‌کشیدن بیزانسی گنجانده شود. هنر ساسانی بهیچوجه مانند هنربیزانس درجستجوی زیبائی‌ونفاست‌نبوده ، اما اگردوران ساسانیان‌دوام‌بیشتری‌کرده بودبدون‌تردید ازسرایت‌آن کنارنمی‌ماند. هنرساسانی‌صورتزئینی راازترکیب توده ها وشکلهائیکه میشناخته بوجود میآوردوآنها راازمجموعه نمونه های متعارفی استخراج میکرد . این نمونه ها در نظرش مطبوع وپسندیده بود، زیرا باآن‌انس داشته وعاطفهٔ آداب ورسوم پرستی قدیمی و ذوق‌تزئینیش‌راارضامیکرد.

ساسانیان همان رنگ های‌بیزانسی‌هارا بکارمیبرده اند اماشیوه بکاربردنشان‌یکسان نبود . رنگ بیزانس رنگ موزائیك کلیسای «سن و یتاله» در «روانا» St.Vital de Ravenne است که درآن زنهای همراه «تئودورا» لباسهائی بارنگ های

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تندوحاشیه دوزدی طلاپوشیده وشنل ملکه حاشیه ای داردکه پرستش منهارا بانقش طلا
زمینه ارغوانی نزدیك‌به بنفش نشان میدهد [۲۵۶] رنگ ساسانی دارای درخشندگی کمتر ومعتدل تراست و هنرمندانه ترتقسیم شده است و فقط رنگهائی انتخاب شده‌که بانقش متناسب وهم‌آهنگی‌بیشتری داشته‌باشد. درعده زیادی‌ازقطعات ودربهترین‌آنهائیکه میشناسیم فقط یك رنگ بکاررفته ، مثلاآنهائیکه‌جلد چهارم‌کتاب پوپ Survey of Persian Art بشماره‌های ۲۰۱A ، ۲۰۲A و۲۰۲ B نشان میدهد. گرازوقوچ و اسب بالدارکه مایه های اصلی‌آن هستند مانندچرخهائی بانقطه سفید وبرگ های‌نخل‌که نقاط خالی‌آنرا پرمیکنند، برنگ‌آبی پررنگ روی زمینه ایکه سابقاً سفید بوده‌ولی امروززرد فام و برنگ ابریشم طبیعی شده اند. پرنده وگل‌سدری‌که شماره۱۹۸Aرا تزئین مینماید رنگ نشده وبنابراین برنگ‌طبیعی ابریشم روی‌زمینه قرمز. دربعضی دیگرمنجمله شماره های ۱۹۸ A و۱۹۹ A ، ۲۰۱ C ، ۲۰۲ C ازهمین‌کتاب فقط دورنگ درزمینه سفید بکاررفته ، بترتیب قرمزوسیاه، آبی پررنك و سبز ، دورنك سبز، قرمزوآبی،سبزوسیاه .آنهائیکه سه رنگ درنان بکاررفته ، شماره های ۱۹۹B. (آبی پررنگ ، سبزوبنفش) و شماره ۲۰۱B (قرمزپررنگ، سبزوسرخ) کمند. بنابراین هیچیك ازآنها چندرنگه نبوده‌وموضوعات‌دقیق نداشته اند . بنابربررسی صحیح بانوفیلیس اکرمن« They are the most masculin of all known silks. » [۲۵۷]آنهامردانه وحتی‌کمی‌وحشی هستند، البته‌اگرو حشی رابمعنی بی‌نظم‌بدانیم، اماچنین نیست، همچنانکه هنرمخامنشی باستونهای سیاه وکتیبه های رنگینی‌که اشخاصش باسنگ های رنگین وگردن بندها والنگوهای طلا آرایش شده اند . همچنانکه‌هرهنردیگری‌که ازخصوصیات هنرخود پیروی میکند، مثلاهنریونانی‌درقرن‌ششم پیش ازمیلاد، که درپارتنون مرمرهای تماشائی خود را رنگ آمیزی میکرد ، یانقاشی زمان خودمان‌که بدنبال تعریف زیبائی است.

بکاربردن عوامل تزئینی‌مربوط برسوم ایران قدیم، یعنی‌ترکیب های‌ساده‌که درآن اهمیت تزئینی‌توده هایعنی نقش ورنگ ساده ومحکم،بیش ازمعانی مستعارموضوعات مورد توجه بود، چکیده هنربافندگی ساسانی است. البته مقصود این نیست‌که نمیتوان پارچه ابریشمینی ازدورهٔ ساسانی یافت‌که صحنه شکارياجنگی رانمایش داده باشد . زیرا میدانیم که عده ای‌ازارباب‌هنر بیزانس‌منجمله‌آنهائیکه توسط شاپوراول ازانطاکیه‌بشوشترمنتقل‌شدند درکارگاههای ساسانی‌کارکرده ومسلماًفرمولهای تزئینی واسلوب‌کاررااز‌آنجا باخودآورده اند. از طرفی‌امپراطوری ساسانی‌ازفرات تابلخ گسترده بود وتمایلات هنری نیز بایدمانند مردم‌آن متنوع بوده باشد. پارچهٔ باختری وخراسانی‌باید بامال فارس وبین النهرین‌خیلی متفاوت بوده باشد . باوجود این ازنظرما که مرزهای سیاسی‌کشوررا مرزهنری نمیدانیم ،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

منسوجات ساسانی آنهائی هستندکه درقسمت باختری امپراطوری تهیه میشده اند وبادرنظر گرفتن همه جوانب کارحتی اینکه پارچه های مشهود در طـاق بستان بعلت نداشتن رنگ نقش صحیح آنها رانشان نمیدهد، دست کم خصوصیات اصلی آنهارا میرساند مخصوصاً که تاریخ آنها زمان خسروپرویز یعنی آخردورهٔ سلطنت ساسانیان ورویهم رفته آخرین نمونه‌هاهستند اما اگرهنرپارچه بافی ایران درآن زمان، شیوهٔ بافتن صحنه هـای پرجمعیت رااختراع یا اقتباس کرده بود، آیاشکل اژدهای بالداربرنیمتنه‌شاه نقش میشد؟

پارچه های ابریشمی تنها پارچه هائی نیستندکه در دورهٔ ساسانی تزئین شده اند، ولی چون پارچه های پشمی ازابریشم بدترونا قص ترنگهداری شده اند، اطلاعات ما هم در باره آن ابتدائی است.

درناحیه ای ازمصربرای اولین بارمـاازوجوداین صنعت باخبرشدیم قطعات زیادی پارچه پشمی که بطرز گبلن بافته شده بودند بین سالهای ۱۸۹۶ و ۱۹۱۰ درقبرستان زیرزمینی یك شهرمصر «آنتینوئه Antinoë» که درسال ۱۳۰ بدستورامپراطورآدرین Hadrian ساخته شده و بسرعت وسعت یافت بدست آمدکـه نقش آنها از موضوعات دورهٔ ساسانی بوده اند، شهرنامبرده درقرن پنجم پایتخت کشوری تبائید Thébaïde و درقرن ششم مقر فرمـانده لشگری تمام تبائید بوده است. اما درآغاز قرن چهارم عمال کشوری و لشگری که مامور آنجا میشدند ذوق پیروی ازاسلوب ساسانی راباآنجابردند، چنانکه گییه A. Gayet که خود متصدی کاوشهای آنتینوئه بوده میگوید لباس ایرانی درآنجـا، مانند بیزانس، لباس تشریفاتی بوده است. مدزنانه نیزهمین راه را پیموده. عده زیادی «بالش سوگواری» که درآنجا بدست آمده باتزئینات ساسانی آراسته بوده اند ومسلم است که پارچه هائیکه «برای ساختن این بالش هابافته‌شده اند» نمیتوانسته در ایران زرتشتی مذهب تهیه شده باشند. همچنین ساق‌بندهائیکه منقش بصورت پادشاه ایران که برتخت جلوس کرده [۲۵۸] برخلاف آنچه میگویندازنمونه اصل ایرانی تقلید نشده [۲۵۹] زیرا اگرامکان داشت که دربیزانس کسی صورت حضرت مسیح و امپراطوررا روی البسه نقش کند، خیلی جای تردید است که یك صنعتکارایرانی هرگزجرئت کندکه یکی ازشاهنشاهان خود را برپاپوشی نقش نماید. این «گبلن های ساسانی» که در آنتینوئه با پارچه هـای یونانی باهم کشف شده و تزئین آن تقلید خشنی از تزئین ساسانی است [۲۶۰]، ظـاهراً یا در خـود مصرساخته شده یا درسوریه.

از زمان کشف پارچه های فوق الذکر مدارك بهتری بدست آمده که تعلقشان بدورهٔ ساسانی مسلم است. از آنجمله خروس موزه ارمیتاژ [۲۶۱] عقابهای مجموعه «رابرت و ودزبلیس» Robert Woods Bliss، [۲۶۲] خروس‌های عالی بعدازساسانی که فیستر R. Pfister

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

[۲۶۳]بدست آورده. درقالی بافی‌هم‌بزکوهی مجموعه‌ویلیام مور William H. Moore [۲۶۴]. دراین پارچه هاکه هنوزدرخشان ترین رنگ هارا دارند ـ زیرا پشم خیلی‌بهتر وآسانترازابریشم رنگ میپذیرد [۲۶۵] ـ همان حیواناتی نقش شده اندکه درپارچه های ابریشمی دیده ایم. اماآزادتر وفارغ ازتبعیت های تحمیلی میباشند[۲۶۶] .

مسکوکات ساسانی

باوجوداینکه عصرساسانی‌آثارهنری‌بسیاری،مانندفرش ها،پارچه هاوکارهای حجاری وغیره بوجودآورده است،کارضرب سکه اش ارزش هنری مسلمی رانشان نمیدهد . درعوض اطلاعات تاریخی وغیره که ازسکه های‌آن‌بدست میآید دردرجهٔ اول اهمیت هستند. به سبب تنوع اشکال تاجهای شاهنشاهان است که غالباً توانسته ایم موجدین‌آثارهنری، و بانیان ساختمانها رابشناسیم مثلایکی،جام‌سنگ‌بلورمعروف متعلق‌به «گنجینه سن دنی St. Denis که اکنون در Cabinet des Médailles پاریس موجود است، ودرقرون وسطی‌بنام «جام سلیمان» معروف بود. این جام ابتدا مدتهابه خسروپرویز نسبت داده میشد اما اکنون گمان میکنند مدال مرکزی‌آن صورت این پادشاه را نشان نمیدهد وبیشتراحتمال میدهند که فیروزیا قباد باشد. زیرا نقش تاج‌آنها روی سکه هایشان‌که دارای دو هلال است شبیه تاج شخصی است‌که درجام نقش شده (عکس ۱۱۶) .گرچه این‌کاسه بلورزیبائی مخصوص دارد وباظرافت ساخته شده ولی بعضی‌آثارحکاکی شده ساسانی، از جمله‌آنکه شخص بلند قامتی رانشان میدهدکه بعضی اورا شاه وبرخی‌موبدموبدان میدانند (عکس۱۲۲) مرغوبیت آندونقش‌رادارد‌که چه ازنظردقت وظرافت‌کاروچه ازنظرتزئینی قابل ملاحظه است. ساسانیها بندرت سکه زرمیزدند ، سکه های‌آنها بیشترنقره وبشکل پهن ونازك بودکه بآسانی‌ممکن بوده است رویهم قرارگیرند. ازآغازسلطنت اولین پادشاه این سلسله ، اردشیربابکان کلاه مذهبی که‌پادشاهان پارت بسرمیگذاردند ازروی مسکوکات ناپدیدوتاج کنگره داری‌جانشین آن شدکه بالای‌آن گوئی نصب شده بود (عکس ۱۱۸) . پشت سکه ها،آتش دان‌نقش شده بودکه یکطرف آن شاه و طرف دیگرولیعهد نقش شده بودند نوشته های روی‌مسکوکات‌که بزحمت قابل خواندن هستند بخط وزبان‌پهلوی‌یافارسی وسطی هستند (عکس۱۱۹).مقارن اواسط قرن پنجم میلادی پادشاهان ساسانی هلالی برقسمت جلوتاج خود افزودند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یادداشتهای بخش چهارم

۱ آئین زردشت، مزدائی ساسانی، مانوی و مزدکی

آئین زرتشت حاصل تحول دو گانه پرستی مزدائیسم اولیه است. شرح حال زرتشت هنوز در ردیف افسانه ها قرار دارد. باوجود این میتوان آنرا ازجهت بعضی وقایع به بود اکه احتمالا معاصر او بوده است (قرن ششم پیش ازمیلاد) نزدیك دانست.

درحالیکه آئین بودا پیروان خودرا به نابودی و تسلیم محض رهبری میکند، آئین زرتشت درس خوش بینی میدهد و هیچگونه ترك علاقه و پشت پازدن بزندگی را توصیه نمیکند. پیدایش امپراطوری پیروزمند هخامنشی عامل مهم و موقع مساعدی برای پیشرفت و توسعه آئین مزبور بوده است.

زرتشت میگوید: «یك زرتشی خوب کسی است که صادگی وسلامت نفس داشته باشد و رهبر اوپندار نیك باشد. اوباید ازریاضت بپرهیزد وبابدی مبارزه نماید و فراموش نکند که سرانجام لزوما نیکی بر بدی پیروز خواهد گردید. اوباید امیدوار باشد که رئیس خانوادهٔ پرفرزندی خواهد بود وباید باکوشش فراوان بکار کشاورزی ومخصوصاً پرورش گاو که در کارهای کشاورزی کمك اواست واسب که مرکب سپاهیان است وسگ که پاسبان گله ها وخانه اوست بپردازد».

قربانی که در تمام ادیان باستانی توام با خونریزی بوده، در آئین زرتشت بکلی جنبه معنوی وروحانی یافته است او، عبادت در برابر آتش مزدا وتجسم پندار نیك را سفارش میکند. اعتدال جسمانی و روانی، آسایش، نیك اندیشی، اندیشهٔ کمك نسبت به نزدیکان اصول آئین اوست.

زرتشت ممکن است خودرا ناجی عالم و کسیکه مردم را بدرجهٔ کمال نسبی رهبری کند پنداشته است. باوجود این، مفها یعنی طبقه روحانی ماد، که کم وبیش وابسته به برهمن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

های هندی بوده اند، برحوزهٔ روحانیت ایران مستولی شده و برخلاف‌میل زرتشت بطور عجیبی‌آئین مزبوررا باافزودن احکام دقیق وشدیدی پیچیده و دست وپاگیرکردند . این عقیدهٔ هرودوت‌که میگوید : منها اصولامرید زرتشت بوده اند ، باعقیده پلین Pline سازگارنیست .

کرتیرمعروف،موبد موبدان وروحانی‌بزرگ،که‌تصویرحجاری شده اش رابرصخره ای درنقش رجب نزدیك تخت جمشید (عکس۹۷) هنور میتوان دید، مدت سی سال‌مشاور مذهبی چندتن ازپادشاهان ساسانی: شاپوراول، هرمزاول، بهرام اول وبهرام دوم بوده‌و درضمن‌تجدید سازمان‌مذهبی، کوشیدتانمایندگان ومبلغین مذاهب خارجی را ازامپراطوری برانند. مااین اطلاع را ازخود او درکتیبه مفصلی ،که درسال ۱۹۳۹ توسط گروه باستانشناسی‌انستیتوی مرکزی شیکاگوکه درتخت جمشیدکارمیکرد، درنقش رستم کشف شده بدست‌آوردیم که‌میگوید: «توسط من‌آئین‌مزدائی‌استحکام‌یافت‌ومردم‌خردمنددرکشورنیرومند شدند، کفاروکسانی‌ازمغان که‌رعایت‌احکام‌مقرره‌را نمیکردندازجانب‌من کیفر یافتند. آنهاخودرا اصلاح کردند ودوباره‌پذیرفته شدند. بدستورمن‌آتشکده‌های‌بسیاری ساخته شد ومغان‌برآنها گمارده شدند. همه‌اینها بتائیدخدا وفرمان‌شاه وبدست من‌انجام‌گرفت. آنهائیکه ازاهریمن پیروی میکردند توسط من ازآنها برگشتند وخدایان را شناختند ... مذهب از هرجهت وسعت و کارهای خدائی افزایش یافت...» کرتیرمیافزایدکه‌آتشکده ها درهرجائیکه سپاهیان‌شاهنشاه گذرکردند برپاشدند.

درمدت سلطنت ساسانیان‌عبادت‌آتش برعناصردیگربرتری داشته ومقدس تربوده‌است خاك واجب الاحترام وبایدآنرا ازهرگونه‌آلایش مخصوصا ازتماس بااجساد مردگان ،که بایدبه پرندگان شکاری سپرده شوند ، برکناربماند. آبها سود مندند. آبها در مذهب نقش بسیارمهمی دارندکه بقدرکفایت بآن توجه نشده و درساعاتی ازروز ومواردی از زندگی شایسته عبادتند. شاهنشاه وتمام اعضاء خانواده سلطنت، شاهزادگان وعده زیادی ازعمال دولتی موظفند پیش‌کشی های فراوان اهداکنند.

اجرای چنین‌احکامی لزوم‌سازمان وسیع ونیرومندی را ایجاب میکرده که‌کارمندانش رامغانی تشکیل میداده اندکه‌اغلب‌ازاصیل ترین وشریف ترین خانواده ها بودندکه وظایف مربوطه را درمدارس علوم دینی‌که مهمترینشان درنزدیکی ری نزدیك تهران و اقع بوده فرا میگرفته اند .

برای‌تاسیسات مذهبی‌واداره‌کردن‌آن، قوانین ومقرراتی‌لازم بود ودفاترومحاسباتی ضرورت داشت ودرنتیجه تشکیلات اداری پیچیده ای بوجودآمدکه نمیتوانست مستغنی از مکاتبه باشد . مدتها خیال میکردند خواهند توانست‌به مذاکرات ونقل احادیث وروایات

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شفاهی اکتفا کرده امور مذهبی را بگذرانند، ولی این کارعملی نبود ولازم بود متون مقدسه وسرودهای مذهبی وادعیه وقوانین شرعی را جمع‌آوری وبررسی نموده اساس کارخود را بر آنها قراردهند . امااین مدارك همه ازحیث قدمت یکسان نبود و همه اصل و ریشه ایرانی نداشتند. قدیمی ترین آنها بزبانی نوشته شده بودند که ازمدتها متروك شده بود و میبایست بزبان پهلوی یافارسی وسطی برگردانده شوند، بنابراین فرهنگی بوجودآمدکه افسانه های قدیم خدایان وهمچنین افکارنوی را بهمراه‌آورد .

دوگانه پرستی مندرج درهٔ گاتها، ی زرتشت[1] ، بصورت آئین سخت و شدیدی درآمد که تمام موجودات جهان را بدودستهٔ نیك وبدتقسیم نمود. دشمنی قدیمی، که اهورا مزدا و اهریمن رادربرابر یکدیگرقرارداده بود راه حلی پیداکرد. اهریمن که از زیبائی جهان هورمزد براورشگ میبرد موجوداتی آفرید تاباآن بجنگند. هورمزد ازآنجائیکه عالم سر و الخفیات است ومیدانست که پیروزی نهائی ازآن او خواهد بوداین مبارزه را پذیرفت و دوطرف روبریهم ایستادند. اهریمن برای مدتی که عمرماهم جزء آن است پیروزگردید. امااین مبارزه بآنجا پایان خواهد پذیرفت که پاکی وصفائی که هورمزد وهمه داده جهان‌را فراگیرد. این خود تصورروزرستاخیزوعقیده‌ایست که مذهب کاتولیك ازآئین زرتشت اقتباس کرده است. پس ازپیروزی هورمزد یوان خودشان یکدیگر را نابود خواهند کرد واهریمن برای همیشه ناتوان خواهدگردید. ارواح پرهیزکاران کالبد خود راکه ازروزمرگ در انتظارش بوده اند بازخواهند یافت . امابیدینان ازهم اکنون دردوزخ بسرمیبرند اما این کیفربرای آنها ابدی نیست. آئین مزدائی ساسانی درانتظارسلامت وصلح جهانی و « سعادت ازلی که عبارت اززیستن درنورخداست» می‌باشد.

چگونه عالم بچنین هدفی خواهدرسید؟ حصول این مقصود فقط باحکومت پادشاهانیست که درداستان قدیم خدایان بآنها اشاره شده که از نسل خدایان هستند وباید نسبت بآنها اطاعتی تقریباً مذهبی داشت.

باوجود این ، مذهب محدود بمعابد ودربارپادشاه نمیشود ودوش بدوش آتش مقدس موبدان وپادشاهان، آتش مقدس کشاورزان جادارد وعلاوه برروحانیون بزرگ گروه انبوهی ازمغان هستند که اعمال. مذهبی ناچیزترین رعایای شاهنشاهان رازیرنظردارند. مغها نه تنها باید هنگام ادای نمازهای پیش ازغذا حضورداشته باشند، بلکه دربسیاری از موارد دیگر زندگی اجتماع مانند تشییع جنازه وغیره نیزباید مداخله داشته باشند.

* * *

۱ــ گاتها، مجموعه ای ازسرودهای مذهبی زرتشتی هستند که ظاهراً درآغازقرن ششم پیش از میلاد تدوین شده وبعداً دراوستا گنجانده شده اند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

موضوع قراردادن اجساد مردگان در هوای آزاد، هرگز از تعالیم زرتشت نبوده بلکه روش مخصوص مغان بوده وهنگامی این عمل جای گزین روش قدیمی دفن کردن درقبرستان گردید که در آغاز تاریخ مسیحی واکنش ضد زرتشتی توسط مجمع روحانی ایرانی که اساساً زرتشتی وعملا زیر نفوذ مغها بود مورد تفسیر قرار گرفت. اززمان هخامنشی قبرهای حقیقی پادشاهان وقبور خصوصی دیگر شناخته شده. مخازن استخوان که نشانهٔ قطعی درمعرض قرار دادن اجساد است پیش ازدورهٔ اشکانی دیده نشده بود وفراوان شدنشان دردورهٔ ساسانی بوده است.

دین یا بیدینی مانوی ازلحاظ اعتقاد به دوگانه پرستی، با آئین مزدا، که یکپارچگی اجباری مذاهب ایرانی است بستگی دارد. مانی درقرن سوم مسیحی میزیسته است. کرتیر رئیس مغان درسال ۲۷۷ میلادی اجازه دستگیری ومحاکمه واعدام اورا ازبهرام اول گرفت. پیش از آن ومخصوصاً در سلطنت شاپور اول، مانی ظاهراً از مساعدت و حمایت پادشاهان ساسانی برخوردار بوده است. مانی تعالیم و احکام آئین خود را بامید پی گرفتن آن نوشت ومنتشر کرد.

باوجود این پیروان مذاهب گوناگونی که برقلوب انسانی فرمانروائی دارند، چه در باختر وچه در خاور، چه مسیحی و چه مسلمان وحتی پیروان مذاهبی که بین ملل چینی نژاد رواج دارد همه کوشیدند اثر افکار مانوی را ازاذهان خود پاک کنند. مدت بیش ازده سال سنت اگوستن St. Augustin درسلك پیروان مانی درآمد و توانست اطلاعات زیادی راجع بآئین مزبور کسب نماید. ازجمله اینکه آئین مانی می پنداردعلم کاملی باحوال طبیعت ومظاهر ایزدی دارد.

آئین مانوی هرلحظه درمعرض نفوذ نیروی فساد بوده وچنین میپنداشته که برجهان مسلط میشود. درصورتیکه مذاهب حقه، معتدلانه وبدون سروصدا راه خود راپیموده برقلوب تجلی میکردند وتابش ملایم وآرام آن اغلب با نیروهای پرخاشگر اهریمنی که هرلحظه خود نمائی میکرد درزد وخورد بوده است.

آئین مانی درمیان مردم سلسله مراتبی بوجود آورده بود که انجام تکالیف آن هر قدردرجات آن بالاتر بود مشکل تر میگردید. منتخبین، یا «کامل» ها موظف بترك دنیا ووارستگی وخود داری ازهرگونه فعالیت بودند: نه مالك چیزی باشند ونه بکارتولیدی بپردازند، نه بکارند ونه کشتار کنند. بنابراین نه بجنگند ونه ازخود دفاع کنند. گروندگان وشنوندگان الزام واجبار کمتری داشته ولی موظف باعتقاد به اصل دوگانه پرستی بوده و میبایست در زهد وریاضت، راه رسیدن بسرحد کمال را بپیمایند.

مرکز روحانیت مذهب مانی ابتدا دربابل وبعداً درسمرقند بوده است. درایران خاوری

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ونزد ترکان غوری آئین مزبور مدت زیادی دوام داشته است.

آئین مانی به‌سبب پرهیز و وارستگی کاملی که بآن امر میکرده ، چه از نظر مقامات سیاسی وچه مذهبی زیان بخش تشخیص داده شده بود، مزدك در عین حفظ اساس مذاهب دو گانه پرستی ایرانی اصولی را بر آن افزوده که کاملا بر خلاف آئین زرتشت بوده است.

آئین مزدك معتقد به پیروزی نیکی بر بدی بوده اما حصول این آرزو را منوط به فداکاری دسته جمعی بشر و درایجاد نظام اجتماعی وطرد هر گونه جنگ میدانسته . درواقع سازمانی بوده نظیر کمونیسم . ترك دنیا و سلب علاقه از ماده، هدف غائی مزدکیسم بوده است.

مزدك درسال ۵۲۹ میلادی، درزمان سلطنت قباد اول (عکس۱۱۶) نابود گردید .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۲ درباب ریشهٔ معماری گوتیك

من خواهم کوشید تادرصفحات آینده ثابت کنم که تکنیك معماری گوتیك فرجام عـادی یك رشته تجسسات وتجربیات وآزمایش هائیست که حتی الامکان بطورخلاصه ذکرمیکنم . ابتدا بسراغ «شوازی» [۱] رفته وازنزدیك تحقیقات اورا بررسی میکنم : «درطی تهاجماتیکه باتقراض امپراطوری روم منتهی شدند، صومعه هاتنها پناهگاه تمدن بوده وکلیساهای بزرگ رومی درپناه وبرای احتیاجات صومعه هاساخته شدند. این کلیساها درگیرودار جنگهائی ساخته شدندکه هرصفحه داستان آن از آتش‌زدن بازیلیك های کهن حکایت میکند . بنابراین درتجدید بنای آنها میکوشیده اند تاازآسیب برکنارمانند [۲۶۷] » صومعه هاهم پناهگاه ومحل تحصیل وهم مرکز کشاورزی و محل اجتماع وتوقفگاه عده زیادی اززائرین معابد بزرگ ودرواقع مانند شهر بزرگی بوده اند . کلیساهای آنها، کـه دردرجه‌اول بگروه فعال صومعه تعلق داشت وباخرپا پوشیده شده بودند ، تبدیل بساختمانهای عظیمی شدند مرکب ازسه وحتی پنج صحن ورواق ومحراب وسیعی که حیاطی آنرا احاطه کرده وطبقه ای برای منبروگاهی دارای رواقی [۲۶۷] بود. این تأسیسات تازه مستلزم یك رشته آزمایش هائی بوده که مسئله پوشاندن سقف کلیسا رابطریقی حل کندکه روشنائی لازم رانیز برای آن تامین نماید [۲۶۸] .

طاق زدن وروشنائی دادن به رواقهای جنبی یك صومعه[۲] تا اندازه ای کارساده ای بود.

* * *

۱ ـ تصریح ایـن مطلب خـالی ازفـایدهٔ نیست که « تـاریخ معماری» اگـوست شوازی Auguste Choisy که درآغازقرن بیستم منتشرشد همواره کتابی اساسی ومعتبراست واخیراً نیز تجدیدچاپ شده است .

۲ ـ درآن زمان فقط یك نوع کلیسا وجود داشت. امامورد بحث مادراینجا صومعه ای ازامپراطوری روم شرقی است که بمنظور جادادن گروه انبوهی کشیش وکارگروزائرتوسعه داده شده و بصورت کلیسای بزرگ رومانو ـ سپس کلیسای بزرگ گوتیك درآمد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بنابراین ازآن شروع کردند. صومعه سن رمی St. Rémie در Reims ، یکی ازقدیمی ترین نمونه های قرن دهم رادردسترس ماميگذارد [۲۷۰]، که تنها رواق‌جنبی تحتانی آن باطاق پوشیده شده است[۱]. ولی سقف طبقه بالاورواق باخرپاست . طاقها ازنوع طاقهای استوانه ای عرضی هستندکه درفرانسه ومخصوصاً در«بورگونی» رواج داشت وطولی‌نکشید که طاقهای متقاطع جانشین‌آن شدند . باین طاقها در دورهٔ پادشاهان سلسله کارولنژین Carolingienne رغبت فراوانی شده است . طـاق زدن روی طبقه فوقانی رواقهـای جنبی‌کاری‌خطرناك‌مینمود .کلیسای‌ژومی‌یژ Jumièges (اواسط‌قرن‌یازدهم) یکی ازابنیه کمیابی است‌که این کارخطرناك در آن انجام‌گرفته است [۲۷۱] با وجود این در بوشرویل Bocherville[۲۷۲] و دربعضی دیگرازکلیساهای «نورماندی» فکرکردندبجای خرپابردوتا ازرواقهای بزرك طاق بزنند. گمان‌میرودکه‌این‌طاقهابرای‌این ساخته شده‌اندتا در موقع بروزآتش سوزی نقش دیافراگم رابازی‌کنند. اما بنظرمن، چون میخواسته‌اند کلیسای خودراتماماً باطاق بپوشانند وجرئت‌اینکاررانداشته‌انـد سازندگان آن ازترکیب مختلط وواسطه‌استفاده‌کرده‌اندکـه درقرن یازدهم‌دررم وفلورانس و مدنModena معمول بوده‌وپیش ازآنهم درقرن ششم‌درسوریه‌متداول‌بوده و نمونه آن‌کلیسای Roueiha [۲۷۳] است، اما این تدبیردنباله پیدا نکرد زیرامیبایست‌کاررابجائی میرساندکه نه‌تنهارواقهای جنبی، بلکه‌رواق مرکزی راهم طاق‌بزنند. دراین هنگام‌بودکه تردیدرأی زیادشدتصمیمات متهورانه‌یااحتیاط‌کارانه برمبانی فرانسوی یا اقتباس ازمعماری‌خارجی یکی‌پس‌از دیگری بمعرض‌آزمایش گذارده شده یابا هم‌مخلوط‌گردیده‌وسپس متروك شدند. درسالهای اول‌قرن یازدهم‌برای‌این‌مسئله‌درتورنوTournus و پوی Puy ودرنواحی‌که مراکز تجارت باشرق بودند، راه حل‌هائی‌پدیدآمد [۲۷٤] .

درتمام ناحیه واقع‌بین نـاربن Narbonne ولاروشل La Rochelle شروع برواج دادن گنبدهای‌بیزانسی بـرروی طاقهای‌کناری‌کردنـد وقدیمی‌ترین اثـرایـن سبك معمـاری در «سنت‌آستیه» St Astier موجوداست (۱۰۱۰) اما ابنیه کامـل‌مؤخربرآنند، کلیسای بزرك‌کاهور Cahors کـه درسال ۱۱۱۹ وقف‌گردید [۲۷۵] وکلیساهای‌سویاك‌وسولینیاك Sauillac [۲۷٦]و Solignac [۲۷۷]و Fontevrault وSt.Front de Périgueux که ساختمانش‌ومحتماً بعدازآتش سوزی سال ۱۱۲۰[۲۷۸]و«عیناکلیسای سن‌مارك ونیزاست که باسنك ساخته‌شده است[۲۷۹]»،چون گنبدآن برروی دهانه وسیع‌وکم فشاری ساخته شد. «ازاین دوامتیازبرای حذف‌کردن رواقهای جنبی استفاده وسه رواق رابه یکی تقلیل دهند

***

۱ ـ رواقهای‌جنبی‌دوطبقه، درقرون‌دهم‌ویازدهم، خیلی مورد علاقه بوده اند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

روشنائیش را بـا بازکردن پنجره‌ها دردیوار تـامین کردند.» معهذا گنبدهای روی طاقهای کناری فرانسوی بـا گنبدهای بیزانسی این تفاوت رادارندکـه گنبدهای شرقی بـا آجرو گنبدهای فرانسه باسنك ساخته شده‌اند .

نمونه‌ای از کلیسای یونانی درناحیه آرل Arles ساخته شد. کلیسای الی‌کام Aliscamps ومال‌قبرستان مون‌مـاژور Montmajour تقلیدکاملی‌ازآنند منتهی باسنك ساخته شده‌اند. در جای دیـگر مانند نتردام د پوی Notredame du Puy[۲۱۰]و درپواتیه درکلیسای St. Hilaire[۲۸۱] گنبدهای برروی طاقهای زاویه‌ای ساخته‌اندکه بدون شك اثر معماری شرقی درآن مشهوداست . اما تقلید ازابنیه شرقی درفرانسه بدون ایجـاد مشکلات جدی نبوده است وساختن آنها، که باآجردرکمال سادگی است، وقتی مصالح مصروفه سنگ باشد سخت ودشوار میشود. وآنوقت بامشکل‌سنك‌چینی‌وایجادانحنارو برومیشوندکه‌تقریباًلاینحل است وثابت میشودکه‌راه‌کاراقتباس شده ازمعماری‌آجری‌شرقی، درساختمان رمان عملی‌نیست وتوفیق چندانی بدست نمیآورد . وساختن گنبد روی طاقهای کوشه‌ای‌هم پیش از پایان قرن سیزدهم ازمیان رفت .

ازکارهای « متهورانه واستادانه »که شوازی ازآن بحث میکند، باید در مورد طرز ساختمان کلیسای تورنو Tournus گفتگو کنم . بنابرگفتهٔ دیولا فوا Dieulafoy طاق رواق سن‌فیلیبردتورنو St.Phillibert de Tournus مستقیماًازیك‌ساختمان‌ایرانی، ایوان کرخه[۱] اقتباس شده وآن « نمونه اصلی طاقهای گوتیك » است . روشن شدن این مسئله خیلی‌آسان است زیرا تاریخ طاقهای استوانه ای عرضی «تورنو»قرن‌یازدهم‌وحداکثرآغازقرن دوازدهم است، اگربتوان بگفته ماسون H Masson اعتمادکرد: «درسال۱۱۲۰مراسم یك وقف تازه ای درسن فیلیبربعمل‌آمدکه احتمالاهم مربوط‌به رواق تازه سازآن و هم باحداث دو برج ومحراب‌آن بوده است [۲۸۲]». درآن زمان درفرانسه وایتالیا وانگلستان ازپنجره های اژیواستفاده میشده‌است. باوجود این‌کلیسای تورنوبعقیده دیولافوا بانام ایران‌بستگی پیداکرده و من در بارهٔ اینکه آیاحقیقتاً کلیسای‌نامبرده شباهتی باممـاری عصرساسانی دارد یانه باز هـم گفتگوخـواهم‌کرد و بحث در این موضوع برای این‌کتاب بی فـائده نخواهد بود .

رواق اصلی‌کلیسای من فیلیبرازیك عده طاقهای استوانه ای عرضی پوشیده شده‌که برروی قوس های‌عرضی بناشده اند (شکل۱۹۲ الف وب) . روشنائی مستقیما بوسیله‌پنجره

* * *

۱ــ درایوان‌کرخه،(طاق ایوان‌بنابردیولافوا) هم اکنون خرابه های یك‌تاخ اززمان شاپور دوم بجا مانده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هائیکه دردیوارهای جانبی ودرارتفاع طاقها باز شده اند داخل میشود [۲۸۳] چون این وضع تقریبا نظیرِرواق ایوان کرخه [۱] است وبنظر دیولافوا، کـه هرچیز، اززردالو گرفته تا دانش ومعماری گوتیك راازایران میداند، دراین‌موردهم تردید بخود راه نمیدهد که کلیسای سن فیلیبرهم‌یك بنای‌سبك‌ایرانی‌است. نامبرده یك فصل ازکتاب « تاریخ آثار باستانی‌ایران» خودرا زیرعنوان«مبداء ایرانی‌معماری فرانسه‌درقرون وسطی» بمناسبت وبرپایهٔ این‌شباهت نوشته است [۲۸۶].

نامبرده‌بی‌باکانه نوشته است: « سقف فتیله ای « طاق ایوان » همانا‌سرمشق طاقهای گوتیك [۲۸۵] (شکل۱۹۳) وسن‌فیلیبراقتباسی‌ازمعماری عصرساسانی درکلیسای رمان‌است [۲۸۶]وازاین‌بهتر: «احتمال میرود که‌درردیف شهدای‌لئون‌لیزورین Léon l' Isaurien چند تن ازمعماران ایرانی مسیحی بوده باشند وکشیشی‌که وارث اسرارآنها بوده‌کلیسای «تورنو» را ساخته باشد [۲۸۷]» واین همانا باستانشناسی افسانه ایست.

شوازی‌کـه ازاطمینان اوباین معنی‌تحت تاثیرقرارگرفته. وباین‌خیال کـه دیولافوا این برتری را نسبت بـاوداشته کـه‌آنچه را نوشته شخصاًدیده است، ازنظراوپیروی کرده‌و صراحتاً میگوید:

بطورخلاصه«تورنو»Tournu مطابقت ازنقشه «رمان»است بافکرایرانی طاق ایوان، یابهتربا‌تقلید سوریه‌ای ازسبك ساسانی[۲۸۸].» بعدازاوواغلب‌به‌پیروی ازنظراوهرجاتکرار شدکه‌کلیسای تورنو، یك ساختمان‌خالص ساسانی‌است، واکنون‌این‌نظرظاهرادرردیف‌بدیهیات درآمده است. باوجوداین سن‌فیلیبرهیچ مناسبتی باایران ندارد. طاقهای استوانه‌ای‌عرضی آن تعجب‌آورنیست مگراز این جهت‌که در یك‌کلیسا غیرعادی میباشند واین فقط‌نتیجه یك تغییروضع دیررس وجزئی رانشان میدهد(شکل۱۹٤) .

مابخوبی طاقهای‌استوانه‌ای وقوسهائیراکه طاقهای مزبوربرآنهاحمل شده‌اند چنانکه هستندیااساسشان رامیشناسیم‌که چندقرن پیش‌ازساختمان ایوان‌کرخه وتاریخ بنای‌آن‌بدون شك زمان‌سلطنت شاپوردوم ساسانی (۳۱۰-۳۷۹)است که‌طاقهای مزبورمورداستفاده بوده‌اند وهم اکنون درساختمانـهای زیرزمینی حرم‌دراورشلیم بـاقی‌است [۲۸۹].» Melchior de Vogué تکنیك این‌نوع طاقهاراکه درقرن دوم‌وسوم‌درمعماری مذهبی‌وخصوصی هوران Hawran متداول بوده مفصلابررسی کرده است. طبق نظرنامبرده « ازخصوصیات معماری هوران‌اینکه‌سنك‌تنهاعامل‌ساختمانست». درآنجاچوب‌یافت‌نمیشودوتنهاسنك‌قابل‌استفاده، مرمر

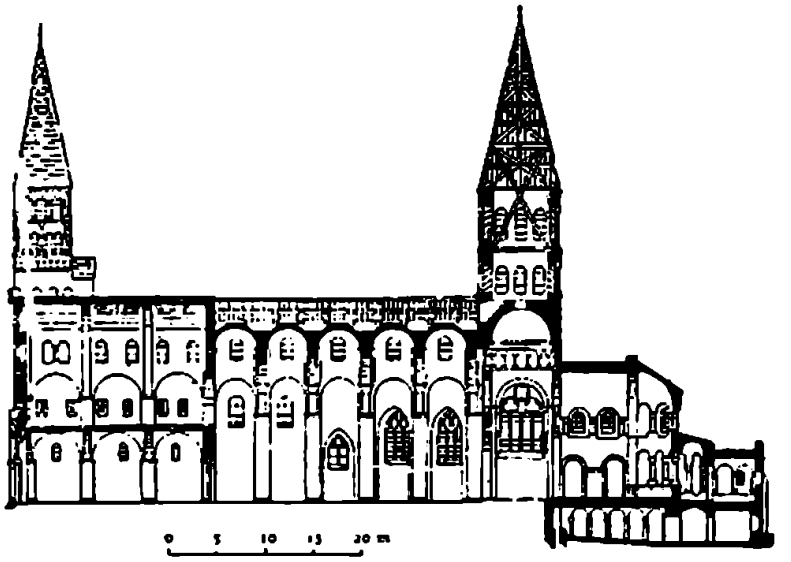
* * *

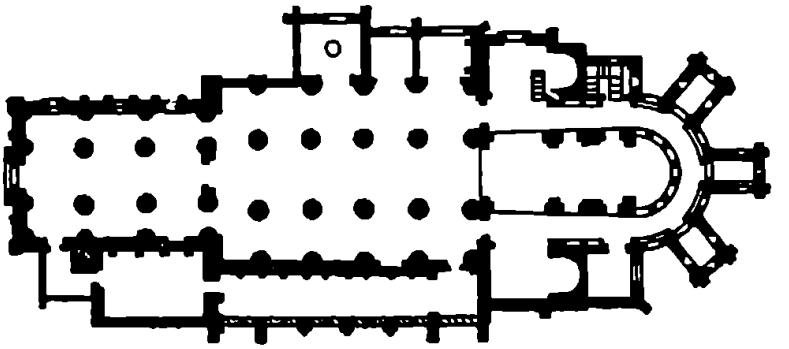
۱- این‌که‌گفته شد تقریباً برای اینست که پنجره های ایوان کرخه‌نه درارتفاع طاقها بلکه‌در زیرمحل شروع‌آنها بازشده اند .

tarikhema.org

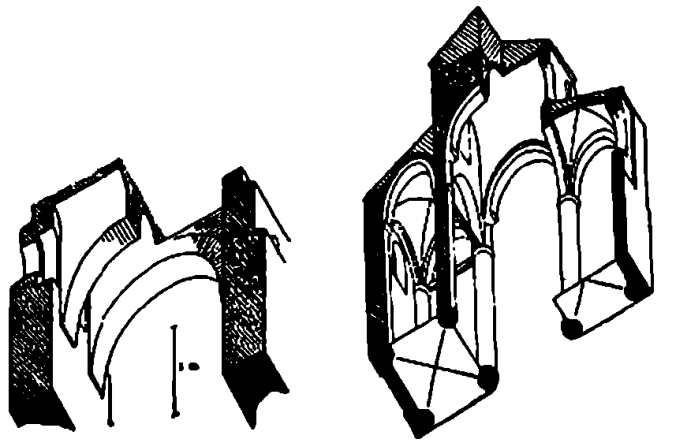
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





tarikhema.org



الف ١٩٢
ب ١٩٢
١٩٣،١٩٤

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سیاه است که خیلی سخت و بسختی قابل تراش میباشد. معماران که ناگزیر باید از این یگانه ماده استفاده نمایند توانسته اند بطریق عجیبی از آن بهره برداری کرده واحتیاجات مترقی خودرا از آن تامین نمایند و با ترتیب و ترکیبات ماهرانه‌ای معابدوساختمانهای عمومی وخصوصی بسازند که تمام آن ازقبیل دیوارها، درب‌هاوپنجرها وحتی گنبدها هم ازسنك بوده اند. این ضرورت کاملا مادی با بکارانداختن تمام هوش ودانش، اصول جدیدی را بآنها آموخت باین ترتیب قوس یاتنهاوسیله‌ایکه میتواند باسنگ، دوپایه یاستون را بیکدیگر وصل نماید عامل اصلی ساختمانی گردید. ردیف‌هائی ازقوس‌های موازی که سقف‌ها باید برروی آنها قرار گیرند برای پوشاندن بیشتر تالارها بکارمیرفتند. وقتی فضائیکه باید پوشانده شود نسبت بطول سقف متعارفی وسیع تر بود، متوسل به گنبدمیشدند[۲۹۰]. امااین تکنیك درساختمانهای خصوصی[۲۹۱] ومذهبی [۲۹۲] ومقابر «جبل ریها» وهمچنین دره جبل سمعان» [۲۹۳] هم رواج یافت رویتر میگوید: «سقفهای مسطح که برتیرهای افقی متکی بودند از خصوصیات معماری رومی ومسیحی هوران است و همانطور که امروزه در ماوراء اردن، منتها باتیرهای کوتاه چوبی و سقفهای گلی معمولست، مجرای آبی در Nabataean Petra [۲۹٤] بکاررفته است و در حلب Aleppo نیزدربرخی ازبناهای قرن هیجده مشاهده میشود [۲۹۵]».

بنابراین ازآغازدوره رومی، معماران سوری «موفق شدند طاق سازی یك ساختمان کامل رابا کمك فقط یك قوس چوب بستی انجام دهند وبرروی آن قوس های کوچك وموازی بسازند. سپس روی قوس هاتمپان Tympans وروی تمپان هارا بوسیله سنگ فرش بپوشانند. این روش درتمام دورهٔ امپراطوری شرقی دوام داشت وتنها تغییری که در آن داده شد این بود که کفی برروی تیر، جانشین سنگ فرش قدیم گردید وهم اکنون نیز در دمشق وبیروت و اورشلیم معمول است[۲۹٦]. دردورهٔ پارت هااین روش ساختمان ازسوریه که مبداء آنست به بین النهرین رسید وماآنرا درهترا بشکل ردیف هائی ازقوس های سنگی مشاهده میکنیم که حامل تیرهای سنگی هستند [۲۹۷]. ودرآسورقوس های آجری مانند ایوان کرخه حامل طاقهای استوانه ای آجری هستند [۲۹۸]. دربین النهرین نیزهمین طور، در عصرساسانی تالارهای طویل کاخ تیسفون بهمین نحو پوشانده شده اند. «...وقوس‌ها ازدیواری بدیوارمقابل کشیده میشوند» یك رشته اطاقهای دو طرف ایوان بزرگ بایستی طاقهای استوانه ای نظیر طاقهای ایوان کرخه داشته باشند.

درآغازدوره اسلامی درKharané Ukhadir دربین النهرین وسپس درمسجد کهنه شیراز[۱] وبعدها درKhan Orthma دربغداد [۲] وسپس در ایران تازمان حاضر همین نوع

* * *

۱- بدستور عمرولیث صفاری درطی نیمه دوم قرن سوم هجری (قرن نهم میلادی) ساخته شده.
۲- درسال ۷۵۵ هجری (۱۳۵٦ میلادی) ساخته شده.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قوس های عرضی حامل طاقهای آجری یا تیرهای سقف دیده میشوند درتمام این مواردجنبه تقلیدی محسوس است.

بنابراین صحیح نیست کـه مانند شوازی گفته شود که «سن‌فیلیبر تورنو» بتقلید ایوان کرخه ساخته شده با «تقلید سوری ازسبک ساسانی است» حتی هیچ دلیلی دردست نیست که احتمال داده شود که تورنوهر گزرابطه ومناسبتی باسوریه داشته است . طاقهای استوانه‌ای عرضی که بطورردیف مورد استفاده بوده باشند درقرون وسطی در معمـاری فرانسه معمول ومتداول بوده واگر غیرازاین میبود غیرعادی مینمود. زیرا طاقهای مزبورمزایای بزرگی دارندکه فشاریکدیگررا خنثی کرده وفشارجنبی هم ایجادنمیکنند. مانظیرآنها رادرکلیـای سن رمی St. Rémi de Reims ازقرن دهم دیده ایم. ودرخود تورنوهم در دهلیزیکه قسمت ساخته شده ازاولین کلیسای سن فیلیبردرقرن دهم را میپوشاند دیده میشود. ماسون H Masson بعده زیادی ازاین نوع کلیساها در «پروانس» اشاره میکند .
مشخص ترینشان کلیساهای کاوایون Cavaillon و کاتدرال « ارانژ » Orange [۳۰۲] هستند. درفارژنزدیك تورنوو همچنن در Uchisy و Malay دربورگونی Bourgogne نیزطاقهای استوانه ای عرضی برروی رواقهای جنبی که پشت بند طاق تالارمرکزی بزرگ میشوند مشاهد میشود[۳۰۳]. بروتای Brutailsاشاره به پل های قرون وسطی ومخصوصاً پواتو Poitau میکندکه هر یك ازقوسهایشان مرکب‌ازچندین قوس متوازی بوده که‌بوسیله تخته سنگ هائی بیکدیگرمتصل شده وجاده روی‌آنها ساخته شده است [۳۰٤].

پس درپایان قرن دهم احتیاجی باین نبوده است که تکنیکی راکـه درفرانسه بطور عادی متداول بوده ازخارج بگیرند. اگرروش طاقهای‌استوانه ای عرضی درسن‌فیلیبر تورنو بکاررفته، نه تقلید ازایران ساسانی‌بوده‌نه‌ازسوریه که هم بآن‌نزدیك تراست وهم شناخته‌تر، بلکه بطوریکه خواهیم دید برای‌این‌بود که روش‌مزبورباموقعیت‌آنجا سازگارتربوده‌است. ماسون‌H.Masson سرمهندس «پل‌وراه » درکتاب گرانبهائی که راجع به ساختمان نوشته چنین میگوید: «میشودگفت این سیستم طاق زنی که چندان مورد استفاده نبوده و ازلحاظ پرسپکتیورواق هم جالب نیست برای‌تقلید ازطاقهای استوانه ای عرضی که رواقهای ورودی را میپوشانند در تورنوبکاررفته ، و میتوان همانطورکه شوازی درکتاب «تاریخ معماری » اش میگوید تصورکردکه طاقهای رواق بزرگ تورنو خاطره ای از کاخ طاق ایوان ایران را زنده می کند لمااین عبارت هم قانع کننده نیست : همه مردم تقریبا اتفاق نظردارندکه طاقهای استوانه ای متعلق بآخرقرن دهم است ودرآن زمان برای پوشاندن رواقهائیکه‌باید مستقیماً روشنائی بداخل بدهند، در چندین کلیسا از طرق مناسب تری اقدام کرده اند . بنابراین برای انتخاب‌این روش‌بایدعلت جدی تری وجود داشته باشد. زیرا پذیرفتنی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

است که هنگام تصمیم بساختمان رواق مزبور بدون علت خاصی و بدون مقدمه این روش انتخاب شده باشد .

«اگر ثبات واستحکام این طاقهارا دقیقا محاسبه و تجزیه کنیم معلوم میشود که اگر میخواستندروشنائی مستقیمی بوسیله باز کردن پنجره دردیوارهای ناودان دار[1] Goutterots ایجاد کنند، غیرممکن بود که رواق راباطاق استوانه ای اگرچه منکسر باشد بپوشانند و باطاقهای خوانچه ایهم که پیش ازآن راه حل عاقلانه تری مینمود اینکارعملی نبود. فقط طاقهای سبك متقاطع ازطاقهای بیضی «اژیو» امکان حل مشکل را میدادکه آنهاهم درآن زمان هنوزابداع نشده بودند. اشکال این مسئله اساساً بعلت طاقهای خوانچه ای رواقهای جانبی است که استثنائاً ازارتفاع زیادی شروع میشوند واگر بخواهند دردیوارها ناودانی پنجره باز کنند ناچاربایدطاق بزرگ راهم از خیلی بالاشروع کنند. واگردرست حساب کنند این نتیجه بدست میآیدکه ستونهائیکه قوس هابرآنها تکیه دارند نخواهندتوانست دربرابرفشار وارده استقامت کنند . برعکس درراه حلی که اختیارکردندفشارجانبی وارده برستونها خیلی کم شد زیرا فشارحاصله از قوسهای [2] Tympans خیلی کم است و ازطرفی طاقهای عرضی ایجاد فشارافقی نمیکنند ودرنتیجه ستونها را بطرف سقوط نمیرانند .

«نتیجه این میشودکه اگرمعمارطاقهای عرضی بکار برده عملا چاره ای نداشته مگر اینکه تغییرعمیقی در اساس ساختمان کلیسا بدهد[۳۰۵]».

دلیل این کارها، فرض تبدیل یك خرپای چوبی قدیمی به طاق مطرود است. زیرا ماسون حساب کرده است که برای خنثی کردن فشار ساصله از طاقهای خوانچه ای جانبی «باید برای دیوار های ناودانی ارتفاعی تقریبا معادل پنجاه پا پیش بینی کرد و این فرض غیرقابل قبول است [۳۰۶] ». باید باین نکته توجه داشته باشیم که ابتدا رواق باطاق قبلی کوتاه تری پوشیده شده وروشنائی مستقیم هم نداشته [۳۰۷] و برای رفع این نقص روی دستکهای طاق قدیمی یادستکهای تقویتی تمپان ها ، Tympans وروی آنها طاقهای استوانه ای عرضی را بناکردند چون طاقهای مزبورفشاری افقی وارد نمیآوردند، وفشار قوسهائیهم که تمپان هارا تحمل میکردند بنابر گفته ماسون اندك بودند ، دیوارهای کلیسا احتیاج به تقویت یاتغییر نداشتند .

رواق اصلی تورنو باین طریق کاملا ومستقیماً باکمترین هزینه روشن شد بدون اینکه

* * *

۱ـ دریك ساختمان گوتیك دیوارهای Goutterots دیوارهائی هستند که بالای آنها ناودان هاقرار دارند واغلب پنجره هارادرآن بازمیکنند.

۲ـ قوس های تمپان Tympans عموماً دربالای دریا پنجره فضای مثلثی را احاطه میکنندکه نقش تزئینی دارد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درمدت ساختمان تمپانها وطاقها تعطیل مراسم مذهبی ضرورت پیدا کنند. وباید پرسید چرا ازتکنیکی بااین مزایا چنانکه باید استقبال نشدو دنباله پیدا نکرد. زیرا فقط دوکلیسای دیگـرهست کـه رواق آنهـا باین ترتیب طـاق زده شده اند یکی در مون سن و نسـان Mont Saint Vincent و دیگـری درپالونیو Palogneux ، ظاهراً تکنیك مزبور میتوانست ازمدتها پیش ازپیدایش « اژیو» مسئله روشنائی مستقیم رواقهـای کلیسا را حـل کند . بعلاوه ازنظرساختمانیهم برتکنیکی که معماری گوتیك را بوجـودآورد امتیازدارد . جرزهای بسیارقطور آن موجب و یرانی ساختمان میشوند ، پشت بندهائیکـه اینهمه مورد انتقاد واقع شده اند ضرورت نداشته اند. امادراین اثنا «برای پوشاندن رواقهاباروشنائی مستقیم راه های مناسب تری بازشد » مقایسهٔ طـاق کلیسای تورنو [۳۰۸] باطاق مـادلن Madelaine در وزلی Vézelay که دست‌کم از نیم قرن پس از آنست [۳۰۹] تفاوت کاررانشان‌میدهد. درروش جدید چنانکه بیشترپیش میآید، نظرتزینی بیش ازساختمانی مورد توجه‌قرارگرفته است .

من بهیچوجه مطمئن نیستم کـه برش طولی ایوان کرخـه همان باشدکه «دیولافوا» ترسیم کرده است [۳۱۰] وهیچ‌دلیلی دردست نیست که پوشش ساختمان مزبورطاق بوده‌است یامسطح،یعنی‌بین قوسهای‌عرضی سابقاً طاقهائی‌بوده‌یاسنگ فرش برروی‌تیرهای، چوبی[۳۱۱] میآمده، خود نامبرده‌هم‌این موضوع راتصریح نمیکند. زیرا اوطاقهای مورد بحث را خود ندیده است وفقط‌میگوید: «طاقها خراب‌شده انداما شباهت میان طاق ایوان وبعضی ازابنیه ایرانی قرون وسطی بقدری زیاد است‌که بااطمینان میتوان‌آنرا بصورت اول درآورد ... اینها طاقکهائی بوده اندنظیرمال خان عرثمه» دربغدادکه بعقیده من روی قوسهای طاق ایوان قرار داشته اند [۳۱۲]». باوجود این همانقدرکه طاق زدن بین فواصل نسبتاً وسیع خان عرثمه [۳۱۳] بنظرمنطقی‌میآید همانقدرمشکوك بنظرمیایدکه‌قوس های ایوان کرخه طاقهائی بشعاع ۸۰سانتیمترداشته باشند. بجـای‌آنهاباید معتقد بود تیرهای چوبی وبرروی آنها مهتابی بوده است زیرا این متداولترین طریقه پوششی است‌کـه درآن زمان در این گوشهٔ دنیا مورد استفاده بوده است. بنظرمن ترسیم « رویتر» که ساختمان یك تالاررا در هترا [۳۱٤] نشان میدهد بخوبی نمودارایوان کرخه هم میباشد.

بنابراین نه گنبد برروی طاقهای «پـاندانتیف» ، نه گنبد روی طاقهای زاویه‌ای، نه کلیساهای‌بونانی درهٔ«رون» ، نه‌تورنو هیچکدام برای معماری رمان وسیله روشنائی مستقیم موردنیاز رواقهای مرکزی‌کلیساها را فراهم نکردند . راه‌حل‌هائیکه ازساختمانهـا بدست آوردند باروش ساختمانی فرانسه‌که بیشتر ساختمانهایش سنگی بود تطبیق نمیکرد . برای کسیکه بوسیله قلوه‌سنگ ساختمان میکردوجرئت نمیکرد طاق خوانچه‌بزند، طاق‌استوانه‌ای

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یگانه طاقی بود که برای دهانه‌های بزرگ امکان داشت بسازد.

با این نوع طاق بـود که در «پواتو»، «شارانت»، «اوورنی» وبیشتر در «پروانس» و «لانگ‌دك» رواق کلیساهای خود را پوشاندند. رواقهای جانبی باطاقهای خوانچه‌ای ساخته شده‌اند مانند «ساون» [۳۱۵] ونتردام‌دپواتیه [۳۱۶] یا بوسیله نیم‌استوانه، مانند کلیسای «ویوپارتنی» [۳۱۷] و «سنت اتروپ دسنت» (۳۱۸) که کاملا پشت‌بند طاق مرکزی است، اما این‌چنین طاقی‌را جرئت نمیکردند برفراز رواقهای جانبی بسازند که پنجره نداشت. «یعنی مزایای روشنائی فدای تضمین استحکام شده بود.» اشتثنائاً در «سنت‌اتین‌دتور» [۳۱۹] طاق روی پایه‌های مرتفعی ساخته شده که امکان بازکردن پنجره بین نقطه شروع آن و راس رواقهای جانبی موجوداست اما نتیجه اینکار اینست که فشار طاقهای نیم‌استوانه‌ای زیاد بپائین وارد شده و طاق رواق دروضع ایستائی محدود وتقریباً کم ثباتی قرار گرفته‌است.» باوجود این درجنوب فرانسه رواقهای مرکزی‌را بهمین‌طریق ساختند تاروشنائی مستقیم داشته‌باشند. اما اینکار را آنقدردیرانجام دادند که دراین‌جاازموضوع بحث ما خارج‌است.

مکتب بورگنیون Bourguignonne با منطقی‌ترین‌طریق مسئله بالا بردن طاق مرکزی و بازکردن درگاه درزیرمحل شروع آنرا تحقق بخشید. باین‌قصد، معماران کلونی Cluny طاقهای استوانه‌ای سبك و تـاکمر مزین ساختند وسپس بـا استفاده از قوس نوك تیز بجای نیمدایره از فشارجانبی آن کاستند. کلیساهای سولیو Saulieu [۳۲۰] و پـاری لومونیال Paray-le-Monial [۳۲۱] شاهداین عمل هستند. دراین اثنا براثر پیش‌آمدهائی لازم شد قسمتی ازسقفها که قبلاحامل پوشش نهائی طاقهای بزرگ بودند تبدیل به‌شیروانی مستقلی بشوندودر این موردهم معماران کلونی بودند که برای اولین‌باردرغرب رواق بزرگ کلیسائی‌را بوسیله طاقهـای خوانچه‌ای پوشاندند. و نیزآنها بوده‌اندکه ازآغاز زیارتهای بزرگ که پیش از جنگ‌هـای صلیبی انجـام میشد، در سوریه کلیساهائی ساختند که یکی از آنهـا «سنت‌آن» Sainte-Anne دراورشلیم است که توازی درکتاب خود مینویسد و نمونه خالصی ازنوع کلیساهای ارض‌مقدس‌است. ترتیب کارازهرجهت برطبق‌مقتضیات واوضاع واحوال کشوری‌است که بـارندگی کم ونایاب بودن چوب برای چوب‌بست، خرپا ازموانع‌کار است. درآنجا هیچ ساختمانی باشیروانی‌دیده نمیشود. تمام طاقها، ازطاق‌رواق اصلی گرفته تاطاق رواقهای جانبی با سطوح افقی پوشانده‌اند. طاقهای جانبی ازطبقه‌ای تقریبا افقی پوشیده شده‌اندکه تشکیل‌مهتابی‌ثابتی‌را میدهد وروی‌آنها طاقهای خوانچه‌رواق مرکزی تکیه میکنندساختمانی باین سادگی ودرعین‌حال بااین استحکام قابل تصورنیست. اساس‌آن برمبنای بـازیلیك‌های رومیست. یکی‌از مختصات‌معماری سوری‌شکل قوس‌های آنست. قوس‌منکسر «اثریو» درآنجا بی‌رقیب‌است. این‌مشخصات‌درکلیساهای «لیدا» و «ابوقش» و «سنت‌ماری بزرگ» و «سن‌مادلن» در

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

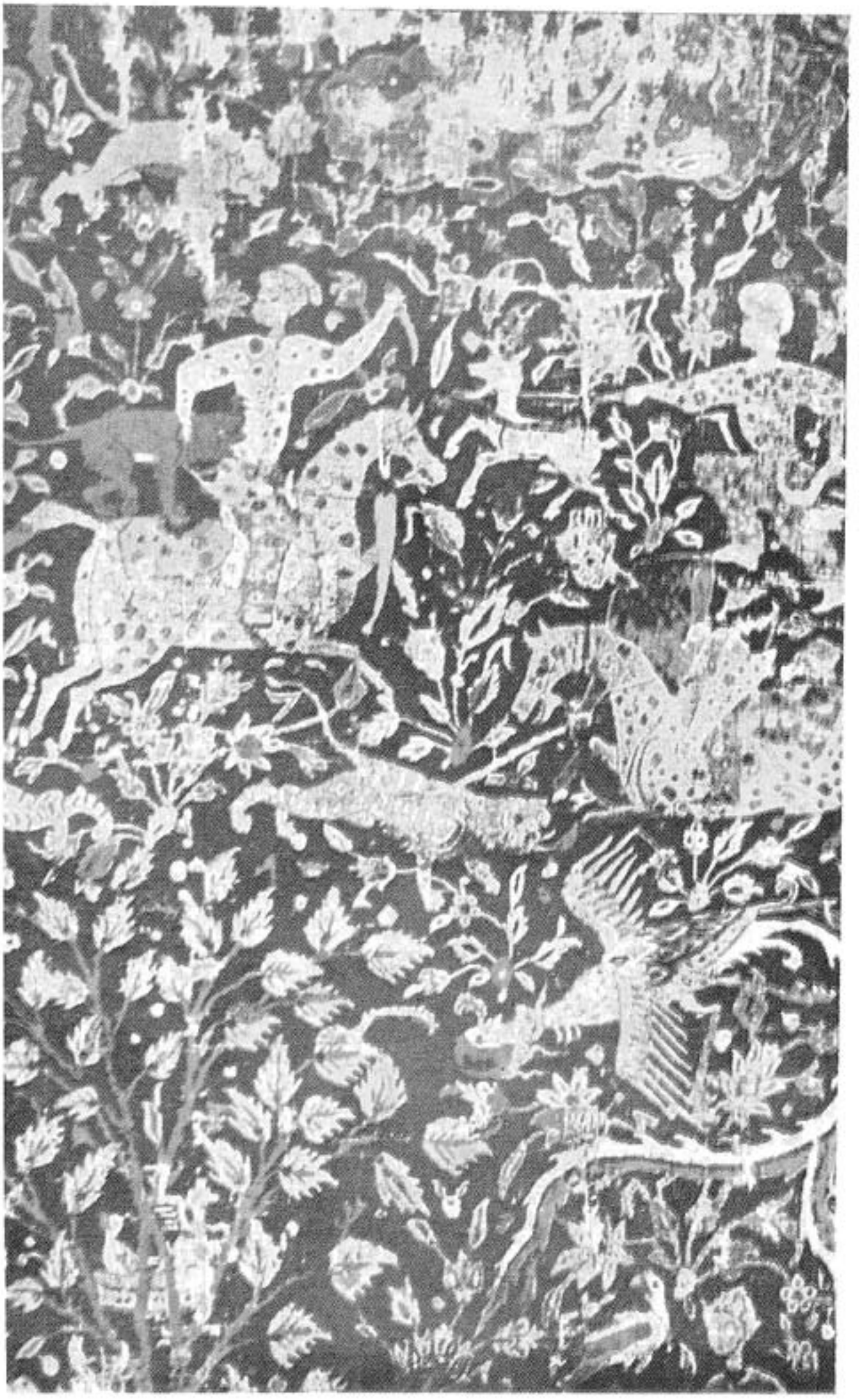
PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

عکس رنگی سوم . اژدهای بالدار ازقرن ششم وهفتم میلادی. قطر دایرهٔ بیرونی ۳۷ سانتیمتر. موزهٔ هنرهای تزئینی پاریس . نقش اژدهای بالدار بادهان باز وپنجهٔ گشوده وآماده، که بر منسوجات ولباس خسروپرویز درطاق بستان (عکس ۱۹۰) وتهتنك نقره‌ای (عکس‌های ۱۲۰ و۱۲۱) ودیوارکاخ Mshatta آمده درهنرساسانی زیاد دیده میشود .

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

عکس رنگی چهارم . جزئی ازیك قالی ، صحنهٔ شکار. ازقرن شانزدهم میلادی پهنای آن ۲/۷۵ متراست ودرازای‌آن‌که حاشیه‌اش‌ازدست رفته بایستی به ۳/۵۰متر‌میرسیده است . موزهٔ هنرهای تزئینی پاریس . معروفست‌که زیباترین قالی‌هائیکه زینت بخش مجموعه ها هستند اززمان شاه طهماسب(۱۵۷۶-۱۵۲٤)میلادی باقی مانده‌اند .
شاه طهماسب خود نقاش وخطاط بوده وشخصاً فعالیت هنرمندان را درنظرمیداشته ونامه‌ای از او باقیست‌که به‌سلطان سلیمان عثمانی پیشنهاد میکندکه برای مسجد سلیمانیه‌که بتازگی بپایان میرسید فرشهای ایرانی بفرستد .

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اورشلیم ودر «سن‌سپولکر» بخوبی بچشم میخورد. بزحمت میتوان درمیان ساختمانهائیکه صلیبیون دراوایل اشغال خود درآنجا ساختند ترکیبی‌ازطاقهای استوانه‌ای نشان داد مگر درجبل واحتمالادربیروت. غیرازاین مستثنیات کم‌نظیر، کلیساهای ارض مقدس تماماً دارای طاقهای خوانچه‌ای وبام‌های مسطح وفاقد قوس‌نیمدایره میباشند[۳۲۲].

معماران «کلونی» وقتی طریق ساختمان سوری‌را درکلیساهای خود پذیرفتند، آنرا با مقتضیات آب وهوای‌ماتطبیق‌داده وکلیسای مادلن‌را در«وزله» که ساختمان رواق آن‌مقارن آتش‌سوزی ۱۱۲۰ بود بنا کردند. بدلائلی که شوازی‌کاملاشرح داده‌نتیجه رضایت‌بخش نشد. «درانتقال طریق‌سوری، معماران‌غربی که خواستند رعایت مقتضیات آب‌وهوارا بنمایند، روی طاقهاشیروانی ساختند. نه‌تنها طاق مرکزی‌را درپناه شیروانی قراردادند بلکه سایبانهائیهم برروی طاقهای جانبی قراردادند ونتیجه اینکار که درنظراول درردیف ریزه‌کاریها بود این شد که :

اول: شیروانی که روی، رواق‌بزرگ‌قرارگرفت‌روی دیوارهای‌ناودانی Goutterot تکیه میکرد. احداث‌طاقهای‌اژیومستلزم بالابردن خارج ازاندازهٔ دیوارهای ناودانی بود ناچارمتوسل به‌قوس نیمدایره شدندکه ازنظرفشارجانبی نقص‌کارمحسوب میشد.

دوم : با طریق سوری‌که درآن‌طاق رواقهای جانبی در پناه«تراس» قرارگرفته‌اند توانسته بودند شروع طاق بزرگ را برسطح خارجی آنها قرار دهند. وجود سایبان مجبورشان‌کردکه‌آنها را تا ارتفاع طاق مزبوربالابرندو اینکار برای استحکام بنا، زیان بخش بود.»

بنابراین ازیکطرف فشارها زیاد شدند وازطرف دیگرپایه‌ها بلند. شرایط تعادل‌که درسوریه بسیارعالی بودنداینجا ازدوجهت ناسازگارشدندو بیهوده‌تلاش‌کردند بوسیله‌مهارهائی درمبداء طاق، که قلاب‌های‌آن هنوزموجوداست، جلوخطررابگیرند. امااین زنجیرکشی‌که زیادپائین‌واقع شده‌بودکافی نبود وطاقها بزودی پایه‌هارا تهدید به‌واژگونی‌کردند وبرای جلوگیری ازخرابی‌آنها باید بوسیله شمع های سنگی پشت بندی‌کنند... این بودکه‌ابتکار «وزلی» طرفدارپیدانکرد. ونه‌تنهاموجب ترقی‌معماری غرب نشد بلکه باایجاد عدم اطمینان سبب کندی‌پیشرفت‌آن گردید [۳۲۳].

هنگامیکه معماری کلونی روبه پیشرفت وتوسعه بود معماری سواحل رود «راین» شکل میگرفت. در زمان سلطنت امپراطور هانری چهارم یعنی پیش از سال ۱۱۰۶ صومعهٔ های «سپیر» Spire و«میانس» Mayence تبدیل‌به ابنیه‌کاملا طاقدارشدند اماطاقهای خوانچه ای بلندی‌که رواقهای‌بزرگ‌را میپوشاندند خیلی ناقص بودند زیرا پیش ازپایان قرن دوازدهم،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

لارم شدکه آنهارا ازنو بسازند. «مگرعده کمی، طاقهای معماری سواحل « راین» کـه تازمان ما پائیده اند، عمرقدیمی ترینشان بقرن مذکورمیرسد.» درآن تاریخ «ایل دفرانس» ونواحی مجاورش درحیطهٔ اختیارعوامل معماری گوتیك قرارداشت.

کشورهای دیگر ازاواخرقرن پیش طاقهای خوانچه ایرا بدون پیروی از فن پیچیدهٔ Stéréotomie[1] وVoussoirs d' Angles[2] طـاقهای خوانچه‌ای میساختند، رومیان بین طاقها را پیش ازآن ساخته بودند.

تالارهای حمـامهای کاراکالا Caracalla (۱۸۸ - ۲۱۷ میلادی) دارای طـاقهای خـوانچه ای بودکه بوسیله قوس های قطری آجری زده شده بودند. اما این طریقه کـه قوس ها درمغزساختمان غرق میشوند نسبتی باروش معماری در قرون و سطی که اطلاعی از طاقهای قالبی نداشتند ندارد. این طریقه یعنی بکاربردن قوس های پشت بندی پیچیده زیر طاقها، درآخرقرن یازدهم درلمباردی درکلیسای «سنت اناستازداستی» St. Anastase d' Asti (۱۰۹۱) ودرکـلیسـای هـای آورده Aurera (۱۰۹۵) وریـولتا Rivolta درآدا (۱۱۰۰) درسنت آمبروجو Saint Ambroise درمیلان (آغازقرن دوازدهم) ساخته شده است . و جای انکار نیست کـه مکتب لمباردی بوده است که با آجر یاسقط ، طاقهای اژیو بابرجستگی زیادی درزیرطاقهای خوانچه ای کـه درسطح مربع ساخته میشد ابداع کرده بود. [۳۲٤].» تقریبا مقارن همین زمان نظیراین طاقهادرانگلستان دیده شد: «محل سرود ودالان میان رواق ومحل سرود درکلیسای «دارهام» که درسال ۱۰۹۳ش وع شده بود و در سال ۱۱۰٤ کاملا بپایان رسیده ازطـاقهای اژیوپوشیده شده بود [۳۲۵].» امامعماری این نواحی ازآنها استفاده نکرد، باین معنی که سبك معماری جدیدی ازآن بوجود نیاورد. این طاقهای اژیواستقرارطاق راآسان میکردند. امامعماران نتوانستند نتایج منطقی ازآن بگیرند ومعماری همچنان درسبك «رمان» باقی ماندتازمانیکه کتیشان « سیسترسین » Cistercians طاقهای «اوژیو» واقعی وطرق ساختمانی سبك گوتیك را بآنجـاوارد کردند[۳۲٦].»

درفرانسه هم مقارن همین زمان بناها معمولا ازاین قوس های پشت بندی پیچیده در زیرطاقهـا ومستقل ازآنها میساختند. این قوس ها «ستونهائیرا بوجودآوردندکه متکی به ستونچه هابودند[۳]» که نوعاً فرانسوی هستند. شوازی دراین باره میگوید: « ایده ای در

* * *

۱ـ Stéréotomie فن تراش وبرش سنگ درمعماری است.

۲ـ درطاقهای خوانچه ای سنگی، عوامل ساختمانی که درزاویه استوانه هامتقاطع واقع میشوند

۳ـ فتیله‌هائیکه حامل سطوح منحنی طاقهای گوتیك هستند ابتدابرروی ستونهای یازوارها قراردادهتند. امابعداً آنها را بوسیله ستونچه هائی تاسطح زمین امتداد دادند، بطوریکه با پایه اصلی یکپارچه شدند .

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حال تکوین مشاهده میشود که در معماری گوتیك موارد استعمال بیشماری خواهد یافت : آزادکردن قوس هاازبدنه ساختمان وبعبارت بهترآنها را ازتوده عمارت خـارج کردن و منفرداً ستونچه هائی برای نگاهداریشان بآنها اختصاص دادن [۳۲۷].» این معماران در جلوخـان کلیسای «سن ویکتور» در«مارسی» ودرزیرزمین «سن ژیل» ، همچنانکه درروا ق «فره ژو» ، درنمازخانه «سن ویکتور» و«کاستلان» زیربرج ناقوس «سیسترون»و«مواساك» ، دربعضی ابنیه قلاع «تولوز»وحتی‌در «موشان» ،درژرس‌و دراسکولوت،در«ترنه گرون» [۳۲۸]درتالارناقوس«کورمری»درتالارعرضی در Aubiac طبقه اول‌ناقوس Saint-Ourse در « لوش» ، در Trinité de Vendôme ، دربرج Saint Aubin d' Angers ، دربرج Guinette d' Etempes ودرسر پوشیدۀورودی Saint ـ Mihiel[۳۲۹]، دربرج «شارلمانی» در «سن مارتن دتور» و دربرج شمالی‌کلیسای «بایو» Bayeux که احتمالا مقارن سال۱۰۸۰ساخته شده [۳۳۰] ودربسیاری از کلیساهای دیگر طاقهای خوانچه ای اژیوساختند .

برای این‌روش‌که بخاطرنگهداری وپشتیبانی اتخاذ شده‌ودرآن واحد چه درفرانسه وچه درسایرکشورها وحتی درارمنستان معمول گردید [۳۳۱] لازم نیست درجستجوی‌ریشهٔ واحدی باشیم ، زیرا چنانکه «ادمون پوتیه» مینویسد: «نمی پذیریم‌که هنرازچشمه‌واحدی بیرون‌آمده ومانندجهانگشائی همه رادرسرراه بزیرفرمان درمیاورد . بلکه بنظر ما هنرهم مانند اجتمـاع بشری بچندین ایـالت تقسیم شده و تقریبا همه بیك طریق کارمیکنند منتها باوسائل مختلف [۳۳۲].» معماران فرانسوی‌بساده ترین نحوبرای نگهداشتن قطرطاقهای خوانچه ای خود واجتناب‌ازیك سنگ چینی‌پیچیده ومشکل،ازطریقه مزبوراستفاده کردند. آنها اینکاررا در « موریان وال » Morienval صورت دادند همچنانکه دیگران پیش از آنها درجاهای دیگر کردند و هیچیك مخترع معماری گوتیك نبودند جریان کارچنین پیش آوردکـه بدلائل غیرفنی، طریقه‌پیش پاافتادۀ مزبور بیشتردره ایل دفرانس » موجد این هنر گردید تا درایتالیا یاانگلستان . هنرمعماری درحقیقت دیگرمجموعه ای ازطرق کارو فرمولها نیست همچنانکه مثلا یك زبان نمیتواند « ادبیات » باشد . هنریك ملت، نه سنگ وآجروچوب است ونه‌اصطلاحات وتردستی، هنر بیش‌ازهرچیزعبارت ازانعکاس روح‌اجتماعی آن ملت وعصاره‌آشکارنیروهای نژادی ، سیاسی، اقتصادی واجتماعی است‌کـه‌آنرا حرکت میدهد وتاریخ تمدنش را بوجود میآورد. این معنی آنقدرمحقق است‌که معماری گوتیك در قسمتی ازفرانسه ترکیب‌یافت‌که‌تاآنوقت نمیتوانست ابنیه‌زیبائی بوجود بیاورد و«ساختمان سبك‌رومان»راهم بدازآب درمیآورد». اولین پادشاهان سلسله‌کاپسین Capétiens ، صلح

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دوستی آنها، شکفتگی جهش مذهبی وسازندگی که نتیجه آنست، حاصلخیزی وغنای اراضی قلمرو شاهی «ایل دوفرانس» ، موقع جغرافیائی وسنگ های زیبای آن که معماری گوتیك را بیشتر بآن مدیونند تا به پنجره های اژیوآن، اینها عوامل اصلی تجلی هنرمعماری گوتیك بودند. ازطرفی نباید فراموش کرد که علاوه برعوامل مذکور، حجاری ، نقاشی وهنرهای صناعی گوتیك هم هستند که ارتباطی بافن معماری آن ندارند .

همچنانکه درمورد هنریونانی دم ازاعجاز یا امکانات مساعد ورقابت استثنائی وپیش آمدهای مساعد میزنند که دست بدست هم داده وهنریونانی رابوجودآوردند ،هنر گوتیك راهم باید مرهون چنین عواملی دانست. باتصدیق این معنی ، چنانکه ربر دیوله Diolé هم میگوید: «نبوغ استادکاران دراین بود که ازمساعد بودن زمینه وفراهم بودن عوامل ، سبك جدیدی درمعماری بوجودآوردند [۳۲٤] .»

پس بطوریکه دیدیم ، ایران دراینکاردستی نداشته است زیرا نه تنها تکنیك ایرانی بهیچوجه درمعماری گوتیك دیده نمیشودبلکه شرایط پیدایش این هنر کافی است که فرانسوی بودن مبداء آنرا ثابت نماید .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش پنجم

ایران اسلامی

۱ دوران اسلامی

tarikhema.org

استیلای سپاه اسلام و قدرت‌نمائی غیرمنتظره آن ملت ایران را که تکیه بر تمدنی دیرپا و پیروزیهای قدیم خود بر سپاه امپراطوران روم و بیزانس داشت گیج و مبهوت ساخت. تیسفون، پایتخت امپراطوری ساسانی در سال ۶۳۷، پس از جنگ قادسیه سقوط کرد. کمتر از بیست سال بعد از آن، در سال ۶۵۶، پیش از مرگ سومین خلیفهٔ عثمانی، اعراب بتمام نواحی فلات ایران باستثنای مکران، تا دورترین نواحی یعنی بلخ رسیدند. این تاخت و تاز با این سرعت نمیتوانست یک اشغال یا پیروزی قطعی تلقی شود، اما استقرار پادگان‌های نیرومند در شهرهائی مانند شیراز و نهاوند واهواز، باعراب اجاز داد تا مستقر شده بانتظار آرامش طغیانهائیکه در اثر تهاجم آنها بوجود آمده بود بمانند و در ضمن موقع خود را نیز مستحکم سازند. زیرا محقق است که احتمال قبول فوری و کامل اسلام بسیار کم بود. و اگر بعلت وحشت و بهت‌زدگی مخالفت قلوب فوراً ظاهر نشد ولی طولی نکشید که بطغیانی علنی تبدیل گردید.

زرتشتی‌ها گر چه ظاهراً تابع اسلام شدند، با وجود این نسبت بکیش خود وفادار مانده در فارس و مخصوصاً در آذربایجان مراسم مذهبی خود را انجام میدادند. عده‌ایهم بمناطق کوهستانی فلات پناه برده تحت حمایت پادشاهان کوچک محلی زندگی کردند. در سال ۷۰۰ میلادی اولین مهاجرت زرتشتیان بطرف هند صورت گرفت. مقاومت مسلحانه مخصوصاً در کرانه‌های دریای مازندران شدید بود و در

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنجا همچنان بنام و نشان پادشاهان ساسانی ضرب سکه می‌کردند.

اگر چه سپاهیان بزدگرد سوم دسته دسته تسلیم سپاه اسلام می‌شدند اما در قرون اول استیلای قوای اسلام بر ایران حکمرانان موروثی نواحی کوهستانی و سواحل مازندران با وجود لشگرکشی‌های پیاپی سرداران عرب همچنان استقلال خود را حفظ کردند بطوریکه در قرن نهم میلادی یکی از اسپهبدان[1] نام خود را قارن بن شهریار گذاشت و بمذهب شیعه گروید. یا در قرن یازدهم میلادی هنوز در کتیبه‌های بناهای این خطه از خط پهلوی استفاده شده و نمونه‌های آن برجاست.

حکام بصره و کوفه که اداره امور نواحی خاوری ایران را بعهده داشتند در این امر با مشکلات فراوان روبرو بودند. سرکشی ایرانیان در دوران اولیه استیلای اعراب موجب اعزام لشگرهای مهمی تا مرو شد. پس از این لشگرکشی‌ها و برقراری آرامش نسبی مهاجرت عظیم پنجاه‌هزار نفری خانواده‌های عرب به خراسان رویداد. در میان این مهاجران، بازرگانان، پیشه‌وران و ارباب حرف مختلف بسیار بودند.

پیامبر اسلام برای اینکه خلافت بصورت موروثی درنیاید در غدیرخم حضرت علی را بجانشینی خود امیرالمومنین اعلام نمود و سفارش کرد که جانشینان وی با رأی اکثریت مسلمانان و برحسب لیاقت و شایستگی برای آن مقام انتخاب شوند.

برخلاف وسایای پیغمبر اسلام پس از رحلت وی بترتیب ابوبکر، عمر، عثمان و علی که خلفای راشدین خوانده شدند بترتیب خلافت پیامبر اسلام را بعهده گرفتند. در زمان خلافت حضرت علی، معاویه حاکم شام، به بهانهٔ خونخواهی عثمان با سپاهیان حضرت علی وارد جنگ شد و چون شکست خود را نزدیک دید حکمیت را عنوان کرد و با فریبکاری در حکمیت به حکومت رسید و حضرت علی از حکومت کناره گرفت.[2]

سی سال از رحلت پیامبر اسلام نگذشته دستوراتش مورد سرپیچی حکام بنی‌امیه قرار گرفت و خلافت در سلسلهٔ اموی شام و پس از آن در خاندان عباسی به سلطنت موروثی بدل گشت و بایترتیب پس از کناره‌گیری حضرت علی دورهٔ روحانیت تاریخ

* * *

۱ ـ کلمه اسپهبد بمعنی فرمانده لشگری است که بعداً بعنوان لقب ارشد و سپس حکمران کل گردید.

۲ ـ امیرالمؤمنین علی در مسجد کوفه مضروب و مقتول گردید. یکی از دو فرزندش امام حسن بنفع معاویه که در سال ۶۶۱ خود را خلیفه و مؤسس سلسله اموی اعلام کرده بوده از خلافت چشم پوشید. دومین فرزند علی، امام حسین در سال ۶۸۰ در حین جنگ با لشگریان خلیفه غاصب، یزید پسر معاویه (۶۸۰ ـ ۶۸۳) در کربلا شهید شد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اسلام سپری گردید .

بطوریکه گذشت پس‌ازفتح ایران بدست مسلمانان، دستجات بزرگی‌ازایرانیان بدون گرایش بآئین تازه‌درکشورخود باقی ماندند. ازطرفی‌اعراب‌نسبت بایرانیان‌تازه‌مسلمان‌شده بطورمساوی رفتارنمیکردند. ایرانیهاهم‌ازاینکه خودرازیراطاعت‌میهمانان نمی‌خوانده و تازه بدولت‌رسیده میدیدند ناراضی بودند. چون‌ایرانیهادربرابرتحقیراعرابیکه درنظرشان‌ارزشی نداشتند خیلی حساس‌بودند ، مانندایرانیانیکه قبول اسلام نکرده‌بودند از دعاوی سیاسی و مذهبی خانواده عباس که از اولاد عباس ابن عبدالمطلب [1] عموی‌پیغمبر بودند پشتیبانی نمودند . از اتحاد پیروان علی و عباسیان و کمك ایرانیان غیر مسلمان نیروی مخالفی بوجود آمدکه شدیداً دربرابربنی‌امیه قیام‌کرد وخراسان هم بآن پیوست وپس‌ازیك رشته جنگ‌هائیکه درطی قرن‌هشتم بوقوع پیوست ، سلسله عباسی جانشین سلسله اموی‌گردید .

وضع‌ایرانیان نه‌تنها درحوزه اسلام بلکه درخودایران بکلی تغییرکرد. هنگامیکه با بودن بنی‌امیه دستشان ازمشاغل‌مهم‌کوتاه شده بود ، باروی‌کارآمدن عباسیان وانتقال‌مقر خلافت ازدمشق یعنی‌کشورسامی ببغداد درچندقدمی تیسفون پایتخت امپراطوری ساسانی ، عهده‌دار مهم‌ترین مشاغل دولتی گردیدندوآداب ورسوم وزندگی ایرانی درمرکز جدید قدرت‌سیاسی مقام شامخی‌رااحرازنمودند . خلفای عباسی وزیران ومشاورین خودرا ازمیان خانواده‌های بزرگ واصیل ایرانی انتخاب میکردند . یکی‌ازخانواده‌های مزبور خاندان برمکی [2] است که‌مدت چندین ده‌سال اهمیت‌فوق‌العاده‌ای در اداره امورحکومت داشته‌است.

هرون‌الرشید [3] پنجمین‌خلیفه عباسی‌باین‌نزدیکی‌ممتدیك خانواده ایرانی‌بدربارخلافت پایان داد. اما باوجود زوال‌برامکه چیزی‌ازدرجهٔ نفوذ ایرانی‌در دربارعباسی‌کاسته نشد . مخصوصا درمدت‌خلافت‌پسرش‌مأمون [4] که‌مادروهمسرش‌ایرانی‌بودند .اما بهمین دلیل وبدلیل گسترش رسوم وعادات وشکوه وجلال‌ایرانی‌تغییریادست‌کم کوششهائی برای تغییروضع بعمل آمد . خلیفه المتوکل [5] برای اینکه‌خودرا ازمحیط ایرانی بغدادکه بنظر او فاسد

* * *

۱ـ عباس پسرعبدالمطلب عم‌پیغمبر درسال ۳۲ یا ۳۳ هجری درسن۸۸سالگی درگذشت ، خلفای عباسی ازنسل‌فرزند اوعبداله هستند .

۲ـ برمکیان خانواده‌ای ایرانی واولین وزیران ایرانی امپراطوری خلفا از آن خانواده بوده‌اند .

۳ـ هرون‌الرشید پنجمین خلیفهٔ عباسی بغداد (۷۸۶ـ۸۰۹میلادی) .

٤ـ المأمون (۸۳۳ـ۸۱۳)

٥ ـ المتوکل (۸٦۱ـ۸٤۷)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مینمود دور نگاهدارد قصد کرد پایتخت امپراطوری عرب را بدمشق منتقل نماید و بعداز آن اقدام بساختن پایتخت تازه‌ای درشمال بغداد، درسامره درسا-حل دجله ـ که المعتصم [1] والوثیق [2] هر یك درآنجا برای خودکاخی ساخته بودند ـ بسازد ولی محیط آنجا راهم آلوده بگناه دید. درطی خلافت المتوکل، شیعیان که سخت مورد تنفر اوبودند وهمچنین مسیحیان ویهودیهارا وادارکرد تالباس زرد رنگ بپوشند وبرمرکبی غیرازالاغ وقاطرسوار نشوند. یکی دیگراز مشخصات خلافت المتوکل پیدایش قدرت روزافزون سربازان مزدورترك وبربر واسلاوبود که خلیفه المعتصم نگهبانان مخصوص خود را ازآنها تشکیل داده رفته رفته بصورت ارتشی جابر وسرکش درآمده بودندودرسال ۲۹۶ هجری خلیفه سیزده‌ساله المقتدر [3] مجبور گردید سرکرده آنها را لقب امیرالامرائی دهد و باین طریق او را تقریباً صاحب اختیار مطلق گرداند.

درطی این دورهٔ هرج ومرج، حکام ایالات ایرانی که قبول اسلام کرده بودند کم کم خود را از قید اطاعت خلفای عباسی آزاد کرده حکومتهای کوچك ملی تشکیل داده مقدمات تجدید استقلال سیاسی وفرهنگی ایران را درقرون نهم ودهم فراهم آوردند. چنانکه طاهریان (۸۷۳ـ۸۲۰) ازاولاد طاهربن حسین که یکی ازسرداران مأمون بود درقرن نهم برخراسان حکومت یافتند. صفاریان که اصلشان ازسیستان است چندی برخراسان وکابل وکرمان وفارس حکمراندند. اما طولی نکشید که این قدرتهای زودگذر وبعضی دیگردرعراق وآذربایجان درمقابل سامانیان (۹۹۹ـ۸۷۴) که اصلشان ازمرو بوده تاب مقاومت نیاورده میدان را بآنان واگذاشتند. سامانیان ابتدادرخدمت طاهریان بودند. تاوقتی که اغتشاشات خراسان وسقوط طاهریان موقع مساعدی بدستشان داد تا ظاهراً تحت فرمان اسمی بغداد قدرت خود را در آنجا مستقرسازند. بعد رفته رفته کارشان بالاگرفته ماوراالنهر، خراسان، سیستان، کرمان، گرگان، ری وطبرستان را در قلمرو فرمانروائی خود آوردند، اهمیت فوق العادهٔ سامانیان ازنقطه نظرمذهبی دراین بود که دردورهٔ سلطنت وبراثراقدام آنها آئین اسلام شکل ایرانی بخود گرفت وابتدادرخراسان ودرآنسوی آن، روبتوسعه نهاد.

درایران باختری افکارتازهٔ ملی ایرانی باقدرتهای کوچك محلی تجلی میکرد. یکی ازآنها آل زیار (۱۰۷۷ـ۹۲۸) است که مدتی برقسمتی ازفلات ایران مستولی بود وبعد بحدود طبرستان وگرگان مستقر گردید. تقریباً مقارن همین هنگام سلسله آل بویه

* * *

۱ـ المعتصم (۸۴۲ـ۸۳۳)

۲ـ الوثیق (۸۴۷ـ۸۴۲)

۳- المقتدر (۹۳۲ـ۹۰۸)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

(۱۰۵۵-۹۳۳) از اولاد ابوشجاع بویه درراس دسته‌ای جنگجو مرکب ازدیالمه که در جنگ‌های بین‌علویان وسامانیان نقش مهمی داشته‌اند. پا بعرصه فعالیت گذاشتند. موسسین واقعی این‌سلسله سه‌فرزنداو، علی، حسن واحمد بودند. برای‌ایجادهم آهنگی بارسوم ومعتقدات دیلم، آنها مذهب شیعه‌را اختیارکردند اما درنظراین جنگجویان بیابانی‌مسائل‌مذهبی‌اهمیت زیادی‌نداشت. فرزندان بویه‌که ابتدا در خدمت مرداویج بن‌زیاربودند درسال ۹۳۵ خود را مستقل ساختند سپس پی درپی خوزستان و فارس وعراق وکرمان‌را درحیطه تصرف خود آوردند.

درسال ۹۴۵احمد بن‌بویه وارد بغدادشد وخلیفه‌المستکفی اورا بمنصب امیرالامرائی منصوب وملقب به‌معزالدوله نمودکه بآن معروف گردید. و علی‌وحسن هم به‌ترتیب به‌القاب عمادالدوله ورکن‌الدوله ملقب گردیدند. نتیجه اینکاربرای خلافت یك دورهٔ تنزل کامل بود که درطی آن امیرالمؤمنین بازیچه دست‌امرای بویه شده‌بود. اما طولی نکشیدکه نفاق و اختلاف بین آنها جدائی انداخت و نتیجه شومی ببارآورد. درخشان‌ترین دورهٔ حکومت‌آل بویه سلطنت عضدالدوله پسر رکن‌الدوله بودکه بنوبت خود در سال ۹۷۸ حاکم بغداد شد و تا ۹۸۳ سلطنت‌کرد. پسرش بهاءالدوله حکومت خود را برعراق ادامه داد. درسال۱۰۰۵ ورود سلطان‌سلجوقی طغرل‌بیك ببغداد، به‌سلطنت‌آل‌بویه پایان داد.

پادشاهان‌آل‌بویه مدت‌کمی ازحکمرانی خودرا توانستند صرف‌کارهای زمان صلح کنند، مگرعضدالدوله‌که در راه عمران وآبادی داخلی‌کشور خودکوشش فراوان‌کرد. او دانش و فرهنگ را مورد عنایت وحمایت قرارداده‌مساجد و بیمارستانها وسایر مؤسسات عام‌المنفعه‌بوجودآورد. قنوات‌را مرمت‌کرد وجوانمردانه‌بکمك مستمندان وبیماران‌شتافت. اما مدت این کارهای سودمند خیلی‌کوتاه بود.

دراواسط‌قرن دهم درایران قدرت اینطورتقسیم‌شده بود: سامانیان، شمال شرقی‌کشور را دردست داشتند، آل‌زیارناحیهٔ دریای مازندران را وآل‌بویه قسمت بزرگی ازفلات‌ایران یعنی فارس، کرمان، عراق عجم‌را داشتند وعملاً بربغداد حکومت میکردند. بنابراین‌درسال ۱۰۰۰ میلادی، ایران مگر بارشته‌هائی بسیارسست بامپراطوری عرب بستگی نداشت. آشفتگی‌های سختی‌که مدتها ایران باختری را دچارهرج ومرج داشت تسکین یافته بود. زبان فارسی زبان‌ادبی کشورشدودربارآل‌بویه‌وسایرمراکزفرهنگی‌محل‌اجتماع‌عده‌زیادی‌از شعراو دانشمندان گردید. درهمین‌هنگام‌جریانات مختلف‌مذهبی‌درطبقات‌مسلمان‌اهالی نفوذ کرده، ایران باختری را که میان ایران خاوری‌وبین‌النهرین که آنهم سنی بود قرار گرفته‌بودبسوی مذهب تشیع متمایل ساخت. همچنین درقرن‌دهم است‌که ترکها‌درایران مدارج ترقی‌را پیمودند. تاآنزمان‌آنها جزسرباز وفرماندهان‌لشگری درخدمت حکام‌ولایات

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وشاهزادگان محلی نبودند. چندتن از آنها در خدمت سامانیان بمقامات عالی لشگری و کشوری رسیده بودند . اما همینکه پادشاهانیکه در خدمتشان بودند ضعیف شدند رؤسای ترك سعی کردند مقامات سیاسی احراز کنند. در اجرای همین منظور بود که سبکتکین نامی در ناحیه غزنه و کابل در افغانستان دعوی استقلال نمود. پس از مرگ او پسرش محمود که بنام محمود غزنوی (۱۰۳۰-۹۹۷) معروف است در خراسان برای خود طرح حکومت مستقلی ریخت، ابتدا بلخ و سپس غزنه را پایتخت قرارداد. آنگاه قلمرو حکومت خودرا بطرف سیستان و عراق پاختری گسترد و با لشگر کشی و فتوحاتی در هندو ماوراءالنهر متصرفات خودرا استحکام داد. باوجود این، هنوز آخرین پادشاهان آل بویه خودرا درمغرب ایران نگاهداشته بودند .

در بار سلطان محمود همانند دربار سامانیان میعادگاه شعرا وتا مدتی یکی از مراکز فرهنگ و ادب اسلامی بود. از شهر غزنه غیر از چند پارچه سنگ حجاری شده وچند مقبره که یکی از آنها قبر سلطان محمود است، ودو برج پیروزی چیزی باقی نمانده است. یك اثر ادبی نیز از آن دوره باقی است که مشکل بتوان آنرا در ردیف آثاری که بنام محمود ترك معروف شده قرارداد وآن حماسهٔ پهلوانی ملی ایرانیان وشاهکار شاعر نامی ایران فردوسی است که چندی درغزنه اقامت داشته است .

ثروت بیحسابیکه سلطان محمود در طی شانزده لشگرکشی بغما گرانه خود بهند بغزنه آورد بتصور در نمیآید . با وجود این وقتی فردوسی شاهکار خود شاهنامه راکه سی و پنجسال در تنظیم آن رنج برده بود بسلطان عرضه کرد مبلغ ناچیزی باو داد که شاعر رنجیده ومأیوس آنرا بعنوان انعام بین کارگران گرمابهٔ عمومی پخش کرد. این عدم فتوت که بعداً خود سلطان هم از آن پشیمان و متاسف شد چند علت داشت که یکی از آنها بنا بر تواریخ ، پول پرستی مفرط او بوده است . بعلاوه محمود، ترك و سنی مذهب بود در صورتیکه فردوسی ایرانی وشیعه مذهب، باوجود این شعرای صوفی مآب ، این ترك را بمقام قهرمانی ادب ایران رساندند . بعضی او را دارای ذوق هنری دانسته و تنظیم چند قصیده را باو نسبت داده اند . ارتفاع او وسلسله غزنوی پیش در آمد تهاجم ترك ها و استقرار قدرت سلجوقیان در ایران وماوراء آن گردید .

از آغاز قرن یازدهم ، ترکها علیرغم کوششی که سامانیان و غزنویان برای جلوگیری از آنها بعمل آوردند شروع بمهاجرت بایران کردند . مدت کوتاهی پس از استقرار آنها در خراسان . سرکرده‌شان طغرل بیك ،شمال ایران را بتصرف در آورده سپس وارد بغداد شد .

چون قدرت آخرین پادشاهان آل زیار وآل بویه رو بضعف نهاده و متصرفات غزنویان در ایران محدود شده بود . ایران دوباره و حدت سیاسی خود را در زیر سلطهٔ ترکهای

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سلجوقی بازیافت[1]

طغرل بیك که درمرو و بغداددربار عامی،پادشاهی خود را اعلام کرد و خلیفه بعنوان سلطان شرق وغرب بر اوسلام گذارد ،دررى مستقر گردید.فرزند وجانشین او الب ارسلان امپراطورروم شرقی «دیوژن رمانوس» را اسیر کرد . اما بااوجوانمردانه رفتار کرده جانش را بخشید و فقط خراج سالیانه‌ای براو مقرر کرد . وزیر معروف او خـواجه نظام الملك یکی از خردمند ترین وزیرانی است که شرق بخرد میشناسد (عکس۱۳٤) و پس ازالب‌ـ ارسلان وزیر پسرش ملکشاه نیز بود . دوران ممتد زمامداری او.که ۵۵ سال طول کشید برای ایرانیان موهبتی خدائی بود .

در وزارت او امپراطـوری سلجوقی از مرز های چین تاسوریه و از ماوراء النهر تا عربستان وسعت یافته بود . در این دوره مردان بزرگی در ایران پابعرصه وجود گذاشتند که سه‌تن از آنها معروفیت جهانی دارند. یکی ازآنها خود نظام الملك است که دارای نبوغ اداری و بنیان گذار مدارس دولتی نظامیه است که محل تحصیل علوم عالیه دینی بوده است. خواجه نظام الملك کتابی هم بنام سیاست نامه نوشته است که راهنمای قـابل ملاحظه‌ای برای پادشاهان است .

باوجود تمام فدا کاری‌ها وخدماتیکه در سالیان دراز زمامداری خود نسبت بخاندان سلجوقی نمود . خواجه نظام الملك در دربار واطراف،دشمنان نیرومندی داشت . از جمله ترکان خاتون همسر ملکشاه و تاج الملك ندیم او بودند که مـوفق شدند چند سال پیش از قتلش اورا ازکار بر کنار کنند .

دومین آنها شاعر و ریاضی دان معروف عمر خیام است که محققاً یکی ازبزرگترین و بعقیده بعضی بزرگترین شاعر ایران میباشد .

سومین شخصیت معروف معاصر نظام الملك حسن صباح است که «مارکوپولو»وتاریخ نویسان جنگ های صلیبی اورا «پیر کوهستان» «شیخ الجبل» مینامند عده زیادی از شخصیت های سرشناس منجمله خلیفهٔ عباسی الراشد بالله و خودنظام الملك ،یکی درشهرستان نزدیك اصفهان ودیگری در صحنه بین راه همدان ـ کرمانشاه بدست فدائیان اوکشته شدند.

* * *

۱ـ ترکان سلجوقی از قبایل بیابانگرد غز بودند که درحوالی دریاچهٔ آرال سکونت داشتند.طغرل بیك رئیس آنها در سال ۱۰٤۰ میلادی خراسان را از غزنویان جدا نمود سپس عراق عجم و عراق عرب را از تصرف پادشاهان ایرانی آل بویه درآورد.

در سال ۱۰۵۱ اصفهان ودر ۱۰۵۵ بغداد را هم متصرف شد وخلیفه عباسی اورا نایب موقتی خود شناخت .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آخرین شخصیت بزرك سلجوقی سنجر است که بر این امپراطوری عظیم سلطنت نکرد و قلمرو فرمانروائی او فقط خراسان‌بود که مدتها حکمران آنجا بود .اوبامشکلاتی روبروبود که پس از مرگش سبب تکه تکه شدن کشور گردید . و فقط جهانگشائی منول جلو آن‌تجزیه‌را گرفت .

از نقطه نظر مذهبی سلجوقیان از روش سامانیان و غزنویان پیروی‌کرده قهرمانان مذهب سنت گردیدند . باوجود این ایران باختری براثر تبلیغات اسمعیلیان که منتهی به گرفتن قلعهٔ الموت در نزدیکی قزوین بدست حسن صباح در سال۱۰۹۱ گردیدهمچنان شیعه باقی ماند . منبع این تبلیغات در شرق و غرب بود اما اثرات سیاسی آن در ایران در جبال و فارس و خوزستان و باشدت کمتری در قهستان‌محسوس‌بود .

حسن صباح و جانشینانش در ایران باختری قدرتی بدست آوردند که ملکشاه و اعقابش را- بدون‌آنکه بتوانند آنرا درهم شکنند-دامنگیر شد .

سلجوقیان در امپراطوری خود نوعی روش تیول داری نظامی و موروثی تشکیل‌داده بودند تا در هنگام ضرورت از دستجات سیاسی که زیر فرمان روسای وفادارو فدا کار بودند استفاده نمایند .

اما در عمل نتیجه آن سستی حکومت مرکزی گردید که رفته رفته بدست حکام نظامی محلی‌مستقلی که بنام اتابك معروف شدند افتاد که معروفترین آنها عبارتند از اتابکان آذربایجان ،لرستان وفارس که‌کرمان‌هم ضمیمه آن گردید.درخراسان بعد ازمرك سلطان سنجرخوارزمشاهیان‌جایگزین‌سلجوقیان‌شده.بسرعت‌حیرت آوری امپراطوری عظیمی تشکیل دادند .خوارزمشاهیان اولاد یکنفر ترك بودندکه‌در دربار سلجوقیان ساقی شاه‌بود وملکشاه حکومت خوارزم را باو داده بود . خوارزم ناحیه‌ایست از صحاری‌خیوه درساحل سفلای رود جیحون. خانواده این مرد بزودی معروفیت فوق العاده‌ای پیداکردند،معروف ترین آنها علاءالدین محمد در مدت چند سال،فرمانروای مناطق وسیعی گردید هنگام حمله منول علاء الدین که از روی غرور و اشتباه آنهارابسوی خود برانگیخته بودنمایندهٔ بزرگترین قدرت اسلامی زمان‌خودبود .

در این اثنا سلسله غوریان ۱۲۱۳-۱۱۵۵هم که اصلشان از کوهستانهای غور در افغانستان است پابعرصه وجود گذاشتند وآنها بودند که درسال ۱۱۴۹ غزنه‌را بتصرف در آورده قدرت غزنویان را در ایران برانداختند . وسپس برسیستان و بامیان و خراسان شرقی مسلط شده و پس‌ازمدت کوتاهی آنها نیز قسمت مهم متصرفات‌خودرا بخوارزمشاهیان وا گذاشتند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

امرای غوری گاهی باغز های[1] بیابان گرد ائتلاف میکردند . میتوان گفت خرابیهایی که بارآوردند آغاز زوال فرهنگ و ادب در شمال ایران بود . حمله مغول این زوال را تسریع کرد .

بعدازجنگی که بین علاءالدین محمدخوارزمشاه وچنگیزخان درسال ۱۲۱۸ واقع شد، مغولها تمام متصرفات اورا درترکستان اشغال کرد ، آنگاه وارد ایران شدند و خراسان و شمال ایران را تا آذربایجان تسخیر کرده علاء الدین را دنبال کردند . نامبرده بجزیره کوچکی دردریای خزر پناهنده ودرهمانجادرگذشت . فرزندش جلال الدین بهندفرارکرد و شهرهای بزرگ خراسان بدست چنگیزویران ومردمش قتل عام شدند .

ایران جنوبی موقتاً از آسیب مغول درامان ماند . اما بزودی جلال الدین که بهند پناهنده شده بود بآذربایجان وارمنستان رفت و بالنتیجه درسال ۱۲۵۶ دومین حمله مغول برعلیه اسمعیلیه وخلیفه بغداد که مقدمات آن فراهم شده بود آغاز گردید . این لشکرکشی که تمام ایران رازیرفرمان مغول قرارداد ودرسال ۱۲۵۸ خلافت را ملغی کرد توسط هلاکوخان ازنواده چنگیزرهبری شد . استقرار هلاکودرشمال ایران ، درمراغه ابتدا برای مسیحیان «نستوری» Nestoriens و بودائیها که درآن نواحی زیاد بودند مساعد بود، چه خود هلاکو بودائی و همسرش دوقوزخاتون مسیحی بود . رشیدالدین نویسندهٔ «تاریخ مغول های ایران» مینویسد : «چون دوقوزخاتون درخانواده مسیحی متولد شده بود همواره ازهم کیشان

* * *

۱ــ غزها و قبائل پیرو آنها در از منه گذشته در ساحل سفلای رودسیحون سکونت داشتند . دراواخرقرن چهارم هجری (قرن دهم میلادی) شروع بمهاجرت بنواحی اسلامی کردند، درقرن یازدهم تمام نواحی متمدن آسیای باختری، راتادریای مدیترانه زیرپا گذاشته وشبه جزیره بالکان را تایونان غارت و ویران کردند ولی طولی نکشید که بدست بلغارها نابود شدند . عده ایکه ازآنها باقیماند،وارد خدمت دولت بیزانس شده ودرملیت های مختلف مستهلک گردید .

سلجوقیان که از ریشهٔ غز بودند بمرور زمان موفق شدندکه تمام کشورهای واقعه بین ترکستان چین ومرزهای مصر وامپراطوری روم شرقی را زیر فرمان خود درآورند . آنها ظاهراً ترجیح داده بودند برادران آشوبگرخودرا درقسمت باختری کشورمستقرسازند. وساکنین ترك آسیای صغیروایالات شمالی ایران از بازماندگان آنها هستند . درطرف شرق غزها یکبار دیگرطغیان کردند وآن درسال ۵۴۸ هجری بود که قبائل مستقر در بلخ برعلیه سلطان سنجر شوریدند وسلطان را اسیرنموده خراسان را غارت کردند . اما این واقعه مگربرای مدت کوتاهی تأثیری در وضع سیاسی بوجود نیاورد . نواحی که غزها درطول رود سیحون و شمال دریای مازندران ودرپاجه ارال ازدست داده بودند بتصرف کیپچاك (قپچاق)ها درآمد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خود حمایت میکرد. هلاکو نیز برعایت حال همسرش با مسیحیان بخوبی رفتار می‌کرد و آنها نیز از این موقع مساعد استفاده کرده در تمام ایالاتیکه زیر فرمان او بود کنیساها ساختند. در مدخل اردوی دوقوزخاتون همیشه کلیسائی بود که در آن صدای ناقوس طنین‌انداز بود.» بنابراین در آغاز دورهٔ مغول مسیحیان مورد حمایت قرار داشتند. مسیحیان که از زمان شکنجه‌های مذهبی دورهٔ ساسانیان ناامید شده بودند دوباره جرئتی یافته به فعالیت پرداختند. اما در قرن سیزدهم قازان‌خان نبیرهٔ هلاکو، دین اسلام را پذیرفت و به مسیحیان و بودائیان در اقلیت قرار گرفتند.

پیش‌ازقازان‌خان ، اباقاخان‌مانند پدرش هلاکو نسبت‌بمسیحیان روش مساعدی‌داشت. درزمان سلطنت اویهودیان جدیدالاسلام غالباً شاغل‌مقامات مهمی در دربارمیشدند، مانند سعدالدین پزشک‌که نخست‌وزیرمتنفذی شد . اما ازآنجائیکه مخالف اسلام بود، ارغون‌خان پسر اباقارا وادارکرد تادیگرسمت مهمی بمسلمانان داده‌نشود . چنین اتفاق‌افتادکه‌ارغون به بیماری مهلکی مبتلاشد وازآن‌درگذشت، درنتیجه سعدالدین وعالی‌مقام‌ترین همکیشانش بقتل رسیدند . جلوس قازان‌خان بتخت سلطنت درسال ۱۲۹۳ علامت پیروزی اسلام‌بود . مراسم تشرف اوبدین‌اسلام باتشریفات وشکوه فراوان بعمل آمد و مرگش موجب تأثر و اندوه‌رعایای‌ایرانیش که‌تحت حمایت‌پادشاه‌مسلمان‌ومتمایل به‌تشیع، خودرا درامان‌میدانستند گردید .

برادرش‌الجایتو خودرا مسلمان وشیعه‌اعلام کرد. اونمایندگانی نزدعده‌ای ازسلاطین خارجی فرستاد تاعلاقه اورا بایجاد رابطه باتمام‌کشورهای جهان اعلام دارند . بدنبال‌این اقدامات بودکه باب‌مکاتبه باپادشاه مصر، پاپ ،«ادوارد» پادشاه انگلستان و«فیلیپ‌اوبل» بازشد. اوبهنگام مرگ،هنوزجوان‌بود ودرسلطانیه‌دربنای باشکوهی‌که برای مدفن‌ائمه‌ایکه دربین‌النهرین درگذشته بودند تعیین‌شده بودبخاک‌سپرده شده ولی‌چون‌اعراب نجف‌وکربلا از بردن اجساد مقدسین بایران خودداری‌کردند ، بنای مزبور منحصراً مقبرهٔ اوگردید (عکسهای ۱۳۶ و۱۳۷). فرزندش ابوسعید هنگامیکه در۱۳۱۷ جای پدر راگرفت‌کودکی بیش‌نبود وبدشمنان وحسودان مجال داد تابرعلیه پزشک و مورخ نامی رشیدالدین سعایت نمایند . درنتیجه اووپسرش را باتهام‌قتل سلطان الجایتوبقتل رسانند .

درهمین‌هنگام زوال قدرت اسمعیلیان ووضع مبهم ایلخانان در برابرمذهب ، اسلام ایران را دچاربحران‌عمیقی‌کرده بود . دراین‌هنگام شیخ‌صفی‌الدین جدپادشاهان‌صفوی در اردبیل‌زندگی میکرد (عکس ۱۳۵).

زمان سلطنت پادشاهان مغول‌ایران‌مخصوصاً برای‌تاریخ نویسان بارور بوده است . حوادث خونین و وحشت‌انگیزیکه باظهورآنان درایران همراه بوده طبعاً میل‌نقل کردن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنها راپدید میآورد . ازطرفی پادشاهان مغول علاقه‌مند بودند که کارهای بزرگ پدرانشان وخودشان بنابرمیل آنها وچنان نوشته شود که مایه‌حیرت و عبرت آیندگان باشد . جوینی اولین نویسنده‌ای بود که تاریخ مغول وفتوحات آنان راتازوال اسمعیلیه واطلاعاتی راجع به‌اصول عقایداین طایفه که درقلعهٔ الموت بدست آمده بود نوشته‌است. بعدازاوجامع‌التواریخ‌است که توسط رشیدالدین نخست‌وزیرمعروف قازان‌خان والجایتو که بایگانی‌دولتی‌وتاریخ‌پادشاهان پیشین این‌سلسله وحوادث مربوطه را دردسترس داشته وازمدارك چینی نیز استفاده کرده تدوین گردید . درهمین زمان است که مورخ وجغرافی‌دان معروف حمدالله مستوفی قزوینی متولد (۶۸۰ هجری یا۸۲-۱۲۸۱ میلادی)تاریخ گزیده راتدوین وقصیده‌ای تاریخی بنام «ظفرنامه» تنظیم نمود که میتوان آنرا دنبالهٔ شاهنامهٔ فردوسی بحساب آورد .

ظاهراً درهمین‌دوره بوده‌است که نقاشی‌ایرانی‌ازنفوذآثارمسیحی وچینی که‌تاآنزمان شدیداً زیرتاثیرآن بوده است آزاد گردیده ، عده زیادی نسخ‌خطی که نقاشی مینیاتورآن بدستور رشیدالدین برای کتاب جامع‌التواریخ تهیه شده به‌پیشرفت انقلاب هنری ایران کمك فراوان کردند .

بعدازمرگ سلطان ابوسعیدکه برای نگاهداری وحدت کشور رنج فراوان برده بود سلسله ایلخانان منقرض گردید . آنوقت‌سرداران مقتدر از آشفتگی که برائرمرگ سلطان بوجود آمده بوداستفاده نموده دم از استقلال زدند . خوشبخت ترین آنها امرای‌آل مظفر بودندکه‌تقریباً ازسال ۱۳۴۰ تا۱۳۹۲ که بدست‌امیرتیمور دستگاهشان برچیده شددرجنوب ایران برفارس وکرمان و اندکی‌هم برعراق عجم وآذربایجان حکوت کردند ، بعداز آن آذربایجان بین‌یکی ازخوانین مغول که برجنوب روسیه حکومت‌میکرد وسلسله‌جلایربغداد دست بدست گشت . شرق‌ایران تامدتی‌بین فرمانروای هرات، یگانه‌شهربزرگ خراسان که ازتاخت‌وتازمغول‌مصون‌مانده‌بود،وطایفه‌ای‌از مغولان که‌حکومت مستقلی‌تاسیس کرده‌و مرکز آن‌سبزواربودتقسیم‌شده‌بودتااینکه دراواخرقرن چهاردهم قبایل دیگری ازقوم‌مغول برهبری تیمورلنگ،ایران رامورد تهاجم قراردادند . تیمورکه خودراازاعقاب چنگیز میدانست فرمانروائی برممالك مفتوحه از جمله‌ایران‌راحق خودمیدانست. مقارن سال ۱۳۷۰ بلخ را بتصرف آورده ودر ۱۳۸۰ خراسان و سیستان و مازندران را هم گرفت وسه سال بعد آذربایجان وعراق عجم وفارس رانیزضمیمه متصرفات خودکرد . وحشیانه‌ترین واقعهٔ این لشگرکشی قتل‌عام اصفهان‌است که درطی‌آن چنانکه‌نوشته‌اند ، هفتادهزارنفر راسربرید و تمام شاهزادگان آل‌مظفر را بقتل‌رساند .

ملاقات معروف امیرتیمور وخواجه‌حافظ درشیراز اتفاق افتاده‌است . حافظدریکی‌از غزلیاتش این‌بیت راآورده است که :

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل مارا بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را»

این شعر بگوش تیمور رسیده خواجه را احضار نمود و گفت: «من قسمت بزرگی از جهان را بضرب شمشیر گشودم و هزاران شهر را ویران کردم تا پایتخت‌های خود را آباد و زیبا کنم و تو آنها را بخال هندوئی میبخشی؟» و خواجه فی‌البدیهه جواب میدهد: «اعلیحضرتا! این بخشش بیجاست که مرا باین روزگار فلاکتبار انداخته است.» و تیمور از این حاضرجوابی شاعر خوشش آمده اورا مورد ملاطفت و انعام قرارداد.

تیمور هرگز مدت زیادی در ایران اقامت نکرد. او اداره امور کشور را بچندتن از فرزندان خود مخصوصاً شاهرخ که در سال ۱۳۹۷ پادشاه خراسان و سیستان گردید واگذار کرده بود، پسر دیگرش میرانشاه عهده‌دار حکومت آذربایجان بود. بعداز مرگ تیمور به سال ۱۴۰۵، شاهرخ، که تاسال ۱۴۴۷ سلطنت کرد، موفق بحفظ وحدت سیاسی امپراطوری که بدست پدرش تأسیس شده بود گردید و کوشید تا خرابیها و خسارات وارده از لشکرکشیهای او را ترمیم کند. بعداز شاهرخ، اعقاب تیمور[1] برسر تقسیم ایران باهم درزدوخورد بودند. بزرگترین و معروفترین آنها سلطان حسین بایقرا است که پایتختش هرات و بر خراسان، وسیستان و گرگان سلطنت کرده است.

باوجود یأس و وحشتی که همواره باسلطنت تیمور همراه بوده، اهل هنر و نقاشان و نویسندگان دست از کار خود نکشیدند. بعضی از آثار آنها از آسیب آن دورهٔ آشفته محفوظ و باقیمانده‌اند. از جمله شاهنامهٔ قاهره که تاریخ آن ۱۳۹۳ ـ ۱۳۹۴ است و کلیله و دمنه کتابخانه ملی پاریس و بعضی نسخ از آثار خواجوی کرمانی است که یکی آنها مجموعه قصائدی

* * *

۱ــ تاریخ سلسلهٔ گورکانی بدو دورهٔ متمایز تقسیم میشود. در دورهٔ اول امپراطوری وسیع فاتح مغول که میان پسران و نوادگان او تقسیم شده بود، تبدیل بدو کشور بزرگ گردید که سهم میرانشاه درغرب و قسمت شاهرخ درشرق بود. قسمتی که زیر فرمان شاهرخ آمد، ابتدا فقط خراسان بود ولی بعداً ماوراءالنهر هم بآن ضمیمه شده در مدت کوتاهی شامل تقریباً تمام ممالک تیموری گردید. این دورهٔ درخشان تاریخ این سلسله بود که در طی آن شاهرخ کوشید تا خرابیهائیرا که پدرش سبب شده بود ترمیم نماید و تمام مساعی خود را صرف حمایت و تشویق دانشمندان نمود. دورهٔ دوم که پس از مرگ شاهرخ آغاز گردید مرحله زوال و انحطاط کشور بود. هریك از شاهزادگان مدعی قسمتی از آن و مترصد احراز حق خود بود. و عجیب آنکه با وجود این گیرودار تجدید حیات علمی و ادبی که باسلطنت شاهرخ آغاز شده بود بعداز مرگ وی رونق خودرا از دست نداد. تمام مدت قرن پانزدهم عصر طلائی ادبا و ارباب هنر و دانش بود. دربار سلطان حسین بایقرا، ماقبل آخرین پادشاهان تیموری از نظر دانش پروری از دربار شاهرخ بهیچوجه کمتر نبود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

است که درسال ۷۹۸ هجری (۱۳۰۶ میلادی) در بغداد توسط خوشنویس معروف میرعلی تبریزی استنساخ شده و اکنون در «بریتیش میوزیم» لندن موجود است. این اثر نفیس توسط نقاش معروف جنید ، شاگرد شمس الدین مصور گردیده . آثار این هنرمند که ظاهراً برای سلطان احمد جلایر کار میکرده ، مقدمه گرانبهائی از هنر دورهٔ تیموری است که عوامل اساسی آنرا که ترکیب وتناسب ورابطه کافی بین بازیکنان صحنه‌های نقاشی شده و کادری که در آن درحرکتند ، و دقت وسواس آمیز درجزئیات وغیره است ، همه را در بر دارد . باوجود اینکه مینیاتورهای مزبور اغلب درشیراز ساخته شده‌اند ، بستگی‌شان بمکتب نقاشی این شهر خیلی کمتر از شباهتی است که بسبك نقاشی اواخر قرن چهاردهم جلایریان بغداد دارد. واین شباهت است که نقاش و نویسنده عالیمقام ، دوست محمد را معتقد کرده است که «مبداء نقاشی مدرن عصرما ، دربار جلایریان بوده است » .

جالب‌ترین نکتهٔ سبك جلایری در خصوصیات جدیدی که بآن اشاره شد نیست بلکه دراین است که وسعت دائرهٔ هنر نقاشی قبلی را نشان میدهد . هنرمند جلایری درآثار خود نکات اصلی مینیاتور عصر تیموری را تثبیت نموده است .

باین ترتیب ، درآخر قرن چهاردهم سبکی از نقاشی پدید آمد که امتیازش دراین بود که فرمولهائیرا که جدیداً اقتباس شده بود وارد ترکیبات خود نمود و تصویری بوجود آورد که شخصیت‌های انسانیش وضع زهد ورهبانیت خودرا حفظ کرده اما مناظر ازقید اصول ومقررات آزادو وارد عالم وهم وخیال شده‌اند. زمین بسوی آسمان بالامیرود ، آسمان با نقاط طلائی ، ستارگان را تجسم میدهد. شخصیتهای مرد وزن هنوز نقش ناچیزی را ایفا میکنند .

درعصر تیموری که نسبتاً دورانی آرام و ثمربخش بود ، ارباب هنر توانستند با تشویق و حمایت سلاطین و بزرگان بعنور وسیع‌تری هنر خود راگسترش دهند . شاهکارهای مهم ، منظومه‌های حماسی وعشقی مانند لیلی ومجنون ، هما وهمایون وغیره را مصور کردند .

بنابراین درنیمه دوم قرن چهاردهم است که میتوان درایران نقاشی‌هائی با تمایلات ایرانی مشاهده نمود. پس ازتثبیت سبك مزبوردورهٔ تجلی پیشینیان بهزاد ، وخودبهزاد است و هم آنوقت بود که آداب و رسوم وذوق تخیل وسیرزندگی درمحیط صفاوتلطیف ، که اراضی بایروصحاری خشك وبی آب وعلف آسیای مرکزی را باگلهای لطیف وزیبا درکنارجویبارهای سیمگون میآراید ، تجسم یافت . صحنه‌هائی بوجود آمد که درآن صیاد در تنگنای صخره‌ها بدنبال غزال وحشت زده است ، اسبها آزادانه درچمن‌زارها میگردند ودرنقطه دیگرسواران درجولانندو درحال مبارزه بدورهم میچرخند .

قرن شانزدهم ازنظرهنری دورهٔ شدت فعالیت بود. ارباب هنردسته دسته درکارگاهها بکارپرداختند. خوشنویسان ، نقاشان ، صحافان ومذهبکاران ، نسخ خطی بوجود آوردند که ما

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از تماشای زیبائیهای آنها سیر نمیشویم . مانند بوستان سعدی، که بدست بهزاد نقاشی شده و اکنون درموزهٔ قاهره موجود است، شاهنامه فردوسی درموزهٔ گلستان تهران، هما وهمایون خواجوی کرمانی، درموزهٔ وین و بسیاری از آثار دیگر که در نقاط مختلف جهان پراکنده است

در طی نیمه دوم همین قرن شانزدهم، هنرمندان چیره دست بقدری فراوان شدند که عده‌ای ازمینیاتوریستها بکابل وهندوستان مهاجرت کرده ودر دربار پادشاهان اقامت گزیده زیر نظر نقاشان ایرانی مانند عبدالصمد شیرازی، میرسید علی تبریزی وآقارضا هراتی بکار پرداختند... این دربارهندی که ازایرانیان اشباع شده بود، هنری واقعی‌تر وطبیعی‌تر از هنرایرانی بوجودآورد که بیشتر به پیکرنگاری وتصویر صحیح گلها و حیوانات ومناظر طبیعی توجه داشت .

بعدهادرقرن هفدهم درایران نقاشان درجستجوی این بودند که آثارخودرا بیشتر جنبه تصنعی ودور ازحقیقت دهند. وضع بیحال شخصیتها ودلپسندی رنگها یك نوع حالت تصنعی بکارهایشان میداد که ازارزش قدیمی هنربسی میکاست .

معماری ، وتزئینات مربوط بآن ، وصنایع کوچك بطور کلی دردورهٔ تیموری مخصوصاً ترقی ورونق داشته است (عکس‌های ۴۲ ، ۱۴۳ و ۱۴۴) درنواحی دریای خزر ودربخش اسلامی هند، نفوذ فرهنگی ایران قابل ملاحظه بود برعکس درخراسان ومرکز فرهنگی آن هرات ادبیات ترکی جغتائی که مروج آن در دربار سلطان حسین بایقرا ، علیشیر نوائی بوده ترقی و توسعه یافت. بنابراین ایران شرقی از نظر فرهنگی و ادبی رفته رفته از غرب مجزا میشد .

حوادثی که سبب روی کارآمدن سلسلهٔ صفوی که عموماً یك سلسله ایرانی کاملاً ملی شناخته شده است گردید، درآذربایجان فراهم شد. دراین ایالت ازایران بود که سلسله ترکمان قراقویونلو استقراریافته شهرتبریز را پایتخت قرارداد . درزمان پادشاهی بزرگترین آنها جهانشاه ، بانی بزرك آثار معماری (عکس‌های ۱۴۵ و ۱۴۶ و۱۴۷) بود که قدرتش تقریباً برتمام ایران غربی ودرشرق تا هرات حکمفرما شد . ونیز دراین ایالت بود که اوزون حسن رئیس ایل آق‌قویونلو درسال ۱۴۶۷ پس ازغلبه برجهانشاه واردآنجا شده ایران غربی را بتصرف درآورد و یك سلسله جنگهائیرا برعلیه ترکان عثمانی آغازکرد که سه‌قرن طول کشید . جانشینان او با شیخ‌حیدر وسلطانعلی که ازرؤسای خانواده صفوی وباآنها خویشی نزدیك داشته ودرآنوقت درآذربایجان نفوذفراوانی داشتند بزدوخورد پرداختند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میانشان نفوذ عمیقی پیدا کرده بود آغاز گردید. اهمیت سیاسی، که قبائل مزبور در مدت فرمانروائی شاه اسماعیل مؤسس سلسلهٔ صفوی کسب کردند، واکنشی بود که مردم باختر ایران، که همواره مترصد ابراز مقاومت در برابر نیروهای خارجی بودند بآسانی و رغبت بآن گرویدند.

شاه اسمعیل یکی ازاعقاب شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که باشش پشت باومیرسد و مانند پیشینیان خود، شیخ‌طریقت ورئیس روحانی فرقه بوده است : با وجوداین هیچ‌چیز اجازه پیش بینی چنین‌آینده عجیبی دربارهٔ او نمیداد . سه برادر بودندکه پدرشان شیخ حیدردرجنگ با سپاهیان شیروانشاه کشته شد. سلطان یعقوب‌پسراوزون‌حسن آق‌قویونلو وخالوی‌آنهاقصدنابودیشان‌راداشت‌اماچون پسران خواهرش بودند، برای‌جلوگیری‌ازایجاد پیچیدگی خانوادگی ازکشتنشان صرفنظر کردو آنهارادرقلعهٔ‌استخروبنابرقولی‌درارمنستان درجزیره‌ای‌از دریاچهٔ‌وان زندانی نمود. اما آنها زنده ماندند وبه‌لاهیجان گیلان که پیروان زیادی درآنجاداشتند پناه بردند .

اسمعیل که ظاهراً پنهان میزیست درسن سیزده سالگی باعدهٔ یازده نفری که همراه داشت آنجا راترک کردو بطرف اردبیل که مرکزصوفیه‌بود رهسپارشد وهرچه‌بانجانزدیکتر میشدبرعدهٔ پیروانش که باومی‌پیوستندمیافزود. مدتی‌درشمال دریای‌خزربصیدوشکارپرداخت تا ازاطراف هوادارانش باوگرویده کمر بخدمتش بستند، باین ترتیب سپاه کوچکی‌ازافرادی که متکی بمریدان پدرش بودند وقبائل ترکی که ازخود اوطرفداری میکردند تشکیل‌داده به‌پادشاه شیروان که جدش شیخ‌حنید راکشته بودحمله کرد . دراین حمله شیروانشاه وتمام اعضاء خانواده‌اش کشته شدند .

یك بازرگان‌ونیزی که درآنموقع درگیلان بوده‌مینویسد: «مریدان اسمعیل‌ومخصوصا سربازانش‌که حاضرند درخدمت‌اوجنگ‌کنند او را مانند خدا میپرستند ومعتقدندمولایشان آنها را درجنگ،ازگزند دشمن حفظ خواهدکرد.» همین بازرگان‌اضافه‌میکند: «درایران نام خدا فراموش شده وفقط اسمعیل است‌که نامش برسرزبانها ست ».

اسمعیل همیشه پیرومذهب شیعه ودرعقیده خود راسخ بوده است. هنگامیکه درسال ۱۵۰۲ درتبریز تاجگذاری‌کرد مذهب شیعه را مذهب رسمی کشوراعلام نمود واز عنوان «شیخ» متصوفه اردبیل دست‌کشیدوبعنوان شاه‌ایران‌مقرخود را درتبریز قرارداد. شیروان وآذربایجان وعراق عجم رامتصرف شد. درسال ۱۵۰۸ قدرت شاه‌اسمعیل ازشرق تاهرات وازغرب‌تابغداد گسترده‌بودوشهرهای مقدس کربلا ونجف رانیزدرتصرف داشت .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شاه اسمعیل با سلطان حسین بایقرا که پایتختش هرات، تا پایان عمر او مرکز علم و ادب بود روابط نیکی برقرار کرد. اما دو دشمن نیرومند او، ازبک‌ها و ترک‌ها، همواره مترصد فرصت بودند تا باو حمله کنند. شاه اسمعیل درمرو با ازبکان جنگ کرد. در این جنگ رئیس آنها شیبان خان کشته شد. اما در جنگی که با ترکها کرد شکست خورده تبریز و بین‌النهرین و ارمنستان غربی را تا موصل از دست داد. ولی فتح گرجستان تا اندازه‌ای رنج این شکست را تسکین داد. در سال ۱۵۲۴، در اردبیل که مسقط الراس او و آرامگاه خانواده‌اش بود درگذشت.

سلسلهٔ صفوی تا سال ۱۷۳۶ یعنی تا مرگ شاه عباس سوم نوه شاه سلطان حسین دوام داشت.

با وجود اینکه خاندان صفوی چنانکه اشاره شد اصلا ترک بودند، معتقدات مذهبی و تعصبی که نسبت بمذهب شیعه داشتند سبب شده بود که این خانواده یك سلسلهٔ ملی شناخته شود. از طرفی دوام طولانی سلطنت آنها و استقلال مذهبی کشور در بوجود آمدن ملیت واقعی ایرانی که توانست بدون متلاشی شدن دورهٔ آشفتهٔ قرن هیجدهم را پشت سر گذاشته و بیش از پیش تثبیت گردد کمك موثری بوده‌است. باوجود این پادشاهان صفوی در تمام مدت سلطنت خود ناگزیر بودند وجود امرای نیمه مستقل و قبائلی را که عمال عالیمقام و اشراف کشور از میان آنها برخاسته بودند تحمل کنند. اداره امور کشوری و لشکری هیچگاه هماهنگی و نظم دلخواه را نداشته است. قدرت حکومت در داخل کشور بدون اعمال خشونت شدید، چنانکه شاه عباس اول بدان عمل کرد، قابل نگاهداری نبود. بهمین جهت است که مرزهای کشور صفوی درخاور و باختر هیچگاه استوار و ثابت نبوده است. نواحی شرقی خراسان و قسمت‌های جنوبی آن که از نظر مذهبی از ایران باختری مجزا مانده بود زیر فرمان پادشاهان صفوی قرار نگرفت. بلخ و مرو تقریباً همیشه در دست ازبك‌ها بود. فقط قسمت باختری خراسان و هرات و شهر مشهد و قسمتی از سیستان در قلمرو ایران صفوی بود.

در باختر ایران، میان ایران و ترکهای عثمانی دائما بر سر تملك نوار مرزی که گرجستان و خلیج فارس را بهم می‌پیوندد زد و خورد بود. در قرن شانزدهم ترکها نیرومندتر بودند و بین‌النهرین و عراق و آذربایجان را متصرف شدند. در سلطنت شاه عباس قسمت بزرگی از این نواحی از آنها پس گرفته شد. اما تجدید تصرف بغداد در سال ۱۶۲۸ توسط سلطان مراد پنجم به برتری ایران در وادی دجله پایان داد، ولی آذربایجان و قسمتی از ارمنستان و گرجستان همچنان در تصرف ایران باقی ماند.

بیشتر پادشاهان صفوی مدت سلطنتشان طولانی بود، شاه طهماسب اول پنجاه و دو سال از ۱۵۲۴ تا ۱۵۷۶ سلطنت کرد. این پادشاه شخصاً متعصب و بی‌رحم بود و مردم اورا دوست

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نمیداشتند. امادردوران پادشاهی او، هنر ایران مسلمان باوج ترقی رسید، درزمان او بهزاد[1]. نقاش نامی که در دربار سلطان بایقرا وسپس در تبریز در خدمت شاه اسمعیل کار میکرد، کارگاههای نقاشی و خوشنویسی و صحافی او را تا سال ۱۵۳۷ که زنده بود اداره کرد و هنرمندانی مانندقاسم علی، آقامیرک، مظفرعلی زیردست اوتربیت شدند. وهم درزمان این پادشاه است که در شمال کشور قالیهای صحنه شکار (عکس رنگی٤) که معروف‌ترین آنها در موزهٔ Poldo Pezzoli میلان محفوظ است بافته شده‌است. دراثر اقامت همایون امپراطور هند در دربار شاه طهماسب بود که مکتب جدید نقاشی، که زائیدهٔ هنر ایرانیست در دربار امپرا طورمغول هند بوجودآمد.

درخشان‌ترین بخش سلطنت صفویه دوران پادشاهی شاه عباس اول[2] نوهٔ شاه طهماسب اول‌است. اوازبکان‌راکه مشهد را بتصرف‌آورده بودند شکست خونینی داد ودرجنگی که در نزدیکی تبریز با ترکان عثمانی کرد برآنها پیروزشده پیمان صلحی باآنهابست که طبق‌آن ترکها میبایستی سالیانه خراجی معادل‌صد بارابریشم بایران بپردازند. چند سال‌بعدموصل وگرجستان‌را اشغال‌کرد. سپس جزیره هرمزرا ازپرتغالیها پس‌گرفت.

پس از انتقال پایتخت از قزوین باصفهان شروع بساختن ابنیه بـا شکوه و احداث خیابانهای وسیع‌وباغهای باصفا نموده‌آنجا را بصورت پایتخت با شکوهی درآورد. (عکس ۱۵۵) هنرمندان وارباب صنایع را بآنجا جمع نمود ساکنین جلفا درساحل رود ارس را بآنجاآورده درحومه شهر، شهرکوچکی بنام جلفا برایشان ساخت. درسراسرکشورراه‌ها، پل‌ها، کاخها و کاروانسراها ساخته، امنیت‌آمد و رفت در راه‌ها را با تعقیب و قلع و قمع راهزنان برقرارکرد. علاوه براینها استقرارمؤسسات خارجی، چه مذهبی وچه بازرگانی را درایران‌تشویق وحمایت‌کرده باکشورهای بزرگ اروپا ایجاد روابط ممتد نمود.

درمیان‌پادشاهان صفوی، اولین، دومین وپنجمین‌آنها یعنی اسمعیل، طهماسب وعباس حقیقتاً پادشاهان بزرگی بودند ولی بقیه فقط خونخوار و متعصب بوده‌اند.

درسال ۱۷۰۹ میلادی درقندهار یکی از شهرهای افغانستان از جانب پیروان مذهب

* * *

۱ ــ بهزاد مینیاتوریست نامی ایران است که در آثارش طرز کامل ترکیب و رنگ آمیزی و و نمایش طبیعی حقایق بطورغیرعادی دیده میشود. درسال‌به۹٤۲ هجری درگذشت، آرامگاهش درتبریز است.

۲ ــ شاه عباس اول، ملقب به بزرگ، فرزند و جانشین محمد. خدا بنده در ۹٦۵ هجری ۱۵۵۷ میلادی متولد وپس‌از٤۳ سال‌پادشاهی‌درسال۱۰۳۸ هجری، ۱٦۲۸ میلادی درفرح‌آباد مازندران درگذشت.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تسنن شورشی برپاشدکه حرکت مذبوحانهٔ شاه سلطان حسین‌در برابرآن بیهوده بود . شورش‌مزبور، آغازپیدایش دولت‌افغان گردید. درسال ۱۷۲۲ لشگرمحمود افغان اصفهان‌را گرفت وسپس به‌مدت هشت سال برایران حکومت‌کرد. تمام شاهزادگان صفوی راغیراز طهماسب فرزند سلطان حسین‌کشت (عکس ۱۷۸) . طهماسب‌که توانست فرارکند بساحل دریای خزرپناهنده شد. درآنجا یکی‌ازروسای قبایل‌خراسان بنام نادرقلی (نادرشاه‌آینده) خدمت خودرا باوعرضه‌کرد .

در همین زمان پطرکبیر تزار روسیه با ترکها برسر تقسیم ایران توافق کرده و باانتظار تحقق این برنامه هریك از آندو شروع بتصرف سهم خود از ایران نمود . ترکها ایروان در قفقازیه و همدان را اشغال‌کردند. پطر، دربند وباکورا درساحل غربی دریای خزربتصرف درآورد .

نادر در سال ۱۷۳۶ میلادی پس از برکنارکردن‌آخرین پادشاه صفوی تاجگذاری کرده لشگریان خود را تا بغداد، بخاراو دهلی حرکت داد و در سال ۱۷۴۷ کشته شد .

هنگامیکه نوهٔ نادر ، شاهرخ در خراسان سلطنت میکرد مرد شریفی بنام‌کریم‌خان زند که بعداً لقب وکیل الرعایا برخود نهاد، زمام امورکشور را بدست گرفت و وحدت ایران را بـاز گردانده در استقرار امنیت و آرامش آن همت گمـارد وشیراز راپایتخت قرارداد . در آنجا ساختمانهای عالی و فراوانی بنا کرد ولی در معماری (عکس‌های ۱۶۳ و۱۶۷) وبخورکلی‌هنرزمان او (عکس‌های ۱۶۴ و۱۶۵ و۱۶۶) ابتکارقابل‌ملاحظه‌ای دیده نمیشود .

مرگ‌کریمخان درسال ۱۷۷۹ یك دورهٔ اغتشاش وآشفتگی بدنبال‌آورد وبین اعضاء خانوادهٔ‌کریم‌خان وایل مقتدر قاجار برسرفرمانروائی ایران کشمکش و زد و خورد در گرفت. یکی ازرؤسای قاجار، آغا محمدخان، با استفاده ازموقع، تمام کشور را زیرسلطه و اقتدار خود درآورد . درسال ۱۷۹۶ در تهران بتخت نشست و در سال ۱۲۱۱ هجری بقتل رسید .

سلسله پادشاهان قاجار از آغامحمدخان آغاز شده و تا سال ۱۹۲۵ دوام یافت. در ۲۵ اوت ۱۹۲۶ با کودتای سردارسپه حکومت قاجار برچیده شد و حکومت پهلوی جایگزین آن گردید.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۲ ایران اسلامی

اول باید بگویم چه تفاوتی میان یك ساختمان ایران پیش ازاسلام وساختمان دیگر ایرانی دورهٔ اسلامی‌وجود دارد: بدیهی است اینجا مقایسه یك‌کاخ ساسانی بـایك مسجد با طرح عربی یعنی سبکی‌که ازخارج وارد وبایران تحمیل وپس ازچند قرن منسوخ شده نیست، بلکه مقایسه ساختمانهائی ازریشه خالص ایرانی مثلاکاخ فیروزآباد یامال سروستان بامسجدجامع اصفهان یامدرسه تیموری خارگرد است. هریك ازابنیه نامبرده درآخرمانند سه‌تای دیگرترکیبی‌است ازایوانها وگنبدهائی برقاعده مربع. درهمه،همان ایوانها وهمان گنبدها هستند. تفـاوتی‌که هست نه درساختمان ونه درشکل‌آن ونه‌حتی درطرح نقشهٔ‌آنها است، زیرا درحقیقت تفاوت زیادی بین‌کاخ فیروزآباد ومدرسه تیموری خارگرد [۳۳۶] نیست بلکه درمنظره ولباسی است‌که اسلام برساختمانهـای ساسانی پوشانده وخواسته است مفهومی بـآنها بدهدکه معماری ایرانی وسایرمللی راکه‌تحت رژیم خوددرآورده‌بودنسبت به وضع پیشینشان متمایزسازد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پس ابتدا وبطورکلی دربارهٔ مفهوم هنراسلامی گفتگوخواهم کرد. شاید بحث قدری طولانی شود و این بسبب نبودن نمونه‌های محسوسی است که ما را از اقامه برهان بی‌نیاز کند. بنظرمن یك توضیح مقدماتی برای درك صحیح هنرایرانی ازظهور اسلام تا امروز لازم است .

هنرمعماری اسلامی مدتها مجموعی ازطرق ساده ساختمانی و فرمولهای تزئینی شناخته‌شده که اسلام از ملل‌تابعه خود اقتباس کرده بود . اصالت‌انکارناپذیرساختمانهایش، نتیجه یکی‌کردن تکنیك‌های مختلف وخود این یکی‌کردن تکنیك‌ها ، نتیجه انطباق آنها با احتیاجات مخصوص عالم اسلام بنظرمیآید. باین حساب تاریخ مبادی معماری اسلامی جزبرشمردن مبادی مختلف عواملی که‌قبلاً وجود داشته‌اند وشرح چگونگی تحولات مستمر آنها نخواهد بود وبالاخره برای یك محقق وتاریخ‌نگارمسئله درتحقیق‌وسنجش سهمی‌است که هریك از سبك‌های معماری دربوجودآوردن‌آن داشته وگرفتن این نتیجه است که آیا معماری‌اسلامی بیشترایرانی بوده‌است یامصری، بیزانسی یارومی یاساده‌تر : قبطی در مصر یابیزانسی درشام وبالاخره درایران ایرانی،وغیره بوده‌است ودست‌آخر نتیجه این‌خواهدشد که‌آنرا بهیچ برساند .

اما امروز دیگر بررسی یك هنررا ازنقطه نظرمصالح نگاه نمیکنند؛ چه درحقیقت معماری دیگرعبارت ازمجموع طرق و فرمولها نیست، همچنانکه مثلاطرزتکلم ادبیاتی را بوجود نمیآورد. هنرنه‌سنگ‌نه‌آجراست نه‌مهارت‌وتردستی‌استادکار هنرقبل‌ازهرچیزانعکاس روح هنرمند و چکیده نمایان نیروهائیست که‌آنرا رهبری میکند وتکنیك معماری هم مانند تکلم جزوسیله ابرازوآلتی درخدمت روح نیست. همچنانکه عامل‌مهم درادبیات وجودادیب است، عامل‌اصلی درمعماری هم بیش ازهرچیزوجود معماراست واصل مهم درهنرمعماری‌یك ملت، روح اجتماع‌آن ملت‌است. بنظرما معماری یونان نه‌یك‌طریقه ساختمان بلکه عصاره نمایان‌روح‌موزون پسند ملت یونان‌است. معماری‌رومی‌ازریشه گرفتهٔ تا شاخ وبرگش‌نمایندهٔ صفات نظم‌وقدرت وه‌اوتیلیتاریزم» است. که ازمختصات روح رومی‌میباشد. معماری‌بیزانسی پرتوی ازآمیزش روح‌آسیائی ویونانی بیزانس است چنانکه‌کلیساهای بزرگ ما عظمت‌روح وپرستش را مینمایاند .

معماری اسلامی هم ازاین مفهوم‌مستثنی نیست. منظوری که‌محرك‌بکاربردن فرمولهای تزئینی وشیوه‌های ساختمانی است بهترازعوامل اکتسابی‌آنرا مشخص میکند بخصوص که ما اینجا با هنری سروکار داریم که هرگزتحت نفوذ عشق نسبت بجنبهٔ حرفه‌ای‌آن نبوده‌است. درحقیقت اسلام سازنده نبوده ، باین معنی که اغلب‌آنچه ساخت بسیار بدوناموزون بود، نه شکل تازه‌ای در ساختمان ابداع‌کرد و نه یك روش پارتنون Parthénon و پانتئون

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ساختمانی را تکمیل نمود. ازاین نقطه‌نظر هیچیك ازساختمانهای اسلامی قابل مقایسه با Panthéon رم یا کلیسای امین Amiens نیستند. حتی مساجد هم‌رویهمرفته اقتباس است. طرح ها ، گلدسته‌ها ، محرابها ومنبرها وحتی عواما، تزئینی وآمیزش رنگها وغیره همه در معمارهای معاصر فتوحات عرب موجود است . وغیراز اینهم نبایستی بوده باشد .

معماری اسلام درحالی‌شروع بکارکرد که فاقد هرگونه علم واطلاع وسابقه باستانی درهنرمعماری بود. بعبارت بهتر، کاررا بادست خالی شروع کرد. اسلام هنگامیکه ادارهٔ امور امپراطوری‌وسیع خودرا بدست گرفت میبایست خواهی نخواهی بتمام نیازمندیها پاسخ دهد. ساختمان هم یکی ازآنها بود. بنابراین هرچه ازعوامل ومصالح معماری دراطراف خود یافت بکاربرد، بدون‌آنکه نظری نسبت بانتخاب‌آنها داشته باشد وبدون‌آنکه اقتضای انتخاب کردن وجود داشته‌باشد یابخواهد انتخاب‌کند. درمرحله اول تمام اقسام طاق: سوریه‌ای، رومی ، بیزانسی وایرانی را مورداستفاده قرارداد وستونها، جرزها، آجر وسنگ، مرمر، موزائیك، نقاشی، حجاری وتمام طرق‌ساختمان وتزئین‌که درکشورهای‌اسیای غربی معمول و متداول بود، بدون‌آنکه یکی‌را بردیگری برتری نهد بکاربرد. درآغـازکار فقط فرمان میداد وسفارش میکرد ولی درچگونگی‌کارمداخله نمیکرد. اما کمی‌بعد درراه تربیت‌وتکامل پیشرفت‌کرد و طولی نکشیدکه درآنچه ازدیگران تقلیدکرده بود تجدیدنظر نمود آنهائیرا که باطبیعت ومقتضیات اوهماهنگی نداشت وبیگانه مینمود ویاباسلیقه‌اش سازش نداشت حذف نمود ودرواقع معمارشد نه‌سازنده. کمال مطلوب یك استادکارحقیقی‌که « ساختن ازروی علم‌و بصیرت وبرای همیشه» است برای اوهمیشه بیگانه وناماًنوس بود. هیچگاه بدوام ابنیه‌خود دلبستگی‌نداشته برعکس بپیروی ازه کل‌من‌علیهافان»، منکرآن بود. میتوان گفت هیچ‌هنری ازتکنیك خاص خود مستقل‌تر وفکری‌تر ازمعماری نبوده است. پس مبداء وریشه‌آنرا در کارهای اقتباس‌شده‌ازمعماریهای خارجی جستجوکردن بیهوده‌است، این مبادی همه‌درخود اسلام ومولود الهامی است‌که ازدنیای خاص خودگرفته ونظیرآن درتمام تجلیات فکراو دیده میشود .

دراینجا شکل‌ها، فرمولهای تزئینی وطرق ساختمان موردتوجه مانیست مگرآنجاکه هنرتابع وسایل بیانش میباشد. مورد علاقه مابیشترجستجوی اینست‌که درت هنری‌مؤسسین اسلام دردورهٔ پیش ازاسلام‌چه‌بوده‌وبعدزیر اثیردوعامل: تعالیم پیغمبر وفتوحات محیرالعقول اسلام‌بچه‌صورت درآمده است .

درحقیقت اسلام درآغاز طلوع خود جز اصول اخلاقی چیزی همراه نداشت . اگر آنرا در مراحل اولیه‌اش بررسی کنیم چنین بنظرمیآیدکه ازلحاظ ایجاد ماالهام یك هنر جدید ، ازمسیحیت هم ناتوان تر بوده است. اسلام درناحیهٔ تقریباً بیابانی عربستان طلوع

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کرد که بیشتر مردمش ناگزیر بیابان نشین هستند . ازشهر وشهر نشینی جزچند واحه از کشاورزان وبازرگانان که اصلشان بدوی بوده خبری نیست. مردم آنجاهمواره یادرصحاری وسیعی بطور خانه بدوش زندگی میکنند، که توقف وتجمع درآنجا بحکم طبیعت غیرمقدوراست، یا درواحه‌های کوچك پرت افتاده . این قوم پیش از اسلام هرگز دست بتهاجم بخارج از اراضی خود نزده بود و همان دلائلی که آنها را ازاجتماع برای حمله بخارج بازمیداشت مانع تسلط خارجیان برآنهاهم بوده‌است. کلدانیها، مصریها ، رومیان ، ایرانیها وحبشیها فقط بسواحل وحواشی این شبه جزیره دست یافته‌اند. تا زمان پیغمبر که معامله‌غالب ومغلوب درمیان نبود همه خصوصیات نژادی خودراحفظ کردند. عده‌ای از اعراب که ناتوان‌تر وکم همت تر ازدیگران بودند بامیدزندگی آسان‌تر بکشورهای غنی‌تر وحاصلخیزتری مهاجرت کرده سوری یاایرانی شدند اما اکثریت آنها بزندگی بادیه‌نشینی وفادارماندند واینها بودند که لشگریان راتشکیل داده پس‌ازفتوحات اسلام فرماندهان لشگر وحکام ولایات یاخلیفه شده واولین‌مشتریان معماری اسلامی‌شدند. وازاین‌نقطه نظراینها مخصوصاً برای تحقیق ما سودمندند. چگونه وچرا این «مردم زمان جاهلیت» ، این چوپانان بی‌نیاز و فقیرترین و نادان وبیسوادترین مردم ، خلاصه این بیابان گردها توانستند چنین‌عمیقانه در هنری نفوذ کنند که تا آنزمان نسبت‌بآن کاملا بیگانه بوده‌اند؟ بدست‌آوردن پاسخ این پرسش یکی از موارد اصلی‌تحقیق ما است .

عرب بادیه‌نشین یاچوپان است‌یاساربان، اوگوسفندان وشترهای خودرا باقتضای‌فصل ازقلب صحراتامرزکشورهای غنی وپرجمعیتی که عشق‌بآزادی اورا ازاستقرار درآنها مانع میشود جرا میدهد.

تاهنگامیکه‌باران‌بهاری‌زمین را از علف‌های تازه سبزپوش کند ازچراگاهی بچراگاه دیگر میرود ودرتنهائی‌وبی‌آبی‌بسرمیبرد. درچندهفته که گله‌هاعلفها راچریدندخواهندتوانست دورازآبشخورزندگی کنند. خوداوهم‌ازشیرشترها تغذیه‌خواهدکرد تازه این‌درموقع‌فراوانی است.ولی‌طولی نمیکشدکه آفتاب ، صحرا راخشك میکند وسیاه چادرها بنواحی مسکون نزدیك میشوند . گوسفندها رابفروش میرسانند یاباغله، قماش،اسلحه،زینت برای زنهایشان مبادله میکنند . اما گاه میشودکه صحرا گرفتارقهرطبیعت وخشکسالی میشود وگاهی‌این خشکسالی چند سال متوالی دوام دارد یابارانهای‌شدیدوغیرعادی‌ناگهان دره‌های سبزوخرم رابه رودخانه تبدیل میکندکه گله وزندگی‌صاحب گله را باخودمیبرد. گاه‌میشودکه آفتاب پیش‌ازوقت سوزان میشود یادزدان وبیماریهای دامی گله‌هارا نابودمیکنند . آنوقت است‌که فقر وبدبختی نازل میشود وزورمندان به‌ناتوانان‌ستم‌می کنند ومتعاقب‌آن کینه‌توزی وانتقام که‌بیشتر اوقات باناپودی هردوطرف متخاصم ومعدوم شدن کامل قبایل بپایان میرسد. در

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زندگی دوران جاهلیت بر خلاف عقیده رنان Renan[1] مهر و عاطفه وجود ندارد و هر چه هست محرومیت و رنج، غارت و زد وخوردهای خونین است شرایط سخت و ناگوار زندگی بادیه‌نشینی اورا موجودی هرج ومرج طلب و خودسر، بی‌انضباط و بطور وحشیانه‌ای خودپرست میکند. چنانکه نمونه آن اکنون نیز دیده میشود وهمیشه هم اینطور بوده فقط دردورهٔ قهرمانانه صدر اسلام بود که تعصب سوزان و نیروی ایمان توانست این نژادگان رام نشدنی صحرا را اگر نه باطناً، دست کم بصورت ظاهر بدورهم جمع کند. چنانکه H.Lammens میگوید: «خود پرستی خلاصهٔ بزرگترین نقیصه اخلاقی [۳۳۷] وهمچنین مولدصفات اصلی اوست. عرب صحرا نشین چنانکه در ادبیات اسلام توصیف شده «موجود وحشی» «یغماگر کاروانها، غارتگر زائرین، سوسمارخوار، وحشی خطرناك، راهزن بی‌ایمان، عربده جو، حیوان منش و وقیح است.» ابن‌خلدون میگوید: «اگر عرب بیابانی برای بستن اجاقی که دیگ خودرا بر آن نهد احتیاج بسنگ داشته باشد، بنائی راخراب میکند تاسنگ موردنیازخود رابدست آرد؛ اگرچوبی برای تیرك چادرش بخواهدسقف خانه‌ایراخراب‌میکند تاازچوب آن‌استفاده کند ... هر کشوری که بدست‌بیداد اوافتدکشورویرانی است.»

بنابراین اوآدم‌بسیاربدی‌است، ودراین حرفی‌نیست. اما نوع‌زندگی که اورا ازاجتماع دورنگاهمیدارد وبفعالیت خستگی ناپذیری وادارش‌میکند. وقتی‌حیثیت، غرور انسانی آزاد را دروجودش تهیج کند مواهب جبلی شهامت، سخاوت، مهمان‌نوازی در اوتحریك میشود. آنوقت سخاوت اورا حدی نیست. اما صفت قابل‌ملاحظه‌ایکه در زد و خوردهایش برعلیه بیزانس وایران اورا یاری کرد تاپیروزمنداند با دشمنانش که بهتراز اومسلح ومتشکل بودند بجنگد، صبروبردباری وثبات اوبود که اورا درمبارزهٔ مستمر برعلیه طبیعت، آفتاب سوزان و و سرمای شبانه، خستگی، گرسنگی، بادهای خفقان‌آور جنوب، حیوانات درنده؛ صحرا و دشمنان انسانیش تقویت میکرد. این مقاومت پرشور وضامن‌آزادیش، باوخاصیت فولاد داده که خم شود ولی نشکند وباواجازه میدهد تا درآب وهوائی که غیراز او وشترش همه‌چیز را پژمرده‌ونابود میکند بحیات وبقای خود ادامه دهد. برای باورکردن این‌مطلب بایدقصائد قابل تحسین بادیه‌نشینان عصر پیش ازاسلام را خواندکه ذکرش مربوط بموضوع بحث ما نیست [۳۳۸] و [۳۳۹].

دانشی که این صحرانشینان بکسب آن دلبستگی داشتند تقریبا منحصر بداشتن شجره نسبشان بوده که با تاریخ نژادشان و تاریخ ستارگانیکه در راه‌پیمائیهای شبانه

* * *

۱ــ «نمیدانم آیادرتمام تاریخ تمدن باستان منظره‌ای جذاب‌تر ودوست‌داشتنی‌تر وروح‌دارتراز دورنمای زندگی عرب پیش ازاسلام وجود دارد؟»

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

راهنمایشان بود مخلوط گردیده . آنها معتقد بودندکه وجود ستارگان در نزول باران و وضع مراتع و بالنتیجه شرایط زندگی مادی و مخصوصا در قوانین و غنای زبانشان موثر است .

ازنقطه‌نظرهنری قبل‌ازاسلام چیزی نداشتند وحتی‌اگرکلمه هنر رانمایش اشکال و پیکرنگاری فرض‌کنیم محقق و بدیهی است‌که هرگزهنر بدوی وجود نداشته است . اما چنانکه ابن خلدون میگوید :

«چنین نیست‌که مردم صحرا نشین همیشه ازهنروآثارهنری دوری میجسته‌اند»[۳٤۰] آنهاسلاح‌های زیبا، جواهرات وپارچه‌های نفیس‌راکه درمرزهای‌سوریه وایران‌بامحصولات صنایع چوپانی خود مبادله میکردند دوست‌میداشته‌اند . هنگامیکه‌دورهٔ شور وحرارت‌اولیه مذهبی‌که درآن اعراب صحرانشین بانهایت دقت تعالیم پیغمبروخلفای بلافصل اورا دربارهٔ سادگی وبی‌اعتنائی‌به‌تجمل وزخارف‌دنیا بجا میآوردندگذشت ، وقتی استیلا بر امپراطوری بزرگ‌وپرتجمل‌وشکوه، تأثیرطبیعی‌خودرا برآنهابخشید، رؤسای اسلام هم بتقلیدازصاحبان پیشین‌آن شروع بساختن شهرها وابنیه‌ای باهمان شکوه وجلال نمودند وهمان ذوق وسلیقه را درمعماری‌نشان دادند، هوش و استعداد اخاذه،آنها را اجازه داد تا بمحض فراهم‌شدن موقع مساعد بآسانی تمدن مترقی کشورهای مفتوحه را درخود تحلیل برند . اما پیش از اسلام ، اقامت‌درصحراونوع زندگی اقتضای توجه بهنر رانداشت وآنها نمیتوانستندنه‌نقاش وحجار ونه‌معماربشوند . صنعت بافندگیشان بهیچوجه جنبه هنری نداشت .«وسم»یاعلامت تحدیداملاك که روی سنگ‌های مرزی‌مراتع خود حك میکردند ، نقاشی‌کاملاابتدائی‌رانشان میدهد ویگانه معبدشان ، خانه‌کعبه درمکه جزحصاری ازدیوارهای کوتاه وبامی ازبرگ نخل نبود.

باوجود این همین نقاشان ناشی وسازندگان ناتوانو بافندگان بی‌ظرافت،توانستند بافتخارقهرمان خود وپیروزیهایش تاآنجاکه توانائیشان‌اجازه میداد ابنیه‌ای بسازندوقصائد واشعاری نغز وشیوا بسرایندکه تابش نورآن‌کمال ذوق هنری روح عرب را نمایان سازد. درحقیقت این اشعاربقدری با اشعارما متفاوتندکه برای ما ارزیابی صحیح‌آن‌کار مشکلی است. ازنظرما شعردردرجه اول‌تظاهراحساسات شاعرانه وبعد بیان‌آن بزبانی موزون‌است. ولی این‌شرط دوم یعنی‌وزن‌ازنظرما مهم نیست‌وکمترموردتوجه قرارمیگیرد. ما معتقدیم‌که ممکن است اشعاری بصورت نثروجود داشته باشد، زیرا درنظرما سرودن شعرعبارت ازیك حالت باعادت روانی است وکلمهٔ شاعربنظرما معنی تنظیم‌کنندهٔ یك منظومه‌را نمیدهد بلکه این‌کلمه‌تقریبامترادف دوستاراحساسات شاعرانه‌است. لما استنباط عرب ازشعرچیزدیگری است. اووزن را ازامتیازات درجه اول یك منظومه میداند وبعد ازآن رعایت صنایع لفظی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ولطایف ادبی وشکل شعرموردتوجه‌است ودردرجه‌آخرموضوع اصالت تخیل قرارمیگیرد که بیش ازهمه پیش‌ما مطلوب ومطبوع‌است. شعرعرب هرگزاصالت وشکل قدیم خودراکه در قالب‌آوازهای موزون ساربانی بوجودآمده فراموش نمیکند. وقتی هم‌که بعدها هجاراکه نقش قابل‌ملاحظه‌ای درزندگی عمومی‌عرب بازی‌کرد شناخت، هنگامیکه سرودهای جنگی، عشقی،سوگواری، توصیف طبیعت‌ومدح قهرمانان‌را بکارمیبرد بازخصوصیات اصلی خودیعنی وزن وقافیه را حفظ‌کرد .

این خصوصیات هم‌اکنون درقصیده، که تمام‌انواع دیگرشعررا درخود مستهلك نمود واز ۱۵۰ سال پیش ازظهورپیغمبردراد بیات، بشکل‌قطعی وغیرقابل تغییرجاگرفته،دیده میشود وشکل‌کلی‌آن ثابت‌است. «ابن‌کتیبه»درمقدمه‌کتاب خود «شعروشاعری» مینویسد: «بنابرقواعد قدیمی،سرایندهٔ‌یك‌قصیده بایدآنرابا‌ذکراردوگاههای‌متروك شروع‌کرده‌وپس‌ازنوحه‌سرائی، درحالیکه یادآنهائیراکه عازم جستجوی اردوگاههای دیگرشده‌اند بخاطرمیآورد، رفقای خودرا دعوت بتوقف نماید . بعد بقسمت عشقی قصیده پرداخته. ازدرد عشق شکایت نموده باین وسیله توجه طرف را بخود جلب نماید ؛ سپس‌بشرح سفرهای سخت وخسته‌کننده‌خود درصحرا ولاغری مرکب وستایش‌وتوصیف‌آن بپردازد ، دست‌آخربمدح وستایش‌شاه یاامیری که قصیده خود را بنام او ساخته بپردازد تاصله ایراکه نشانهٔ جود وسخای اوست دریافت دارد. این بندگی وپیروی بی‌چون وچرا ازشکل وروش باستانی تاآنجا کشیده شده بودکه بعدها یك‌شاعرنمیتوانست برخرابهٔ کاخی نوحه‌سرائی‌کند زیرا قدیمی هاکه نمونه وسرمشق آنها بودند برویرانه اردوگاه نوحه سروده بودند .اوحق نداشت درقصیده خود الاغ یا قاطری رابجای شترگذارد ، یاکنارچشمه‌آب شیرین وگوارا توقف‌کند زیرا صحرانشینان هرگزجزآب تلخ وشورچاه ها ننوشیده بودند ؛ بالاخره درمسافرت هانباید ذکری‌ازچمن زارهای پوشیده ازگل سرخ ونرگس ومورد کند زیرا درصحاری عربستان غیراز افسنطین وریحان چیزی پیدانمیشود . پیروی ازاین‌عادت وسنت بوده است‌که ساکنین بغداد ، بصره دمشق‌که هرگزازچشم اندازگلدسته‌های شهرزادگاه خود دورترنرفته‌بودند صفات شترهای خود را میستودند یا دم از تشنگی خود بخون دشمن میزدند درحالیکه جلو سربازان ترك خلفای عباسی‌ازترس میلرزیدند [۳۴۲] .

این قیود چهارچوب خشك‌ویکنواخت وتشبیهات مکررارا در قصیده موردملامت قرار میدهند «درصورتیکه ملاحظات دیگری درهمین ردیف هستند که هرگز مورد استفاده قرار نگرفته اند». میگویند«شعردراین قالب، بخصوص وقتی حاوی تخیلات لطیفی‌هم‌نباشد ،خالی تربنظر میآید .» وذوق‌زیبا شناسی‌عرب بااین‌شکل قصیده ،باندازه‌ای‌ترقی‌نکرده است‌که از اجتماع احساسات وسیع‌تری لذت‌ببرد ، وچنین هنری برای تجلی احساسات درونی‌میدانی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

باقی نمیگذارد [۳۴۳] . و این هنری است که مطابق ذوق ما نیست . احساسات درونی برای صحرانشینان معنی‌ومفهومی نداشت .آنها درشعر طالب چیزی غیرازآنچه ما درشعر خودمان‌دوست‌داریم بودند ..... «شاه ازعشق‌مجنون نسبت‌به‌لیلی‌که زنی‌لاغروسیاه سوخته بیابانی بود تعجب‌کرده اوراملامت‌کرد .مجنون‌گفت برای اینست‌که تواورا ازدریچه‌چشم مجنون نمینگری .»

قصیده مانند انواع دیگرشعر که پیش‌ازآن وجودداشته است ، وزن‌وآهنگ بیان رابر تمام صفات دیگرشعر مقدم میدارد .اما چون شعردرباری وتجملی عالمانه تروگرانمایه‌تر است‌آنچه‌راکه مهارت ولطافت طبع عرب ازصنایع لفظی ولطایف‌ادبی مطبوع تروظریف تر یافته برآن‌افزوده‌است.

باین سبب ونه‌بسبب عدم‌لیاقت وحساسیت وضعف تخیل است که‌آنها موفق‌بدرك‌شعری شده‌اند که‌لطیف ترین هنرآن درتجدید مستمریك بنددرقالب محدودی است‌که رفته‌رفته محدود ترمیشود تامنتهی بموضوع داستانی گردد . یافتن طریقه تازه ای برای‌نمایش صحنه غم‌انگیزیك‌اردوگاه متروك ،لذت انتقام یاوصف جمال ودلربائی معشوقه ، پهلوی هم‌چیدن این‌تصاویر ، وحتی‌بدون اینکه‌درفکرایجاد ارتباطی بین‌آنها باشد ، مجموعهٔ مواجی ازپرده های‌تزئینی حتی‌الامکان ماهرانه ، متنوع ورنگارنگ ازقصیده‌ای‌بوجودآوردن. اینهادرنظر شاعرعرب پس‌ازاسلام ، هنر بشمارمیآمده است.

منظورماازاین‌مقدمه ،گرفتن این‌نتیجه بودکه‌آیا مفهوم خاص‌این تحقیق‌که مانظیرش راشدیدتردرموسیقی عرب‌هم مشاهده میکنیم بطور صریح وروشن مشخص هنراسلام نیست ؟ درباره هنرتزئینی هم‌بهمین نتیجه میرسیم : وقتی‌یك شاعرتوانست موضوعات داستانی را با تصاویرتازه بیاراید وجذابیت بیان‌شیرینی بآن دهد، درنظرملل عرب اویك‌کارهنری‌انجام داده است، وقتی‌هم یك‌معمارتوانست باپوشش تازه ومجللی،شکل‌قدیمی یك مسجد را تزئین نماید درنظردنیای اسلام‌کاری هنری‌کرده است [۳۴۴] ،اما هنگامیکه هنراسلامی بوجود آمد ،آیاشکل معمول ومرسوم مسجدچه بوده است ؟

وقتی درآغازقرن هفتم اعراب ازصحرای خودبیرون‌ریختند وبطرف دوتمدن‌بزرگی، که امپراطوری‌آیندهٔ‌آنها رامیان‌خود تقسیم‌کرده‌بودند حمله‌کردند ،غیرازآئین جدید شان چیزی‌که مخصوص خودشان بوده‌باشد نداشتند ازمعماری هم هیچ‌نمیدانستند ،شهرهایشان جزتوده‌هائی ازکلبه‌های‌گلی ابتدائی وروستاهایشان‌غیرازجوخه هائی ازچادریاآلونك‌هائی ازنی نبودند وتنها عبادتگاهی‌که داشتند کعبه مکه بودکه بهیچیك از درجات هنر ساختمان تعلق‌نداشت ، باوجود این ،گرچه تعجب‌آوراست‌ولی‌چنده‌سالی‌پس‌ازهجرت ،اشکال‌متنوعی ازمساجد نمودارشدند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اغلب ازمبداء مسجد گفتگو میکنند . مثل اینکه فقط یك نوع ازاین بناوجود داشته است. درصورتیکه عده زیادی ازآنها رامیتوان برشمرد . از جمله ، اولین آنها مسجدعربی است که ابتدا حیاط خانهٔ حجازبوده‌است ومسجد پیغمبردرمدینه که قطعه زمینی محصوربوده که یك‌ضلع‌آن رانوعی انبارپوشیده‌ازبرگ نخل تشکیل میداده است وآن بقدری خشن و ابتدائی بوده که نمیتوان تصورکردکه اعراب مغرورچنین معبدی‌رابملل مغلوب ، باچنان تمدن کهن ودرخشانی تحمیل کرده باشند . از طرفی محقق است کـه دردورهٔ فتوحات اسلامی نمازوعبادات مرسوم درفضای‌آزاد یادرابنیه‌ایکه ازقدیم بوده برگذارمیشده وپس‌از آن‌بـاین‌کارتخصیص یافته است .

امابنیه ایکه‌بعداً بمسجد اختصاص یافتند بیشترشان ازنوع معماری‌کشورهای مغلوب بوده اند.مثلادرایران ،چارطاقها یاگنبدهائیکه روی‌چهارستون قرارگرفته وآتشدان‌معابد زرتشتیان درآن‌بوده (شکل۱۷۱ و۱۷۳الف‌وب و۱۸۲و۱۸۳وعکس۱۰۸) ؛همچنین ایوان خراسان ، یعنی‌جلوخان بلندوعمیقی‌که پارت‌ها بمغرب ایران‌آوردند وبعدها تالار بارعام کاخ ساسانیان شد(شکل ۱۵۳و۱۵۴و۱۷۶و۱۷۸و۱۸۰ و۱۸۱ وعکس های ۹۰و۱۱۰) یا بنائی درفارس مرکب ازیك تالارمربع‌گنبد دارکه جلوآن ایوانی بوده وازابنیه دورهٔ اول ساسانی ودالانیکه درمرکـز ،گنبدی داشته وهم‌اکنون قسمتی ازآن درکاخ شاپوردوم در ایوان‌کرخهٔ خوزستان باقی است . ساختمانهای نامبرده‌که تمامشان دردورهٔ سـاسانی برپا بوده ، هنگامیکه برای مسجد مورد استفاده قرارگرفتند و بدلائل استوار ـ نمونهٔ مسجد شدند سابقه چنان ممتدی داشتندکه خیلی پیش‌از ظهوراسلام از طرحهای مرسوم و باستانی بوده‌اند . احتمال میرودکه چهار طاق یزد خواست خیلی پیش ازآنکه موضوع نوع عربی مسجد درایران پیش بیاید، بصورت مسجد برگردانده شده باشه.

مدتها بعد ازآن «سرایت خارجی و انتشاروگسترش عادی‌تجمل نمونهٔ ابتدائی مسجد عربی را آراست . تقلیدکم وبیش‌تعمدی ازکلیساهای مسیحی شکوه و عظمتی به سرسراهای سابق مساجد داده و آنها را بصورت شبستانهای فعلی درآورد [۳۴۵] . تقریباً یك قرن پس‌ازهجرت، بفکرتعیین‌جهت‌مکه‌افتاده، اقدام بساختن‌محرابی‌درمساجدنمودندکه‌شبیه‌محراب کلیساست . دراواسط قرن یازدهم ، هنگامیکه خلفای عباسی تصمیم بساختن مساجد بزرگی ازنوع عربی گرفتند فقط‌طرح مقدماتی‌آنهاراتهیه‌کردند وعملیات معماری‌وطریق‌ساختمان‌را بابتکارمعماران ایرانی محول کردند .

اولین مساجدی‌که اعراب ساختند در شهر هائیکه قبلا اردوگاه سپاه اسلام بوده‌مانند بصره وکوفه دربین‌النهرین وفسطط درمصر بوده‌اند .

بصره درسال ۱۴ هجرت (۶۳۵ میلادی) بناشد . بنابگفتهٔ نـویسندهٔ عرب ، مسجد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آن درسطح زمین وبدون هیچ ساختمانی احداث گردید . بنابرروایت دیگرازهمین نویسنده مسجد مزبور باپرچینی ازنی محصورشده بود .

مسجدکوفه که درسال ۱۷ هجری ساخته شده وباخندقی محصور گردیده . درجهت جنوبی آن چند ردیف ستون روباز قرارداده شده . ستونهای مزبور از کاخ شاهزادگان لخمیه درحیره، بآنجاحمل شده وروی آنهارا سقفی ازحصیروگل پوشانده بود .

مسجد فسطط که درسال ۲۱ هجری بدستور عمروبن عاص درباز گشت از محاصره اسکندریه ساخته شده ، ابتدا ساختمان کوچکی بوسعت ۲۹ متردر۱۷/۵ متربوده و تماماً سرپوشیده بود وحیاط نداشت ودیوارهایش ازخشت خام وبدون اندود بود ، نماز جمعه در میدان مجاورآن گزارده میشد .

این بود وضع مساجد عرب وپیش‌ازآنکه فلسطین وسوریه تسخیرشود و ایران درحال تسخیرشدن بود ومیتوان گفت که کارفتوحات اسلام نزدیك به‌پایان بود و بطوریکه گذشت‌این مساجد در چنین حالتی که شرح داده شد، چیزی نبودند که بتوان آنها را به‌ملل مغلوب تحمیل‌نمود .

خلفای دورهٔ اول اسلام بعلت نداشتن مدیر ،مجبور شدند ادارهٔامورکشورهای مفتوحه را بحال قبلی حفظ کنند و همچنین بعلت نداشتن بناو معمار ، ساختمانهای موجود را مورد استفاده قراردهند ،کم‌کم ملل‌مغلوب ابنیه خودرا بامقتضیات واحتیاجات فاتحین‌وفق‌دادندو ازآنوقت بود که بمرورر نگ اسلامی درهنرخاورمیانه ظاهرشد. ظاهراً اینکار از فلسطین و سوریه‌آغاز گردید . زیرا اولین‌آثارمعماری که هنوزهم چندان رنگ اسلامی بخود نگرفته بودند در اورشلیم و دمشق پدید آمدند و این بعلل سیاسی بود که تذکرش در اینجا بی مورد نیست .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دوام داشت .

درطی این مدت اعضاء خانواده بنی‌امیه کم کم وضع ساده و خشن اعراب قدیم راکه مناسب مقام رؤسای مذهبی است رها کرده دستگاه خلافت و خلیفه را با شکوه و جلال کفر آمیزی احاطه نمودند واورا بصورت پادشاه پرجاه وشکوه سوریه درآوردند دمشق بجای مدینه مرکزسیاسی امپراطوری گردید. حتی کوششها کردندتااعتبار وحرمت واهمیت مذهبی راکه تاآنزمان بمکه اختصاص داشت به اورشلیم منتقل نمایند. دردوشهر اورشلیم ودمشق است که اولین معابدبزرگ اسلامی مانند قبة الصخره ، مسجد اقصی وجامع دمشق ساخته شده‌اند.

قبة الصخره [۳٤٦] در اورشلیم که بیشتر بنام مسجد عمرمعروف است و د حقیقت نه مسجد است ونه مال عمر ، بدستورخلیفه اموی عبدالملك درسال ٦٩١میلادی ساخته شده ، مسجد مزبورساختمان مرتفعی است برروی صخره ایکه چه نزد یهودیان وچه مسیحیان و مسلمانان یکسان محترم و مقدس است وآنرا «ناف دنیا» میدانسته اند. دو رواق مدوراین ساختمان رااحاطه نموده که مجموعاً نظیررواق کلیساهای مدوری ازنوع کلیسای بصره است مسلم است که سازندهٔ آن کارگران مسیحی بوده وحجاران وموزائیك سازان بیزانس دیوارهای آنرا تزئین کرده‌اند(شکل ۱۹۵).

مسجدالاقصی[۳٤۷] نیزمانند قبة الصخره درمنطقهٔ حرم الشریف دراورشلیم ساخته شده . این مسجد راهم عبدالملك درسال ٦۹۰ شروع بساختن کرده بود ولی زلزله ای بآن آسیب رساند وبعداً خلیفه عباسی المهدی آنرا درسال ۷۷٤ـ ۷۷۵ تعمیروترمیم نمود، این ساختمان که هم مسجد وهم کلیسا است دارای هفت رواق است که سه تای وسطی آن در زمان امویان ساخته شده . رواق مرکزی آنراکه وسیع و مرتفع است ، رواق دیگری بهمین ارتفاع قطع نموده وگنبدی درمحل تقاطع آن عاساخته شده است(شکل ۱۹٦) .

مسجد بزرك اموی دردمشق بدستور الولید، پسرعبدالملك ودرمحل معبد قدیم خدای آشوری «حداد» که بعداً به معبد «زوپیتر» دمشق ومتعاقب آن به کلیسائی بنام «سن ژان ـ باپتیست» تبدیل گردید ساخته شد . این مسجد مرکب از تالاری است دارای سه رواق که درجهت شرقی ـ غربی واقع شده ودرسمت شمال ، حیاط وسیعی است ازسه طرف محدود بایوان. رواقهای سه گانه را دروسط ، رواق دیگری درامتداد شمال ـ جنوبی قطع کرده که در وسط آن گنبد معروف عقاب ساخته شده است . موزائیك هائیکه بدست متخصصین بیزانسی ساخته شده دیوارهای آنرا تزئین کرده بود . موزائیکهای شبستان، درطی آتش سوزیهای چندی که رخ داده ازمیان رفته‌اند اما مال بعضی ازقسمتهای حیاط هنوزباقی است .

اخیراً که اندود روی موزائیکهارا تراشیده‌اند تزئینات قدیمی مجلل این بنای اموی نمایان گردیده است (شکل ۱۹۷) .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خصوصیت کاملا مسیحی این سه‌بنای بزرك اسلامی اورشلیم ،دمشق ، گنبد صخره ، مسجد اموی محقق است. ولی ابنیه ماوراءاردن که جالب‌ترین آنها قلعه Mshattâ وقصیر و عمره Kusair Amra میباشند چنین نیست .

درمورداولی [۳۴۹] ودربارهٔاینکه‌آیا این‌بنا اسلامی یاپیش‌ازاسلامی است بحثهائی شده واکنون نیزمیشود وحرف برسرتاریخ آنست‌که آیا متعلق به‌قرن چهارم است یا قرن ششم وهفتم . باوجوداین، فرض‌اینکه بنای مزبور ازابنیه اموی باشد بصواب نزدیك‌تراست. احتمالا این بنا باید متعلق بزمان ولید دوم بوده باشد . ساختمان اصلی‌که بشکل کلیسا و دارای سه‌رواق ومنتهی بتالاری بشکل خاج است ، کلیسای سوریه‌را بخاطرمیآورد . ولی دیوارهای‌آجرقسمت‌های دیگرساختمان ودیواردورآن‌که قسمت پائینش بامثلثها و شاخه‌مو وشکل‌حیوانات‌وگلهای گردبرجسته‌تزئین شده متعلق‌بهنربونانی وساسانی است (شکل۱۹۸). دراین بنا نقش اژدهای بالدارکه نشان ایران بوده است دیده میشود (شکل ۱۹۰ و عکس ۱۲۱ وعکس رنگی۳) .

برعکس درمورد مبداء قلعه‌کوچك قصیر عمره[۳۵۰] و تعلق آن بدورهٔ اموی شکی وجود ندارد . این کلاه‌فرنگی‌وتفرجگاهی‌استوبطوریکه میدانیم‌خلفای اموی‌که عشق‌وافری بشکارداشتند نظیرآنرا درحوالی صحرامیداشته‌اند. تالارهای‌شگفت‌انگیزایکه بناراتشکیل‌میدادند وباطاقهای استوانه‌ای پوشیده بودند تماماً نقاشی شده (شکل ۱۹۹) وآشکار است‌که بیشتر نقاشیهای‌آن مربوط بافسانه‌های قدیم یونان وبیزانس وصحنه‌های شکاروسور زنانه‌آن‌متعلق بهنرعصرساسانی است .

بنابراین هنراسلامی درآغاز پیدایش خود دونشانه ازهنرخارجی درخود داشته است. نفوذایرانی‌که باپیروزی خلفای بغداد تثبیت‌شد، تا اقصی نقاط سوریه محسوس است .

دراواسط قرن هشتم وبطوردقیق درسال ۷۵۰ (۱۳۲ هجری) حادثه‌ای رخ دادکه در سرنوشت عالم اسلام و مخصوصاً درفرهنگ وهنراسلامی اثرقابل ملاحظه‌ای گذاشت و آن واژگون شدن سلطنت اموی بدست خلفای عباسی وبالنتیجه انتقال مرکزحکومت ازسوریه‌به بین‌النهرین واستقرار رسوم ساسانی ونفوذ ایرانی بجای رسوم بیزانسی بود . سپاه آخرین اموی،مروان دوم، بدست‌لشگریان خراسان بفرماندهی ابومسلم خراسانی و طرفداران ابوالعباس عبداله مدعی خلافت‌که درکوفه خودرا خلیفه اعلام‌کرده بود ، درسوریه وبین ـ النهرین وآنچه ازآن باقیمانده بود درمصر شکست خورده ،خود مروان، نیز درسال ۷۵۰ (۱۳۲ هجری) بدست ممراهانش‌کشته شد وبنی‌امیه درهمه‌جا تارومار شده بقتل رسیدند و حتی اجسادشان را ازخاك بیرون‌کردند. کاخها و سایرابنیه‌ایکه ازآنها مانده بود ویران گردید «تااثری‌که درآینده‌آنهارا بیادآورد باقی نماند».

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سلسله خلفای عباسی که ازاعقاب عباس‌عم پیغمبر بودند مدت پنج قرن برامپراطوری اسلامی‌حکومت کردند. اما دوام قدرت‌کاملشان بیش ازتقریباً ۱۵۰سال نبود.

بعد ازاین دوره وپس ازآنکه مسائل هنری اسلام طرح و حـل گردید و بملل تابعه تحمیل‌شد ، امپراطوری اسلامی روبخاموشی‌نمود. مدت سه قرن حوزه اسلامی شامل‌متمدن ترین قسمت دنیای‌آنروز بود، شهرهای‌آبادوکاخهـای باشکوه ، دانشگاههائیکـه فرهنگ و علوم قدیم درآن تدریس میشد بوجودآمدند. اماروح ماجرا جوئی وآشوب طلبی‌که همیشه عیب‌بزرگ نژاد عرب بوده ، باگرایش باسلام ازوجود اوزائل نشد. بلافاصله پس ازوفات پیغمبر قبائلی‌که رقیب یکدیگر بودندبرسرریاست‌وفرمانروائی‌قوم‌شروع بزدوخوردومجادلاتی کردندکه منتهی بجنگ‌هائی خونین گردید. حکومت مـلی ومذهبی زمان خلفای را شدین تبدیل بسلطنت موروثی ومرکزآن ازمدینه بدمشق‌منتقل گردید. باوجود این حکومت‌هنوز عربی بود زیرا بنی امیه ازطایفه قریش بودند [۳۵۱].

باروی‌کارآمدن خلفای عباسی‌تفوق نفوذایرانی ظاهرشد. باانتقال مقر حکومت‌ببغداد اعراب درمیان انبوه پرشورملل مختلف جدید الاسلام،اقلیت ضعیف و ناچیزی بیش نبودند. بنابراین دیگر وحدت سیاسی نمیتوانست باقی بماند. ازهرطرف تمایلات نژادی‌که ظاهراً خفه شده بودند شروع بتظاهرکردند. اولین شکاف اساسی با جلوس عباسیان بمسند خلافت آشکارشد. یکی از اعضاء قبیله مقهور اموی باسپانیا فرارکرده درهٔ کردوا ، برقابت بغداد تأسیس خلافتی‌کردکه‌نه تنها مسلمانان اسپانیابلکه بربرهای شمال افریقاهم بآن گرویدند. بدنبال این واقعه خلافت فاطمی مصرهم بوجودآمد. درنتیجه قـدرت خلفای عباسی بغداد رفته رفته روبضعف نهاد تاآنجاکه بازیچهٔ دست‌ترکها گردید[۳۵۲].

امادربارهٔ هنر، دردوره عباسیان تکنیك های‌مختلفی‌که اسلام ازتمام ملل تابعه‌خود اقتباس‌کرده بودکم‌کم وحدت‌کیفیتی بخود گرفت هنراسلامی را بوجودآورد. اما اینکار بزرگ‌که‌آثارآن تا چندین قرن پس از زوال دورهٔ عباسیان هنوزهم نمایان بود ، بمحض اینکه و حدت سیاسی امپراطوری اسلامی از میان رفت متوقف‌گردید . دولتهائی بوجود آمدندکه روح اسلامیت وحدت هنری اسلامی‌رادرآنها حفظ‌کرده بود. امابعداً بعلت‌نبودن و حدت اداری و نبودن تماس بین ارباب هنرکشورهـای مختلف ومبادله‌کارگران ونبودن آئین ومقررات[۳۵۳] که تاآنوقت فعالیت زیادی‌کرده وتکنیك هاوفرمولهای هنری‌اسلامی را دستورمیداد، هرملتی‌به پیروی از تمایلات خـاص خودآزادانه شروع بکارکرد. رسوم باستانی هرملت دوباره ظهورکرد و این امرسبب پیدایش نه تنهاهنرملل مختلف اسلامی بلکه مکتب های مختلف هنراسلامی گردید.

ظاهراً ازبغداد باشکوه دورهٔ عباسی چیزی بجانمانده . اما در ساحل دجله و فرات خرابه هائی‌ازکاخها، دژها ومساجد قرون هشتم ـ نهم بجامانده‌که برای نمایاندن‌چگونگی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسها از ۱۲۳ تا ۱۳۴

۱۲۳ــ قبر قابوس بن وشمگیر گرگان ۱۰۰۶ میلادی ، بلندی ۵۱ متر.
این برج آجری که با مخروطی پوشیده شده ،دردشتی که زمانی جراگاه اسبان ترکمانان بوده واکنون شهر گرگان بسرعت در آن بناشده است،سر بآسمان کشیده در بالای آن بنا بر روایاتی که دلیلی در رد آنها بدست نیامده ،کالبد قابوس رصندوقی بلورین معلق قراردارد.
باید توجه داشت که نه درون و نه بیرون آن پله ای موجود نیست .

۱۲۴ــ جزئی از ستون گوشهٔ گنبد سرخ مراغه. قرن دوازده میلادی.
گنبد سرخ قدیم ترین عبادتگاههای پنچگانهٔ مراغه است که در ۵۴۲ هجری (۱۱۴۷ــ ۱۱۴۸ میلادی) بنایش بپایان رسید. گوشه های بنارا ستونهای متکی بدیواری تقویت می کنند که از آجرچینی برجسته و بانقوش هندسی وزینی زینت شده اند . رنگ سرخ آجرها را نقاط لعابی برنگ آبی نمودارتر می کنند.

۱۲۵ ــ ستون مسجد « تاریخانه » دامغان . قرن هشتم میلادی .
تاریخانه دامغان کهن ترین مسجد ایرانی مرنقشهٔ عرب است وبافنون ساختمانی ساسانی بناشده است .

۱۲۶ــ مسجد جمعهٔ نائین. قرن دهم میلادی .
تزئینات ویژهٔ این مسجد خاطرهٔ زمانی را بیدارمیکند که دسته های استاد کاران در شهرهای زیبای اسلام می گشتند وفنون ساختن رابه یکسانی می کشیدند.

۱۲۷ــ مدرسهٔ حیدریه. قزوین قرون یازده و دوازدهم میلادی.
این بنای سلجوقی در قرن نوزدهم میلادی بخشی ازبنای یك مدرسهٔ قاجاری شد.

۱۲۸ــ بیرون گنبد کبودمراغه . قرن دوازدهم میلادی .
این مقبره که ربع قرن پیش از حملهٔ مغول براایران ،ساخته شده در ۵۹۳ هجری (۱۱۹۷ ــ ۱۱۹۸ میلادی) بناشده است.

۱۲۹ــ محراب مدرسه حیدریه قزوین. گچبری
این محراب زمانی رنگ آبی داشته است.

۱۳۰ــ ستونهای داخل مسجد جمعهٔ اصفهان . قرن چهاردهم میلادی .
مسجد جمعه که یکی ازجالبترین بناهای اصفهان است از دوران سلجوقی (قرن یا زدهم میلادی) به بعد شاهد تغییرات مکرربوده است این ستونها وقوسهای شکسته ازدوران آل مظفر ند.

۱۳۱ ــ محراب مسجد جمعهٔ اصفهان . قرن چهاردهم میلادی.
گچبریهای برجستهٔ این محراب بدستور الجایتوی خدابنده درابتدای قرن چهارده میلادی ساخته شده است.

۱۳۲ ــ منارهٔ مسجد علی در اصفهان . قرن یازدهم یادوازدهم میلادی.
این منارا کنون بلندیش ۴۸ متراست واگر بخش بالائی آن ازمیان نمیرفت گمان میرود بلندی آن ازپنجاه متر میگذشت.
نقش آن هندسی ووزین وهمه ازآجر است .
مسجد مجاور آن که همان اسم دارد ازآن آزاد وازدوران صفوی درسال ۹۲۸ هجری (۱۵۲۱ میلادی) است.

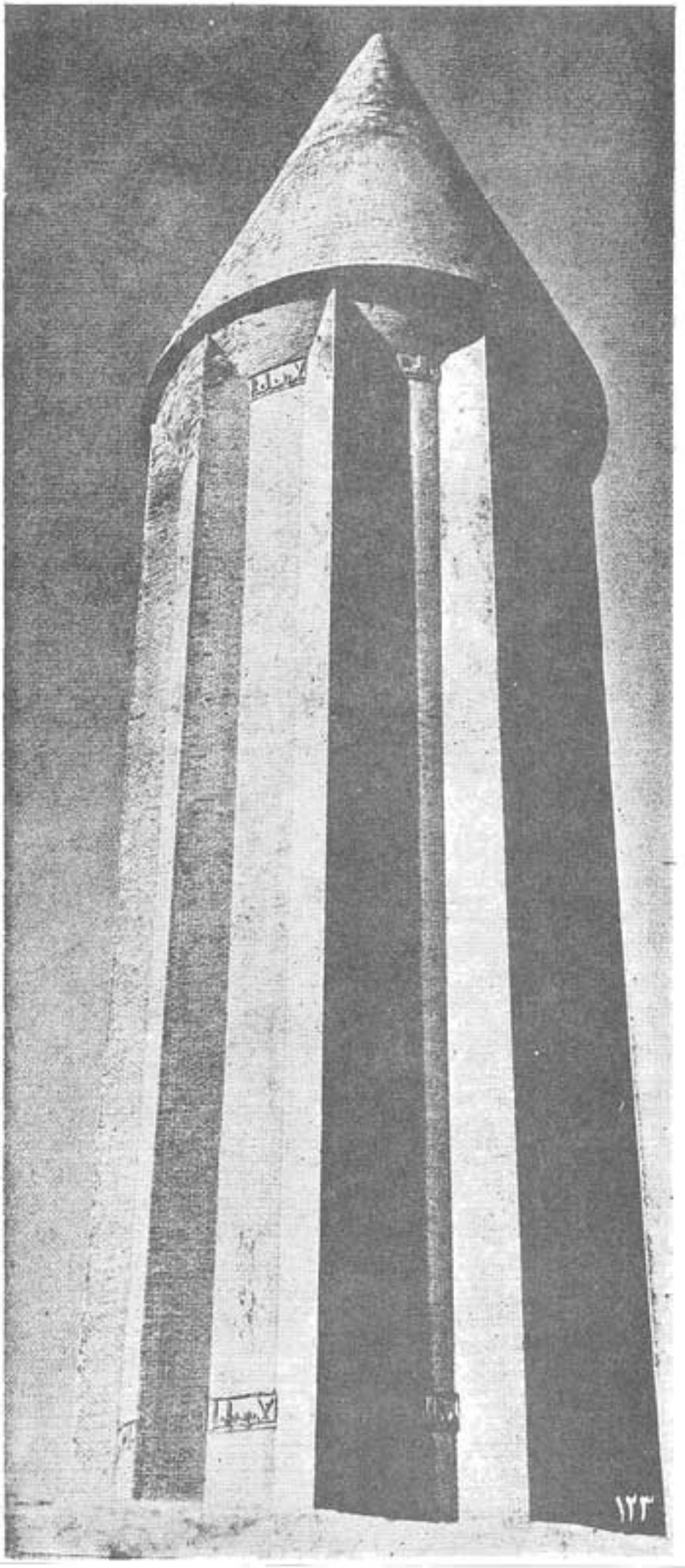
۱۳۳ نمای قبرمدور مراغه . قرن دوازدهم میلادی . نوشته هائی بشیوهٔ کوفی که در پای قوس دیده میشوند اشاره به تاریخ ۵۶۳ هجری (۶۸ ــ ۱۱۶۷ میلادی) میکند.

۱۳۴ــ بخشی ازنوشته بشیوهٔ کوفی .خارگرد خراسان، قرن یازدهم میلادی.
این نقش تزیینی ازگل پخته، ازمدرسه ای بوده که بدستورخواجه نظام الملك، وزیر نامدار ملکشاه سلجوقی بناشده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

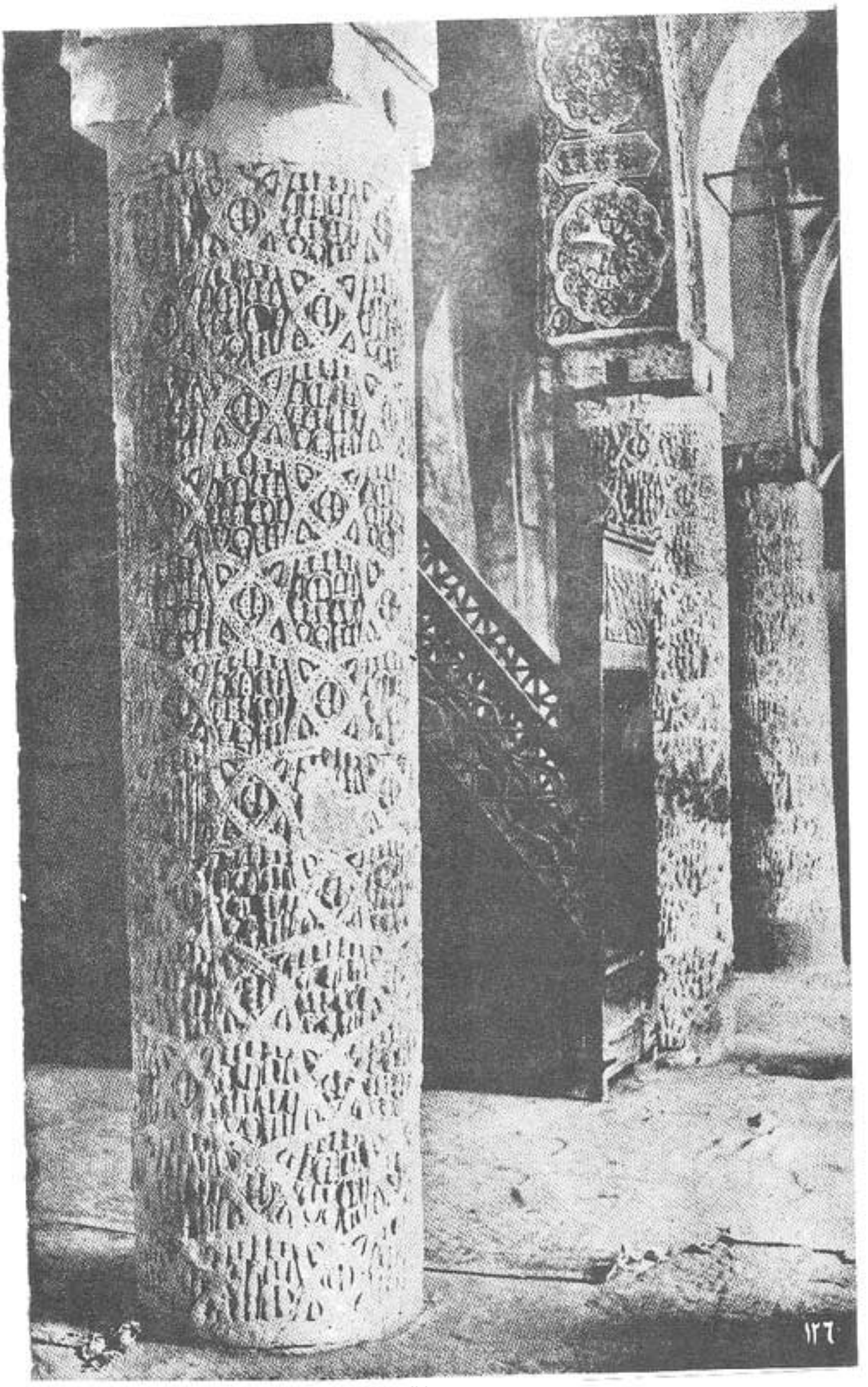
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

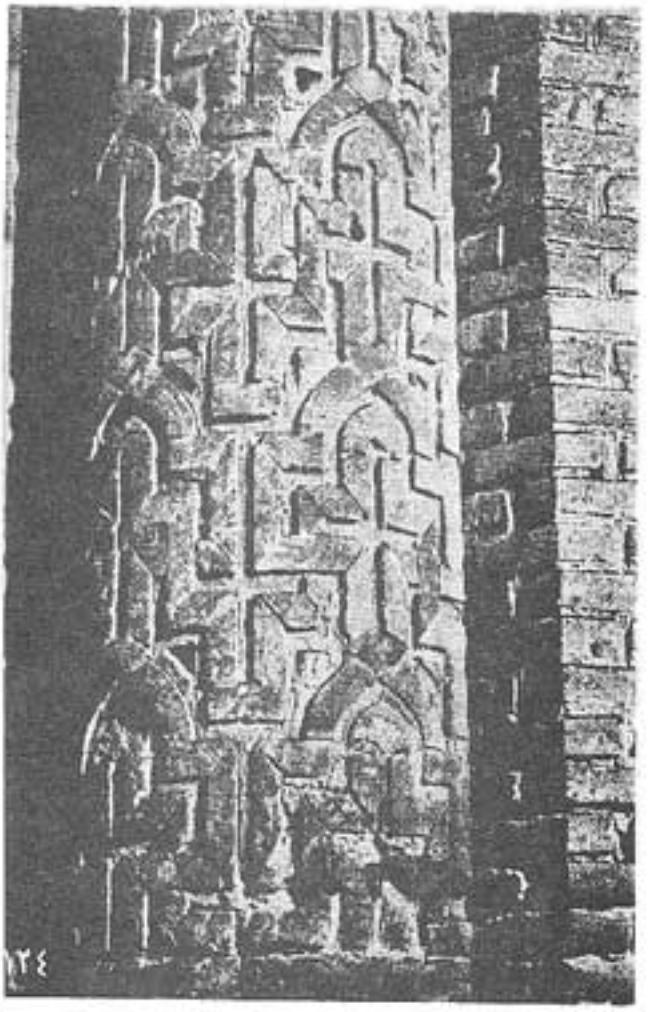
PDF.tarikhema.org

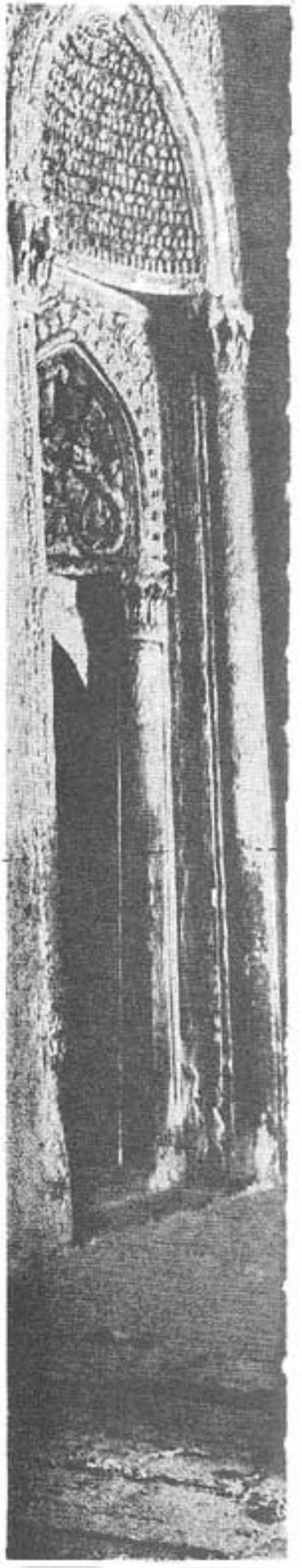


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



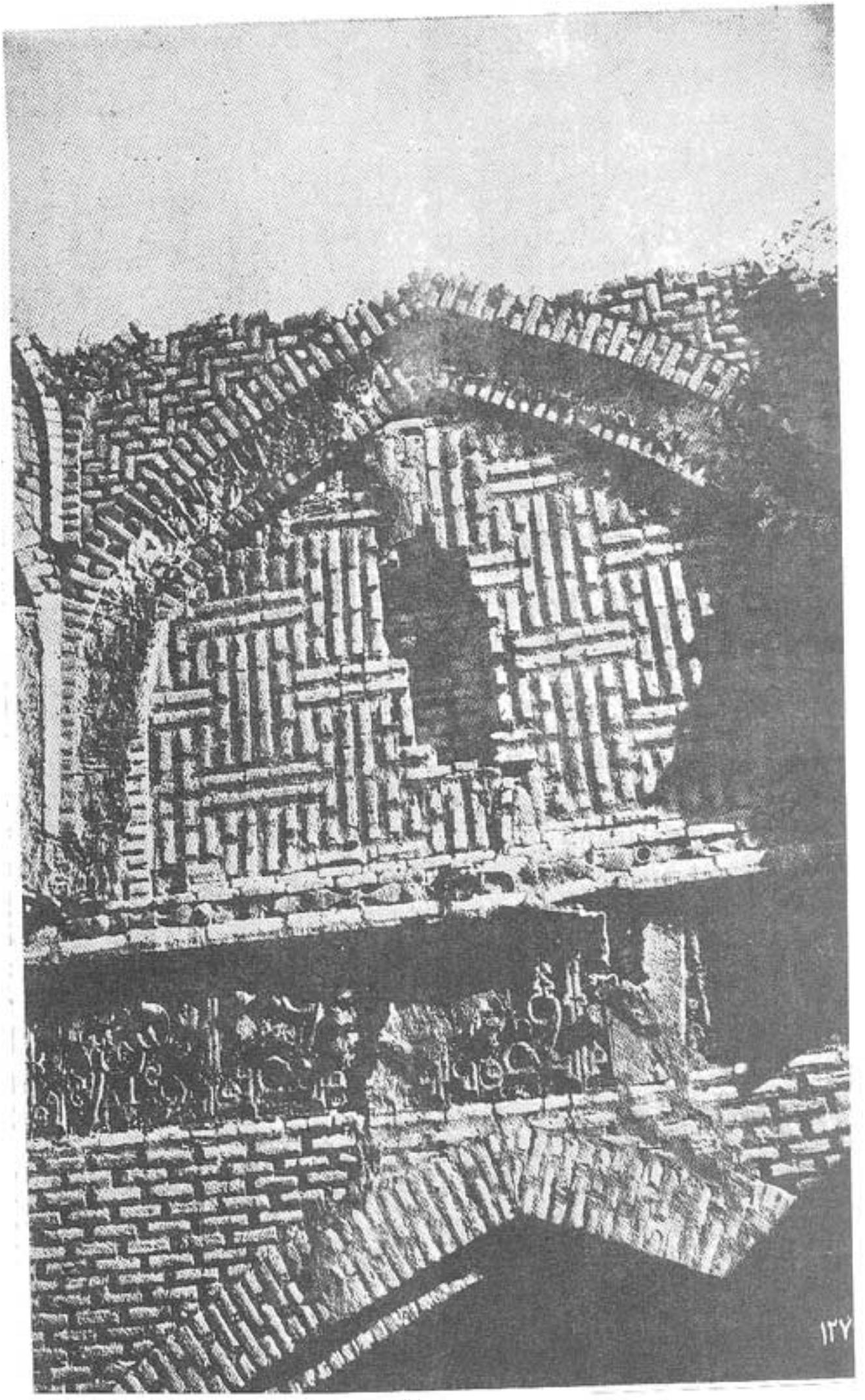




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

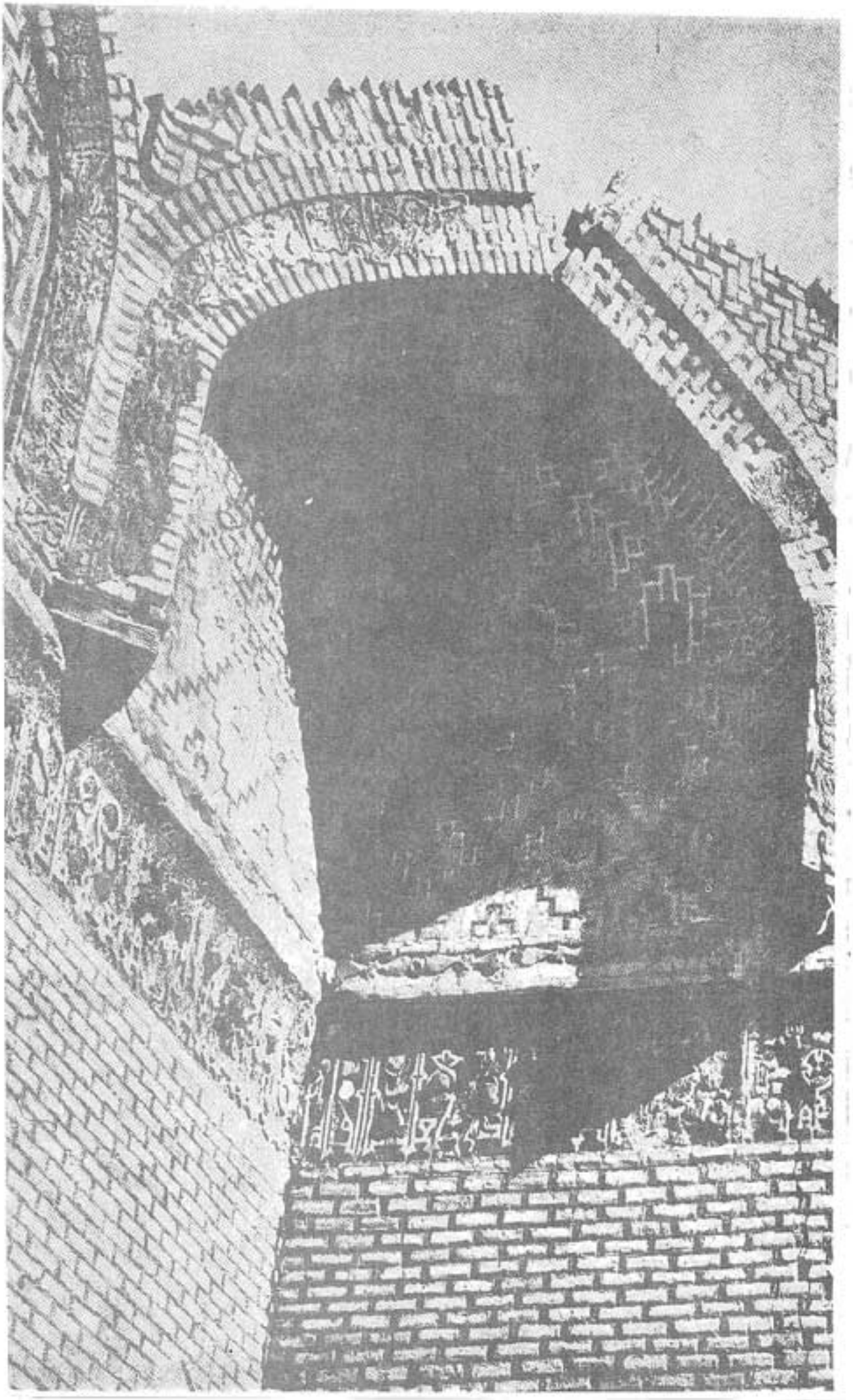
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

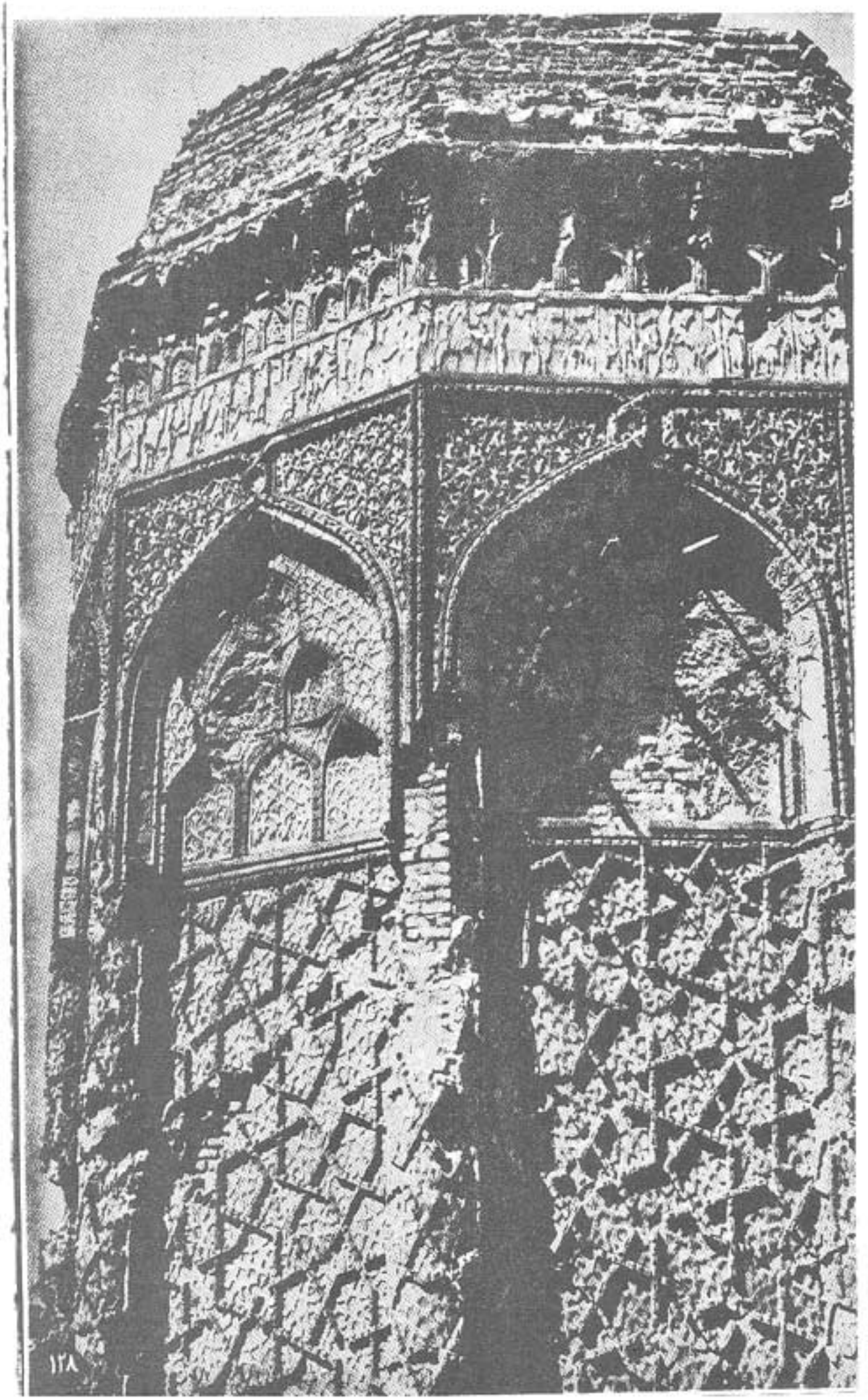
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

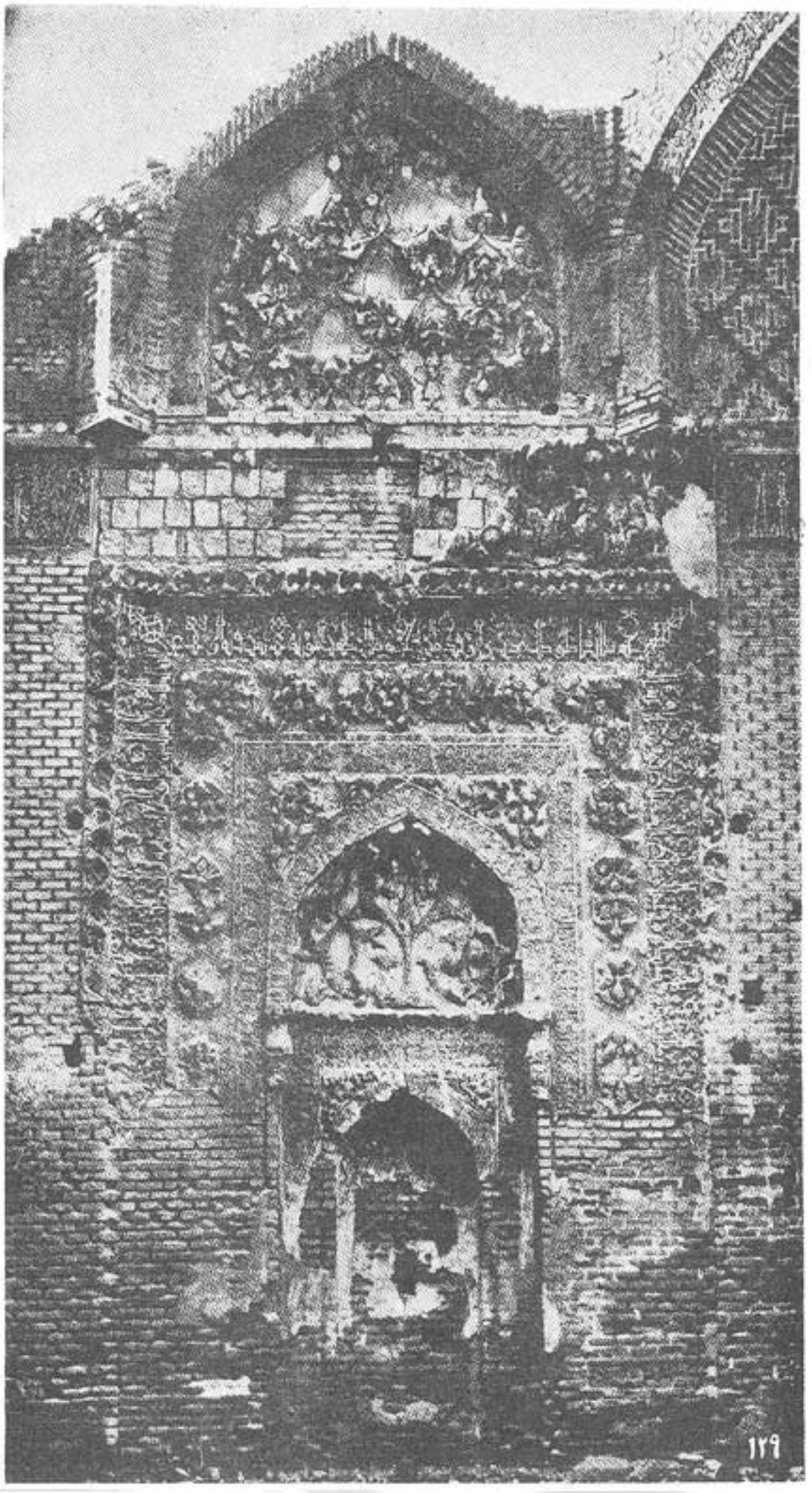
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

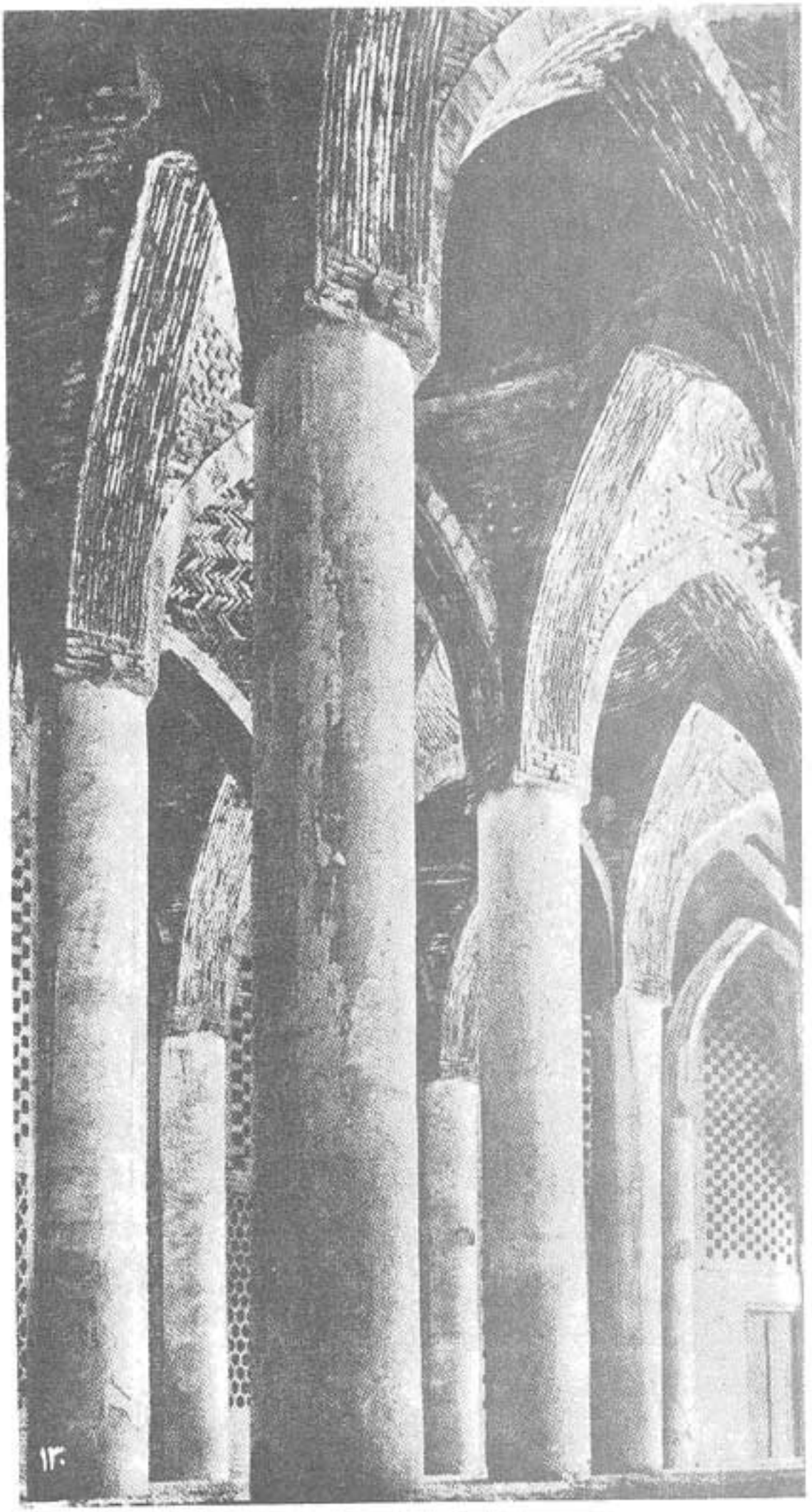
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

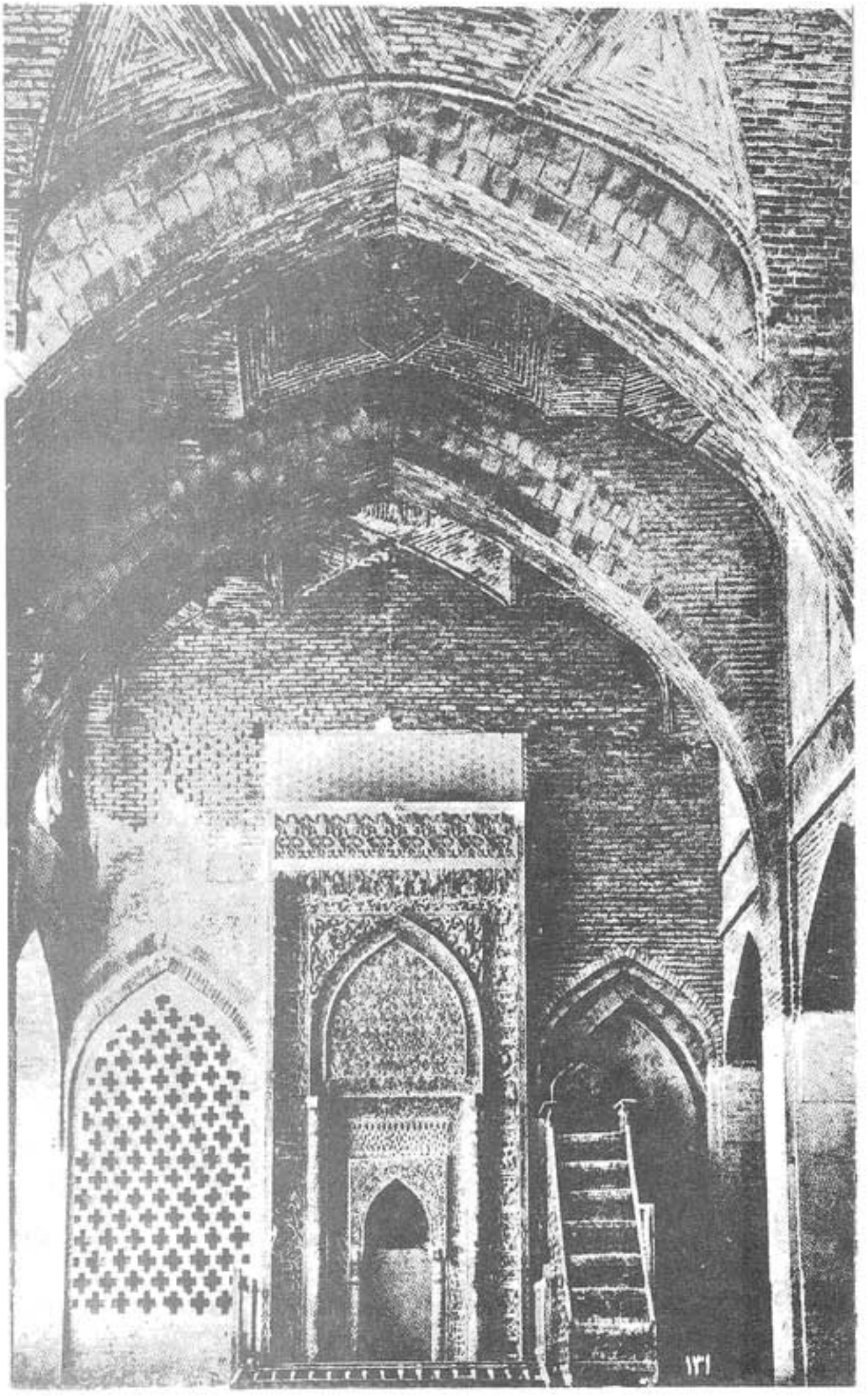
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

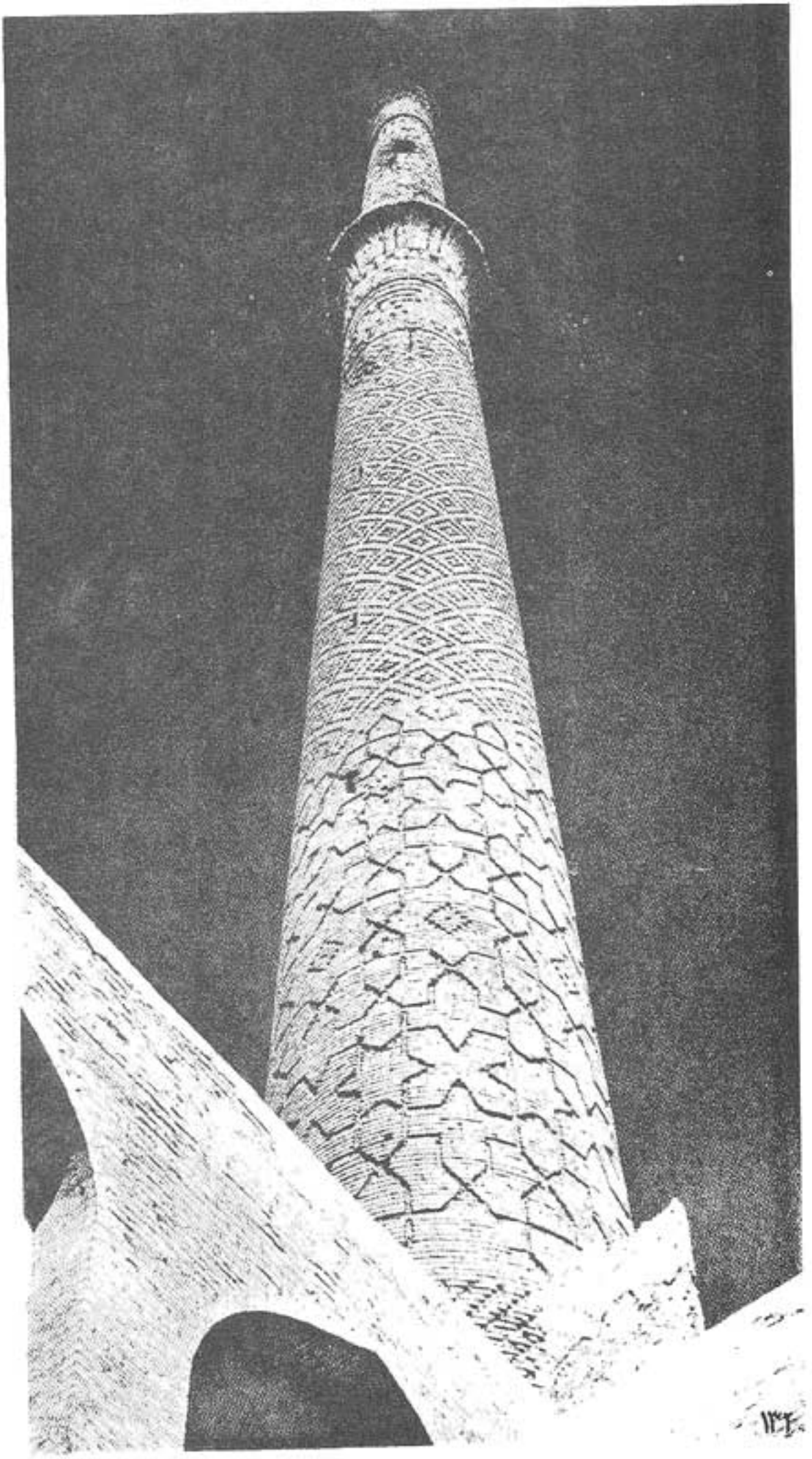
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

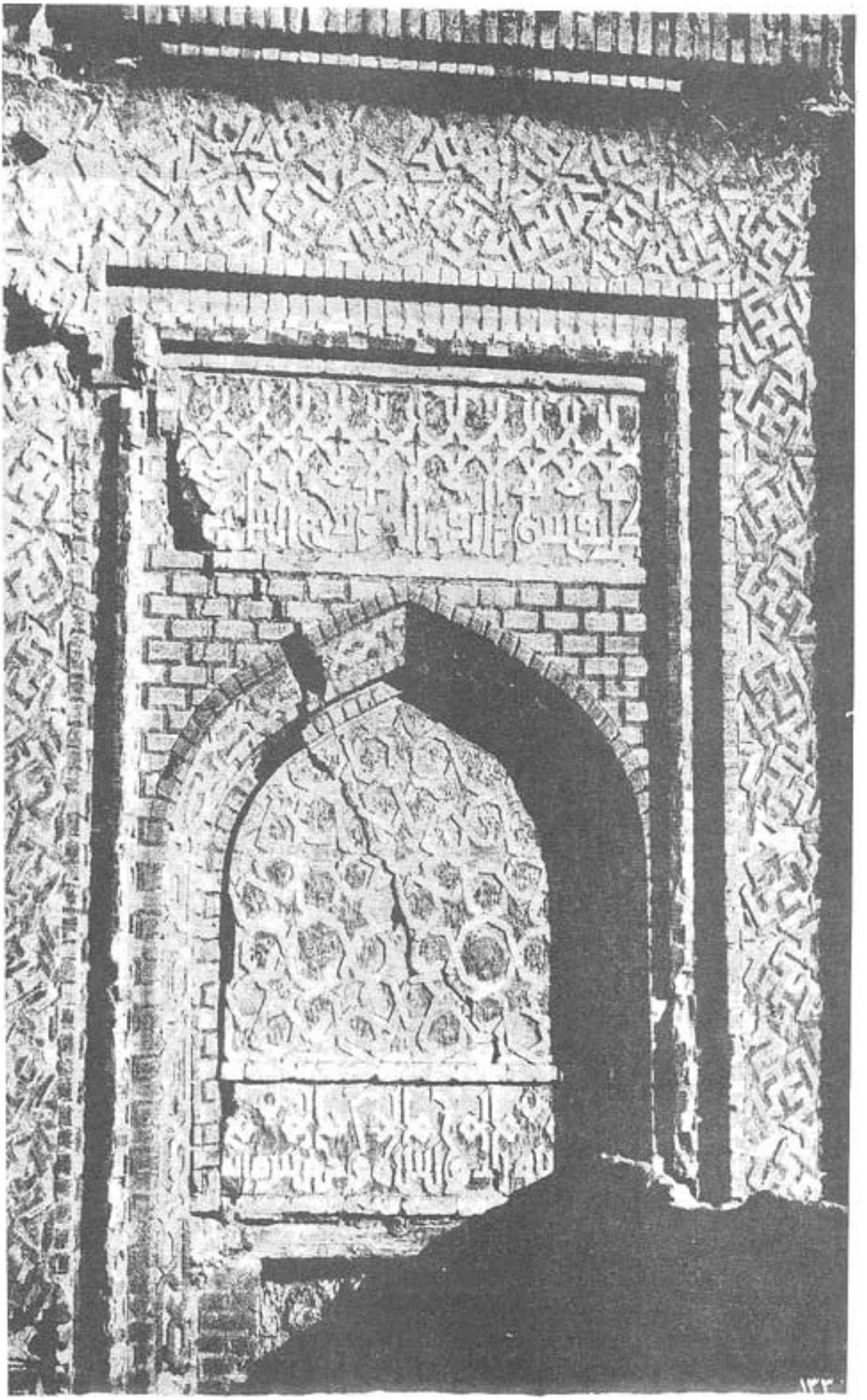
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

معماری آنزمان کافی است [۳۵٤] . شاید این مرحله‌از تاریخ هنر اسلامی ، مصداق این عبارت ازدیباچه‌کتاب ابن خلدون باشدکه میگوید: « هنگامیکه اعراب‌پیروی احکام اکید دین خود راترك کردند ومزهٔ زندگی شیرین و مرفه راچشیدند ، ازایرانیهای تحت تسلط خودهنرمعماری رافراگرفتند.»درركا Rakka درساحل‌راست‌فرات،در ۲۰۰ کیلومتری‌شرق حلب‌Safikaقدیمی‌که ازابنیه دومین‌خلیفه عباسی المنصوراست هنوزدرمیان دیوارهای‌خود نمایان‌است. درآنجا خرابه یك مسجد بزرگ، یك‌کاخ ودرب بسیارزیبائی درجنوب‌شرقی شهردیده میشود ساختمان آجری ، ردیف قوسها و طاقچه های تزئینی‌آن‌که شبیه به طاق کسری درتیسفون است ساختمانهای عصرساسانی رابخاطرمیآورد، باوجود این قوس درگاه های بزرگ بجای‌آنکه‌کاملا هلالی‌یا بیضی‌باشندمنکسرند.

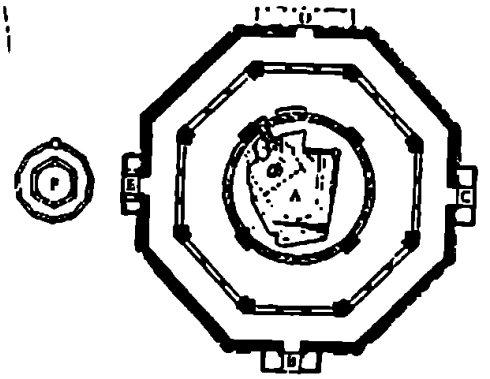
سامره ، درساحل چپ دجله ، در ۹۰ کیلومتری شمال بغداد[۳۵۵]،چنانکه گفته‌شد بدستورالمعتصم هشتمین خلیفه عباسی ساخته شد. بعلت نگرانی از شورشهای مکررسپاهیان ترك وبربرخود وبرای‌اینکه‌مقر آرامی برای خود داشته باشد، دستورساختن‌کاخی درآنجا دادودرسال ۸۳۸ درآن سکنی‌گزید. جانشین بلافصل او،الواثبق هم برای خودکاخ دیگری ساخت‌وبعد ازاوالمتوکل‌وبسیاری‌دیگرهریك برای خودکاخی ساختندکه‌مجموع‌ساختمانهای وسیع و باشکوه و باغهای زیبای‌آنرا al-Balkuwâra مینامند و مسجدی‌که بنام خود او است[۳۵٦].وچون باقامت درسامره زیاد اطمینان‌نداشت تصمیم بساختن‌شهرتازه ای، درشمال‌آنجاگرفت بنام المتوکلیه ودرسال ۸٦۰درآنجا سکنی‌گزید وسال بعد در همانجا بدست پسرش المنتصربالله‌که دوباره سامره را اشغال‌کرده‌بودکشته شد. درسال۸۸۹المعتمد ببغداد، که‌آنجا را برای خودناامن ترازجای دیگرنمیدانست وارد شدوکاخهای زیبائیراکه هفت خلیفه درآن سکونت‌کرده بودند رهاکرد وکاخهای مزبوررفته رفته بحال ویرانی افتادند. امروزه جزایوان مدخل‌کاخ بزرگ ودیواروگلدسته های مسجدالمتوکل که‌هنوز ازمیان خرابه هابرپاماندهاندچیزی باقی نیست.

مسجد بزرگ سامره ومسجد ابودلف در بیست‌کیلومتری شمال‌آن بخوبی معماری مذهبی زمان خلفای عباسی رانشان میدهند . اولین این دوساختمان [۳۵۷] قطعه مستطیلی است‌که بادیوارهای‌آجری‌که ازخارج بوسیله جرزهای نیم‌گردی بشکل برج تقویت شده اند. درداخل ، حرم یاشبستان نمازخانه، که‌محراب اصلی درآن واقع‌بوده چسبیده‌بدیوار جنوبی بناومرکب‌از۲۵ردیف‌تالاراست که‌بر دیوارجنوبی‌عمودند وعمق آن باندازه ده فاصله ستونها است . ساختمانهای متکی بردیوارهای شرقی و غربی بقطرپنج وسمت شمال بقدر چهارفاصله ستون بوده اند . دروسط حیاط وسیع مسجدکه از چهار طرف باساختمانهای مذکوراحاطه شده حوض مجللی است برای وضوساختن مؤمنین(شکل ۲۰۰) .

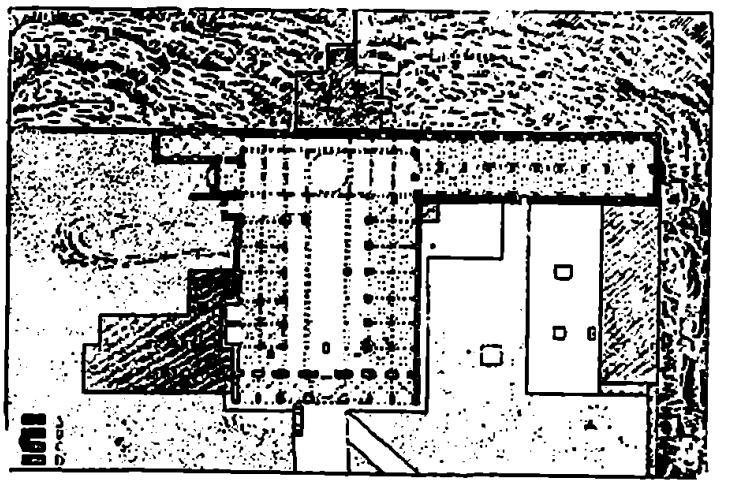
tarikhema.org

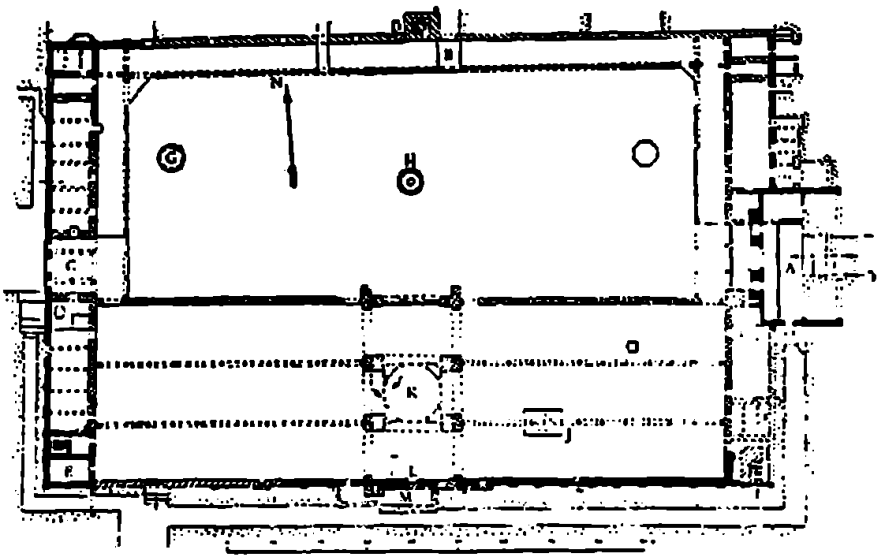
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷





tarikhema.org

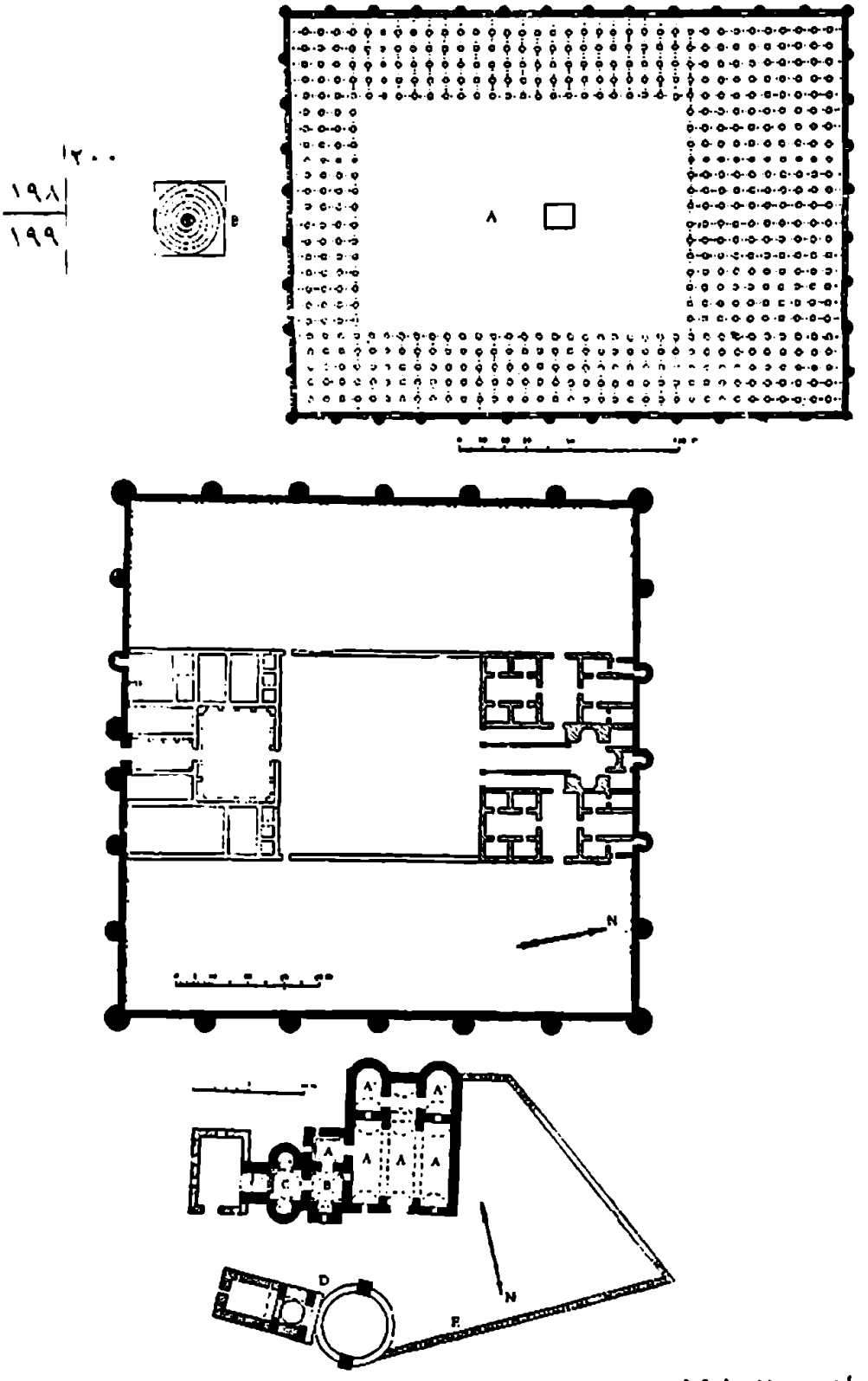
۱۹۵ـ نقشهٔ قبة الصخره دربیت المقدس، A ـ الصخره .B ـ باب الجن.C ـ باب القرد.D ـ باب القبله
E ـ باب السلسله F ـ قبة السلسله .

۱۹۶ـ نقشهٔ مسجدالاقصی دربیت المقدس A ـ بازیلیك ژوستی نین. B ـ ساختمان روحانیون
C ـ ساختمان‌های اولیه اعراب. D ـ ساختمانهای جدید اعراب .

۱۹۷ـ نقشه مسجداموویان در دمشق: A ـ باب الحیرون. B ـ باب الفردیس. C ـ باب البرید
D ـ مدهنات العروس. E مدهنات الغربیه. F ـ مدهنات عیسی G ـ بیت المال. H ـ چشمه. J ـ صندوق
محتوی سرسن ژان باپتیست. K گنبدعقاب. L ـ محراب. M ـ کتابخانه .

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۱۹۸ــ نقشهٔ کاخ Mshatta.

۱۹۹ ــ نقشهٔ بنای Kusair Amra ؛ A ــ تالارهائی باطاق استوانی. A ــ تالارهائی باطاق استوانی که بنیم گنبدختم میشوند. B ــ تالارچهارگوش باطاقچهارترك. C ــ تالار چهار گوش گنبد دار D ــ چاه F ــ دیوارحفاظ.

۲۰۰ ــ نقشهٔ مسجدجامع سامره: A ــ مسجد B ــ منارهٔ مارپیچ.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مسجدابودلف[۳۵۸]هم‌دارای‌همان‌ترکیب‌بوده‌ولی‌وسعت‌آن‌کمتر‌ودیوارهاو‌گلدسته‌های آن‌کوتاهتر‌وبجای ستون مجردیهای‌آجری داشته است .

پیکره ایوان ورودی‌کاخ بزرگه المتوکلیه‌هنوزپابرجاماندەومرکزجبهه ساختمانی رانشان میدهدکه طول‌آن‌کمترازیك‌کیلومتر نبوده‌است. این‌کاخ روبه صفهٔ وسیعی بازمیشده که بدجله مسلط‌بوده وچشم اندازداخلی‌آن خیابانهای‌وسیع باغهائی‌بودکه بآن منتهی‌میشده اند. ایوان های مزبوربدون شك نظیرایوان‌کاخهای ساسانی‌بوده‌که از آنها استفاده بارعام خارجی میشده است. اطاقهائی عموماً بشکل T برای پذیرائیهای داخلی‌و منازل مخصوص خلیفه و مجموع خانه های حرم سرا ، میدانها ، باغهـا،آب نماها ، سربازخانه نگهبانان مخصوص خلیفه و منضمات‌آن ، انبارها وغیره همه درعقب ایوانها قرارداشته‌اند. دراطراف این‌کاخ گروه‌منازل اشراف وساختمانهای مختصرتری‌که عموماً وضع واحدی‌داشته اند و حیاط هائی‌که عمارات مزبورروبآنهـا بازمیشده قرار داشته اند. بطورکلی اطاقهای اصلی کاخها وخانه های مسکونی سامره قابسازی وگچ بری شده وگاهی دربالای‌آنها رف های تزئینی ساخته بودند. دهانه‌درگاهها‌وپنجره هابهمین نحوتزئین شده بودند. ترکیبات وطرز ساختمان‌آنها متنوع بوده ؛ بعضی ازآنها ساده وبرخی مفصل و دارای حجاریهای برجسته وقلمزده بوده‌اند. تزئینات، حتی الامکان ساده وخشك وبیشترازخطوط مستقیم ترکیبشده بودند بعضی دیگردرعین سنگینی، نفیس تروه‌مجلل تر، گلها در وسط اشکال هندسی‌که بوسیله نوارها یارشته های مروارید بهم پیوسته ، خوشه های انگوربا‌شاخ وبرگ‌مو،درهم پیچیده وغیره نظیرتزئینات عصرساسانی هستند. درگچ بری دیوارها وروی سقف هاگاهی نقاشیهائی ازصورحیوانات وانسان بکاررفته است‌که رسوم ساسانی بطوروضوح [۱] برآنها حکمفرما بود ولی اثرهنریونانی هـم درآن دیده میشود [۳۶۰] ایرانی ترازاین نفوذ، دراشیاء بلوری

* * *

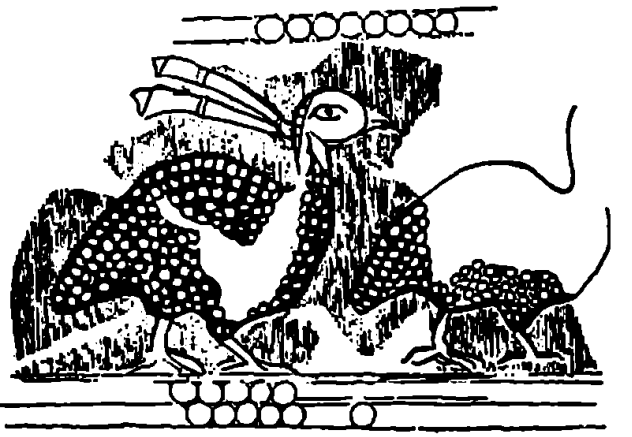
۱ ـ اگرعکس هـای شماره XLVIII و XLIX از کتاب E . Herzfeld را بنام Die Malerelen von Samarra ملاحظه کنید،درآنجاقطعات گچ‌نقاشی‌شده‌ایکه‌درکاخ Djawsak درسامره درطی‌کاوشهای سالهای ۱۹۱۱ـ ۱۹۱۳ بدست‌آمده‌خواهید دید. درقطعات مزبوراردك (شکل ۲۰۱) ومرغ قرمون (شکل ۲۰۲)، ساسانی نقش شده . این دو مرغ از نقوش‌تزئینی محبوب ساسانیان بوده است عکس دیگری ازهمین کتاب ، زنی را نشان میدهدکه ازدوجهت ازآثارساسانی است (شکل۲۰۳): اول اینکـه شیرین را نشان میدهدکه گوساله ابرا بدوش گرفته وافسانـه معروف ایرانی را نقش میکند . دوم اینکه نقش این شخصیت وتزئین لباس ورنگ‌آن محققاً ساسانی است سامره اسلامی بهاطمینان میدهدکه این‌نقاشیهاهم ساسانی‌هستند حتی اگر ازجای‌دیگرهم‌بدست‌آمده بودند. بازساسانی بودنشان محرزمیبود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org







٢٠١ ٢٠٢

٢٠٣

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و سفالی که در سامره بدست آمده مشهود است. در کاوشها، لیوانهای بلور ریختگی و تراش خورده الوان و میناکاری شده و تنگ‌ها، جام‌ها و چراغها و اشیاء دیگری از بلور یافته‌اند که بدون تردید متعلق بصنعت شیشهٔ عصر ساسانی است. در سامره هم مانند ری در ایران سفالکاری حکاکی شده زیر پوشش لعاب نیم‌شفاف و همچنین بدل چینی وجود داشته است اما آنهائیکه در سامره بدست آمده خیلی کاملتر است ولی بهیچوجه مبداء و محل ساختشان معلوم نیست.

پس از آزمایش و سنجش ابنیه و اشیائیکه در اینجا بعلت کمی جا نمونه‌های بسیار کم ولی قانع کننده‌ای از آن نشان داده شده، میتوان مطمئن بود که بین‌النهرین با قبول اسلام از لحاظ هنر همچنان ساسانی باقی ماند اگر چه گلدسته‌های مساجد خود را از مایه آشوری و بابلی اقتباس کرده باشد.

اما در خود ایران چه می‌بینیم؟

در حقیقت ما از معماری ایرانی ازمنه اولیه اسلام مشهودات کمی داریم و فقط معدودی از آثار آنرا دیده‌ایم، برعکس بسیاری از ابنیه دورهٔ ساسانی و همچنین دورهٔ سلجوقی را میشناسیم ایندو دسته با یکدیگر تفاوتی ندارند مگر برحسب آنچه اسلام بآن افزوده است، پس ما باسانی میتوانیم فکراً ابنیه متعلق بفاصله این دو دوره را بصورتیکه بوده‌اند، تصور کنیم، بعد ابنیه ساسانی را خواهیم دید که با افزایش و توسعه آنها با عواملی از همان سبک معماری، تبدیل بمسجد شده‌اند، در آنها علاقه بتزئین دقیق و اصرار در تکرار آنها را در قالب ثابت و تغییرناپذیری که از مختصات روح هنری اعراب پیش از اسلام است مشاهده خواهیم کرد. فقدان مهارت در حرفه سازندگی را که در معماری سامی Agde ، و گر چه مایه دارتر ولی کم ابتکارترش در بابل و آشور سراغ داشتیم، اینجا نیز بخوبی می‌بینیم مساجد ایران طبعاً بدو دسته تقسیم میشوند: یکدسته شامل ابنیه کمی هستند که طرح نقشه آنها همان طرح مساجد اولیه اعراب است دسته دیگر عبارت از ساختمانهای خالص ایرانی است [۳۶۱]. چنانکه گفته شد، تاریخ دسته اول روشن اما مختصر است. ما میتوانیم اعراب لشگر اسلام را هنگام فتوحات و اشغالگریشان بتصور آوریم که میخواهند در ایران بسبک خودشان ابنیه مذهبی بسازند، و ما در تواریخ خودشان خوانده‌ایم که حنفای صدر اسلام‌در شهرهای بزرگ کشور مساجد بزرگی بسبک عرب ساختند که محققاً یکی از آنها تاریخانهٔ دامغان است [۳۶۲] که احتمالاً تاریخ آن اواسط قرن دوم هجری است (قرن هشتم میلادی) (عکس ۱۲۵ و شکل ۲۰۴)و بعضی دیگر که کم و بیش خراب یا ترمیم شده یا تغییر شکل یافته‌اند در یزد [۳۶۳]، ری[1]، شوش[2]، شوشتر و اردستان [۳۶۴] شناخته شده‌اند. مسجد جامع

* * *

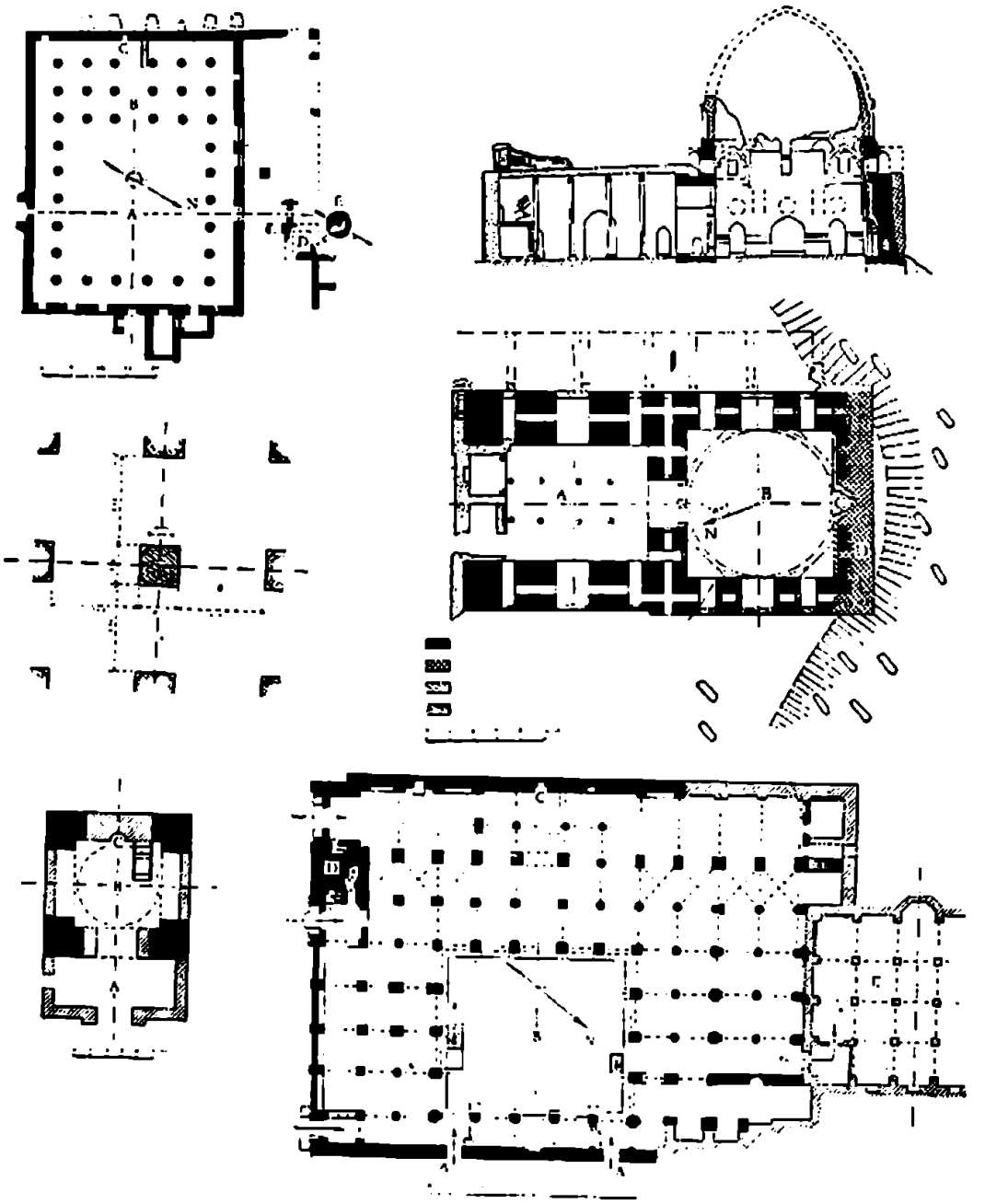
۱ ـ در سال ۱۹۳۵ شمیت E.Schmidt پایه‌های مسجد بزرگی که بامر خلیفه المهدی در آنجا ساخته شد، از زیر خاک درآورده است.

۲ ـ در سال ۱۹۴۸ گیرشمن R.Ghirshman در آنجا پایه‌های اجری ستونها یک مسجد عربی را کشف کرد که رواق سمت راست و دهنهٔ محراب مربوط را بداشته است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



ب۲۰۸	۲۰٤
الف۲۰۸	۲۰۵
۲۰۷	۲۰٦

۲۰٤ــ نقشهٔ تاریخانه دامغان، A ــ حیاط چهارگوش. B ــ تالارها . C ــ محراب . D ــ منارهٔ قدیم. E ــ منارهٔ سلجوقی .

۲۰۵ــ نقشهٔ رابطهٔ پایه‌های مسجد جامع شوشتر.

۲۰٦ــ نقشهٔ مسجد جمعهٔ نائین ، A دروازهٔ ورودی ، B ــ حیاط . C ــ محراب . D مناره . E ــ مسجد نو .

۲۰۷ــ نقشه چهارطاقی یزدخواست: A ــ حیاط . B ــ گنبد C ــ محراب

۲۰۸ــ نقشه و برش مسجد جمعهٔ اردبیل : A ــ ایوان ، B ــ تالار پوشیده بگنبد . C ــ محراب. D ــ دیوار قبله .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شوشتریکی از ابنیه‌ایست که بدستور خلفای عباسی ساخته شده ، درسال ۲۵٤ هجری خلیفه المعتز بالله عباسی دستور ساختمان آنرا داد ولی چون مدت خلافت او کوتاه بود در زمان خلافت المسترشد (۵۲۹-۵۱۲ هجری، ۱۱۳۵-۱۱۱۸ میلادی) بپایان رسید [۳٦۵]. اساس مسجد مزبور عبارت ازیك تالارسنگی بزرك مستطیل بوده است که نقشهٔ آن دراینجا طبق وضع کنونی رسم شده (شکل۲۰۵) ولی دراصل بشکل پنج ردیفی مرکب‌ازستونهای حامل تراس بوده . پهنایش سیزده فاصله‌ستون وعمق آن هشت فاصله با ستونهای چوبی بموازات دیوار قبله[1] است که امروزبیش ازشش فاصله نیست ودوفاصله اول طرف حیاط ازمیان رفته‌است. این مسجد روی همان نقشه اولیه تجدید بناشده و اکنون بشکل مجموعه‌ای ازگنبدهای کوچك برروی ستونهای کلفت آجریست. گلدستهٔ زیبای این مسجدبدستورسلطان جلایری شیخ‌اویس (۷۷٦-۷۵٦ هجری ، ۱۳۷٤-۱۳۵۵ میلادی) ساخته شده . احتمالا مسجدی راهم که‌در استخر ساخته شده و ستونها وتخته سنگهایش را از تخت‌جمشیدآورده‌اند باید دراین ردیف محسوب داشت [۳٦٦].

شیوهٔ این نوع مساجد ادامهٔ چندانی نیافت ازآنجمله مسجد جمعه نائین (شکل۲۰۶ وعکس۱۲٦)متعلق‌بقرن‌چهارم‌هجری[۳٦۷] ومسجد دماوند متعلق ببعد ازآن است [۳٦۸] وبعد ازآن ، در دورهٔ زندیه مسجد وکیل در شیراز است [۳٦۹] (عکس ۱٦۷) . مسلماً عده دیگری‌هم بوده‌اندکه شایدروزی بعضی ازقسمت‌های آن درمیان ابنیه‌ایکه قدمت کمتری دارند پیدا شود و بعضی دیگر که درکتب مورخین قدیم نامبرده شده‌اند . مثلا می‌دانیم که ابومسلم خراسانی معروف که مبلغ خلفای عباسی بوده مساجدی درمرو ونیشابورساخت و در نیشابورمسجد مدرس که گنجایش ۲۰۰۰ نفرراداشته ودرسال۵٤۸هجری (۵٤-۱۱۵۳ میلادی) بدست غزها ویران شد وغیره. اما درهمه‌آنها سبك ساختمان ایرانی استوسهم‌عرب درآنها فقط نقشهٔ آنست ودرمساجد نائین ودماوند بقدری آنها را مختصر کرده وتغییرداده‌اند که گوئی این ترکیب‌درایران رواجی پیدا نکرده است. خلفای عباسی با اقتداری که‌داشتند توانسته بودند بنابدلخواهشان امربساختن مساجدی ازاین نوع بدهند، اما نتوانستند روح یك معماری بیگانه‌را بآینده‌کشورتحمیل نمایند. بنابراین طولی نکشید که طرح‌مسجدعرب ازمعماری زنده ایران محوگردید وهمینکه قرن پنجم هجری بپایان رسید دیگرصحبتی‌از آن درمیان نبوده است ، ازآن پس‌هم طرح وهم‌ساختمان هردوکاملا ایرانی شدند.

اولین مساجد دسته دوم ، یعنی مساجدایرانی، ازلحاظ‌قدمت کمترازدسته اول‌نیستند.

* * *

۱ ـ دیـوارقبله در یك مسجد دیـواری است عمود بـرخط امتداد مکه یعنی بطورکـلی‌عمود برمحوراصلی مسجد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عادی است که محل مذهبی آئین جدید اسلام همان محل‌های مذهبی وغیرمذهبی دورهٔ پیش‌از آن بوده بخصوص که اسلام چنانکه می‌دانیم هرگز احتیاج زیادی بساختمان مخصوص برای انجام مراسم مذهبی نداشته‌وگاه ناگزیر از آن بی‌نیاز گشته است.

مصلی‌هائیکه در روزهای عیدقربان یا فطر درآنجا نمازجماعت مخصوص اعیادمذکور برگذارمیشد، یا هنگام شیوع بیماریهای واگیرویاخشکسالیهای ممتددرآنجاجمع‌شده‌و برای دفع‌بلاونزول باران‌بحال اجتماع‌دعامیکردند ، اغلب‌زمین‌های‌وسیعی درکنارشهرها بوده‌اند. مساجد قدیم خراسان گاهی قطعه‌ای ازصحراکه با دیوارکوتاهی محصور شده یا اصلا غیر محصور بوده که درانتهای‌آن طاقنماهانندی بجای محراب [۲۷۱] میساختند(شکل۲۱۸) . هم اکنون نیز دربخاراکه مساجد ایوانهای بزرگی دارند ولی‌حیاط ندارند،جمعیت برای ادای نماز درجلو مسجد جمع می‌شود واین رسم مخصوصاً درترکستان معمول است و چون ایوان وطاقنمای مزبورابعادی مجلل‌دارند احتیاج بچیزدیگری محسوس نیست [۲۷۲] . کلمهٔ مسجد، یعنی‌محل‌سجده یا واضح‌تر محلی‌که در آنجا بخاك می‌افتند . پیغمبر فرموده است «وقتی موقع‌نماز رسید هرجا هستی بایدآنرا بجای‌آوری »وآنجا مسجد است . بنابر عقیده مسلمین تمام نقاط زمین درنظرخدا یکسان است . وهمه‌جا برای خضوع وادای عبادت وبندگی اوخوب است [۲۷۳] . بنابراین همه‌جا میتواند محل عبادت باشد . مسجدبزرگ قسطنطنیه همان‌کلیسای بیزانسی بنام سن‌صوفی بوده‌که بدستور امپراطورژوستینین ساخته‌شده بود . مسجد سالونیك، کلیسای قدیم سن‌ژاپوتر Saints-Apôtres و مسجد استخر ابتدا یك آتشکده بوده‌است.

بنابراین جای تعجب نیست که‌اسلام وقتی ایران را فتح‌کرد ، باقتضای زمان، برای اجرای مراسم مذهبی ، ابنیه موجوده را باتغییروضع یا بهمان حال‌که بوده مورد استفاده قرارداده‌باشد . گرچه ازاین‌قبیل‌مساجد مافقط چارطاق ساسانی یزدخواست[1] (شکل۲۰۷) را میشناسیم ولی محققاً این تنها مسجد ازاین نوع نیست[2].

چارطاق عبارت ازگنبدی است برروی چهارمجردی‌که بوسیله قوسها بیکدیگرمتصل شده‌اند واین تقریباً شکل‌عمومی معماری ساسانی یا سایبان‌آتش‌های بیشماری بوده که در آنزمان برسینه‌کوه‌های‌ایران‌میدرخشیدند یعنی سایبان آتشدانهائیکه در وسط آتشکده‌های

* * *

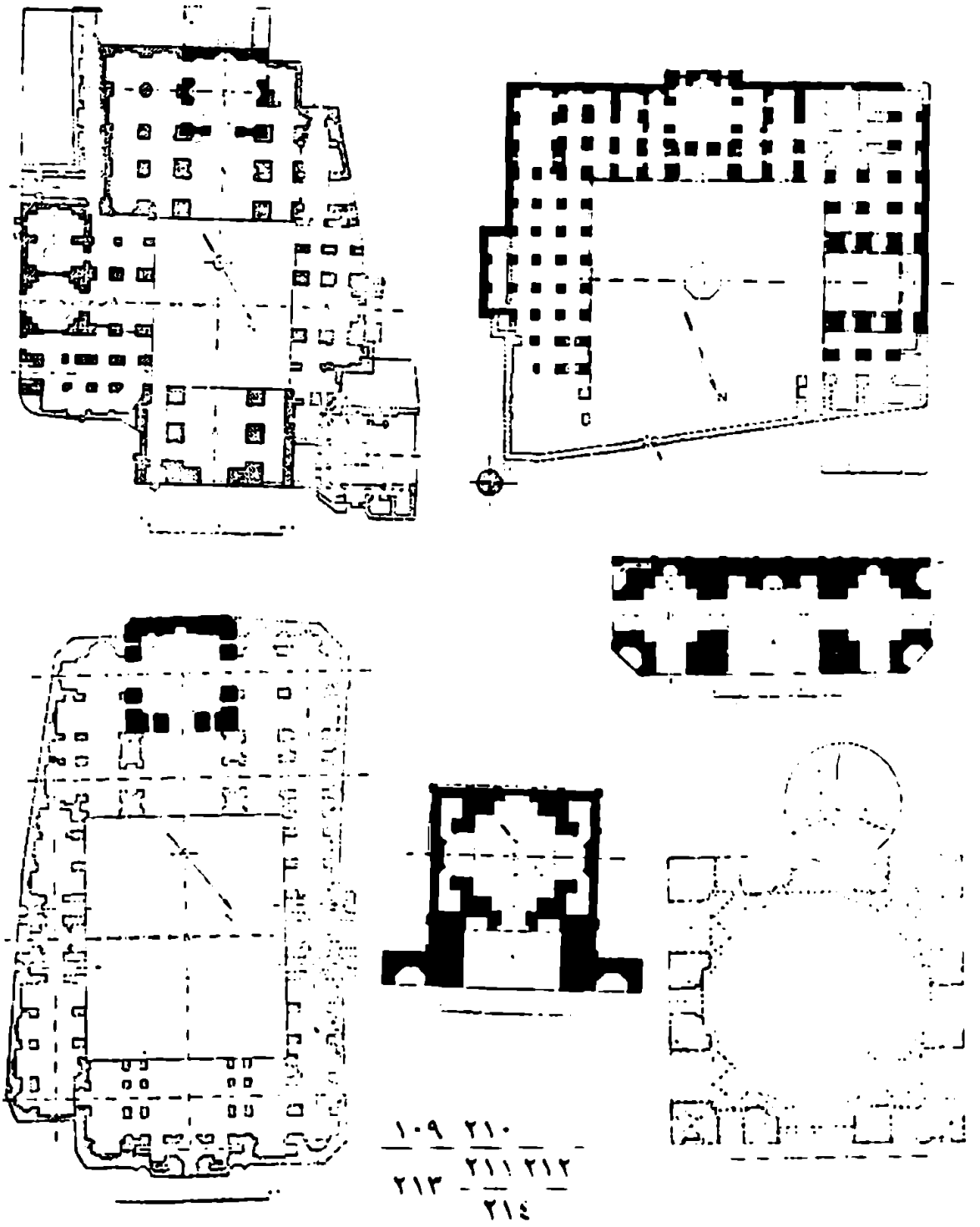
۱ـ یکی از چهار دهنهٔ چارطاق که مقابل قبله بوده بوسیله دیواری مسدود و محرابی در آن ساخته شده است .

۲ـ اگرثابت شود که در دورهٔ ساسانیان‌کلیسائی در ایران وجود داشته . مسجد سنگ یکی از آنها خواهد بود

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۲۰۹ ـ نقشه مسجد جمعهٔ اردستان ؛ A ـ ایوان . B ـ تالارمحراب اصلی . C ـ مدرسه . D - مناره

۲۱۰- نقشه مسجد جمعهٔ ساوه ؛A- ورودی B- حوض C- محراب . D-مناره.

۲۱۱- نقشهٔ مصلای طوق ؛A- ایوان .B ـ تالارچهارگوش پوشیده بگنبد . C- محراب.

۲۱۲- مصلای مشهد؛ A- ایوان اصلی. A- ایوان فرعی . B تالارچهارگوش C- محراب

۲۱۳- نقشهٔ مسجد جامع گلپایگان ، سیاه ؛ بنای سلجوقی خط دار، بنای قاجار.

۲۱۴- نقشهٔ مسجد برسیان ؛A- تالارچهارگوش .B- مناره.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زرتشتیان بوده . واین اصل و اساس مساجدبزرگ ایران بوده است که ابتدا منحصر بهمین شکل بوده وبعداً با عوامل‌دیگری از معماری آنزمان‌ترکیب شده‌اند .

چنانکه گفته شد خلفای عباسی مساجدی با طرح عربی در شهرهای بزرگ ایران ساختند . وشاید خود ایرانیها هم وادار شدند ازآن نوع بسازند ولی ما تا بحال نمونه‌ای ازآن ندیده‌ایم . شاید چون اینکار مخالفتی با اسلام نداشته ترجیح داده‌اند این قبیل‌ابنیه‌را باکمی تغییر واضافه‌کردن محراب بصورت مسجد درآورده وبعد ابنیه‌دیگری ازهمان نوع در نواحی مختلف‌کشور ساخته باشند. طبعاً باین ترتیب درغرب‌کشور هم‌که طاقهای گنبدی فراوان بوده چارطاقها را تبدیل‌بمسجد چارطاقی‌کردند . ودر شرق‌که ایوان معمول بوده مساجد ایوان‌دار را ترجیح‌دادند . ودرجنوب ابنیه‌ای ازنوع ایوان‌کرخه، یعنی دالانهای مسقف‌به طاق‌استوانه‌ای باگنبدی در وسط آن متداول‌شد . با وجود این درتخصیص انواع مساجد بنواحی مختلف‌کشور حدومرزی نبوده منتهی هریك از اضلاع‌کشور نوعی‌ازآنها را بردیگرانواع ترجیح می‌داده‌اند . مثلا یك‌مسجد ایوان‌دار در نیریزفارس[۳۷۵] (شکل ۲۲۰ب) و دومسجد بشکل دالان گنبددار درمحمدیه درشرق اصفهان (شکل ۲۲۱) موجود است . باین‌سه‌نوع ساختمانیکه اولین سازندگان مساجد ایرانی مورداستفاده قرار دادند، شاید بتوان نوع چهارمی‌هم افزودکه عبارت ازترکیب ایوان باشبستان گنبددار است ،نظیر دژساسانی درفیروزآبادفارس که‌مسجدجمعه اردبیل درآذربایجان‌ازآن‌تقلیدشده‌است [۳۷۶] (شکل ۲۰۸ الف‌وب) .

مهمترین انواع مساجد ایرانی‌محققاً دونوع چارطاق‌وایوانی است‌که ابتدا‌ازیکدیگر مجزا ویکی درغرب‌و دیگری درشرق‌کشور معمول بوده ولی بعداً درزمان سلجوقیان باهم یکی شد ونوع‌مساجدبزرگ‌ایران راکه عبارت‌ازحیاط وچهارایوان باشدبوجودآورده‌اند.

مساجد چار طاقی [۱]

آتشکده‌های عصرساسانی اساساً مرکب از حیاط وسیعی بوده که در وسط آن سکوی بلندی وبرروی آن‌چارطاق محل آتشدان قرارداشته است . درزمان ما هم آتشکدهٔ باکو همین شکل‌را دارد [۳۷۷] . در ایران غربی، هنگامیکه خود تصمیم بساختن مسجد گرفتند همین طرح را انتخاب کردند وباکمی تغییرآنرا به صورتیکه مورد احتیاج آئین جدید بود

* * *

۱ـ La Mosquée-Kiosque

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درآوردند ؛ یعنی حیاط وسیع ومستطیل آنرا چنانکه بود نگاهداشتند با توجه باینکه محور اصلی آن با قبلهٔ محل یعنی جهت مکه منطبق باشد . وتغییری که درآن دادند انتقال چارطاق بطرف دیوار جنوبی حیاط یا قبله وتبدیل آتشدان به محراب بود . این طرح (شکل ۲۰۹) که از سه سمت باز ومتکی بدیوار قبله که محراب اصلی[1] درآن واقع شده ، ترکیب اصلی ومشخص این نوع مساجد است . درساعات مخصوص نماز ، مؤمنین درحیاط ،درمقابل آن صف بسته نماز بجا میآورند . محتمل است که ازخیلی پیش مساجد مزبور گلدسته‌هائی هم بردیوار محوطه یا دربرابر آن نزدیک درب ورودی داشته‌اند چنانکه مسجد تاریخانه دامغان [۳۷۸] (شکل ۲۰۴) در اواسط قرن دوم هجری داشته ،ویابعداً ساخته شده باشد ، مانند مسجدجمعه ساوه (شکل ۲۱۰) که تاریخ آن سال ۵۰۴ هجری (۱۱۱۱-۱۱۱۰ میلادی) است . گلدسته‌های مساجد قدیم اردستان [۳۷۹] (شکل ۲۰۹) ونیریز[۳۸۰](شکل ۲۲۰ الف) هم بهمین ترتیب قرار داده‌شده‌اند ، اولین مسجدیهم که ترکیب قدیم یعنی حیاط مرکزی وچهارایوان راحفظ کرده وبمناسبت همین ترکیب اخیراً درزواره (شکل۲۲۳) شناخته شده ، مسجد جمعه آنجا است که تاریخ آن سال ۵۳۰ هجری (۱۱۳۶-۱۱۳۵ میلادی) است .

باوجود این دومسجدچارطاقی، ازاین نوع کم میشناسیم ، یکی درگلپایگان ودیگری در برسیان ، ساختمان بدیوار جنوبی حیاط متکی نبوده وازآن مجزاست و باحتمال بیشتر درزمین نامحصوری که مؤمنین درفضای آزاد مانند مصلی در آن نماز بجا میاورده‌اند ساخته شده‌اند . مانند مسجد طورق[۳۸۱] (شکل۲۱۱) ومصلی نزدیک مشهد (شکل ۲۱۲)وبسیاری از مساجدترکستان. چیزی که این احتمال را تقویت میکند اینست که گلدسته‌های مساجدچار طاقی قدیم بطوریکه اشاره شد اغلب روی دیوار مسجد یا در مقابل آن واقع شده‌اند وحال آنکه درمساجد گلپایگان وبرسیان گلدسته‌ها جزو چار طاقی و در امتداد مجردیها ساخته شده‌اند ودر اولی [۳۸۲] (شکل ۲۱۳) روی پایه‌های جنوب غربی ودردومی[۳۸۳](شکل ۲۱۴) درپشت ساختمان واقع شده‌اند .

مهمترین مساجدچارطاقی که تاکنون شناخته شده اند اینها هستند : در اردستان ، مسجد جمعه [۳۸۴] (شکل ۲۰۹) . دربرسیان : مسجد جمعه [۳۸۵] (شکل۲۱۴) .در بروجرد ، مسجد جامع[۳۸۶]. درگلپایگان، مسجدجامع[۳۸۷] (شکل۲۱۳) .دراصفهان مسجد جمعه [۳۸۸] (عکس۱۳۰و۱۳۱ وشکل ۲۱۵ الف) درقزوین ، مسجد جمعه[۳۸۹] ومدرسه حیدریه [۳۹۰] (عکس۱۲۷و۱۲۹ وشکل ۲۱۶) . درقم ، مسجد جمعه [۳۹۱].

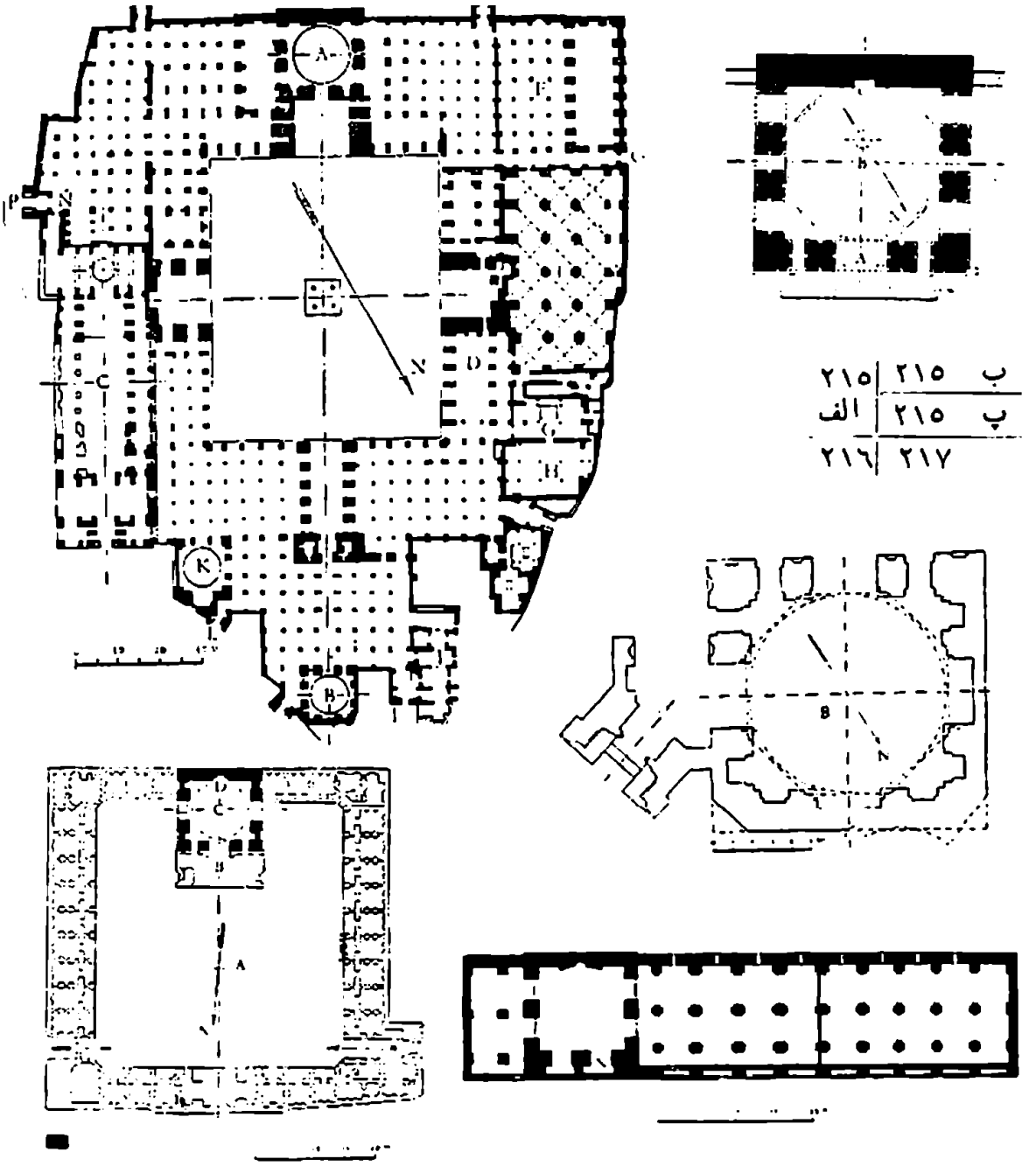
* * *

۱ــ برحسب اهمیت مسجد ممکن است دردیوارسمت قبله چهارطاق ، محرابهای فرعی هم ساخته شود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



ب ۲۱۵ | ۲۱۵
پ ۲۱۵ | الف
۲۱۶ | ۲۱۷

۲۱۵الف- نقشه مسجدجمعه اصفهان ،A بنای‌ملکشاه B-گنبد خاکی .C-مدرسه D - محراب سلطان الجایتوخدابنده.E - تالار زمستانی. F وF-تالار پنج‌دهنه و تالارشاه عباس‌اول . G - تالار وضو H-آبریز. I - بخش مردگان.J-عبادتگاه‌مجلسی. K-تالار گنبد جدید . L - درب‌متعلق‌بسال ۵۱۵ هجری M-درب‌متعلق بسال ۷۶۸ هجری.N-درب‌بنام‌مظفری قطب الدین شاه محمود. O- درب‌متعلق‌بسال۹۹۹هجری.P-دروازه‌بسال۱۱۱۸ هجری. Q-درب‌بسال۱۳۰۱ هجری .

۲۱۵ ب - نقشهٔ بنای ملکشاه ،A- ورودی .B-گنبد .C- محراب .D- دیوارقبله .

۲۱۵پ - نقشه‌گنبد خاکی

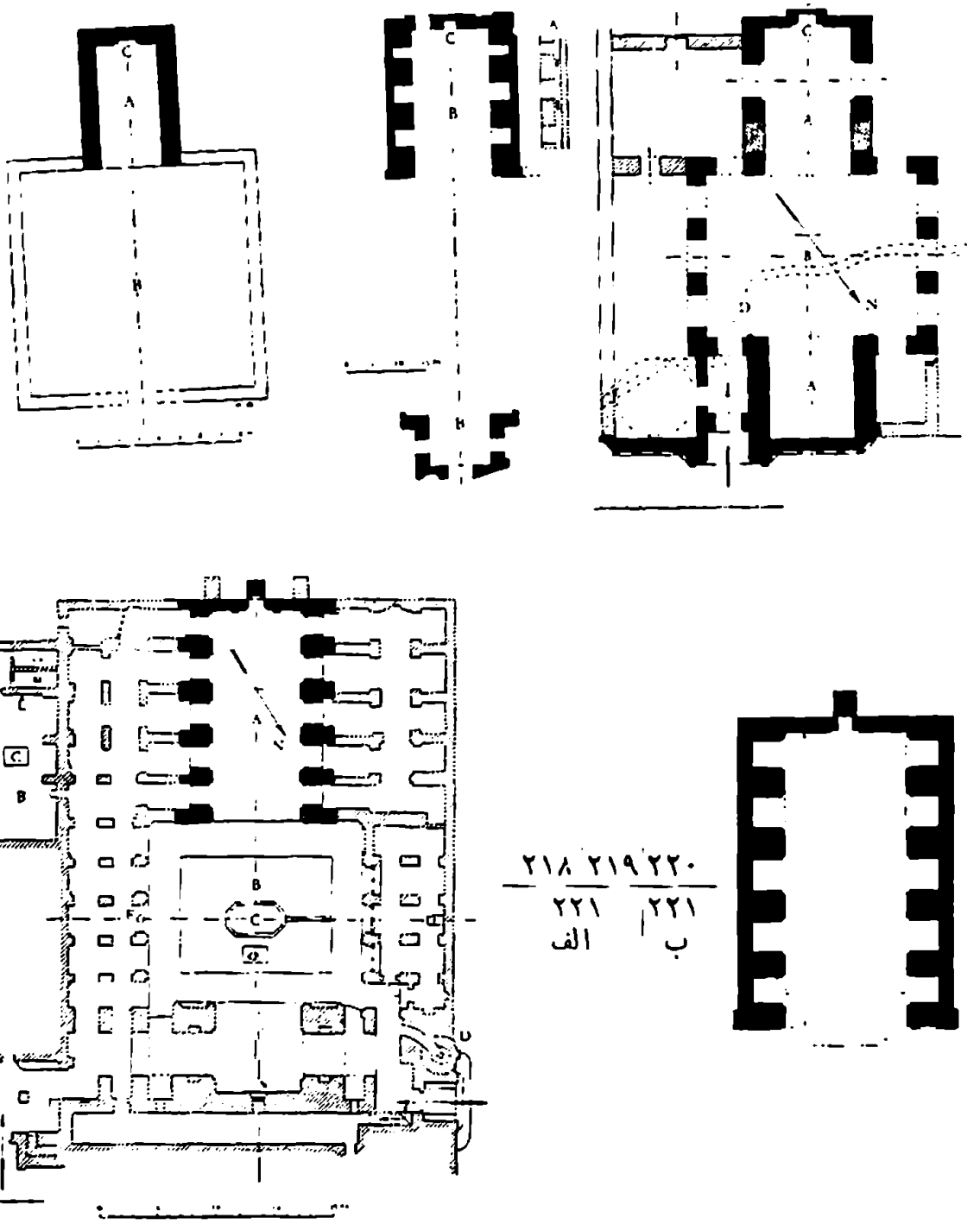
۲۱۶- نقشهٔ‌مدرسهٔ‌حیدریه‌قزوین . A- حیاط . B ایوان . C - تالارچهارگوش‌گنبددار D- محراب .(سیاه : بنای‌سلجوقی ، سفید : بنای‌قاجار.)

۲۱۷- نقشهٔ مسجد جامع رضائیه .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰
۲۲۱ ۲۲۱
الف ب

۲۱۸ــ نقشه مسجدبامیان :A ــ ایوان. B ــ حیاط .C ــمحراب .
۲۱۹ــ نقشه مسجد زوزن ، A ــ نقشه دیوار تفاع بیشتر. B ایوان. C ــ محراب.
۲۲۰ــ نقشه‌مسجد فریومد: A و A. ایوان. B ــحیاط C ــمحراب، D ــ مجرای آب .
۲۲۱الف ــ نقشه وضع‌فعلی مسجد جمعه نیریز .A ــ ایوان B ــ حیاط .C ــاستخر.D ــمناره .E ــآبریز F ــچاه.
۲۲۱ب ــ نقشه وضع‌قدیم مسجدجمعهٔ نیریز .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسهای ۱۳۵ تا ۱۶۲

۱۳۵ـ آرامگاه شیخ صفی الدین در اردبیل نیمهٔ قرن چهاردهم میلادی .
این بنا برآرامگاه شیخ احتمالا بنا بدستور فرزندش صدرالدین بناشده است .

۱۳۶ـ مسجد و آرامگاه الجایتوخدا بنده سلطان مغول، درسلطانیه. آغازقرن چهاردهم میلادی. این بنای هشت گوش بر قاعدهٔ چهار گوش و تمام از آجرساخته شده وگنبد بسیار زیبائی دارد .
دردوران سلطان الجایتو، میان سالهای ۷۰۳ و ۷۱۶ هجری (۱۳۰۴-۱۳۱۶ میلادی) و بخاطر انتقال حرم اولین ائمه مذهب شیعه، بآن بناشد . اما بسبب جلوگیری از چنین انتقالی مدفن خود اوگردید.

۱۳۷ـ جزئی ازتزئینات بنای قبل که ازآجر بریده و کاشیهائی برنگ آبی ، فیروزه ای ، سفید وسیاه درنقوش هندسی ساخته شده .

۱۳۸ـ برج آرامگاه علاءالدین در ورامین اواخرقرن سیزدهم میلادی. بنای آن در سال ۶۸۸ هجری (۱۲۸۹ میلادی) پایان پذیرفت.

۱۳۹ ـ مسجد جمعه ورامین . قرن چهاردهم میلادی. بنای این مسجددردوران الجایتوشروع و درزمان پسروجانشینش ابوسعید بسال ۷۲۲ هجری (۱۳۲۲ میلادی) پایان پذیرفت. بااینحال کتیبهٔ دامن گنبددارای تاریخ ۷۲۶ هجریست. این بنا بسال ۸۱۵ هجری (۱۴۱۲ میلادی) مورد تعمیر قرار گرفته است. (عکس ۱۴۱ را هم ببینید) نقوشی که درزیرطاق ورودی مسجد دیده میشود، بشیوه و بامصالحی نظیرمسجد سلطانیه است .

۱۴۰ـ بقایای کاروانسرای سرچم ، نیمهٔ قرن چهاردهم میلادی .
ازاین کاروانسرا که میان راه سلطانیه به تبریز واقعست، این سردرمفولی بجامانده وتاریخ آن ۷۳۳ هجری (۱۳۳۳-۱۳۳۲ میلادی) است .

۱۴۱ـ گنبد مسجد جمعه ورامین . این گنبد فاقد پوشش کاشی است و شاید ازابتدا فاقدآن بوده است .(عکس ۱۳۹ رانیز ببینید)

۱۴۲ ـ بخشی از تزئینات طاق ، از دوران تیموریان . این نقش باسنگ و کاشی و گل پخته ودرآن متناباً نقوش هندسی و گل وبته بکاررفته است .

۱۴۳ ـ نقش تزئینی در اردبیل. از دوران تیموریان .این نقوش پس ازانجام بنای قبرشیخ صفی الدین به آن بنامنتقل شده اند.

۱۴۴ـ تزئین خارج مدرسهٔ دودر، درمشهد . دوران تیموریان ، تاریخ آن ۸۴۳ هجری (۱۴۴۰- ۱۴۳۹ میلادی) است .

۱۴۵ـ تزئینات داخلی مسجد کبود تبریز . قرن پانزدهم میلادی .
این بنا از سلطان جهانشاه از سلسلهٔ تیموریان وتاریخ ۸۷۰ هجری را دربردارد.

۱۴۶ـ جزئی از تزئینات مسجد کبودتبریز قرن پانزدهم .

۱۴۷ـ خطوط تزئینی در مسجد کبودتبریز. قرن پانزدهم. حروف وگلهای تزئین ازسنگهای بلورین دریاچهٔ ارومیه کنده شده اند.

۱۴۸ـ کاخ عالی قاپودراصفهان. دوران تیموری وصفوی. اصفهان پیش ازصفویه مدتها پایتخت ایران بوده وبالاخره درزمان شاه عباس دیگر بارپایتخت ایران شد. شاه عباس عالی قاپو را

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مقرخود ساخت وتغییرات فراوان در آن پدید آورده طبقات بالارا چنانچه در عکس ۱۴۹ قسمتی از آنرا می‌بینیم برروی بخش زیرین که ازعهد تیموریان مانده بود بناکرد.

۱۴۹ـ تالار و چینی‌خانه، طبقه سوم کاخ عالی‌قاپو. تزئینات دیوارسقف این تالارپذیرائی ازچوب رنگ‌آمیزی شده است. نظیراین تزئینات‌رادر بناهای‌دیگری‌ازعهد شاه‌عباس، مثلادراردبیل، می‌توان یافت.

۱۵۰ـ محراب‌مسجد شیخ‌لطف‌اله ـ اصفهان ـ قرن هفدهم‌میلادی.

۱۵۱ـ جزئی اززیر طاق ورودی مسجد شاه اصفهان ـ قرن هفدهم میلادی.
فضای‌بیرون‌درب ورودی رانیم گنبدی‌پوشانیده که اززیر باطاقدیس‌های کاشیکاری شده‌تزئین شده. این سردرکه روبه‌میدان بزرگ‌نقش‌جهان قرارگرفته، بسرعت ودرسال ۱۰۲۵ هجری (۱۶۱۵ میلادی) بنـایش پایان یافت ولی بنای خود مسجد بیست‌سالی پس ازآن آمـاده استفاده گشت.

۱۵۲ـ مسجد شاه‌زید در حـومهٔ اصفهان ـ دوران صفوی ـ این بقعه که احتمالا دراوان سلطنت صفویه ساخته شده، درعهد شاه سلیمان (۱۶۶۶-۱۶۹۴ میلادی) تعمیرشدولی گنبدآن، یاالااقل‌پوشش‌کاشی زردو آبی‌آن، جدیداست. درداخل بقعه صور مذهبی شیعیان منقوش است و این، با در نظرگرفتن‌قوانین شرعی اسلام یکی ازموارد بسیارکمیابست.

۱۵۳ـ قبربابا رکن‌الدین در اصفهان. بابا رکن‌الدین مجتهد ودرسال ۱۳۶۷ میلادی در گذشته است بنای قبراوبرنقشه‌ای پنج‌برساخته شده‌که باسقفی ده‌ترک پوشیده شده‌است.

۱۵۴ـ داخل‌مسجدشاه ـ اصفهان. درته‌حیاط ایوان جنوبی و تارک گنبد اصلی که در۱۶۱۲ میلادی درزمان شاه‌عباس اول‌شروع شده‌وگویا پس از مرگش درسال ۱۶۲۸ میـلادی پایان پذیرفته است.

۱۵۵ـ دیدهوائی اصفهان. درپائین مسجدشاه ودرسمت‌چپ‌کاخ‌شاهی عالی‌قاپودیده می‌شوند. ایـن عکس از کتـاب E.Schmidt بنام Flights over ancient cities of Iran گرفته شده است.

۱۵۶ـ گنبد ومنارهٔ مسجدشاه‌اصفهان. سه‌گنبد بزرگ وکاشیکاری شده اصفهان از مسجد شاه، مسجدشیخ لطف‌اله ومدرسه چهارباغ است‌که هرسه بدوران صفوی تعلق‌دارند.

۱۵۷ـ بخشی ازتزئین نمای مدرسه چهارباغ. اوایل قـرن هجـدهم میلادی. تزئینات کاشیکاری تـوام بـا آجر نراشیده در منار و گنبد این مدرسه نیز دیده می‌شود. (عکس ۱۶۲).

۱۵۸ـ تزئینات داخل مسجد شاه اصفهان. شیوهٔ‌کاشیکاری باقالبهای چهارگوش دردوران شاه‌عباس‌که برنامه‌های ساختمانی‌وسیعی‌داشت، عمومیت یافت.

۱۵۹ـ بخشی‌ازپل‌سی وسه‌پل اصفهان. اواخر قرن شانزدهم میلادی.

۱۶۰ـ دیدکلی پل‌الهوردیخان (سی‌وسه‌پل). این پل به‌درازای ۲۹۵ وپهنای ۱۳٫۷۵ متر بدستور الهوردیخان سردارسپاه شاه‌عباس اول بناشده است.

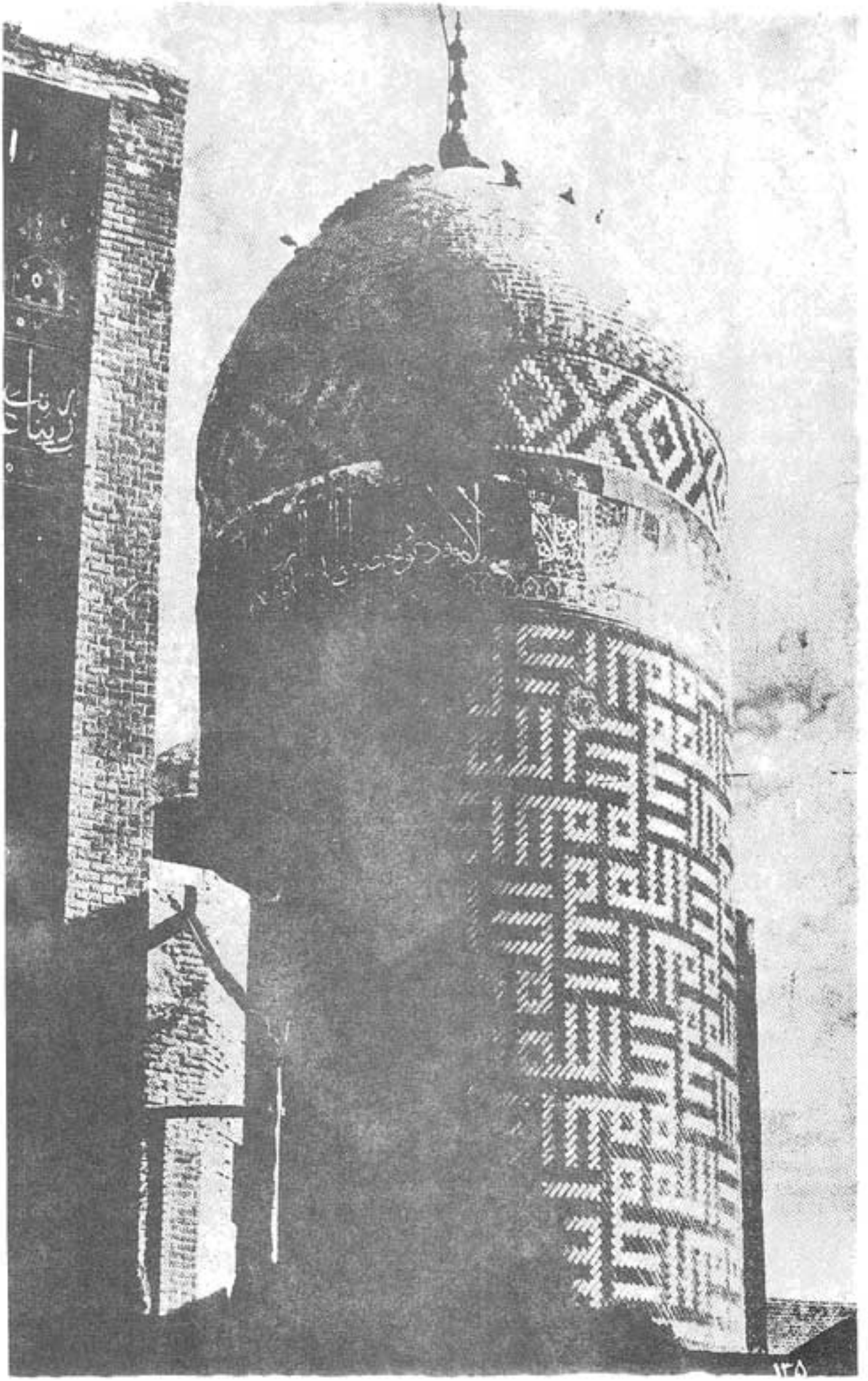
۱۶۱ـ پل خواجو در اصفهان. قرن هفدهم میلادی. ساختمان پل درزمان شاه عباس دوم برروی سد قدیم‌زاینده رود، از۲۴ دهانه‌قوس تشکیل یافته ودر دوسو و میان آن غرفه‌ها و جایگاههائی درنظرگرفته شده‌است.

۱۶۲ـ بخشی ازگنبد و گلدستهٔ مدرسه چهار باغ اصفهان، اواخر دوران صفوی.
بنای این مدرسه‌علوم‌دینی میان سالهای۱۷۰۶ و۱۷۱۴ میلادی ساخته‌شده. درعکس‌استوانه زیرگنبد وطریق نورگیری داخل‌آن وگلدستهٔ ایوان جنوبی دیده می‌شوند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

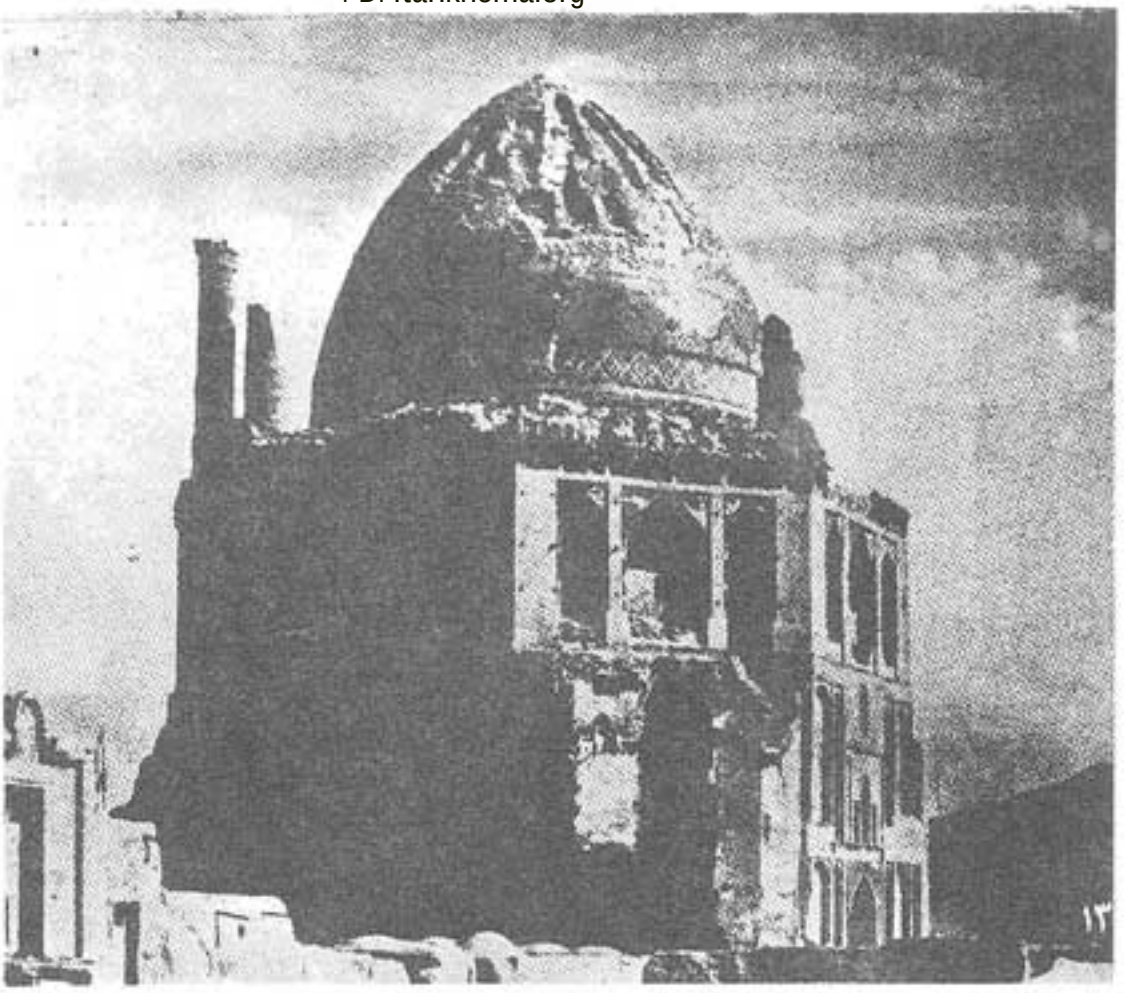
PDF.tarikhema.org

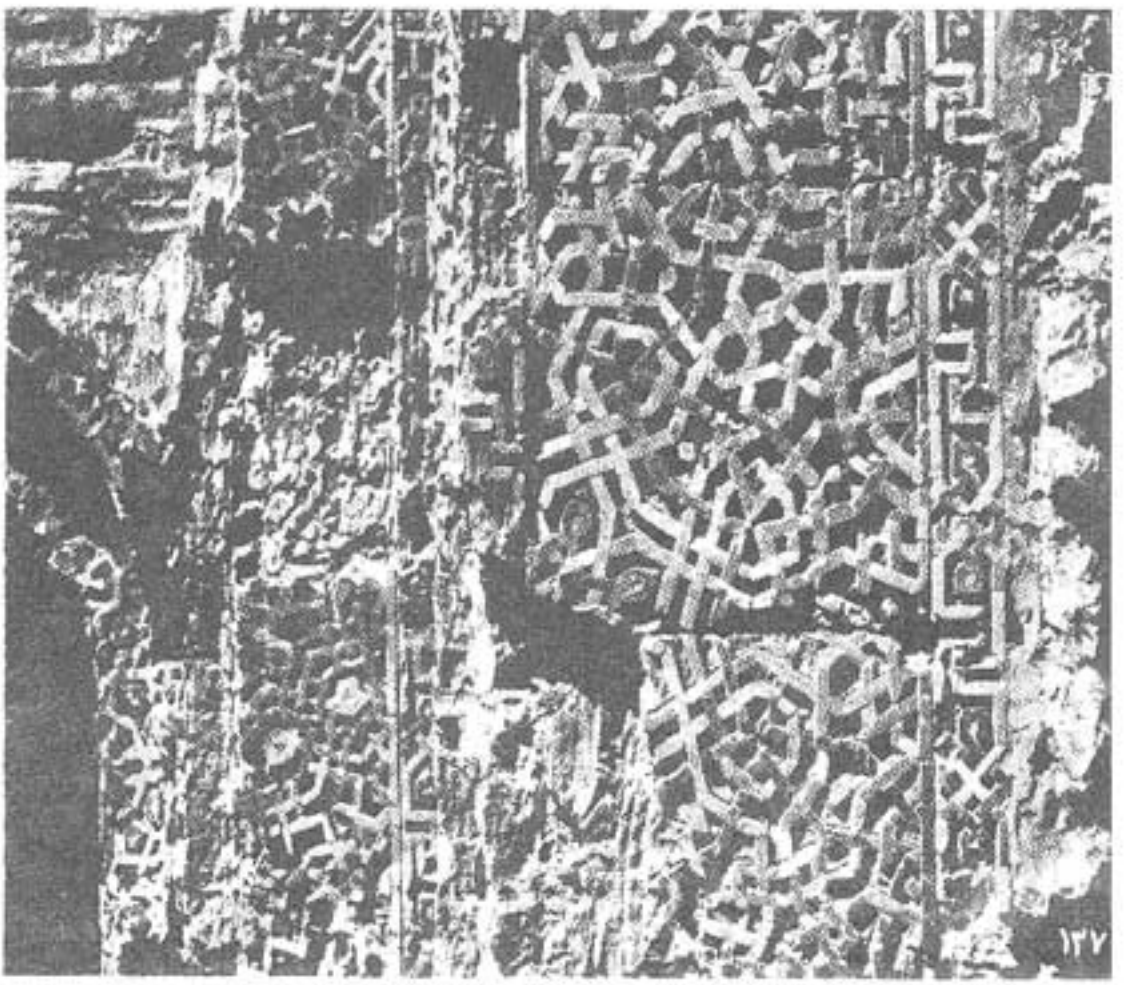


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

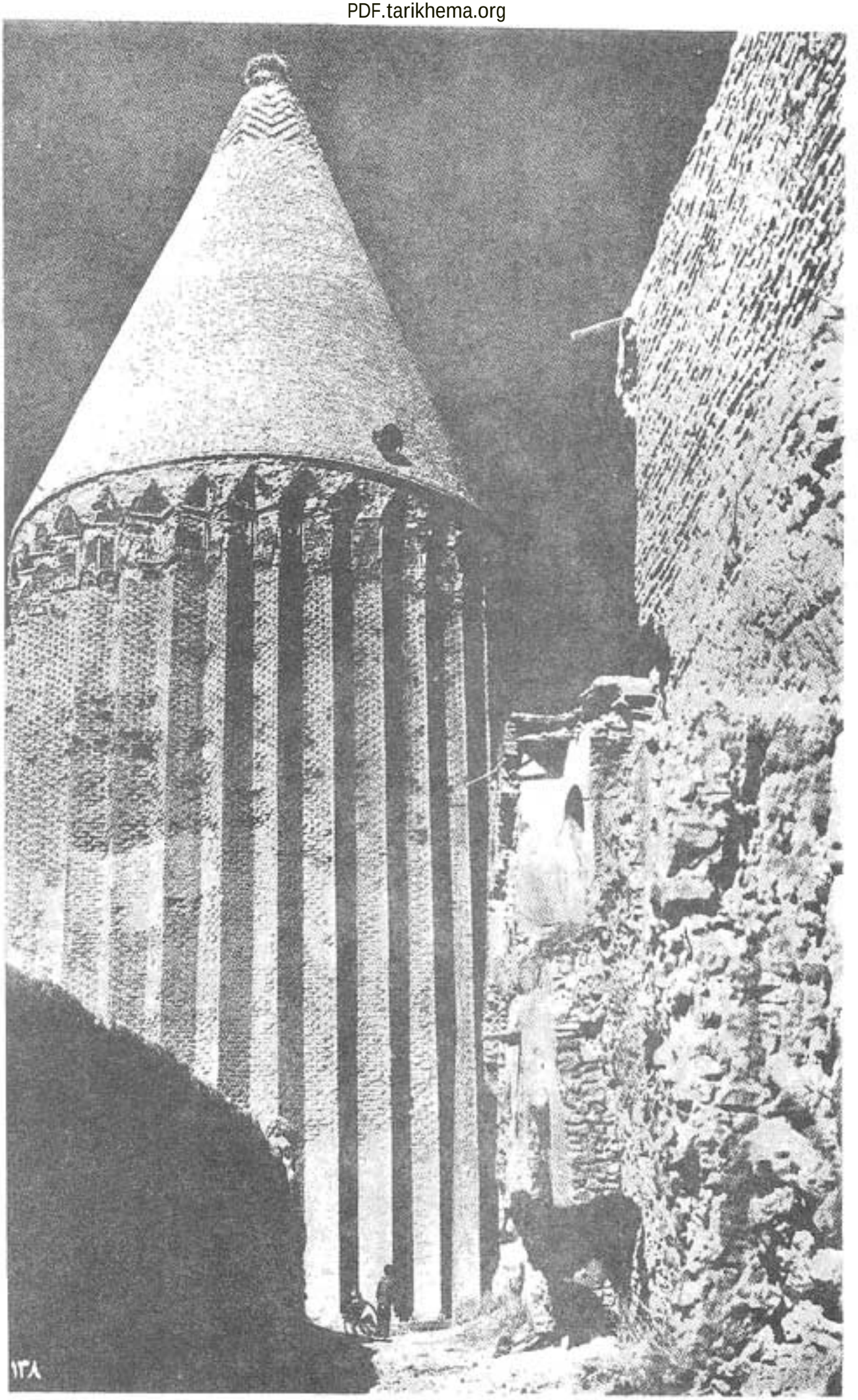




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

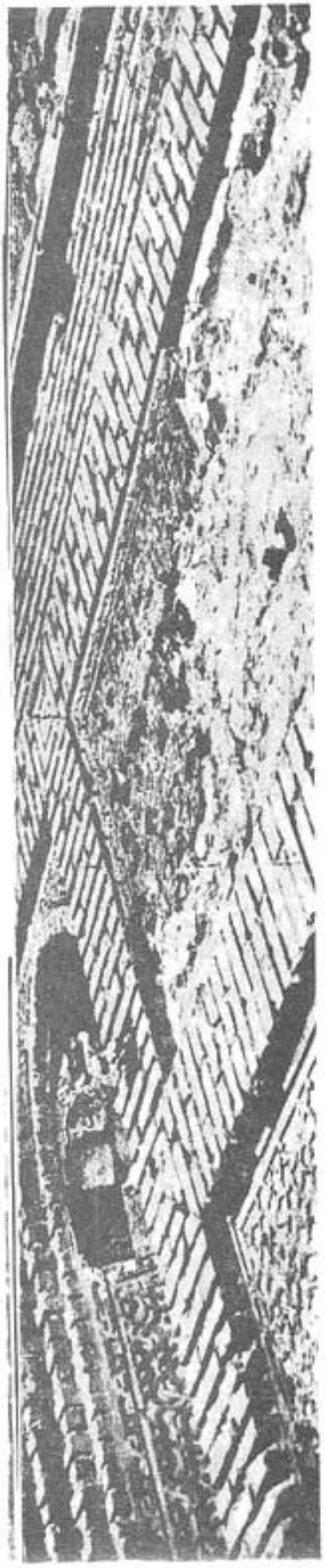
PDF.tarikhema.org



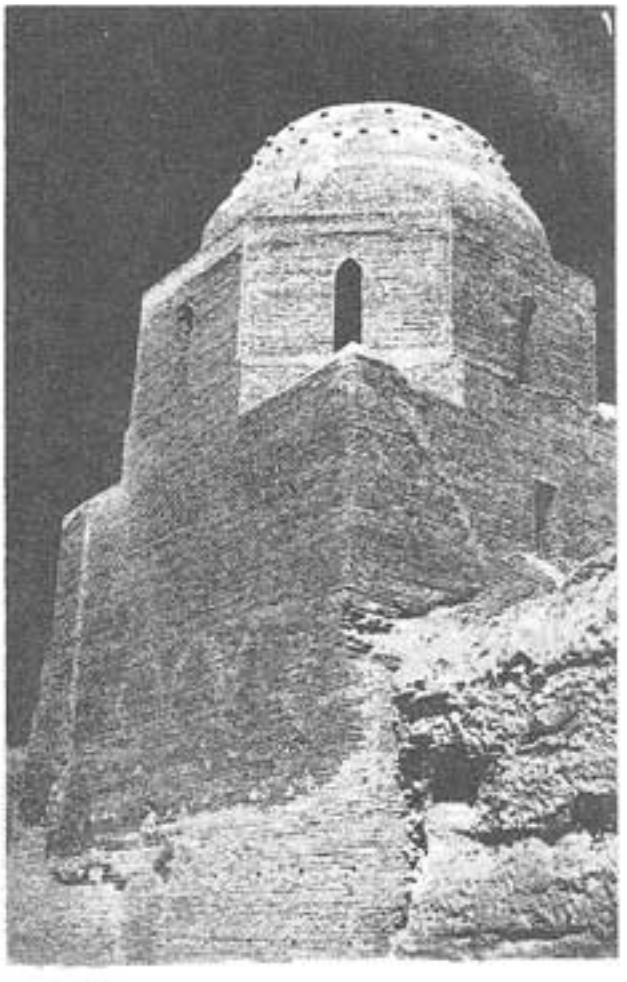
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



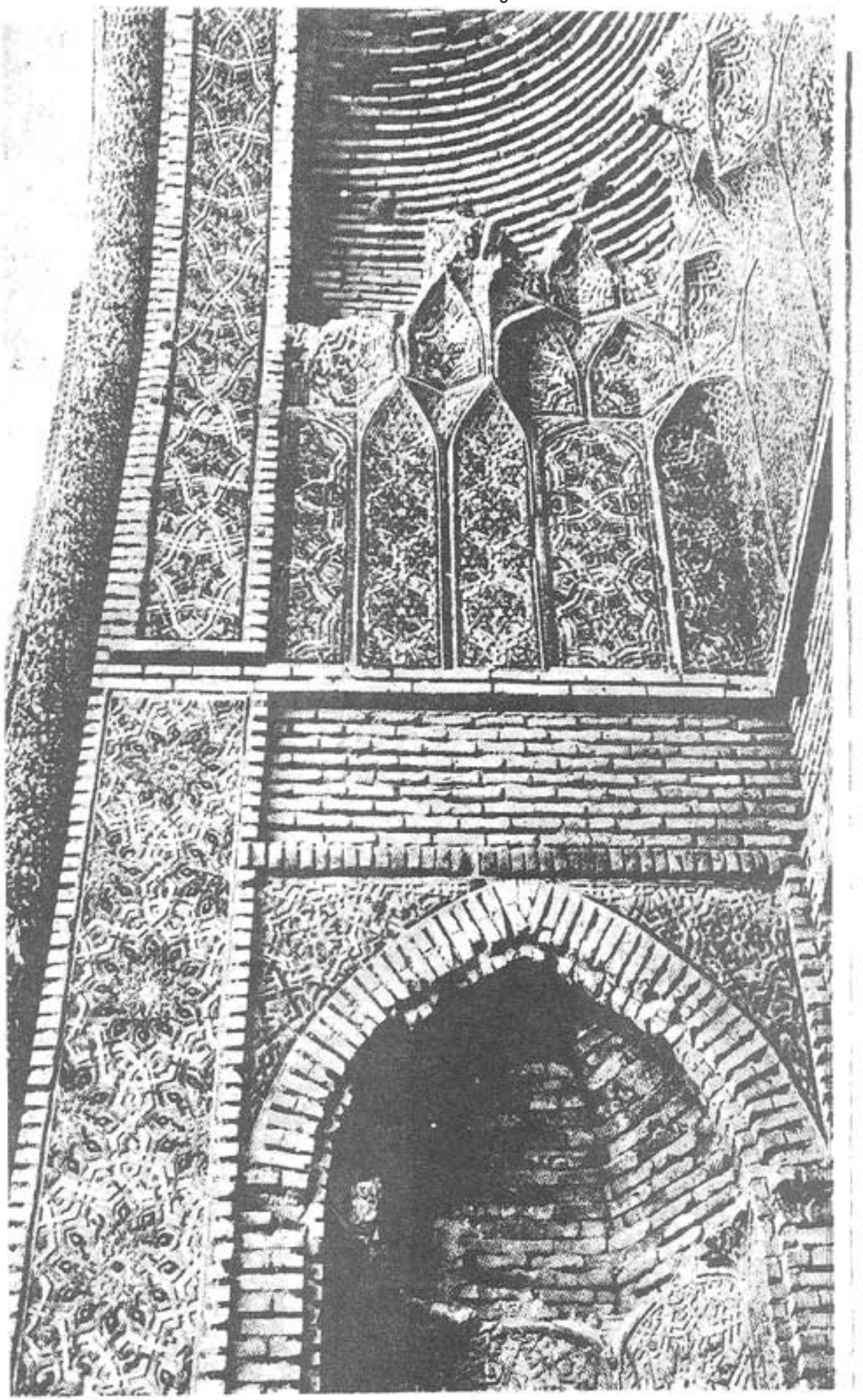




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

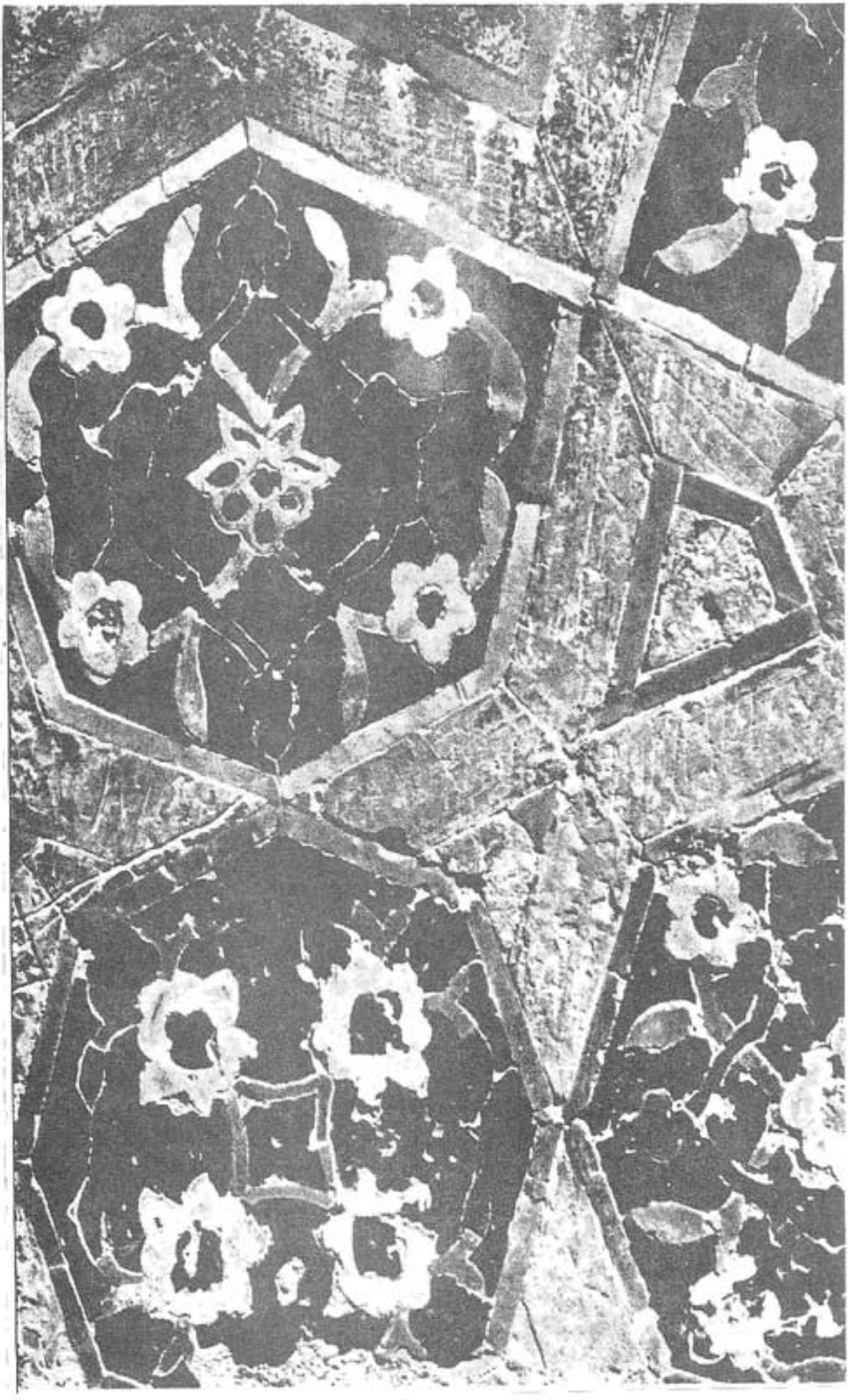
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

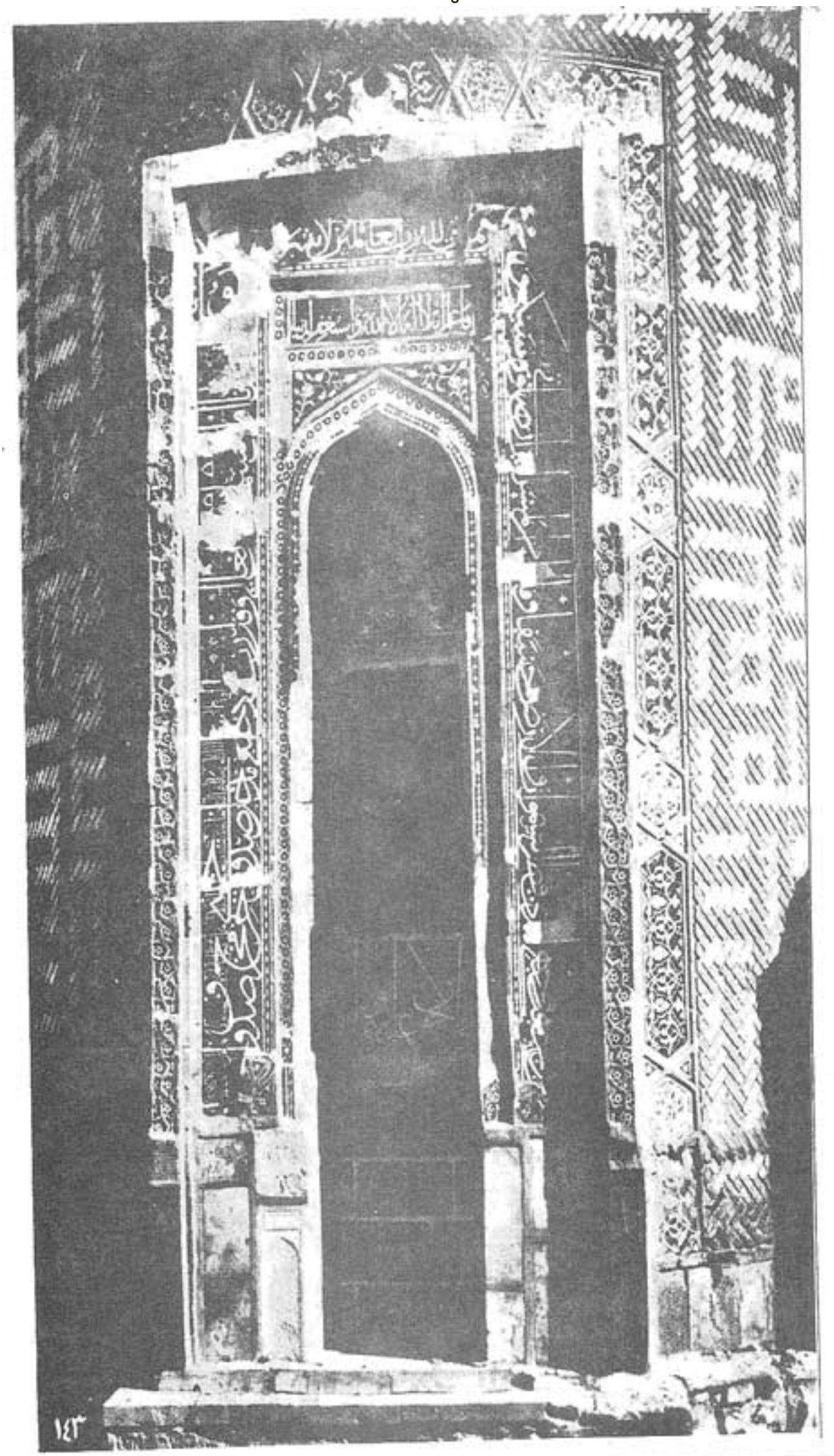
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

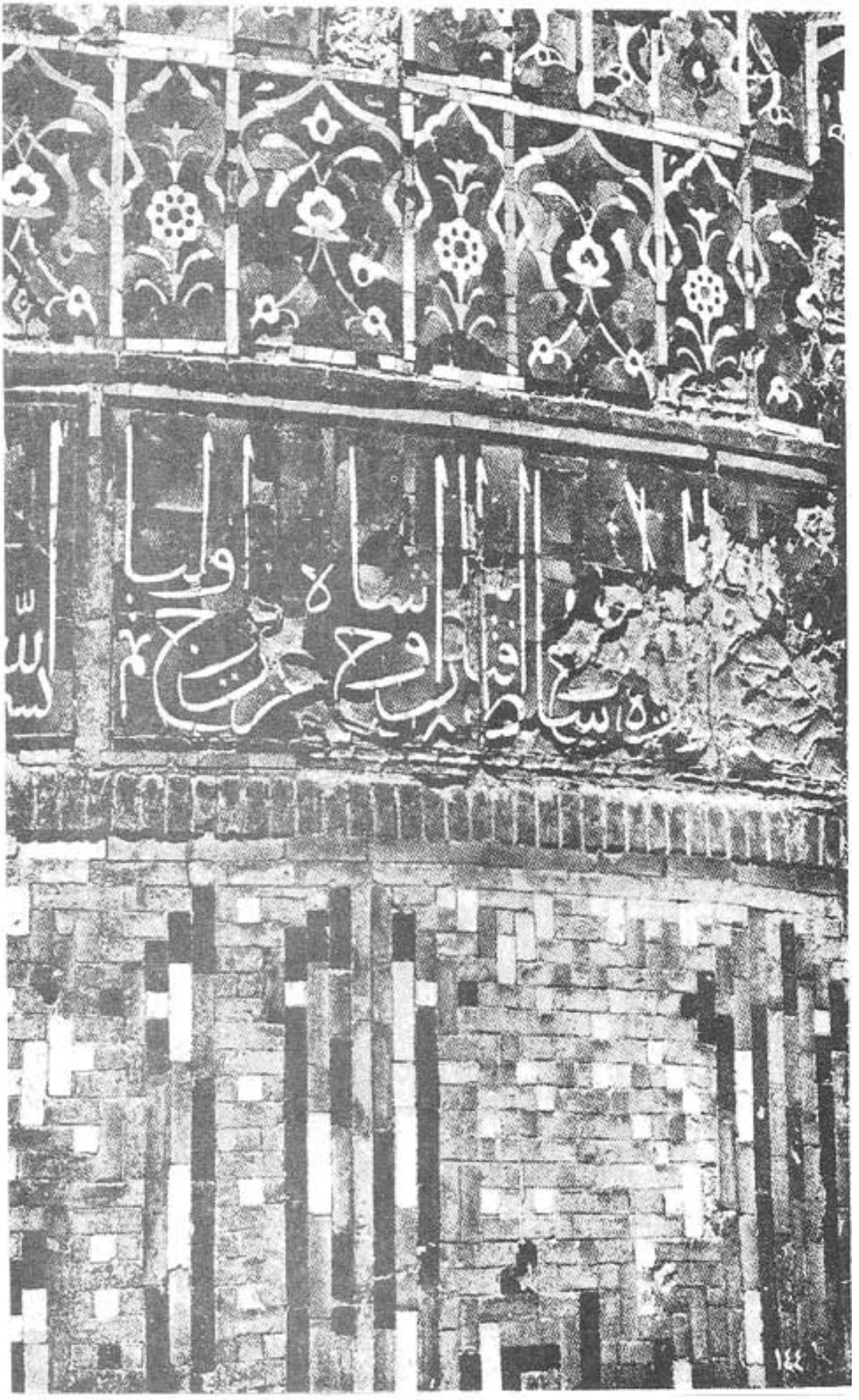
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

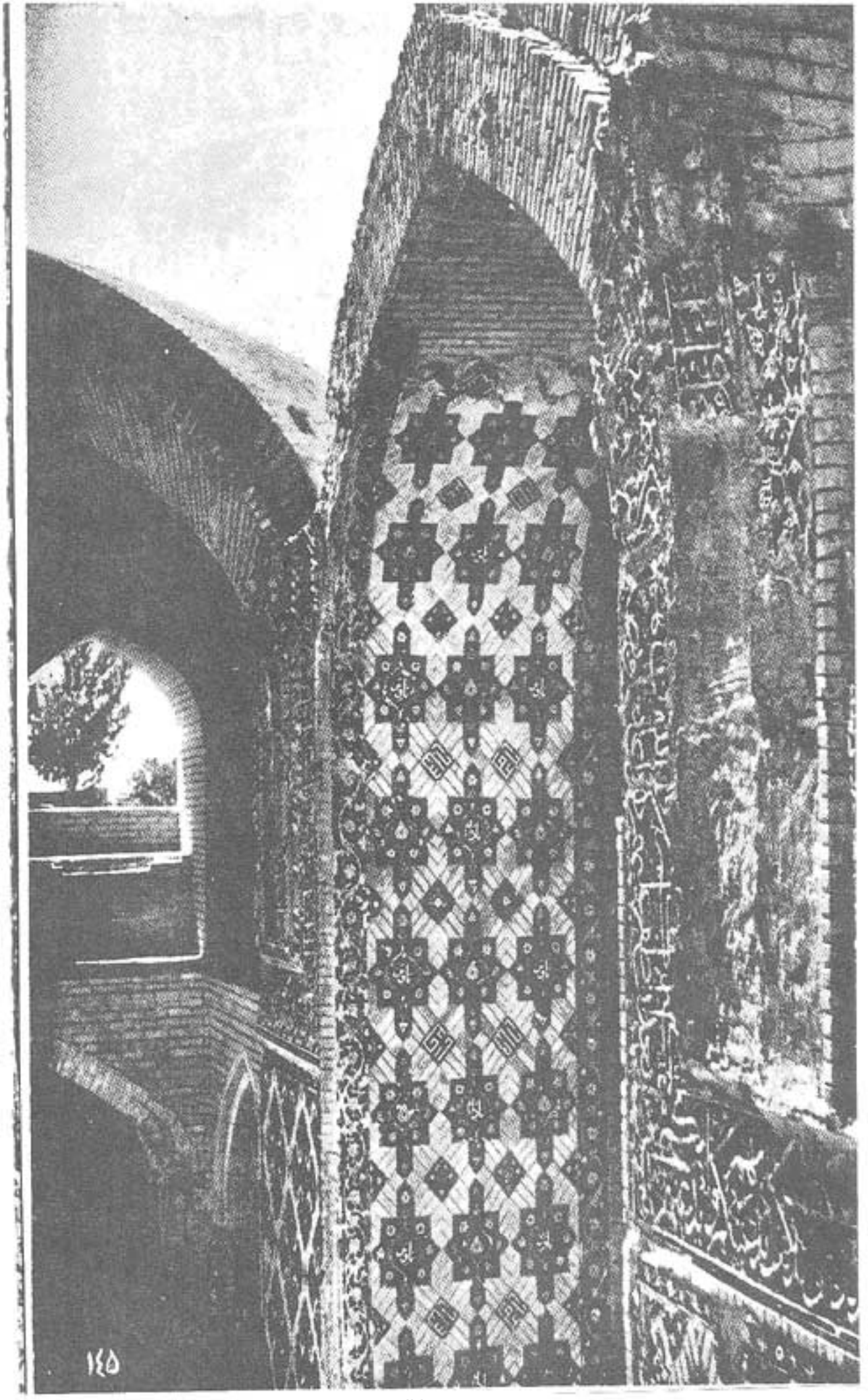
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

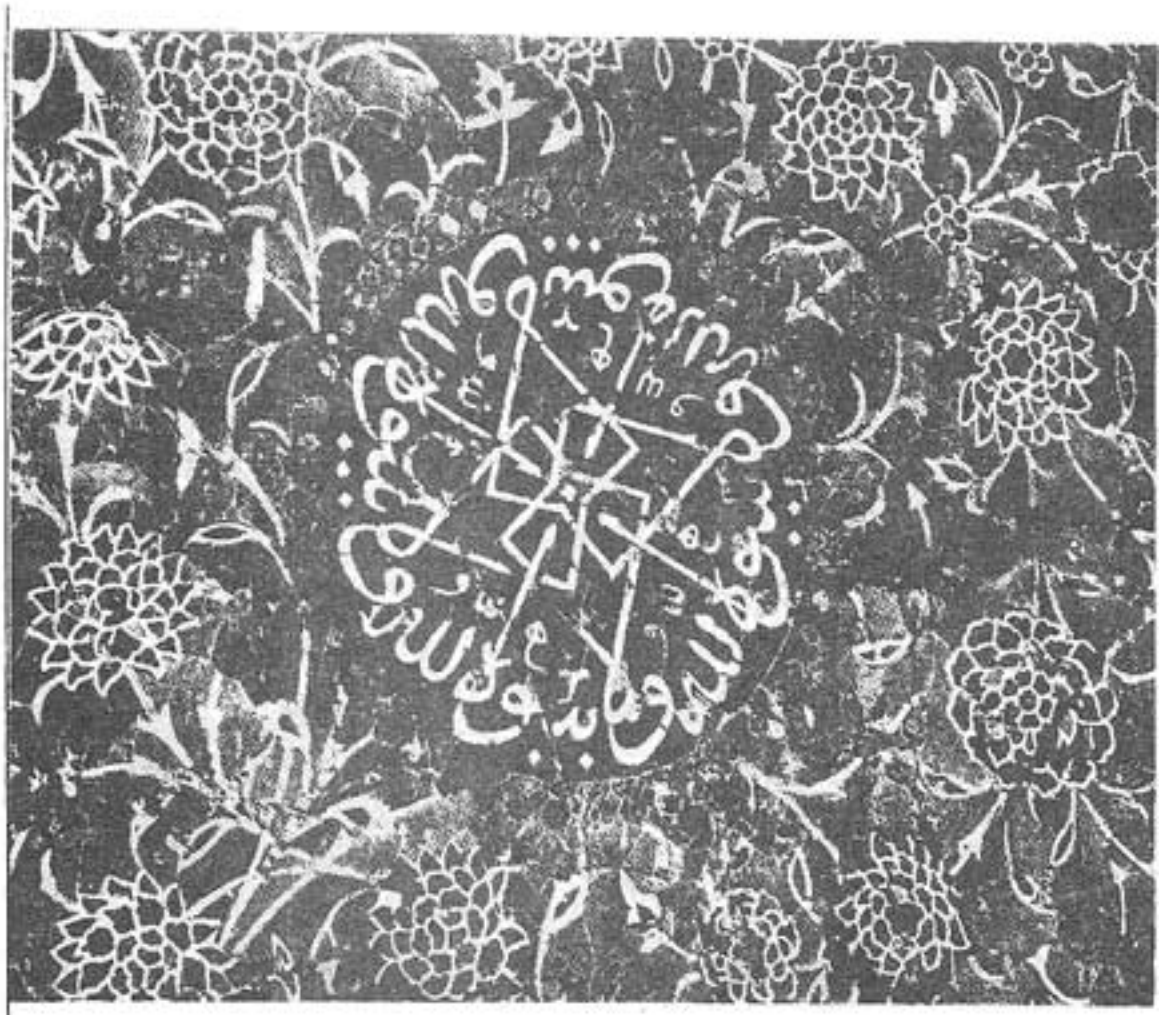
PDF.tarikhema.org

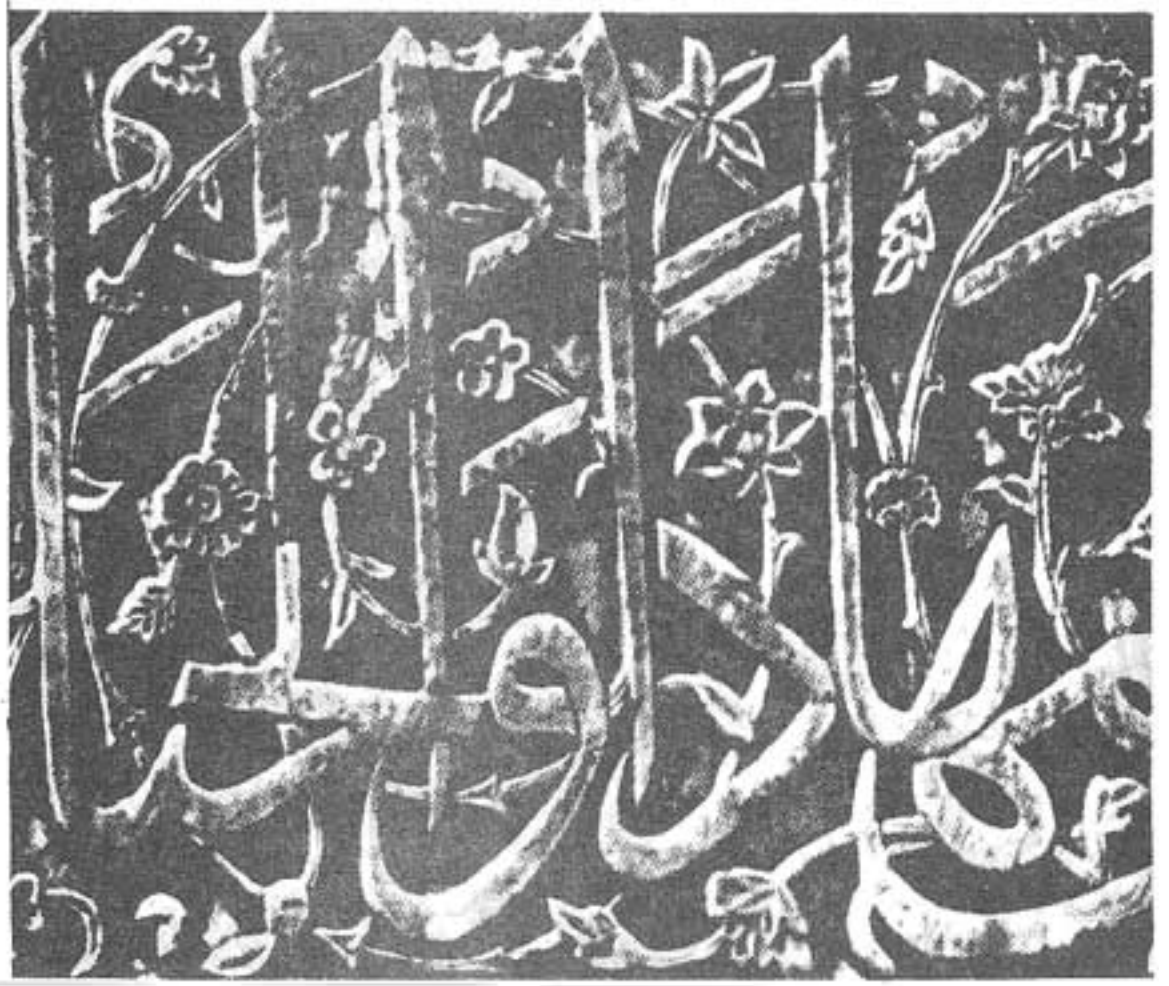


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

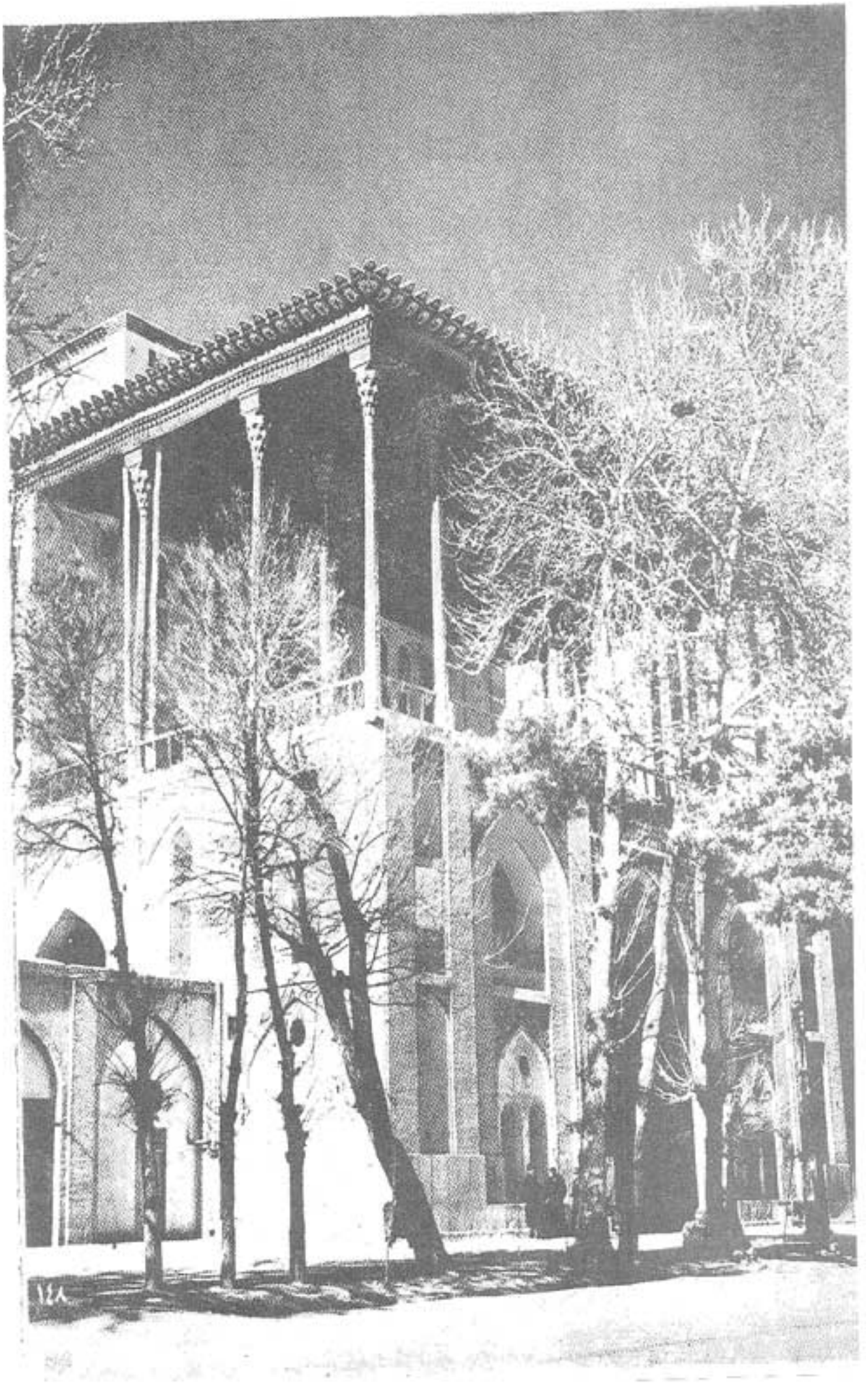




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

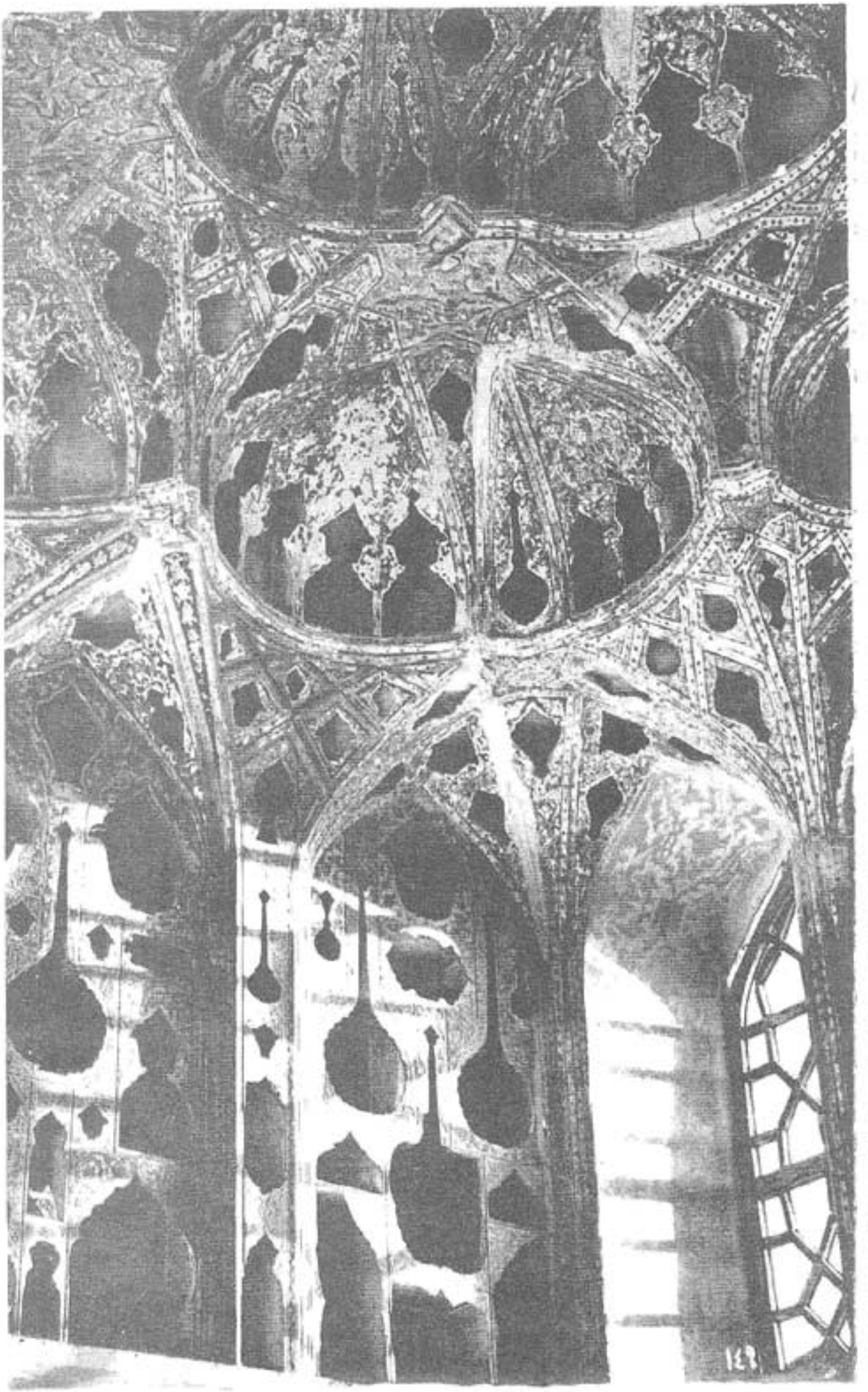
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

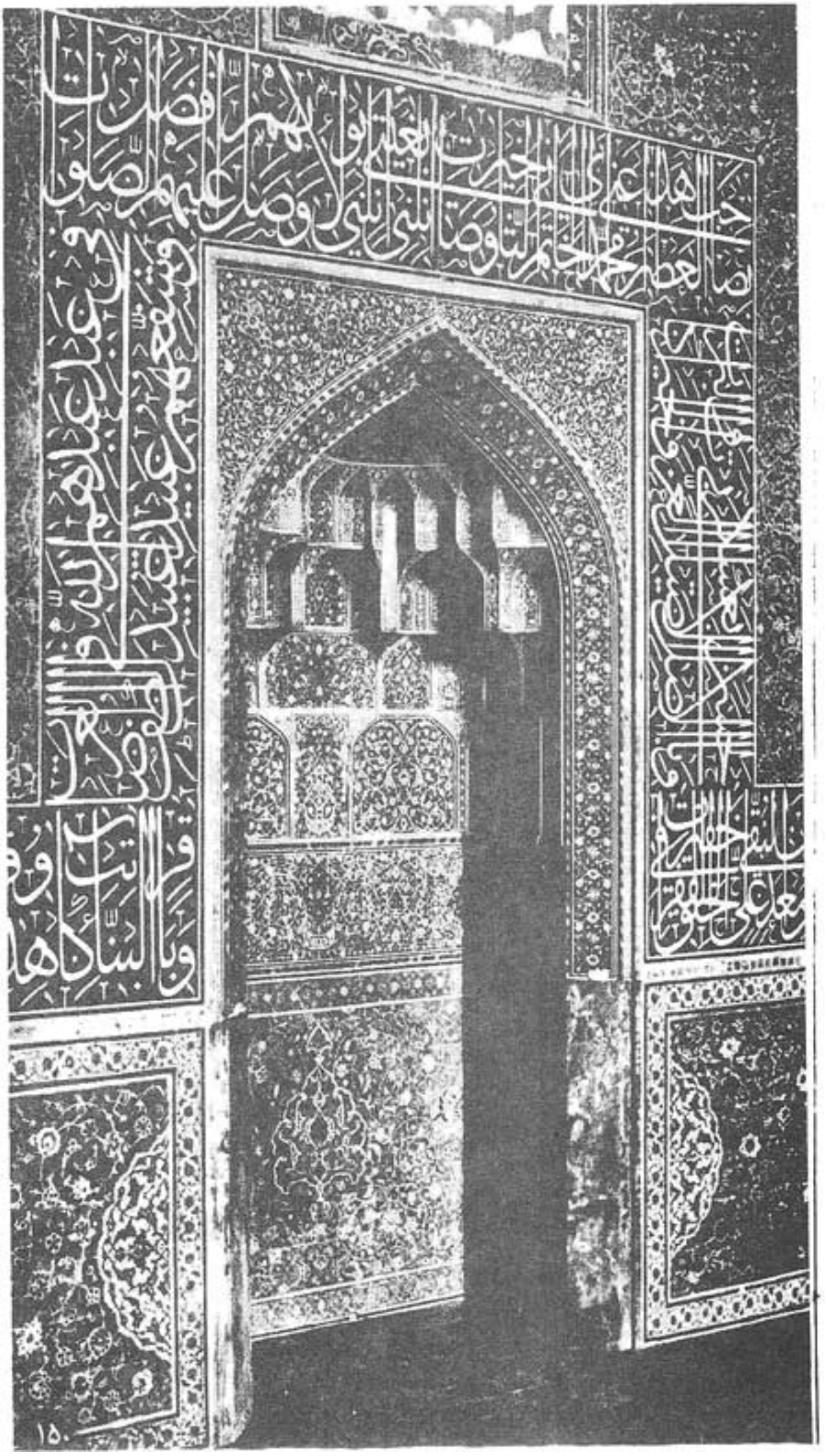
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

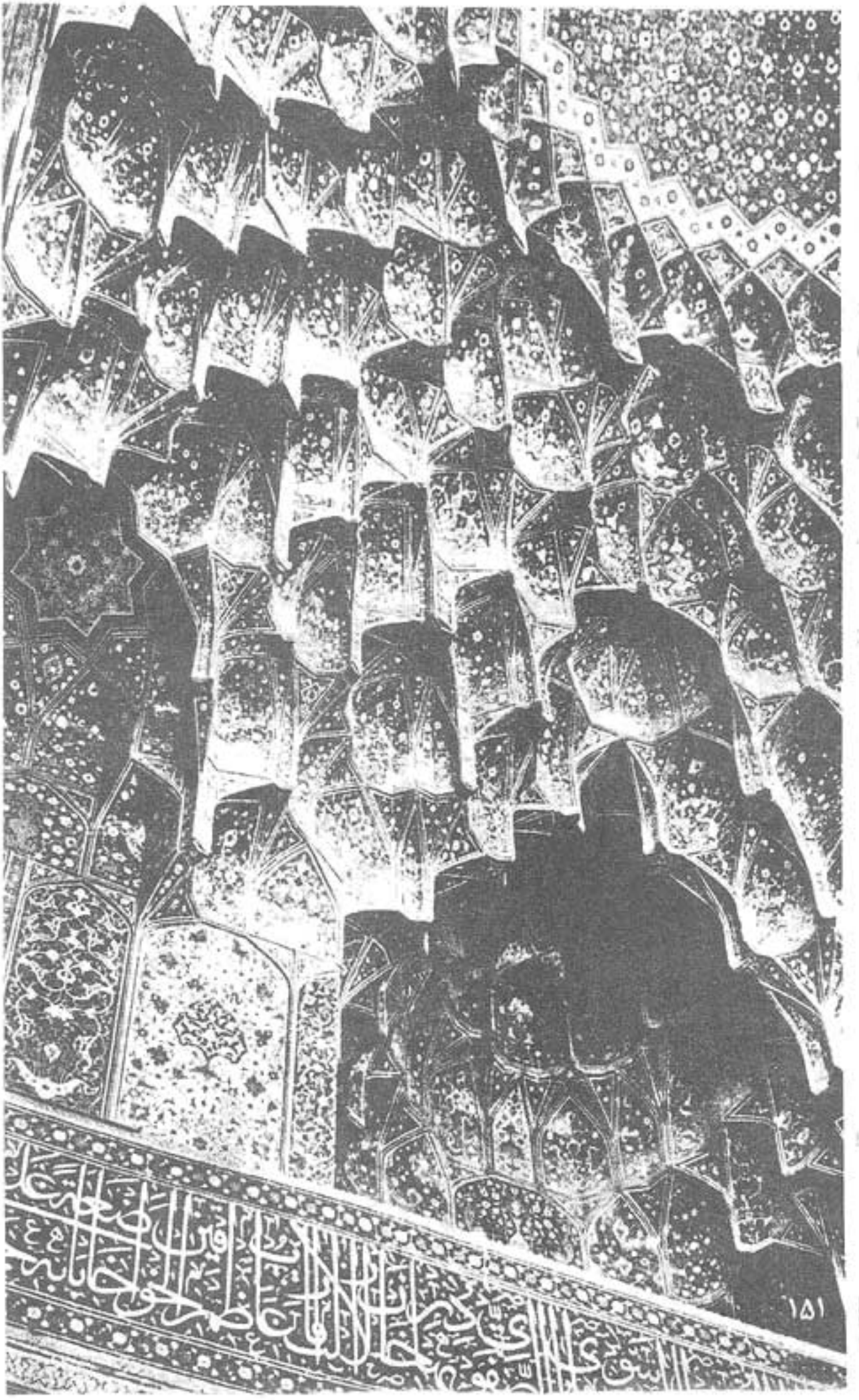
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

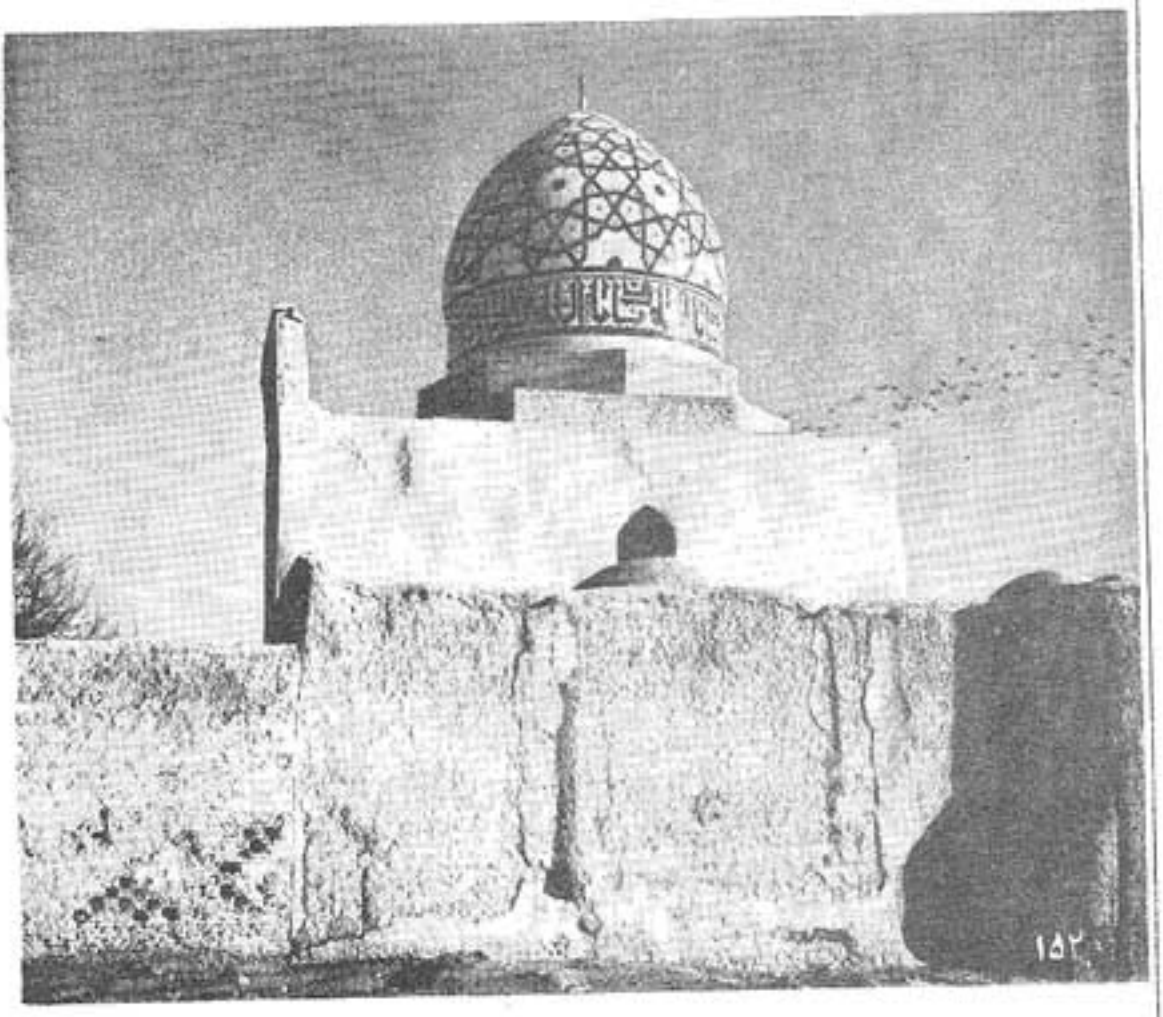
PDF.tarikhema.org



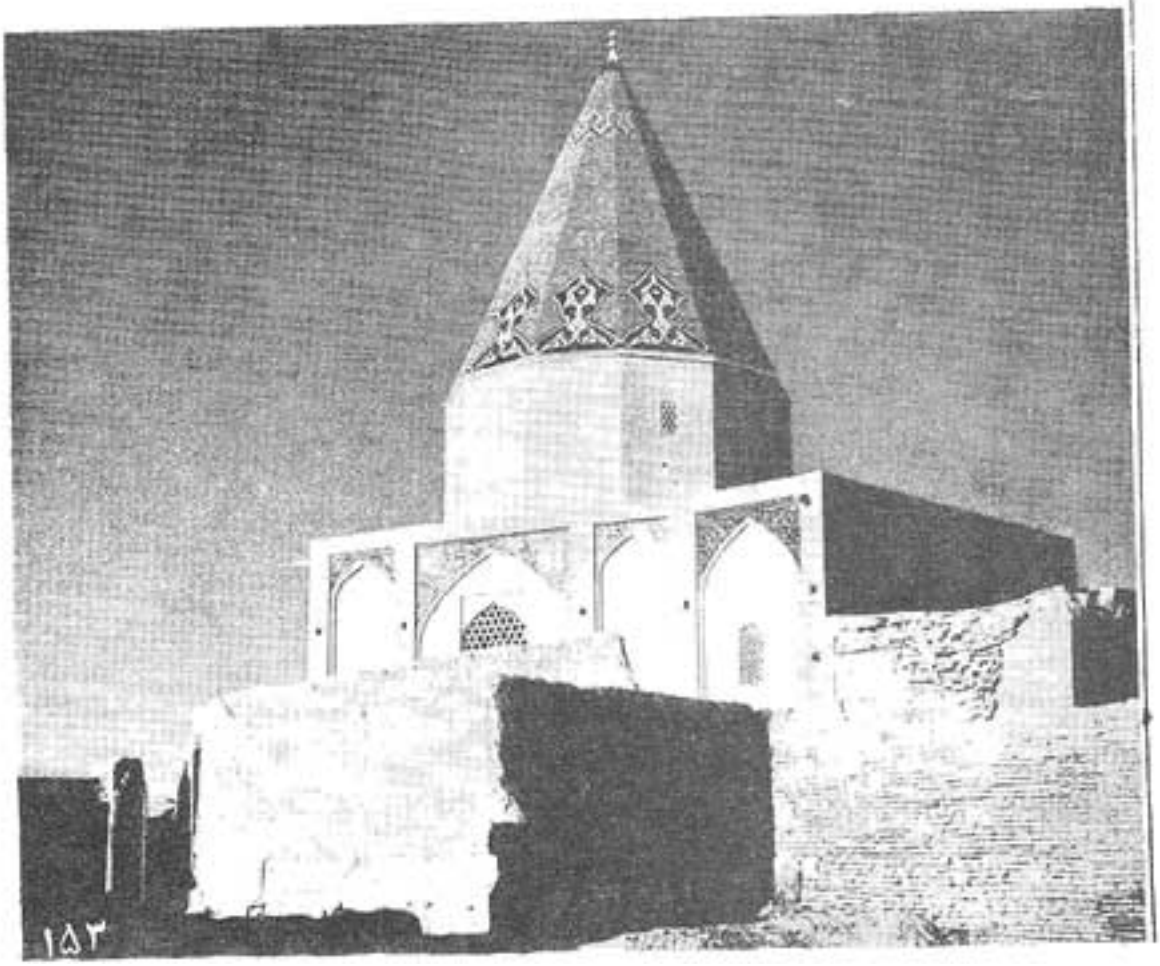
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۱۵۲

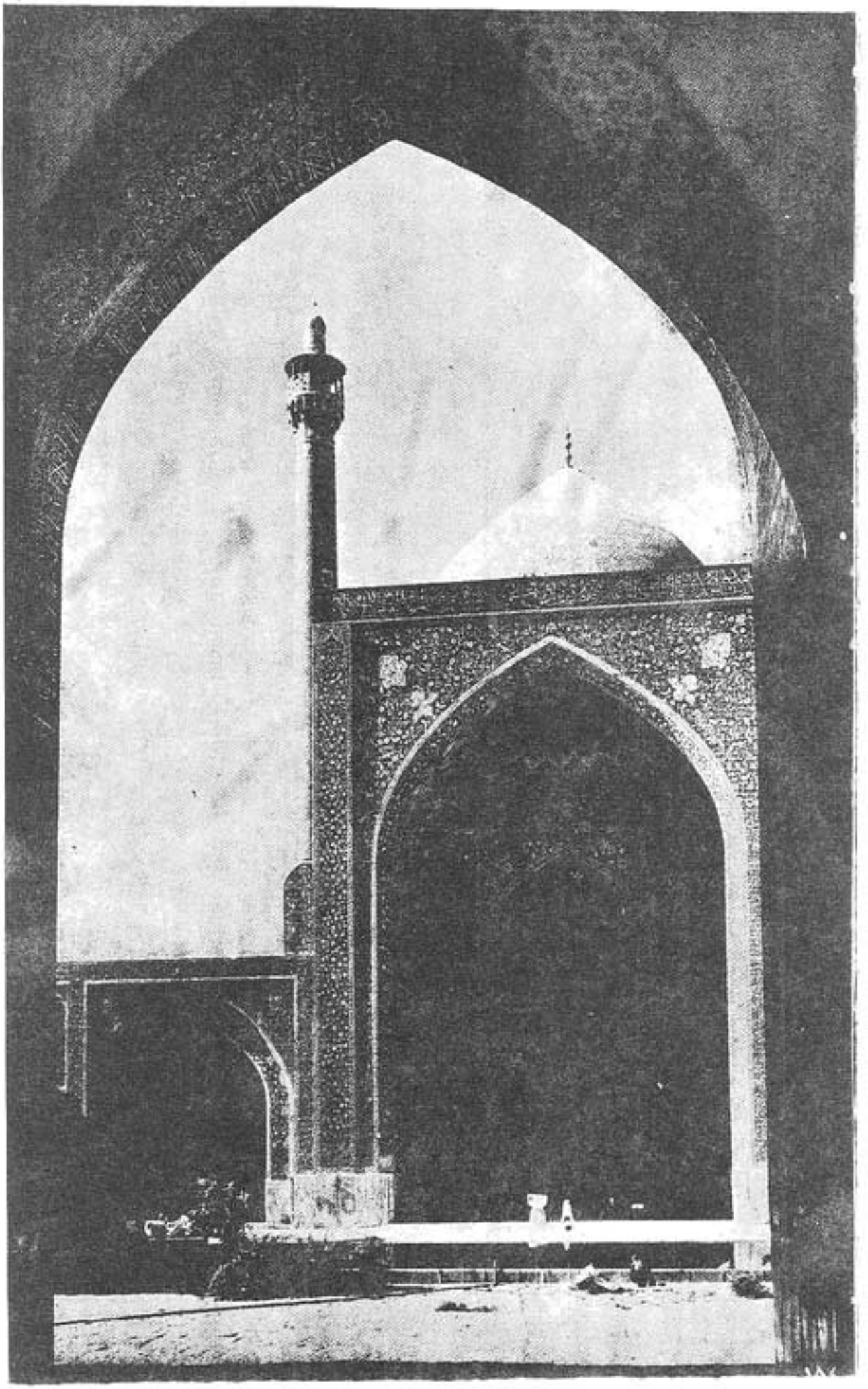


۱۵۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

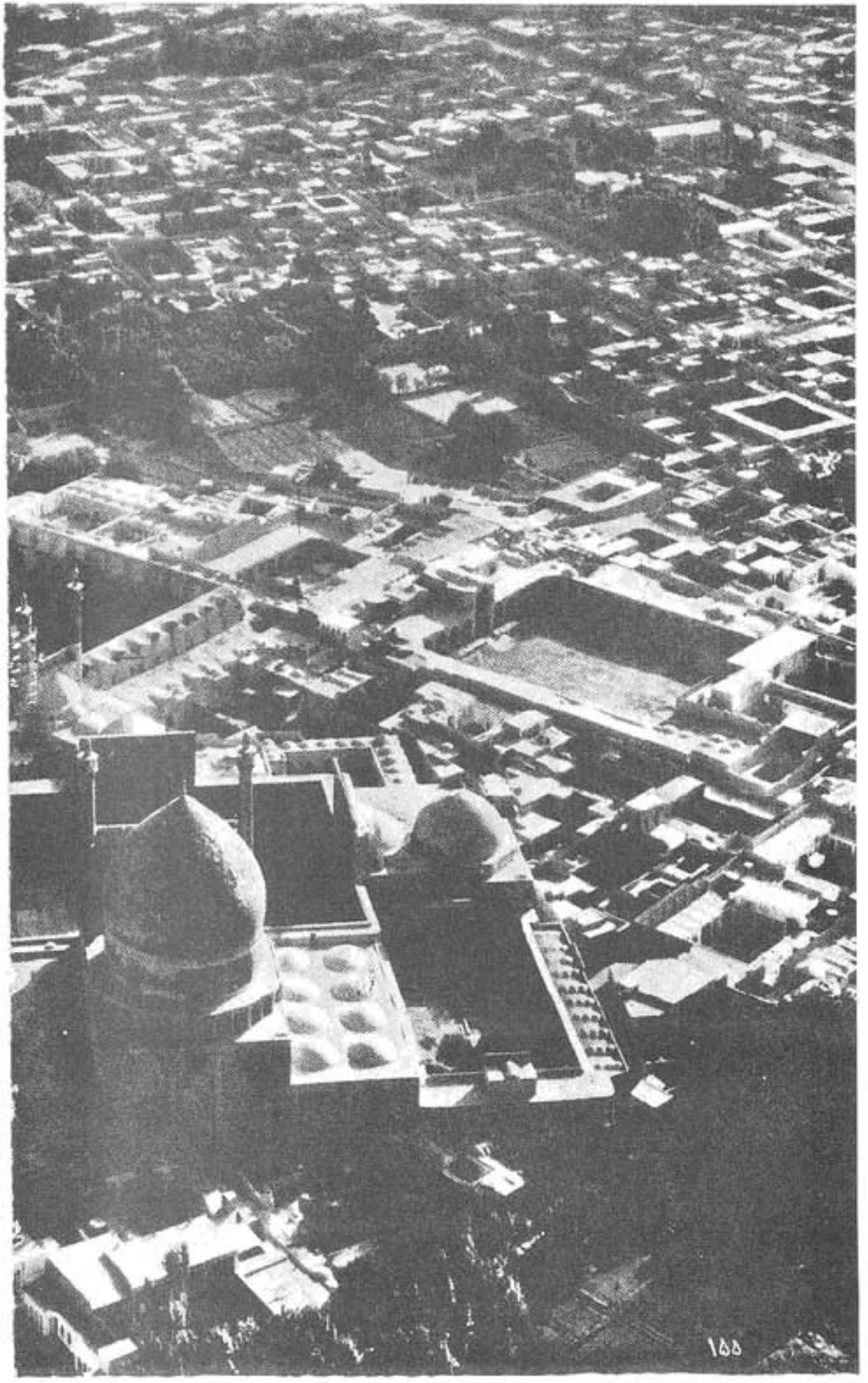
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

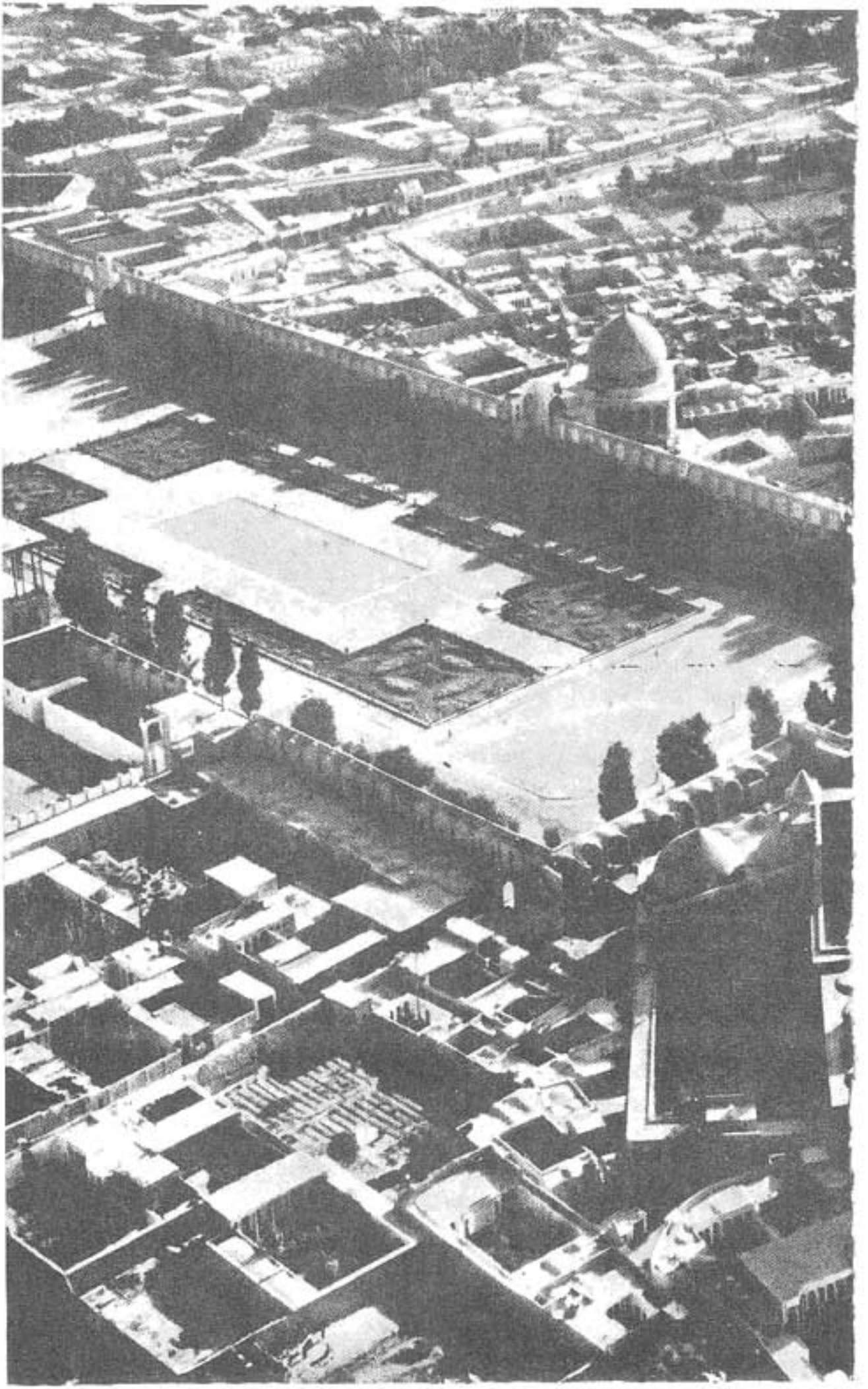
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

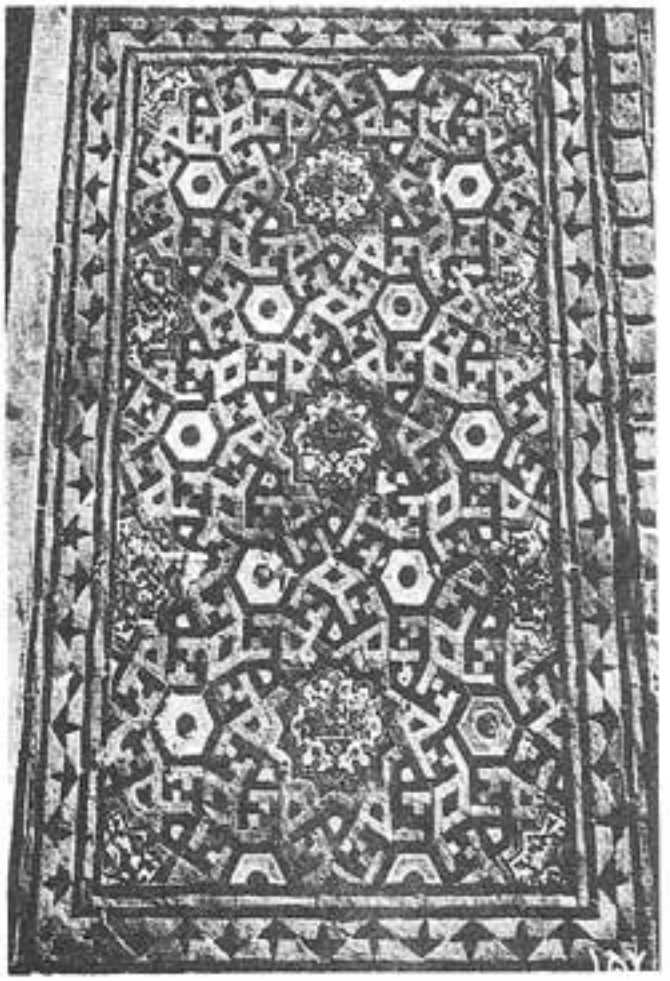


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



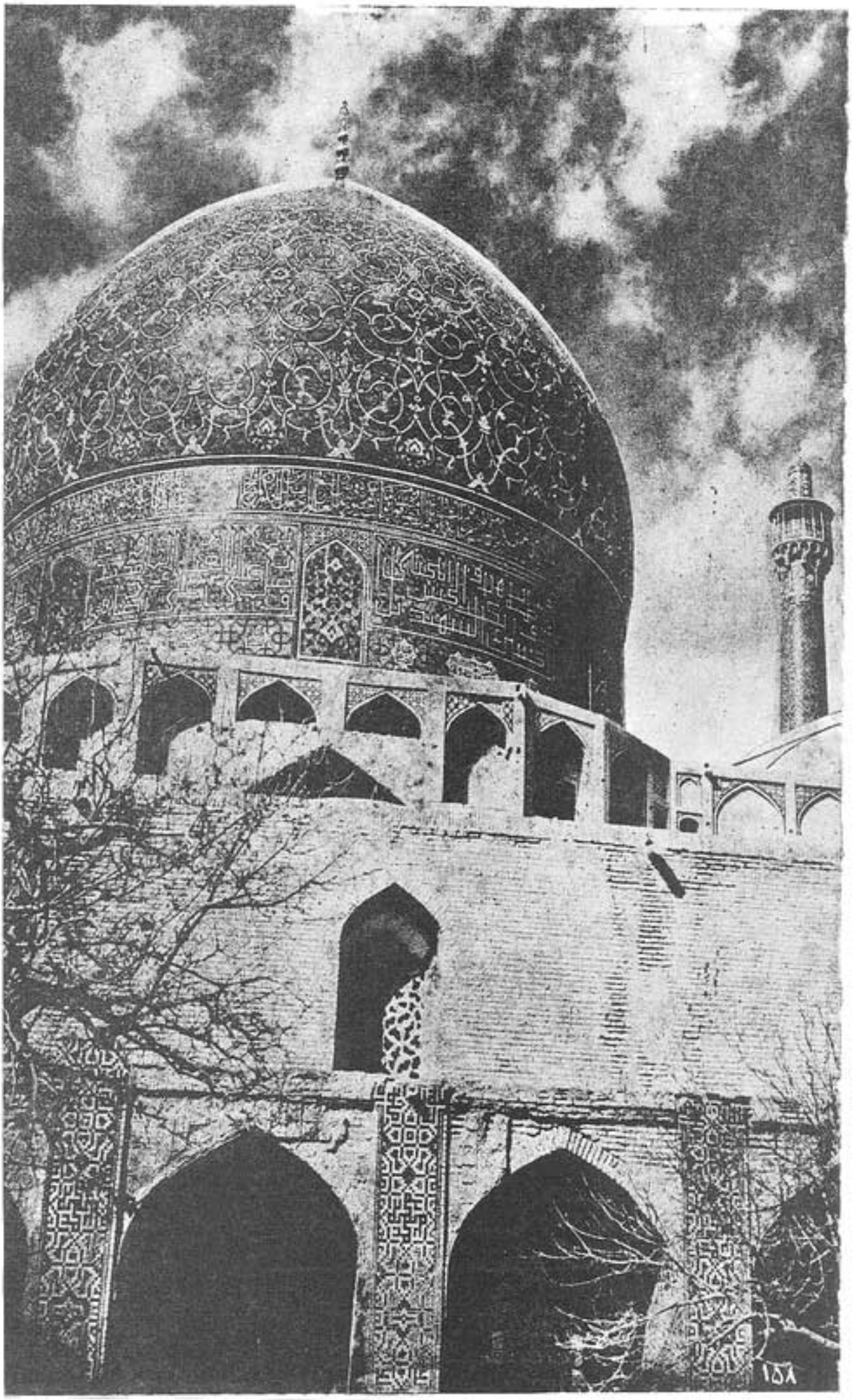




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

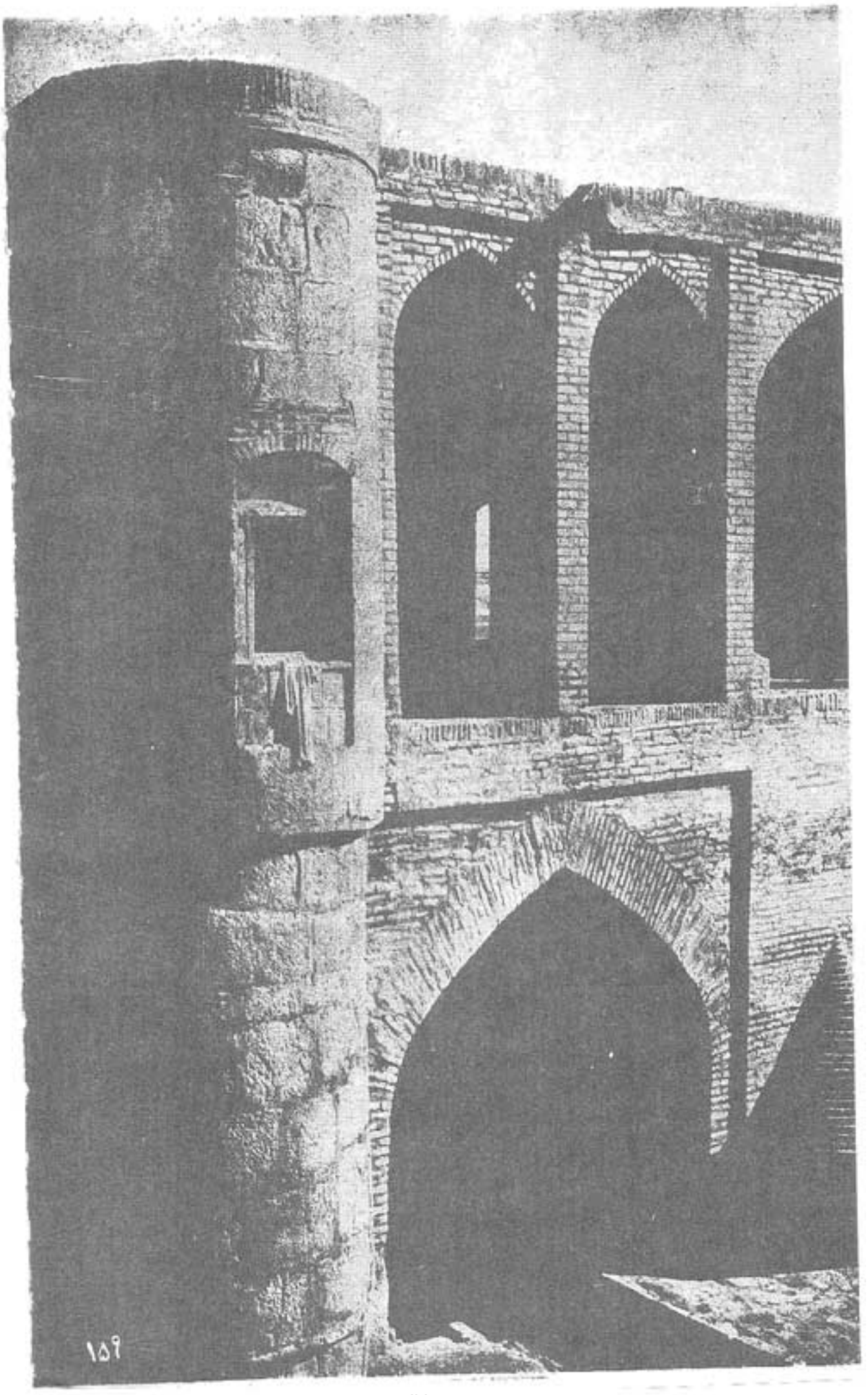
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

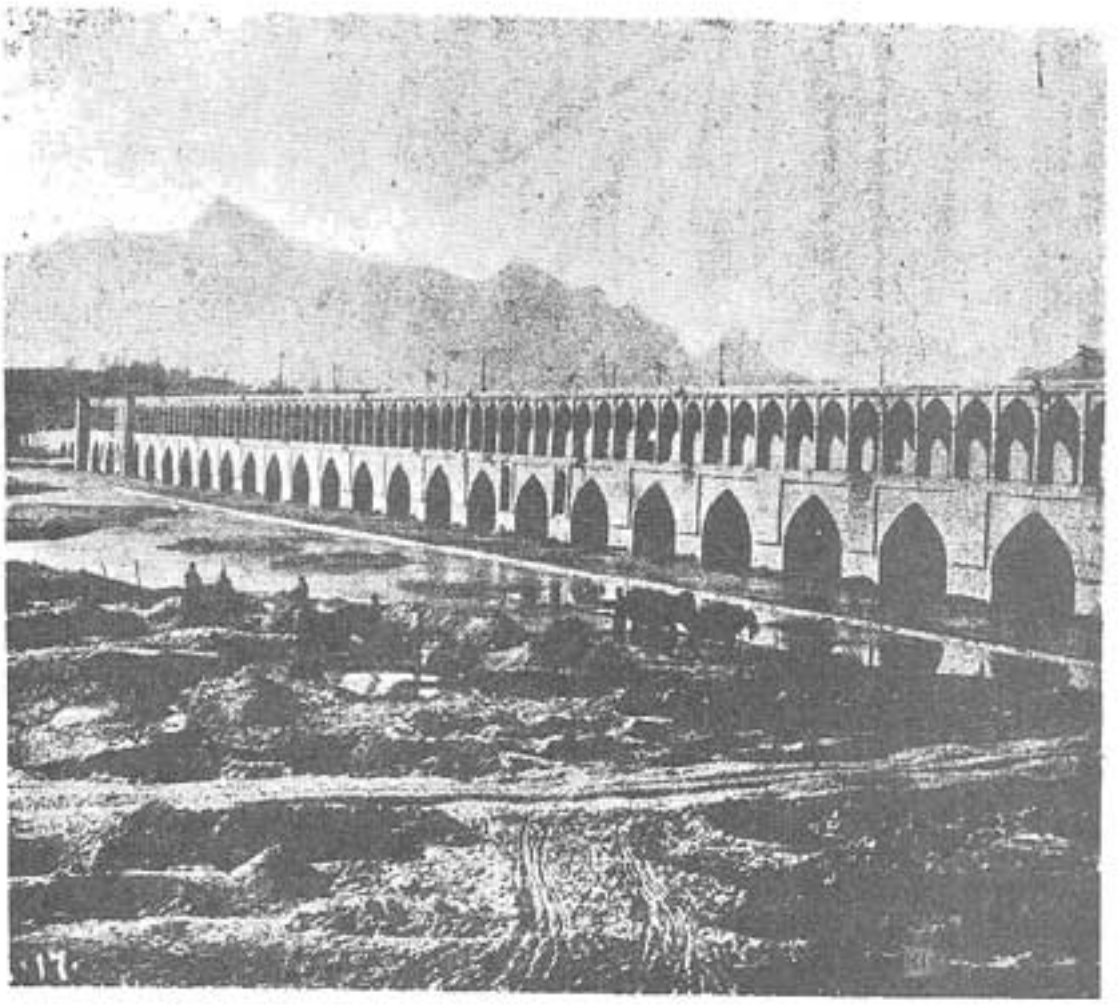
PDF.tarikhema.org

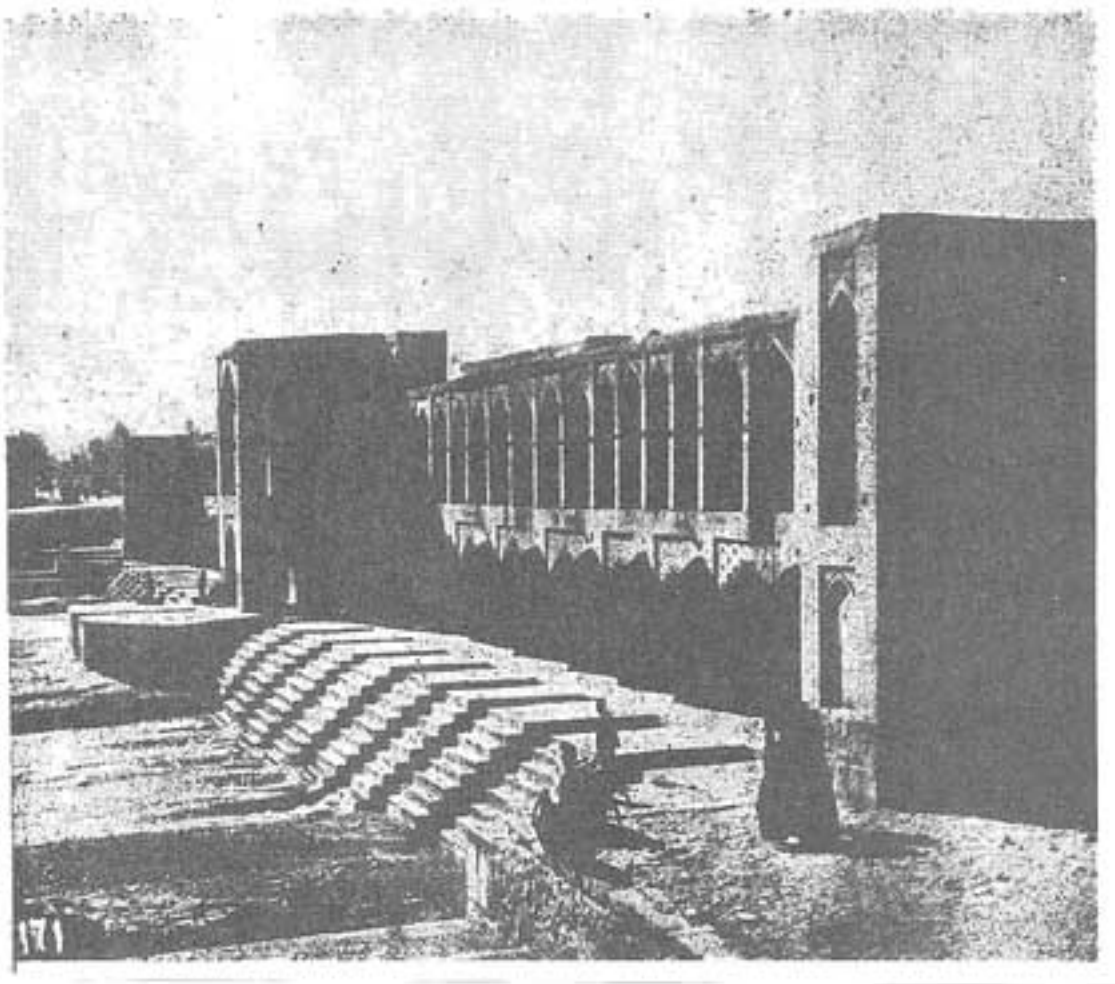


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

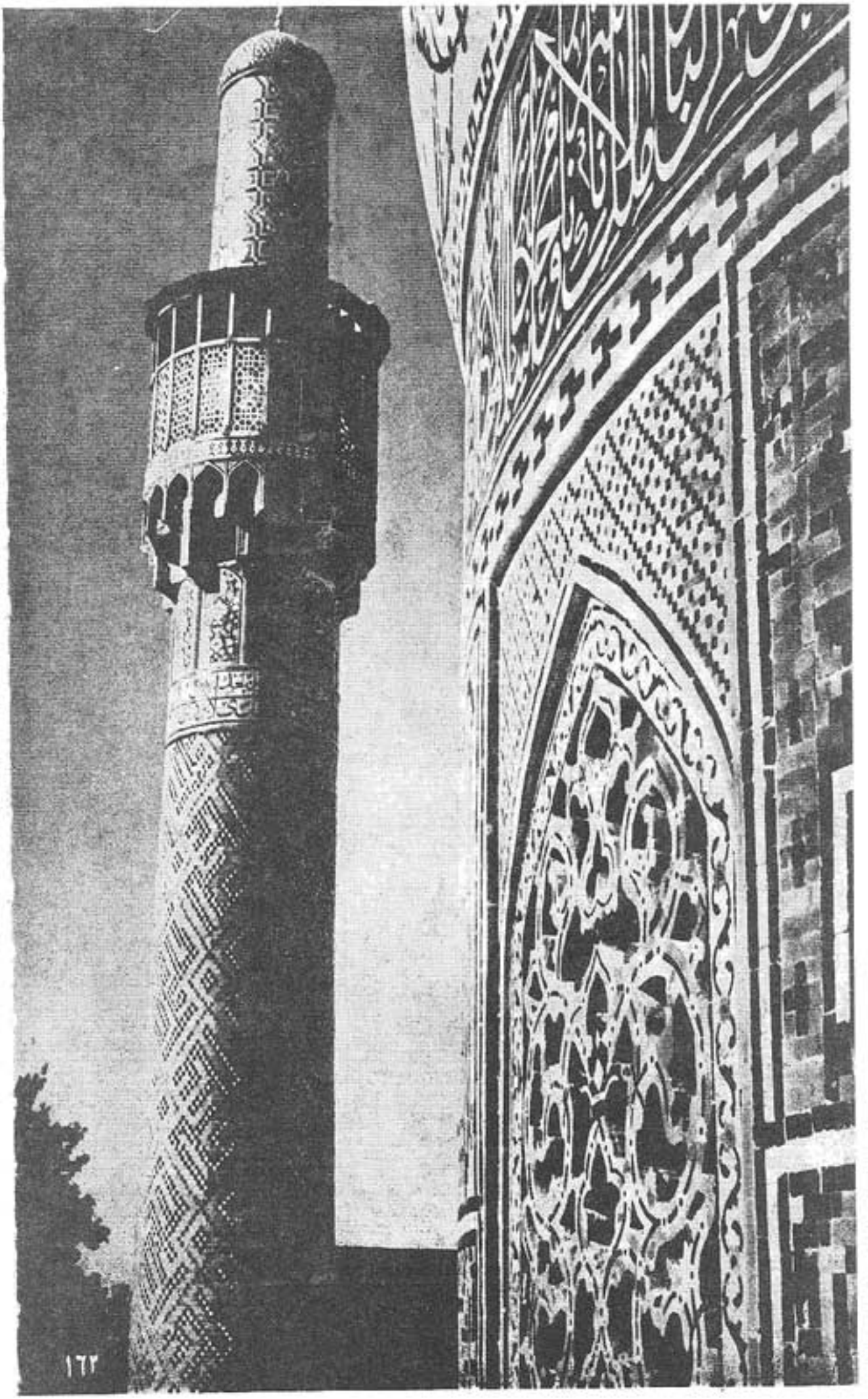




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درنطنز ، مسجدجمعه [۳۹۲] . در رضائیه : مسجد جامع [۳۹۳] (شکل۲۱۷) ودرساوه ، مسجدجمعه [۳۹٤] (شکل۲۱۰) .

این مساجد چارطاقی تماماً درازمنه مختلف ، بعضی مانند مسجد جمعه اصفهان کمی بعد ازاتمام ساختمان اولیه [۳۹۵] وبرخی مثل مسجد گلپایگان [۳۹٦] و مدرسه حیدریه قزوین [۳۹۷] (شکل ۲۱٦) فقط در دورهٔ قاجاریه‌توسعه‌یافته‌اند. بیشتر آنها دارای حیاط مرکزی وچهارایوان شده اند . باوجود این مسجد مصلای عتیق یزد وضع باستانی خود را که معبدزرتشتی بوده حفظ کرده‌است‌وهنوزبشکل چارطاقی دروسط حیاط وازچهارطرف باز است‌والبته آتشدان‌در آن نیست‌وچون‌ازچهارطرف‌بازاست‌محراب‌هم‌ندارد[۳۹۸](شکل۱۸٤).

مساجد ایوانی[۱]

ایوان‌که مبداءآن خراسان است ، درشرق ایران، مسجد یاعامل‌اصلی مسجد گردید همچنانکه چارطاق درغرب ایران. مثلاخودمن درمحل شهربامیان‌که در سال ٦۱۸ هجری بدست‌چنگیزویران شدخرابه‌های‌چندین مسجد کوچک پیدا واندازه‌برداری کرده‌ام که‌عبارت ازایوان ومحرابی بودنکه جلوآن حیاطی بادیوارهای‌کوتاه بوده است[۳۹۹]. در حقیقت این بنای‌کوچك بعرض تقریباًسه وعمق شش مترفقط محرابی‌بوده وبه بیش ازآنهم احتیاجی نبوده‌است (شکل۲۱۸). ولی بعداًبروسعت‌آن‌افزودندتاجائیکه درسال ٦۱۸ هجری‌بصورت ساختمان عظیم زوزن [۲] خراسان درآمده (شکل ۲۱۹) که مسجد بزرگ نمونه این قسمت ازایرانرا بوجودآورده‌که مرکب ازدوایوانست روبروی یکدیگروحیاطی که‌درجهت شرق وغرب‌آن ساختمانهای مختصری‌کرده اند. این نمونه مساجد فرومد [٤۰۰](شکل۲۲۰)، زوزن [٤۰۱] ، سبزوار، نیشابوروغیره است. برخلاف غرب ایران‌که گنبد شاخص اهمیت مسجد است دراینجاایوان عظیم‌ومجلل است‌که ازدورنمایندهٔ مساجد ومقابر متبرکه ومساجد مصلای خراسان ، طیبات [٤۰۲] (شکل ۲۲۵) ، تربت شیخ جام [٤۰۳]، طورق[٤۰٤] وجاهای دیگراست. چهارایوان و حیاط مرکزی درمبداء طرح ازمختصات سبك مدارس

* * *

۱ ـ Mospuée_Iwan

۲ـ ایوان اصلی مسجد زوزن ازداخل‌بعرض۱۳/۵۰وعمق۳۷/۹۰ متراست.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ومساجد وکاروانسراهای ایران است.

بطوریکه پیش از ایـن گفته شد ، ایوان دربین النهرین احتمـالاً ارمغـانی است که پارت ها از خراسان بآنجا بردند. مانمونه آنرادرآشور[٤٠٥] وهتره [٤٠٦] (عکس ۹۰) دیده ایم و ازآنجا بفارس آمده . درفیروزآباد ، بازهـم در دورهٔ پارت، ـ زیراکاخ اردشیرپیش اززوال سلسله اشکانیان ساخته‌شده[٤٠٧] ـ درمرکزجبهه اصلی، تالارباشکوهی است که مدخل تمام قسمت های دیگرساختمان است [٤٠٨] (شکل ۱۷٦) . درعصرساسانی ـ بازهم درفیروزآباد ـ هنگامیکه اردشیرپس ازغلبه براردوان پنجم بسلطنت رسید دربالای دژمستحکمی که برمخرج درهٔ رود خانه برازه بجلگه‌مسلط است ساختمانی بناکرد که‌اساس آن عبارت ازیك تالارمربع گنبد دارودرجلوآن ایوان وسیعی بود که بحیاطی مربوط میشد وازآنجا میتوانست تمام نواحی اطراف را زیرنظربگیرد [۹ ٤]. فرزندش شاپوراول‌طاق عظیم‌کسری راکه محل بارعام‌کاخ تیسفون‌وایوانی به پهنای داخلی ۲۵/٦۵ وعمق ٤۲/۹۰ متر[٤۱۰] (عکس۱۱۰) بود ساخت. وچنانکه میدانیم شهر بیشاپورباشاپوررا درفارس بنام خود احداث‌کرد وکاخی درآن ساخت (عکس۱۰۹) که یکی ازحیاط های‌آن ، یقیناًحیاط اصلی‌کاخ ، بشکل چهارگوش وبچهارایوان درچهارطرف[1] آراسته‌بود[٤۱۱] کاخهای دیگر ساسانی ازجمله‌کاخ سروستان [٤۱۲] (عکس۱۰۷) ساختهٔ نرسی ،کاخ‌قصرشیرین [٤۱۳] ساختهٔ خسروپرویزوکاخ دامغان [٤۱٤] یعنی درتمام‌آنهائیکه تاکنون شناخته ایـم ایوان موضع اصلی ورود وغالباً تالاربارعام بوده است .

* * *

۱ ـ R Girshman که‌قسمت‌اعظم این حیاط وایوانهای‌آنرا بازکرده‌است، درآن بجای حیاط وایوان تـالار سرپوشیده‌ای یافته است . بنابگفته او «پهنای تالار ازیك درتا درمقابل ۳۷ متربوده اما قسمتی‌راکه دیوارهای مجاور درهای ورودی اشغال‌کرده‌اند ازهرطرف ۷/۵۰ متر است. بطوریکه پهنای داخلی تالار را به ۲۲متر کاهش میدهد واین قسمت احتمالا بوسیله‌گنبد وچهارقسمت تنگ‌تر باطاق پوشانده شده‌اند» این چهار قسمت تنگ یعنی ایوانها باید برحسب معمول باطاق استوانه‌ای پوشانده شده باشند. اما دربارهٔ گنبدی بقطر۲۲ متر که با سنگ وگچ ساخته شده باشد ، برای من قبول اینکه چنین‌گنبدی وجود داشته است‌غیرممکن‌مینماید.ازسی گنبدی که ازعصرساسانی‌تاکنون‌شناخته شده بزرگترینشان یکی‌گنبدچارطاق‌آتشکده فیروزآباد و دیگری چارطاق مجرد قصرشیرین است‌که هردوخراب شده‌اند و قطرشان بترتیب ۱۰ر۱٦ و ۱۵ر۱٦ متراست . قطرگنبد فیروزآباد هم۱۳/۵۰ متر ومال‌کاخ سروستان ۱۲/۸۰متراست .

بزرگترین‌گنبدهای دورهٔ سلجوقی یعنی‌گنبد مسجد جمعهٔ اصفهان ومسجد جمعهٔ قزوین هردو۱۵/۲۰مترند. بنظر من جای تردید نیست‌که چهارگوش ۲۲ متری شاپورحیاطی بوده با چهار ایوان درچهارطرف‌آن. واین عینا نقشهٔ حیاط‌کاخ اشکانی درآشور وخـانه‌های متعارفی خراسان است‌که به‌بین‌النهرین وازآنجا بفارس رفته است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پس‌ازاسلام‌درغرب ایران بطوریکه گفته شد وقتی مسجد ایرانی بوجودآمد، مرجحا نوع ساختمانی‌که ازهمه متداول‌تر بوده، یعنی‌چارطاقی‌را، مورد استفاده قراردادند. ایوان، بااینکه‌کاخهای ساسانی اهمیت واعتباری بآن داده‌بود، چندان مورد توجه اولین‌سازندگان مساجد قرارنگرفت. این عدم توجه یابابین سبب بوده‌که این‌ترکیب خراسانی، هنوزدر معماری‌جاری‌غرب‌پذیرفته نشده بوده یاباحتمال بیشتر روح پیوستگی که‌ازخصائص ایرانیهاست آنها را وادارکرد تاابنیه مذهبی جدیدشان راهم همانطورکه در ازمنه قدیم بوده بسازند. دلیل دیگراین‌پیوستگی، حجاری برجستهٔ‌ایلامی‌است‌که درقلعهٔ‌حسین‌کوه نزدیک‌تخت‌جمشید که‌نقش خدائی‌رابرروی‌مارچنبره زده‌که بمنزله تخت اوست‌نشان‌میدهد. وآتشکده‌هخامنشی، (عکس ۳۵) یاصخره ایکه بنام امامزاده اسمعیل معروف شده و روستائیان آن نواحی در موارد مختلف روی آن نماز میخوانند و گوسفند قربانی میکنند. قبر سیروس در پازرگاد (عکس ۳۷) عبادتگاه مسلمانان شده‌که‌آنجا شمع روشن میکنند وصحرانشینانیکه به ییلاق میروند شیریاکره‌گوسفندان خود را بدیوارهای‌آن میمالند. پانزده سال پیش درطوس نزدیک مشهد، هنگامیکه‌آرامگاه‌فردوسی‌را میساختند، هرروزصبح درزوایای اطاق‌آرامگاه که اثرش هنوزباقی مانده بود شمعهائی‌که روشن‌کرده بودند میسوخت. درنزدیکی‌تهران تپهٔ پرت افتاده ایست معروف به تخت رستم‌که سابقاً یك علامت زرتشتی داشته واکنون در پای‌آن تپه امامزاده ای بنام امامزاده‌کاظم‌درست‌کرده‌اندوغیره. بهرحال درمغرب ایران‌غیر ازیك مسجدایوان دارسراغ نداریم وآن مسجد جمعه نیریز درنزدیکی شیرازاست. مسجد مزبورمانند مساجد چارطاقی معمولی، منتها این دفعه ایوان، بنائیست متکی بدیوارجنوبی یك حیاط مستطیل شکل‌که در تهآن محرابی قرار دارد [٤١٥] (شکل ۲۲۱ الف وب). این‌بنا بنابرگفتهٔ «مقدسی» مورخ، درسال ۳٤۰ هجری ساخته شده و مانند سایر مساجد قدیمی، ازآن ببعد بطورقابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است.

مسجدازنوع ایوان کرخه

سومین نوع ازمساجد ایران قدیم یك نوع دالانی‌است سقف باستوانه وگنبدی در وسط‌آن ونمونهٔ‌آن‌ساختمانی است‌که اززمان ساسانیان‌درخوزستان درایوان‌کرخه باقیمانده است [٤١٦] (شکل ۱۹۳). مؤمنین‌درجلواین دالان، همچنانکه درجاوچارطاقها وایوان مساجدچارطاقی، صف می‌بندند وادای نمازمیکنند. تاکنون غیرازدومسجدکوچك از این نوع نمیشناسیم‌وهردودرمحمدیه نزدیك نائین هستند (عکس ۲۲۲) تاریخ بنای‌آنها ممکن است قرون چهارم یاپنجم هجری باشد[۱].

* * *

۱ـ مسجد کوهپا در راه اصفهان ـ نائین احتمالاً یکی دیگر از این نوع است. اما مخصوصاً درزمان مغول بقدری‌شکل‌آن‌تغییریافته، که‌مشکل است بتوان پیش ازیك بررسی عمیق باصالت آن اطمینان حاصل‌کرد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مسجد بزرگ ایرانی

باحیاط مرکزی وچهار ایوان

بنابرآنچه گفته شدایران دردورهٔسلجوقیان تمام‌عوامل سازندهٔ مسجدبزرگ‌ایرانی‌را باحیاط مرکزی وچهارایوان دراختیارداشته‌است. یعنی چارطاق یااطاق چهارگوش‌پوشیده به‌گنبد واطراف‌آن‌باز. ایوان وترکیب‌ایوان بایك چارطاق‌وحتی حیاط باچهار ایوان را نیزموشناخته‌است.از طرفی درآن دورهٔ طغیان خشمگین عرق ملیت، که‌ایرانی را از ساختن مساجدی ازنوع عربی بازمی‌داشت در جستجوی تکمیل ابنیه مذهبی خود و برابری آنها با مساجد وسیع ومجهز عباسی برآمد . طبعاً چنین می‌نماید که مسجد بزرك ایرانی باید در اثردست بهم‌دادن وآمادگی عوامل لازم بوجود آمده باشد واینهم کارساده‌ای نبوده است . وساطت مدرسه چهارایوانی شرقی درپیدایش این نوع مسجد لازم بوده است . بررسی این موضوع مرا برآن می‌داردکه بدنبال‌مدرسه اززمان پیدایش‌آن‌درخراسان تاهنگام‌پیوستنش با مسجد چارطاقی وبوجودآمدن بنائی بنام مسجد ومدرسه بروم [٤١٧] ، چون‌بعلت‌عدم آشنائی با معماری شرق ایران، مدتها مبداء مدرسه چهارایوانی را درسوریه ومصرجستجو می‌کردند منهم‌کاوش خود را ازاین فرض‌شروع می‌کنم.

«مدرسه‌ای‌که مقارن قرن چهارم هجری درخراسان بوجودآمد درآغازامرمخصوص علوم دینی یعنی حدیث وتفسیر وفقه برطبق مذهب سنت بود.» چیزغریب اینکه مدرسه‌ایکه درمیان مردم شیعه مذهب شرق ایران تاسیس‌گردید از آغاز قرن دوم هجری مرکز فعال تعالیم تسنن وابسته بمذهب شافعی‌بوده ودرآنجامدرس‌مثل اینکه درخانه خود باشد تدریس می‌کرده است . ازاین مدارس اولیه درنیشابور، مرو ، بخارا، طوس ، وطبران تا بغداد و سایر شهرهای ایران وبین‌النهرین وجود می‌داشته است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کم‌کم مدرسه وضع روشن‌تری بخود گرفت . در ابتدا بشکل خانهٔ ساده‌ای بود که اختصاص بکلاس‌های درس یافته بود و غالباً توسط خود مدرس در نزدیکی مسجد یا نزدیك خانه خودش ساخته میشد . ولی دروس رسمی عموماً درمسجد تدریس میشد وتعالیم دینی در آنجا مستقل وشخصی بود.

دراواسط قرن پنجم مدرسه وضع محقرسابق‌خود را ازدست دادوبطورمحسوسی‌توسعه یافت . بعلت ضعف قدرت خلافت وپیدایش سلسله پادشاهان مغول [٤١٩] مدرسه علوم دینی ازتملك خصوصی بیرون وبصورت تـأسیسات سیاسی درآمد کـه رسماً زیـرنظر دولت اداره میشد . نظام‌الملك وزیر الب‌ارسلان وملکشاه سلجوقی ، اولین مدرسه ازاین نوع را بسال ٤٥٧ هجری دربغدادو برای‌فقیه معروف شیرازی تأسیس نمود. چند سال بعد مدرسه دیگری درنیشابوربرای فقیه‌دیگر ،جوینی ساختوپس ازآن درشهرهای بصره،اصفهان، بلخ،هرات، موصل، خوارجرد، طوس وجاهای‌دیگرمدارسی‌ازاین‌نوع تأسیس‌کرد. جانشینان‌نظام‌الملك ازاوسرمشق گرفتند ومدرسه درسراسرامپراطوری سلجوقی گسترش یافت .

باین شکل یعنی بصورت یك عامل نیرومند تبلیغات مذهبی وسیاسی بود که درطی‌قرن ششم هجری توسط اتابکان سنی مذهب وبخصوص «نورالدین» مدرسه درسوریه ومتعاقب آن درمصرتوسط صلاح‌الدین ایوبی تأسیس گردید . هنگامی‌که مدرسه بمصررسید طرحش‌دیگر تثبیت شده‌بود؛ یك‌حیاط چهارگوش محصوربچهار دیواربلند با چهارتالارکه بوسیله‌راهرو طاقداری بحیاط باز می‌شود ، ودرزوایای ساختمان متعلقات‌آن ازقبیل دفترومحل‌کارکنان مدرسه وغیره . وچون این ترکیب متقارن باچهارشعبه،کاملا با احتیاجات مدارس‌چهارگانه یعنی مذاهب اربعه تسنن: حنفی، شافعی، مالکی وحنبلی وفق می‌دادآنرا پذیرفتند، اما در اینجا باید از ارتباط مبـداء این ترکیب با جمع آمدن چهـار مذهب در یك ساختمان خودداری‌کنم .

طرح اولین مدارس چهارتائی‌که ما می‌شناسیم‌مانند مستنصریه (٦٣١هجری-١٢٣٤ میلادی) بغداد[٤٢١]وصالحیه‌قاهره(که‌در٦٤٠هجری-١٢٤٢میلادی‌ساختمانش شروع‌شد) صلیبی شکل نبود . اولی شامل شش ایوان بدون رعایت قرینه‌سازی است‌که دراضلاع‌حیاط مستطیلی بابعاد٢٦در٦٣ متر واقع شده‌اند . دیگری دارای دو جفت ایوان است‌که بوسیله دالانی ازیکدیگرجداشده‌اند. بعلاوه‌تجمع مذاهب اربعه سنی دریك‌ساختمان،حتی درمصر ، بعد ازپیدایش مدرسه صلیبی شکل صورت گرفت.

ساختمان مدرسه ناصریه‌که اولین مدرسه اربعه چهارایوانی مصر[٤٢٢] است درسال ٧٠٣هجری بپایان‌رسید درصورتی‌که اولین مدرسهٔ چهارایوانی مصری ظهیریه درسال٦٦٢ هجری اتمام پذیرفته ودرپنجم ماه صفرهمان سال [٤٢٣] افتتاح شده . درگزارشی راجع

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بمبداء طرح مدرسه صلیبی شکل که درسال ۱۹۲۲ منتشرشده، K.A.C.Creswell بعد از بیان اینکه فرض پیشنهادی Van Berchem راجع به‌سوری‌بودن مبداء طرح مدرسه‌صلیبی شکل، که‌مورد‌قبول‌واقع‌شده‌ولی قابل‌دفاع‌نیست ، نتیجه‌گرفته است‌که طرح نامبرده مصری است[۱]. اما ماکه اطلاعاتمان نسبت بچهل سال پیش وسیع‌تراست اکنون درایران شرقی‌عده زیادی‌ساختمان‌می‌شناسیم‌که دارای حیاط مرکزی وچهارایوان بوده وبعضی ازآنهاازچندین قرن پیش از ساختمان ظهیریه قاهره هستند . از آنجمله‌کاخی است که دانیل‌اشلومبرگر Daniel Schlumberger درده‌لشگری بازار، افغانستان کشف‌کرده وتاریخ‌آن زمان‌سلطان محمود غزنوی است (۳۸۸-۴۲۱ هجری. ۹۹۸-۱۰۳۰ میلادی).

ازآن قبیل مدرسه‌نظامیه خوارجرودر خراسان است‌که‌کاملا مشخصات[۲] آن‌درکتیبه‌ای که بنام بنیان‌گذارآن‌نظام‌الملك، دیوارهای‌ایوان قبله‌آنرا مزین‌کرده بود خوانده‌می‌شود. گرچه‌کتیبه مزبورتاریخ نداردولی نظام‌الملك درآن به‌امیرالمؤمنین توصیف شده واین‌لقب کمی پیش ازسال ۴۸۰ هجری باواعطاشده بود. بنابراین میتوان چنین پنداشت‌که‌ساختمان مزبورمقارن سال ۴۸۰ هجری(۱۰۸۷ میلادی) بپایان رسیده باشد .

این مدرسه نه‌یك خرابه بلکه توده خاکی‌است‌که دیز Diez و هرتسفلد Herzfeld وخود من پس از مدتها‌کاوش‌درآنجا غیرازیك حیاط وایوانی‌که درانتهای آن محراب‌واقع شده چیزدیگری بدست نیاوردیم . با وجود این‌چندسال پیش‌که میخواستم بدانم آیا حیاط نظامیه خوارگرد درآغاز یك یا دو ویاچهار ایوان داشته وبعبارت بهترآیا این بنا میتواند قدیمی‌ترین نمونهٔ مدرسه بزرگ با حیاط‌مرکزی وچهارایوان باشدکه تاکنون شناخته‌شده، شروع بجستجو در توده‌های خاکی‌که امروزنماینده ساختمانهای قدیمی استودرخرابه‌های ساختمانهائیکه بعداً درطی قرون گذشته بآن اضافه شده و خرابه دیوارهای اولیه‌که ممکن است نسبتی با ایوان موجود داشته باشدکردم ، چندبرآمدگی مهم راکه درنقشهٔ ۲۲۳ دیده میشود اندازه‌گیری‌کردم .

از این تحقیقات این نتیجه بدست‌آمدکه در آنجا در اطراف یك حیاط چهارگوش یك ایوان بزرگ یا ایوان قبله بوده . دوایوان دیگرهم‌که قدری‌کوچکتر از اولی هستند

* * *

۱ـ درآنموقع،مورد نظرفقط این بوده است‌که بدانندآیا مبداء مزبور سوری بوده یا مصری واماراجع‌بایران‌که بخوبی شناخته نشده بود صحبتی‌درمیان نبود

۲ـ دیـوارهای‌گلی ایـن ایـوان بقدری در معرض فـرو ریختن بوده‌که گروه بـاستانشناسی ایران تصمیم‌گرفت کتیبه مزبور را از دیوار جدا کرده بموزه تهران که اکنون در آنجاست منتقل کند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درمرکز اضلاع جانبی، ودرمقابل ایوان قبله ایوان چهارمی بوده که کوچکتر از آن ومحققا دالان مدخل مدرسه بوده است . بنابراین نظامیه خوارگرد مرکب ازیك حیاط چهارگوش وچهارایوان بشکل صلیب برمحورهای عرضی وطولی حیاط مزبور بوده ومحل‌های سکونت ودفاترهم‌در زوایای ساختمان‌قرار داشته‌اند [۴۲۵] . پس‌مادراین بنا اولین وقدیمی‌ترین مدرسه بزرگ چهار ایوانی راکه تاکنون شناخته شده می‌یابیم .

ازطرح نظامیه‌های دیگرچیزی نمیدانیم مگردرمدرسهٔ‌اصفهان‌که بنابرهمین استنتاج آنهم باید دارای چهار ایوان بوده باشد . زیرا بنابرمورخ عرب ، ابن‌الاثیر، مسجد جمعهٔ اصفهان درسال ۵۱۵ هجری (۲۲-۱۱۲۱ میلادی) توسط فرقهٔ اسمعیلیه سوزانده شد . در آنوقت جامع مزبور مرکب ازحیاط وسیعی بوده که درجنوب‌آن ساختمان گنبدداری وجود داشته‌که نام نظام‌الملك بر کتیبه‌آن نوشته‌بود[۴۲۶] وقابل سوختن نبوده است .

درآن زمان دراطراف این حیاط‌صومعه‌ها، مهمانخانه‌ها ، کتابخانه ومتعلقات مختلف‌مسجد قدیمی‌عباسی بوده‌که مورخ عرب‌المفروضی[1] شرح‌آنها را نوشته و آنچه دستخوش حریق شده فقط متعلقات‌آن بوده است وبعد از تاریخ مزبور است‌که احتمالا تصمیم بساختن ابنیه فرعی درمجاورت خرابه‌ها وتغییرساختمان اصلی ازمسجد چارطاقی بمسجد- مدرسه‌که ما میشناسیم‌گرفته اند. یك‌کتیبه بخط‌کوفی‌که هنوزبعضی ازقسمت‌های‌آنرا میشود خواندروی یکی از درهای سمت شمال ساختمان موجود است ونشان میدهدکه ساختمان مزبورپس از حریق ودرهمان سال ترمیم شده است . گرچه مفهوم‌کتیبه مسلماً ترمیم وتعمیرمدرسه است ولی میتوانیم معتقد باشیم‌که ساختمان حیاط چهار ایوانی هم مقارن همان زمان بوده است. بدلیل‌آنکه‌اولاً حیاط مزبورکاملا بسبك زمان سلجوقی[2] است وفاصله بین تاریخ‌حریق که درزمان سلطان سنجرومرگ اوبیش ازمدت‌لازم برای ساختمان ابنیه مورد بحث لازم نبوده است. ثانیاً فاصله زمان بین تزئین درب یعنی ۵۱۵ هجری [۴۲۸] وتزئین ایوان شرقی [۴۲۹] آنقدرکم‌بوده‌که میتوان ایوانها ودرب را معاصریکدیگردانست.

پس دراصفهان‌درحدودسال ۵۱۵ هجری‌که دست بکارساختن حیاط چهارایوانی‌مسجد شدند لزوماً باید ازنمونه ای نظیریانزدیك بآن تقلید شده باشد وآن نمونهٔ ساختمان‌نوین‌و معتبر نظامیه بوده است .

* * *

۱- المفروضی مورخ عرب درسال ۴۲۱ هجری‌کتابی بنام تاریخ اصفهان نوشته است .

۲- جبهه ایوان شرقی‌که کاملا بسبك‌سلجوقی است، از زمان تجدید ساختمان باین طرف دست نخورده جبهه ایوان جنوبی هم‌که از زیرمیناکاریها زمان اوزون حسن نمایان شده سلجوقی است. ازطرفی میدانیم‌که درحیاط هم جبهه های واقعه میان ایوانها متعلق بزمان‌سلجوقی‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

رونق ورواج مسجد ـ مدرسه که باافزودن حیاط مدرسه بچارطاق مسجد قدیم ایرانی صورت پذیرفت بقدری سریع وشدید بود که درسال ۵۳۰ هجری (۳۶ ـ ۱۱۳۵ میلادی) یعنی فقط پانزده سال پس ازحریق مسجد جمعه اصفهان، مسجد باچهارایوان درزواره[۴۳۰] ساخته شد (شکل ۲۲۴) .

این نوع تازه ساختمان که طرح آن درباختر ایران ریخته شد سه قرن طول کشید تا بخراسان برسد. زیرا قدیمی‌ترین مسجد ـ مدرسه ایکه اکنون دراین قسمت وبلکه درتمام ایران میشناسیم مسجد گوهرشاد [1] در مشهد است [۴۳۱] . تاریخ بنای آن ۸۲۱ هجری (۱۴۱۸ میلا.ی) است. قدری دورتر درسمرقند هم مسجد دیگری هست که اندکی قدیم تراز این وآنرا عموماً مسجد بی‌بی شانیم یابی‌بی خانم مینامند وآن مدرسه ایست که بتقلید از مساجدی که حیاط مرکزی وچهارایوان دارند ساخته شده [۴۳۲] وتاریخ آن ۸۰۱ ۸۰۸ ۹۸۰۱ هجری (۱۳۹۸ و ۱۴۰۵ میلادی) و نمونه ایست که تمام مدارس بزرگ ترکستان از آن اقتباس شده اند .

اگر انتقال این مسجد ـ مدرسه‌ها بخراسان آنقدر بطول انجامیده باین علت بوده است که ایران شرقی که وطن ایوان بوده نوع مسجد مخصوصی برای خود داشته که خیلی مورد علاقه‌اش بوده وآن مسجد دوایوانی است مانند مساجد زوزن (شکل ۲۱۹)، فرومد[۴۳۳] (شکل ۲۲۰) وغیره وفقط امرای مقتدر تیموری بودند که وقتی شیفته کار معماران غربی شدند راه مسجد ـ مدرسه را بقلمرو خود بازکردند .

درخراسان یك نوع ساختمان مذهبی دیگری هم میساختند مرکب از تالار چهار گوش پوشیده بگنبد ولی کم ارتفاع، باایوان بسیار بلندی که اختصاص بمقابر متبرکه داشته مانند مسجد مولانا[۴۳۴] درطیبات (شکل ۲۲۵) ومسجد قالی[۴۳۵] درتربت شیخ جام یا مسجد مصلی[۴۳۶] درطورق (شکل ۲۱۱) این ابنیه درغرب ایران نظیر ندارند. حتی من یك مسجد مصلای واقعی دراین قسمت از کشور ندیده‌ام. اما راجع بمقابر، اگر بتوان قبر سلطان محمد خدابنده اولجایتو درسلطانیه (عکس ۱۳۶) [۳۷۴] رادراین ردیف قرارداد یکی آنجا و بعدا امامزاده دوازده امام، دریزد [۴۳۸]، مسجد علویان درهمدان [۴۳۹] . اما ساختمانهای مذکور خصوصیت دیگری دارند وگنبدهایشان برابنیه شرقی امتیازدارند وازنسل مستقیم و عادی چارطاقهای مساجد قدیم ایرانی هستند .

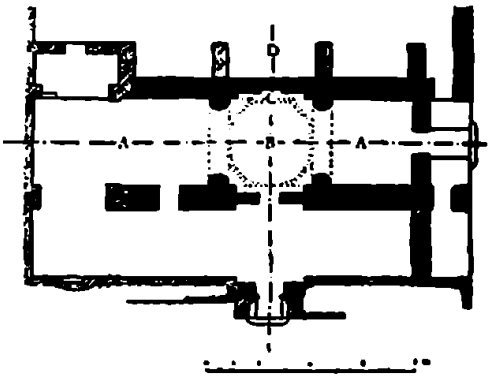
* * *

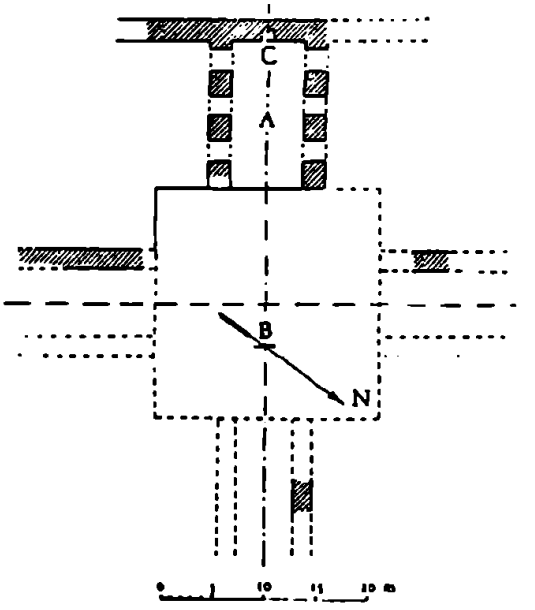
۱ ـ مسجد بزرگ ایرانی باحیاط مرکزی و چهارایوان توسط سازندگان اصفهانی و شیرازی، واولین بار بدستور امرای تیموری ومخصوصاً خود امیرتیمور درخراسان ساخته شده . و مقبره امیرتیمور، گورمیر، درسمرقند توسط استاد محمد محمود اصفهانی ساخته شده وتاریخ آن سال ۸۰۷ هجری (۱۴۰۴ میلادی) است .

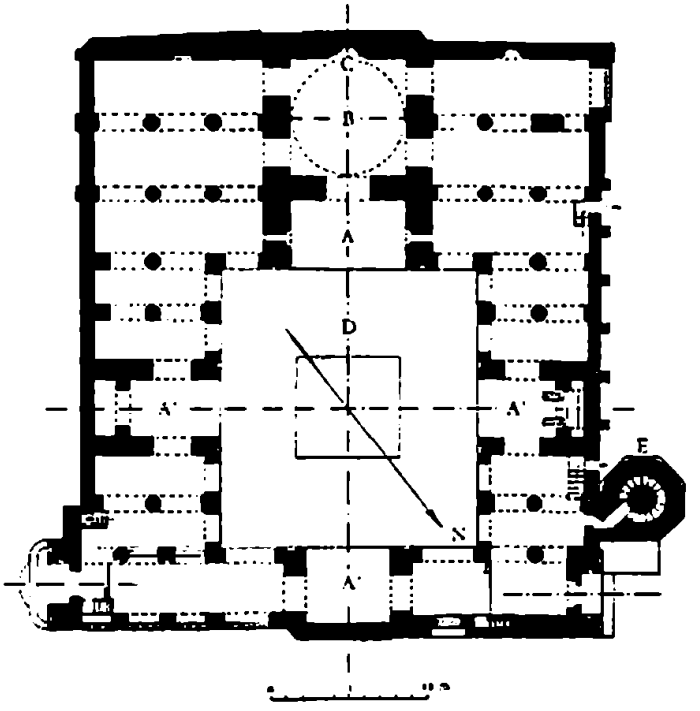
tarikhema.org

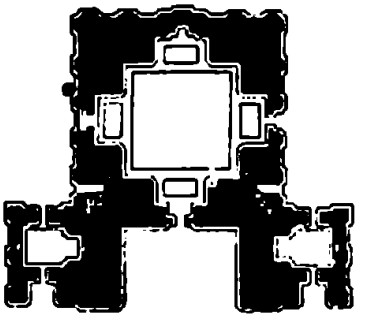
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org









۲۲۲، ۲۲۳،
۲۲۴، ۲۲۵

۲۲۲ـ نقشهٔ مسجد محمدیه ، A ـ تالار B ـ گنبد .C - محراب D ـ حیاط .
۲۲۳ـ نقشهٔ مدرسهٔ نظامیهٔ خارگرد :A ـ ایوان .B - حیاط .C ـ محراب .
۲۲۴ـ نقشهٔ مسجد جامع زواره ،A ـ ایوان اصلی .A' - ایوان‌های فرعی .B ـ گنبد.
C ـ محراب .D ـ حیاط .E ـ مناره .
۲۲۵ـ نقشهٔ حرم زین‌الدین درطیبات

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مساجد وکاروانسراهـای[1] خراسانی، چنانکه اشاره شد در طی قرون گذشته تغییری نکرده‌اند وچندان بامدرسه سلجوقی خوارگرد (شکل ۲۲۳) تناوتی ندارند. دریك مدرسه وقتی محوراصلی ساختمان باقبله محل تطبیق کند یکی ازایوانها که ایوان قبله ومحراب در آن واقع‌شده‌اغلب محل نمازاست ویکی‌دیگرازچهارایوان‌اختصاص بدرب ورود داده‌میشود. بـالنتیجه ایوان قبله‌را عموما بلندتر، پهن‌تروعمیق‌تر ازایوان‌های دیگرمیسازند اما این قاعدهٔ کلی برحسب موقع وضرورت مستثنیاتی هم دارد .

مثلا اگرساختمان مدرسه‌بامسجد توام‌باشد مانند مدرسهٔ تیموری خوارگرد هرچهار ایوان مساوی ساخته [۴۴۰] میشوند، یـا ایوان اصلی، مانند عده‌زیادی‌ازمـساجد ، معبر شبستان زیرگنبد بـاشدکه محراب در آن واقع شده مانند مدرسه شاه سلطان حسین در اصفهان [۴۴۱] (شکل ۲۲۶ وعکس ۱۶۲وعکس رنگی ۵) . مدارس دیگری هم هستندکه خیلی ساده وفقط ساختمانهـائی بدون ایوان دراطراف حیاطی هستند،بعضی دیگر ازاینهم ساده‌تر ونظیرساختمانهای مسکونی میباشند .

کاروانسراها، درعین‌اینکه جزئیات طرحشان هم ماهرانه‌ولی متنوعند، مانندمدارس، اصول ترکیب اولیه خود یعنی حیاط مرکزی وچهارایوان را مصراً حفظ کرده‌اند. باوجود این بعضی ازآنها ، مانندکاروانسراهای ده بید [۴۴۲] (شکل ۲۲۷) امین‌آبـاد [۴۴۳] (شکل ۲۲۸) خوان خوره[2] که هرسه درسرراه اصفهان- شیرازهستند، هشت ضلعی میباشند. اما شکل خارجی‌شان‌که تکرارشکل حیاط است، مانع وجود ایوانها درمحورهـای عادی نیست. بعضی دیگرکه درمناطق‌سردسیرکشور واقع شده‌اند مانندکاروانسرای شبلی [۴۴۴] در راه قزوین- تبریزکه درپای‌گردنه‌ای بهمین‌نـام واقع شده‌کاملا سرپوشیده هستند، اما بطورکلی استخوان‌بندی وشکل عمومی بیشترکاروانسراهای ایرانی عبارت ازحیاط مرکزی با چهارایوان است‌که دورآن راهرو[3] [۴۴۵] یا اطاق[4] [۴۴۶] یا راهروبا اطاق[5] [۴۴۷]

* * *

۱ـ رباط یا ربیاط، درآغازنوعی دژ ویادگانی‌بوده‌که درنقاط مرزی اسلام میساخته‌اند ودرآن واحد هم بنای مذهبی و هم نظامی بوده بعدکم‌کم تبدیل بـایستگاه چاپارها و کاروانیان یا کاروانسرا وپناگاه مردم نواحی مجاور درموقع خطرگردیده است .

۲ـ کاروانسرای خوان خوره یکی ازسه‌کاروانسرائیست‌که درسرراه اصفهان به شیرازواقع شده واحتمالا هرسه اثر هنریك سازنده هستند ازکاروانسرای ده‌بید حالادیگراثری برجانمانده و ما بوسیله‌نقشه تکزیه Texier که آقای سیرو Siroux که‌درکتاب خود بنام «کاروانسراهای ایران» بشماره ۳۰ درصحفه ۷۴ چاپ‌کرده بوجودآن پی بردیم .

۳ـ مانندکاروانسرای پسنگان

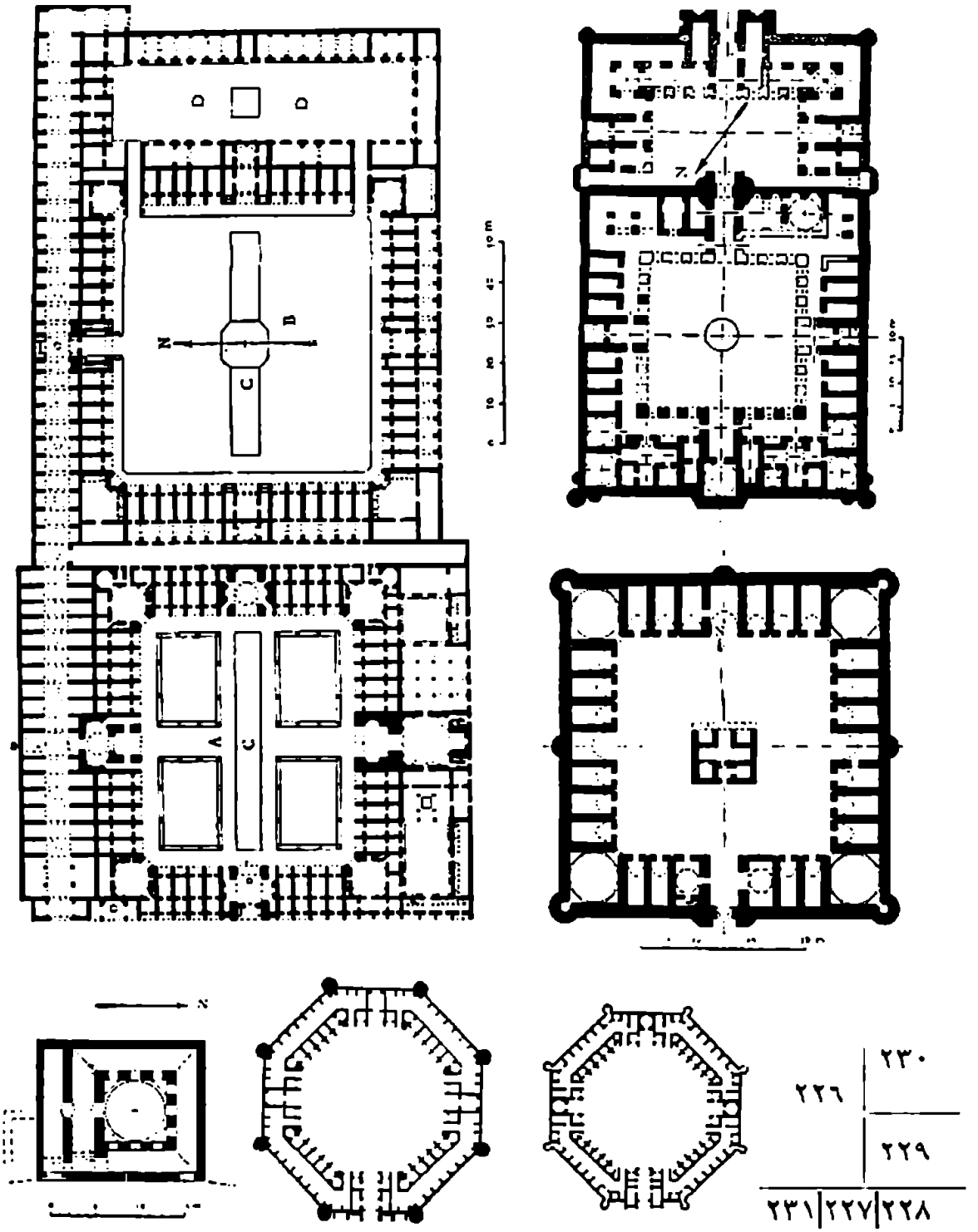
۴ ـ نظیر رباط‌کریم با چهار ایوان متساوی‌وخوش‌ترکیبش احتمالا باید متعلق با وایل قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) باشد (شکل ۲۲۹) .

۵ـ رباط شرف درکنارجاده قـدیم نیشابور به مرو (شکل۲۳۰) که ساختمانش احتمالا درسال ۵۰۸ هجری (۱۱۱۵-۱۱۱۴میلادی) بپایان رسیده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۲۲۶ـ نقشهٔمدرسه شاه سلطان حسین دراصفهان ،A ـ مدرسه . B ـ کاروانسرا C. ـ نهر.
D ـ حیاط اسطبل
۲۲۷ـ نقشهٔ کاروانسرای ده‌بید .
۲۲۸ـ نقشهٔ کاروانسرای امین‌آباد .
۲۲۹ـ نقشهٔ رباط کریم .
۲۳۰ـ نقشهٔ رباط‌شرف .
۲۳۱ـ نقشهٔ کاروانسرای Gambudcht

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ساخته شده واین ترکیب دریك یا دوطبقه است وگاهی برای نشان دادن مدخل بنا روی ایوانیکه معبرآنرا تشکیل می‌دهد گنبدی‌میسازند .

سخن‌ما دراینجا متوجه‌کاروانسراهای بزرگ است . همچنانکه درمورد مدارس هم جزازمدارس بزرگ صحبتی نکردیم . چون درایران‌کاروانسراهای بسیاروجود داردکه عبارت ازحیاط‌هائی هستندکه دورتا دورآن یك یـا دوطبقه ساختمان متعارفی قراردارد و درمناطق‌کوهستانی‌کاروانسرها سرپوشیده وگاهی نیمه‌زیرزمینی هستند .

آقای سیرو Siroux درکتاب خود نقشهٔ چهارتا از این نوع‌کاروانسرا راکه سرراه دماوند_آمل‌بین‌امامزاده‌هاشم‌وپلورکه‌درارتفاع ۳۰۰۰متری‌قراردارد[٤٤٨]چاپ‌کرده‌است.

درتمام ابنیه‌ایکه شرح داده شد، مسجد چهارطاقی، مسجد ایوانی، مسجد دوایوانی سبك خراسان، یا از نوع ایوان‌کرخه، مساجدی‌که دارای حیاط مرکزی وچهـارایوان هستند،کاروانسراها ومدارس وهمچنین بناهـای‌کوچکتر مقابرکه عبارتند ازگنبدی برروی چهـارمجردی ودر ایران فوق‌العاده زیاد هستند. درهمه اینها شکل‌کلی وقدیمی پیش از اسلامی همچنان برقرارمـانده است. مسجد بزرگ ایرانی‌باطرح صلیبی شکل امروزی[1] خود، دراساس‌باشکل زمان پیدایش‌آن درسال ۵۳۰ هجری تفاوتی‌ندارد. منتها درطی‌قرون، اسلام‌آنهارا تکمیل‌کرده ودرنتیجه قیافه دیگری بآن داده است .

درمورد تبدیل مربع بسطح مدور سابقا بدرستی وبقدرکفـایت صحبت‌کردیم‌که اغلب بوسیله قوسهای زاویه‌ای [٤٤٩] عمل میشود و در نتیجه گنبد روی قـاعده هشت ضلعی[2] منتظمی شروع میشود. اما بعدا اصلاحاتی هم دراینکار صورت‌گرفته است .

گنبد یا طاقهای بزرگ معمولاضخامتشان درراس‌کمترازمبداء است. تا دورهٔ مغول یك‌گنبدی‌که درنقطه شروع‌سه‌آجرضخامت داشت بتدریج ازآن‌کاسته میشد تادرراس‌آن بیك آجرونیم میرسید. درمورد ساختمانهای بزرگ مانند مساجد وغیره‌که بـایستی سطح داخلی گنبد صاف باشد، این تفاوت ضخامت درسطح خارجی‌آن ایجاد نـاهمواریهائی میکردکه زشت وبدنما بود واین‌ناهمواری را باآجرهای تراشیده یاکاشی رفع میکردند. این اصلاح وتزئین درمورد ساختمان‌گنبد سلطانیه درحین ساختمان بوسیله ایجاد قوس‌هایی بعمل‌آمده است[3](عکس ۱۳۶). بعد ازآن برای رفع این نقیصه ابتکار دیگری‌اوردند. درساختمانهای

* * *

۱ـ ازقبیل مساجد زمان فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۲ـ۱۲۵۰هجری ۱۸۳٤ـ۱۷۹۷ میلادی) درتهران ومساجد دیگری درقزوین، سمنان (شکل۲۳۲)، بروجرد وغیره .

۲ـ حتی در بعضی موارد اضلاع هشتگانه هم تقسیم میشوند بطوریکه دورهٔ داخلی قاعده‌گنبد بصورت کثیرالاضلاع شانزده ضلعی درمیآید ودائره محاطی وآنرا بهتردربرمیگیرد .

۳ ـ درمسجد جمعهٔ ورامین ودرامامزاده حسین بن موسی‌الکاظم درنزدیکی طبس وهمچنین در مقبره نزدیك جاجرم وجاهای دیگر، این تزئین وهم پشت‌بندآنها بکلی ریخته واختلاف سطح خارجی طاقها که در اثرکاهش ضخامت‌آن پیدا شده نمایان‌گردیده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مذهبی زمان مغولها که میخواسته‌اند نمای مرتفعی داشته باشندوازطرفی ارتفاع داخلی آن موردعلاقه نبود، باین فکرافتادندکه شبستانهای بزرگ گنبددار را بجای یك‌پوشش بادوطاق بپوشانند. یکی که ارتفاعش ازسطح زمین برطبق نقشهٔ تزئینی‌داخلی‌قابل تغییر بود ودیگری که منظورارتفاع ونمایش خارجی‌را درفضا تامین می کرد .

ازآن ببعد دیگرپوشاندن ناهمواریهای طاق زیرین غیرلازم بود زیراما بین دوگنبد قرارنمیگرفت.هنگامیکه میخواستندگنبد فوقانی را هم مانندگنبد تحتانی بسازند درآنهم ضخامت راس‌را نسبت بمبداءکاهش‌دادند. چنانکه درمورد مسجد شاه [٤٥١] اصفهان (شکل ٢٣٣ وعکس‌های ١٥٥ و١٥٦) همین‌کاررا کرده ودرنتیجه ناهمواریها بین‌دوگنبد پنهان و نامرئی شدند .

شیوهٔ ساختمانی طاقهای سبك ابنیه‌کوچك بوسیله قوسهای سبك یعنی هلالهائی که در دورهٔ ساسانیان وسیله‌زدن طاق بود، دردورهٔ سلجوقیان هم گاهی برای زدن طاقهای بزرك ساده مورد استفاده قرارمیگرفته تاراهنمائی بناها باشد.شیوهٔ مزبور ازآغازدورهٔ مغول‌برای ساختمان گنبد فوقانی گنبدهای دوپوشه هم‌معمول گردید. مثلاطاق زیرین‌خانقاه علاءالدوله سمنانی که هم ضخیم وسنگین وهم سقف اصلی ساختمان میباشد بدون قوسهای کمکی ساخته شده درصورتیکه طاق فوقانی که فقط برای نمایاندن ساختمان از فاصله دوراست بوسیله قوسهای‌قتیله‌ای‌ساخته شده وخیلی هم سبك است وضخامت‌آن فقط یك‌آجراست.

تازگی‌دیگر،توسعه روزافزون وقابل‌ملاحظهٔ تزئینات کاشی کاری است که ازمشخصات وامتیازات خاص معماری اسلامی ایران میباشد .

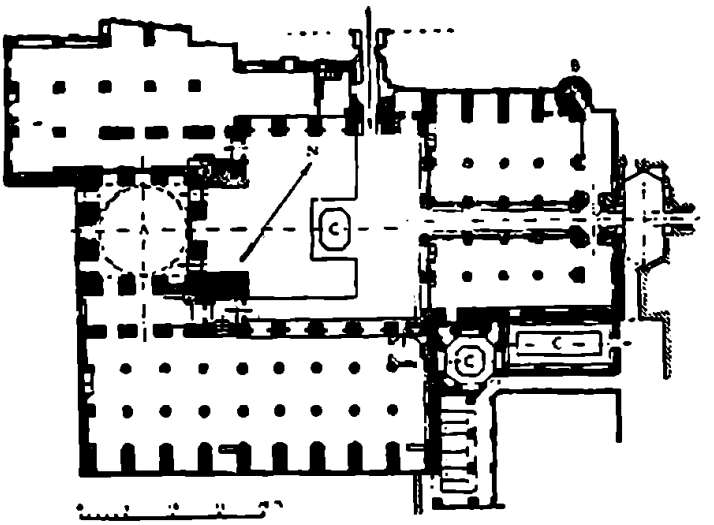
ایران هم مانند بیشترکشورهای خاوری همیشه خوش داشته است ابنیه خودرا بارنگ تزئین نماید . چنانچه گیسوان‌کمانداران ویال شیرهائیکه‌کاخ هخامنشی شوش‌را تزئین کرده‌اند (شکل ١٥١) یا منظره دورهٔ آبادانی ایوان بزرك‌کاخ تیسفون یا طاق کسری که محل بارعام پادشاهان ساسانی بود شاهد این مدعاست . شاید « دارمستتر» بگوید این تجمل پرستی «تفنن پادشاهان» بود چنانکه در طی قرون اولیه اسلامی چه در مساجد نوع عربی و چه ایرانی بنظرنمیرسدکه رنك نقش بزرگی داشته‌باشد. منظور ما در اینجا نه خطوط خشن و ناهنجار قرمز و آبی است که گاهی برای تقویت نقوش معماری بکار برده شده و نه رنك آمیزی ابتدائی وزشت‌کتیبه های‌گچ بری ابنیه نیشابور است ، بلکه مقصود تزئین بوسیله‌کاشیهای مینائی است که برطبق‌اصول واسلوب خاصی داخل وخارج‌ساختمانها را تزئین‌کرده وعامل لازم و اصلی معماری مذهبی ایران گردید .

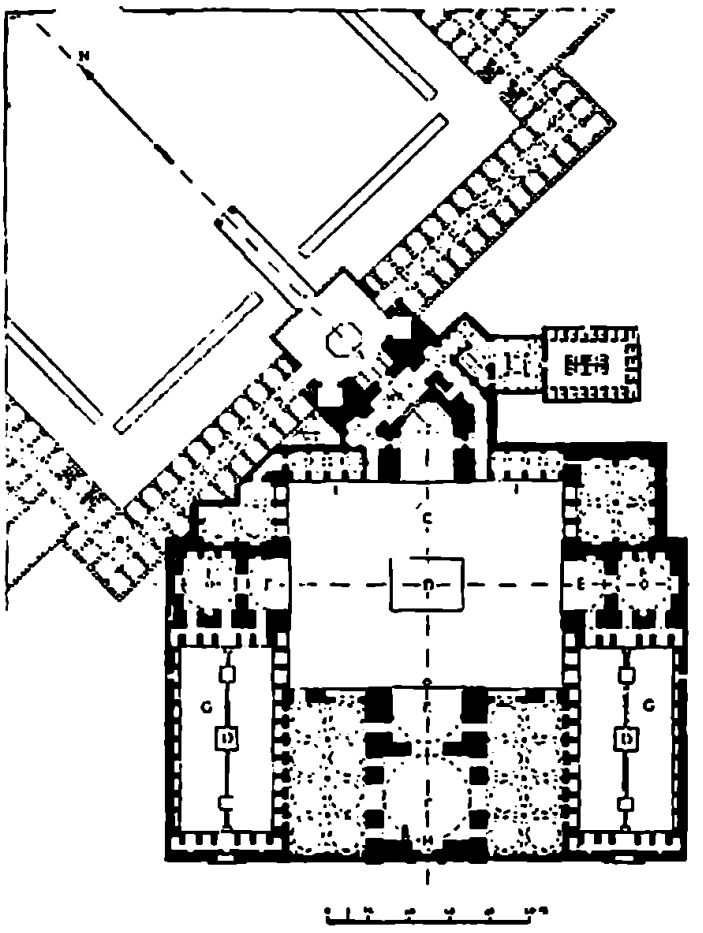
چنین بنظرمیرسیدکه اولین نمونه این علاقه‌برنك درگنبد خاکی مسجدکهنه‌اصفهان که تاریخ آن ٤٨١ هجری (١٠٨٨ میلادی)است موردآزمایش قرارگرفته باشد درآنجا طاقچه هائی دیده میشودکه با موادکاملا معمولی وبرنك گوناگون‌ازقبیل سنك سیاه‌وکبود گچ سفید و آجر متعارفی‌که ابتدا سرخ بوده و بمرور زمان زرد شده‌مقرنس‌کاریهای فراوانی‌کرده‌اند (شکل ٢١٥ c) محتمل است که درجاهای دیگرهم‌نظیرش بوده که درضمن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





۲۳۲
۲۳۳

۲۳۲ـ نقشهٔ مسجد جمعهٔ سمنان ،A. تالارگنبددار.B. منارهٔ سلجوقی ، C ـحوض .

۲۳۳ـ نقشهٔ مسجد شاه اصفهان :A. ورودی .B. تالارورودی .C. حیاط .
D. حوض .E. ایوانها .F. نمازخانه اصلی . F. نمازخانه‌های شرق‌وغرب .
G. مدارس شرق‌وغرب .H. محراب اصلی .I. دالانهای سرپوشیده .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عملیات تجدید وضع ساختمانهای قدیمی پیدا خواهد شد . قدرمسلم آنست کـه این فکر برای اولین بار درسال ٤٨١ هجری بروز کرده وطولی نکشیده که میناکـاری در تزئین معماری ایران ابداع شده و ابندا فقط باین منظورکه در خارج خطوط کتیبه های ابنیه را را نمایان‌تر وخواناتر سازند مثلا در بالای گلدسته مسجد جامع دامغان بسال ٥٠٠ هجری و بالای گلدسته مسجد سین نزدیك اصفهان(٥٢٦ هجری) درسه چهارم کتیبه‌های منارساربان در اصفهان بعد ازآن درشمال ، درآذربـایجان و مخصوصاً درمراغه است که صنعت‌میناکاری درتزئینات معماری ایران رواج گرفته و نمونه آن در عده زیادی از ابنیهٔ قدیمی آنجاکه هنوز سرپا هستند بچشم میخورد . تا آن زمان برای ارضای ذوق تزئین بنا،غیر از آجر ساده‌که بانواع مختلف واشکال گوناگون درجبهه بنا نشان میدادند ومی‌توان آنرا آجـر بازی خواند ، وسیله دیگری دراختیار سازنده نبود . نمونـهٔ آن مقبره اسمعیل سامـانی دربخـارا و یکی هم رباط شرف (شکل ٢٣٠) (٥٠٨هجری) است که اثرسایه روشن‌ظریف بندهای گچی آن توانسته است منشاء خصوصیات تزئین ابنیه آینده گردد [٣٥٣].

قدیمی‌ترین مقابرمراغه، گنبدسرخ ،ساختمان‌چهارگوشی است دارای یك تالارمربع که‌بوسیله گنبدی‌پوشیده شده که ازداخل مقرنس‌کاری است و هنوز بخوبی محفوظمـانده، ساختمان مزبور سابقاً بامی‌بشکل هرم‌هشت سطحی‌داشته‌که اکنون تنها قسمت‌پائین آن باقی است [٤٥٤] (شکل ٢٣٦).

جبهه اصلی ساختمان بطرف شمال است،در جلو آن پله‌کانی است دارای پنج پله و پله های ششم وهفتم آن داخل درگاه شده‌اند . جبههٔ مزبور بوسیله نیم ستونهای محکمی‌که زوایـای ساختمان‌را تزئین‌میکنند پشت بندی شده وحاشیه وسیع‌ومجللی برای درب ورودی ساختمان‌است(عکس١٢٤) . خود درب در طاق نمای زیبائی واقع شده که‌کتیبه ای باشکال هندسی آنرا تزئین مینماید . دورکتیبه مزبور را نوشته ای بخط‌کوفی احاطه‌کـرده . در بالای قوس‌نوشتهٔ دیگری است که آنهم بخط‌کوفیست .

جبهه های جانبی‌وعقبی ، ما بین نیم ستونهای زاویه هریك با دوقوس وهمان‌کتیبه‌ای که دربالای جبهه اصلی است تزئین شده وتمام ساختمان را دورمیزند . قسمت پـائین بنا ، بالای نیم ستونها ، زوایا وبالای ستونچه هائی‌که قوسها روی آنها قرارگرفته همه ازسنگ هستند . بقیه آجر نمایان وباکمال ظرافت بندکشی شده ورنگ قرمز آنرا چند قطعه کاشی‌کاری برنگ آبی‌فیروزه‌ای نمایان ترکرده است .

تزئین جبهه های جانبی وعقبی بنا بقدری ساده ومحقر است که اگر در جستجویش نباشند اصلا جلب نظر نمیکند . روی دیوار هیچ چیز بچشم نمیخورد فقط دربالای قوسها

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نقاطی چند دیده میشود . روی نیم ستونهائی که جبهه اصلی بنا را محدود میکند چند نقطه رنگی‌هست که حتی از نزدیك هم‌نمایشی‌ندارند . روی دونیم ستون دیگرهم ، غیراز قاب‌آبی رنگ تزئین دیگری نیست .

روی جبهه اصلی‌کاشیهای آبی فیروزه‌ای بیشتر بکاررفته ، دربالای درب ، درکتیبه‌ای که اشکال هندسی آنرا تزئین کرده وقدری بالاتر درزوایای بین قوس‌وکتیبه بالائی کاشی کارکرده‌اند . رویهمرفته چیز مهمی‌نیست واثر جالبی هم ندارد ولی مقدمه هنر بزرگی است .

بنا برنوشتهٔ بالای درب « این مقبره در تاریخ یازدهم ماه شوال سال ٥٤٢ ساخته شده[1] است» . بنابراین ساختمان مزبور از مقابر معروف نخجوان قدیمی تر است ، یعنی چهل‌سال نسبت بمقبره مؤمنه خاتون (شکل۲۳۸) وپانزده سال نسبت بمقبره یوسف بن‌قصیر تقدم دارد [٤٥٥].

این بنا ازنوع ابنیه ایست‌که دران زمان درتمام‌شمال‌ایران متداول‌بوده‌یعنی‌عمارت کوچکی بشکل‌مربع یاکثیر الاضلاع یا مدورکنبددار پوشیده ازبام هرمی‌شکل یامخروطی که بیشتر مجرد و گاهی هم از منضمات ابنیه مذهبی بوده است . تاریخ ساختمان چند بناایکه اینجا ذکر می‌شود همه مقدم بربنای فوق الذکر است : ساختمانهای گنبد قابوس درسال ۳۹۷ هجری [٤٥٦] (شکل ۲۳٤ وعکس ۱۲۳) وبرج رادکان غربی [٤٥٧] که درسال٤٠٧ شروع ودر٤١١ هجری پایان پذیرفت ، وبرج لاجیم که تاریخش ٤١٣هجری است و در کنارش برج رسجت (٤٥٨) که‌کمی‌قدیمی تر از آنست ، ساختمان دامغان بنام گنبد پیر علمدار [٤٥٩] بتاریخ ٤١٧ هجری ، مقبره چهل دختران [٤٦٠] که آنهم در دردامغان بتاریخ ٤٤٦هجری، برج مهماندوست [٤٦١] نزدیك‌دامغان بتاریخ٤٩٠هجری،

مقبره یوسف بن قصیرومؤمنه خاتون (شکل ۲۳۸) درنخجوان‌که تاریخشان‌بترتیب ٥٥٧ و٥٨٢ هجری است ، برج مدور [٤٦٢] نزدیك گنبدسرخ در مراغه (شکل ۲۳۷) ٥٦٣هجری ومقبرهٔ سه‌گنبد(٤٦٣) دررضائیه ٥٨٠ هجری ، گنبدکبود [٤٦٤]درمراغه ٥٩٣ هجری همه متعلق بقرن ششم ولی مؤخر بر تاریخ ساختمان‌گنبد سرخ مراغه هستند.

عده زیادی از این نوع مقابر واقعه در اردبیل (عکس۱۳۵) آمل ، بار فروش (بابل‌کنونی) ، بسطام ، دماوند ، خیاو ، کاشمر ، قم ، مراغه ، ساری ، رادکان شرقی ، ورامین(شکل۲۳۵ وعکس۱۳۸) در حزین، ابرکوه،همدان،وغیره متعلق بقرون بعدهستند.

اگرابنیه‌ایراکه تاریخ ساختمانشان مقدم برگنبد سرخ مراغه‌است باآن‌مقایسه‌کنیم

* * *

۱ــ مقصود از «ساخته شده» اتمام کار است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خواهیم دید که تزئین رنگین درآنها بکار نرفته است . نه‌در گنبد قابوس و برجهای رادکان غربی ولاجیم ورسجت ، نه‌درمقابر پیرعلمدار وچهل‌دختران وبرج مهاندوست حتی یکقطعه کاشی دیده نمیشود . اما بلافاصله‌پس ازآن چنین‌بنظر میرسدکه بکاربردن آن عمومیت پیدا کرده‌باشد[1] فقط دوبناهست که‌بلافاصله‌بعدازگنبدسرخ ساخته شده‌وباکاشی‌تزئین‌نشده‌اند . یکی مقبره یوسف‌ابن قصیر درنخجوان و دیگری سه‌گنبد رضائیه ؛ اما تفاوت تاریخ ساختمان نخجوان باگنبد سرخ مراغه فقط پانزده سال است . علت‌آنرا میتوان چنین پنداشت‌که‌در آنزمان درشهرکوچك نخجوان وسائل اینکار موجود نبوده است. امادربارهٔ سه‌گنبدرضائیه باتوجه باینکه نوشته وعامل تزئینی هندسی شکل‌آن دراین ساختمان آجری باسنگ‌حکاکی شده‌وتراشیده ساخته شده میتوان تصورکردکه دراین قسمت‌آذربایجان روش تزئین‌ساختمان باسایرنواحی تفاوت داشته است ویااینکه درآنجاهم مانند نخجوان وسائل‌کاشی‌کاری فراهم نموده است .

گرچه معمار گنبد سرخ مسلماً خواسته است بابکاربردن چند تکه کاشی‌کاری‌جلوه بیشتری بکار خود داده باشد اما منظورش ازاین‌کاربوجودآوردن یك اثرتزئینی نبوده‌است واین ازافزارکاری دقیق وباسلیقه‌ایکه‌درجاهای دیگربکار برده معلوم میشود ، اوساختمان را با رنگ تزئین نکرده بلکه مانند پیشینیان خود باطرح و سایه روشن‌کار خودراتزئین نبوده است .

بنابراین‌گنبدسرخ مراغه مرحلهٔ‌مهمی‌از معماری اسلامی ایران را نشان میدهد و آن‌آغاز پیدایش‌کاشی‌کاری درتزئین خارجی ابنیه درشمال‌کشوراست .

از لحاظ تاریخ دومین ،مقبرهٔ مراغه‌که ساختمانش درسال ۵۶۳ هجری بپایان رسیده برج‌آجری‌گردی است (شکل۲۳۷) درکمال سادگی‌که مدخل نفیس وزیبائی درآن طرح شده (عکس۱۳۳) . این طرح بطریق جبهه‌گنبد سرخ وباهمان قاب‌بندی وهمان طاقی‌که درب ورود در آن واقع شده ترکیب‌گردیده است . در بالای این درب نیز نوشته‌ای بخط کوفی ودربالای قوس نوشتهٔ دیگری بچشم میخورد . اماتزئین پرمایه وعمیق‌گنبدسرخ در اینجا بسادگی‌گرائیده وکم عمق‌تر اماریزه‌نقش‌تر شده ، علاوه براین ،رنك‌که در تزئین گنبدسرخ هنوزنقش قابل ملاحظه‌ای نداشت ، در اینجا وضع بهتری بخود گرفته است . حروف نوشته‌ها و تزئینات بالای‌آن باکاشی است . سومین مقبره مراغه یعنی‌گنبد کبود را

* * *

۱ــ برج مقبره‌ای ورامین‌که برزمینهٔ کثیرالاضلاع۳۲ ترکی ساخته‌شده و دارای پوشش مخروطی است باآجرهای کاشی تزیین شده (شکل ۲۳۵ وعکس ۱۳۸) برج مزبورازابنیهٔ دورهٔ مغول وتاریخش ۶۷۵ تا ۶۸۸ هجری یعنی سه‌قرن پس‌ازگنبد قابوس بوده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عموماً مقبرهٔ مادرهلاکو می‌دانند [٤٦٥] اما تاریخ ساختمان آن که ٥٩٣ هجری است این فرض را نقض میکند[1] . بنای مزبور از نوع ساختمانهای آذربایجان است که فقط کاشی فیروزه‌ای در آن بکار رفته (عکس ١٢٨) وتقلید بی‌قدر و ارزشی ازمقبرهٔ مؤمنه خاتون در نخجوان که تاریخ آن ٥٨٢ هجری است (شکل ٢٣٨) .

دراین تاریخ (٥٨٢ هجری) معماری آذربایجان نسبت بآنچه ما درآثار قبلی آن می‌شناسیم تحول قابل ملاحظه‌ای یافته است . مقبرهٔ مؤمنه خاتون مانند همسایه‌اش ، مقبرهٔ یوسف بن قصیر که تاریخش ٥٥٧ هجری است هشت ترك است ولی با نسبتهائی لطیف‌تر و کشیده‌تر . تزئین آن که منحر به‌آجرساده بریده وتراشیده است وسعت بیشتری یافته و ماهرانه‌تر انجام گرفته و تمام سطح بنا راپوشانده است . سطح بیرونی مقبرهٔ یوسف بصورت فرورفتگی‌هائی درآمده که قسمت بالای آن چند طبقه طاقدیس ساخته شده . کاشی‌کاری که درمقبرهٔ یوسف اصلا وجود ندارد دراینجا هست اما برای جلوه دادن به‌نوشته‌هاست ودرتمام سطح ساختمان پراکنده است و توجه بیننده را به‌نقش زیبای کتیبه بزرك جلب مینماید و خطوط متناسب تزئین ساختمان را زیباتر نشان میدهد .

ظاهراً اینطور بنظر میآید که درآن زمان امکان پیشرفت بیشتری دراین هنر وجود نداشته . با وجود این شکی نیست که پیشرفت وبهبود کارهدف سازنده گنبدکبود بوده وبرای رسیدن بآن کوشش کرده [٤٦٦] وبرج بلند هشت ترکی ساخته وبحساب خود خطوط وقسمت تزئینی مقبره مؤمنه خاتون را در آن تقلید کرده و دربالای برج نوارجای کتیبه وگیلوئی مقرنسی ساخته و آنرا باگنبد هرمی شکلی پوشانده است . فرورفتگیهای بالای هشت بدنه ساختمان را برای سرمشق خود حفظ کرده و این قسمت را با نواری محدود و سپس به‌قسمت‌های دیگر برج پرداخته . بدون فاصله بدنه برج را ازبالا تا پائین با شبکه فشرده‌ای ازآجر تراشیده وبریده تزئین کرده وچنین مینماید که تمام بدنه ساختمان را ازیك پارچه توری یکرنك پوشانده‌اند (عکس ١٢٨) .

دراین بنا ازنوار و قسمت طاقچه‌ها و فرورفتگیها ببالااست که رنك بکار رفته آنهم فقط رنك فیروزه‌ای که برای رنك کردن خود ساختمان استعمال شده وبخوبی میشد از آن صرف‌نظر نمود . نوشتهٔ کتیبه بالائیهم که خیلی ریزاست ازآن بهره‌ای نمی‌برد . علیرغم تظاهر زیاد ساختمان مزبور درمقایسه با مقبره ظریف وزیبای مؤمنه خاتون که ده‌سالهم از آن قدیمی‌تراست وحشی وعاری ازذوق لطیف است.

رویهمرفه مراغه ازلحاظ تاریخ کاشی‌کاری‌درتزئین ساختمان درطی قرن هفتم هجری

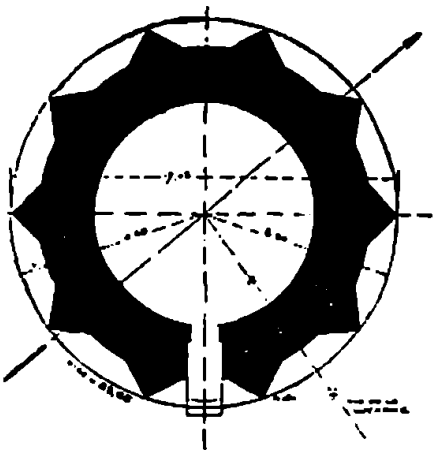
* * *

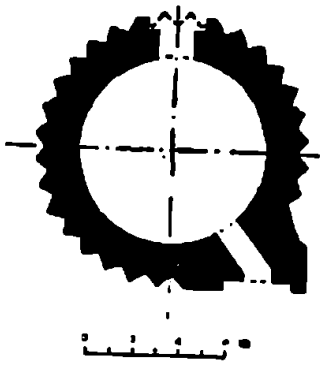
١ ــ هلاکودرسال ٦٦٣ هجری یعنی ٧ سال پس ازاتمام ساختمان گنبدکبود درگذشت .

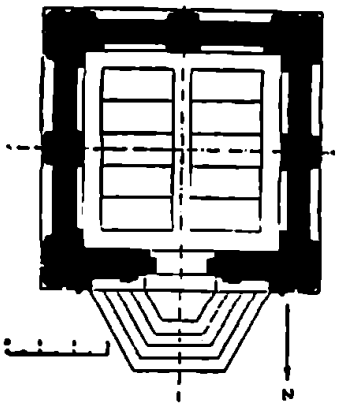
tarikhema.org

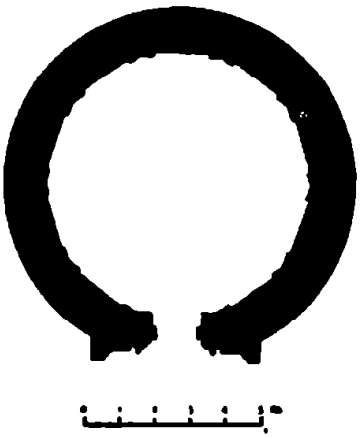
PDF.tarikhema.org

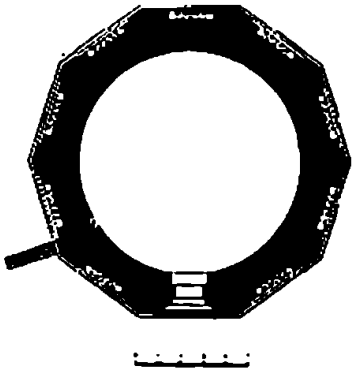
PDF.tarikhema.org

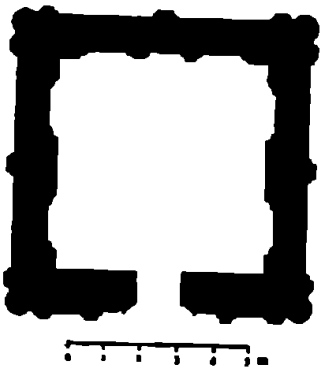




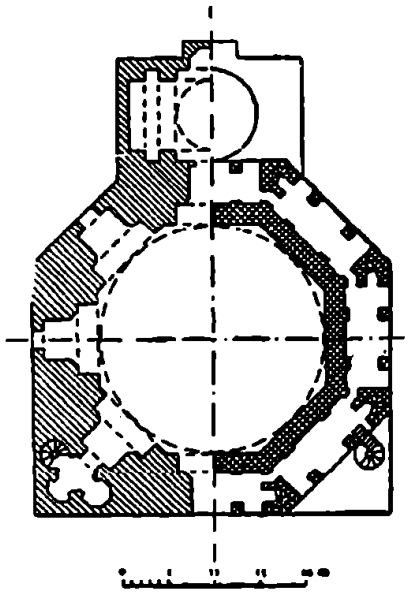








۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶
۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹
۲۴۰		



۲۳۴ـ نقشهٔ گنبد قابوس .
۲۳۵ـ نقشهٔ برج ورامین .
۲۳۶ـ نقشهٔ گنبد مراغه .
۲۳۷ـ نقشهٔ برج مدور مراغه .
۲۳۸ـ نقشهٔ قبر مؤمنه خاتون در نخجوان .
۲۳۹ـ نقشهٔ گنبد غفاریه.
۲۴۰ـ نقشهٔ آرامگاه سلطان الجایتو خدابنده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اطلاعات چندانی دراختیارمانمیگذارد. ظاهراً دراین قرن هنرمزبوردرآنجا پیشرفت فراوانی نکرده است. درصورتیکه درقم ،ساوه ،دامغان ،مشهد وشهرهای دیگردرمقابرمتبرکه ستاره ها ، صلیب ها درگنبلوئیها ،کتیبه ها ولوحه هائیکه عموماً باجملاتی ازقرآن نوشته شده ، درقسمت بالای دیوارها یادرمحرابهای عالی ونفیسی که درآنوقت درکاشان توسط استادان هنرمندکاشی ساز : محمد بن ابوطاهر ، پسرش علی و نوه اش یوسف [1] ساخته میشد قسمت های داخلی ابنیه را تزئین کرده اند.

بعضی ازاین ستاره هاوصلیب هاوآجرهای نوشته تماشائی وقابل تحسین هستند(عکس ۱۷۳) ومجموعه گرانبهائی ازآنها درموزه تهران موجوداست . اماکمتر میشودآنها را در ردیف عوامل معماری عماراتی که باآنهاتزئین شده اند قرارداد. اینها آثارهنری هستندکه اغلب باترکیبات عمومی ابنیه مربوطه هیچگونه تناسبی ندارند . وچنین مینمایدکه بسرعت متروك شده واز زمان مغول باین طرف دیگرچیزی ازآن باقی نمانده است .

چهارمین مقبرهٔ مراغه،گنبدغفاریه (شکل ۲۳۹) ومقبرهٔ امیرمملوك شمس الدین قراسنقراست که درمصروسوریه ابنیه فراوانی ساخته وچوگاندار[2] سلطان قلاعون و درزمان لاجین نایب السلطنه مصرشد وهنگام سومین جلوس محمد بن قلاعون بسلطنت ، نایب السلطنه سوریه گردید وبعد در سال ۷۱۱ هجری به تاتارها پناهنده شد. مرگش در مراغه که از طرف سلطان اولجاتیو خدابنده برسم تیول باو واگذار شده بود اتفاق افتاد واوآرامگاه خود راکه در ۲۷ شوال ۷۲۸ هجری یعنی در زمان سلطنت سلطان ابوسعید [۴۷۶] بهادرخان بپایان رسید، در آنجا بناکرده بود. مقبرهٔمذکور ساختمان چهارگوشی است از آجر سرخ که بر زیر بنائی از سنگ قرارگرفته وبصورت دخمهٔ زیر زمینی درآمده است. در چهارگوشهٔ آن چهار ستون لوزی تیزی زوایای آنرا ملایم کرده ودر جبهه اصلی طاقنماهائی است که درب ورود بنا در آن واقع شده ودر بالای آن کتیبه ایست دارای دوسطرودر بالای نوس، قوس دیگری است. اضلاع جانبی جبهه وضلع عقبی هریك بدوطاق وبالای طاقها به کتیبه بلندی تزئین شده اند.

* * *

۱ــ آثار معروف این استادان : محمدبن ابوطاهر محرابهای مورخ ۶۱۲ هجری حرم امامرضا درمشهد وتزئین قبر حضرت معصومه در قم است که در سالهای ۶۰۵ و۶۱۳ هجری ساخته شده. علی بن محمدبن ابوطاهر ، قسمت مرکزی محراب قم که در موزه برلن است (۶۶۳ هجری) محراب کروکیان ومحراب بدون تاریخ حرم مشهد. یوسف بن علی بن محمد بن ابوطاهر، محراب موزه ارمیتاژ (۷۰۵ هجری) ومحراب موزهٔ تهران (۷۳۴هجری).

۲ ـ چوگاندار مامور نگاهداری ومحافظت گوی وچوگان شاه بوده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وضع عمومی این ساختمان نظیر گنبد سرخ است ولی احتمال قوی هست که بتقلید از مقبره‌ایکه سلطان قازان خان در شهب نزدیك تبریز برای خود ساخته بود آنرا از داخل وهم از خارج با گنبدی پوشانده وطبعاً بعد از آن تغییر وتحولاتی در جزئیات آن‌رویداده باشد. حروف کتیبه‌ها که در دو مقبره اولی مراغه یعنی گنبد سرخ و گنبدگرد بخط کوفی هستند، در سومین آنها که گنبدکبود است، در خارج کوفی ودر داخل نسخ است، ولی در اینجا منحصراً بخط نسخ هستند. رنگ که درگنبد سرخ خیلی با مسك وفقط آبی‌فیروزه‌ای بکار رفته، در این ساختمان مانند سلطانیه، سیاه ولاجوردی وسفید بعلاوه آبی کمرنگ مصرف شده. نوشته کتیبه‌ها سیاه وزمینه آن سفید است که شاخ وبرگهای فیروزه‌ای آنرا پوشانده است. جبهه‌های عقبی وجانبی برخلاف گنبد سرخ که مسدودند هر یك دارای دو پنجره‌اندکه در طاقنما وقاب مستطیلی واقع شده وبالای هر یك از آنها نقش تزئینی بسیار زیبائی از آجر بریده وکاشی وبالای آن نواری است که بەشعار های شمس‌الدین قراسنقر مزین است.

خوئی برج که آخرین پنج مقبرهٔ مراغه ونزدیك گنبدکبود بوده دیگر وجود ندارد ودر آغاز سال ۱۹۳۸ میلادی [٤٦٨] خراب شده، این بنا زمانیکه هنوز خراب نشده بود شبیه گنبد سرخ وبرج استوانه شکلی بوده ولی بلندتر از آن ودارای ترکیب تزئینی مستطیلی بوده که قاب درب ورودی آنرا تشکیل میداده ومرکب از گچ‌بری وموزائیك کاشی بسیار ریزی بوده وکاملا با آرایش وسیع مقبره گرد مغایرت داشته ومسلماً مینمایاند که‌خوئی برج خیلی پس‌ازآن بوده ومیتوان تاریخ ساختمان آنرا چنانکه «سار» F. Sarre معتقد است نیمهٔ دوم قرن هشتم یعنی دورهٔ تیموری دانست [٤٦٩].

تا اواخر قرن هفتم هجری، این رسم مغولی در ایران پایدار بوده که جای مقبره پادشاهان مخفی نگاهداشته می‌باشد بطوریکه حمدالله مستوفی قزوینی میگوید : «قبرارغون[1] درکوه سوجاس است که بنا برسم مغول نمام‌کوه را بصورت حرم مقدسی درآورده ولی‌جای قبر [٤٧٠] نامعلوم است. ولی قازان این رسم راشکست، چنانکه «بارتلد» W.Barthold میگوید: «جسد ارغون درکوه سیجاس در جنوب سلطانیه بخاك سپرده شد، بعدها در زمان قازان بارگاهی در محل آن ساختند [٤٧١].» من چند دفعه بجستجوی آن رفته‌ام ولی نه در ارتفاعات ونه در جلگه سیجاس اثری از چنین ساختمانی بنظرم نرسید.ممکن است‌قازان‌خان جسد پدر خود رابسلطانیه آورده باشد..... در آنجا چیزغیر عادی بچشم

* * *

۱ــ ارغون، خان مغول ایران (٦٨٣ــ ٦٩٠ هجری) پسر آباقا (١٢٤٥ــ ١٢٨١ هجری) وپدر قازان (١٢٩٥ــ ١٣٠٤هجری) بوده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نخورد... بجای اینکه جسد را از محل اختفای خود بیرون کنند بهتر بود بکلی آنرا از کوه بیرون آورده ودر جلگه که بیش از چند ده کیلومتر راه نبود دفن میکردند...
یکروزکه باین موضوع فکر میکردم در راه بازگشت بمقر خودم ازگردنه‌ایکه مرا بدرهٔ سلطانیه میرساند گذشتم. درست در نقطه ایکه از دره خارج میشدم، هنگامیکه تمام پهنهٔ جلگه را زیر نظر داشتم، در جهت راست راه خود تپهٔ درهم‌ریخته‌ای توجهم را جلب کـردکه ظاهـراً میبایستی بقایای یك بنای قـدیمی در آن وجود داشته باشد. همینکه بآن نزدیك شدم دیدم آنجا شبیه نوعی معدن آجر است. در ته حفره دوپـایه از سنگ‌سبز کـه اولین پایه‌های ساختمان قابل ملاحظه‌ای بود نظارم را جلب‌کرد. این پایه‌بندی‌دایره‌شکل بود یعنی بنائیهم‌که روی آن بوده باید استوانه‌ای یاکثیرالوجوه بوده باشد. آنچـه روی این پایه‌ها ساخته شده بنای زیبائی با آجر قرمز بوده ومـاده تزئینی آن آجرهـای‌کاشی برنگهای آبی لاجوردی، آبی روشن وسفید بوده ودرست همانهائیکه در تزئین مقبره‌ایکه قازان در نزدیکی تبریز برای خود ساخته بود. بنابراین آنـجا سابقاً ساختمان بزرگـی بودکه باکاشی تزئین شده وتاریخ آنهم احتمالا زمان سلطنت قازان بوده‌است.

در بین‌راه براهگذری برخوردم وراجع بآنجا پـرسشهائی از اوکـردم، اوگفت آنجا برج بزرگ چند ترکی بوده. چند سال پیش درآنجا سنگ مسطحی یافته‌اندکه‌قسمت بالای یك مجسمه نیم تنه‌ای بود. مردم محل مزبور را تپه‌گنبدی مینامیدند. مرد راهگذر بیش از این چیزی از آنجا نمیدانست. بنابراین مقبرهٔ قازان، در شام قازان بـرج بلند آجری دوازده ضلعی بوده وگنبدی داشته وروی هریك از اضلاعش ترکیب تزئینی حجاری شده‌ای داشته‌که یکی از علائم منطقةالبروج را نشان میداده. شکـی نیست‌کـه قازان وقتی جسد ارغون را از آرامگاه‌کوهستانیش بیرون آورده وخـواسته است آرامگاه آبـرومندی برایش بسازد جائی بهتر از آنکه هم‌بردره مسلط بود وهم از مقبره خودش درسلطانیه‌دیده میشد نیافته است [۴۷۲]. باوجود آنچه در باره این مقبره گفته شد من‌تابحال نتوانسته‌ام مدارکی جمع‌آوری‌کنم‌که مرا درایـن باره روشن‌کند وعقیده قاطعی بمن بدهد. بهر حال چه مقبره ارغون بوده وچه‌نبوده‌باشد، بنای مزبور نمیتواند برای تاریخ رشد تزئین رنگی ساختمان بقدر مقبره شام قازان‌که هویتش معلوم وبهتر شناخته شده سودمند واقع شود. ما میدانیم‌که شهرت عظیم مقبرهٔ سلطان سنجر سلجوقی‌که خرابه‌های آن هنوز در مرو باقی است، خواب سلطان قازان سازنده بزرگ‌را آشفته‌کرده‌بود. پس‌عزم‌کرد براو پیشی‌گیرد ودر یکی از نقاط حومه شهر تبریز آرامگاه مخصوص خود را ساخت‌که در زمان خود در ردیف عجایب عالم بود. نویسندگان ایرانی آندوره دربارهٔ آن بتفصیل نوشته‌اند. منجـمله مینویسندکه بنای نامبرده مرتفع‌تر ازگنبدسلطان‌سنجر بود، ودر مجاورت آن یك مسجد،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دومدرسه، یك نوانخانه برای سادات، یك بیمارستان ویك‌رصدخانه نظیر رصدخانه مراغه، یك کتابخانه، یك مخزن‌اسنادوعمارتی برای ادارهٔ این مؤسسات‌وغیره ساخته‌شد ورقم‌درآمد موقوفاتیرا که سلطان‌برای نگاهداری‌تأسیسات مزبور تعیین‌کرده نوشته [۴۷۳] واحتیاطات ممکنه را برای اینکه درآمد موقوفات بدرستی بمصارفی‌که سلطان‌تعیین‌کرده برسدشرح‌داده ونوشته‌اندکه در اطراف آرامگاه ومتعلقات آن قازانیه ساخته شدکه در مدت‌کمی‌از لحاظ وسعت رقیب تبریزشد واز حیث زیبائی بر آن پیشی گرفت[۴۷۴]. اما از چگونگی معماری آرامگاه هرگزذکری نکرده‌اند.

باوجود این یك قطعه مینیاتور درنسخهٔ اصلی ومعروف‌کتاب «تاریخ‌مغولان» متعلق به‌کتابخانه‌ملی در دو صفحه مقابل‌هم ساختمان بزرگی را نشان میدهد بنام دروازهٔ زهدکه همان آرامگاه قازان است[۴۷۵]. این نسخه خطی بعقیدهٔ M Blochet [۴۷۶]درتبریز ودرکارگاه استنساخ‌که توسط رشیدالدین پیش‌از سال ۷۱۸ هجری‌که سال وفات نامبرده است نوشته شده ومینیاتورهای آن مستقیماً از روی نسخهٔ اصلی وتوسط هنرمندان‌کارگاه رشیدالدین در تبریز برای خود قازان ودر زمان حیات او نمونه‌برداری شده‌اندبطوریکه درکتیبهٔ یکی از برجها میتوان چنین خواند: «خداوندسلطنت وخلافت سلطان محمود قازان را دراز ونامش‌را جاویدان‌گرداند.»

نقاشی‌که در زمان قازان وبرای شخص اوکار میکرده نمیتوانسته است منظره بنارا غیر از آنچه در جلو چشم داشته نقاشی‌کند ودر نقاشی‌که‌کرده آرامگاه را بشکل بلندی نقش‌کرده وآنرا مانند ازمنه پیشین بابام هرمی شکل یامخروطی نپوشانده بلکه باگنبد نقاشی کرده وشکی نیست‌که‌گنبد را از مقبرد سلطان سنجر تقلید نموده است. واین برای ما اطلاع بسیار مهمی است. جزئیات نقش‌بنا خیلی ابتدائی تشریح‌شده است.

از طرفی اگر نویسندگان ایرانی اطلاع دقیقی راجع بچگونگی ساختمان ومعماری آن نمیدهند ما ازگزارش سیاحان اروپائی اطلاعات تکمیلی وسودمندی بدست آورده‌ایم. از جمله:

شاردن Chardin مینویسد: «آرامگاه قازان هنوز در برج بزرگ خرابه‌ای دیده میشودکه بنام اصلی خود منارخان قازان نامیده میشود [۴۷۷].

تاورنیه Tavernier تصریح‌میکند: «در یك فرسنگی تبریز در وسط مزرعه‌ای برج آجری بزرگی دیده میشود بنام‌کان‌بازون[۱] Kan Bazun این برج تقریباً پنجاه پا قطر دارد وبا اینکه نیمه خرابست‌هنوزخیلی بلند است وچنین پیدا ست‌که برج قلعه‌ای بوده‌و

* * *

۱ــ کان‌بازون محققاً بجای خان‌قازان است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هنوز دیوارهای بلند اطراف آن باقیمانده وبسیار قدیمی بنظر میآید. ولی بتحقیق معلوم نیست که این برج راکه ساخته است . اما حروف عربی که بر بالای درب دیده میشود مینمایاندکه باید این بناکار مسلمانان بوده باشد. درسال ۱۶۵۱ در تبریز واطراف آن زلزله شدیدی رخ داده وچندین خانه را ویران کرده وبرج را از بالا تا پائین شکافته و قسمتی ازآن را فروریختهاست.» [۴۷۸]

اولیاچلبی Ewliya Tchelebi که از سال ۱۰۲۰ تا ۱۰۹۰ هجری میزیسته با دیدن آن برج گالاته Galatae را بخاطر آورده. در جهاننما نیز بآن اشاره شده است [۴۷۹].

پسکل کوست Pascal Coste در سال ۱۸۴۱ـ ۱۸۴۰ بنای مزبور را معاینه کرده ومینویسد:

«این بنا که امروز بشکل خرابه عظیمی درآمده جالبترین بنائیاست که قازانخان در بخش شهب درجنوب غربی شهر برای آرامگاه خود ساخته است. ساختمان بشکل کثیرالاضلاع دوازده ضلعی ساخته شده وروی هریك از اضلاعش یکی از علائم منطقهالبروج نقش گردیده. ارتفاع آن از سطح زمین تانوك از داخل بیش از ۱۴۰ متر وارتفاع گنبد تقریباً ۴۵ وپهنای آن ۵۰متر بوده است[۴۸۰].»

بانو دیولافوا Dieulafoy در سال ۱۸۸۱ مینویسد: «امروز دیگر این ساختمان جز توده درهمریختهایکه از هر جهتکاوش شده نیست تنها از بقایای پراکنده آن درروی زمین میتوان بشباهت فوقالعاده تزئین آن بمسجد نرشیوان[1] پیبرد.

«با وجود این طریقه ساختمان موزائیكها باآن تفاوت دارد.کاشیهای آبیفیروزهای بشکل آجر استکه روی آن نقاشی شده بطوریکه میتوان هر قسمت از سطح مینائی را برداشته وآجر ساختمان را نمایان کرد. نقاشی روی این آجرهای مینائی شبیهکارحکاکیست که باهنر وحوصله قابل ستایشی انجام یافتهاست.

«یك روستائیکه در میان خرابهها درجستجوی آجر برای تعمیر خانه خود بودیك ستارهٔ هشتپر بمنداد که نقش مقعری بر آن حك شده بود. اگر از روی قطعاتکاشی منقوشیکه روی خرابههای بنا پراکنده است قضاوتکنیم، چنین استنباط میشودکهدرتزئین اینبنا آجرهای منقوش را باکاشیهای مینائی ترکیبکرده وبا ذوق لطیفی آنراآراستهاند.»

سار F.Sarre درکتاب خود «Denkmäler» دو قطعه رنگی از آجرهایکاشیکه از آرامگاه قازان بدست آورده چاپکرده یکی از آنها آبی فیروزهای ودیگریسیاهاست

* * *

۱ـ شاید مقصود نخجوان باشد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

[۴۸۲]. او مینویسدکه در آنجاکاشی سفید وآبی پررنگی که بالاجورد ساخته شده بکار رفته است.

بابرآنچه گذشت میتوانیم آرامگاه قازان‌خان را بشکل برج دوازده ترکی مجسم کنیم‌که قطر آن نزدیك پنجاه پا وخیلی بلندبوده اما نه ببلندی ۱۴۰ متر واز طرف‌بیرون گنبدی آنرا میپوشانده‌که منظرهٔ عمومی آن نباید تفاوت محسوسی با آنهائیکه در مراغه ونخجوان دیدیم داشته باشد، تزئین بوسیله آجرکاشی مینائی ومنقوش وکاشیهای برجسته و نقوش ستاره‌ای وصلیبی از پیش از دورهٔ مغول از متعلقات معماری ایران بوده. اما از آن زمان هنوز غیر ازکاشی‌ابی فیروزه‌ای سراغ نداریم. در زمان سلطنت قازان خان است‌که کاشی رنگارنگ بوجود آمده وکاشیهائی برنگهای لاجوردی وسیاه وسفید به‌آبی فیروزه‌ای افزوده شده.

با وجود این‌من در زوزن، در مشرق ایران روی دیوار یکی از دو ایوان مسجد ملك زوزن (شکل ۲۱۹) یك بدنه تزئینی‌گرانمایه از آجرکاشی بطول سیزده وارتفاع پنج متر دیدم‌که بتاریخ ۶۱۶ هجری بوده ودر آن‌کاشی فیروزه‌ای ولاجوردی با هم بکار رفته‌اند. دراین بدنه درون‌گردهٔ مرکزی حروف‌کتیبه بزرگ وهمچنین تزئینات ریزآن و یکی درمیان آجرهای چهار نوار افقی برنگ‌لاجوردی هستند ونقوشی‌که گرده‌های دیگر را پرکرده‌اند وتزئینات مابین آنها وآجرهای دیگر نوارها برنگ فیروزه‌ای هستند.

در مقابل آرامگاه سلطان اولجاتیو خدابنده‌که هنوز خرابه‌آن درسلطانیه باقی‌است (عکس۱۳۶)دیگرکسی بفکر ابنیه پیشین آذربایجان نمیافتد بلکه بی‌اختیار فکر بیننده متوجه ابنیه شرق مانند مقبرهٔ سلطان‌سنجر [۴۸۴] وبنای گنبددار سنگ‌بست [۴۸۵] و مخصوصاً گنبد هارونیه در طوس میشود [۴۸۶]. پیدا است‌که معمار مقبره قازان خان سعی کرده است برجی بسازدکه از حیث ارتفاع از مقبره سنجر بگذرد وسازندهٔ آرامگاه اولجایتو هم وادار شدکه گنبدی روی ساختمان خود بسازد بزرگتر ازگنبد سلطان‌سنجر. اینست‌که این دوبنا همچنان‌که از حیث زمان بهم نزدیکند، از لحاظ شباهت منظری‌هم‌که بایکدیگر دارند باهم قرابت ورقابت دارند یکی میخواهد با عواملی‌که معماری قدیمی آذربایجانی در آن بکار برده بردیگری برتری جوید ودیگری بنظر بی‌مهری بآن‌معماری نگریسته میخواهد شرق را باسلاح خودش مغلوب‌کند

اینك برمیگردیم ببك مرحله مهم از تاریخ هنر ایران یعنی موقعی‌که بزرگترین گنبد در این‌کشور بآسمان برخاست وبرای مدتی پیروزی هنر ساختمانی را بر هنر تزئینی تأمین نمود. البته این پیروزی موقتی وبرای مدت محدودی است. «... زیرا هنردرایران مانند همه‌جا از بیم راکد ماندن در تکرار مکررات ویکنواختی وبالاخره درخواب‌مرگ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فرورفتن نمیتواند از نوسان از یك قطب بقطب دیگر مولد نیروی خود یعنی ساختمان و تزئین باز بایستد، چه، حرکت متناوب برای آن یك ضرورت حیاتی است [۴۸۷]. کمی بعداز این خواهیم دیدکه در دورهٔ صفویه این حرکت بطور وارونه بوجود آمد.

ساختمان سلطانیه مقبره پادشاه مغول اولجاتیو خدابنده است که قبلا خودش تغییر وضعی بآن داده وقصدش این بوده که جسد حضرت امیرالمؤمنین علی وامام حسین را (شکل ۲۴۰ وعکس ۱۳۶) بآنجا منتقل کند ساختمان سلطانیه سابقاً متعلقات وتأسیسات گوناگونی داشته که در زمین چهارگوش محصوری واقع‌شده بودندکه طول دیوار دور آن ۲۰۰۰ پا بوده وبوسیله برج وبا روی مجلل ومزین بکاشی‌کاری تحکیم شده بوده.

ظاهراً اولجاتیو ساختمان آنرا در آغاز سلطنت خود یعنی درسال ۷۰۳ هجری شروع کرده بود. هنگامیکه بمذهب شیعه درآمد وبفکر انتقال جسد دوامام بسلطانیه افتاد وتصمیم گرفت آرامگاه خود را وقف مدفن آنها نماید تغییرات لازم ومناسب اینکار را در ابنیه‌ایکه در دست ساختمان بود شروع کرد. بنابراین درسمت‌مغرب وجنوب آن‌زیارتگاه وحرم ومحرابی ساخت وشبستان زیرگنبد بصورت مسجدی درآمد وجبهه خارجی آنراکه مقابل قبله است، برای اینکه جنبه مذهبی بآن دهد تزئین بیشتری کرد.

وقتی مردم نجف و کربلا از تسلیم جسد امامین که برای آنها استفاده فراوان داشت خودداری کردند، ساختمان سلطانیه دوباره بمصرف اولیه خود یعنی آرامگاه اولجایتو اختصاص یافت وبعد از آن مسافرین وسیاحان زیادی از آن دیدن کردند وشهرت آن بیش از آن است که احتیاج به‌تشریح مجدد باشد [۴۸۸]. باوجود این باید متذکر شوم که در تزئینات آن غیر از عواملی که‌قبلا بکار میرفته یعنی‌کاشیهای مینائی ومنقوش وآجرهای‌بریده وتراشیده وموزائیك‌های‌کاشی وشبه‌موزائیك‌هائیکه در تبریز معمول است چیز دیگری دیده نمیشود. اما رنگهائیکه در سلطانیه بکار رفته از حیث فراوانی وغلظت تا آنوقت بی‌سابقه بوده است. در رنگ‌آمیزیها دیگر سایه ونقطه‌چینی ونقوش ریز وظریف بکار نرفته وبجای آن ترکیبهای محکم توده‌های رنگی دیده‌میشود. چه در تزئین وچه در پیکرهٔ معماری ساختمان خشونت وشدت جای لطف وظرافت راگرفته است.

از بیرون، گنبد یکپارچه ازکاشی فیروزه‌ای پوشیده شده ودر قاعدهٔ گنبد یك نوار پهن مزین بخطوط کوفی مربع تماس رنگ روشن فیروزه‌ایرا باآبی پر رنگ لاجوردی گیلوئی بزرگ مقرنس ملایم میکند. گلدسته‌ها وجبهه ایوان با آمیزش متناوب رنگهای لاجوردی، فیروزه‌ای وسفیدکه در فواصل معین رنگ آجر هم بین آنهاخود را نشان‌میدهد تزئین شده‌اند. طاقهای ایوان با نقوش نفیسی برنگ عمومی قرمز تیره هستند وبا ساختمان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اصلی تناسب ندارند تزئین شده اند

در قسمت پائین بدنه ایوان فقط آجر طبیعی پیدا است، باوجود این بدلیلی که گفته شد جبهه جنوبی باکاشی مینائی تزئین شده. اماجبهه شرقی یعنی مدخل بنا، ممکن است آنجا حلوخانی بود ولی اکنون جز آثار تزئین مستطیلی از گچ که شاید معاصر تعمیرات دورهٔ صفوی باشد چیزی از آن باقی نیست.

مجموع بنائیکه باین ترتیب آرایش یافته تأثیر عجیب یك ساختمان هوائی را بانسان میدهد. در بعضی از روزها، گنبد درخشان سلطانیه، بر روی پایه خاکی رنگ ومناره های درخشان چنین مینماید که در آسمان بال گشوده است. این اثر مطبوع ودلانگیر مولود هنری است که باظرافت خاص رنگ لاجوردی گیلوئی را با رنگ طبیعی آجر انس داده و بامهارت در بکاربردن مواد مصروفه از ابتذال توده آبی یکنواخت گنبد که با آبی کمرنگ آسمانی مخلوط شده جلوگیری کرده وبیننده را به تمجید ذوق زینتگر معمار وهنر سازنده وامیدارد.

تزئینات کاشی کاری داخلی ساختمان نفیس تر است. بامشاهده آنچه از آن باقیمانده چنین استنباط میشود که تمام سطح بدنه تالار و گنبد کاشی کاری بوده. نوارهای متعددی از کتیبه ها، حاشیه های درهم پیچیده، گلهاوستاره هائی از کاشیهای منقوش تمام سطح داخلی را میپوشانده است.

متاسفانه این بنای باشکوه وزیبادرزمان صفویه، احتمالادرسلطنت شاه اسمعیل و شاه طهماسب اول [۴۹۱] دستکاری ومرمت شده وداخل بنارا باگچ سفید کرده وتمام آیات قرآن را بردیوارها حکاکی ونقاشی کرده اند. این پوشش تاسف آورامروزبصورت وصله های کثیف وبحقری درآمده که ازخلال شکافهای آن بعضی از قطعات تزئینات اولیه دیده میشود. احتمال میرود بتوان قسمت اعظم تزئینات قدیمی وکتیبه هائیرا که ممکن است بسیاری از نقاط تاریك تاریخ ساختمان وبانی آن و هنر ایران را دردورهٔ مغول روشن نماید و از زیر گچ کاریهای صفوی بدست آورد.

اینك ما بآنجا رسیده ایم که رنگ، کم وبیش دورهٔ آزمایشی خود را گذرانده و بهدف نهائی یا بعبارت بهتر بهدف اسلامی خود: یعنی پوشاندن معماری بلباس وعلائم اسلامی نزدیك میشود. در طی سه قرن یعنی تازمان شاه عباس اول، کاشی کاری بقدری توسعه یافت که ابنیه مذهبی یعنی مساجد، مدارس، خانقاه ومقابروغیره چه ازداخل وچه از خارج باکاشی کاری آرایش یافت. خواهیم دید که هنرمعماری چگونه مشخص ترین روح تزئینی نژاد سامی و قصائد پیش ازاسلام عرب راکه شرحش پیش ازاین گذشت تجسم میدهد.

ازآغازسال ۱۳۱۳ میلادی درزمان حیات سلطان اولجایتوخدابنده ایوان بزرگ مدخل

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و ایوان حیاط آرامگاه شیخ بایزید بسطامی دربسطام باکاشی فیروزه ای نظیر آرامگاه سلطانیه تزئین گردید بااین تفاوت که تزئینات سلطانیه عبارت ازکاشیهای بریده ایست که ترکیبشان مانند موزائیك نقش را بوجودآورده درصورتیکه درآرامگاه شیخ بسطامی نقش کلی را روی عده ای آجرهای مربع یامستطیل نسبتاً بزرگ قبلابطوربرجسته نقش وقالب گیری کرده وبعدلعاب داده اند .

مسجد نطنز[۴۹۲] خصوصیات بیشتری دارد. این مسجد ازچندین قسمت ودر تاریخهای مختلف تشکیل شده(شکل ۲۴۱)وشروع ،ساختمانش ازدورهٔ سلجوقی است. ابتدا چهارطاقی هشت ضلعی مطابق دستور کارمعمولی مساجد چارطاق بوده که بردیوار جنوبی حیاطی تکیه داشته است. دردورهٔ مغول ، بنابرکتیبهٔ بالای درب ورودی که تاریخش ۷۰۴ هجری است تبدیل بمسجد صلیبی شکلی گردید یعنی حیاط مرکزی وچهار ایوان . تاریخ ایوان شمالی ۷۰۹ هجری است که بدون شك تاریخ پایان ساختمان بوده است . دراین مدت درسال ۷۰۷ هجری مقبره مجتهد معروف محل شیخ عبدالصمد را ضمیمه مسجد کردند. تمام ساختمانهای مزبور که آجری وباگچ سفید شده و بعضی نقاط آن ازآنجمله گنبد مقبرهٔ شیخ ،مقرنس کاری شده وباکتیبه های گچی گلداروظریفی تزئین شده .درسردربزرگی که تنها باقیمانده خانقاهی است که درمجاورت مسجد ساخته شده بود وتاریخ آن ۷۱۶ یا ۷۱۷ هجری است ، هنوز تزئینات فراوانی ازکاشی آبی نظیر آنچه درسلطانیه است دیده میشود (عکس ۱۳۷) . نوار دورسردربانوشته ای بخط نسخ برنگ فیروزه ای درزمینه آجرمتعارفی تزئین شده است.

پانزده سال بعد از اتمام آرامگاه سلطان الجایتوخدابنده[۲]، درسال ۷۲۵ هجری در

* * *

۱ــ سابقاً مقبرهٔ شیخ عبدالصمد محراب بزرگی ازآجرکاشی داشته که یکی ازافتخارات خاندان ابوطاهر کاشانی بود و بانودیولافوا و سرهنگ P.M.Sykes در اواخر قرن گذشته آنرا که آنوقت هنوزبرجابوده دیده اند وپس ازآن ازمیان رفته است .

۲ــ درسال ۷۱۰ هجری سلطان بمناسبت پایان ساختمان آرامگاه خود مجلس جشنی برپا کرده شیخ صفی الدین اردبیلی جداولین پادشاه صفوی و شیخ علاءالدوله سمنانی را نیز بسفره خود دعوت کردواین واقعه موضوع داستان شیرین وتعارف آمیزی شد که نقل کرده اند «درسرسفره، اولجایتو شیخ صفی الدین اردبیلی راطرف راست خود وشیخ علاء الدوله سمنانی را طرف چپ نشاند . یکی ازدوشیخ مطابق معمول صرف غذا کرد ولی دیگری بهیچیك ازاغذیه دست نزد. وقتی سفره برچیده شد، اولجایتوروبآنها کرده گفت ، « درعلـومرتبه، زهد و پرهیزکاری هردوشیخ جلیل تردیدی نیست. اماچگونه است که یکی ازتمام اغذیه سفره صرف کرد ودیگری بهیچیك ازآنها دست نبرد » شیخ صفی الدین جواب داد، «حضرت شیخ علاءالدوله اقیانوس است که بهیچ چیز آلوده نمیشود.» وعلاء الدوله ، «حضرت شیخ صفی الدین شهبازی است که برفرازهمه چیز بال میگشاید. » ایلخان که ازجواب وتعارف متقابل دومرد خدا خیلی خوشش آمده بود آنهارامورد ستایش وملاطفت قرارداد.»

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ساختمان زیبای امامزاده جعفر اصفهان، با بکار بردن فقط دو نوع آبی لاجوردی و کبالت در زمینه سفید خالص شاهکاری بوجود آوردند . معماری آن نظیر ساختمانهای مراغه است یعنی برج بلندی شامل فقط یك اطاق. تزئین رنگی آن موزائیکی از کاشی است . در اینجا بطور خلاصه جریان این نوع کار تشریح میشود.

ابتدا روی یك یا چند برگ کاغذ نقش ترکیبی را که باید با کاشی روی کار بیاید بمقیاس حقیقی با احتساب بند و فواصل قطعات کاشی رسم میکنند. بعد تمام خطوط نقش روی کاغذ را با سوزن سوراخ کرده سپس آنرا روی سطحی از گچ که برای اینکار روی زمین آماده شده پهن کرده روی آنرا با گرد قرمز یا سیاهی میپوشانند . گرد رنگین از سوراخهای کاغذ بروی سطح گچی نشسته و باین ترتیب نقش منظور از روی کاغذ بروی سطح گچی نقل میشود آنوقت آنرا روی گچ دوباره نقاشی میکنند . سپس این نقش اصلی را بتعداد قطعات کوچکی که موزائیك نشان میدهد میبرند . اینکار تا اینجا شبیه پنجره های رنگین قرون و سطی در فرانسه است . آنوقت کاشی سازهریك از قطعات کاغذ را روی کاشی همرنگ خود چسبانده بوسیلهٔ تیشه و سوهان آنها را مطابق برش کاغذ تراشیده وروی سطح گچی بجای خود قرار میدهد . وقتی اینکار بپایان رسید یعنی تمام نقش روی گچ از قطعات کاشی پوشیده شد ملاط چسبنده ایکه باید تمام قطعات کاشی را بهم بچسباند روی آنها جاری میکنند. وقتی خشك شد آنرا بجای خود روی دیواری که باید با آن تزئین شود نقل میکنند و آنرا چنان قرار میدهند که کمی با دیوار فاصله داشته باشد تا دست آخر با ملاط چسبنده ایکه باید آنرا بدیوار وصل و محکم کند پر کنند .

بدیهی است وقتی مجموع یك ترکیب از قطعات متشابهی تشکیل شده باشد هریك از آنها میتوانند جداگانه و مستقل از یکدیگر ساخته شوند . درمورد قطعات خیلی بزرگ یا وقتی دریك ترکیب قطعات متشابهی وجود نداشته باشد سازنده میتواند بتشخیص خود نقش اصلی را بچند جزء که شکل و ابعاد آنرا خودش تعین میکند تقسیم نماید . و بطوریکه ملاحظه میشود این کار مستلزم حوصله و دقت فراوانی است که سازنده ایرانی در آن ممتاز است.

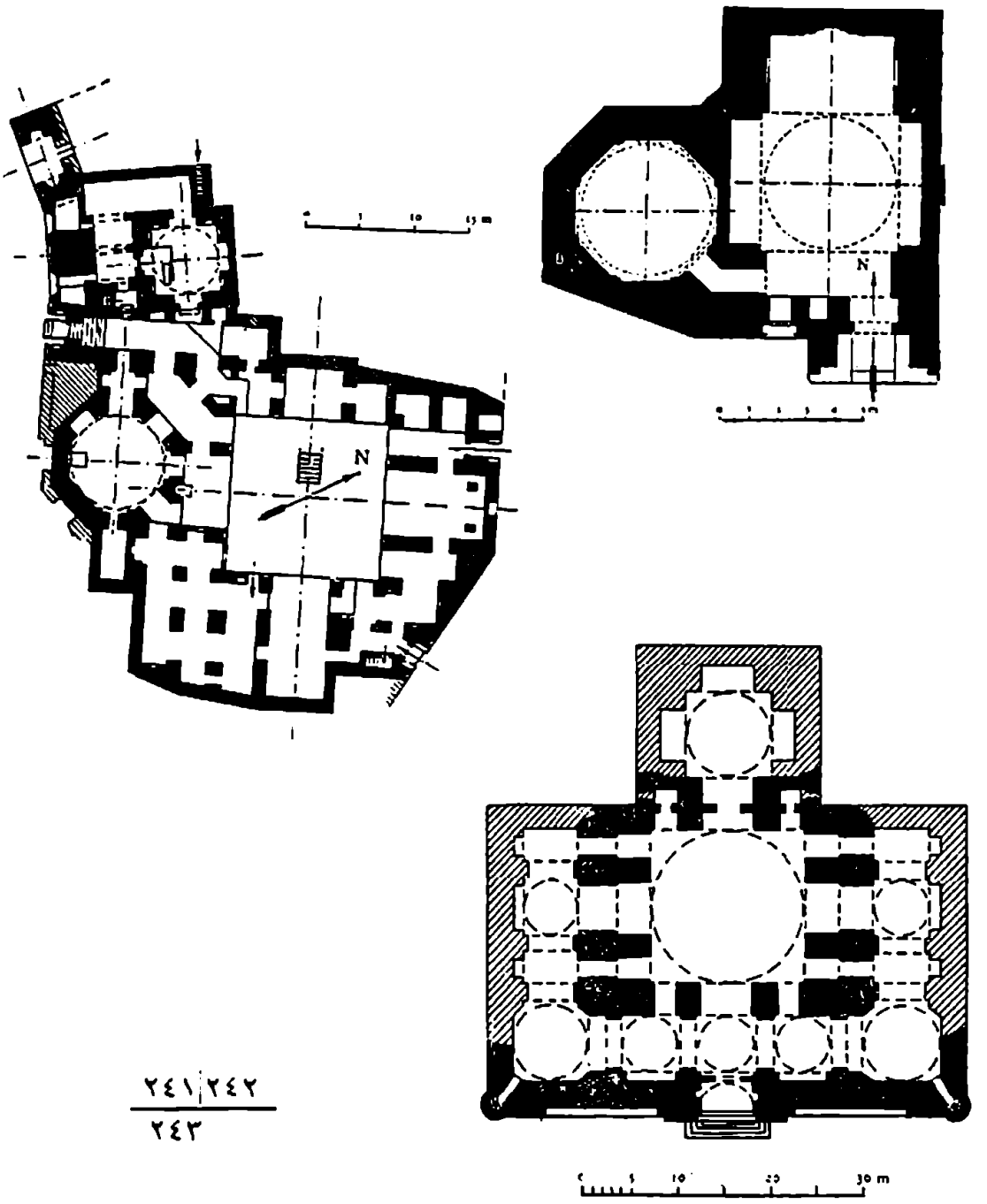
این شیوهٔ تزئین که در دورهٔ سلجوقی تقریبا ناشناخته بود، همینکه در سال ۷۲۵ هجری در امامزاده جعفر اصفهان بکار رفت (عکس ۱۴۲) بسرعت تا زمان سلطنت شاه عباس اول رو بتوسعه و تکمیل نهاد . اما این پادشاه و سازندهٔ بزرگ که این روش کار بنظرش خیلی کند و بسیار پرخرج آمد آنرا در موارد زیادی تبدیل بآجرهای کاشی مربع منقوش نمود (عکس ۱۵۸) وما بعد از این دربارهٔ آن صحبت خواهیم کرد.

دو بنای عالی دیگر در اصفهان، یکی مدرسهٔ امامی و دیگری امامزاده کاظم (شکل ۲۴۲) که در نزدیکی یکدیگر واقع شده اند توسط شخصی بنام ابوالحسن طالوت دامغانی با فتخار

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



۲۴۱/۲۴۲
۲۴۳

۲۴۱ ـ نقشهٔ مسجد جمعهٔ نطنز
۲۴۲ ـ وضع قدیم آرامگاه بابا کاظم اصفهان
۲۴۳ ـ نقشهٔ مسجد کبود تبریز

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مجتهد زمان خود محمد باباکاظم اصفهانی ساخته شده. اولی درزمان حیات عالم روحانی مزبوربین سالهای ۷۲۰ تا ۷۴۰ هجری (۱۳۲۰ـ ۱۳۴۰میلادی) ودومی درسال ۷۴۱ پس ازمرگ اوساخته شده است. درتزئین این مدرسه غیرازدورنگ لاجوردی وفیروزه ای‌وسفید بکارنرفته . امادرتزئین مقبره‌که بعد ازمدرسه ساخته شده اندکی هم رنگ زرد اخرائی بآن افزوده شده. گرچه تاریخ ساختمان مدرسه ، پیش ازمقبره صورت گرفته ولی تزئینات آن درزمان سلطنت شاه محمود ازسلسله‌آن مظفربین سالهای ۷۵۸تا ۷۷۵هجری وهمزمان باساختمان مدرسه مجاورمسجد جمعه [۴۹۵] اصفهان بپایان‌رسیده است.

بنای«درب‌امام» اصفهان‌که اکنون شرح میدهم، باکاشی‌کاری برجسته ولطف‌تزئینات گل وبته اش بیشتر ازهنردورهٔ صفوی پیروی‌کرده تازمان‌آل مظفر. این ساختمان‌که روی قبرداما مزاده ، ابراهیم بطحی وزین العابدین ساخته شده در سال ۸۵۷ هجری(۱۴۵۳ میلادی) درزمان سلطنت جهانشاه قراقویونلوبپایان رسیده است .

ایوان اصلی‌که درب راهروآن به‌بقیه ساختمان ، دردورهٔ صفویه مسدود شده درواقع یکی ازشاهکارهای معماری رنگی ایران است . تناسبات‌آن بقدری دقیق و نقش تزئین و زیبائی توزیع‌رنگها، لطافت وکیفیت‌کاربقدری‌کامل هستندکه انسان ازتماشای هیچیك ازآثار این هنر، غیرازمسجدکبود تبریز که‌آنهم درزمان سلطنت جهانشاه ساخته‌شده، آنقدراحساس لذت نمیکند ودرواقع‌آن یك پارچه جواهراست [۴۹۶].

درب امام که ایوان مزبور درجلوآن واقع شده تازمان تغییر وضع وتبدیل آن بحرم‌آرامگاه، یعنی زمان سلطنت شاه سلیمان تالار واحدی بود . پوشش خارجی گنبدکه تالار اصلی بنا را میپوشاند وپیش ازآن در زمان شاه عباس بزرگ تعمیرشده بود دو باره تعمیر شد .

روی ایوان مزبورکه درزمان شاه سلیمان تعمیرشدگنبدی‌کوچکی هم ساخته شد و اکنون بعضی خطوط‌کتیبه‌آن وتاریخ ۱۰۸۱ هجری‌که زمان سلطنت شاه سلیمان است ونام نویسنده‌کتیبه رضا امامی روی‌آن باقی است .

تقریباً مقارن زمانیکه ساختمان درب امام اصفهان در شرف پایان بود، مسجدکبود معروف وشاهکارهنرتزئین رنگی درتبریزدردست ساختمان بوده است (شکل۲۴۳) .مسجد مزبورکه تاریخ‌آن ۸۷۰ هجری (۱۴۶۵میلادی) است دراثرزلزله هولناکی‌که تمام شهر را ویران‌کرد وچنانکه میگویند۷۰۰۰۰نفررا هلاك‌کرد فروریخت، ازاین مسجدعالیقدر

* * *

۱ـ محمد باباکاظم عالم روحانی درقرن هشتم هجری در اصفهان میزیسته . تاریخ ساختمان آرامگاه اوسال ۷۴۱ هجری است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شرح عکسهای ۱۶۳ تا ۱۷۹

۱۶۳ـ باروی شیراز ـ دوران زند اواسط قرن هجدهم میلادی . درداخل این حصار مقر کریم خان و بناهای حکومتی ومحافظین اوجا گرفته است .

۱۶۴ ـ نقش برجسته رستم از دوران زند . این نقش اکنون درمهمانخانهٔ پست و تلگراف درشیراز محفوظ است .

۱۶۵ـ نقش برجستهٔ مجنون در میان وحوش ازدوران زند . این نقش در پای خانه‌ای در شیرازجا گرفته است .

۱۶۶ـ نقش برجستهٔ فرهاد . جزئی دیگر از مجموعهٔ نقوش برجسته خانهٔ مذکور درعکس ۱۶۵ .

۱۶۷ـ تالارسنگی مسجد وکیل شیراز . قرن هجدهم میلادی . این تالار که مدخل آن ایوان جنوب شرقیست با گنبدهای کوچکی که بوسیله قوسها به پنج ردیف ستونهای مارپیچ دارسنگی تکیه می کنند پوشیده شده است .

۱۶۸ـ مزار فتحعلیشاه در قم . اوایل قرن نوزدهم میلادی . فتحعلیشاه که بخرج خود گنبد حرم حضرت معصومه در قم را با اوراق طلاپوشاند درمجاورت آن حرم در زیر قطعه مرمری مدفونست .

۱۶۹ـ تالار آئینه در کاخ نیاوران . قرن نوزدهم میلادی، دوران ناصرالدین شاه (۱۸۴۸ ۱۸۹۶ میلادی)

۱۷۰ـ جزئی از تزئین مسجدی در جنگل . گیلان ، اوایل قرن بیستم .

۱۷۱ـ بخشی از نقش برجستهٔ فتحعلیشاه درحال شکار . قرن نوزدهم میلادی این نقش در کوهی درنزدیکی ری جای دارد .

۱۷۲ـ عطرسوز مفرغی . گرگان ـ قرن دوازدهم میلادی ، درازا ۳۰ سانتیمتر. موزهٔ ایران باستان .

۱۷۳ـ کاشی بشکل ستارهٔ هشت پر . کاشان . قرن چهاردهم میلادی . درازا ۲۱ سانتیمتر موزهٔ هنرهای تزئینی پاریس . این کاشی ها با قرار گرفتن پیش یکدیگر تشکیل سطوح پیوسته میدادند وبرخی ازآنها هم اکنون دربنا ها بجا مانده وبرخی درموزه هائی مانند «لوور» پاریس بازسازی شده اند .

۱۷۴ـ پوشش مزار از گل پختهٔ لعابدیده . کاشان قرن چهاردهم میلادی . بلندی ۱٫۲۰ متر ، مجموعهٔ خصوصی!

۱۷۵ـ نقاشی دیواری درامامزاده میر بزرگ آمل . قرن نوزدهم میلادی .
باحتمال قوی نمایش سلیمان (سوار براسب) و اجنه که بفرمان اودرآمده اند میباشد .

۱۷۶ ـ بشقاب چینی مزین به نخل ، شوش قرن نهم میلادی . قطر ۲۴٫۵ سانتیمتر موزهٔ ایران باستان .

۱۷۷ـ کاسه بااشعهٔ آبی . گرگان. اوایل قرن سیزدهم میلادی . قطر ۲۱٫۷ و بلندی ۱۰ سانتیمتر موزهٔ ایران باستان .
چینی کاسه ظریف وبسیارسبك وکاملا سالم بدست آمده است واین بخاطر قرار گرفتن درداخل خمره هائی بوده که مردم گرگان از ترس مهاجمین مغول در نزدیکی اماکن مقدسه درخاك کرده بودند .

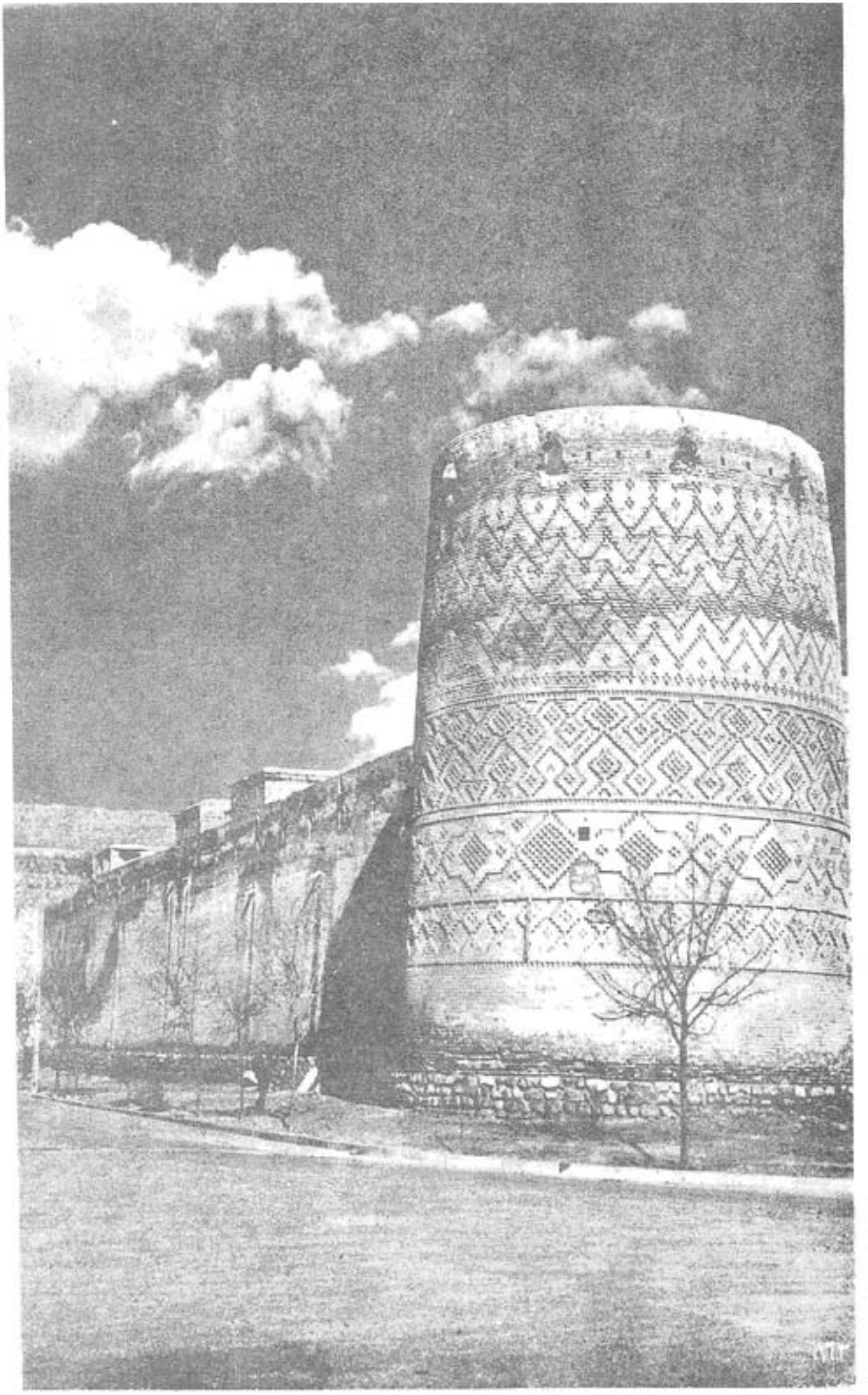
۱۷۸ ـ تنك ، گرگان اوایل قرن سیزدهم . بلندی ۲۷ سانتیمتر موزه ایران باستان.

۱۷۹ـ نشان طلا . قرن هجدهم میلادی ـ قطر ۴۷ میلیمتر . بخش مسکوکات کتابخانه ملی ـ پاریس. این نشان بوسیلهٔ طهماسب میرزا یکی از فرزندان شاه سلطان حسین که خود را وارث تاج ایران قلمداد کرده بود در تبریز زده شده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org







tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

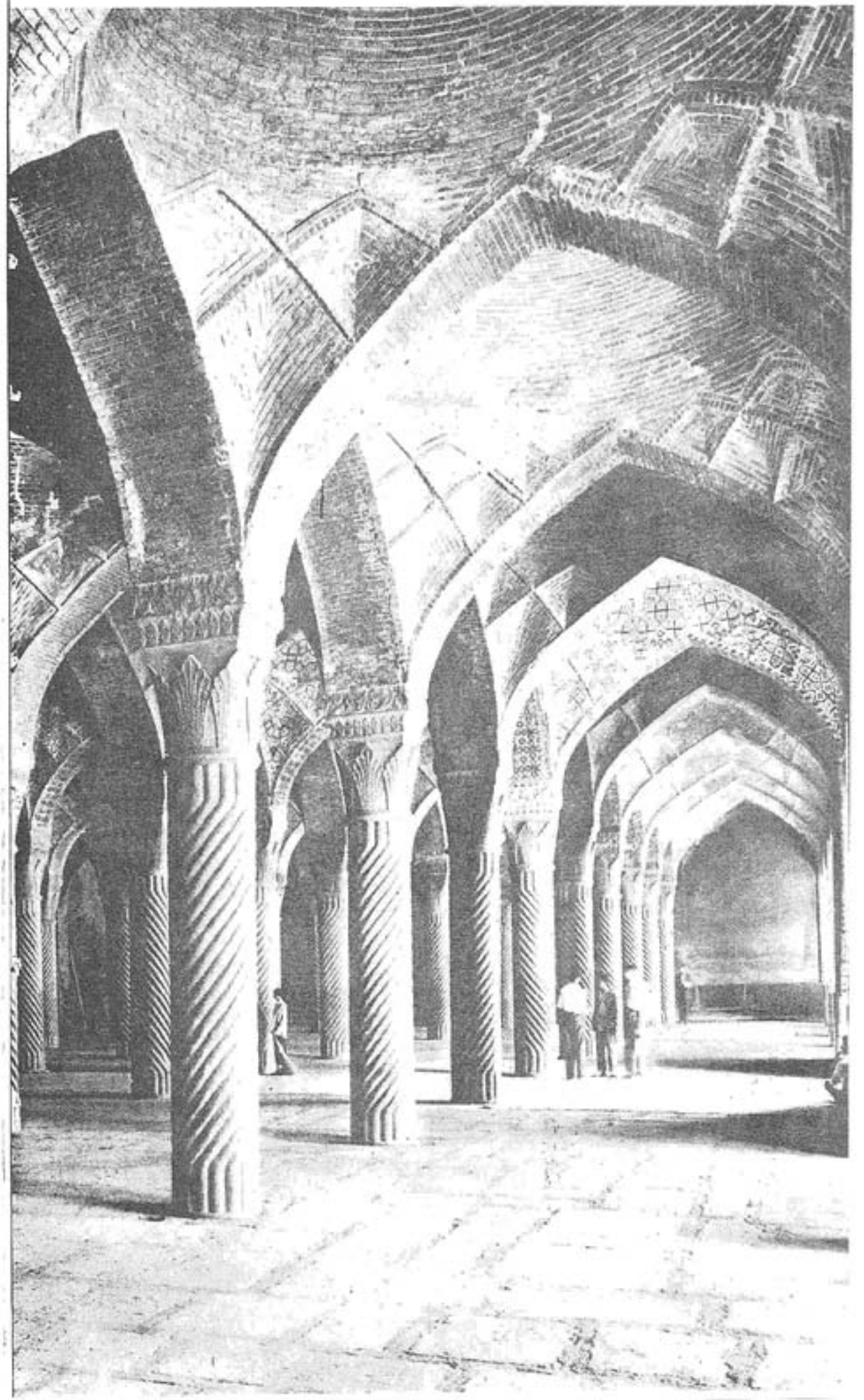
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

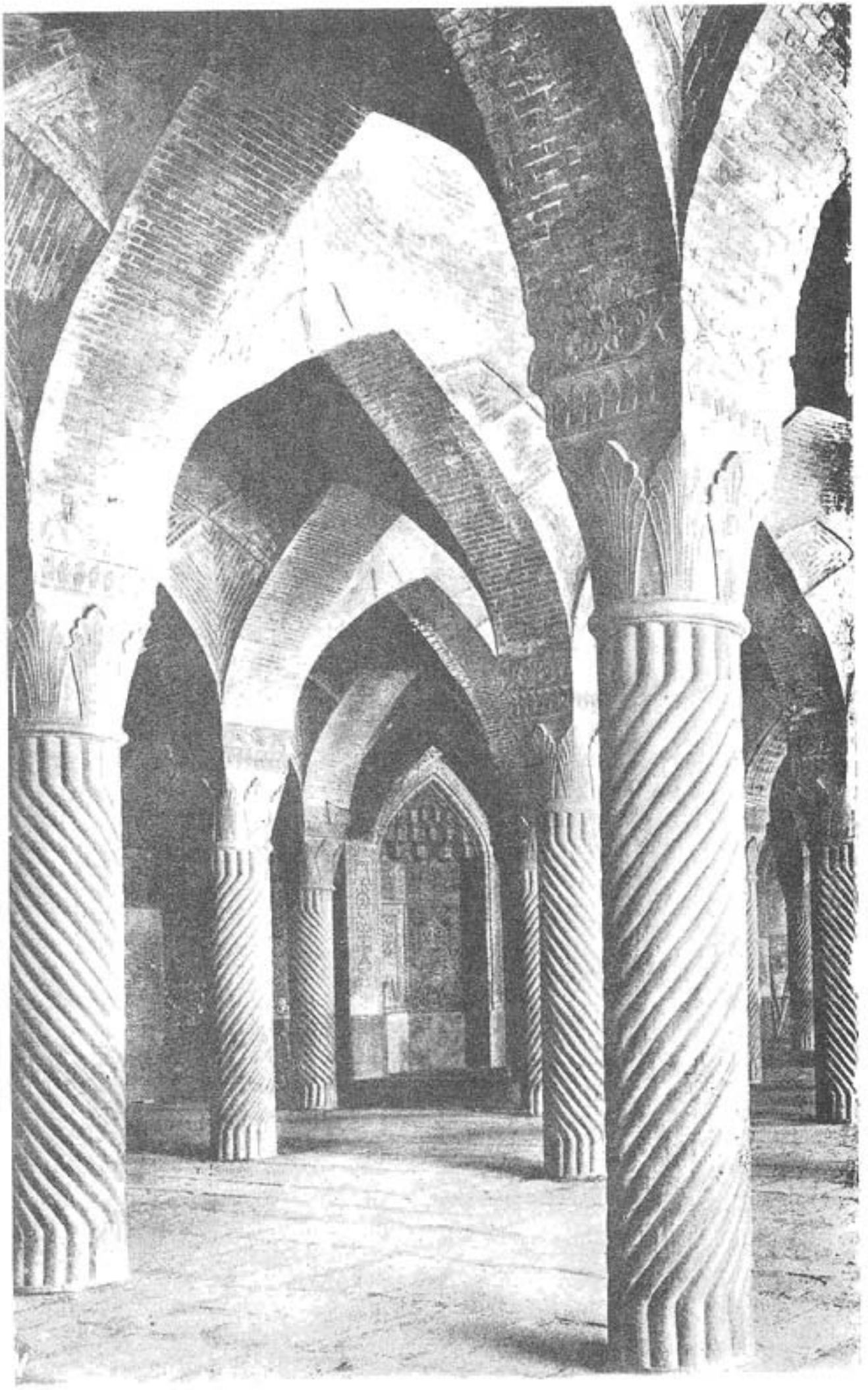
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

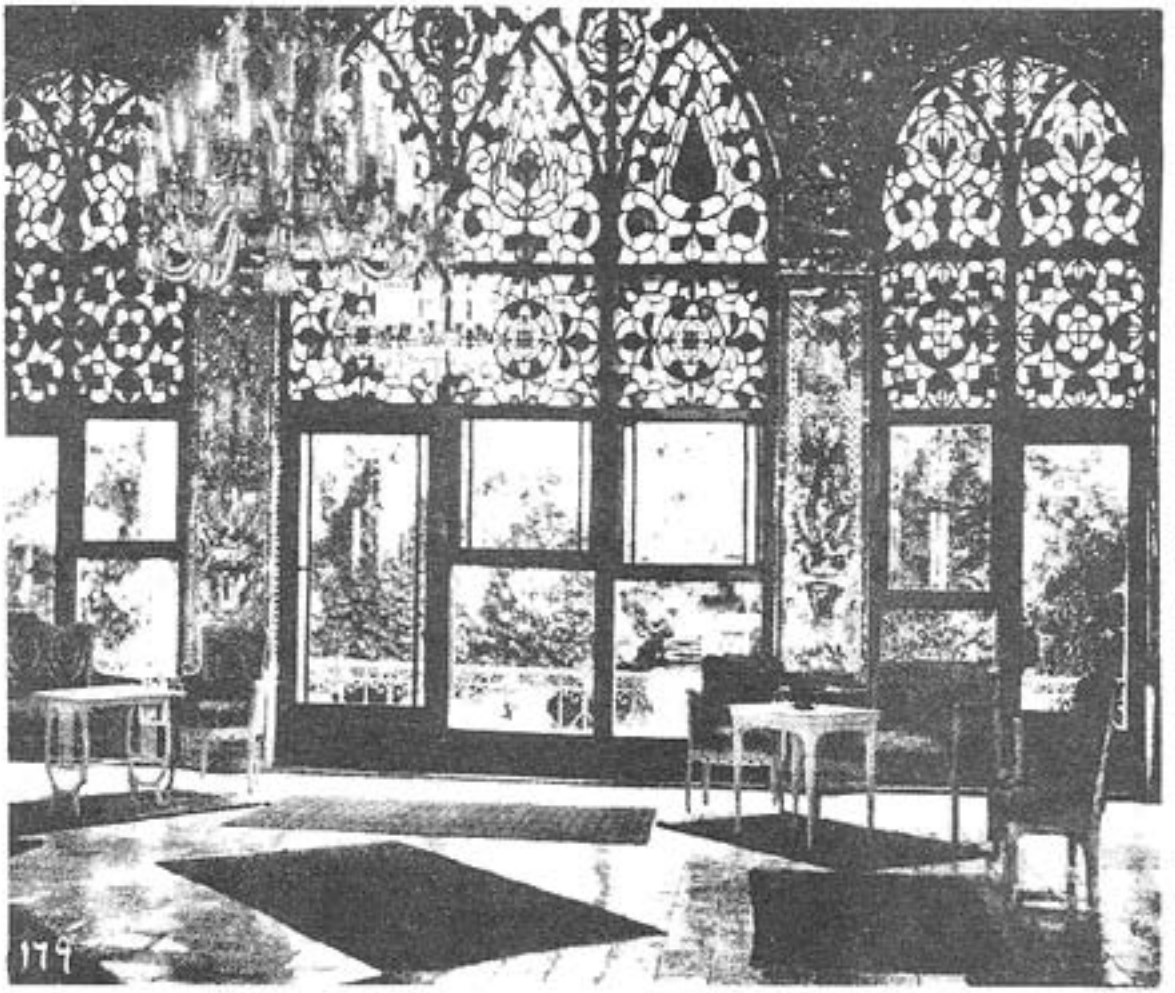
PDF.tarikhema.org

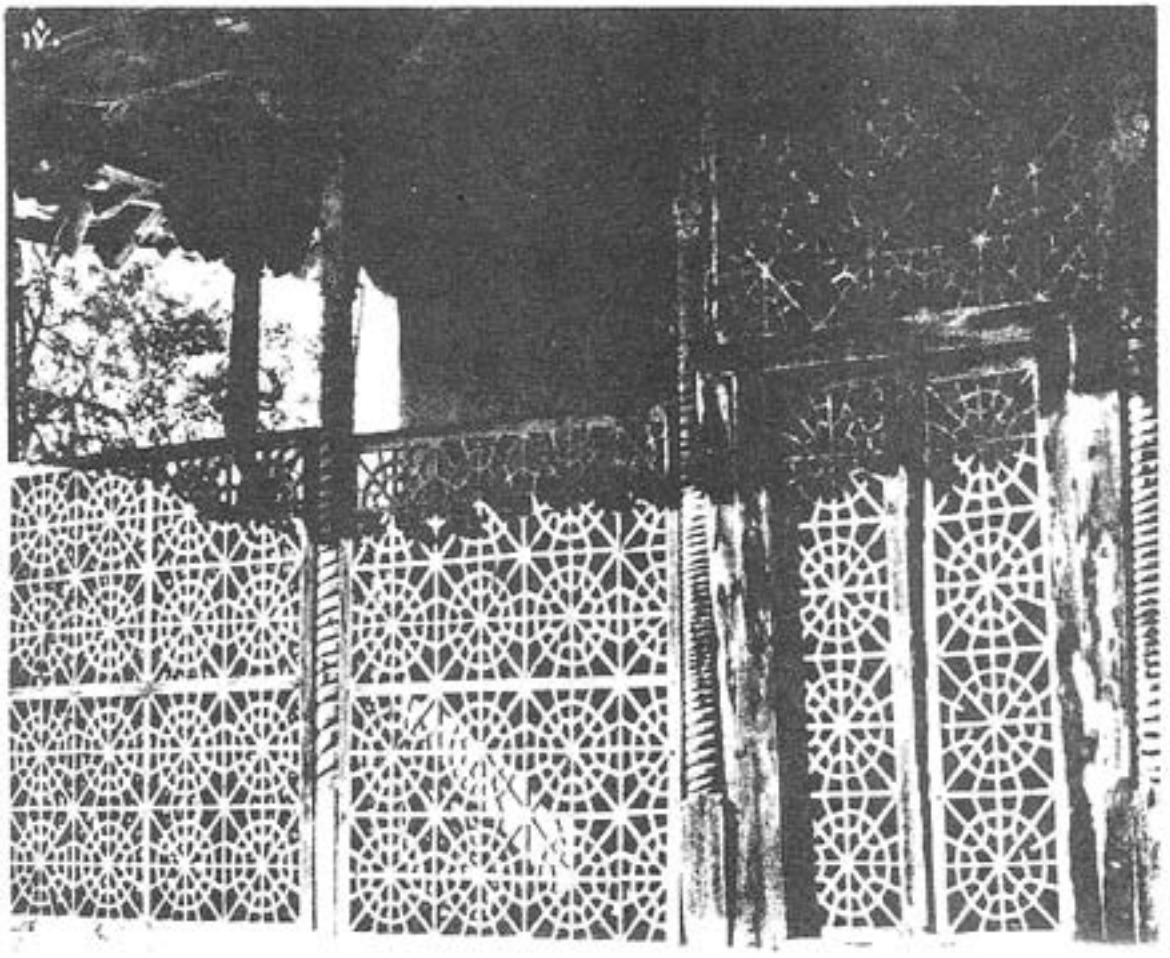


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

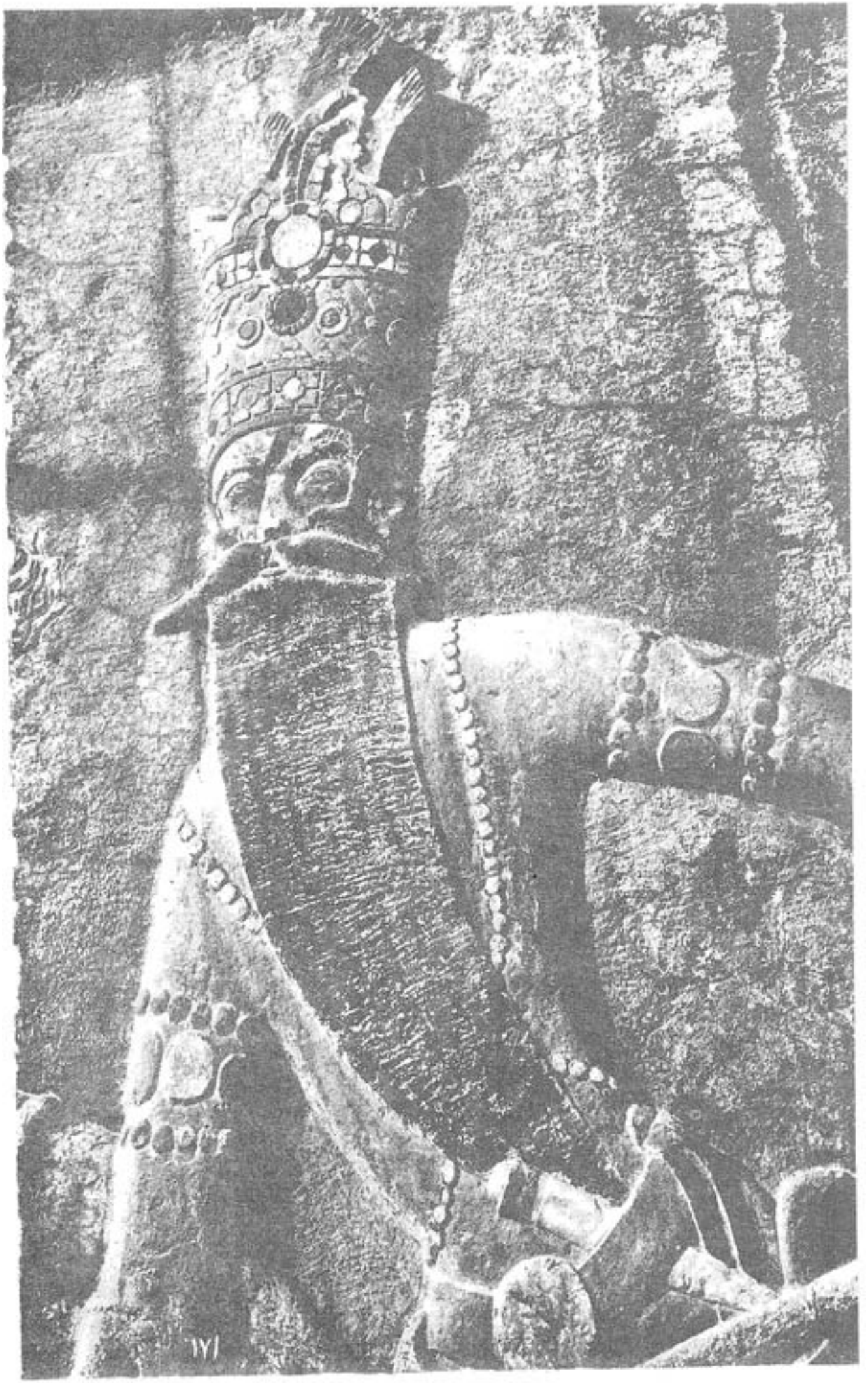




tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

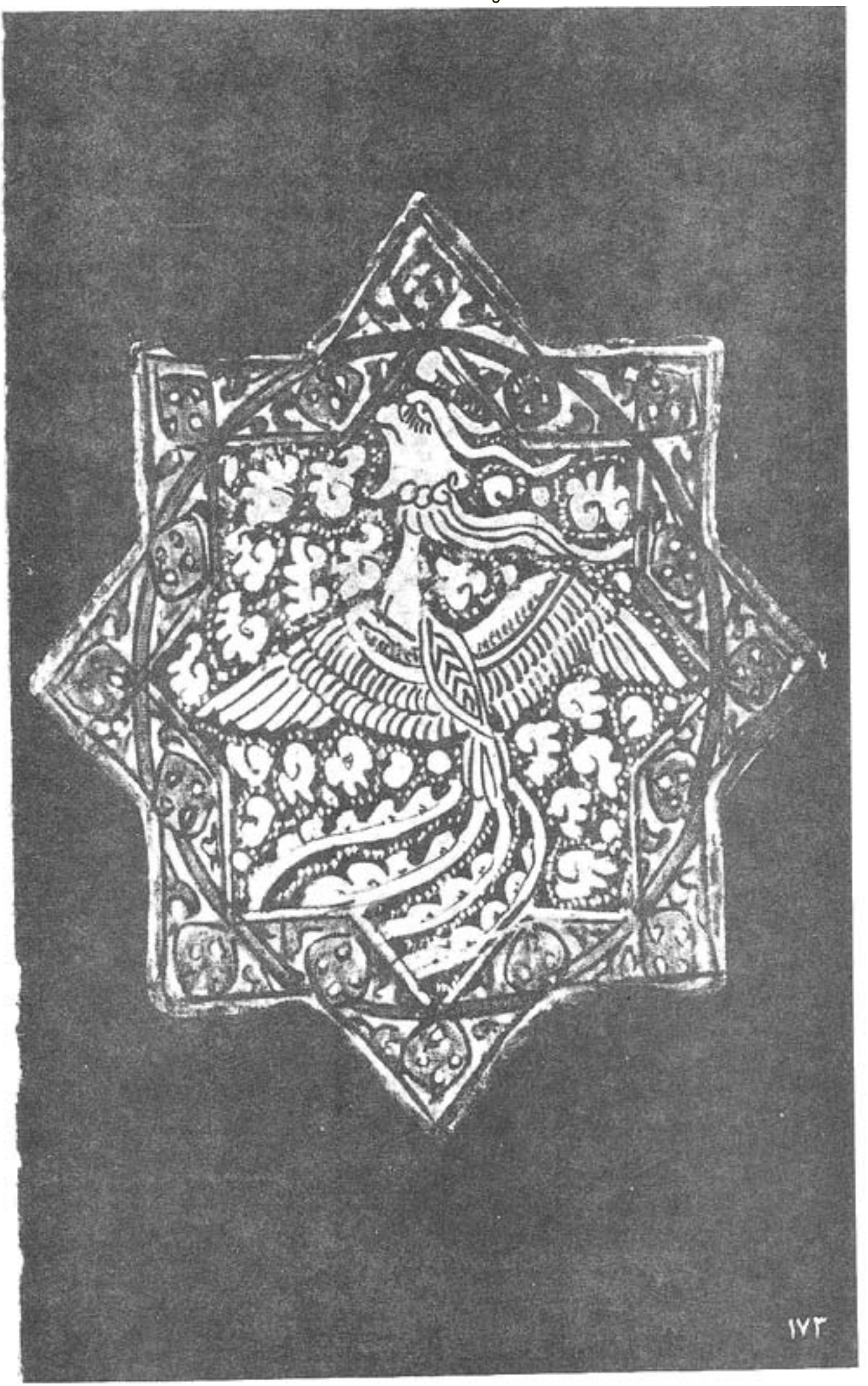
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

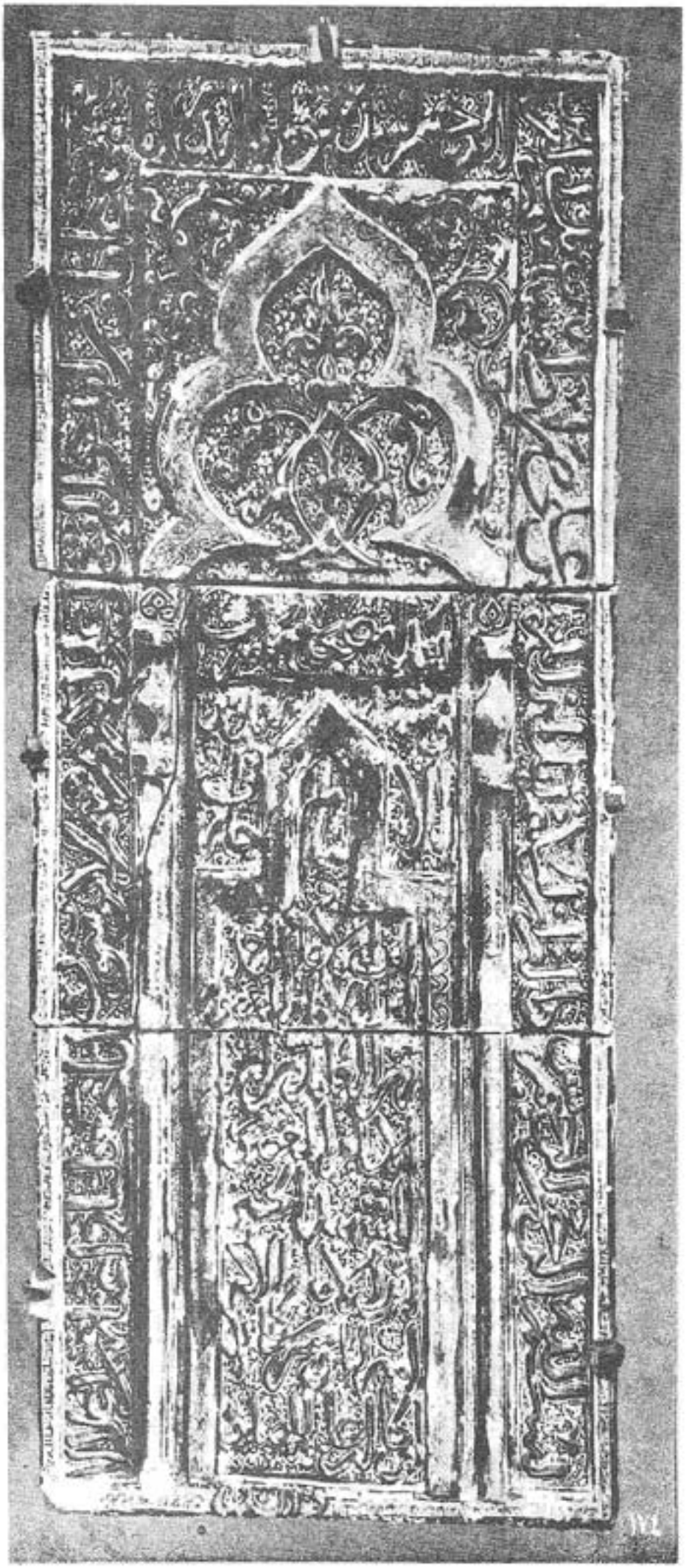


١٧٣

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

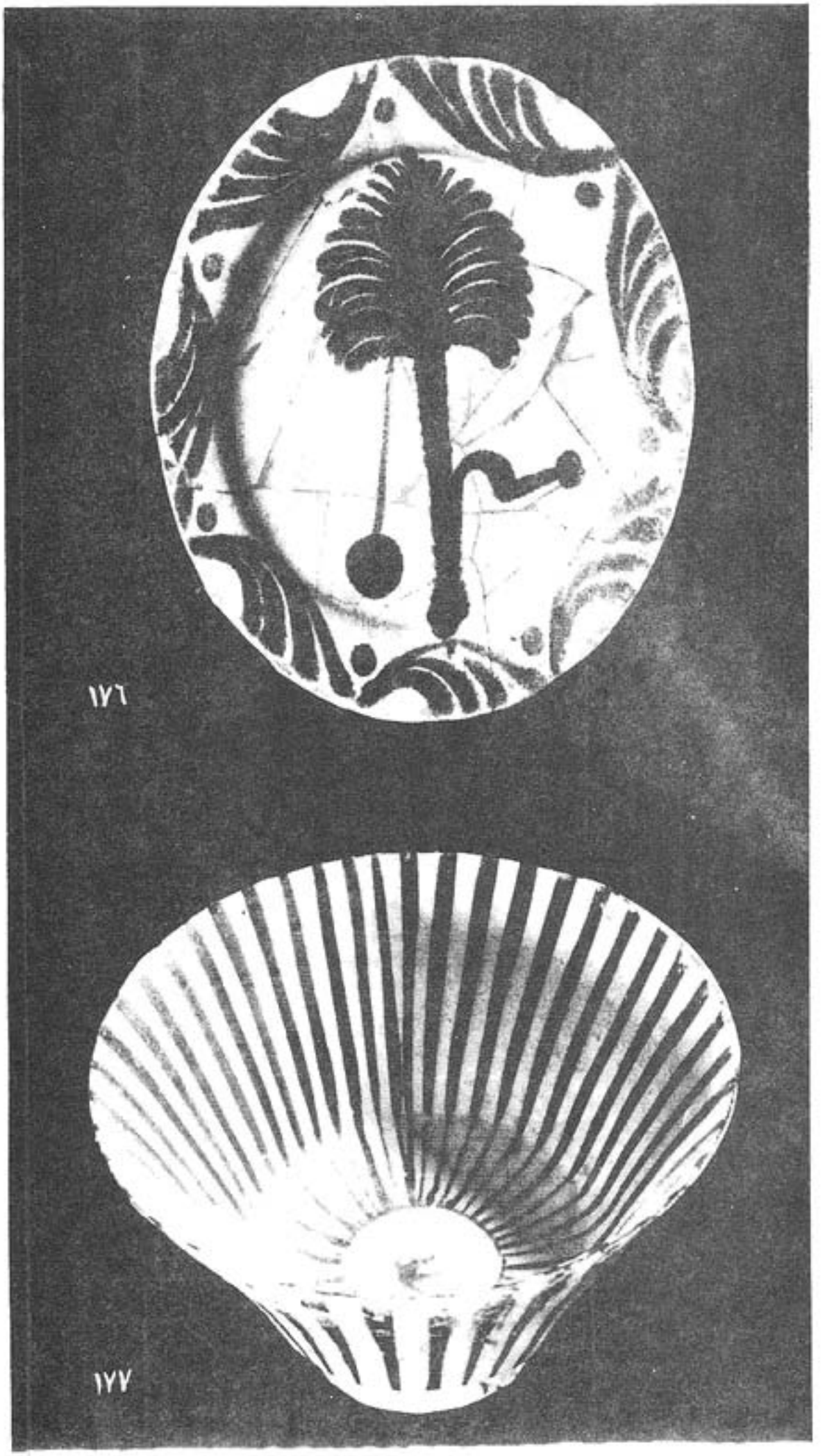
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



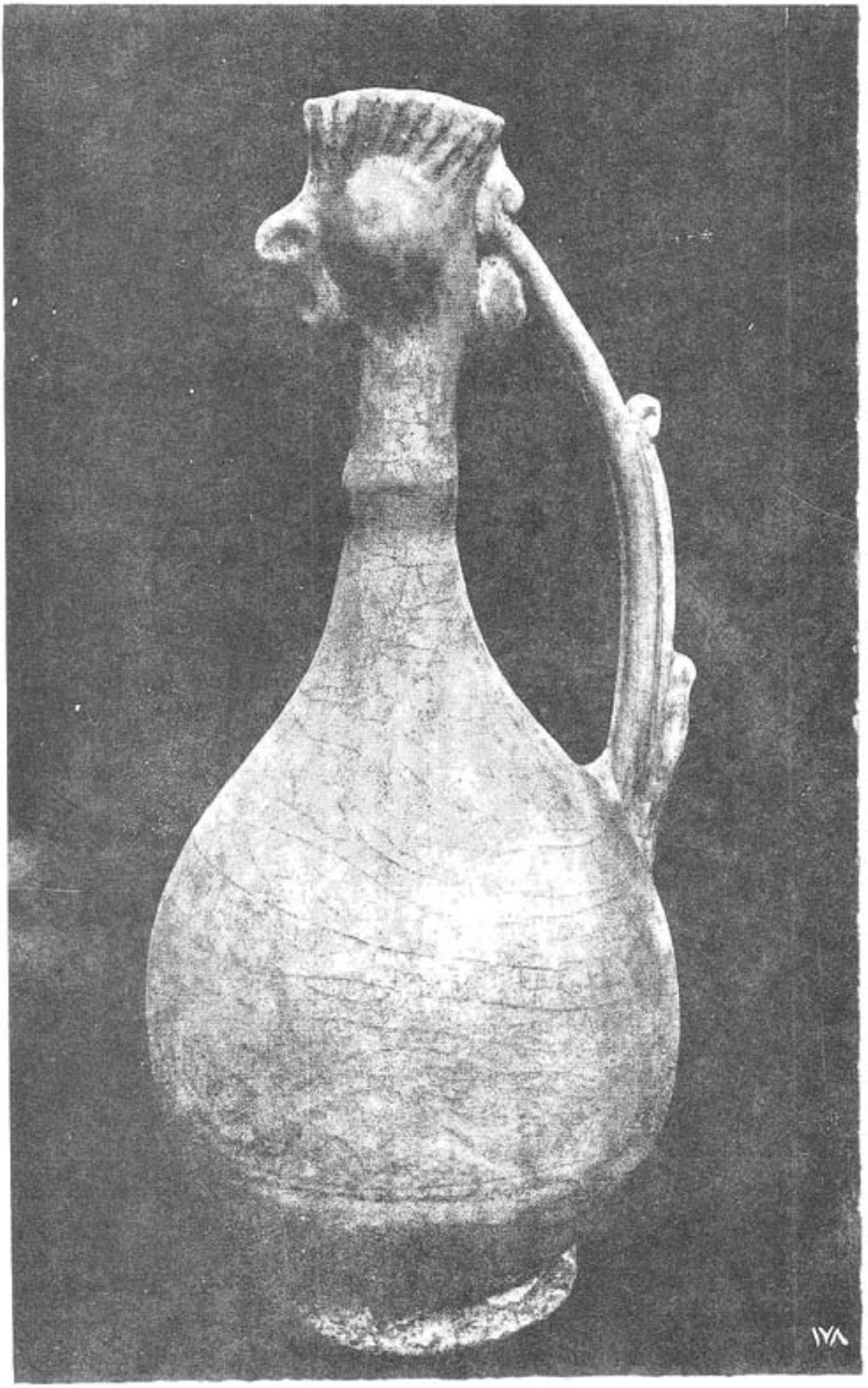
١٧٦

١٧٧

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

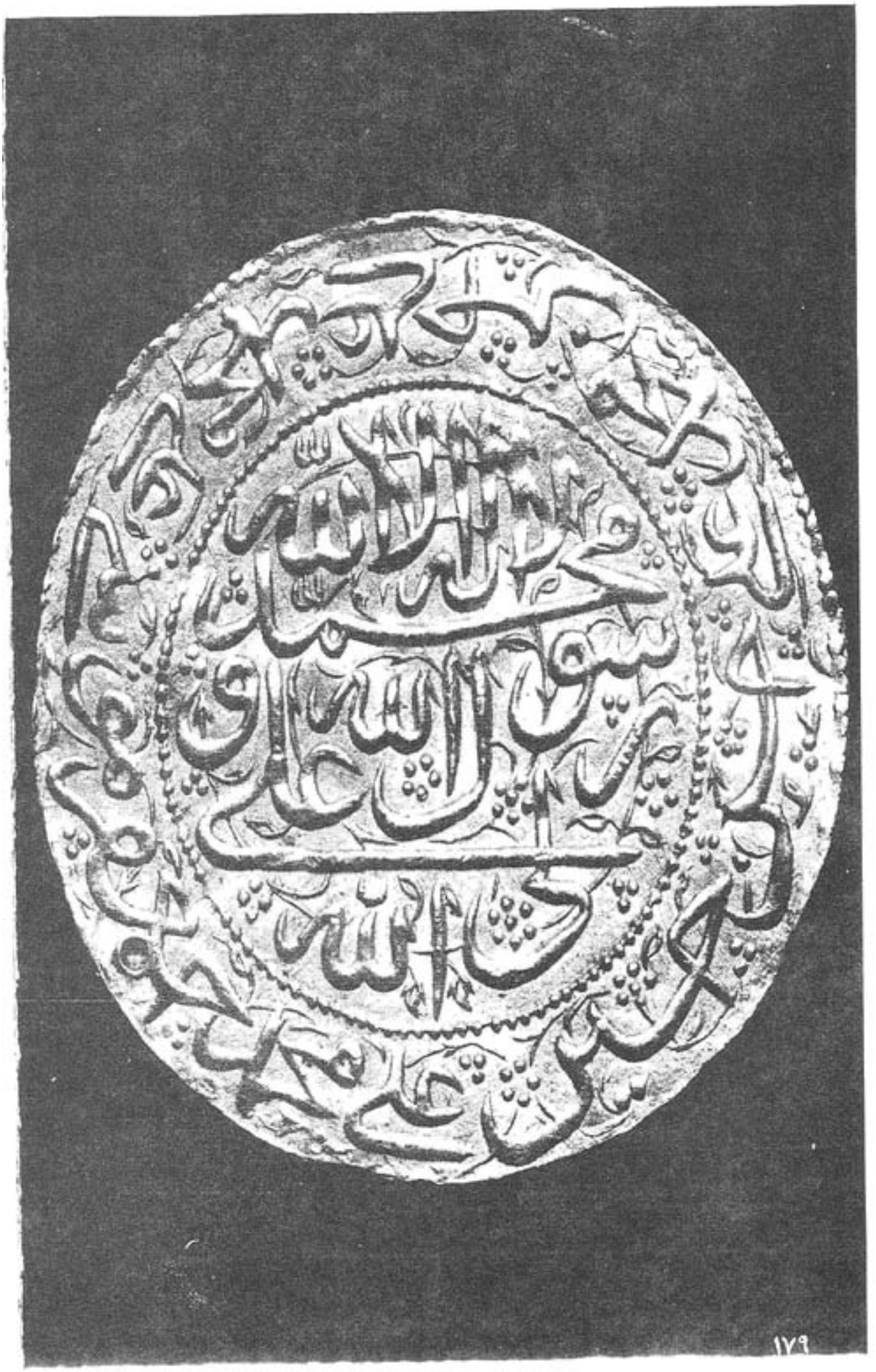
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

غیرازچند ستون وقسمتی از دیوارخارجی وجبهه آن که بوضع رقت باری درآمده چیزی باقی نمانده. اما آنچه باقیست بقدری زیباواز نظرهنری قابل استفاده است که گروه باستانشناسی ایران تصمیم گرفت تاجائیکه ممکن است آنرا بهمین صورت حفظ نماید یعنی دست بتجدید ساختمان گنبد بزرگ برروی پایه های تکان خورده وبی استحکام وتکمیل کاشی کاریهائیکه امروز نمیتوانند بسازند نزند. وفقط کاری کند که آنچه بجامانده بحال خود بماند وازمیان نرود (عکس ۱۴۵). اینکار مشکل بخوبی صورت گرفت، بطوریکه بانیماندهٔ این مسجد مشهوردیگرازخطرزمین لرزه درامان است. البته نباید ازتماشای بقایای این بناتاثیری را که وضع معمورقدیم آن به بیننده میبخشیده جستجو کرد، زیرا ازکاشیهای عالی ونفیس قدیم جزلکه های رنگین پراکنده ای باقی نمانده اما آنچه مانده اصیل ودرجای اصلی خودهستند (عکس های ۱۴۵ و ۱۴۶). بانودیولافوا که تقریبا هفتاد سال پیش از آنجا دیدن کرده چنین مینویسد: «جبهه داخلی سردرمدخل مسجد باموزائیکی ازکاشی معرق زیباتزئین شده که اجزاءآن باتیشه تراشیده وباچنان ریزه کاری ودقتی پهلوی هم قرارداده شده اندکه بنظر یکپارچه میآید. نقوش باذوق و سلیقه دسته های گل درهم پیچیده ایرانشان میدهدکه بهیچوجه باترکیبات هندسی هنردورهٔ سلجوقی ومغول شباهت ندارند. خلاصه یك هماهنگی و سازش کامل میان رنگهای آبی کمرنگ، سبزتیره، سفید، زردکاهی وسیاه نقوش وآبی پررنگ زمینه حکمفرما است که وضع یکنواختی را درآن ازمیان میبرد بدون آنکه جلا و جلوهٔ مجموع راکه سبب معروفیت آن بنام مسجدکبود شده زائل نماید.

یك درب کوتاه درجبهه داخلی ایوان بداخل حرم بازشده. حرم مزبور ازدوتالار بزرگ تشکیل گردیده که سابقاً بگنبدی پوشیده شده بود ودور آنها را دالانهای ارتباطی احاطه کرده بودند. تالاراولی باموزائیك الوانی تزئین شده که سبك آن نظیرسبك موزائیك های ایوان است. نقوش آن براثر بکاربردن آجرهای کبود مایل بسرخی، برجستگی و امتیازی پیداکرده که درجاهائیکه باکاشی یکدست تزئین شده اند دیده نمیشود. تالاردوم که محراب درآن واقع شده پوشیده ازآجرهای آبی کوچکی است که بشکل شش گوش تراشیده شده اند. کاشیهای آبی پررنگ آن باحاشیه ای ازشاخ وبرگ طلائی زیباترشده [۴۹۷]. داخل یکی ازدرگاه های بزرگ تالاراصلی مسجد مخصوصاً این توصیف را مجسم میکند. چیزی که مسجدکبود تبریزرا بصورت شاهکار هنرتزیینی کاشی کاری درآورده، درحقیقت چگونگی ترکیب، نقش وکاروبالاخص رنگهای تازه ومتنوع آنست. درآنجا رنگهای برگ خشك، قهوه ای، زرد اخرائی، سبززیتونی چنان هماهنگی بوجودآورده اندکه نظیرش در جاهای دیگرهرگزدیده نشده. بدیهی است، در دورهٔ تیموری، کاشی کاری مثلادرمسجد گوهرشاد مشهد (شکل ۲۴۴) یك رشته رنگهای مشابه را بکارمیبرد اما بسبب اهمیتی که

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

برنگ قرمز تند آجر طبیعی داده و آنرا داخل رنگهای تزئین کرده، ازهم آهنگی بین آنها میکاهد، رنگ لاجوردی زمینه ها که بااین قرمز درهم آمیخته بمجموع تزئین منظر بنفش تیره‌ای داده که کاملاً نامطبوع است . درمسجد کبود رنگها که هم لطیفتر وهم بهتر توزیع شده و رنگ آجرهم مستقیماً داخل تزئین کاشی نشده مطبوع ترند. و نقاشی آنهم روح بیشتری دارد [۴۹۸] .

درهمین دورهٔ جهانشاه بود که مسجد جمعهٔ اصفهان ساخته شد (شکل ۲۱۵الف) . مدخل آن که درجبهه غربی حیاط واقع است؛ جلوخان زیبائیست که اخیراً تعمیر شده . تزئین مدخل مسجد بهیچوجه تاریخ تزئین قسمت های دیگر حیاط را که بامر اوزون حسن آق قویونلو ساخته شده نشان نمیدهد .

درب کوشک تنها باقیماندهٔ زاویه‌ای (عبادتگاه کوچکی که در مجاورت مقبره‌ای بنا میشده) است و این سردر که تاریخ آن ۹۰۲ هجری (۹۷ ـ ۱۴۹۶ میلادی) است باموزائیك کاشی و رنگهای ساده ای تزئین شده ونقاشی آن نسبت به درب امام قدیمی ترمینماید درصورتیکه درب امام تقریباً چهل سال از آن قدیمی تر است [۴۹۹] ودرزمان سلطنت ابوالمظفر رستم بهادرخان[1] نوهٔ اوزون حسن ساخته شده. بدستور این پادشاه تعمیرات واصلاحات مهمی درمسجد جامع کهنه اصفهان صورت گرفته است . بنا بر نوشته کتیبه ایوان جنوبی حیاط که تاریخش ۸۸۰ هجری است، طاق ایوان مزبور را که مشرف بجنوب بود تجدید نمودند و بطور کلی این مسجد جامع باشکوه را که بوضع بدی درآمده بود سروصورتی داد ند. ایوان جنوبی جبهه های روبحیاط تعمیر شده و باکاشی کاریهای زیبائی که هنوز قسمت زیادی از آن باقی است پوشیده شد . داخل ایوان شامل بدنه های موزائیك کاشی برجسته نظیر تزئینات درب امام میباشد .

جبهه این مسجد بدستور شاه طهماسب [2]، دومین پادشاه سلسلهٔ صفوی تغییر وضع پیدا کرد ودو کتیبه بزرگ آن که بنام اوزون حسن بوده برداشته شد و بجای آن کتیبه های دیگری بنام او نصب گردید. یکی از آنها مستطیلی است که تمام دورجبهه را گرفته ودیگری حاشیهٔ زیبائیست برنگ آبی کمرنگ که بموازات قوس بزرگ قرار گرفته است .

تزیین جبهه های داخلی حیاط موزائیك های بسیار لطیف وخوش ساخت هستند، بااین امتیاز که شاخ وبرگهای ظریف که درجاهای دیگراز کاشیست اینجا با آجر طبیعی تراشیده شده واثر تزیینی بسیار مطبوعی بآن داده است .

* * *

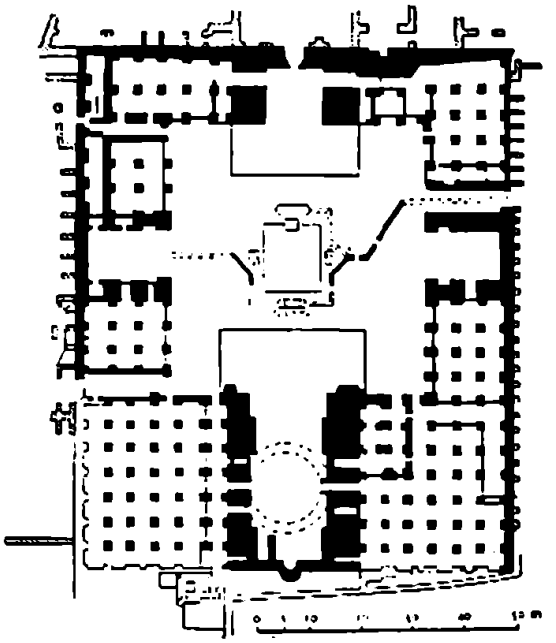
۱ـ رستم بن مقصود بن اوزون حسن (۱۴۹۲ـ ۹۷ـ ۱۴۹۶ میلادی)

۲ـ شاه طهماسب پسر بزرگ شاه اسمعیل (۱۵۲۴ـ ۱۵۷۶ میلادی).

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

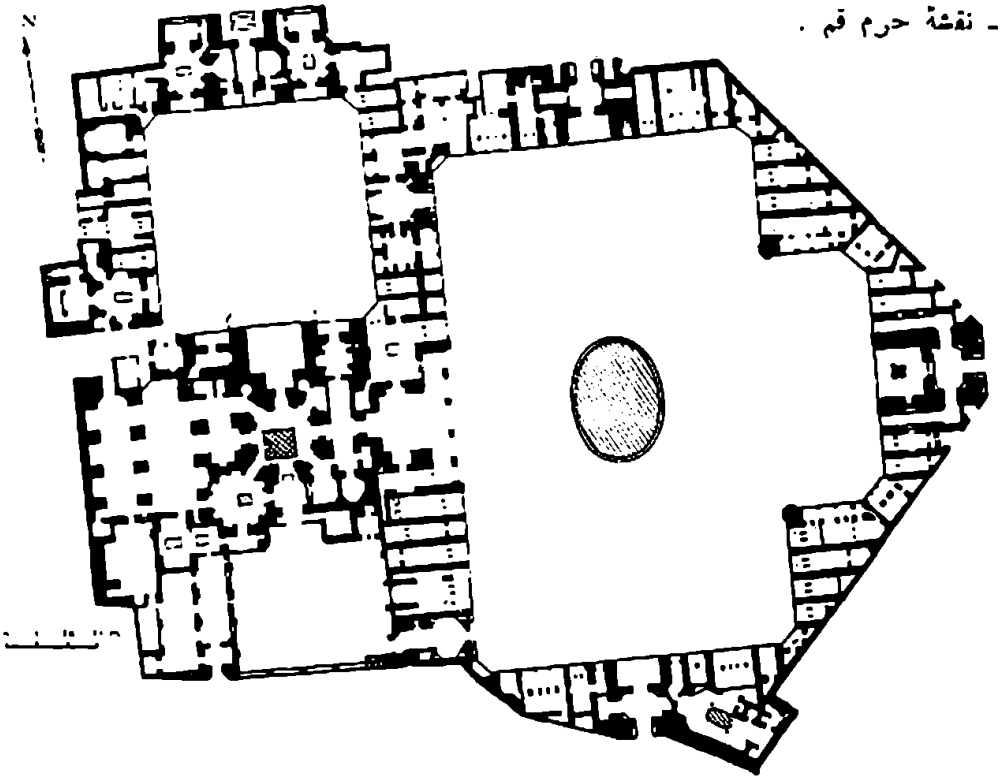
PDF.tarikhema.org



٢٤٤ ـ نقشه مسجد گوهرشاد . مشهد .

tarikhema.org

٢٤٥ ـ نقشهٔ حرم قم .



PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بطوریکه ملاحظه میشود تزئینی که اوزون حسن باآن‌جبهه‌های داخلی‌حیاط‌وایوان جنوبی مسجد جامع را آراست، مانند تزئین درب امام،خیلی آزادتر، ملایم‌تر، متنوع وتازه‌تر از تزئین درب‌کوشك بنظرمیآید، اما بایدقبول کرد که از لحاظ هنری از حیث زمان ومکان باآن هم‌قدم نبوده‌است. ازآن گذشته مسجد بزرگ اصفهان بنائی معروف و مورد توجه وعلاقه سلاطین وبزرگان کشور بوده واز هرجهت در مقابل این زاویه‌کوچك و سادهٔ محلهٔ کوشك اصفهان معتبر وقابل‌ملاحظه بوده‌است. ایـن‌جمله چنین تعبیر نشودکه تزئین زاویه از لحاظ زیبائی‌کمتر از مسجد است، فقط چیزی‌که هست مطابق سبك مساجد بزرگ زمان خود نبوده در پدید آمدن سریع نقوش وتصاویر قدری عقب افتاده است.

در سال ۹۱۸ هجری (۱۵۱۳میلادی) بفرمان شاه اسمعیل مقبرهٔ هارون ولایت ساخته‌شد این مقبره آرامگاه مرد مقدسی است‌که مسلمانان، یهودیان ومسیحیان او را از آن خود میدانند ولی رویهمرفته‌ناشناس است. اهمیت این بنا بسبب زیبائی تزئین‌کاشی‌کاری سردر روبحیاط آنست. کاشیهای شفاف ودرخشان آن بدون تردیداز بهترین‌نوع‌در هنر کاشی‌سازی است. گرچه شاید ترکیب آنها بپای درب امام نرسد ولی اجرای‌کارش بر آن برتری دارد اما نمیتواند بامسجدکبود تبریز [۵۰۰] رقابت‌کند.

آستانهٔ حضرت معصومه قم [۵۰۱] هم بدستور شاه اسمعیل صفوی ساخته شده وبا ساختمانهائی احاطه‌شده‌که نسبتاً تازه هستند. بعضی ازآنها در زمان‌قاجاریه ساخته‌شده‌اند ودر ساختمانشان سلیقه‌زیای بکار نرفته است. بعضی دیگر، غیر از آنکه درشمال وروبصحن کهنه است (شکل۲۴۵) از آنها هم‌جدیدترند. این جبههٔ بسیار زیبای شمالی‌که تاریخ آن ۹۲۵ هجری است از زمان شاه‌اسمعیل‌است ولی مقرنس‌کاریهای طلائی‌که ایوان را تزئین کرده‌اند بدستور ناصرالدین‌شاه قاجار، یعنی‌در اواخر قرن نوزدهم بآن اضافه شده. گنبد حرم را هم‌نیم‌قرن پیش‌از آن فتحعلیشاه قاجار بورق طلاپوشانده بود.

این‌قسمت بنادرسال ۱۳۱۵ توسط ادارهٔ باستانشناسی ایران تعمیر شده. در جریان تعمیرات من ازیك‌گل‌کاشی عکس‌برداری‌کردم‌که‌کپیهٔ صحیح یکی از تزئینات قدیمی ساختمان است (شکل۲۴۶). شبکهٔ سفیدریزی‌که فاصله بین‌گلبرگهااست از سفال‌یکپارچه مینایی است‌که سازنده بوسیله تیشه وسوهان تراشیده‌است. در داخل شبکه‌گلبرگهای زرد وسبز ووسط‌گل‌که برنگ آبی ودارای نقطه‌های زرد وقرمز است وبهمین طریق تراشیده شده‌اند، جاداده شده. برای یك‌کارگر زبردست، باتوجه به‌شکستگیهای غیرقابل اجتناب، ساختن این گل مینایی دست‌کم یکروزکار دارد. از اینجا معلوم‌میشودکه چراشاه‌عباس‌در ساختمانهاییکه در زمان اوساخته شده تاجاییکه توانسته بجای موزاییك‌ها وکاشی‌های‌معرق از آجرهای‌کاشی مربع منقوش‌استفاده‌کرده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شاه‌عباس پنجمین پادشاه صفوی‌عاشق معماری وعمران بود. در مدت ٤١ سال‌سلطنت او ابنیه مذهبی ایران‌که از مدتها در انتظار پوششی از تزیینات‌کاشی‌کاری بودند تقریباً بآرزوی خود رسیدند [٥٠٢]. اما درحالیکه اولین ابنیه زمان سلطنت شاه‌عباس: مسجد مقصودبیك [٥٠٣]، مسجد شیخ لطف‌الله [٥٠٤]، (عکس ١٥٠)، سردر قیصریه [٥٠٥] و حتی سر در مسجد شاه [٥٠٦] (عکس١٥١) از موزاییك های معرق مجلل پوشیده شده بودند، تقریباً تمام تزئینات داخلی‌مسجد شاه را آجرهای مربع‌کاشی‌منقوش (عکس ١٥٨) تشکیل میدهند . بدیهی است‌که آجرهای منقوش ارزش‌کاشیهای معرق‌را ندارند اماشاه‌عباس زیاد دربند تکمیل‌کیفیت‌کار نبوده بلکه نظرش بیشتر این بوده است‌که بدنه‌ابنیه سرتاپا ازکاشی براق پوشانده شود بطوریکه منظرعمومی پوشش آبی باشد. وباید تصدیق‌کرد‌که نتیجه پیروی از این نظر رضایت‌بخش بوده‌است. جزئیات ترکیب‌ها با اینکه زیاد شبیه یکدیگرند وگیرندگی زیادی ندارند، باوجود این حیلی‌بادقت ساخته شده وبا معماری ساختمان هم‌آهنگی دارند. بکاربردن آجرهای مزبور عمومیت پیداکرد. اما چسباندن این آجرهای نازك روی دیوارها بوسیله‌گچ دوام زیادی ندارد وبمرور فرومیریزند وخرد میشوند، وطریقیکه ممکن است برای جلوگیری‌از این زیان دائمی بکار برده شود بقدری گران تمام میشود‌که صرفه در بکاربردن‌کاشیهای معرق قدیمی است. کار تجدید پوشش‌قسمت های فروریختهٔ مسجدشاه‌که اغلب وسعت زیادی هم دارندهرگز تمام‌نمیشود. واین‌تعمیرات وقتی‌باید درداخل‌گنبد بزرگ در ارتفاع ٣٦ متری صورت‌گیردکار ناچیزی‌نیست.

پیرلوتی Pierre Loti هنگامیکه در سال ١٩٠٠ از اصفهان دیدن میکرد، درباره مدرسه شاه‌سلطان حسین (عکس١٦٢) چنین مینویسد: «گردپیری برهمه‌جا نشسته وویرانی برآخرین جلوهٔ جلال سابق‌که بیش از چند سالی دیگر نخواهد پایید سایه افکنده. گنبد مجلل شکاف برداشته، گلدسته‌ها تاج مشبك وزیبای خود را از دست داده‌اند. پوشش مینایی آنهاکه درخشندگی پیشین خودراهنوز دارند در چند نقطه ریخته وآجرهای زیرآنها نمایان شده ومنظره غم‌انگیزی بآن داده‌اند. آخوند عمامه‌سیاهی‌که هیولای این مدرسه را اداره میکرد، از اینکه میدید مدرسه‌اش رو بویرانی میرود شکوه میکرد ومیگفت: «مدتی است بچه‌ام را از دویدن در اینجا منع کرده‌ام‌که مبادا از دویدن او جایی‌تکان بخورد وخراب شود. روزی‌نیست‌که‌کاشیها از دیوارها نیفتند[٥٠٧].»

ساختمانی راکه آرتور دگوبینو Arthur de Gobineau در سال ١٨٥٥ مورد تمجید قرارداده ونوشته بودکه حتی یك آجرهم ازآن نیافتاده و «تازه‌تر از همیشه است». بعداز مدتی‌کمتر ازپنجاه سال بروزی افتاده‌که لونی هنگام عبوراز اصفهان آنجارا آشفته وصف‌کرده است. خرابیهای مزبور بعداً برای مدتی‌تعمیرشدند (عکس ١٥٧)، منارهها هم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

همینطور (عکس۱۶۲) اما چه‌در مدرسه چهارباغ وچه‌در مسجد شاه باید هنوز تعمیرات را لاینقطع ادامه‌داد. در بعضی از مواضع‌حیاط توانسته‌ایم آجرهای‌کاشی مخصوصاً آنهاییرا که ارزش بیشتری داشته‌اند. بااستحکام بجای‌خود تثبیت‌کنیم، ولی با وسایل ناقصی‌که در اختیار داشته‌ایم، باسختی وکندی وهزینه‌زیاد بانجام اینکارموفق‌شده‌ایم.

پس از حصول ترقیات درخشان وپی‌گیرهنر کاشی‌کاری اززمان‌مغول تاسلطنت‌شاه‌عباس اول یك وقفه ناگهانی وانحطاطی در پیشرفت این‌هنر رویداد. اما بعداً دوباره کم وبیش کاشی‌کاری معرق موردتوجه قرارگرفت. ناگفته نماندکه سطح خارجی‌گنبدها چه‌کوچك وچه بزرگ هرگز با آجرکاشی چهارگوش پوشیده‌نشده‌اند زیراآجرهای مزبور بعلت نازکی وشکنندگی درمقابل تگرگ ویخبندان زمستان وپنجه‌کبوترها تاب‌مقاومت‌ندارند. تمام آنها درحین ساختمان باآجرهای‌کاشی بضخامت پنج تاشش سانتیمتر چیده‌شده‌اندوپس از تعمیردوباره درخشندگی وشکوه سابق خود را بازیافته ومانند حباب درخشانی‌درآسمان جلوه‌گری مینمایند (عکس‌های ۱۵۲ و۱۵۶). این‌گنبدها درحقیقت عالیترین‌نمونه تزئین مینایی معماری درعالم‌هستند.

در زمان سلطنت شاه‌عباس اول نمای رنگی عمومی‌کاشی‌کاریها خیلی سیر بوده:رنگهای لاجوردی وفیروزه‌ای زیاد، سفید وزرد وسبزکم، سیاه خیلی‌کم، وقرمز خیلی‌کمتر یا اصلا هیچ نبوده‌است، ورویهمرفته جلوه‌کلی آبی داشته است. در زمان جانشینان این پادشاه دسته رنگهای معموله بطور محسوس تغییر یافت بطوریکه در زمان شاه سلیمان شاخ وبرگهای عظیمی در تزیینات راه یافتندکه غالباً نسبت باطراف ناهمآهنگ بوده در آنها رنگهای قرمز وزرد وحتی نارنجی زشتی جای‌بیشتری گرفته‌اند.

در آغاز قرن هیجدهم، در زمان آخرین پادشاه صفوی، شاه سلطان حسین، همراه افزایش زیاده از حد ابعاد سطوح، اندازهٔ عوامل تزیینی نسبت بآنها کوچك‌شد حتی‌میتوان گفت ترکیب آنهاهم‌کوچك شدند ـ ودر رنگها باحذف قرمز، زرد طلایی روشن بکاررفت که غالباً با آبی آمیخته‌میشد (عکس رنگی ۵) . جبهه مدرسه چهار باغ (عکس ۱۶۲) و ایوان غربی مسجد جمعه اصفهان که از ابنیه دوره سلجوقی‌است ولی‌بدستورشاه سلطانحسین دوباره تزیین شده نمونه‌خاص این دوره هستند. مسلم است که‌کارهای این زمان‌نسبت‌بکارهای زمان جهانشاه واوزون حسن‌و حتی‌کارهای زمان شاه‌عباس اول روبانحطاط رفته باوجود این هنوز اصالت وروح تزیینی در آنهادیده میشود. سردر چهارباغ مدرسه‌شاه سلطانحسین هنوز در ردیف شاهکارهاست. (عکس۱۵۷) وبعضی آنرا بسایرکارهای دورهٔ صفوی ترجیح میدهند.

شاخ وبرگهاییکه در زمان شاه سلیمان بوضع بدی‌ترکیب میشدند منسوخ شده وجای

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خود را باشکال هندسی دادندکه نقش اصلی آنراکاشیهای کوچك مربع یا مستطیلی که کمتر احتیاج بتراش وبرش دارند ایفاکردند. باوجود این‌هنوز هم‌آجرهای‌مربع منقوش‌وشکنندهٔ زمان شاه‌عباس، باهمان‌نقوش وهمان رنگها بکار میرفت.

پس ازسپری‌شدن دورهٔ صفویه‌افغانهاییکه چندسالی بر ایـران مسلـط شدند، درکار تزیین بوسیله‌کاشی‌کاری فقط بساختن نوارهای‌کتیبه، اغلب‌ساده باگلهای‌کوچك‌که از لحاظ هنری ارزش‌چندانی نداشتند اکتفاکردند.

دردورهٔ زندیه، درنیمه دوم قرن‌هیجدهم، ترکیب های وسیع، دیگررونقی نداشتند. دربدنه های بزرگ پوشیده از آجرهای‌کاشی زمینه سفید،که بکلی نسبت بساختمانهائیکه بنظرخودشان تزئین میکردند، بیگانه وبی‌تناسب‌بودند، صورت شخصیت های رسمی‌که مانند موقع سان ورژه‌صف بسته اند. یاصحنه هائی ازقبیل هنرنمائیهای رستم، پهلوان ملی،شکار ومعاشقه، حمام گرفتن شیرین، بهرام گوروآزاده یابالاخره دورنماهائیکه بتصورخـودشان بسبك اروپایی ساخته اند دربدنه های‌کوچك دیده میشود.

کمی پس‌ازآن، دردورهٔ قاجاریه یعنی درآغازقرن نوزدهم، درشیرازمکتبی ازنقاشان کاشی سازمحلی بوجودآمدکه سودمند بود. شیراز، شهرگل، باعلاقه عاشقانه ای‌گل سرخ ومیخك های سرخ وزنبق بنفش را بابرگهای سبزوبلندش نقاشی‌میکرد. کاشی سازها برای مدرسه خان‌ومسجدوکیل(عکس۱۶۷) وابنیه دیگر . باآنها ترکیب های تزیینی بس‌مطبوعی ساختندکه‌اگرجامناسبتی‌باخودآن‌ابنیه‌ندارندولی‌با وجود این مطبوع‌وزیباونسبت‌بنظایراین نوع کارکه درقرن نوزدهم درسایرنقاط کشورساخته میشدند برتری دارند.

کاشیهای منقوش دورهٔ قاجاریه، اغلب ناچیزوازنظرهنری فقیرند و چیزی جزتقلید ناقص وبدی ازکارهای قرن گذشته نیستند. درصورتیکه ناصرالدین شاه عده ای ازنقاشان‌را برای تحصیل بموزه های رم وپاریس‌میفرستاد. وهرگاه بعضی ازنقاشان درهنرخودپیشرفتی کرده وکارهای نوید بخشی بوجود میآوردند، کارگران سادهٔ کاشی سازنمیتوانستند بخوبی ازآن استفاده نمایند. باوجود این ، یااقلا بعقیده ناصرالدین شاه هنرکاشی سازی متجدد گردید. درسردر ادارات دولتی‌نگهبانان‌باندازه های طبیعی برروی‌آجرهای‌کـاشی (شکل ۲۴۷) باکارمندان ومنشیان جوان خوش لباسی‌که بطرف دفاترکارخود میروند ودرسردر یك مدرسه‌نظامی، توپها، تفنگ هاوهرم هایی‌ازگلوله های توپ‌ومسلسل های عجیب‌همچنان روی آجرهای چهارگوش نقش شده اند. در سردر مدرسه دیگری ، دریك طرف یك آدم بدبخت ژنده پوش «بی سواد» ودرطرف دیگرجـوان زیبا وخوش پوشی «باسواد» که در کالسکه ای لمیده نشان‌داده شده‌است.

روی دیوارهای‌کاخهـای سلطنتی‌هم افسانه‌های‌کهنه ایرانی بشیوهٔ تازه[1] نقش‌شده‌اند

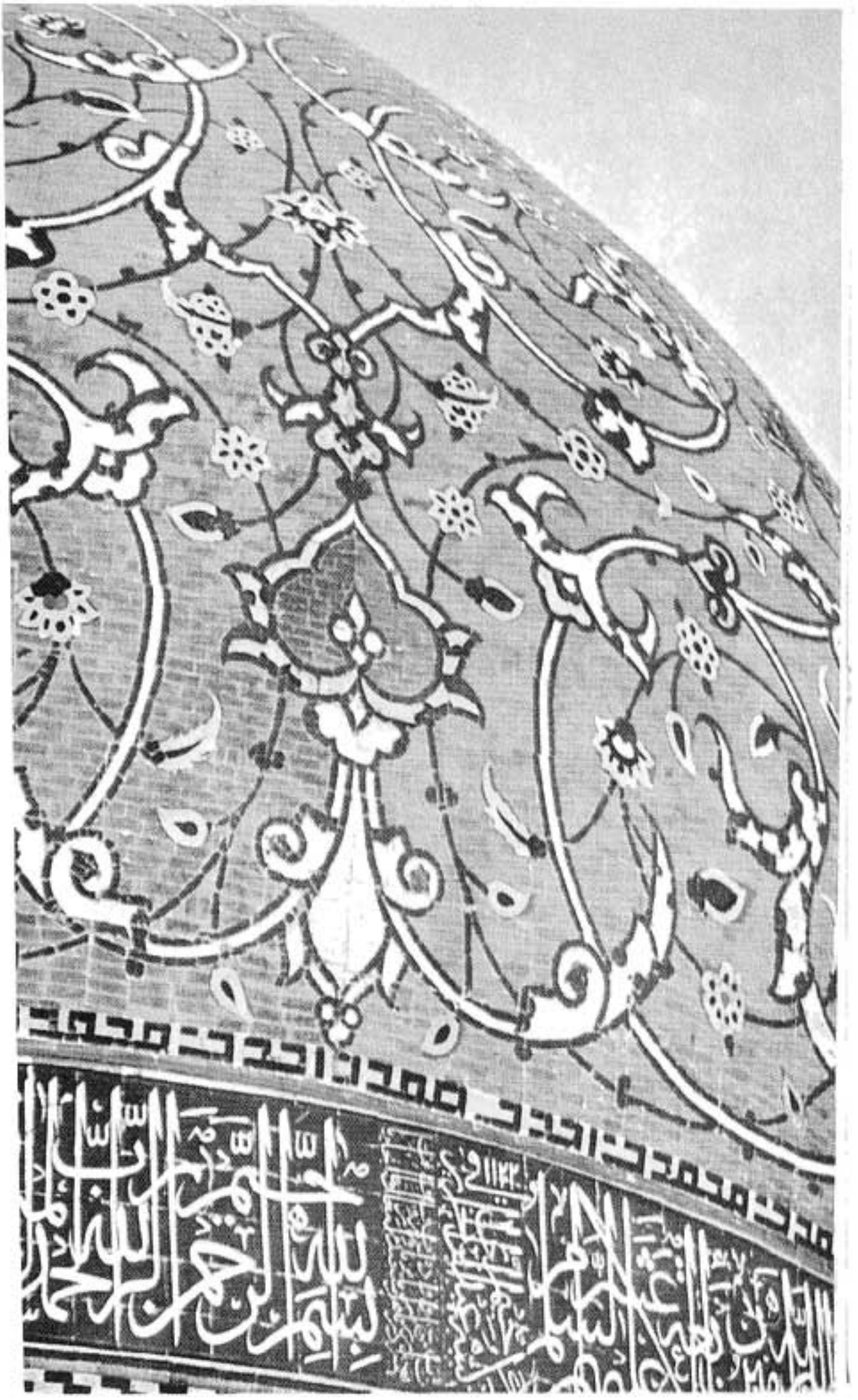
* * *

۱ـ شکل ۲۴۸ خسرورانشان میدهدکه‌آبتنی کردن شیرین را تماشامیکند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





٢٤٧ | ٢٤٦
٢٤٨



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

عکس رنگی پنجم ـ جزئی از گنبد مدرسهٔ چهار باغ ـ ازاوایل قرن هیجدهم میلادی. این مدرسه که برخی بنای آنرا به مادرشاه نسبت میدهند، بطوری که از نوشتهٔ تالار ورودی آن برمیآید بفرمان شاه سلطان‌حسین ساخته شده است در گرداگرد گنبد نوشته‌ایست که تاریخ پایان بنا (۱۱۲۲ هجری قمری ۱۷۱۰ میلادی) ونام نویسندهٔ خطوط، رحیم جزایری، را دربردارد.

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

عکس رنگی‌ششم . مینیاتور. صحنهٔ نبرد. ازاوایل قرن شانزدهم میلادی ابعاد :۲۸ × ۲۰ سانتیمتر. بخش نسخ دستی کتابخانهٔ ملی پاریس . موضوع این صحنه در اسکندر نامهٔ امیر علیشیر نوائی آمده است . نقاش آن شناخته نشده است .
«بلوشه» عقیده دارد که یکی ازشش مینیاتوری که در آن کتاب آمده از بهزاد و دیگری از میرك باشند .
نسخهٔ خطی که این مینیاتور از آن برداشته شده درهرات وتوسط علی هجرانی ودرسال ۱۵۲۶ میلادی تهیه شده است .
عمامهٔ سرپازان که درشکل دیده میشود خاص لشگریان شاه اسمعیل مؤسس سلسلهٔ صفویست .

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

(شکل ۲٤۸). تزیین ساختمانی که درطی چندین قرن آنقدرعالی وباشکوه ونفیس ساخته میشد دراین دوره بکلی فاقدروح وهنر گردید .

علت این انحطاط چیست؟ چگونه است که اکنون در اصفهان استادان زبردستی پیدا میشوند که میتوانند بخوبی تزیینات کاشی کاری ابنیه قدیمی را ترمیم یا تجدید نمایند. حتی درمواردیهم که جزاثرمختصری ازآنها باقی نمانده باشد میتوانند ازنو وبدون اشتباه آنها را بازسازی کنند چنانکه گوئی خودشان همزمان ساختمان اصلی آنها بوده اند؟ چرا این استادان دانا وزبردست برای ایجاد تحول دررشته هنر آباواجدادی ، خود راناتوان میابند ؟ این فاجعه غم انگیزی است که ازاواخرقرن نوزدهم واوایل قرن حاضرهنرایران، نه تنها کاشی سازی، بلکه نقاشی، ساختمان، قالیبافی وغیره را دربر گرفته است.

چند سطرزیر شاید دلائل این پس رفتگی را روشن کنند .

تاآغازقرن حاضر، معماردرایران، بنائی بود که درضمن کاراستاد شده وبدرجهٔ معماری میرسید وانجام تمام کارهای ساختمان ازطرح نقش وساختمان وتزیینات همه بعهده اوبود . درصورتیکه اوغیرازحرفه بنایی کـه درضمن کارآموخته، ازهیچیك ازکارهـای دیگرمربوط بساختمان اطلاع نداشت. سواد واطلاعات عمومی هم نداشت . کتابخانه حرفه ای هم که اصلا درکشوروجود نداشت. تنهاسندومدرك علمی اولوله کاغذی بود که باغرورو مباهات آنرا بدست میگرفت وبعقیده اوتمام علوم عالم درآن جمع بود. دراین لوله کاغذکهنه چند طرح قدیمی قوس وطاق وبعضی فرمولها ازآنجمله این یکی است که سوانحی چند ببارآورده: دوره پایین یك گلدسته مساویست بـا بلندی آن ازسطـح زمین . گویی مقاومت زمین درمقابل فشارهمه جایکسان باشد .

هرگاه کسی ساختمان خانه ایرا باورجوع میکرد، معماربایك کیسه گچ باتفاق صاحب کاربسرزمینی که بایدخانه درآن ساخته شود میرفت وباانتخاب یکی ازنقشه هاییکه میشناخت، ته کیسه گچ راسوراخ کرده وراه میافتاد ودرحین راه رفتن باگچی کـه ازسوراخ کیسه روی زمین میریخت طرح خـانه را روی زمین رسم میکرد . وقتی ملاحظه شود که تمـام کارهای ساختمانی ازجبهه و وضع تدارکات داخلی و حتی نقشه و باغچه ها باچنین شرایطی وبدون شالوده ورعایت اصول علمی صورت میگیرد، آنوقت معلوم میشود که چرا معماری ایران مدتها است بهمان وضع قدیم خود باقی مانده است .

در آنوقت اروپا هنوزجز در اوراق چـاپی یا گراورهای رنگی کـه قاب شده و در ردیف تزیینات سالنهای پذیرائی در میآمد خودرا نشان نداده بود. گاهی هم سقف اطاقها که بقطعات بسیاری تقسیم شده وبا دورنماهاییکه خـانه های کوچك اروپایی درآن دیده میشد تزیین میگردید .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وقتی کت وشلوار و کراوات بایران آمد وجوانهای اروپا رفته پس از اتمام تحصیلات پزشکی وحقوق بایران بازگشتند وآداب ورسوم اروپایی راهم باخودآوردند، استاد بناهم مانند آقای خیاط فرنگی مآب شدند. ازآنجاییکه به تکنیك و مواد و عوامل جدیدآشنایی نداشتند وحتی نمیدانستند اصول جدید یعنی‌چه وبانبودن کتب ومجلات فنی بزبان فارسی، چاره ای نداشتند جزاینکه‌به کاتالوگ های اروپایی مراجعه نموده ازشکلها و عکس های آنها استفاده نمایند. آنوقت است که‌بین‌پیروی از سبك‌قدیم‌ایرانی خودوجذبه‌فرنگی‌مآب‌در کشمکش قرارمیگرفتند ودست‌آخر کاشی‌سازمثلاءوامل تزئینی ونقوش قدیمی کشورخودرارها کرده، بنای خودرا باآنچه‌دراطراف خود اروپائی یااروپائی نمامیبافت، مانندخانمهای دلرباباآن شلیطهٔ بادکرده ، یاتوپ هاوتفنگ هاوآن‌کالسکهٔ تماشائی نقش میکرد. استاد بناهم، چون درعکس‌کاتالوگ دیده است‌که بربام خانه های اروپایی ددودکش نصب شده اوهم روی ساختمان خود دودکش میگذارد بدون‌آنکه مجرای دودی درساختمان و جود داشته باشد. گیلویی میسازد بسبك دوره رنسانس‌بافرشته های‌کوچك ایتالیایی اماباشکم‌های برآمده، دریك‌ساختمان دیدم برای‌تقویت‌تیرهای‌آهنی‌که نیروی مقاومتش بنظربناکم آمده بود دستك تبریزی جوانی بزیرآن شمع‌وارزده بودند.

وضع عجیب وپراکنده‌هنرایران درآخرقرن گذشته اگرغیرازآنچه بود میبودعجیب مینمود . درحقیقت باچنین اوضاع واحوالی، افکار جوان باید یك دورهٔ بسیار مشکل اقتباس را میگذراندند .

اماآن زمان گذشت. حالادیگریکنفربنافقط بنااست. اکنون درمیان جوانان ایرانی معماران، نقاشان، پیکرتراشان‌وزینتگران بااستعدادی پیدا میشوندکه تحصیلات عالیه خودرا دررشته های مزبورچه درخود ایران وچه درکشورهای اروپاوامریکابپایان رسانده ونه‌تنها ترکیب هاوتکنیك های مدرن را میدانند، بلکه برعلت وجودآنها وتاریخ‌آن نیزآگاهند . آنهاهنروترکیبات‌هنری بمعنی اعم رامیشناسند بدون‌آنکه مسائل هنری‌رابمرزهای این کشور یاکشوردیگری، به باختر باخاورمحدودنمایند. آنها اکنون وسائلی دراختیاردارندکه‌میتوانند مسائل ومقتضیات زمان خودرا درکمال‌آزادی وفراغت خاطربررسی‌نموده‌ودرسایه هنرخود آنهارا حل نمایند .

ایران اکنون معماران ومهندسین وزینتگران‌واقعی‌دارد. بهترین‌آنهاکه‌کاملا برسوم وسنن وآثارهنری قدیم‌کشورخودآگاهند خواهند توانست بدون‌تقلید ازاروپایاایران قدیم، آنها رانوکنند. ازاین‌پس استاد و هنرمند اینها خواهند بودواینها هستندکه افتخار بدست گرفتن رشتهٔ پیوسته ایرا خواهند داشت‌که ازعهدباستان تاعصرحاضر، زمانی‌آشکاروگاهی پنهان هنرایرانی رابسوی سرنوشت وهدف خود رهبری میکند. دیگران نمیتوانند بدنبال

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این هدف بروند زیراهنرموهبت وامتیازی است فقط برای معدودی وهمین عده معدودقادرند توده را رهبری کرده عصر خودرا مشخص کنند.

هنرهای ظریفه ایران بشدت مورد علاقه غربیها است. اروپائیان بقدری فریفته قالیهای ایران شده اندکه ازآغازقرن پانزدهم نقاشان Flamand ازآنها بدقت تقلید کرده سالنهای خـود را بـدان آراسته ودرمعرض نمایش قـرار دادند . فهرست های اموال نشان میدهند که «ژان»، «دوك دبری» و «کاتربن دمدیسی» درکاخهای خود قالیهـای ایرانی داشته اند. بعدها رامبراند نقاش شهیر، مینیاتورهای هندی راکه متعلق بدربارپادشاه مغول هند بوده کپیه کرده است وازنیمه دوم قرن شانزدهم است کـه روابط شرق وغرب توسعه یافته وعـدهٔ زیادی از اروپائیان درشرق اقامت کرده بین این دوقاره روابط نزدیکتری بوجودآوردند.

اگردراین کتاب قسمت کوچکی بصنایع ظریفه اختصاص داده شده باین دلیل است که محصول صنایع مزبورازخیلی قدیم باروپارفته وازهمانوقت مورد بررسی قرارگرفته است .

نقاشی ایرانی ممکن نیست بیشتر و بهتر از آنچه توسط «بازیل گری» Basil Gray وشوکین Stchoukine ورابینسن Robinson ودانشمندان دیگر بررسی شده است مورد مطالعه قرار گیرد و اطلاعاتیکه دراین زمینه بدست آمده طولانی است .

عدهٔ زیادی قطعات سفالین جمع آوری شده. واکنون نیز میشود که سرمایه ضروری مطالعات اصولی هستند.

اگر بررسی قالیها کمتر از سایر صنایع ظریفه مورد توجه قرار گرفته برای آنست که ما جزعدهٔ کمی ازآنها که متعلق به پیش ازقرن شانزدهم است دراختیار نداریم و خیلی مشکل بنظرمیرسد که بتوان بفهرست موجود چیزی افزود .

باوجود این لازم میدانم که چندکلمه دیگردرباره نقاشی وقالی ومسکوکات درایران ودر دورهٔ اسلامی گفتگو کرده ومثل همیشه سعی کنم تارشته ایراکه هنرایران یك دوره ازتاریخ این کشوررا بدوره های پیشین ربط میدهد نشان دهم.

نقاشی اسلامی

اززمانیکه انسان بروی زمین پیداشد شروع کرد تاخواهش ها ونگرانیهای خود را نقاشی کند، (تزئین غارلاسکو Lascaux حتی هنوزهم که ۱۷ هزارسال ازتاریخ آن میگذرد موردتحسین وحیرت است) بشرراه درازی را پیموده، حوادث زیادی را پشت سر گذاشته و خواهدگذاشت که دنباله آن برهیچکس آشکارنیست، باوجود این نمیتوان گفت استعداد یك هنرمند مدرن ازیك نقاش ماقبل تاریخ بیشتراست زیرا اثراوهم درماتاثیردارد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چند غار ایران که تاکنون توسط کارشناسان مورد تفحص قرار گرفته اند غیر از نتایج باستانشناسی محدودی نداشته اند وهیچ اثر تزئینی بر دیوارهای آنها کشف نشده است.

بعضی آثار رنگی که هنوز میشود تشخیص داد روی حجاری های تخت جمشید بجا مانده ونشان میدهد که پادشاهان هخامنشی هم مانند یونانیهای آن دوره مجسمه‌های خود را با رنگهای ساده رنگ میکرده اند ودر بعضی هم آنهارا باجواهرات وسنگهای گرانبها تزئین میکرده‌اند اما حجاری الوان بمعنی نقاشی نیست. از طرفی بنظر نمیرسد که هخامنشیان خواسته باشند شخصیت های خودرا ولواینکه شاه باشند باین وسیله تجلیل نمایند، چه درنظر آنها شکوه و عظمت مقام وقدرت اهمیتی بیش از شخصیت فردی داشته است .

دورهٔ یونانیها وسپس پارتها ذوق صورتگری وچهره‌نگاری را بایران آورد، اگر در آثار ایران قدیم صوری نظیر صورت مریم دیده نمیشود، دلیل این نیست که چنین هنری اصلا درایران وجود نداشته‌است. برعکس کشوری که آنقدر ابتکار وخلاقیت از خود نشان داده قطعاً توانائی آنراهم داشته‌است که ازهمان عهدعتیق افکار خود را نقاشی کند. در خارج ایران شهر کاروانرو Doura Europos در سوریه، کتیبه معروف با صوری تزیین شده بود که دربعضی از آنها مانند رؤیای جزقیل اشخاصی دیده‌میشدند که بسبك ایرانیها لباس پوشیده بودند. همچنین در نقوش دیواری سامره (شکل ۲۰۱ و۲۰۲ و۲۰۳) که حاکی از پایدار ماندن تمدن ساسانی درمحیط خلافت عباسی است.

مطمئناً بدنه‌های نقاشی‌شده عبادتگاه پالاتین در پالرم (ایتالیا) باید مدیون هنر عصر ساسانی باشند. قطعات نقاشی که در نیشابور بدست آمده ومتعلق بقرن نهم یعنی زمان سلطنت سامانیان است نشان میدهند که درآنزمان نقاشی درایران وجود داشته ودر تزیین وآرایش دیوارکاخها بکارمیرفته است.

چین در ایران همیشه از امتیازاتی برخوردار بوده‌است. ظروف چینی ونقاشیهای آن موردتحسین وعلاقه ایرانیها بوده وهمواره سعی کرده‌اند آنها را تقلید نمایند اما هرگز نتوانسته‌اند بخوبی آنها بسازند، درمورد تزیین ونقاشی هم همینطور بوده‌است.

ازسال ۱۰۳۸ تا ۱۱۵۷ میلادی که ترکان سلجوقی برایران حکومت میکردند چین همچنان اعتبارخود را حفظ کرده بود باوجوداین اولین نسخ خطی از جمله خطبه‌های

که بدست مارسیده‌اند هنوز برتری وقدرت نفوذ آداب وسنن ساسانی وبنابراین ایرانی را نشان میدهند. ظاهراً در موصل که یکی از شهرهای حوزه خلافت بوده مرکزی تأسیس شده بود که نسخ خطی عالی ونفیسی مانند مجموعهٔ گالین Galien که در موزه وین است تهیه میکرده، مجموعهٔ پیرپون ـ مرگان Morgan ـ Pierpont نیزدارای یك نسخه خطی فارسی است که درسال ۱۲۹۸ در مراغه نوشته شده‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پس ازآن کتاب جامع‌التواریخ بوجودآمد که نفوذ چینی‌در تصاویر آن دیده‌میشود.
در شاهنامهٔ دموت Demotte که‌متعلق بقرن‌چهاردهم میلادی‌است هرلحظه‌موضوعات دراماتیك بچشم‌میخورد. آسمان طلایی، یاآبی ،سبك خاص ایـن‌کتاب را نشان‌میدهد کـه احتمالا متعلق باواسط قرن‌چهاردهم است. در صحنه‌های‌کتاب‌همیشه یکـی از شخصیت های جلوصحنه، عمق‌آن صحنه‌را میافزاید. در آن میان شاید صحنهٔ جنگ اسکندر برجسته‌ترین مینیاتورهای آن‌باشد، این‌کتاب متعلق بموزه‌هنرهای زیبای بوستون‌است.

آغاز پیدایش مکتب نقاشی واقعاً ایرانی‌را میتوان در زمان پادشاهی سلطان‌ابوسعید (۱۳۱۷ ـ ۱۳۳۵میلادی) دانست. امرای جلایری‌بغداد وتبریز تازمان‌ظهور هیولای‌موحش تیمور که بربغداد مستولی‌شد حامیان هنر بوده‌اند. یك‌جلد کلیله‌ودمنه که در فهرست‌کتب، در ردیف شاهنامه فوق‌الذکر قرار دارد اکنون درکتابخانه دانشگاه اسلامبول موجود است. صفحه‌ای ازکتاب مزبورکه باعنوان «پادشاه میمونها برای لاك‌پشت انجیر میاندازد» شروع شده‌حائزدرجه‌اول‌اهمیت‌است: نقش‌درخت‌ها که بطرزجالبی نقاشی‌شده‌واز حدود حاشیه‌بیرون رفته است.

اینك مابدورهٔ مهمی ازتاریخ‌کتابت‌ایران میرسیم‌که در طـی آن میرعلی تبریزی، خوش‌نویس معروف خط نستعلیق را بوجود آورد وازآن پس رواج روزافزونی یافت. نسخه خطی معروف خواجوی‌کرمانی یکی از پرارج‌ترین آثار نقاشی ایرانی است. نقاشیهای آنرا به‌جنید نسبت‌میدهند. نام او دریك مینیاتوریکه‌عروسی همای وهمایون را نشان‌میدهد نقش‌شده است.

ایران‌کشوری است‌که درآن همیشه نیکی وبدی باهم درجنگ بوده‌اند. خـوشبختانه استثنـائاً در ایران همیشه بدنبال وحشیانه‌ترین ومخرب‌ترین تهاجمات، دوره‌ای رسیده‌که جانشینان فاتحین اهل‌ذوق بوده ارباب علم وهنررا مورد حـمایت و تشویق قرار داده‌اند، مانند بایسنقر نوهٔ تیمور. درمیان نسخ‌خطی زمـان اوکه باقیمانده، یـکی‌کتاب‌کلیله‌ودمنه است‌که لافونتن شاعرافسانه‌نویس معروف فرانسوی‌ازآن الهام‌گرفته ودیگری شاهنامه‌ایست که محققاً این‌پادشاه تنظیم وتدوین‌آنرا زیرنظر داشته ونام اومکرر درآن برده شده. خود بایسنقر هم خوش‌نویس بنامی بوده‌است چنانکه قرآن نفیسی بخط‌خود نوشته‌که چندبرگ ازآن باقی ودرموزه آستانه رضوی‌در مشهد محفوظ‌است وکتیبه‌بزرگ مسجدگوهرشادمشهد راهم‌که تاریخش ۱۴۱۸ میلادی‌است باونسبت میدهند.

منتخبات اسکندرسلطان مورخ ۱۴۱۰ میلادی‌که جزء مجموعـهٔ گلبنگیان است عـده بیشماری‌از زنان‌دلفریب را نشان‌میدهد ودرجای دیگرحضرت ابراهیم را درحالیکه‌حلقه‌ای ازآتش‌احاطه‌اش‌کرده به‌نیروی‌عصمت وپرهیزگاری درمقابل وسوسه‌نفس پایداری میکند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درطی قرن‌چهاردهم وزمان‌حکومت امرای‌آل مظفر وانجو، درشیراز فعالیت زیادی درتهیه‌نسخ خطی نشان‌داده میشد چندی‌پیش ازآن یکی‌از پسران شاهرخ ،سلطان‌ابراهیم‌بر شیراز حکومت‌میکرد اوهم مانندبرادرش بابـنقریکی از حامیان ومروجین هنردورهٔ‌تیموری بوده‌است. فعالیت‌هائیکه درنیمه اول‌قرن پانزدهم درهرات مبذول گـردید هنری راکه در واقع سه‌قرن بیشترعمرنکرد باوج‌ترقی رساند. درشاهنامه‌ایکه بسال ۱٤٤٤ درشیرازنوشته شده‌وصحنهٔ بزم‌یکی از دربارهای‌کوچك ایرانی راکه‌اندکـی بسبك چینی نقاشی شده نشان میدهد درآن‌حداعلای‌ذوقی که‌آن‌قرن‌بآن‌رسیده است [۵۰۸] دیـده‌میشود. کاشیهـای سفید و آبی، قالیهائی‌بااشکال‌هندسی‌درآن‌نشان داده‌شده‌اند.

میگویند میرك خوش‌نویس و نقاش‌نامی استادومربی بهزاد، که‌بعداً بزرگترین‌نقاش ومینیاتوریست ایران شناخته‌شد، بوده‌است.میرك خمسهٔ‌نظامی را تصویر کرده است‌که دارای سیزده مینیاتور است واحتمالا بهزاد هم‌درآن همکاری داشته‌است. روح هنری در عین حال حساس وبدون تصنع بهزاد را میتوان در تصاویر یك جلد نظامی‌که درموزهٔ بریتانیا است بررسی‌نمود. یکی از جاندارترین [۵۰۹] صفحات آن‌ساختمان‌قصر خورنق رانشان‌میدهد. این مینیاتور درسال ۱٤۹٤ درهرات ساخته شده‌است.

نکته‌ایراکه باید بدان توجه‌داشت اینست‌که تنها ثبت‌شدن یك‌نسخه خـطی در ردیف کارهای بهزاد دلیل‌این نمیشودکه مینیاتوریست نامی درساختمان آن‌دست داشته است. زیرا غالباً تزئین یك‌کاری بنظر صاحبش آنقدر عالی وپرارزش جلوه می‌کندکه‌جمله: «کاربهزاد است» راکه عقیده شخصی اواست بآن میافزاید.

شاه‌طهماسب دومین پادشاه صفوی‌که تا اواسط قرن شانزدهم حامی ومشوق هنر واهل هنربود تصمیم‌گرفت این روش را رهاکند. اما ذوق وعلاقه مردم نسبت بآثار خطی

چنان عمیق وریشه‌دار شده‌بودکه این‌ترك حمایت‌تأثیرزیادی نکرد.

یك صنعت واقعی ویك‌کانون‌هنری‌کامل درشیراز بوجود آمد وشروع بساختن‌کارهای پرعرض وطول ومخصوصاً نسخه‌هائی از شاهنامه‌کرد. امادر آخرقرن شانزدهم‌بعلت‌تکرار زیاد ویکنواختی موضوعات واحد، این‌هنر ازرونق افتاد.

بطورکلی درقرن هفدهم تزئین‌کتاب بسیارکاهش‌یافت. در عوض سلاطین و بـزرگان کشور دراصفهان شروع بنقاشی‌دیوارکاخهای خود نمودند. متاسفانه‌در این هنگام نفوذهای خارجی دراینکار مداخله‌کرده موجب برهم‌خوردگی ایـن محصول ایرانـی شده کیفیت ایرانی آنرامنحرف ساختند. باوجود این،قرن‌هفدهم نقاشان زبردستی چون رضا عباسی و شاگردش معین رابوجود آورده‌است. رضاعباسی‌گاهی باظرافت خـاصی نسخ خـطی بسیار کوچکی نقاشی‌کرده‌که نمونه‌آن در مجموعه‌های موزهٔ تهران موجود است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بااطمینان میتوان گفت که سلطنت شاه‌عباس شاهد پایان عصر درخشان مینیاتور ایران بوده‌است، هنری که تجدیدحیات خودرا دردربار پادشاهان مغول‌هندوستان آغازکرده‌بود. اماادامه بحث دراین‌باره مارا از دنباله سخن‌خودمان بازمیدارد.

دورهٔ زندیه وقاجاریه یعنی‌پایان قرن هیجدهم ونیمه‌اول قرن نوزدهم بـرای ارباب هنر دورهٔ مساعدی بوده‌است. درطی قرن هفدهم تزئین سالنهای پذیرائـی ونشیمن بوسیلـه نقاشی رواج یافت. درطی‌قرن نوزدهم پیکر نگاری معمول گردید وتوجه‌به‌طبیعت در نقاشی ایران پدیدآمد. یکی‌از زبردست‌ترین نقاشان قرن‌نوزدهم ایران محمدغفاری (کمال‌الملك) است که ازفرط شهرت‌مستغنی‌از توصیف‌است. استاد نامبرده عده‌زیادی چهرهٔسیاه‌قلم ورنگی ساخته‌که دارای‌صافی‌قلم ونفاست قابل‌ملاحظه‌ای‌هستند .

قالیهای اسلامی

قالیهای بافته شده ظاهراً ازهزارهٔ دوم پیش ازمیلاد درمصروجود داشته اند. امادر طی قرون اولیه‌تاریخ میلادی است که‌بافتن‌قالیهای گره زده وکرکداردراین قسمت ازجهان مورد گواهی است. اما کشفیات شورویها که‌در«پازیریك» درسیبری بعمل‌آمده این نظررا که قالیهای گره زده درعهد باستان یعنی درقرن پنجم پیش ازمیلاد وجود داشته تائید میکـنند [۵۱۰]. دانشمند شوروی رودنکوRudenkoیك قطعه قالی‌بسیارقدیمی وبزرگ راکه‌بوسیله شیشه های عایق‌دارتاکنون‌محفوظ مانده موردبررسی قرارداده است. چون دانشمندنامبرده بافت‌قالی‌مزبوررابایران‌نسبت‌داد، مامیتوانیم‌فرض‌کنیم که‌قالیهائی نظیر آن ازدورهٔ‌هخامنشی درایران بافته میشده است. این تنها مبنائیست که مجال این فرض‌را بمامیدهد .

منسوج معروف دورهٔ ساسانی بنام «بهارخسرو» که درسال ۶۳۷ میلادی بدست عربها غارت شد، پارچه زربفتی بوده مرصع بجواهرات گرانبها ومروارید وتزئینات گونـاگون دیگروحاشیه «مجللی‌برزمینه بسیارفاخرولی ازنوع قالی‌نبوده است.

یك سینی نقره ازکلکسیون قدیمی‌استروگانف Stroganovکه‌پادشاهی رانشان میدهد که برسم شرقیها روی بافته ایکه ممکن است قالی‌بوده‌باشدنشسته قابل ذکراست.

کمی پس ازهجرت‌پیغمبر، درطی قرن هفتم‌میلادی سیاح معروف چینی هوان‌تسانگ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که درحواشی فلات ایران مسافرت میکرده درخاطرات خود صادقانه ترین ستایش را از هنرمندی ایرانی درقالیبافی وپارچه های ابریشمینش نموده است.

جغرافی دانان عرب که درقرون اول هجری ازایران دیدن کرده اند، بعضی ازقالیهای فارس وعده ای ازقالیهای آذربایجان تعریف کرده اند. ابن بطوطه هم که به ایزه درنزدیکی مال امیرکنونی سفر کرده ،دم ازقالیهای بافت آنجا زده است.

این مشهودات وروایات بما اطمینان میدهند که دست کم ازآغازدورهٔ اسلامی بافتن قالی درایران صنعت رایج ومتداولی بوده است. اما قالیهای ارمنی قفقازیه وآسیای صغیر ازلحاظ لطافت پشم ورنگ قرمزخوشرنگ مرغوبیت بیشتری داشته اند.

وجودرابطهٔ نزدیک بین هنر قالیبافی وموزائیك الوان ومینیاتورمسلم است. نسخهٔ خطی دیوان خواجوی کرمانی متعلق بسال ۱۳۹۶ میلادی که درموزهٔ بریتانیا است بانقش قالیهائی آنقدردقیق تزئین شده که درحقیقت وجود اصل آنها تردیدی نیست. راجع بقرن پانزدهم و دورهٔ تیموری هم همینطور است . سردرها ودیوارهای ابنیه مذهبی دورهٔ صفاری که درعکس های ۱۵۷ و ۱۵۸ دیده میشوند میتوانند نمونهٔ عالی برای نقشه های قالی باشند .

درمینیاتورها تامدتها تزئینات قالیها، بااشکال هندسی نقاشی میشد ولی ازقرن شانزدهم این روش تغییر کرد.

صنعت قالیبافی اوقات بیکاری زنانیراکه زندگی خاموش وبدون سرگرمی دارند اشغال میکند ، قالیهای عشایری معروف به بی بی باف خیلی مرغوب و مورد پسند است . صحرانشینان ایرانی برای مصرف خود قالیهائی بارنگهای تندوپرمایه میبافند . یکروزیکی ازآنها درجواب مردی که ازاوپرسیده بود منزلت کجا است؟ گفته بود: «منزل من آنجااست که قالیم گسترده است.» واین بمعنی راحتی وآسایش وتجمل است

در ایران قالیهای خودرا باندازهٔ اطاقهای نشیمن یاسالنهای پذیرائی میبافند. واگر گاهی بعضی ازآنها زیاد درازهستند باین سبب است که معماری ایران مدتها تابع تیرهائی بود که سقف کاخها یا خانه های مسکونی را میپوشانده سلیقه ایرانیها توجهی به تزئینات واشکال هندسی نداشته، بلکه بیشتر طالب گل وبته وصحنه های شکاربوده است. وهمین تزئینات است که درنقره کاری ومینیاتوروکاشی کاری هاهم معمول است. بعضی ازاین قالیها که نقش آن ازصحنه های شکارتشکیل شده وبدست مارسیده درردیف قطعات کمیاب مجموعه ها قراردارند. منجمله قالی موزه پولدی پوتزولی Poldi ـ Pozzoli [۵۱۱] درمیلان، یکی ازمشخص ترین این نوع است که هم تاریخ دارد و هم امضاء .

دیگری متعلق بموزه هنرهای تزئینی پاریس است. این قالی که ازقرن شانزدهم و احتمالا کارکرمان است باصحنه شکاری تزئین گردیده که موضوعش از خمسهٔ نظامی گرفته شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاورنیه سیاح فرانسوی ازکارگاههای قالیبافی شاهی اصفهان دیدن کرده وشرح آنرا درکتاب خود مینویسد . شاردنChardinنقل میکند که مخازن شاهی بهترین نوع پشم گله های منتخب ولطیف ترین ابریشم ونخ های زروسیم وغیره را برای مصرف بافندگان دربار ذخیره میکردند .

قالیبافی درایران تاآغازقرن نوزدهم طبق سبك وروش اصیل وقدیم انجام میگرفت و مهارت واستادی کارگران همپایهٔ زمان قدیم بود . اما کم کم وضع کارتغییر کرد تاحائیکه در پنجاه سال پیش قالیبافان تبریز براهنمائی یك متخصص نقاشی قالیهای عالی بسبك قدیم بافته وبطورمصنوعی آنها راکهنه کرده وسپس کردند آنهارا بجای قالیهای قرون شانزدهم و هفدهم بفروشند واینکاررا باچنان مهارت انجام میدادند که فقط کارشناسان ومخصوصاً متخصصین رنگ میتوانستند تقلب آنها را آشکارکنند .

درابتدای قرن نوزدهم شرکتهای اروپائی برای تهیهٔ قالی درهمدان وکرمان واصفهان کارگاههائی تأسیس گردیدکه باکارگر فراوان و کارمزدارزان شروع بتهیه قالی کردند . شرکتهای مزبورکه باید سفارش سازمانهای بزرگی راکه مأمورمبله کردن وزارتخانه‌ها و هتلهای بزرگ و ساختمانهای اداری بودند انجام دهند وچون محصولشان باید جواب گوی مشتریان معین وثابتی باشندکم وبیش مجبور شدند سبك کار قدیم‌را رهاکرده و نقشه های قدیمی ورنگهای قدیمی را تبدیل به ترئینات مشکوك وغیر اصیل نمایند .

باین دلیل وبدلایل زیراست که آیندهٔ قالی گره خورده درمعرض تهدیدقرارگرفته‌است اولادستمزدنسبت بسابق به‌نسبت‌زیادی‌افزوده شده ثانیاً قوانین‌اجتماعی. کارکردن کودکانرا که سابقاً درکارگاههای قالیبافی کارمیکردند ممنوع وبسن معینی محدود کرده است واین کاربسیاربجایی بوده است. ثالثاً حالادیگرمثل قدیم، حتی درخود ایران هیزارم نیست که کف اطاقهارا بافرشهای گرانقیمت بپوشانند . زیرا مرمروآجرهای کاشی وموزائیك و مواد دیگری جای آنهارا گرفته وسبك فرش کردن دیگری بوجودآورده اند.

مسکوکات اسلامی

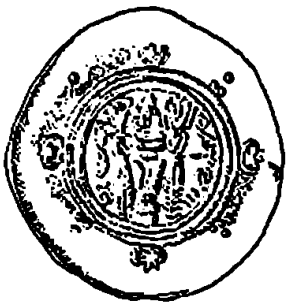
هنگامیکه عرب بااسلام وارد ایران شد، هنوزصورت اسمان برمسکوکات کشور نقش میشد. مسلمانها ابتداآنرا بهمان وضع پذیرفتند وتامدتی باین‌ا کتفا کردندکه روی مسکوکات نوشته کوتاهی بزبان عربی به تمثال شاه بیافزایند اما بتدریج که ازموجودی مسکوکات ساسانی

tarikhema.org

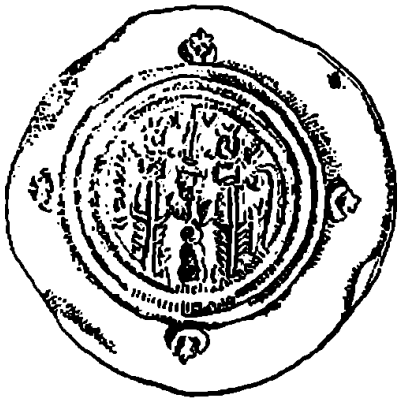
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org











٢٥١ الف	٢٤٩ الف / ٢٤٩ ب
٢٥١ ب	٢٥٠ الف / ٢٥٠ ب



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کاسته میشد بجای آنها مسکوك دیگری که فرمول اسلامی یعنی نام پیغمبر و خلیفه وقت و تاریخ انتشار و نام شهری که آنرا ضرب کرده بر آن نقش شده بود انتشار دادند. امادیری نپایید که غرور و خود پسندی انسان که هیچگاه از پا نمی افتند، نام شاه یا امیر ناحیه که مسکوك در آن ضرب شده بود و لقبی که باو داده شده بود جای خود را پهلوی نام خلیفه باز کرد. (شکل ۲۴۹ الف و ب و ۲۵۰ الف و ب). واین بود وضع مسکوك ایران در زمان سلاطین آل بویه، غزنوی و سلجوقی.

مقارن قرن ششم هجری، خط کوفی که از اول روی مسکوکات نوشته میشد متروك و بجای آن رفته رفته خطوط نسخ، ثلث و نستعلیق نوشته شد.

آخرین پادشاه صفوی، شاه طهماسب دوم که بالفعل سلطنتی داشته در سال ۱۱۳۵ هجری بعد از برکناری پدرش شاه سلطان حسین بدست افغانها، سکهٔ طلای جالبی ضرب نمود که پشت و روی آن در اینجا ملاحظه میشود (شکل ۲۵۱ الف و ب و عکس ۱۷۹).

اینك که این کتاب بپایان میرسد، نمیتوانم از اظهار این آرزوی شدید و صادقانه خود که دوام و بقای حیات مستقل کشور و هنر ایران است خود داری کنم.

اگر عصر ما عصر دلفریبی است از طرفی مولد اضطراب و وحشتی هم هست که برای تمام ساکنین کره زمین محسوس است. تمام کشورها، چه بزرگ و چه کوچك، حدود توان و نیروی خود را میشناسیم و فقر و مسکنت خود خواهی های ملی خود را درك میکنیم. برجهای معروف سن جمینیانو San Geminiano از ازمنه قدیم برادرانی را در خود پناه میداد که با هم دشمن بودند. اکنون بشر میکوشد تمام سطح گیتی را بحکومت های مخالف و دشمن یکدیگر تقسیم کند.

تهران که سابقاً در پناه باغهای فراوانش غنوده بود، اکنون از کثرت ساختمانهای بلند و بی تناسبش رنج میبرد. خشت و آجر و تیرهای باریك و بلند تبریزی و ورقه های آهن جای خود را به بتون و فولاد و شیشه های مسلح داده اند نتیجه گرانی ساختمان و معاملات روی اراضی که موجب افزایش غیر طبیعی آن گردیده، و افزایش وحشت آور مردم شهرنشین سبب تراکم خانواده ها در فضای غیر کافی و فاقد شرایط بهداشت گردیده است و این دردی است که غیر قابل علاج بنظر میرسد. باوجود این دولت میکوشد تا هر چه بیشتر مردم را صاحب خانه و مسکن و آب و برق نماید. این اقدامات اجتماعی و ضروری مستلزم آنست که صاحبان املاك شهری و معماران و مهندسان کوشش فوق العاده برای حسن انجام برنامه ای جامع و کامل بعمل آورند.

اگر این کوشش ها بنحو عاقلانه دنبال شود نتیجه اش آسایش و بهبود زندگی مردمی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خواهد بود که‌ازسلامت وسعادت آن برخوردارخواهند گردید. من آرزومندم که کشورازتعادل بیشتر یعنی سازمانی سالم درتمام طبقات اجتماع بهره مند گردد.

من که مدتی درسایه ساختمانهای باستانی ایران زندگی کرده وقسمت بزرگی ازعمر خود را درآن گذرانده ام ازصمیم قلب این آرزو را برای ایران وایرانی دارم .

پاریس ژانویه ۱۹۶۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جدولهای تاریخی

در ایران	در بین‌النهرین	بتاریخ
هزارهٔ پنجم پیش از میلاد اقوام بومی پیشین ایران که تا آنوقت زمستانها در پناهگاههای طبیعی و تابستانها در کلبه‌هائی از شاخ و برگ درختان زندگی می‌کردند شروع بساختن مساکن گلی کرده کارهای کشاورزی را بشکار و صید افزودند. دست افزارهای سنگی رو بتکامل رفتند. ابزار و آلات سنگی بادسته‌های استخوانی تکمیل شدند. ظروف گلی با نقوش سیاه روی زمینه قرمز نقاشی شدند و با آتش همه پخته شدند.	ظاهراً در بین‌النهرین نه‌تنها از امور کشاورزی مطلع بوده‌اند، بلکه سازمان اجتماعی زراعی هم داشته‌اند که وجودش برحسب توسعه سطح کشت لازم بوده است. چنین بنظر میرسد که Muallalat در شمال نزدیك نینوا و Jarmo در محل فعلی کردستان عراق مراکز تجمع کشاورزان بوده‌است، در هسونا Hassuna، اریدو Eridu و سامره شروع بساختن سفالهای تزئینی می‌کنند.	۵۰۰۰ ق. م.
هزارهٔ چهارم پیش از میلاد ساکنین زاگرس و فلات ایران دهکده‌هائی بوجود آوردند و شروع بزندگی دسته‌جمعی کردند. کشاورزی و پرورش دام توسعه یافت. Herzfeld در تل باکون بقایای سازمانیرا شناخته که در آن تفوق نفوذ زنان حکمفرما بوده. درمیان کاسه و کوزه‌هائی که از قشر سوم تپه‌سیلك یا تپه حصار و ژیان و شوش بدست آمده گاهی شاهکارهائی پیدا می‌شود. هنر معماری کم کم بوجود می‌آید. سلاح‌ها هنوز سنگی هستند ولی در اواخر این دوره شمشیرها و خنجرهای مفرغی و لوحه‌هائی با خطوط اولیه ایلامی بوجود می‌آیند.	دوره‌های اوبائید Ubaïd اوروك Uruk جامبدت Djambdet و نصر Nasr علاوه بر مهره‌های سفالین لوحه‌هائی هم با نوشته‌هائی با حروف ـ Picto graphiques نشان داده‌اند. جمعیت این نواحی با ورود قبائل سامی و سومری افزایش یافت. در دورهٔ اولین سلاله اور Ur ساختمانهای مهمی از معابد و کاخها در Eridu و اور وغیره ساخته شد. این ساختمانها با موزائیك‌های رنگین که جنبه تزئینی زیادی داشتند پوشیده شدند. برروی استوانه‌ها واشیاء مختلف دیگر صحنه جنگ حیوانات و نبردهای گیلگمش نقش می‌شدند. استعمال طلا و نقره منبت‌کاری صدفها متداول گردید. هنر زرگری توسعه یافت. ظرف معروف Entemena و کشفیات مقابر پادشاهان اور نمونه‌های جالب آنها هستند.	۳۰۰۰ ق. م.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بتاریخ	درایران	دربین‌النهرین
۳۰۰۰ ق ۰م	**هزارهٔ سوم پیش از میلاد** ایلام که‌مرکزش Awan استدم ازرقابت باسومر میزند . استعمال فلز بیش‌ازپیش توسعه‌مییابد . رواجد شمال وجنوب‌زیادترمی‌شود مرمروسنگ سفید وقیروبعضی ازسنگ‌های دیگردرساختن اشیاء هنری بکارمیروند. سفالهای کیود و .ذغالگون رواج مییابد . سلاحهای مفرغی‌که درنواحی مختلف فلات‌مانند شوش ، تپه ژیان نزدیك نهاوند بدست می‌آیند بکارمیروند . سفالهای مشابه‌در لرستان کشف شده‌اند . درقشردوم‌شوش ظروف ارغوانی و زینت آلاتی ازطلا وعقیق وسنگ لاجوردپیداشده .	عصرطلا در (Tello_Lagash) لوحهٔ دودو Dudu مزین بشکل عقاب شیرسر نشان‌می‌دهدکه Pictographie متروك وجای‌خودرا بحروف‌معینی‌داده‌است. معماری دورهٔ پیش‌ازسارگن،معابد وکاخهائی برروی تراسهای مرتفع بنا کردند . توسعه مجسمه‌سازی . تزئین دیوارها بوسیله موزائیك بیش از پیش رواج گرفت .
۲۴۰۰ ق-م	عده زیادی ازانواع صدف در تپه سیلك بدست آمده که دلیل وجود رابطه بین ساکنین فلات واهالی‌ساحل دریای‌خزر است .	۲۴۰۰ پیش ازمیلاد. سارگن قدیم، امپراطوری سامی آگده . (اکد) سلسله های‌کهن (۲۳۴۰ ـ ۳۰۰۰ پیش‌ازمیلاد .) پیشرفت قابل ملاحظه حکاکی بروی سنگ‌های سخت . آغاز وپایان دورهٔ‌اکد. کشف عده زیادی مجسمه های بزرگ وکوچك خدایان وپرستندگان درمعابد ماری و جاهای دیگر. پیدایش‌قوانین‌اجتماعی. اولین قانون مدون. اوروکاژینا Urukagina پادشاه لاگاش میکوشد اصلاحاتی در کشور خودکرده تجاوز و رشوه خواری عمال خود راازمیان ببرد. تمدن‌سومریهای‌جدیدکه باتشکیل شهرهای مستقل دراور، لاگاش ولاسرا نمایان‌گرشد، در او اخراین هزاره با گوده‌آ،مجسمه‌سازی باوج ترقی‌رسید،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بتاریخ	دربین النهرین	درایران
	مردم لاگاش Girsu- Nin راکه نشانهٔ مخصوصش عقاب شیرسر است مقدس میشمارند .	
	اورنامو Ur - Nammu سومین سلسله پادشاهان اور را تأسیس کرد و قانونی تدوین نمودویك Zigurat بنام خدای ماه ساخت . درحالیکه حامی و نگهبان اور الههٔ Nin - Hursag است. یك ستون سنگی معروف که تاریخ سلطنت او را نشان میدهد بدست آمده است.	
	اور نامو Ur _ Nammu لاگاش راتسخیرمیکند .	**هزارهٔ دوم پیش از میلاد .**
۱۹۰۰ ق-م	۱۹۰۰ پیش ازمیلاد. اولین امپراطوری آسوری، سومین سلسلهٔ اورتوسط ایلامیها و آموریت ها منقرض گردید .	مهم ترین واقعه این دوره ورود توده های آرین ها به فلات ایران است توسعه قابل ملاحظه تسلیحات، درحالیکه هنر کوزه گری ازرواج میافتد هنرمفرغ کاری اهمیت روزافزونی بخودمیگیرد. سفال آبی صاف درالبرزونواحی مجاور آن رواج پیدا میکند . ساختمانهای باشکوه بوجود میاید. بدنهٔ آنها با نقوش آجری یا گل پخته که شکل موجودات دونوعی یاانسان ودرخت یااشکال دیگری که نشانه باروری است برآنها نقش شده پوشیده میشوند . درزمان اون تاش _ هوبان ۴ ملک ایلام Napir_Asu نپیرازو بصورت کشور بزرگی درآمد . شهر نشینی توسعه یافت. ورود آهن، که تا آنوقت درزینت الات بکارمیرفت . هنر حکاکی روی سنگ نظیرمال بین النهرین است . Inshushinak _ shilak شوش رازیبائی بخشید.
۱۷۲۸ / ۱۶۸۵ ق-م	۱۶۸۵-۱۷۲۸ پیش ازمیلاد . سلطنت همورابی . بابل برآسورمسلط شد. وحدت سومرواکد . همورابی ، ماری را در شمال . وایزین ولاسرا را درجنوب بابل منهدم کرد. پیدایش عده زیادی مخازن آب جهنده . نقاشیهای دیواری درماری .	
۱۶۸۵ / ۱۶۴۸ ق-م	۱۶۴۸ - ۱۶۸۵ پیش از میلاد . Samsu _ iluna کاسیت های زاگرس شرقی کشور بابل را تهدیدمیکنند .	
	۱۵۳۰ پیش ازمیلاد. کاسیت ها دوباره به بابل میآیند .	

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بتاریخ	درایران	دربین النهرین
۱۵۰۰ ق-م	مهاجرت دستهٔ دیگری از آریائی‌ها ایرانیها (مادها و پارس‌ها) در نواحی زاگرس مستقر شدند و خدایان بیگانه‌ای باخود آوردند: سوریا، ماه، ت و بوریا	۱۵۰۰ ق.م. کاسیت‌ها در بابل سلسله ای تأسیس میکنند ۱۴۲۵ ق.م. کوری گالزوی اول Kurigalzu پادشاه کاسیت در بابل شهر Dur Kurigalzu را احداث میکند.
	هزارهٔ اول ق.م. مرحلهٔ تاریک پیش از تاریخ در تمام قسمت اول این هزاره در ایران باقی بود. ازاین زمان هیچ مدرک کتبی ومستندی بدست نیامده. دامنه های البرز دره هائیکه در پناه آنست قبرستانهای زیرزمینی نشان داده اند که در آن سفالهای آبی‌ذغالگون بوفوروجودداشته این کشفیات نشانهٔ تحقیقی آنست که جماعات کشاورزودام دارمعرفهی در آن زمان در نواحی مزبورمیزیسته اند، در مقابرمکشوفه ادوات مفرغی کم ولی قطعات وظروف زیبای سفالی آبی‌بدست آمده. (قبرستان زیرزمینی خوروین معروف به گنج‌تپه، درنزدیکی قزوین).	۱۱۵۵ ق.م. کاسیت ها توسط Shutruk Nahhunté اول ایلامی ازبابل رانده میشوند،
	برعکس در کوهستانهای لرستان مقدارزیادی‌اشیاء مفرغی چه درسابق وچه هم اکنون بدست آمده‌و میآید؛ احتمال آن هست که یادگارهای گرانبهائی‌ازازمنه گذشته‌درقبرستانهای قدیم کلاردشت نهفته باشد وهم ازآنجا است که چندین پارچه ظروف واسلحه طلابدست آمده است. در دخمه ها یا نهانگاههای‌معروف به‌مارلیك اخیراً اشیاء قدیمی بدست آمده که قدمت آنها تقریباً بااشیاء مکشوفه‌درحسنلوزیویه برابری دارد.	۱۱۴۶ ق.م. تجدد یدحیات آسور. بخت‌النصر اول ۱۰۷۸-۱۱۱۶ ق.م. تیگلات پیلازاراول یار تیگلات فالازاراول) آسور نیرومند میشودودایرهٔ قدرتش تاسواحل مدیترانه بسط میبابد.
۸۸۴ ق-م		۸۸۴-۸۶۰ ق.م. آسورنازیرپال دوم کشور بابل رادوباره تأسیس کرد و کاخهای باشکوهی برای‌خود بنانهاد که نمونهٔ آن کاخ نمرود است. هنرآسوری هنرشخص امپراطور گردید وکشورهای دست نشانده وحتی کشورهای دشمن را هم زیر نفوذ خود قرارداده. صنایع فلزکاری، زرگری و حجاری و حکاکی درکمال مهارت و گاهی باحساسیت‌کار میشد. حتی در گاه های‌کاخها حجاریشان درکمال‌دقت ولطافت ساخته میشد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در ایران	در بین النهرین	بتاریخ
در قرون هشتم وهفتم پیش از میلاد در اثر تراکم مهاجرت های جدید، مخلوطی از اقوام سیت، سیمری، اورارتوی، مانائی، کاسیت، مادی پارسی و غیره پیدا شدند.	سالمانازار سوم	۸۶۰
	اولین برخورد با ایران.	
	شمسی اداد پنجم.	۸۲۵
	تیگلات پیلازار سوم.	۸۴۶
	سارگن سوم	۷۲۲
	برتری آشور از تاروس تا خلیج فارس واز ارمنستان تا مصر توسعه یافت.	
	سناخریب	
	آسارهادن مترصد تسخیر دوبارهٔ کشور است که سیمریها اشغال کرده اند(۶۷۳)	۷۰۵
	تاخت وتازسیت ها.	۶۸۱
	آشور بانی پال. اوج ترقی آشور.	۶۷۷
	نابوپولاسار خودرا پادشاه بابل اعلام کرد.	۶۶۸
	نابوپولاسار بدون موفقیت بآشور حمله می کند.	۶۲۶
	اتحاد باماد	۶۱۵
	انهدام نینوا بدست مادها.	
	فتح هران و شکست سباگزار. شهردر دست سباگزار می ماند. بابلیها اراضی آشوریها را اشغال می کنند. پایان مقاومت آشوریها	۶۱۲
	بخت النصر دوم	۶۱۰
	نبونائید اتحاد با کورش دوم.	۶۰۴
	نابونائید هران را مورد حمله قرار میدهد.	۵۵۶
	فتح بابل بدست کورش دوم.	۵۵۳
	کامبیز دوم پادشاه بابل.	۵۳۹
	خشایار. دفع شورش ها. انحلال دولت بابل	۵۲۹
	جنگ گوگمل. اسکندر در بابل.	۴۸۲
		۳۳۱

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

تاریخ		ایران هخامنشی		تاریخ
۸۶۰	اولین برخورد باآشور			
۸۲۵	مادها در ناحیه دریاچه ارومیه			
۷۲۸	مستقر شدنددیوسه Deiocès امپراطوری مادراتأسیس کرد... اکباتان	پارسی‌ها درشمال خاوری شوش نزدیک انشان وکشوری که آنرا پارسوماش نامیدند بنا گرفتند .		۸۲۵
		۷۰۰ ق.م. هخامنش یا اکمنس سرسلسلهٔ هخامنشی .		۷۰۰
		آغاز قرن هفتم وهجوم سیمری‌ها درزاگرس تئیس پس کشور پارسارا تسخیر می کند.		۶۷۵ / ۶۴۰
۶۷۵	۶۷۵ ـ فرااارت پارسی‌هارا تحت اطاعت می‌آورد	کورش اول پادشاه بزرگ پارسوماش	آریارامنا پادشاه بزرگ کشور پارسا .	۶۴۰
	۶۵۳ـ۵۸۵ سیاگزار .		آریارامنا مقهور سیاگزار می‌شود که ایالت پارسوارا تسخیر می کند .سیاگزار بعداً این ایالت را به کامبیز اول می‌سپارد.	۶۲۵
	۶۵۳ـ۶۲۵ هجوم سیت‌ها.			
	۶۲۵ ـ سیاگزار دوباره قدرت را بدست می گیرد و بر پارسوا مسلط می‌شود .	ارو کو		
	۶۱۴ـ سیاگزار آشوررا تسخیر می کند و بانابوپولاسار متحد می گردد.		ارسام	
۶۱۲	۶۱۲ـ انهدام نینوا			
۶۱۰	۶۱۰ ـ فتح هران	کامبیز اول پادشاه بزرگ پارسوماش و پارسا که زیرفرمان مادها بود ماندانا را بهمسری می گیرد		
۵۸۵	۵۸۵ـ۵۵۰ آستیاژ		هیستاسب	
	ماندانا دختر آستیاژ همسر کامبیز اول .			

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایران هخامنشی		تاریخ
(هیستاسپ)	کورش دوم بانابونائید متحد می‌شود .	۵۵۹
	کورش دوم (کبیر) اکباتان را اشغال وسلسلهٔ هخامنشی را تأسیس می‌کند	۵۵۰
	کورش عنوان پادشاه ایران می‌گیرد و لیدی را ضمیمه ایران می‌کند .	۵۴۶
۵۲۱	کورش بابل‌راتسخیرمی‌کند کشو ررابه ساترپیهاتقسیم می‌کند، تأسیس‌بازارگاد و بعد تخت جمشید	۵۳۹
داریوش اول اتوسارا بهمسری می‌گیرد سرکوبی‌شورشهای ایلام وماد وپارتهاو ارمنستان امپراطوری از سند تا مصر و دانوب وسعت میابد .	کامبیزدوم . ایران	۵۲۹
۴۹۰ اولین جنگ با یونان . شکست ایران درماراتن.	جانشین فراعنه در درهٔ نیل می‌شود.	
	اتوسادختر سیروس دوم با کورش ازدواج می‌کند وخشایار زاده می‌شود.	
	خشایارشاه از سال ۴۸۶، طغیان مصر برعلیه ایران	۴۸۶
	دومین جنگ ایران ویونان . سالامین. ایرانیها اروپاراتخلیه می‌کنند تخت‌جمشید(تالارصدستون)	۴۸۰
	اردشیراول	۴۶۵
	پیمان بایونان ، وقفهٔ پیشرفت ایران بطرف‌غرب.	۴۴۹
	خشایاردوم جنگ های خانوادگی .	۴۲۴
	داریوش دوم Nothus.	۴۲۳
	اردشیردوم ، شورش‌مصر .	۴۰۴
	بازگشت ده‌هزارنفری.	۴۰۱
	اردشیرسوم Ochus .	۳۵۸
	تسخیرمجدد مصر	۳۴۲
	ارسس Arsés	۳۳۸
	داریوش سوم Codoman.	۳۳۵
	جنگ بامقدونیه	۳۳۴
	اشغال پایتخت‌های ایران بدست‌اسکندر پایان امپراطوری هخامنشی.	۳۳۱

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	دوران سلوکی‌وپارت		
۳۲۳	مرگ اسکندردربابل. تقسیم امپراطوری اسکندر میان جانشینانش. Antigon فرمانروای قسمت‌شرقی امپراطوری.		
۳۱۲	سلوکوس اول ،آغاز حکومت یونانی درایران . سلوکوس اول ایالت بابل‌را که Antigon اشغال کرده بود پس گرفت		
۳۱۱	سلوکوس اول قدرت خودرا درایران مستقر کرد . وباازدواج باآپامه باطبقه نجبای ایران بستگی پیداکرد . وباچاندراگوپتا-Tchand ragoupta پادشاه تازه هندی مؤسس سلسه موریاس Maurias جنگید .		
۳۰۴	سازش میان سلوکوس اول وچاندراگوپتا . سلوکوس افغانستان‌را بپادشاه‌هند داد ودربرابرفیل جنگی گرفت .		
۳۰۱	نابودی Antigon بدست رقیبان متحده دراپسوس Ipsos . سلوکوس اول استقلال یافت .		
	قسمت مهم آسیای غربی درتصرف سلسله سلوکیه ماند (باستثنای دولت‌های (Pergame ، Bithynie ، Cappadoce ، Pont)سلوکوس برای‌امپراطوری خود دوپایتخت تعیین‌کرد : انطاکیه وسلوکیه درساحل دجله. سلوکیان‌کوشش بسیار کردند تاکشور را بصورت یك‌کشور یونانی درآورند (ساختن شهرهای سبك یونان . زبان یونانی را زبان رسمی کشور کردن) ساتراپیهای بزرگ درآمدهای قابل‌ملاحظه فراهم‌کردند . راه تجارتی‌که ایران‌را ازطریق ترکستان بچین وصل می‌کرد اهمیت‌یافت .		
۲۸۱	آنتیوکوس اول Sôter .		
۲۶۱	دولت باکتریان ازکشور سلوکی‌مجزا گردید .		
	تأسیس دولت اشکانی پارتها.	پارتها قبایل ایرانی مقیم خراسان‌که سواران وتیراندازان ماهر بودند خود را سربازان ملی ایران و وارث هخامنشیان معرفی کردند و برعلیه حکومت سلوکیان قیام کردند .	
۲۴۶	سلوکوس دوم		
۲۲۷	سلوکوس سوم Sôter		
۲۲۳	آنتیوکوس‌سوم، بزرگ .		
	ساتراپیهای پارس و ماد بدو برادر ، اسکندر وملن سپرده‌شد . لشگر کشی		
۲۲۱	آنتیوکوس برعلیه‌ملن‌که شوش‌رااشغال ودعوی پادشاهی‌کرد. ملن فرارکرد .	اشك اول سلسله اشکانیان را تأسیس کرد . ۲۴۸–۲۵۰ ق.م.	
۲۱۲	لشگرکشی آنتیوکوس سوم بطرف مرزهای شرقی . عقد پیمان با اردوان اول پادشاه اشکانی.	تیرداد ۲۱۴–۲۴۸ق.م. آغازدورهٔ‌اشکانی. اردوان اول یك ایالت را به‌آنتیوکوس سوم تسلیم‌کرده و اطاعت او را گردن نهاد . Phripautès. ۱۸۰–۱۹۶ق.م.	

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ-ق.م	ایران سلوکی وپارت	
۱۸۰	فرهاد اول .	۱۸۸ پیمان آپامه
	۱۷٤-۱۳٦ مهرداد اول .	رم سلوکیان را بنفع دولت پرگام از
	غرب ایران را تا خلیج فارس گشود.	آسیای صغیر بیرون می راند .
	پارتها و ارت ایرانی‌ها شناخته شدند.	قتل آنتیوکوس سوم در سوزیان توسط
	مهرداد عنوان شاهنشاه بخود می گیرد	غارتگران شورشی .
	ولی لقب «یونان دوست» را همچنان	ضعف سلوکیان درایران .
	برای خود حفظ می کند . مانند تمام	۱۷٦-۱۸۷ سلوکوس چهارم فیلوپاتر
	پادشاهان اشکانی ستایشگر و حامی	Philopater
	یونانیان باقی می‌مانند.	۱۷۵-۱٦۳ آنتیوکوس چهارم اپیفان
۱۸۰	فتح بابل . دمتریوس دوم اسیر می‌شود .	Epiphane سلطنت راغصب ویك دوره
۱٤۰	پارت‌ها پایتخت خود را در تیسفون نزدیك	توطئه وکشتار در بـاری را ایجـاد
	بغداد مستقر می کنند .	می کند .
۱۳٦	فرهاد دوم .	
۱۲۹	پیروزی ایران برسلوکیان .	
	امپراطوری ایران کـه بدست اسکندر	
	واژگون شد، دوباره توسط پارت‌ها باوسعتی	
	کمتر از زمان هخامنشیان زنده گشت.	
	مرزکشور پارت ها در باختر از ساحل	
	فرات تجاوز نمی کند، پیدایش دولتهای	
	دست نشانـده پارتها : La Perside	
	L' elymaïde (پارس و ایـلام	
	La Cha-(آشور) L'Adiabutene	
	racène ـ و L'osroène.	
۱۲۷		۱٤۱-۱٦۷ قوم بنی‌اسرائیل برهبری
۱۲٤	اردوان دوم شرق را از سیت ها	Macchabée ها برای کسب استقلال
	آزاد ساخت . پـارت از ایـن	خود برعلیه دولت سلوکی می‌جنگد .
	سپس جاده بزرگی را که از دورا Doura	آنتیوکوس پنجم Eupator.
	و پالمیر شروع شده و پس از عبور از ایران	دمتریوس اول Soter.
	در پالمیر بجادهٔ ابریشم متصل می‌شود زیر	اسکندر Bala .
	بازرسی خود می گیرد ـ .	دمتریوس دوم Nicator.
	مهرداد دوم ایران را بصورت یك قدرت	دمتریوس دوم اسیر مهـرداد می‌شود .
	جهانی درآورد ، درغرب با امپراطوری	برادر او آنتیوکوس سیده‌ای میکوشد
	روم ودرشرق با چین درتماس بود و عنوان	ایالات ازدست رفته را پس بگیرد .
۹۱	شاهنشاه بخود گرفت . گودرز اول	۱۳۸ پایان قدرت سلوکیان .
		۱۲۹ شکست آنتیوکـوس سیده‌ای.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران سلوکی و پارت
۸۰	ارد اول .
۷۶	Sinetrocès
۶۹	فرهاد سوم.
۶۴	سوریه ضمیمهٔ روم می‌شود.
۶۰	مهرداد سوم .
۵۶	ارد دوم . ازایران در برابر روم دفاع می کند .
۵۳	پیروزی سورنا، نایب ارد بر کراسوس در سوریه، ترقی دولت پارت .
۳۸	Pacorus اول
۳۷	فرهاد چهارم آنتوان‌را در لشگرکشی به‌آتروپاتن که آذربایجان فعلی است متوقف ساخت .
۲۶	تیرداد دوم. آسیای‌غربی همچنان میان پارتها ورومیها تقسیم شده باقی ماند . مرزمیان دوکشور تعیین گردید. ارمنستان موردمنازعه فیمابین بود .
۲	Phraatacès
۰	میلاد حضرت مسیح
۵	اردسوم .
۸	Vononès اول
۱۰	اردوان سوم . زبان پهلوی زبان‌ملی ایران شد .
۳۶	تیرداد سوم .
۳۸	Cinnamus
۴۰	Vardanès اول
۴۰	گودرز دوم .
۵۱	Vanones دوم
	۵۱–۷۷ بلاش اول ایران شرقی توسط کوشانیان‌اشغال شد
۵۵	Varanès دوم .
۷۷	Pacorus دوم .
۸۰	اردوان چهارم .
۱۰۶	Osroès ۱۰۶–۱۲۹
۱۰۹	بازگشت Pacorus دوم.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران سلوکی وپارت
۱۱٤	تسخیرارمنستان بدست تراژان .
۱۱۵	مهرداد چهارم وپسرش Sanactrucès دوم .
۱۱٦	تسخیرسلوکیه وتیسفون بدست تراژان.
۱٦٦	Parthamaspatès
۱۸۸	شورش اقوام سامی و ایرانی آدرین وفتوحات تراژان درشرق را باستثنای ارمنستان رها کرد
۱۲۹	مهرداد پنجم
۱٤۷	بلاش سوم
۱٦۱	بلاش سوم ارمنستان و Cappadoce وسوریه را اشغال کرد.
۱٦٦	رم حمایت خود را برارمنستان تجدید کرده و آنرا تابکشور Ostroène امتداد داد .
۱۹۱	بلاش چهارم
۱۹۷	سپتیم ـسور جنگ باپارت راازسر گرفت ونینو وسلوکیه وتیسفون رامتصرف شد.
۲۰۹	بلاش پنجم
۲۰۹	اردوان پنجم
۲۲٤	زد وخورد میان اردوان پنجم واردشیرفرمانروای پارس وکرمان ، وسقوط سلسله اشکانی باپایان حکومت اشکانیان مسئله شرق حل نشد . پارتها میخواستند مرزهای غربی امپراطوری قدیم هخامنشی را تادریای سیاه و مدیترانه بدست آورند . رومیان هم آرزوداشتند راهی راکه اسکندررفته بروند و نه تنها آسیا بلکه تمام دنیای آنزمان را زیرفرمان خود درآورند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران ساسانی
۲۲٤	اردشیر که خود را از خانوادهٔ ساسان میدانست بر اردوان پنجم پیروز شده تیسفون را بتصرف درآورد .
۲۲۷	اردشیر اول دسته بندی را که بر ضد او و برای بازگرداندن اشکانیان برهبری خسرو اول پادشاه ارمنستان تشکیل شده بود ازمیان برد و فرمانروای امپراطوری وسیعی گردید که از رود فرات تا مرو وهرات وسیستان را شامل بود.
۲۳۷	برخورد باروم : نصیبین وکرخه را دوباره بتصرف آورد .
۲٤۱	شاپور اول کوشانها را زبرفرمان آورد و پیشاور را متصرف شد
۲٤۲	مانی آئینی آورد که جمع بین آئین مسیح وزرتشت بود. شاپور تمام ادیان را آزاد گذاشته بود .
۲٤٤	شاپور اول بین النهرین وارمنستان را که توسط فیلیپ ملقب به عرب اشغال شده بود بتصرف درآورد .
۲٥٦	شاپور اول انطاکیه را متصرف گردید .
	کتاب مقدس «اوستا» تدوین گردید .
۲٦۰	شاپور اول والرین امپراطور روم را در Edesse اسیر کرده اورا به شوش برد.
۲۷۲	هرمز اول.
۲۷۳	بهرام اول.
۲۷٦	بهرام دوم.
	۲۷٦ مانی تحت تعقیب وشکنجه قرار گرفت، بهرام اول تحت نفوذ روحانیون مزدائی واقع شد.
	اخراج وتبعید یك دسته ازمبلغین مذاهب خارجی که مورد علاقه مردم نبودند .
	جنگهای تازه با روم . بهرام دوم بین النهرین شمالی و ارمنستان را به روم واگذار کرد .
۲۹۳	بهرام سوم توسط نرسی پسر شاپور اول ازسلطنت خلع شد .
	نرسی زد وخورد باروم، ایران ارمنستان کوچك ایالات واقعه در شرق دجله را به دیوکلسین امپراطور روم رها کرد .
۲۹۷	پیمان صلح بین نرسی ودیوکلسین .
۳۰۲	هرمزدوم برای پایان دادن به تهدیدات کوشانها شاهزاده خانمی کوشانی را بهمسری گرفت .
۳۱۰	آذرنرسی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران ساسانی	
۳۱۰	شاپور دوم اوضاع کشوررا تثبیت کرد . دوباره تسلط خودرا بر کوشانها تحمیل نمود . هجوم چینی‌ها و هیاطله را که از متحدین کوشانها بودند متوقف ساخت. جنگ علیه روم (درسال ۳۲۶ کنستانتین مقر امپراطوری را به قسنطنیه انتقال داد تا آسانتر با امپراطوری ساسانی مقابله کند)	
۳۵۹	تسخیر آمیدا Amida درارمنستان . پیروزی شاپور دوم برژولین که تا تیسفون پیش آمده بود . تابعیت بین‌النهرین وارمنستان ازایران تثبیت شد .	
۳۶۳	اعراب بمرزهای ایران تجاوز کردند. شاپور دوم چند قبیله از آنها را مطیع کرد . استقرار روابط دوستانه بین ساسانیان واعراب هیره ولخمی .	
۳۷۹	اردشیردوم.	
	ترقی نفوذ اشراف که تا زمان شاپورسوم وبهرام چهارم ادامه یافت موجب ضعف قدرت شاه گردید .	
۳۸۳	شاپورسوم.	
۳۸۸	بهرام چهارم.	
۳۸۹	تقسیم ارمنستان با روم. چهارپنجم آن بایران تعلق گرفت .	
۳۹۹	یزدگرداول .	یزدگرد اول بادختری یهودی ازدواج کرده مسیحیان را زیر حمایت خود گرفت .
	هیاطله با استفاده از ضعف قدرت مرکزی ایران دولت نیرومندی تشکیل دادند که دردوطرف هندوکش بسط یافته بود .	
۴۱۰		تشکیل انجمن مذهبی مسیحیان درسلوکیه.
۴۲۱	بهرام پنجم.	
	بکمک لشگریان شاهزاده عرب هیره بمسند شاهنشاهی رسید (مداخله ملت بیگانه درامورخانواده سلطنتی ایران).	
	ارمنستان بصورت ایالتی درآمد که زیر نظر عمال شاهنشاه اداره میشد.	بهرام پنجم با آزادی مذهب موافقت کرد،
۴۳۸	یزدگرد دوم .	یزدگرددوم، زرتشتی متعصب، مسیحیان ویهودیان رازیر آرار وشکنجه قرارداد.
۴۵۷	هرمزسوم .	وارد ارمنستان شد . اهالی از قبول آئین زرتشت سرباززدند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران ساسانی	
	امور کشوری و لشگری	امور مذهبی
		آزار و شکنجه دوبارهٔ پیروان مانی پادشاه ایران همچنان به‌آئین مزدائی وفادارماند .
		پس‌ازآنکه کنستانتین آئین‌مسیح‌را پذیرفت (۳۱۲) مسیحیان‌ایران که‌زیر شکنجه روحانیون زرتشتی بودندبخاك روم رفتند درحالیکه مسیحیان پیرو نستوریوس‌که منحرف شناخته شده بود بارامی ایران پناهنده شدند . این مهاجرت کم کم‌نصرانیت‌رادرآسیاتاچین انتشارداد .
٤٥٧	فیروزاول .زد وخورد باهیاطله.	
٤٦١	اعزام‌سفیربچین.	فیروزاول . یهودیانرا قلع‌وقمع‌کرد .
	سیاست بیزانس نسبت بایران این بود که‌ایران باید برای روم حکم‌یك‌کشور عایق‌راداشته‌باشد تا تهاجم قبایل‌وحشی راکه ممکن‌است مرزهای شرقی روم‌را تهدید نمایند درخود هضم نماید .	
٤٨٤	بلاش .	
٤٨٨	قباد اول (پادشاهی‌نوبت اول) به‌هیاطله خراج داد .	قباد اول از انقلاب مزدك (کمونیسم ایرانی) پشتیبانی‌کرد .
٤٩٦	جاماسب برادرخودرا از پادشاهی خلع کردو بزندان انداخت .	روش مسیحیان ایرانی فقط پیروی از اصول‌نسطوری‌بود .
٤٩٩	قباد (نوبت دوم پادشاهی) بالشگری‌از هیاطله بایران‌آمد .	
٥١٨	اعزام مجددسفیربچین	
٥٢٨	» » »	
٥٣١	» » »	
٥٣١	خسرو اول. اصلاحات‌داخلی : انتصاب چهارفرمانده‌لشگری .	
٥٤٠	فتح انطاکیه ـ انهدام قدرت‌هیاطله.	آزادی مذهب برای مسیحیان برقرار گردید .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران ساسانی
	بستن پیمان عدم تعرض پنجاه ساله با بیزانس . امپراطور بیزانس خراجی بایران پرداخت بشرط اینکه ایران باگوت‌های اروپا کـه برعلیه دولت بیزانس حمله‌کرده بودند متحد نشود.
۵۷۸	اوج‌ترقی امپراطوری ساسانی پیش‌از زوال.
	اعزام سفیر بچین . لشگرکشی برعلیه‌سیلان.
۵۷۹	هرمز چهارم .
	برخورد بااشراف . خلع هرمز چهارم‌ازسلطنت .
۵۹۰	خسرو دوم . بهرام چوبین‌که ازاعقاب‌یکی ازبزرگترین خانواده‌های‌اشکانی بوددعوی سلطنت کرد.
۵۹۰	خسروپرویز بـاکمك موریس امپراطورروم‌دوباره بسلطنت رسید ودرعوض‌این کمك قسمتی ازبین‌النهرین وارمنستانرا ازدست داد .
۶۰۲	قتل موریس امپراطور روم . خسرواراضی ازدست داده را دوباره گرفت و رومیان را ازمدیترانه شرقی بیرون‌کرد .
۶۰۵	اعزام سفیربچین
۶۱۰	خسرو پرویز آنا طولی رااشغال کرد. ورومیان را از سوریه‌وفلسطین بیرون
۶۱۶	اعزام سفیربچین.
۶۱۸	تسخیرمصر. امپراطوری هخامنشی‌احیاء شد .
۶۲۶	ایرانیان‌قسطنطنیه‌را محاصره‌کردند . ولی‌امپراطوری بیزانس نجات‌یـافت زیرا بابودن هراکلیوس،روم‌بردریاها مسلط ماند .
۶۲۵	هراکلیوس چند نوبت آسیای صغیر، بین‌النهرین ، ارمنستان و سوریه رامورد تاخت وتاز قرار داده لشگریان ایران‌را شکست داد .
	پیروزی قطعی هراکلیوس درنزدیکی نینوا ، ورود به‌تیسفون .
۶۲۸	خسروپرویز بقتل رسید .
۶۲۸	اردشیرسوم .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شهروراز غاصب از خانوادهٔ غیرساسانی .
خسروسوم
چهوانشهر
بوراندخت دختر خسرو سوم .
شوشنازبنده
آذرمیدخت دختر خسرو دوم .
هرمز پنجم

از خسروپرویز تا یزدگرد سوم ده‌دوازده پادشاه یکی پس‌از دیگری بتخت سلطنت ایران نشستند .
امپراطوری که سازمان لشگریش امتحان خودرا دادبدست‌همین لشگریها تجزیه گردید . سرداران لشگری که فرمانروایان استانها بودند ایالات تحت حکومت خودرا تیول خوددانسته دم از استقلال زدند . درست وضع آخرین روزهای دورهٔ هخامنشی‌تجدید شده بود .

۶۳۰

خسروچهارم.
فیروزدوم.
خسروپنجم .
یزدگرد سوم.

۶۳۲

۶۳۲ ابوبکر که پس‌ازرحلت پیغمبرمقام خلیفه اولرا احرازکرد،بین‌النهرین فعلی را اشغال‌نمود .

۶۳۴ عمربجای ابوبکرنشست ـ خلیفه دوم .

۶۳۷ جنگ قادسیه . تیسفون پایتخت امپراطوری ساسانی بدست اعراب افتاد .

۶۴۲ جنگ نهاوند پیروزی‌عربها.

۶۴۴ عثمان . امواج‌تهاجم عرب تمام نواحی فلات ایران‌را فراگرفت .

۶۵۱ مرگ یزدگرد سوم . فرزندش فیروزبچین پناه برد . پایان سلسله ساسانی

۶۵۶ خلافت علی .

۶۵۸ محکومیت علی .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران اسلامی
	خلفای اموی (۶۶۰ ـ ۷۵۰ میلادی)
۶۶۰	معاویه دردمشق خودرا خلیفه‌اعلام کرد
۶۸۰	یزید اول.
۶۸۴	معاویه‌دوم.
۶۸۵	عبدالملك.
۷۰۰	اولین مهاجرت زرتشتیان بطرف هندوستان .
۷۰۵	ولیداول .
۷۱۷	سلیمان.
۷۱۷	عمردوم .
۷۲۰	یزیددوم .
۷۲۴	هشام .
۷۴۳	ولید دوم.
۷۴۴	یزیدسوم. مروان دوم، شورش شیعه درایران.
۷۴۷	قیام ابومسلم خراسانی‌درمروخراسان.
۷۴۹	ابومسلم خودرا درایران خلیفه خوانده وبنفع خانواده پیغمبر تبلیغ می کرد .
۷۵۰	جنگ زهاب.شکست ومرگ مروان دوم.
	خلفای عباسی (۷۵۰ـ۱۲۵۸ میلادی)
۷۵۰	صفاح پایتخت موقتی کوفه . تأسیس وزارت . اهمیت خانواده برمکی‌درایران
۷۵۴	منصور .
۷۵۴	ابومسلم بفرمان منصوربقتل رسید. ظهورخرمیان وراوندیان‌درخراسان .
۷۶۲	انتقال‌مرکزخلافت به‌بغداد.
۷۷۵	المهدی.
۷۸۵	الهادی .
۷۸۶	هرون‌الرشید.
۸۰۳	زوال برامکه.
۸۰۹	امین .
۸۱۳	مأمون .
۸۱۷	سامانیان ـ امرای‌ماوراءالنهر.
	امرای طاهری
۸۲۰	طاهربن‌حسین سردارلشکرمأمون فرمانروای خراسان شدوسلسله طاهری‌را تأسیس نمود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران اسلامی
۸۲۲	طاهر استقلال یافت .
۸۳۳	المعتصم .
۸۳۶	سامره پایتخت خلفای عباسی شد. سربازان مزدور ترک نگهبان خلیفه شدند
۸۴۷	المتوکل
۸۶۱	قتل المتوکل بدست سربازان مزدور ترک .
	صفاریان (۸۶۲-۹۰۰ میلادی)
۸۶۲	المستعین
	یعقوب لیث صفاری برسیستان مسلط شد.
۸۶۶	سربازان مزدور ترک المستعین را از خلافت خلع والمعتز را بخلافت نشاندند .
	خلافت المعتز .
۸۶۷	یعقوب لیث هرات را بتصرف آورد.
۸۶۹	الموفق .
۸۷۱	یعقوب لیث بحکومت تخارستان منصوب شد.
۸۷۳	یعقوب لیث حکومت طاهریان را برانداخت و درنیشابور مستقر شد .
۸۷۶	یعقوب لیث درحمله به بغداد مغلوب شد.
۸۷۹	عمرو لیث صفاری جانشین یعقوب شد . تجزیه امپراطوری خلفا.
۸۹۸	عمرو لیث فرمانروای ماوراءالنهر گردید.
	سامانیان (۹۰۰ - ۹۹۹ میلادی)
۹۰۰	سامانیان عمرو لیث را خلع کردند . و قلمرو حکومت او را ضمیمه حکومت خود کردند .
۹۰۸	خلع و قتل خلفا.
۹۲۸	آل زیار نواحی ساحلی دریای خزر را گرفتند .
	آل بویه (۹۳۵-۱۰۵۵ میلادی)
۹۳۵	قیام آل بویه برعلیه خلیفه . آنها خوزستان و شیراز و اراک و کرمان را بتصرف آوردند .
۹۴۶	احمد ابن بویه (معز الدوله) واردبغداد شده و بلقب امیر الامرا ملقب گردید و وبسمت نایب خلیفه منصوب شد .
۹۴۹	عضدالدوله به آبادانی وعمران کشور خود پرداخت .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران اسلامی
	غزنویان(۹۶۲-۱۰۴۰ میلادی)
۹۶۲	آلپتکین دست سامانیان راازغزنه کوتاه کرد .
۹۷۶	سبکتکین خراسانرا ضمیمه غزنه کرد.
۹۹۰	بقراخان رئیس ترکهای کرلوك متصرفات سامانیانرا اشغال نمود.
۹۹۷	جلوس محمود غزنوی
۹۹۹	ترکان کرلوك بخاراوماوراءالنهررا منصرف شده وسامانیانرا بیرون کردند .
	سلجوقیان (۱۰۰۰-۱۱۵۷ میلادی)
۱۰۰۰	سلجوقیان ماوراءالنهررا تصرف کردند .
۱۰۳۱	طغرل بیك رئیس قبائل سلجوقی مرورا ازتصرف مسعود غزنوی بیرون آورد .
۱۰۳۷	طغرل بیك نیشابوررا ازغزنویان گرفت .
۱۰۴۰	سلجوقیان خراسان راازغزنویان گرفته ضمیمه متصرفات خودکردند.
۱۰۵۵	طغرل بیك بغدادرا گرفته آل بویه‌را برانداخت .
۱۰۶۳	آلپ ارسلان جای طغرل را گرفت.
۱۰۷۱	منزیکرت ـ امپراطور بیزانس دیوجانس رومانوس اسیرشد .
۱۰۷۲	ملکشاه بجای آلپ ارسلان نشست ـ امپراطوری سلجوقی از مرزهای چین تا سوریه وازماوراءالنهر تاعربستان وسعت یافت .
۱۰۹۱	قیام حسن صباح واستقرار اودرقلعه الموت نزدیك قزوین
۱۱۱۸	سلطان سنجر آخرین پادشاه بزرگ سلجوقی ـ اوفقط درخراسان فرمانروائی کرد.
	ترکان غور (۱۱۴۹-۱۲۰۹ میلادی)
۱۱۴۹	غوریه غزنین‌را متصرف شده بسلطنت غزنویان درایران پایان دادند .
	خوارزمشاهیان(۱۱۷۲-۱۲۳۱ میلادی)
۱۱۷۲	علاءالدین تکش خراسان واصفهان را بتصرف آورد.
۱۱۹۹	سلطان محمدخوارزمشاه.
۱۲۰۹	سلطان علاءالدین محمدافغانستان‌را ازغوریه گرفت .
۱۲۱۸	چنگیزمغول ماوراءالنهر، خراسان وشمال ایران رامتصرف شد .
۱۲۲۳	سلطان جلال‌الدین پسر سلطان محمد خوارزمشاه ایرانرا از چنگ مغول بیرون آورد .
۱۲۲۷	مرگ چنگیزخان .
۱۲۳۱	مرگ سلطان جلال‌الدین ، مغولها دوباره ایرانرا گرفتند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران اسلامی
	پادشاهان مغول (۱۲۵۶ ـ ۱۳۳۴ میلادی)
۱۲۵۶	هلاکو نوه چنگیزخان سلسله پادشاهان مغول ایران را تأسیس کرد ومراغه را پایتخت قرارداد .
۱۲۵۸	هلاکو بغدادرا بتصرف آوردومسیحیانرا تحت حمایت قرارداد. پایان خلافت عباسیان
۱۲۶۵	اباقا ، سیاست هلاکورا دنبال کرد .
۱۲۸۸	ارغون درصدد اتحاد باکشورهای غربی برآمدتا برعلیه مملوکهای مصر بتازد.
۱۲۹۲	احمد تکودار
۱۲۹۵	قازان‌خان ، پیروزی اسلام .
۱۳۰۴	اولجایتوخدابنده مذهب شیعه‌را پذیرفت ، مقر اوسلطانیه بود ، با دربارهای فرانسه و انگلستان پیمان اتحاد بست .
۱۳۳۴	ابوسعیدبهادرخان .
۱۳۱۶	انقراض سلسله مغول هلاکو . ایران بین چندین خانواده محلی تقسیم گردید:
	آل مظفردرفارس و کرمان.
	جلایری ازبغداد تاآذربایجان.
	سربداران درخراسان .
	سلسله کرت در هرات .
	سلسله گورکانیان (۱۳۷۰-۱۵۰۲ میلادی)
۱۳۷۰	تیمورلنگ بلخ را متصرف شد .
۱۳۸۰	خراسان وهرات‌را هم گرفت .
۱۳۸۳	آذربایجان واراك را ضمیمه متصرفات خود کرد.
۱۳۸۶	قتل‌عام اصفهان تسخیر شیرازو بغداد .
۱۳۹۲	تیموربرتمام فارس مسلط شد.
۱۴۰۵	مرگ تیمور .
	شاهرخ پسر تیمور درهرات اقامت گزید.
۱۴۰۷	تسخیرماوراءالنهر .
۱۴۰۸	ایل‌صحرانشین قراقویونلوآذربایجانرا ازقلمروکشورتیموری منتزع وحکومتی تأسیس کرد .
۱۴۱۰	بغداد راهم بمتصرفات خود افزودند .
۱۴۳۵	جهانشاه امیرقراقویونلو .
۱۴۴۷	الغ بیك درسمرقند مستقر گردید.
۱۴۵۰	ابوسعید ماوراءالنهروخراسان وکابل‌رازیرفرمان خود آورد .
۱۴۵۳	امیرقراتویونلواراك،فارس واصفهانرا متصرف گردید.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران اسلامی
۱٤٦۱	اوزون حسن رئیس ایل آق‌قویونلو بدست ترکان عثمانی مغلوب گردید.
۱٤٦۷	اوزون حسن دست جهانشاه قراقویونلورا ازمغرب ایران کوتاه کرد.
۱٤٦۹	سلطان حسین بایقرا آخرین پادشاه تیموری ایران درهرات سلطنت کرد.
۱٤۹۱	اسمعیل صفوی آذربایجانرا ازامیر آق‌قویونلو گرفت.
۱۵۰۰	شاه‌اسمعیل باکورابنصرف درآورد.
	پادشاهان صفوی (۱۵۰۲-۱۷۲۲ میلادی)
۱۵۰۲	شاه‌اسمعیل درتبریز تاجگذاری کرد.
۱۵۰۸	« « بغدادرا بتصرف درآورد.
۱۵۱۰	گرفتن مروازدست ازبکان و تسخیر خراسان.
۱۵۱٤	شکست شاه اسمعیل درجنگ چالدران. ترکان عثمانی تبریز وبین‌النهرین ارمنستان را متصرف شدند.
۱۵۲٤	فتح گرجستان بدست شاه‌اسمعیل.
۱۵۲٤	شاه طهماسب.
۱۵۳٤	ترکها بغدادرا گرفتند.
۱۵۸۷	شاه عباس‌اول.
۱۵۹۷	شاه‌عباس ازبکانرا تاماوراءجیحون راند.
۱٦۰۲	ترکهارا درتبریز شکست داد
۱٦۲۲	جزیره‌هرمزرا ازپرتقالیها پس گرفت.
۱٦۲۳	بغدادرا ازترکها پس گرفت وپایتخت‌را ازقزوین باصفهان منتقل کرد.
۱٦۲۹	شاه‌صفی.
۱٦۳۸	ترکها دوباره بغداد راگرفتند.
۱٦۳۹	صلح باترکها.
۱٦٤۲	شاه‌عباس دوم.
۱٦٦۷	شاه سلیمان. روابط باکشورهای اروپائی‌راتقویت کرد.
۱٦۹٤	شاه‌سلطان حسین آخرین پادشاه صفوی.
۱۷۰۹	طغیان افغانها.
۱۷۲۲	میرمحمود افغان اصفهان‌راگرفت وخودرا شاه خواند. قتل‌شاه‌سلطان‌حسین.
۱۷۲۳	پیمان روس ـ ایران. روسها دربند وباکورا ازایران گرفتند.
۱۷۲٤	جنگ ایران باترکها ـ قرارداد قسطنطنیه ایروان‌وهمدان‌رابترکهاداد.
۱۷۳۰	نادرقلی‌افغانهارا تارومارکرد.
۱۷۳٤	نادردربند وباکورا ازروسها پس گرفت.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاریخ	ایران اسلامی
۱۷۳۶	نادرپادشاه ایران شد . بموجب دومین پیمان قسطنطنیه ایروان دوباره بایران بازگشت
۱۷۳۷	
۱۷۳۹	نادرشاه افغانستان را تسخیر کرد.
۱۷۴۷	فتح لاهور و قتل عام دهلی .
۱۷۴۸	نادرشاه بقتل رسید .
	شاهرخ پسر نادرشاه درخراسان سلطنت کرد .
	زندیه (۱۷۵۰-۱۷۹۹)
۱۷۵۰	کریم خان وحدت ایران غربی را تأمین نمود .
۱۷۷۹	هرج ومرج درزمان جانشینان کریم خان.
	قاجاریه (۱۷۸۶-۱۹۲۵)
۱۷۸۶	آغا محمدخان زندیه را برانداخته درتهران بتخت نشست .
۱۷۹۵	« « اصفهان وشیرازو خراسانرا گرفت .
۱۷۹۷	آغا محمد خان بقتل رسید .
۱۷۹۷	فتحعلیشاه.
۱۸۲۸	عهدنامه ترکمن چای باروسیه- دراین قرارداد ایران ، ارمنستان ، ایروان ونخجوانرا ازدست داد.
۱۸۳۴	محمدشاه.
۱۸۴۴	آغاز تبلیغات باب درشیراز.
۱۸۴۸	ناصرالدین شاه .
۱۸۴۹	ناصرالدین شاه فرمان قتل باب را صادر کرد .
۱۸۹۶	مظفرالدین شاه
۱۹۰۷	محمدعلیشاه توافق روس وانگلیس راجع به قیمومیت ایران .
۱۹۱۹	پیمان ایران وانگلیس . اشغال ایران توسط انگلیس .
۱۹۲۱	رضاخان قدرت رابدست می گیرد - انگلیسیها ایرانرا تخلیه می کنند.
۱۹۲۵	عزیمت آخرین پادشاه قاجار باروپا.
	سلسله پهلوی (۱۹۲۶-۰۰۰)
۱۹۲۶	در ۲۶ اوت رضاخان بسلطنت انتخاب شد .
۱۹۴۱	ارتشهای روس وانگلیس ایرانرا اشغال کردند- رضاشاه مستعفی شد - محمد رضاشاه بسلطنت رسید.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یادداشتها

در متن کتاب شماره های این فهرست در [ ] نهاده شده‌اند.

1. R. Ghirshman : *Fouilles de Sialk*, vol. I, p. 82.

2. G. Contenau : *Manuel d'Archéologie orientale*, t. IV, p. 1828, fig. 1014.

3. R. Ghirshman : *Fouilles de Sialk*, vol. I, pl. LXVI, fig. S, 1766.

4. E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, p. 5, pl. IV.

5. E. H. : *Idem*, p. 4, pl. II et III.

6. A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 14.

7. Voir la liste de Khorsâbâd publiée par Cavaignac dans *Revue archéologique*, XL (1945-1946), pp. 17 et 149.

8. A. Godard : *Bronzes du Luristân*, pl. LVII, fig. 207 et 208.

9. A. G. : *Idem*, pl. LVI.

10. G. Contenau : *Revue archéologique*, 1931, pp. 105 et suiv. et 1837, pp. 148-166; *Manuel d'archéologie orientale*, t. IV, 1947, pp. 2160-2178.

R. Dussaud : « Haches à douille du type asiatique », dans *Syria*, 1930, pp. 245-271; « Ceinture en bronze du Luristan avec scène de chasse », dans *Syria*, 1934, pp. 187-199; « The Bronzes of Luristan », dans *A Survey of Persian Art*, 1938, t. I, pp. 254 et suiv.; « Anciens bronzes du Luristan et cultes iraniens », dans *Syria*, 1949, pp. 196-229.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

R. GHIRSHMAN : *L'Iran, des origines à l'Islam*, 1951, pp. 83 et suiv.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, 1931. « Nouveaux bronzes du Luristân. Les fouilles de Zâlu-âb », dans *Gazette des Beaux-Arts*, 1934, pp. 129-138.

E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East*, 1941. « The Prehistoric Period », pp. 110-117; *Illustrated London News*, 25 mai 1929, p. 892; 1er juin 1929, p. 942; 8 juin 1929, p. 982; *Archeologische Mitteilungen aus Iran*, 1929-1930, pl. IV et V.

S. LANGDON : « The Bronzes of Luristan. Some Inscriptions », dans *A. Survey of Persian Art*, t. I. pp. 279-285.

L. LEGRAIN : *Luristan Bronzes in the University Museum*, Philadelphie, 1934

V. MINORSKY : « The Luristan Bronzes », dans *Apollo*, 1931, pp. 141 142.

A. MOORTGAT : *Bronzegerät aus Luristan*, 1932.

A.-U. POPE : *Illustrated London News*, 6 sept. 1930, p. 388; 13 sept. 1930, p. 444.

M. ROSTOVTZEFF : « Some Remarks on the Luristan Bronzes », dans *Ipek*, 1931.

M. RUTTEN : *Arts et Styles du Moyen-Orient ancien*, 1950, pp. 97 et suiv.

F. STARK : *The Valleys of the Assassins*, 1934.

A. STEIN : *Old Routes of Western Iran*, 1940.

11. E. SCHMIDT : « The second Holmes Expedition to Luristan », dans *Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology*, 1938, pp. 205-216.

12. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 28 A et B, 30 A.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XII, fig. 168.

13. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 40 A et B, et 41 A et D.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XXXV, fig. 151, pl. XXXVI, fig. 154 et 156, pl. XXXVIII, fig 159.

A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 56 E.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XXXIX, fig. 162.

15. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 58 E.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XXXII, fig. 116.

16. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 58 D.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XXXII, fig. 117

17. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 45 A.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. LII, fig. 195 et 196.

Luristan Bronzes in the University Museum, Philadelphie, 1934, pl. II, fig. 2.

18. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 44 B.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. L, fig. 186; *Luristan Bronzes*, pl. I, fig. I, pl. II, fig. 5.

19. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 44 A, C et D.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. LIII, fig. 197, 198, 199, pl. LIV, fig. 200,

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

201, 202, pl. LV, fig. 203; *Luristan Bronzes*, pl. I, fig. 3 et 6, pl. II, fig. 4.

20. *Luristan Bronzes*, pl. V, fig. 13.

21. A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. LVIII, fig. 211.

22. G. CONTENAU : *Manuel d'Archéologie orientale*, t. III, fig. 818.

23. G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. II, fig. 216.

24. H.-R. HALL : *La sculpture babylonienne et assyrienne au British Museum*, pl. LI.

25. G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, t. III, fig. 821.

26. G. C. : *Idem*, t. I, p. 207, fig. 125. *Catalogue Delaporte*, t. II, pl. 16, fig. 11.

27. G. CONTENAU : *Revue des Arts asiatiques*, t. XII, p. 34, fig. 3.

28. G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, t. I, p. 290.

29. G. C. : *Idem*, voir fig. 428. Un sceau-cylindre de la Bibliothèque nationale qui représente le dieu de la végétation avec son symbole, le rameau, et son animal-attribut, le capridé.

30. G. C. : *Idem*, p. 1029, fig. 138.

31. G. C. : *Idem*, p. 1314-1315.

32. G. CONTENAU : *Les antiquités orientales du Musée du Louvre. Sumer. Babylone. Elam*, pl. 52, p. 22.

33. E. HERZFELD . *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 1937, p. 128, fig. 46 a.

34. G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, p. 96, fig. 44, ou *Les antiquités orientales*, pl. 4-5 et p. 10.

35. G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, p. 95, fig. 43.

36. G. C. : *Idem*, p. 272.

37. G. C. : *Idem*, p. 95, fig. 43, et p. 739.

38. G. C. : *Idem*, p. 755, fig. 535.

39. G. CONTENAU : *Les antiquités orientales*, pl. 22.
Voir aussi : L. DELAPORTE : *Catalogue des cylindres orientaux*, t. I, pl. 6, fig. 23; pl. 8, fig. 10 et 12 a; pl. 31, fig. 9; pl. 44, fig. 10; pl. 51, fig. 20 et 21; t. II, pl. 64, fig. 3; pl. 72, fig. 9.

40. G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, fig. 545, 563, 648, etc.
L. DELAPORTE : *Catalogue des cylindres orientaux*, t. II, p. 85, fig. 10.

41. E. HERZFELD : *A.M.I.*. 12-1937, fig. 81, 88, 104, etc.

42. Voir le développement du décor de ce gobelet dans G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, p. 181, fig. 109, et le gobelet lui-même à la page 745, fig. 525, ou dans *Les antiquités orientales*, pl. 22.

43. G. CONTENAU : *Les antiquités orientales*, pl. 9; ou *Manuel d'archéologie orientale*, fig. 357.

44. G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, p. 909, fig. 626; ou *Les antiquités orientales*, pl. 52.

45. G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, p. 901, fig. 623; ou *Les antiquités orientales*, pl. 38.

46. G. CONTENAU : *Les antiquités orientales*, pl. 40.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

47. G. CONTENAU : *Manuel.*, p. 842.

48. A. G. : *Bronzes du Luristân*, p. 85, pl. LVII.

49. C'est le « bol aux bisons couchés » du Musée du Louvre. Il provient de Suse et a été reproduit par G. CONTENAU dans *Les antiquités orientales*, pl. 47 et pl. 21.

50. G. CONTENAU : *Manuel...*, t. II, p. 1026 et fig. 714, 715, 719, 721, etc.

51. G. CONTENAU : *Les antiquités orientales*, p. 22 et pl. 53; *Manuel...*, p. 914-918 et fig. 633.

52. G. CONTENAU : *Manuel...*, t. II, p. 924.

53. G. PERROT et G. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. II, fig. 407, 409, 415.

54. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, t. IV, pl. 64 B.

55. A.-U. P. : *Idem*, pl. 56 C.

56. A.-U. P. : *Idem*, pl. 56 D, 57 D, 58 D.

A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XXVII, fig. 83 et 87.

57. A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. IX, fig. 20 et 20 *bis*.

58. R. GROUSSET : *Les Civilisations de l'Orient*, t. III; *La Chine*, fig. 55.

59. A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XXIX, fig. 108.

60. Voir A.-H. LAYARD : *Monuments of Niniveh*, série II, pl. 57-68.

A. DUMONT : *Les Céramiques de la Grèce propre*, pp. 112-129.

G. CONTENAU : *Manuel...*, t. II, pp. 1339-1352.

G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. II, pp. 735-752.

61. G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, pp. 769-775.

62. Voir E. HERZFELD : *A. M. I.*, t. IX, fig. 257, p. 59.

63. E. H. : *Idem*, fig. 231 a, p. 49.

64. Voir, par exemple, dans L. DELAPORTE : *Catalogue des cylindres orientaux*, t. II, pl. 87, fig. 7 et 9, et pl. 89, fig. 17.

65. C. SCHAEFFER : *Stratigraphie comparée et Chronologie de l'Asie occidentale*, fig. 82, n° 18.

66. J.-E. GAUTIER et G. LAMPRE : « Fouilles de Mussian », dans *Mémoires de la Délégation archéologique française en Perse*, t. VII, fig. 295. Cette figure a été reproduite dans *Bronzes du Luristân*, pl. XIV, fig. 43.

67. Voir *A Guide of the Irak Museum Collections*, pl. XXIV.

68. R. DUSSAUD : « Hache à douille de type asiatique », dans *Syria*, t. IX, p. 247, fig. 43.

69. Voir J. de MORGAN : *La Préhistoire orientale*, t. III, fig. 230.

70. C. SCHAEFFER : *Stratigraphie...*, fig. 90, n° 7.

71. C. S. : *Idem*, fig. 90, n° 8.

72. R. de MECQUENEM : « Offrandes de fondation du temple de Shushinak », dans *Mémoire de la Délégation*

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

archéologique française en Perse, t. VII, fig. 184. Figure reproduite dans *Bronzes du Luristân*, pl. XVI, fig. 48.

73. A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XVI, fig. 49.

74. Voir *A Guide to the Irak Museum Collections* : « A collection of metal and stone weapons of the early Dynastic Period », pl. XXIV.

75. A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XV, fig. 47.

76. C. SCHAEFFER : *Stratigraphie...*, « Tell Ahmar », fig. 82, n° 22.

77. A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. VIII, fig. 16 et 17

78. C. SCHAEFFER : *Stratigraphie...*, fig. 44, n° 6.

79 A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. VII, fig. 14.

80. A. G. : *Idem*, pl. VII, fig. 13.

81. A. G. : *Idem*, pl. IX, fig. 20 et 20 *bis*.

C. SCHAEFFER : *Stratigraphie...*, fig. 265, n° 14.

82. A. G. : *Bronzes du Luristân*, fig. 13, p. 39.

83. A. G. : *Idem*, pl. IX, fig. 21.

84. A. G. : *Idem*, pl. IX, fig. 24, 24 *bis* et 25, 25 *bis*.

85. R.-J. FORBES : *Metallurgy in Antiquity*, p. 94.

86. A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XXIV, fig. 69 et 72.

87. A. G. : *Idem*, pl. XVIII, fig. 57; pl. XXII, fig. 67; pl. XXIII, fig. 68.

88. Voir dans G. CONTENAU (*Manuel...*, t. II, fig. 392) une herminette de l'époque archaïque qui appartient au musée du Louvre, puis dans *Bronzes du Luristân*, les figures 60, 60 *bis*, 61, 61 *bis*, de la planche XX, et les figures 64 et 65 de la planche XXI, ou dans *A Survey of Persian Art*, les figures A et D de la planche 51 du volume IV.

89. Voir dans *Bronzes du Luristân*, les planches XVII, XVIII, XIX

90. *Idem*, pl. XI, XII et dans *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 53.

91. Voir *Bronzes du Luristân*, pl. X et *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 247-252.

92. A. G. : *Bronzes du Luristân*, pl. XL.

93. A. G. : *Idem*, pl. XLI à XLVII.

94. A. G. : *Idem*, pl. XXVII, fig. 87 et 87 *bis*.

95. Voir les cartes qui se trouvent à la fin de *An archaeological Journey in Western Iran*, par sir Aurel STEIN dans *The Geographical Journal*, 10-1938. pp. 313-342.

96. Voir *An Archaeological Journey in Western Iran*, p. 333.

97. *Idem*, p. 332.

98. E. SCHMIDT : *The second Holmes Expedition to Luristan*, p. 211, fig. 10.

99. J. de MORGAN : *Mission en Perse, Etudes géographiques*, t. II, pp. 157-213

100. Aurel STEIN : *An Archaeological Journey...*, p. 330.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

101. J. de MORGAN : *Mission en Perse*, études géographiques, t. II, p. 175.

102. Lire *Grass*, de COOPER, New York, 1925.

۴ ایران هخامنشی

103. HÉRODOTE : *Histoires*, 96-101.

104. E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East*, fig. 324.

105. Voici d'après R.G. KENT, dans *Old Persian* (American Oriental Society 1950, p. 144), le texte entier de ce document, très important pour l'histoire de l'art iranien. Il a été trouvé à Suse par la délégation archéologique française :

« This palace which I built at Susa, from afar its ornamentation was brought. Downward the earth was dug, until I reached rock in the earth. When the excavation had been made, then rubble was packed down, some 40 cubits in depth, another (part) 20 cubits in depth. On that rubble the palace was constructed.

« And that the earth was dug downward, and that the rubble was packed down, and that the sun-dried brick was wolded, the Babylonian people it did (these tasks).

« The cedar timber — a mountain by name Lebanon — from there was brought. The Assyrian people it brought it to Babylon; from Babylon the Carians and the Ionians brought it to Susa. The yaka-timber was brought from Gandara and from Carmania

« The gold was brought from Sardis and from Bactria, which here was wrought. The precious stone lapis-lazuli and carnelian which was wrought here, this was brought from Sogdiana. The precious stone turquoise, this was brought from Chorasmia, which was wrought here. The silver and the ebony were brought from Egypt. The ornamentation with which the wall was adorned, that from Ionia was brought. The ivory which was wrought here, was brought from Ethiopia and from Sind and from Arachonia.

« The stone columns which were here wrought, a village by name Abiradu, in Elam, from there were brought. The stone-cutters who wrought the stone, those were Ionians and Sardians.

« The goldsmiths who wrought the gold, those were Medes and Egyptians. The men who wrought the wood, those were Sardians and Egyptians. The men who wrought the baked brick, those were Babylonians. The men who adorned the wall, those were Medes and Egyptians. »

106. H. LECHAT : *Le Temple grec*. Paris, 1902, p. 10-14.

107. J. DARMESTETER : *Coup d'œil sur l'histoire de la Perse*. Paris, 1885, p. 18.

108. J.D. : *idem*. Paris, 1885, p. 18.

109. Georges RADET : *Notes critiques sur l'histoire d'Alexandre*, deuxième série (1927), p. 110-114

110. Voir aussi A. G. : *Bronzes du Luristân*. Paris, 1931.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۳ ایران سلوکی واشکانی

111. E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran.* Londres, 1935, p. 54 et suiv., pl. VII. L'un de ces deux bas-reliefs représentait le roi X.

112. Sur les palais d'Assur et de Hatra : O Reuther, « Parthian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 411-444. F. Sarre, *L'Art de la Perse ancienne*, p. 25, pl. 58-61.

113. A. G. : « Le Târi Khâné de Dâmghân », dans *Gazette des Beaux-Arts*, décembre 1934, fig. 4, 5 et 6.

114. Oscar Reuther : « Parthian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. 5, fig. 99 *a* et *b*.

115. O. R. : *idem*, fig. 100.

116. O. R. : *idem*, fig. 102.

117. O. R. : *idem*, fig. 103.

118. O. R. : *idem*, fig. 103.

119. O. R. : *idem*, fig. 103.

120. O. R. : *idem*, fig. 106.

121. D. Schlumberger : « The Ghaznavid Palace of Lashkari-Bazar », dans *The illustrated London News*, 25 mars 1950, fig. 2 à 6.

122. A. G. : « Khorâsân », dans *Athâr-é Iran*, 1949, p. 75, fig. 59.

123. F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*. Trad. P. Budry, pl. 58-61.

124. C.-E. Yate : *Khurasan and Sistan*, Londres 1900, p. 85 et suiv.

Sir Henry Rawlinson : « Notes on Sistan », dans *Journal of the Royal Geographical Society*, 1873, p. 272.

Sir Aurel Stein : « Expédition in Central Asia », dans *The Geographical Journal*, mai 1916, p. 362.

Sir Aurel Stein : *Innermost Asia*, II, 1928, pp. 909-925.

E. Herzfeld : *Archaelogische Mitteilungen aus Iran*, Berlin, 1932, t. IV, pp. 1 à 116.

E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, Londres, 1935, pp. 58-74.

E. Herzfeld : *Iran in the Ancient East*, 1941, pp. 291-297.

125. Hérodote identifie ici le dieu suprême des Perses, Ahuramazda, avec le dieu suprême du panthéon hellénique.

126. Hérodote : *Clio*, 131.

127. Strabon . XV, chap. III, 13.

128. L.-W. King et R.-C. Thompson : *The Sculpture and inscription of Darius the Great on the Rock of Behistun in Persia*, p. 13.

129. E. Flandin : *Relation du voyage en Perse*, Paris, 1851, t. II, pp. 393-394.

130. M. Dieulafoy : *L'acropole de Suse*, t. IV, fig. 264.

131. E. Herzfeld : « Recent discoveries at Persepolis », dans *J.R.A.S.*, janv. 1934, p. 226. *Iran in the Ancient East.*

132. A. Houtum-Schindler : *Eastern Persian Irak*, Londres, 1897, p. 98.

٥٠٥

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, Londres, 1935, p. 50 et suiv.; *Iran in the Ancient East*, pp. 281-285.

133. Sur le temple de Kengâwar, voir :

R. Ker Porter : *Travels in Georgia, Persia, Armenia*, etc., 1821, 22, t. II, p. 140 et suiv.

C.-F.-M. Texier : *Description de l'Arménie, la Perse et la Mésopotamie*, Paris, 1839 et 1842-1852, t. I, p. 160, pl. LXII et LXVIII, t. II, pp. 87-90.

E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, Paris, 1851 ; *Perse ancienne*, pp. 11-15, pl. 72-74.

M. Dieulafoy : *L'art antique de la Perse*, Paris, 1885, pp. 1-11, fig. 1-5.

F. Sarre et E. Herzfeld : *Iranische Felsreliefs*, Berlin, 1910, pp. 224-235. pl. XLVII et XLVIII.

E. Blochet : *Les peintures des manuscrits orientaux de la Bibliothèque Nationale*, Paris, 1914-1920, p. 120, n° 1.

E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, Londres, 1935, p. 50.

E. Schmidt : *Flights over Ancient Cities of Iran*, pl. 104.

E. Herzfeld : *Iran in the Ancient East*, 1941, pp 281-285.

134. Traduits et publiés par M.-L. Robert, dans *Hellenica*, vol. VII, 1949, pp. 7-8.

135. Sur Masdjid-é Sulaimân, voir :

E. Herzfeld, dans *Naft*, 1929.

M. Siroux : « Masdjid-é Sulaiman », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 157-160.

A. G., dans « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 41-51.

Aurel Stein : « An Archaeological Journey in western Iran », dans *The Geographical Journal*, oct. 1938, p. 326.

E. Herzfeld : *Archaeological Mitteilungen aus Iran*, t. I, pp. 71-72.

Aurel Stein : *Old routes of western Iran*, p. 161.

E. Herzfeld : *Iran in the Ancient East*, pp. 276, 303, 305.

136. Sur Badr Neshandé (ou Bard Neshandè), voir :

Aurel Stein : *Old Routes of western Iran*, pp. 160-161.

A. G. : « Badr Neshandè », dans *Athâr-é Iran*, 1949, pp. 153-162.

137. Hérodote : *Clio*, 132.

138. Voir sur ce monument :

R. Ker Porter : *Travels*, t. II, pp. 557-561.

H. Rawlinson : *J.R.G.S.*, 1840, p. 65.

C. Barbier de Meynard : *Dictionnaire*, p. 367.

G. Rawlinson : *The five great monarchies*, t. II, p. 271.

J. Marquart : *Eransahr*, p. 109.

G. Le Strange : *The Lands*, p. 223.

Hamd Allah Mustawfi : *Nuz'at al-Kulub*, trad. G. Le Strange, p. 69. (Saturik).

Bulletin of the American Institute, déc. 1937. A.-U. Pope : « The Signifiance of the Site », pp. 71-83. - Mary Crave : « The historical Documents », pp. 84-91. - Donald N. Wilber : « Summary Description of the extant Structures », pp. 92-105. - Phyllis Ackerman : « The Trone of Khusraw », pp. 105-109.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

Donald N. WILBER : « The Parthian Structure at Takht-i-Sulaiman », dans *Antiquity*, déc. 1938, pp. 389-410.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 15-19.

O. REUTHER : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, p. 551.

E. SCHMIDT : *Flights over Ancient Cities of Iran*, pp. 72-74, pl. 87-90.

J. RUSKA : Art. « Shiz », dans *Encyclopédie de l'Islam*.

W. JACKSON : *Persia. Past and Present*, pp. 125-143.

A. CHRISTENSEN : *L'Iran sous les Sassanides*, pp. 159 et 161.

E. HERZFELD, dans *Naft* (*Journal de l'A.I.D.C.*), 1929.

139. E. HERZFELD : *A.M.I.*, t. I, pp. 71-72.

E. HERZFELD : *Archaeological History of Iran*, p. 93.

M. SIROUX : « Masdjid-é Sulaimân », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 157-160.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 49-51.

Aurel STEIN : « *An Archaeological Journey in western Iran* », dans *The Geographical Journal*, oct. 1938, p. 326.

Aurel STEIN : *Old Routes in western Iran*, p. 161.

E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East*, pp. 276. 303-305.

M. MERCIER et A. SÉGUIN : *Le culte du feu dans ses rapports avec les « feux éternels » et le « naphte »*, pp 23-24.

140. J. de MORGAN : *Manuel de numismatique orientale*, p. 195

141. Aurel STEIN : « An Archaeological Journey in western Iran », dans *The Geographical Journal*, oct. 1938, pp. 324-326 ; *Old Routes of Western Iran*, pp. 130-159

142. A. G. : *Bronzes du Luristân*, Paris, 1931, p. 33.

143. Voir sur les découvertes de Shami :

Aurel STEIN : « Ancient ways in Iran », dans *The Times*, 6 juil. 1936.

A. G. : « Les statues de Shami », dans *Athâr-é Iran*, 1937, pp 285-305.

Aurel STEIN : « An Archaeological Journey in western Iran », dans *The Geographical Journal*, oct. 1938, pp. 324-326.

Aurel STEIN : *Old Routes of Western Iran*. pp. 130-159.

144 HÉRODOTE : I, 133.

145. M.-I. ROSTOVTZEFF : *Tableaux de la vie antique*, pp. 35 et 37.

146. Aurel STEIN : « An Archaeological Journey in western Iran », dans *The Geographical Journal*, oct 1938, p. 325.

۴ ایران ساسانی

147. A. CHOISY . *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 14.

148. A. C. *Idem*, t I, p. 104

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

149. HOUTUM-SCHINDLER, dans *Eastern Persian Irak*, p. 117.

150. M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, ou F. SARRE : *L'art de la Perse ancienne*, p. 68.

151. A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, t. III, fig. 32.

152. M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, 4e part., chap. Ier

153. A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. I, p 104

154. Voir une photographie de la coupole principale du palais dans *Athâr-é Iran*, 1949, fig. 162.

155. A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. I, pp 23-24.

156. Voir *Athâr-é Iran*, 1938, t. III, fig. 103-106.

157. M. de VOGUÉ : *Les églises de la Terre Sainte*, p. 394.

158. A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. I, p. 22.

159. A. C. : *Idem*, t. I, p. 22.

160. E. FLANDIN et P. COSTE : *Voyage en Perse*, « Perse ancienne », pp. 40-43, pl. 38-42 ; « Perse moderne », pl. 97.

E. FLANDIN : *Relation du voyage en Perse*, t. II, p. 344.

M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, t. IV, pp. 30-76.

J. DIEULAFOY : *La Perse*, pp. 142-144.

G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. V « Perse », pp. 561-588.

A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. I, pp. 104, 113-114, 118-119.

F. SARRE et E. HERZFELD : *Iranische Felsreliefs*, p. 128 et suiv.

Cl. HUART : *Encyclopédie de l'Islam*, article « Firuzabad ».

F. SARRE : *L'Art de la Perse ancienne*, p. 33.

E. HERZFELD : *Reisebericht*, p. 254.

Aurel STEIN : *An Archaeological Tour*, pp. 120-122.

A. CHRISTENSEN : *L'Iran sous les Sassanides*, pp. 82, 88-89.

R.-P. SPIERS : *Architecture East and West*, p. 73.

A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, pl. IV, pp. 146-147.

O. REUTHER : « Sassanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 493, 496, 517, 534-536.

R. GHIRSHMAN, dans *B. I. F. A. O.*, t. XLVI, p. 13 du tirage à part.

E. HERZFELD : *Archaeological History of Iran*, p. 96 et suiv.

161. Voir le plan de ce palais dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 150.

162. E. SCHMIDT : *Flights over Ancient cities of Iran*, pp. 8-12, pl. 1-7.

163. E. FLANDIN et P. COSTE : *Voyage en Perse*, « *Perse ancienne* », pp. 44-45, pl. XXXIV.

J. DIEULAFOY : *La Perse*, p. 141.

R. BYRON : « Note on the Qal a-i Dukhtar at Firuzabad », dans *Bulletin of the American Institute*, déc. 1934, pp. 3-6.

E. HERZFELD : *Archaeological History of Iran*, p. 95.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

Aurel STEIN : *Ancient Persis*, pp. 123-127.

R. BYRON : *The road to Oxiana*, p. 170.

O. REUTHER : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, p. 536.

R. GHIRSHMAN : « Firuzabad », dans *B.I.F.A.O.*, t. XLVI, pp. 2-5 du tirage à part.

164. Voir le plan dans Aurel STEIN : *Ancient Persis*, p. 125.

165. Voir sur ce monument :

E. FLANDIN et P. COSTE : *Voyage en Perse*, « Perse ancienne », pp. 23-28, pl. 28 et 29.

E. FLANDIN : *Relation du voyage en Perse*, t. II, pp. 374-377.

M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, t. IV, pp. 1-29, 41-76, pl. I-VIII.

J. DIEULAFOY : *La Perse*, pp. 134-136.

G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. V., pp. 565-567.

A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. I, pp. 104-105, 119-120.

F. SARRE et E. HERZFELD : *Iranische Felsreliefs*, p. 131.

F. SARRE et E. HERZFELD : *Archaeological Reise...*, t. II, pp. 332 et suiv.

F. SARRE : *L'art de la Perse ancienne*, p. 34.

Cl. HUART : *La Perse antique*, p. 249.

A. CHRISTENSEN : *L'Iran sous les Sassanides*, p. 274.

O. REUTHER : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I. pp 518, 536-537.

E. SCHMIDT : *Flights...*, pp. 21-22, pl. 18-21.

A. G. : « Voûtes iraniennes », dans *Athar-é Iran*, 1949, p. 197.

166. Voir le plan de ce palais dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 151.

167. A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. I., p. 105, fig. 4 M.

168. A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 152.

169. Voir sur ce monument

Fiske KIMBALL : « The Sasanian building at Damghan », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 579-583.

A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 174 C., 176 B. 117 D. 178 D.

« A Sasanian Palace at Tepe Hisar », dans *The Pennsylvania Museum Bulletin*, mars 1932, p. 121.

E. SCHMIDT : *Excavations at Tepe Hisar*, pp. 327-350.

E. SCHMIDT : *Flights...*, pp. 34-37, pl. 11.

170. Voir le plan de ce palais dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 166.

171. Voir sur ces monuments

S. de SACY : *Mémoires sur diverses antiquités*, p. 235.

R. KER PORTER : *Travels...*, t. II, pp. 212-216.

BARBIER de MEYNARD : *Dictionnaire*, pp. 448-449.

J. de MORGAN : *Mission en Perse*, t. II, « Etudes géographiques », p. 111 Du,

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

même « Recherches archéologiques », t. II, pp 341-346.

G. Le Strange : *The Lands...*, p. 63.

F. Sarre et E. Herzfeld : *Iranische Felsreliefs*, pp. 236-240.

M. Streck : Article « Kasr-é Shirin », dans *Encyclopédie de l'Islam*.

P. della Valle : *Viaggi*, Parte seconda, pp. 4-5.

Cl. Huart : *La Perse antique*, p. 246.

G.-L. Bell : *Palace and Mosque at Ukhaidir*, pp. 44-50, 69-72, pl. 51-73.

E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, p. 88.

A. Christensen : *L'Iran sous les Sassanides*, pp. 450-451.

Hugo Monneret de Villard : « The Fire Temples », dans *Bulletin of American Institute*, déc. 1936, p. 175.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, p. 10.

O. Reuther : « Sasanian architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 504, 539-543, 552-554.

172. Voir le plan de ce palais dans *A Survey of Persian Art*, vol. I. fig. 153 et 154.

173. Voir *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 158.

174. Voir sur ce monument :

P. della Valle : *Viaggi*, vol. I, pp. 410-411.

Karsten Niebuhr : *Reisebeschreibung nach Arabien*, t. II, pp. 305-306.

J.-S. Buckingham : *Travels...*, t. II, chap. XIII.

E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, texte pp. 174-177 ; illustrations IV, pl. 216-218.

A.-H. Layard : *Discoveries...*, p. 570.

M. Dieulafoy : *L'art antique de la Perse*, pp. 61-78, pl. III-VI.

M. von Oppenheim : *Vom Mittelmeer...*, p. 284.

F. Sarre et E. Herzfeld : *Iranische Felsreliefs*, pp. 129-130.

G.-L. Bell : *Amurath...*, pp. 179-183.

G.-L. Bell : *Palace and Mosque*, pp. 129-132, 134-138.

M. Streck : « Seleucia und Ktesiphon », dans *Der Alte Orient*, 1917, p. 37.

F. Sarre et E. Herzfeld : *Archaeologische Reise*, t. II, pp. 46-76 ; t. III, pl. XXXVIII-XLIV ; t. IV, pl CXXIII-CXXVII.

O. Reuther : *Die Ausgrabungen der deutschen Ktesiphon-Expedition;* « The German Excavations at Ctesiphon », dans *Antiquity*, 1929, pp. 434-451.

E. Kuhfeld : *Die Ausgrabungen der zweiten Ktesiphon-Expedition*, Berlin, 1933.

A. G. : *Nouvelle histoire universelle de l'art*, t. I, pp. 184-185.

E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, pp. 93-95.

175. E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, p. 95.

176. A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, p. 67 et suiv.

177. J.-B. Tavernier : *Les six voyages...*, p. 316.

J. Offer : *Voyage en Turquie et en Perse*, pp. 184-188.

Sylvestre de Sacy : *Mémoire sur diverses antiquités...*, Paris, 1793. Nouvelle édition, Paris, 1840, pp. 211-270.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

MACDONALD KINNEIR : *Geographical Memoire...*, pp. 132-136.

R. KER PORTER : *Travels...*, t. II, pp. 164-166.

G. KEPPEL : *Personal narrative...*, t. III, pp. 35-47.

H. RAWLINSON : *J.R.G.S.*, t. IX, p. 116.

E. FLANDIN et P. COSTE : *Voyage en Perse*, texte pp. 1-7 ; illustrations, pp. 1-14, 78-79.

G. BARBIER de MEYNARD : *Dictionnaire*, pp. 345-348 (article Schebdiz).

G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. V, pp. 522, 580, 585.

E. FLANDIN : *Relation du voyage en Perse*, t. I, pp. 426-443.

G.-N. CURZON : *Persia...*, t. I, pp. 560-563.

J. de MORGAN : *Mission en Perse*, t. II, « Etudes géographiques », pp. 54-56, 62-67, pl. XXXI-XXXIV.

Du même : t. IV, « Recherches archéologiques » II, p. 303, pl. XXXIV-XXXVIII.

W. JACKSON : *Persia past and present*, pp. 213-233.

F. SARRE et E. HERZFELD : *Iranische Felsreliefs*, pp. 199-212, pl. XXXVI-XXXIX.

E. BLOCHET : *Les peintures des manuscrits orientaux*, p. 120.

E. HERZFELD : *Reisebericht*, pp. 229-283.

F. SARRE : *L'art ancien de la Perse*, p. 39, pl. 84-97.

Cl. HUART : *La Perse antique...* p. 240

M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, t. V, pp. 95, 114-115, 121.

A. G. : « L'art de la Perse ancienne », dans *Nouvelle histoire universelle de l'art*, p. 186.

E. HERZFELD : *Archaeological History of Iran*, p. 79.

A. CHRISTENSEN : *L'Iran sous les Sassanides*, pp. 249, 451, 599.

E. HERZFELD : « La sculpture rupestre », dans *R.A.A.*, t. V, pp. 138-142.

O. REUTHER : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 519 et suiv., 569.

F. SARRE : « Sasanian stone sculpture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 593-600.

E. HERZFELD : *Iran in the ancient East*, pp. 210, 260, 278, 298, 306, 326, 339.

Sur la date de Tak-é Bostan :

K. ERDMANN : « Das Datun des Tak-i-Bustan » dans *Ars islamica*, t. IV pp. 138-142.

E. HERZFELD : « Kusraw Parwez und der Tagi Vastan », dans *A.M.I.*, t. IX 1938, pp. 191-198.

178. E. FLANDIN et P. COSTE : *Voyage en Perse*, texte pp. 172-173 ; illustrations, t. IV, pl. 214-215.

J. de MORGAN : *Mission en Perse*, t. II. p. 105, pl. XXXVI

Cl. HUART : *La Perse antique*, pp. 245-246, fig. 29.

H. RAWLINSON : *J.R.G.S.*, t. IX, p. 34.

E. FLANDIN : *Relation du Voyage en Perse*, t. I, p. 465.

F. SARRE et E. HERZFELD : *Iranische Felsreliefs*, pp. 235-236, pl. XLVII

Discussion de la date dans K.-A.-C

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

CRESWELL. *Early Muslim Architecture*, pp. 137-139.

E. HERZFELD : *A.M.I.*, t. II, p. 80.

O REUTHER : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 493, 509, 570.

179. E. HERZFELD : *Iran in the ancient East*, p. 302, fig. 398.

180. E. HERZFELD : (Gira) *Archaeological History of Iran*, pp. 91 et suiv.

181. A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 58-172

182. Voir M. CARRÉ : « Une ville morte de la Perse orientale », dans *L'Illustration*, XXVII, 1908, p. 434.

183. C.-E. YATE : *Khurasan and Sistan*, p. 85.

Voir sur ce monument :

H. RAWLINSON : « Notes on Sistan », dans *J.R.G.S.*, vol. XLIII, 1873, p. 272.

General LOVETT : *J.R.G.S.*, vol. XLIV, 1874, p. 145.

C.-E. YATE : *Khurasan and Sistan*, pp. 85 et suiv.

SYKES : *Ten thousand miles in Persia*, pp. 378 et suiv.

Aurel STEIN : « Expedition in Central Asia », dans *The Geographical Journal*, vol. XLVII, n° 5, mai 1916, p. 362.

E. HERZFELD : « Reisebericht » dans *Z.D.M.G.*, 1926, p. 270

M. ROSTOVTZEFF : *Dura and Problems of Parthian Art*, pp. 177-178.

Aurel STEIN : *Innermost Asia*, t. II, pp. 909-925, pl. 52-54

F.H. ANDREWS : *Catalogue of Wall-Paintings from Ancient Shrines in Central Asia and Sistan*.

E. HERZFELD : *A.M.I.*, t. IV, pp. 1 à 116.

E. HERZFELD : *Archaeological History of Iran*, pp. 58-74.

H. MONNERET de VILLARD : « The Fire Temples », dans *Bulletin of the American Institute*, vol. V, 1936, p. 175.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, p. 53.

E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East*, pp. 287, 291-297, 301, 319, 324, 332.

184. E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East*, pl. XLVII.

185. A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 60-61.

J. MORIER : *Second voyage en Perse*, traduction française, 1818, t. I., p. 301.

R. KER PORTER : *Travels...*, t. I, p. 437.

T. DUBEUX : *La Perse*, p. 23.

P. COSTE : *Monuments modernes de la Perse*, p. 35.

W. JACKSON : *Persia past and present*, pp. 252 et suiv.

F.B. BRADLEY-BIRT : *Through Persia*, p. 270.

E. SCHMIDT : *Flights...*, pl. 28.

186. PAUSANIAS : *Periégèse*, Elide, v. 27.

187. A. G. : « Natanz », dans *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 79-82.

A. G. : « Les monuments du feu » *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 28-29.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

188. M. Siroux : « Petit monument sassanide, près de Kazerûn », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 135-139.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 29-30 et 170.

189. E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, « Perse ancienne », pp. 36-39, pl. 35-37 ; « Perse moderne », pl. XCVII.

C.-A.-C. Barbier de Meynard : *Dictionnaire*, pp. 174-176.

Mas'udi : Traduction Barbier de Meynard, t. IV, p. 78.

Tabari : Traduction française de Zotenberg, t. II, p. 71.

Firdawsi : *Le Livre des rois*, traduction Mohl, t. V, p. 242.

Tabari : Traduction allemande de Th. Nöldeke, p. 11.

E. Flandin : *Relation du voyage en Perse*, t. II, pp. 339-344.

M. Dieulafoy : *L'art antique de la Perse*, t. IV, pp. 79-84, pl. XIX et XX.

G. Perrot et Ch. Chipiez : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. V, pp. 645 et suiv.

J. Dieulafoy : « La Perse... », dans *Le Tour du Monde*, 1886, 2e semestre, p. 81.

G. Le Strange : *The lands*, p. 255.

Cl. Huart : Article « Firuzabad », dans *Encyclopédie de l'Islam*.

E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, p. 90.

U. Monneret de Villard : « Fire Temples », dans *Bulletin of the American Institute*, déc. 1936, p. 176.

E. Schmidt : *Flights*.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 19-26.

Aurel Stein : *Ancient Persis*, pp. 119-120.

O. Reuther : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 566-567.

R. Ghirshman : « Firuzabad », dans *B.I.F.A.O.*, t. XLV., pp. 14-28 du tirage à part.

190. Voir *Athâr-é Iran*, 1933, fig. 6.

191. A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 73-74.

192. A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 73-79.

Ahmad b. Husain b. Ali Al-Kaiib : *Nouvelle histoire de Yazd*, écrite dans les premières années du IXe siècle de l'Hégire et rééditée à Yazd en l'année 1317 (1938), p. 128.

A. G. : « Additions », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 326-327.

193. Voir plus haut, pp. 115-117.

194. Voir plus haut, pp. 117 et suiv.

195. E. Herzfeld : « Reisebericht », dans *Z.D.M.G.*, 1926, pp. 232-233.

E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, pp. 88-89.

H. Monneret de Villard : « The Fire Temples », dans *Bulletin of the American Institute*. déc. 1936, p. 175-176.

M. Siroux : « Takht-é Rostam » et « Takht-é Kaika'us », dans *Athâr-é Iran*, 1938, p. 93-110.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, p. 45.

E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East*, p. 304.

196. G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. V, p. 631.

197. E. FLANDIN : *Relation du voyage en Perse*, t. II, p. 333.

M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, t. IV, pp. 77-78, fig. 56-57.

J. DIEULAFOY : *La Perse...*, p. 94.

G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, t. V, pp. 568 et 588.

E. HERZFELD : *Reisebericht*, p. 256.

E. HERZFELD : *Archaeological History of Iran*, p. 92.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 28-29 et 170-171.

O. REUTHER : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, pp. 503 et 551.

A.-P. HARDY : « Le monument de feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 30-32 et 169-170

O. REUTHER : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, p. 551-552.

199. A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 32 et 170-171

200. HAMD-ALLAH MUSTAWFI : *Nuzhat al-Kulub*. Trad. G. Le Strange, p. 73 (Namiswar).

A. HOUTUM-SCHINDLER : *Eastern Persian Irak*, p. 95.

A. G. : « Natanz », dans *Athâr-é Iran*, 1936, p. 76.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 32-39.

201. A. HOUTUM-SCHINDLER : *Eastern Persian Irak*, p. 117.

A.-P. HARDY : « Les monuments de Neisar », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 163-166.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 41-43.

A. G. : « Voûtes iraniennes », dans *Athâr-é Iran*, 1949, pp. 188-209.

202. M. SIROUX : « Le Kal'è Dukhtar de Kumm », dans *Athâr-é Iran*, 1938. pp. 113-120.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 39-41.

203. M. SIROUX : « Le Kal'è Dukhtar de Shâhrestanek », dans *Athâr-é Iran*, 1938, p. 123-132.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, p. 41.

204. CHARDIN : *Voyages...* Edit. L. Langlès, t. VIII, p. 206.

R. KER PORTER : *Travels...*, t. I, p. 456; t. II, p. 32.

Myron BEMENT SMITH : « Three monuments at Yazd-i-Khwast, dans *Ars islamica*, 1940, p. 104.

M. SIROUX : « La mosquée Djum'a de Yazd-i-Khwast, dans *B. I. F. A. O.*, t. XLIV, pp. 101-118.

A. G. : « Voûtes iraniennes », dans *Athâr-é Iran*, 1949, p. 364.

205. Aurel STEIN : *Old Routes of Western Iran*, p. 72, fig. 21.

A. G. : « Voûtes iraniennes », dans *Athâr-é Iran*, 1949, p. 367.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

206. A. G. : « Voûtes iraniennes », dans *Athâr-é Iran*, 1949, p. 367.

207. E. Herzfeld : « Reisebericht », dans *Z.D.M.G.*, 1926, pp. 275-276.

E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, p. 89.

E. Diez : *Encyclopédie de l'Islam*, supplément, article Kubba, p. 141 (Robat Sefid).

H. Monneret de Villard : « Fire Temples », dans *Bulletin of the American Institute*, déc. 1936, p. 176.

A. G. : « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran*, 1938, pp. 53-58.

O. Reuther : « Sasanian Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, p. 552.

Donald N. Wilber : « The Parthian Structures at Takht-i-Sulayman », dans *Antiquity*, déc. 1938, p. 408.

208. Voir l'ensemble de cette composition dans E. Herzfeld : « La sculpture rupestre de la Perse sassanide ». *R.A.A.*, 5e année, pl. XXXVII, fig. 5.

F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, traduction Paul Budry, pl. 73.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 154 B.

209. A. G. : *Le trésor de Ziwiyé*, pp. 59-64.

210. Sava Popovitch : « The iranian elements in Persian art », dans *The Burlington Magazine*, 1930, p. 198.

211. H. Focillon : *Moyen Age Survivances et réveils*, p. 28.

212. Voir E. Herzfeld . *La sculpture rupestre*, pl. XXXVI, fig. 3.

F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, traduction Paul Budry, pl. 70.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 154 A.

213. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, p. 132.

214. F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, traduction Paul Budry, p. 35.

215. E. Schmidt : *The Treasury of Persepolis*, fig. 14.

216. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, p. 133, pl. XXXIX, fig. 9.

F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, p. 36, pl. 75.

217. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, p. 134, pl. XXXIX, fig. 10.

F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, p. 37, pl. 77.

218. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, pp. 134-135, pl. XL, fig. 11.

219. E. H. : *Idem*, p. 136.

220. Voir des photographies de la statue dans E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, p. 135, pl. XL, fig. 12.

E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, « Perse ancienne », pl. 54

Ch. Texier : *Description*, t. II, pl. CXLIX et CL.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 161 B et C.

221. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, pl. XLI, fig. 13.

F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, pl. 78.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 156 A

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*. « Perse ancienne », pl. 52.

222. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, p. 136.

223. E. H. : *Idem*, pl. XLII, fig. 16.

F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne* traduction Paul Budry, pl. 79.

E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, « Perse ancienne », pl. 51.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 156 B, 162 A.

224. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, pl. XLIII, fig. 17.

225. E. H. : *idem*, pl. XLIV, fig. 19.

F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, trad. Paul Budry, pl. 81.

E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, « Perse ancienne », pl. 186.

Ch. Texier : *Description...*, t. II, pl. 133

226. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, pl. XLI, fig. 14.

227. E. H. : *Idem*, pl. XLII, fig. 15.

E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, « Perse ancienne », pl. 188.

M. Dieulafoy : *L'art antique de la Perse*, t. V, pl. 14.

228. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, pl. XLV, fig. 22.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 160 A.

229. E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, p. 138, pl. XLV, fig. 21.

E. Herzfeld : *Am Tor von Asien*, pl. 31 et 32.

230. G.-N. Curzon : *Persia*, t. I, pp. 560-563.

J. de Morgan : *Mission en Perse*, « Recherches archéologiques », t. II, p. 303, fig. 180, 203, pl. XXXIV-XXXVIII.

E. Herzfeld : *Am Tor von Asien*, pp. 91 et suiv., pl. 33-40.

F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, pp. 39-42, pl. 85-92, 94-97.

E. Herzfeld : *La sculpture rupestre*, pp. 139-141, pl. XLVI-XLVII.

A. Christensen : *L'Iran sous les Sassanides*, pp. 451 et suiv.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 163-168.

E. Herzfeld : *Iran in the Ancient East*, pp. 329-337, pl. CXXVIII-CXXX.

231. A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 214.

232. F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, pl. 94.

233. *The Treasure of the Oxus*, pp. 64-65.

234. Dans son *Argenterie orientale*, pl. LII.

235. Henri Algoud : *La soie*, p. 15.

236. Ch. Diehl : *Manuel d'art byzantin*, 2e édit., t. I, fig. 137.

237. Henri Algoud : *La soie*, pl. II, fig. 2.

238. G. Migeon : *Manuel d'art musulman*, 2e édit., t. II, p. 288.

239. E. Male : *L'art religieux du XIIe siècle en France*, p. 343.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

240. « Contribution à l'étude du tissu en Perse », dans *R.A.A.*, 1925, p. 22.

241. *An Introduction to Persian Art*, p. 144-145.

242. Ch Diehl : *Manuel d'art byzantin*, 2 edit., t. I, fig. 134.

243. A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. I, p. 705, n° 3.

244. G. Wiet : *Soieries persanes*, pp. 21-22.

245. F. Sarre : *L'art de la Perse ancienne*, trad. Paul Budry, pl. 94.

246. A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. VI, pl. 983 A.

247. Venturi : *Stoffa del pallio ambrosino*, Rome, 1899.

248. Ch. Diehl : *Manuel d'art byzantin*, 2e édit., t. I, fig. 134.

249. Ch. D. : *Idem*, fig. 135.

250. Ch. D. : *Idem*, fig. 136.

251. Ch. D. : pp. 273-275.

252. Smirnov : *Argenterie orientale*.

253. J. Orbeli et C. Trever : *Orfèvrerie sassanide*.

254. Ch. Diehl : *Manuel d'art byzantin*, 2e édit., t. I, p. 264.

255. Ch. D. : *Idem*, p. 265.

256. Ch. D. : *Idem*, p. 265.

257. A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. I, p. 710.

258. Musée des tissus, à Lyon, n° 243 et musée Guimet, n° 1251.

259. N. Troll : *Recueil d'études dédiées à la mémoire de N.-P. Kondakov*, 1926, p. 93 (en russe).

260. Voir, par exemple, les pièces ornées du « vase aux eaux jaillissantes » et de chevaux ailés, dans *R.A.A.*, t. VIII, pl. XXV et 5e année, pl. LVI.

261. Publié par T. Talbot Rice, dans *Ars Islamica*, 1936, fasc. I. p. 100 et fig. 3.

262. Reproduits par Mme Phyllis Ackerman, dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 248.

263. Présentés par R. Pfister, dans la *Revue des Arts Asiatiques*, t. XII, fasc. I, pp. 40-47.

264. A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 249.

265. Voir R. Pfister, dans *R.A.A.*, t. VI, p. 20.

266. H. Algoud : *La soie*, pp. 34-35.

267. A. Choisy : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 146.

268. Voir le plan de l'abbatiale de Cluny dans *Nouvelle histoire universelle de l'art*, t. I, fig. 348; ou dans Choisy : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 147, fig. I. C.

269. A. Choisy : *Idem*, t. II, p. 150.

270. A. C. : *Idem*, t. II, p. 152, fig. 4 B.

271. A. C. : *Idem*, t. II, p. 152, fig. 4 A.

272. A. C. : *Idem*, t. II, p. 153, fig. 5

273. A. C. : *Idem*, t. II, p. 49, fig. 19 B.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

Melchior de Vogüé : *Syrie centrale*, t. II, pl. 68-69.

274. A. Choisy : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 155.

275. Voir son plan dans H. Focillon : *Art d'occident*, fig. 17.

276. Voir *Nouvelle histoire universelle de l'art*, fig. 354.

277. A. Choisy : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 46, fig. 15.

278. H. Focillon : *Art d'occident*, p. 80.

279. A. Choisy : *Histoire de l'architecture*, t II, p. 160.

280. A. C. : *Idem*, t. II, p. 157, fig. 8.

281. A C. : *Idem*, t. II, p. 158, fig. 9.

282. H. Masson : *Saint-Philibert de Tournus*, p. 75.

283. Voir dans H. Masson . *Saint-Philibert de Tournus* (Tournus, 1936), la coupe longitudinale de l'édifice actuel (croquis n°1, p. 9); la coupe transversale (croquis n° 10, p. 85), et des photographies de la nef (pl. V et XIV). Voir aussi l'excellent dessin en projection axonométrique de Choisy, dans son *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 156, fig. 7.

284. M. Dieulafoy : *L'art antique de la Perse*, t. V, p. 145.

285. M. D. : *Idem*, p. 227.

286. M. D. : *Idem*, pp. 163-164.

287. M. D. : *Idem*, p. 165.

288. A. Choisy : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 157

289. A. C. : *Idem*, t. II, p. 19, fig. 13 H.

290. Melchior de Vogüe : « Syrie centrale », *Architecture civile et religieuse du I^er^ au VI^e^ siècle*, p. 6. Voir dans cet ouvrage le « Qaisarieh de Chaqqa (III^e^ siècle ap. J.-C.), p. 47, pl. 8-9 ; la « Maison du Shaikh de Amrah », p. 55, pl. 11 ; la « Basilique de Chaqqa » (II^e^-III^e^ siècle ap. J.-C.), p. 55, pl. 15-16, etc.

291. A. Serdjillah : *Syrie centrale*, p. 80; à El-Barah, *idem*, pl. 36; à Mendjeleia, *idem*, pl. 38; à Dellouza, *idem*, pl. 39.

292. A El-Barah : *Idem*, pl. 60 ; à Kherbet-Hass, *idem*, pl. 84.

293. Dans le couvent de Saint-Siméon, *idem*, pl. 139.

294. W. Bachman, C. Watzinger, T. Wiegan : *Petra*, p. 8, 65, fig. 55-58.

295. O. Reuther : « Parthian architecture », dans *A survey of Persian Art*, t. I, p. 425.

296. A. Choisy : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 19.

297. O. Reuther : « Sasanian architecture », dans *A survey of Persian Art*, t. I, p. 425, fig. 102.

298. O. R. : *Idem*, p. 423, fig. 100.

299. O. R. : *Idem*, p. 508.

300. Voir la salle n° 32 du plan de Miss Bell (pl. I et 31, fig. 1).

Gertrude Bell : *Palace and mosque at Ukhaidir*, p. 27.

301. M. Dieulafoy : *Espagne et Portugal*, p. 6, fig. 26.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

302. H. MASSON : *Saint-Phiiibert de Tournus*, p. 110.

303. H. M. : *Idem*, p. 111 et croquis n° 11

304. BRUTAILS : *Pour comprendre les monuments de la France*, p. 219.

305. H. MASSON : *Saint-Phiiibert de Tournus*, pp. 32-33.

306. H. M. : *Idem*, p. 33.

307. Voir dans *Saint-Phiiibert de Tournus*, le croquis n° 9 de H. MASSON.

308. H. M. : *Idem*, pl. V; A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 156, fig. 7.

309. *Nouvelle histoire universelle de l'art*, fig. 349, ou A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 177, fig. 25.

310. M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, t. V, fig. 55-56.

311. M. D. : *Idem*, t.V, pl. 7-9.

312. M. D. : *Idem*, t. V, p. 86.

313. M. D. : *Idem*, t. V, fig. 57.

314. Dans *A survey of Persian Art*, t. I, fig. 102.

315. A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 161, fig. 11.

316. A. C. : *Idem*, t. II, p. 162, fig. 12.

317. A. C. : *Idem*, t. II, p. 163, fig. 13.

318. A. C. : *Idem*, t. II, p. 164. fig. 14.

319. A. C. : *Idem*, t. II, p. 167, fig. 17 et H. FOCILLON : *Art d'Occident*, pl. VIII.

320. A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 172, fig. 22.

321. A. C. : *Idem*, t. II, p. 173, fig. 23.

322. A. C. : *Idem*, t. II, p. 175, fig. 24.

323. A. C. : *Idem*, t. II, pp. 178-179.

324. H. FOCILLON : *Art d'occident*, p. 51.

325. M. AUBERT : « L'art gothique », dans *Nouvelle histoire universelle de l'art*, t. I, p. 323.

326. M. A. : *Idem*, p. 323.

327. A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. II, p. 118 et fig. 3.

328. M. AUBERT : *Nouvelle histoire universelle de l'art*, t. I, p. 323.

329. H. FOCILLON : *Art d'Occident*, p. 53.

330. Jurgis BALTRUSAITIS : *Le problème de l'ogive et de l'Arménie*. p. 48.

331. H. FOCILLON : *Art d'Occident*, p. 51 et suivantes.
Jurgis BALTRUSAITIS : *Le problème de l'ogive et de l'Arménie*.

332. Edmond POTTIER : *Mémoires de la délégation française en Perse*, t. XIII, p. 96.

333. A. JARDÉ : *La formation de l'art grec*, pp. V-VI.

334. Robert DIOLÉ : « Que reste-t-il des théories de Viollet le Duc sur le rationalisme médiéval ? » dans *Gazette des Beaux-Arts*, 7 oct. 1935, p. 125.

335. H. FOCILLON : *Art d'Occident*, p. 333.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

336. E. Herzfeld : *Archaeological History of Iran*, p. 98, pl. XVI et XVII.

337. H. Lammens : *La Syrie*, vol. I, p. 35.

338. H. L. : *Idem*, p. 37.

339. Traduction Fresnel : *Journal asiatique*, sept. 1834.

340. Ibn Khaldun : *Prolégomènes*. Traduction G. de Slane, t. II, p. 273.

341. A. Van Gennep : Les « Wasm » ou marques de propriété des Arabes, dans *Internationale Archiv für Ethnographie*, 1902, vol. 15, p. 85-98.

C. R. Conder : Arab Tribe Marks. Palestine Exploration Fund. *Quarterly Statement*, Londres 1883, pp. 178-180.

342. René Basset : *La poésie arabe antéislamique*.

343. Brockelmann : *Encyclopédie de l'Islam*. Article : « Arabie ». pp. 409-410.

344. A.G. : « L'art musulman et les génies nationaux », dans *Cahiers d'histoire mondiale*, janv. 1954, pp. 558-573.

345. Georges Marçais : *Manuel d'art musulman*, t. II, p. 000.

346. Bibliographie relative à la Kubbat al-Sakhra, dans K.-A.-C. Creswell : *Early Muslim Architecture*, t. I, pp. 90-94.

347. Bibliographie relative à la Mosquée al-Aksa, dans M. Van Berchem, *C.I.A.* Jerusalem, Haram, pp. 377-450

348. Bibliographie relative à la grande mosquée des Umaiyades dans K.-A.-C. Creswell : *Early Muslim Architecture*, t. I, pp. 100-146.

349. Bibliographie relative à Mshatta, dans K.-A.-C. Creswell : *Early Muslim Architecture*, t. I, pp. 350-375.

350. Bibliographie relative au pavillon de Kusair Amra, dans K.-A.-C. Creswell : *Early Muslim Architecture*, t. I, pp. 253-272.

351. Lothrop Stoddard : *Le nouveau monde de l'Islam*, p. 12.

352. L. S. : *Idem*, pp. 13-14.

353. E. Herzfeld : *Encyclopédie de l'Islam*, « Art Arabesque ».

354. F. Sarre et E. Herzfeld : *Archaeologische Reise im Euphrat und Tigris-Gebiet*, vol. II, p. 349-364; vol. III, pl. LXIII-LXX.

355. F. S. et E. H. : *Idem*, t. III, vol. I, p. 52-109, pl. XIV-XXII.

356. E. Herzfeld : *Die Ausgrabungen von Samarra*, vol. I, « Der Wandschmuck der Bauten von Samarra und seine Ornamantik »; vol. II, « Die Keramik von Samarra »; vol. III, « Die Malereien von Samarra ».

357. F. Sarre et E. Herzfeld : *Archaeologische Reise...*, t. III, pl. XX, XXI, XXII.

358. F. S. et E. H. : *Idem*, pl. XIV-XVI.

359. E. Herzfeld : *Die Ausgrabun-*

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

gen von Samarra, voir le volume I en entier.

360. E. H. : *Idem,* vol. III, Die Malereien von Samarra », pl. XLVIII. XLIX et LXIX.

361. A. G. : « Les anciennes mosquées de l'Iran », dans *Athâr-é Iran,* 1936, p. 187.

362. A. G. : « Le Tari Khâné de Dâmghân », dans *Gazette des Beaux-Arts,* déc. 1934, pp. 225-235.

363. M. Siroux : « Le Masdjid-é Djum'a de Yazd », dans *Bulletin de l'Institut français d'archéologie orientale* du Caire, t. XLIV, pp. 119-176.

364. A. G. : « Les anciennes mosquées de l'Iran », dans *Athâr-é Iran,* 1936, p. 198; « Ardistân et Zawarè », dans *Athâr-é Iran,* 1936, pp. 285-296.

365. Sani al-Dawlé : *Mir'at al-Buldan.* t. IV, p. 107.

366. E. Schmidt *The Treasury of Persepolis,* p. 106.

367. S. Fleury : « La mosquée de Nayin », dans *Syria,* 1930, p. 43, fig. 1-6, pl. VIII-XIII.

A. G. : « Les anciennes mosquées de l'Iran », dans *Athâr-é Iran,* 1936, p. 192.

368. M.-B. Smith : « Masdjid-i Djum'a, Demawend », dans *Ars islamica,* 1935, pp. 153-173.

369. D'après Sani al-Dawlé : *Mir'at al-Buldan,* t. IV, p. 107, la construction de cette mosquée a été terminée en 1180 H. (1766-1767 ap. J.-C.).

370. G. Marçais : *Manuel d'art musulman.* t. II, p. 489.

371. A. G. : « Khorâsân », dans *Athâr-é Iran,* 1949, p. 79, fig. 60.

372. E. Diez : Article « Masdjid », dans *Encyclopédie de l'Islam,* t. III, p. 441.

373. E. D. : *Idem,* p. 363.

374. Voir M.-B. Smith : « Three Monuments at Yazd-i-Khwast », dans *Ars islamica,* 1940, p. 104.

M. Siroux : « La mosquée Djum'a de Yezd-i-Khwast », dans *Bulletin de l'Institut français d'archéologie orientale du Caire,* t. XLIV, pp. 101-118.

A. G. dans *Athâr-é Iran,* 1949, fig. 299.

375. A. G. : « La mosquée Djum'a de Niriz », dans *Athâr-é Iran,* 1936, pp. 163-172.

376. Voir : M. Siroux : « La mosquée Djoumeh d'Ardebil », dans *Bulletin de l'Institut français d'archéologie orientale du Caire,* t. XLIV, p. 89-100

377. A. G. « Les monuments du feu », dans *Athâr-é Iran,* 1938, p. 43, fig. 24.

378. Voir : *Athâr-é Iran,* 1936, fig. 128.

379. *Idem,* fig. 141.

380. *Idem,* fig. 114.

381. Voir : *Athâr-é Iran,* 1938, fig. 107 et 109.

382. Voir : *Athâr-é Iran,* 1936, fig. 132.

383. M.-B. Smith : « Barsian », dans *Ars islamica,* vol. IV, pl. I.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

384. A. G. : « Les anciennes mosquées de l'Iran », dans *Athâr-é Iran*, 1936, p. 198; « Ardistân et Zawarè », *idem*, pp. 285-298.

385. M.-B. SMITH : « Barsian », dans *Ars islamica*, vol. IV, pp. 7-41.

386. M. SIROUX : « La mosquée Djum'a de Bouroudjird », dans *Bulletin de l'Institut français d'archéologie orientale du Caire*, t. XLVI, pp. 239-258.

387. A. G. : « Les anciennes mosquées de l'Iran », dans *Athâr-é Iran*, 1936, p. 193.

388. A. G. : « Les anciennes mosquées de l'Iran », dans *Athâr-é Iran*, 1936, p. 205; « Historique du Masdjid-é Djum'a d'Isfahân », *idem*, 1936, pp. 213-282; « Addenda. Masdjid-é Djum'a d'Isfahân », *idem*, 1938, pp. 315-326.

389. A. G. « Les anciennes mosquées de l'Iran », dans *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 193-196.

390. A. G. : *Idem*, 1936, p. 198.

391. A. G. : « Les anciennes mosquées de l'Iran », 2e article.

392. A. G. : « Natanz », dans *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 83-102.

393. A. G. : « Les anciennes mosquées de l'Iran », 2e article.

394. A. G. : *Idem*.

395. *Athâr-é Iran*, 1936, fig. 181-185

396. *Idem*, fig. 132.

397. *Idem*, fig. 137.

398. *Athâr-é Iran*, 1938, fig. 45.

399. *Athâr-é Iran*, 1949, fig. 60.

400. A. G. : « Khorisân », dans *Athâr-é Iran*, 1949, pp. 83-112.

401. A. G. : *Idem*, pp. 113-125.

402. M.-T. MUSTAFAWI : « Le Masdjid-é Mawlana de Taiyabâd », dans *Athâr-é Iran*, 1948, fig. 109 et 117.

403. M.-T. M. : *Idem*, fig. 116.

404. A. G. : « Khorisân », dans *Athâr-é Iran*, 1949, fig. 109.

405. O. REUTHER : « Parthian architecture », dans *A. Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 106 et 107.

406. O. R. : *Idem*, fig. 103 et 104.

407. E. HERZFELD : *Archaelogical History of Iran*, p. 76.

408. O. REUTHER : « Sasanian architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 150.

409. Aurel STEIN : *Ancient Persis*, plans 3 et 4.

410. O. REUTHER : « Sasanian architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 155.

411. Voir : « Les fouilles de Shâpûr », dans *Revue des arts asiatiques*, t. XII, p. 15-17.

412. O. REUTHER : « Sasanian architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 151.

413. O. R. : *Idem*, fig. 153.

414. « The Sasanian building », dans *A Survey of Persian Art*, vol. I, fig. 166.

415. A. G. : « Le Masdjid-é Djum'a

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

de Niriz », dans *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 163-172.

416. M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, t. V, pp. 79-88, fig. 55-62, pl. VII-IX.
A. CHOISY : *Histoire de l'architecture*, t. I, pp. 126-127, 145, fig. 7.

417. Voir le chapitre intitulé « L'église et la mosquée », dans M. DIEULAFOY *Espagne et Portugal*, pp. 27-48.

418. Max VAN BERCHEM : *Encyclopédie de l'Islam*, article : « Architecture », p. 429.

419. Max VAN BERCHEM : *Corpus inscriptionum arabicarum*, « Egypte », p. 256 et suiv.

420. L. MASSIGNON : « Les Medressehs de Bagdad », dans *Bulletin de l'Institut français d'archéologie orientale*, t. XII, p. 79.

421. L. M. : *Idem*, p. 80.

422. K.-A.-C. CRESWELL : « The origin of the cruciform plan of Cairen madrasas, dans *Bulletin de l'Institut français d'archéologie orientale*, t. XXI, p. 43 du tirage à part.

423. K.-A.-C. C. : *Idem*, p. 36.

424. K.-A.-C. C. : *Idem*, p. 43.

425. A. G. : « Khorâsân », dans *Athâr-é Iran*, 1949, t. IV, p. 72.

426. A. G. : « Historique du Masdjid-é Djum'a d'Isfahân », dans *Athâr-é Iran*, 1936, t. I, p. 221.

427. Voir *Athâr-é Iran*, 1938, p. 315 et suiv.

428. Voir *Athâr-é Iran*, 1937, fig. 2.

429. *Idem*, 1936, fig. 175 et 176.

430. A. G. : « Ardistân et Zawarè », dans *Athâr-é Iran*, 1936, p. 208 et 296 305.

431. Voir à ce sujet A. G. : « Khorâsân », dans *Athâr-é Iran*, 1949, p. 145 et note 2

432. E. Cohn WIENER : *Turan*, pp. 29-30, fig. 10 et pl. LXIV-LXVII.

433. A. G. : « Khorâsân », dans *Athâr-é Iran*, 1949, pp. 83-125.

434. M.-T. MUSTAFAWI « Le Masdjid-é Mawlana de Taiyabâd », dans *Athâr-é Iran*, 1938, fig. 116 et 117.

435. E. DIEZ : *Churasanische Baudenkmäler*, fig. 35 et pl. 35/1.

436. A. G. : « Khorâsân », dans *Athâr-é Iran*, 1949, fig. 107 et 109.

437. A. G. : « The Mausolcum of Oldjaitu at Sultaniya », dans *A Survey of Persian Art*, Vol. II, pp. 1102-1118.

438. E. SCHROEDER : « Islamic Architecture », dans *A Survey of Persian Art*, vol. II, pp. 1001-1004.

439. E. HERZFELD : « Die Gumbadh-i Alawiyyan », dans *A Volume of Oriental Studies presented* to Edward G. BROWNE, p. 186 et suiv.

440. E. DIEZ : « Churasanische Baudenkmäler », fig. 32, reproduite dans *A Survey of Persian Art*, vol. II, fig. 402.
E. HERZFELD : *Archaeological History of Iran*, pl. XVII

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

441. P. Coste : *Monuments modernes de la Perse*, pl. XIX-XX.

442. C. Texier : *Description de l'Arménie, la Perse et la Mésopotamie*, pl. 87, reproduite dans *A Survey of Persian Art*, vol. II, fig. 444, sous le nom de Dih-i-Bad.

M. Siroux *Caravansérails d'Iran*, p. 72 et fig. 30.

443. P. Coste : *Monuments modernes de la Perse*, pl. LXVI.

M. Siroux : *Caravansérails d'Iran*, p. 72 et fig. 31

444. M. Siroux : *Caravansérails d'Iran*, dans « Mémoires publiés par les membres de l'Institut français d'archéologie orientale du Caire ». t. 81, pp. 40-42, fig. 8-10

445. P. Coste : *Monuments modernes de la Perse*, pl. LXV.

M. Siroux : *Caravansérails d'Iran*, p. 64, fig. 24.

446. M. Siroux : *Caravansérails d'Iran*, p. 46, fig. 14.

447. A. G. : « Khorâsân », dans *Athâr-é Iran*. 1949, pp. 7-68.

448. M. Siroux : *Caravansérails d'Iran*, fig. 3, 4, 6, 7.

449. Voir « Voûtes iraniennes », dans *Athâr-é Iran*, 1949, p. 260 et suiv.

450. Voir *Athâr-é Iran*, 1949, fig. 278 et 279

E. Diez *Churasanische Bandenkmäler*, p. 15, fig. 4.

451. « Isfahân », dans *Athâr-é Iran*. 1949, p. 325.

452. Sur le tombeau d'Ismâ'îl le Samânide, voir *Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology*, déc. 1936, p. 198, fig. 1.

453. Sur Robât Sharaf, voir *Athâr-é Iran*, 1949, fig. 16.

454. A. G. : *Les tombeaux de Marâgha* (Publication de la Société des études iraniennes et de l'art persan), pp. 3-6, pl. I et *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 125-135, fig. 83-92.

455. F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst*, pp. 5 à 15, pl. V à XI.

456. A. G. : « Gurgan and the Gunbad-é Kâbûs », dans *A Survey of Persian Art*, vol. II, p. 967 et suiv.

E. Schmidt : *Flights over Ancient Cities of Iran*, pl. LXIV.

457. E. Diez : *Churasanische Baudenkmäler*, pp. 36 et 37, fig. 16, pl. I à IV.

458. A. G. : « Les tours de Ladjim et de Resget », dans *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 109-121.

459. F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst*, p. 13, fig. 153-155, pl. LXXXIX.

460. F. S. : *Idem*, p. 114, fig. 156-157.

461. A. G. : « Voûtes iraniennes », dans *Athâr-é Iran*, 1949, p. 259.

462. A. G. : dans *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 135-138.

463. A. G. : *Idem*, pp. 156-160.

464. A. G. : *Idem*, pp. 138-143.

465. F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst*, p. 13, fig. 10.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

A. G. : *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 138-143.

466. Bibliographie relative au Gunbad-é Kâbûd :

J. de Morgan : *Mission en Perse*, « Etudes géographiques », t. I, p. 337, pl. XXXVII.

F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst*, p. 15, fig. 10.

V. Minorsky : *Encyclopédie de l'Islam*, « Art Marâgha ».

A. G. : *Les Monuments de Marâgha*, pp. 7-11; *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 138-143.

A Survey of Persian Art, vol. IV, pl. CCCXLII B, vol. V, pl. DXXV et DXXX.

467. Bibliographie relative au Gunbad-é Ghaffarîyè :

J. de Morgan : *Mission en Perse*, « Etudes géographiques », I, p. 337, fig. 188.

F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst*, p. 16, fig. II.

L. A. Mayer : *Saracenic Heraldry*, p. 183.

A. G. : *Les monuments de Marâgha*, (Publication de la Société des Etudes iraniennes), Paris, 1934, pp. 16-18.

A. G. : « Notes complémentaires sur les monuments de Marâgha », dans *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 143-152.

468. Bibliographie relative au Khoï Burdj :

J. de Morgan : *Mission en Perse*, « Etudes géographiques », I, p. 337, fig. 189.

F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst*, p. 16.

A. G. : *Les monuments de Marâgha*, Paris, 1934, pp. 18-19.

A. G. : « Notes complémentaires sur les monuments de Marâgha », dans *Athâr-é Iran*, 1936, p. 152.

469. A. G. : *Les monuments de Marâgha*, fig. 10; *Athâr-é Iran*, 1936, fig. 106.

470. Hamd-Allah Mustawfi : *Nuzhat al-Kulub*, Trad. Le Strange, p. 69.

471. W. Barthold : Art. « Arghun », dans *Encyclopédie de l'Islam*.

472. A. G. : Extrait de l'article intitulé « Le tombeau de Mawlana Hasan Kashî, à Sultânîyè », dans les *Arts asiatiques*, 1954, fasc. I.

473. V. Minorsky : *Encyclopédie de l'Islam*, art. « Tabriz ».

474. E. G. Browna : *Literary History of Persia*, t. III, p. 46.

475. E. Blochet : *Les peintures des manuscrits orientaux de la Bibliothèque Nationale*. La planche 20 reproduit cette intéressante miniature (folios 256-257 du manuscrit).

476. E. B. : *Idem*, p. 263.

477. Chardin : *Voyages*, Ed. L. Langlès, t. II, p. 323.

478. *Les six voyages de J.-B. Tavernier en Turquie, en Perse et aux Indes*. Edition de 1679, p. 62.

479. V. Minorsky : *Encyclopédie de l'Islam*, art. « Tabriz ».

480. P. Coste : *Monuments modernes de la Perse*, p. 54.

481. J. Dieulafoy : « La Perse, la

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

Chaldée et la Susiane », dans *Le tour du monde*, 1886, 2e semestre, p. 30.

482. F. SARRE : *Denkmäler persischer Baukunst*, p. 25, pl. XVIII-XIX a et b.

483. A. G. : « Khorâsân », dans *Athâr-é Iran*, 1949, pp. 113-125.

484. *A Survey of Persian Art*, vol. IV, pl. 282.

485. *Idem*, pl. 260 C.

486. *Idem*, pl. 380.

487. A. G. : *Les monuments de Marâgha*, p. 26.

488. Bibliographie :

E.-G. BROWNE : *A Year amongst the Persians*, Londres, 1927, p. 81.

R. BYRON : *The Road to Oxiana*, p. 50.

P. COSTE : *Les monuments modernes de la Perse*, p. 46, pl. LXVII.

CLAVIJO : *Embassy to Tamerlan*, Trad. LE STRANGE, pp. 158, 308, 353.

J. DIEULAFOY : « La Perse, la Chaldée et la Susianne », dans *Le Tour du monde*, t. LII, p. 45.

M. DIEULAFOY : « Le Mausolée de Chah Khoda Bendé », dans *Revue générale de l'architecture*, pp. 98-103, 145-151, 194-198, 242-243, et pl. XXIII à XXVI.

L. DUBEUX : *La Perse*, p. 47 et pl. XXIX à XXXIV.

E. FLANDIN et P. COSTE : *Voyage en Perse*, t. I, « Perse moderne », pl. XI et XII.

E. FLANDIN : *Relation du voyage en Perse*, t. I, p. 202.

A. GAYET : *L'art persan*, p. 151.

HOMMAIRE de HELL : *Voyage en Turquie et en Perse*, III, p. 400.

A. G. : « The Mausoleum of Oljeitu at Sultaniya », dans *A Survey of Persian Art*, vol. II, pp. 1103-1118.

H. HOWORTH : *History of the Mongols*, t. III, p. 581 et suiv.

KER PORTER : *Travels*, t. II, p. 275.

J. MORIER : *Second voyage en Perse*, trad. française, t. I, p. 451.

Relation du voyage d'Adam Olearius, en Moscovie, en Tartarie et en Perse, trad. A. de VICQUEFORT, t. I, p. 453 et suiv.

H. SALADIN : *Manuel d'art musulman*, I, « L'architecture », p. 345.

F. SARRE : *Denkmäler persischer Baukunst*, p. 16 et pl. XIII-XIV.

A Survey of Persian Art, photographies dans vol. IV, pl. 381-384, 385 A et C.

Les six voyages de Jean-Baptiste Tavernier en Turquie, en Perse et aux Indes, Paris, 1679, p. 73.

Ch. TEXIER : *Description de l'Arménie, la Perse et la Mésopotamie*, II, p. 76 et pl. 54-58.

Pietro della VALLE : *Viaggi*, trad. française, IV, p. 62.

D. N. WILBER : « Mosaïc faïence », dans *Ars Islamica*, t. VI, p. 44.

489. Dr FEUVRIER : *Trois ans à la Cour de Perse*, p. 102.

490. HOMMAIRE de HELL : *Voyage en Turquie et en Perse*, III, p. 400.

Cité par H. SALADIN, dans *Manuel d'art musulman*, I, p. 347.

491. Voir A. G. : « Le tombeau de Mawlana Hasan Kashî », dans *Arts asiatiques*, t. I, 1954, pp. 23 à 39.

492. Bibliographie :

J. DIEULAFOY : « La Perse, la Chaldée

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

et la Susiane », dans *Le tour du monde*, 1886, 2e semestre, pp. 111-112.

A. Houtum-Schindler : *Eastern Persian Irak*, Londres 1897, p. 101.

Ella C. Sykes : *Through Persia on a Side-Saddle*, Londres 1898, p. 55.

Major P. M. Sykes : *Ten thousand Miles in Persia*, Londres, 1902, pp. 179-180.

Thomas Herbert : *Travels in Persia*, (1627-1629), traduction abrégée de sir William Foster, Londres 1928, pp. 219-220.

A. G. : « Natanz », dans *Athâr-é Iran*, 1936, pp. 75-106.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, Londres et New York, 1939, vol. II, pp. 1086-1089, vol. IV, pl. 367-372.

493. Howorth : *History of the Mongols*, vol. III, p. 537.

494. Bibliographie :

J. Dieulafoy : « La Perse, la Susiane et la Chaldée », dans *Le tour du monde*, 1886, 2e semestre, p. 161.

F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst* (Imamzadeh Jassary), p. 75.

Sir Edwin Lutyens : « Persian Brickwork », dans *Country Life*, 4 fév. 1933, p. 118 et suiv.

A. G. : « Isfahân », dans *Athâr-é Iran*, 1937, p. 36.

A Survey of Persian Art, vol. IV, pl. 354 B.

495. Bibliographie relative à la Madrasa Imâmî :

A. Houtum-Schindler : *Eastern persian Irak*, p. 123.

Mary Crane : « A fourteenth-century mihrab from Isfahan », dans *Ars Islamica*, 1940, pp. 96-100.

A. G. : « Le Tombeau de Bâbâ Kâsem et la Madrasa Imâmî », dans *Athâr-é Iran*, 1949, pp. 165-183.

Bibliographie relative au Tombeau de Bâbâ Kâsem :

Voyages du Chevalier Chardin..., Edition L. Langlès, t. VII, p. 468.

A. G. : « Le Tombeau de Bâbâ Kâsem », dans *Athâr-é Iran*, 1937, pp. 38-43.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. II, p. 1099, vol. IV, pl. 303 C; 417.

A. G. : « Le Tombeau de Bâbâ Kâsem et la Madrasa Imâmî », dans *Athâr-é Iran*, 1949, pp. 165-183.

496. Bibliographie relative à Darb-é Imâm :

Chereſ-nâmé : trad. Charmoy, t. II, 1re partie, p. 477.

A. G. : « Isfahân », dans *Athâr-é Iran*, 1937, pp. 47-57.

E. Blochet : *Les peintures des manuscrits orientaux de la Bibliothèque Nationale*, p. 265, note 4.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*.

497. Extrait du *Tour du Monde*, 1886, 2e semestre, p. 24.

498. Bibliographie relative à la Mosquée bleue de Tabrîz :

P. Coste : *Monuments modernes de la Perse*, p. 54, pl. LXVIII.

F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst*, pp. 27-32, pl. XX à XXVIII.

Les six voyages de J.-B. Tavernier..., Edition de 1679, pp. 58-59.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

G. F. Gemelli-Careri : *Voyage du tour du Monde*, traduction française de L. M. N., Paris, 1719, t. II, p. 35.

Ch. Texier : *Description de l'Arménie, la Perse et la Mésopotamie*, Paris, 1839 et 1842-1852, (Mosquée des Sunni), t. I, p. 155, pl. XLII-LII, t. II, pp. 48-50.

E. Flandin : *Relation du Voyage en Perse*, Paris, 1851, t. I, p. 175.

E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, « Perse moderne », pl. V.

Hommaire de Hell : *Voyage en Turquie et en Perse*, 1856, p. 76.

J. Dieulafoy : « La Perse, la Chaldée et la Susiane », dans *Le tour du monde*, 1886, 2e semestre, p. 22.

G. N. Curzon : *Persia and the Persian Question*, 1892, t. I, p. 521.

J. de Morgan : *Mission scientifique en Perse*, 1894-1904, « Etudes géographiques », t. II, p. 324, fig. 178-183.

A. Gayet : *L'art persan*, Paris, 1895, pp. 156-159.

W. Jackson : *Persia Past and Present*, Londres, 1906, p. 43.

H. Saladin : *Manuel d'art musulman*, « L'architecture », Paris, 1907, pp. 367, 375, 435.

M. Van Berchem : « L'architecture musulmane de la Perse », dans *Journal des savants*, fév. 1911, p. 59.

E. Diez : *Die Kunst der islamische Völker*, Berlin, 1922, t. I, p. 108.

H. Gluck et E. Diez : *Die Kunst des Islam*, Berlin, 1925, p. 547 et fig. 277.

G. Marçais : « L'art musulman », dans *Nouvelle histoire universelle de l'art*, Paris, 1932, t. II, pp. 317-318.

A. G. : « Isfahân », dans *Athâr-é Iran*, 1937, pp. 47-57.

W. Hinz : *Z.D.M.G.*, 1937, p. 59 et 422.

V. Minorsky : « Geographical Factors in Persian Art », dans *Bulletin of the School of the Oriental Studies*, vol. IX, part 3, p. 636 et note 1.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. II, pp. 1130-1131, vol. IV, pl. 452-456, vol. V, pl. 526 E.

J. Sauvaget : « Notes épigraphiques sur quelques monuments persans », dans *Ars islamica*, t. V, p. 105.

E. Schmidt : *Flights over Ancient Cities of Iran*, pl. 74.

E. Herzfeld : « Damascus », dans *Ars islamica*, vol. XIII-XIV, p. 135.

499. Bibliographie relative à Darb-é Kushk :

F. Sarre : *Denkmäler persischer Baukunst*, (1901-1910), p. 77, pl. LXIII.

H. Saladin : *Manuel d'art musulman*, « L'architecture », (1907), p. 435.

A. G. : « Isfahân », dans *Athâr-é Iran*, 1937, pp. 60-62.

J. Sauvaget : « Notes épigraphiques sur quelques monuments persans », dans *Ars islamica*, t. V, p. 105.

A.-U. Pope : *A Survey of Persian Art*, vol. II, p. 1159.

500. Bibliographie relative au Tombeau de Harun Wilayet :

Les fameux voyages de Pietro della Valle..., Paris, 1664, t. III, p. 45.

Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient, L. Langlès, Paris, 1811, t. VIII, pp. 450-455.

E. Herzfeld : *Reisebericht*, 1926, p. 238.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

E. FLANDIN et P. COSTE : « Perse moderne », dans *Voyage en Perse*, pl. LXIII.

A. G. : « Isfahân », dans *Athâr-é Iran*, 1937, pp. 63-69.

A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art*, vol. II, p. 1170, vol. IV, pl. 458-459.

501. Bibliographie relative au Sanctuaire de Kumm :

Les fameux voyages de Pietro della Valle..., Paris, 1664, t. II, p. 580.

Les six voyages de J.-B. Tavernier..., Edition de 1679, p. 74 et suiv.

G. F GEMELLI-CARERI : *Voyage du tour du monde*, Traduction française de L. M. N., Paris, 1719, t. II, p. 73.

Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient, Edition L. LANGLÈS, Paris, 1811, t. II, p. 417 et suiv.

J. MORIER : *Second voyage en Perse...*, Traduction française, Paris, 1818, t. I, p. 356 et suiv.

R. KER PORTER : *Travels...*, 1821-1822, t. I, pp. 376-377.

L. DUBEUX : *La Perse*, Paris, 1841, p. 25.

E. FLANDIN et P. COSTE : « Perse moderne », dans *Voyage en Perse*, Paris, 1841, pl. XXXV.

E. FLANDIN : *Relation du voyage en Perse*, Paris, 1851, t. I, p. 263.

HOMMAIRE de HELL : *Voyage en Turquie et en Perse*, 1856, t. II, p. 347.

P. COSTE : *Monuments modernes de la Perse*, 1867, pp. 39-40.

C. SCHEFER : *Chrestomathie persane...*, Paris, 1883, t. II, p. 125.

J. DIEULAFOY : « La Perse, la Chaldée et la Susiane », dans *Le Tour du monde*, 1886, 2e semestre, pp. 95-96, fig. p. 93.

A. HOUTUM-SCHINDLER : *Eastern Persian Irak*, Londres, 1789, p. 62.

F. SARRE : *Denkmäler Persischer Baukunst*, 1901-1910, p. 71.

G. LE STRANGE : *The Lands of the Eastern Caliphate*, Cambridge, 1905, pp. 209-210.

F. B. BRADLEY-BIRT : *Through Persia*, Londres, 1909, p. 284.

E. HERZFELD : « Reisebericht... *Z. D. M. G.*, 1926, p. 235.

Encyclopédie de l'Islam, article « Kumm ».

R. BYRON : *The Road to Oxiana*, p. 147.

502. « Isfahân », dans *Athâr-é Iran*, 1937, pp. 107-116.

503. *Idem*, pp. 99-102.

504. *Idem*, pp. 96-99.

505. *Idem*, pp. 120-122.

506. *Idem*, pp. 107-116.

507. Pierre LOTI : *Vers Isfahan*, pp. 224-227.

508. *La Peinture Persane*, p. 103, (Skira).

509. *Nizâmi*, folio 154 verso, (British Museum).

510. *Publication de l'Académie des Sciences*, (Moscou, 1953).

511. A.-U. POPE. *A Survey of Persian Art*, vol. VI, pl. 1118.

512. Gaston WIET.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست کتابها

۱ ایران اولیه

P. Amiet : *La glyptique mésopotamienne archaïque*, Paris, 1961.
D. Barnett : « The Nomrud Juorico and the Art of the Phenicians », *Iraq II*, 1935.
Barnett and Watson : *Iraq XIV*, 1952, p. 134.
D. Barnett : *Irak XVIII*, 1956, 2. « The treasure of Ziwiye ».
Bossert : *Altanatolien*, Berlin, 1942.
E. Douglas Van Buren : *The flowing vase and the gods with strams*, Berlin, 1933.
E. Douglas Van Buren : « The dragon in Ancient Mesopotamia », *Orientalia*, Roma, 1939.
G. Cameron : *Histoire de l'Iran antique*, trad. R.-J. Lévy, Paris, 1937.
G. Cameron : « Données permanentes de l'histoire iranienne », dans *La civilisation iranienne*, pp. 32-42.
G. Contenau : *Manuel d'archéologie orientale*, 4 volumes, Paris, 1927-1947.
G. Contenau : *L'art de l'Asie occidentale ancienne*, Paris-Bruxelles, 1928
G. Contenau : *L'archéologie de la Perse des origines à l'époque d'Alexandre*, Paris, 1931.
G. Contenau : *La civilisation des Hittites*, Paris, 1948.
G. Contenau : *La civilisation d'Assur et de Babylone*, Paris, 1951.
G. Contenau : « L'Iran avant les Indo-Européens », dans *La civilisation iranienne*, Paris, 1952,

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN : *Fouilles de Tépè Giyan,* Paris, 1935.
G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN : *Fouilles de Tépè Giyan, près Nehavand, 1931-1932,* Paris, 1935.
L. DELAPORTE : *Catalogue des cylindres orientaux du Musée Guimet,* Paris, 1909.
L. DELAPORTE : *Catalogue des cylindres orientaux de la Bibliothèque Nationale,* Paris, 1910.
L. DELAPORTE : *Catalogue des cylindres orientaux du Musée du Louvre,* Paris, 1934.
L. DELAPORTE : *La Mésopotamie,* Paris, 1923.
L. DELAPORTE : *Le Proche-Orient asiatique,* Paris, 1948.
Jean DESHAYES : *Les outils de l'âge du bronze, de l'Indus au Danube,* Paris, 1960.
R.-J. FORBES : *Metallurgy in Antiquity,* Leyden, 1950.
H. FRANKFORT : *Cylinder-seals,* Londres, 1939.
H. FRANKFORT : *The art and architecture of the Ancient Orient,* London, 1958.
R. GHIRSHMAN : *Fouilles de Sialk,* 2 vol., Paris, 1938-1939.
R. GHIRSHMAN : *L'Iran, des origines à l'Islam,* Paris, 1951.
R. GHIRSHMAN : « Trésor de Sakkez », dans *Artibus Asiæ,* 1950.
A. GODARD : *Bronzes du Luristân,* Paris, 1931.
A. GODARD : *Le Trésor de Ziwiyè* (Kurdistân), Haarlem, 1950.
V. GORDON CHILDE : *L'Orient préhistorique,* trad. E.-J. Lévy, Paris, 1935.
H. HALL : *The ancient history of the Near East,* Londres, 1924.
E. HERZFELD : *Archaeologische Mitteilungen aus Iran,* Berlin, 1929-1938.
E. HERZFELD : *Iranische Denkmäler, I. Vorgeschichtliche Denkmäler,* Berlin, 1932.
E. HERZFELD : *Archaeological history of Iran,* Londres, 1935.
E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East,* New York, 1941.
C. HUART et L. DELAPORTE : *L'Iran antique. Elam et Perse et la civilisation iranienne,* Paris, 1952.
G. HUSING : *Der Zagros und seine Völker. (Der alte Orient),* Leipzig, 1908.
G. HUSING : *Die einheimischen Quellen zur Geschichte Elams,* Leipzig, 1916.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

F.-W. KÖNIG : *Geschichte Elams (Der alte Orient)*, Leipzig, 1931
S.-N. KRAMER : *L'Histoire commence à Sumer*, Paris, 1957.
Louis LE BRETON : « The early periods at Susa », *Iraq XIX*, 1957.
Donald E. MACCOWN : *The Comparative stratigraphy of Early Iran*, The University of Chicago Press, 1942.
MALLOWAN : *Twenty five years of Mesopotamians Discovery (1952-1956)*, London, 1958.
K.-R. MAXWELL-HYSLOP : « Urartian bronzes in etruscan tombs », *Iraq XVIII*, 1956-2.
Mémoires de la Délégation archéologique française en Perse, Paris, 1921-1939.
E.-H. MINNS : *The Art of the Northern Nomads*, Londres, 1942.
A. MORET : *Histoire de l'Orient*, 2 volumes, Paris, 1929-1936
A. MORET et G. DAVY : *Des clans aux empires*, Paris, 1923.
J. de MORGAN : *L'humanité préhistorique*, Paris, 1921.
J. de MORGAN : *La préhistoire orientale*, 3 volumes, 1929-1936.
Ezat O. NEGAHBAN : « The wonderful gold treasures of marlik », *The Illustrated London news*, 28 avril et 5 mai 1962.
André PARROT et M. LAMBERT : *Glyptique mésopotamienne*, Paris, 1954.
André PARROT : Sumer, Paris, 1960.
Ann-Louise PERKINS : *The Comparative stratigraphy of Early Mesopotamian*, S. A. O. C. Chicago, 1949.
G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, tome V, Paris, 1890.
A.-U. POPE : *A Survey of Persian Art from prehistoric times to the present*, New York-Londres, 1938.
E. PORADA : *Corpus of Ancient Near eastern seals in North America Collections*, Washington, 1948.
M. RUTTEN : *Musée du Louvre. Guide des antiquités orientales*, Paris, 1934.
M. RUTTEN : *Arts et styles du Moyen-Orient*, Paris, 1950.
F. SARRE : *L'art ancien de la Perse*, trad. Paul Budry, Paris, 1921.
C. SCHAEFFER : *Stratigraphie comparée et chronologie de l'Asie occidentale* (III^e et II^e millénaires), Londres, 1948.
E. SCHMIDT : *Excavations at Tépé-Hissar*. Damghan, Philadelphie, 1937.
Sir AUREL STEIN : *Old routes of Western Iran*, London, 1940.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

L. VAN DEN BERGHE : *Archéologie de l'Iran ancien*, Leyde, 1959.
Charles K. WILKINSON : « The art of the ancient Near East », *Metropolitan Museum of Art Bulletin*, mars 1949.

۴ ایران هخامنشی

Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient, édition L. Langlès, 10 volumes, Paris, 1811.
G. CONTENAU : *Manuel d'archéologie orientale*, 4 volumes, Paris, 1927-1947.
A CHRISTENSEN : *Die Iranier*. (Handbuch der Altertumswissenschaft, III, Munich, 1933.)
C.-M. DALTON : *The Treasure of the Oxus*, Londres, 1926.
M. DIEULAFOY : *L'art antique de la Perse*, 5 volumes, Paris, 1884-1885; le tome II est consacré aux monuments de Persépolis et le tome III à la sculpture persépolitaine.
M. DIEULAFOY : *L'acropole de Suse*, Paris, 1890.
E. FLANDIN et P. COSTE : *Voyage en Perse*, 2 volumes, Paris, 1851.
E. FLANDIN : *Relation du voyage en Perse*, 2 volumes, Paris, 1851-1852.
A. GODARD : « L'art de la Perse ancienne », dans *Nouvelle histoire universelle de l'art*, Paris, 1932.
HÉRODOTE : *Histoires*.
E. HERZFELD : « The pre-achaemenian and the achaemenian epochs », dans *Archaeological History of Iran*, Londres, 1935.
E. HERZFELD : *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 9 volumes, Berlin, 1929-1938.
E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East*.
C. HUART : *La Perse antique et la civilisation iranienne*, Paris, 1925.
R.-G. KENT : *Old Persian*, 2e édit., American oriental Society, New Haven, 1953.
R.-G. KENT : *Old Persian*, American oriental Society, 1950.
L.-W KING and R.-C. THOMPSON : *The sculptures and inscriptions of Darius the Great on the rock of Behistun in Persia*. Londres, 1907.
F.-W. KÖNIG : *Aelteste Geschichte der Meder und Perser*. (Der alte Orient), Leipzig, 1934.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

A.-M. MEILLET et E. BENVENISTE : *Grammaire du vieux-perse*, Paris, 1932.
Th. NOELDEKE : *Etudes historiques sur la Perse ancienne*, trad. O. Wirth, Paris, 1896.
H.-S. NYBERG : *Die Religionen des alten Iran*, Leipzig, 1938.
H.-S. NYBERG : *Das Reich der Achämeniden*. (Historia mundi, t. III), Berne, 1954.
A.-T. OLMSTEAD : *History of the Persian Empire*, Chicago, 1948.
R. KER PORTER : *Travels in Georgia, Persia, Armenia...*, 2 volumes, Londres, 1821.
G. PERROT et Ch. CHIPIEZ : *Histoire de l'art dans l'antiquité*, 11 volumes, « La Perse », t. V, Paris, 1890.
G. RADET : *Alexandre le Grand*, Paris, 1931.
SILVESTRE de SACY : *Mémoire sur diverses antiquités de la Perse*, Paris, 1793. Nouvelle édition : Paris, 1840.
F. SARRE : *L'art ancien de la Perse*, trad. Paul Budry, Paris, 1921.
F. SARRE et E. HERZFELD : *Iranische Felsreliefs*, Berlin, 1910.
E. SCHMIDT : *Flights over the Ancient Cities of Iran*.
E. SCHMIDT : *The Treasury of Persepolis and other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians*, Chicago, 1939.
E. SCHMIDT : *Persepolis*, t. I., Chicago, 1953-1960.
A. STEIN : « An archaeological Tour in the Ancient Persis », *Iraq III*, n° 2.
F. STOLZE et F.-C. ANDREAS : *Persepolis*, Berlin, 1882.
A Survey of Persian Art : 6 volumes, vol. I, texte 1938, vol. IV, planches (1938).
C. TEXIER : *Description de l'Arménie, la Perse et la Mésopotamie*, 2 volumes, Paris, 1842-1852.

۳ ایران سلوکی و اشکانی

F. ALTHEIM : *Weltgeschichte Asiens im griechischen Zeitalter*, I, Halle, 1947.
F. ALTHEIM : *Alexandre et l'Asie*, trad. française H.-E. del Medico, Paris, 1954.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

E. BIKERMAN : *Institutions des Séleucides,* Paris, 1938.
A. BOUCHÉ-LECLERC : *Histoire des Séleucides,* 2 volumes, Paris, 1913.
A. BOUCHÉ-LECLERC : « L'Iran séleucide et parthe », dans *La civilisation iranienne,* Paris, 1952, pp. 75-119.
A. CHRISTENSEN : *L'Iran sous les Sassanides,* 2e édit., Copenhague, 1944 (dans l'introduction : « Résumé de la civilisation iranienne avant l'avènement des Sassanides »).
N.-C. DEBEVOISE : *A political history of Parthia,* Chicago, 1938.
Alfons GABRIEL : *Die Erforschung Persiens,* Wien, 1952.
A. von GUTSCHMID : *Geschichte Persiens zur Zeit der Seleuciden und Arsaciden,* Leipzig, 1894.
E. HERZFELD : *Archaeological history of Iran,* « The hellenistic period », pp. 44-76, Londres, 1935.
E. HERZFELD : *Iran in the Ancient East,* pp. 275-306, Londres-New York, 1941.
P. JOUGUET : *L'impérialisme macédonien et l'hellénisation de l'Orient,* Paris, 1926.
J. de MORGAN : *Manuel de numismatique orientale,* 2 volumes, Paris, 1923.
Neue deutsche ausgrabungen im mittelmeergebeit und im Vorderen Orient, Berlin, 1959.
H.-H. von der OSTEN et R. NAUMANN : *Takht-i Sulaïman,* Berlin, 1961.
Oscar REUTHER : « Parthian architecture », dans *A Survey of Persian Art,* vol. 1, 1938, pp. 411-444.
M.-I. ROSTOVTZEFF : « Dura and the problem of Parthian art », dans *Yale classical studies,* t. V, 1935, pp. 155-304.
M.-I. ROSTOVTZEFF : *Social and economic history of the hellenistic world,* I.
F. SARRE : *L'art de la Perse ancienne,* « L'art de la période séleucide et de la période parthe », trad. Paul Budry, Paris, 1921, pp. 21-28, pl. 58-61.
E.-T. NEWELL : *The coinage of the Eastern Seleucid Mints,* New York, 1938.
W.-W. TARN : *The Greeks in Bactria and India,* 2e édit., Oxford, 1951.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

E. Benveniste : *Les mages dans l'ancien Iran*, Paris, 1938.
E.-G. Browne : *A literary history of Persia*, t. I, 1925.
A. Choisy : *Histoire de l'architecture*, t. I, pp. 100-123.
A. Christensen : *L'Empire des Sassanides*, Copenhague, 1907.
A. Christensen : *L'Iran sous les Sassanides*, 2e édit., Copenhague, 1944.
J. Darmesteter : *Coup d'œil sur l'histoire de la Perse*, Paris, 1885.
J. Darmesteter : *Le Zend-Avesta*, Paris, 1892-1893.
J. Dieulafoy : *La Perse, la Chaldée et la Susiane*. Relation du voyage en Perse, Paris, 1887.
M. Dieulafoy : *L'art antique de la Perse*, 5 volumes, Paris, 1884-1885.
J. Duchesne-Guillemin : *Zoroastre*, Paris, 1949.
Firdawsi : *Le Livre des rois*, trad. J. Mohl, 7 volumes, Paris, 1876.
E. Flandin et P. Coste : *Voyage en Perse*, 8 volumes, Paris, 1843-1845.
W. Geiger und E. Kuhn : *Grundriss der iranischen Philologie*, 2 volumes, 1895-1904.
R. Ghirshman : *Bîchâpour*, vol. II, Paris, 1956.
A. Godard : « Voûtes iraniennes », dans *Athâr-é Iran*, 1949.
W.-B. Henning : *Zoroaster, politician or witch-doctor ?*, Oxford, 1951.
E. Herzfeld : *Am Tor von Asien*, 1920.
E. Herzfeld : *Paikuli...*, 2 volumes, Berlin, 1924.
E. Herzfeld : « La sculpture rupestre de la Perse sassanide », dans *Revue des Arts asiatiques*, 5e année, pp. 129-142.
E. Herzfeld : *Archaeological history of Iran*, Londres, 1935.
E. Herzfeld : *Zoroaster and his world*, I-II, Princeton, 1947.
E. Honigmann et A. Maricq : *Recherches sur les « Res Gestae divi Sapores »*, Bruxelles, 1953.
Cl. Huart : *La Perse antique et la civilisation iranienne*, Paris, 1925.
W. Jackson : *Zoroaster*, New York, 1927.
J. Labourt : *Le christianisme dans l'Empire perse*, Paris, 1904.
La civilisation iranienne, « L'Iran sassanide », pp. 120-167, Paris, 1952.
J. Marquart : *Eransahr...*, Berlin, 1901.
J. de Morgan : *Manuel de numismatique orientale*, Paris, 1923.
J.-H. Moulton : *Early Zoroastrism*, Londres, 1913.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

Th. NOELDEKE : *Etudes historiques sur la Perse ancienne,* trad. O. Wirth, Paris, 1896.
J. ORBELI et C. TREVER : *Orfèvrerie sassanide,* Moscou-Léningrad, 1935.
M. PÉZARD : *La céramique archaïque de l'Islam,* Paris, 1920.
Ch.-H. PUECH : *Le manichéisme,* Paris, 1950.
A.-I. SILVESTRE de SACY : *Mémoires sur diverses antiquités de la Perse,* 1793, nouvelle édit., Paris, 1840.
F. SARRE : *L'art de la Perse ancienne,* trad. Paul Budry, Paris, 1921.
F. SARRE et E. HERZFELD : *Iranische Felsreliefs,* Berlin, 1910.
SMIRNOFF : *Argenterie orientale,* 1909.
A Survey of Persian art, vol. I, pp. 493-830, Oxford, 1938.
C.-F.-M. TEXIER : *Description de l'Arménie, la Perse et la Mésopotamie,* 2 volumes, Paris, 1830 et 1842-1852.
R.-C. ZAEHNER : *Zurvan,* Oxford, 1955.

۵ ایران اسلامی

T.-W. ARNOLD : *Painting in Islam,* Oxford, 1928.
Athâr-é Iran. Annales du Service archéologique de l'Iran, Téhéran, 1936-1949.
Ars Islamica, Ann Arbor, U.S.A., à partir de 1934.
Max VAN BERCHEM : « L'architecture musulmane de la Perse », dans *Journal des Savants,* 1911.
Max VAN BERCHEM : « The Mosaics of the Dome of the Roc at Jerusalem and the Great Mosque at Damascus », *Creswell, Early Muslim Architecture,* Oxford, 1932.
E. BLOCHET : *Les enluminures des manuscrits orientaux-turcs, arabes, persans de la Bibliothèque Nationale,* Paris, 1926.
W. BODE : *Altpersische Knüpfteppiche,* Berlin, 1904.
Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient, édit. L. Langlès, 10 volumes, Paris, 1811.
La civilisation iranienne, Paris, 1952. « L'Iran musulman du VII^e^ au XV^e^ siècle », pp. 168-211 ; « Des Safavis aux Pahlavis », pp. 212-234.
A. CHOISY : *Histoire de l'architecture,* 2 volumes, Paris, 1955.
E. COHN-WIENER : *Turan,* Berlin, 1930.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

H. CORBIN : *Terre céleste et corps de résurrection de l'Iran mazdéen à l'Iran shî'ite*, Paris, 1960.
P. COSTE : *Monuments modernes de la Perse*, Paris, 1867.
E. DIEZ : *Churasanische Baudenkmäler*, Berlin, 1918.
R. ETTINGHAUSEN : « La peinture arabe », *Les trésors de l'Asie*, Genève, 1962.
S. FLURY : *Islamische Schriftbänder*, Bâle-Paris, 1920.
A. GODARD : *Les monuments de Marâgha*, Paris, 1934.
I. GOLDZIHER : *Le dogme et la loi de l'Islam*, trad. F. Arin, Paris, 1920.
B. GRAY : « La peinture persane », *Les trésors de l'Asie*, édit. Skira, Genève, 1961.
A.-E. HANGELDIAN : *Les Tapis d'Orient*, Paris, 1962.
E. HERZFELD : *Die Malereien von Samara*, Berlin, 1927.
HOMMAIRE de HELL : *Voyages en Turquie et en Perse*, Paris, 1854-1860.
H.-H. HOWORTH : *History of the Mongols*, t. III. « The Mongols of Persia », Londres, 1888. T. IV, Supplément et index, Londres, 1927.
E. KUHNEL : *Miniaturmalerei im islamischen Orient*, Berlin, 1922.
E. KUHNEL : *Persische Miniaturmalerei*, Berlin, 1959.
B. LEWIS : *The Arab History*, London, 1958.
G. MARÇAIS : *Manuel d'art musulman*. « L'architecture (Tunisie, Algérie, Maroc, Sicile) », 2 volumes, Paris, 1927.
G. MARÇAIS : « L'art de l'Islam », dans *Nouvelle histoire universelle de l'art*, t. II, pp. 305-330, Paris, 1932.
F.-R. MARTIN : *The miniature painting and painters of Persia, India and Turkey from the 8th to the 18th century*, 2 volumes, Londres, 1912.
L. MASSIGNON : « Les méthodes de réalisation artistique des peuples de l'Islam », *Syria II*, 1921.
G. MIGEON : *Manuel d'art musulman*. « Arts plastiques et industriels », 2 volumes, Paris, 1927.
R.-A. NICHOLSON : *A Litterary History of the Arabs*, New York, 1907.
Relation du voyage d'Adam Olearius en Moscovie, Tartarie et Perse, 2 volumes, Paris, 1866.
H. SALADIN : *Manuel d'art musulman*, « L'architecture », Paris, 1907.
F. SARRE : *Denkmäler persischer Baukunst*, Berlin, 1910.
Bertold SPULER : *Iran in früh-islamischer Zeit*, Wiesbaden, 1952.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

I. STCHOUKINE : *La peinture iranienne sous les derniers Abbâsides et les Il-Khâns,* Bruges, 1930.
I. STCHOUKINE : *Les peintures des manuscrits safawis de 1502 à 1587.* Paris, 1959.
LOTHROP STODDARD : *Le nouveau monde de l'Islam,* trad. A. Doysié Paris, 1923.
A Survey of Persian Art, 6 volumes, Oxford, 1938-1939.
H. VIOLLET et S. FLURY · *Un monument des premiers siècles de l'Hégire en Perse.* « La mosquée de Nayin », dans *Syria,* 1921, pp. 226-234, 305-316.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست نوشته‌ها

دربارهٔ نویسنده ۱
مقدمهٔ نویسنده ۳

بخش اول . ایران اولیه

۱ فلات ایران‌وسلسله جبال زاگرس ۶
۲ ایران اولیه ۹
اشیاء مفرغی لرستان ۲۵
یادداشتهای بخش اول
۱ ناحیه املش ۸۹
۲ دره‌های لرستان مرکزی ۹۰
۳ آهن ومفرغ ۱۰۳
٤ زیویه وحسنلو ۱۰٤

بخش دوم . ایران هخامنشی

۱ ازکورش دوم‌تاداریوش سوم ۱۰۸
۲ ایران هخامنشی ۱۳٤
حجاری دوره هخامنشی ۱٤٦
سکه زنی در دوره هخامنشی ۱۷۰
یادداشتهای بخش دوم
آئین مزدائی درآغاز ۱۷٤

بخش سوم . ایران دردوره سلوکی و اشکانی

۱ ازاسکندرکبیرتا اردوان پنجم ۱۷٦
۲ ایران دردوره‌های سلوکی‌واشکانی ۱۸۲
حجاری اشکانی ۲۱۲
مسکوکات پارت ۲۲۲

بخش چهارم . ایران ساسانی

۱ از اردشیر اول تا یزدگردسوم ۲۲۵
۲ ایران در دورهٔ ساسانی ۲۳۲
حجاری ساسانی ۲٦۸
زرگری ساسانی ۲۹٤
پارچه‌های ساسانی ۲۹۵
مسکوکات ساسانی ۳۰۵
یادداشتهای بخش چهارم
۱ آئین زردتشت ، مزدائی ساسانی، مانوی ومزدکی ۳۰٦
۲ درباب ریشهٔ معماری‌گوتیك ۳۱۱

بخش پنجم . ایران اسلامی

۱ دوران اسلامی ۳۲۵
۲ ایران اسلامی ۳٤۳
مساجد چهارطاقی ۳۷۹
مساجد ایوانی ٤۰۹
مسجداز نوع ایوان کرخه ٤۱۱
مسجد بزرك ایرانی ٤۱۲
نقاشی اسلامی ٤٦۷
قالیهای اسلامی ٤۷۱
مسکوکات اسلامی ٤۷۳
جدولهای تاریخی ٤۷۷
یادداشتها ٤۸۹
فهرست نشریات

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست شکل‌ها

بخش اول . ایران اولیه

نقشه ۱ ایران اولیه در صفحهٔ ۸
شکل‌های ۱ تا ۵ » ۱۱
شکل‌های ۶ تا ۱۰ » ۱۲
شکل‌های ۱۱ تا ۱۴ » ۲۷
شکل‌های ۱۵ تا ۱۸ » ۲۸
شکل‌های ۱۹ تا ۲۳ » ۲۹
شکل‌های ۲۴ تا ۲۸ » ۳۰
شکل‌های ۲۹ و ۳۰ » ۳۱
شکل‌های ۳۱ تا ۳۶ » ۴۵
شکل‌های ۳۷ تا ۴۲ » ۵۸
شکل‌های ۴۳ تا ۴۸ » ۶۰
شکل‌های ۴۹ تا ۵۴ » ۶۳
شکل‌های ۵۵ تا ۵۹ » ۶۴
شکل‌های ۶۰ تا ۶۷ » ۶۹
شکل‌های ۶۸ تا ۷۴ » ۷۰
شکل‌های ۷۵ تا ۷۸ » ۷۱
شکل‌های ۷۹ تا ۸۲ » ۷۴
شکل‌های ۸۳ تا ۸۸ » ۷۵
شکل‌های ۸۹ تا ۹۳ » ۷۶
شکل‌های ۹۴ تا ۱۰۳ » ۸۰
شکل‌های ۱۰۴ تا ۱۱۰ » ۸۱
شکل‌های ۱۱۱ تا ۱۱۷ » ۸۴
شکل‌های ۱۱۸ تا ۱۲۰ » ۸۵
شکل‌های ۱۲۱ تا ۱۲۶ » ۸۸
شکل‌های ۱۲۷ تا ۱۳۴ » ۱۰۶
شکل‌های ۱۳۵ تا ۱۳۸ » ۱۰۷

بخش دوم . ایران هخامنشی

نقشهٔ ۲ . ایران هخامنشی درصفحهٔ ۱۰۸
شکل‌های ۱۳۹ تا ۱۴۳ » ۱۳۵
شکل ۱۴۴ » ۱۴۴
شکل‌های ۱۴۵ تا ۱۵۲ » ۱۷۲

بخش سوم . ایران سلوکی و پارت

نقشهٔ ۳ . ایران‌سلوکی‌واشکانی درصفحهٔ ۱۸۱
شکل‌های ۱۵۳ تا ۱۵۸ » ۱۸۹
شکل‌های ۱۵۹ تا ۱۶۷ » ۲۲۰

بخش چهارم . ایران ساسانی

نقشهٔ ۴ . ایران ساسانی درصفحهٔ ۲۲۶
شکل‌های ۱۶۸ تا ۱۷۰ » ۲۳۴
شکل‌های ۱۷۱ تا ۱۷۵ » ۲۳۵
شکل‌های ۱۷۶ تا ۱۷۹ » ۲۵۴
شکل‌های ۱۸۰ و ۱۸۱ » ۲۵۸
شکل‌های ۱۸۲ تا ۱۸۸ » ۲۶۰
شکل‌های ۱۸۹ تا ۱۹۱ » ۳۰۰
شکل‌های ۱۹۲ تا ۱۹۴ » ۳۱۵

بخش پنجم . ایران اسلامی

نقشهٔ ۵ ایران اسلامی درصفحهٔ ۳۴۳
شکل‌های ۱۹۵ تا ۱۹۷ » ۳۷۰
شکل‌های ۱۹۸ تا ۲۰۰ » ۳۷۱
شکل‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ » ۳۷۳
شکل‌های ۲۰۴ تا ۲۰۸ » ۳۷۵
شکل‌های ۲۰۹ تا ۲۱۴ » ۳۷۸
شکل‌های ۲۱۵ تا ۲۱۷ » ۳۸۱
شکل‌های ۲۱۸ تا ۲۲۱ » ۳۸۲
شکل‌های ۲۲۲ تا ۲۲۵ » ۴۱۷
شکل‌های ۲۲۶ تا ۲۳۱ » ۴۱۹
شکل‌های ۲۳۲ و ۲۳۳ » ۴۲۲
شکل‌های ۲۳۴ تا ۲۴۰ » ۴۲۷
شکل‌های ۲۴۰ تا ۲۴۳ » ۴۳۸
شکل‌های ۲۴۴ تا ۲۴۵ » ۴۵۹
شکل‌های ۲۴۶ تا ۲۴۸ » ۴۶۴

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست عکسها

بخش اول . ایران اولیه

شرح عکسهای	۱	تا ۹	در صفحهٔ	۱۶	
عکسهای	۱	تا ۹	درصفحه‌های	۱۷	تا ۲۴
شرح عکسهای	۱۰	تا ۲۰	در صفحهٔ	۳۲	
عکسهای	۱۰	تا ۲۰	درصفحه‌های	۳۳	تا ۴۰
شرح عکسهای	۲۱	تا ۲۸	در صفحهٔ	۴۸	
عکسهای	۲۱	تا ۲۸	درصفحه‌های	۴۹	تا ۵۶
شرح عکسهای	۲۹	تا ۳۵	در صفحهٔ	۹۲	
عکسهای	۲۹	تا ۳۵	درصفحه‌های	۹۳	تا ۱۰۰

بخش دوم . ایران هخامنشی

شرح عکسهای	۳۶	تا ۵۸	درصفحه‌های	۱۱۱	و ۱۱۲
عکسهای	۳۶	تا ۵۸	درصفحه‌های	۱۱۳	تا ۱۲۸
شرح عکسهای	۵۹	تا ۷۸	درصفحه‌های	۱۵۱	و ۱۵۲
عکسهای	۵۹	تا ۷۸	در صفحه‌های	۱۵۳	تا ۱۶۸

بخش سوم . ایران سلوکی و پارت

شرح عکسهای	۷۹	تا ۹۶	درصفحه‌های	۱۹۱	و ۱۹۲
عکسهای	۷۹	تا ۹۶	درصفحه‌های	۱۹۳	تا ۲۰۴

بخش چهارم . ایران ساسانی

شرح عکسهای	۹۷	تا ۱۰۵	در صفحهٔ	۲۳۶	
عکسهای	۹۷	تا ۱۰۵	درصفحه‌های	۲۳۷	تا ۲۴۴
شرح عکسهای	۱۰۶	تا ۱۲۲	درصفحه‌های	۲۷۵	و ۲۷۶
عکسهای	۱۰۶	تا ۱۲۲	درصفحه‌های	۲۷۷	تا ۲۹۲

بخش پنجم . ایران اسلامی

شرح عکسهای	۱۲۳	تا ۱۳۴	در صفحهٔ	۳۵۶	
عکسهای	۱۲۳	تا ۱۳۴	درصفحه‌های	۳۵۷	تا ۳۶۸
شرح عکسهای	۱۷۵	تا ۱۶۲	درصفحه‌های	۳۸۳	و ۳۸۴
عکسهای	۱۳۵	تا ۱۶۲	درصفحه‌های	۳۸۵	تا ۴۰۸
شرح عکسهای	۱۶۳	تا ۱۷۹	در صفحهٔ	۴۴۰	
عکسهای	۱۶۳	تا ۱۷۹	درصفحه‌های	۴۴۱	تا ۴۵۶

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org